

# تعلیم و تربیت کودک

Child Guidance

الن . جی . وایت

E G White

مترجم: الف. خان زاده

Genre: Christian Theology رسته الهیات مسیحی  
هرگونه چاپ و یا فتوکپی از این کتاب منوط به کسب مجوز رسمی میباشد  
Copyright 2011 © 902121 187854 162411 811162 581819 311

	بخش اول: خانه: مدرسه نخست	
۶	اهمیت مدرسه خانگی	فصل ۱
۹	املین آموزگاران	فصل ۲
۱۳	چه زمانی آموزش کودک را شروع کنیم	فصل ۳
	بخش دوم: شیوه های آموزشی و کتب درسی	
۱۵	روشهای تعلیم	فصل ۴
۲۲	کتاب مقدس بعنوان کتاب درسی	فصل ۵
۲۴	کتاب طبیعت	فصل ۶
۳۰	دروس عملی از کتاب طبیعت	فصل ۷
	بخش سوم: معلمین باید باندازه کافی آموزش دیده باشند	
۳۵	اقدامات مقدماتی لازم است	فصل ۸
۴۱	فراخوان برای تزکیه نفس (خودبهبودی)	فصل ۹
	بخش چهارم: مهمترین درس اطاعت و فرمانبرداری است	
۴۶	کلید شادی و موفقیت	فصل ۱۰
۴۸	تعلیم و تربیت از دوران خردسالی و طفولیت	فصل ۱۱
۵۰	اطاعت باید عادت بشود	فصل ۱۲
	بخش پنجم: دروس اساسی دیگر	
۵۳	خویشننداری (کنترل نفس)	فصل ۱۳
۵۷	سکوت - احترام و تکریم	فصل ۱۴
۶۰	از املاک و دارایی باید مراقبت شود	فصل ۱۵
۶۱	اصول بهداشت	فصل ۱۶
۶۳	پاکیزگی	فصل ۱۷
۶۶	آراستگی و نظم و ترتیب	فصل ۱۸
۶۸	پاکدامنی	فصل ۱۹
۷۱	مفید بودن	فصل ۲۰
۷۳	حرفه و پیشه	فصل ۲۱
۷۷	پشتکار و مداومت	فصل ۲۲
۷۹	پرهیزگاری - تواضع - با فکر و ملاحظه بودن	فصل ۲۳
۸۲	اقتصاد و صرفه جوئی	فصل ۲۴
	بخش هفتم: رشد ویژگیهای مسیحی	
۸۴	سادگی	فصل ۲۵
۸۷	ادب و نزاکت	فصل ۲۶



۸۸	خوشی و سپاس	فصل ۲۷
۹۱	صداقت	فصل ۲۸
۹۳	راستی و درستی	فصل ۲۹
۹۵	خود اتکایی و حس عزت و احترام	فصل ۳۰
	بخش هشتم: بزرگترین وظیفه: رشد شخصیت	
۹۷	اهمیت شخصیت و منش	فصل ۳۱
۹۹	شخصیت چگونه شکل میگیرد	فصل ۳۲
۱۰۳	مسئولیت پدر و مادر در شکل گیری شخصیت	فصل ۳۳
۱۰۷	راههایی که شخصیت را تباه میکند	فصل ۳۴
۱۱۳	والدین چگونه میتوانند شخصیت‌های قوی بنا کنند	فصل ۳۵
	بخش نهم: عناصر بنیادی بنای شخصیت	
۱۱۸	امتیاز سالهای اولیه	فصل ۳۶
۱۲۳	نیروی غریزه و عادات	فصل ۳۷
۱۲۶	سن و خلق و خو و مزاج را مورد بررسی قرار دهید	فصل ۳۸
۱۳۰	اراده عاملی برای توفیق	فصل ۳۹
۱۳۴	اصول مسیحی را سرمشق قرار بدهید	فصل ۴۰
	بخش دهم: تربیت و اداره آن	
۱۳۸	اهداف تعلیم و تربیت	فصل ۴۱
۱۴۳	زمان آغاز تعلیم و تربیت	فصل ۴۲
۱۴۶	نظم و انضباط در خانه	فصل ۴۳
۱۵۴	تادیب و تربیت اصلاحی	فصل ۴۴
۱۶۴	محبت و ثبات عزم	فصل ۴۵
	بخش یازدهم: تربیت ناقص	
۱۷۲	اهریمن عشرت طلبی	فصل ۴۶
۱۷۵	تربیت سهل انگارانه و ثمره آن	فصل ۴۷
۱۷۸	واکنش کودک	فصل ۴۸
۱۸۵	رفتار وابستگان و خویشان	فصل ۴۹
	بخش دوازدهم: رشد قدرتهای ذهنی	
۱۸۷	آموزش واقعی شامل چه چیزی است؟	فصل ۵۰
۱۹۲	آمادگی برای مدرسه	فصل ۵۱
۱۹۴	انتخاب مدرسه	فصل ۵۲
۲۰۰	مسئولیت کلیسا	فصل ۵۳
۲۰۴	مشارکت معلمین و والدین	فصل ۵۴
۲۰۷	اتحاد در انضباط و تادیب و تربیت	فصل ۵۵



۲۱۱	آموزش آکادمیک و دانشگاهی	فصل ۵۶
	بخش سیزدهم: اهمیت عمده رشد جسمی	
۲۱۷	ورزش و سلامتی	فصل ۵۷
۲۲۱	آموزش برای زندگی عملی	فصل ۵۸
۲۲۸	آموزش حرفه مفید	فصل ۵۹
۲۳۲	علم اطاعت از قوانین زندگی	فصل ۶۰
	بخش چهاردهم: برقراری و ابقای توانایی جسمی	
۲۳۸	خانه دار در آشپزخانه	فصل ۶۱
۲۴۳	خوردن برای زنده ماندن	فصل ۶۲
۲۵۵	اعتدال در همه چیز	فصل ۶۳
۲۶۷	خانه و جهاد برای اعتدال	فصل ۶۴
	بخش پانزدهم: لباس مناسب	
۲۶۶	برکات لباس مناسب	فصل ۶۵
۲۷۱	آموزش اصول اساسی پوشش	فصل ۶۶
	بخش شانزدهم: حفظ اصول اخلاقی	
۲۸۰	قدرت مسحور کننده مد	فصل ۶۷
۲۸۳	شیوع و رواج چیزهای جزئی تباه کننده	فصل ۶۸
۲۸۷	تأثیرات اعمال مضر	فصل ۶۹
۲۹۰	احتیاطات و مشاوره ها	فصل ۷۰
۲۹۶	مراقبتهای والدین و کمک	فصل ۷۱
۳۰۱	نزاع برای اصلاحات	فصل ۷۲
	بخش هفدهم: بیدار کردن قدرتهای روحانی	
۳۰۵	مسئولیت برای عاقبت بخیری	فصل ۷۳
۳۱۲	هر خانه ای کلیساست	فصل ۷۴
۳۱۶	هدایت بچه های کوچک بسوی مسیح	فصل ۷۵
۳۲۱	آمادگی برای عضویت در کلیسا	فصل ۷۶
	بخش هجدهم: ایقا و ادامه تجربه های روحانی	
	کتاب مقدس در خانه	فصل ۷۷
۳۳۷	قدرت دعا	فصل ۷۸
۳۴۴	سبت - روز شادی	فصل ۷۹
۳۵۲	احترام برای چیزهایی که مقدس است	فصل ۸۰
۳۵۹	هماهنگی و تشریک مساعی خانه و کلیسا	فصل ۸۱
۳۶۳	زمان بسر رسیده است	فصل ۸۲
۳۶۶	پاداش	فصل ۸۳



## دیباچه

دین برای انسان آمده و نه انسان برای دین. دین یا مذهب یعنی "راه" که به سعادت و رستگاری بشر ختم میشود. بیایید دست در دست هم داده و با مطالعه کتب بر دانش خود بیفزائیم تا برای همه انسانها مفید فایده باشیم. کسب دانش با آموزش آغاز میشود و اولین مدرسه خانه است و اولین شاگردان مدرسه کودکان هستند که باید برای این جهان و جهان آخرت تربیت شوند. بیایید کودکان خود را برای دوستی و محبت و خدمت به همنوع تربیت کنیم و از همین امروز کار خود را شروع کنیم زیرا ممکن است که فردا دیر باشد. بیایید فرهنگ گفتگو و تساهل و دوستی را در جهان منتشر کنیم تا دنیای زیباتری برای زندگی داشته باشیم. بهتر است دیدگاه خود را نسبت به زندگی و جهان بهبود بخشیم و نسبت به یکدیگر بخشنده و مهربان باشیم زیرا که خداوند بخشنده و مهربان است.

مترجم



## خشت اول چون نهند معمار کج تا ثریا میرود دیوار کج

تربیت کودک مهم تر از غذاهای لذیذ و لباسهای رنگارنگ و اسباب بازیهای گرانبها برای اوست. کودکان مدیران آینده دنیا هستند. ابن سینا ، زکریای رازی ، حافظ ، سعدی ، مولوی و فردوسی ، آبرت اینشتاین ، توماس ادیسون ، دکتر محمود حسابی و هزاران دانشمند و فرهیخته همگی دوران کودکی را سپری کردند و نام خود را در قله افتخارات جهان ثبت نمودند. آری! کودکان امروز ما نیز روزی تاج افتخار والدین و جهان خواهند شد. کودکان نهالهای کوچکی هستند که به مراقبت و تربیت نیازمندند تا روزی تنومند گردیده و میوه بیاورند. پس بیایید تربیت کودکانمان را جدی بگیریم تا جامعه ای خوب و جهانی بهتر داشته باشیم. مترجم

### بخش ۱

#### خانه : مدرسه نخست

### فصل اول

#### اهمیت مدرسه خانگی

**تعلیم و تربیت در خانه شروع میشود-** تربیت کودک باید از خانه شروع شود. خانه اولین مدرسه کودک است. والدین در مدرسه خانگی بعنوان مربیان و مرشدانی هستند که در سراسر زندگی کودک را هدایت میکنند. کودکان دروس کرامت ، فرمانبرداری کردن ، احترام گذاردن و خویشنداری یا کنترل نفس را می آموزند. اثرات آموزشی در خانه منتج به خیر یا شر میشود. این دروس در خانه در بسیاری جهات غیرگفتاری و تدریجی هستند ولی چنانچه در جهت درست بکار برده شوند نیرویی بالقوه برای حقیقت جویی و عدالت طلبی خواهند گردید. اگر کودک درست آموزش داده نشود شیطان از طریق عوامل خود او را تعلیم خواهد داد. پس میبینیم که مدرسه خانگی چقدر اهمیت دارد.



**شالوده درست تربیت در خانه چیده میشود-** این وظیفه والدین است تا فرزندان خود را از نظر جسمی و عقلی و روحی پرورش دهند. ایجاد شخصیت متعادل و متناسب باید هدف هر پدر و مادری باشد. این کار کوچک و بی اهمیتی نیست - کاری که فکر و دعاهای بسیاری میطلبد و مستلزم شکیبایی و تلاش بی شائبه است. پی ریزی باید درست صورت بگیرد. که دارای چارچوبی مستحکم و استوار و پابرجاست و روز بروز کار بنا با تهذیب و و بی نقص بایستی به پیش برود.

**اگر هر چیزی را از کودک خود محروم میسازید ولی حق آموزش را به او بدهید-** والدین بخاطر داشته باشید که خانه شما مدرسه کارآموزی است که فرزندانان باید در آنجا برای خانه آسمانی آماده شوند. اجازه داشتن هر چیزی را به آنها ندهید مگر آموزش، که بایستی آن را در سالهای ابتدایی استحصال نمایند. به آنها اجازه ندهید تا کلمات پست و رکیک را بکار برند. به فرزندان خود بیاموزید که مهربان و صبور باشند.

به آنها آموزش بدهید که بفکر دیگران هم باشند. از اینرو شما آنان را برای خدمات برتری در امور مذهبی و اجتماعی آماده میسازید. خانه بایستی مدرسه آماده سازی و کارآموزی باشد محلی که که کودکان و جوانان شایسته و درخور کار برای پروردگار باشند: آموزش مقدماتی برای پیوستن به مدرسه ملکوت خدا.

**این یک موضوع فرعی نیست-** مگذارید تا تعلیم و تربیت خانگی بعنوان موضوعی فرعی تلقی شود. آموزش اولین مکان رادر همه تعالیم درست بخود اختصاص میدهد. پدران و مادران قالب ذهنی فرزندان خود را طراحی میکنند. این تمثیل سلیمان چقدر تکان دهنده است: "نهال که کج باشد درخت خمیده رشد میکند". این ضرب المثل باید برای تربیت کودکان بکار برده شود. روی این سخن با والدین است. آیا بخاطر خواهید سپرد که آموزش فرزندانان بعنوان میثاق و وظیفه ای روحانی از دوران شباب بدست شما سپرده شده است؟ این نهالهای کوچک باید با ملاحظت و دلسوزی تربیت شوند که بتوانند در بوستان خداوند کاشته شوند. به هر منظور آموزش خانگی نباید مورد غفلت و کوتاهی واقع گردد. آنانیکه از وظیفه روحانی خود سهل انگاری میکنند در واقع از وظیفه روحانی خود کوتاهی میورزند.



**حوزه عظیم آموزش خانگی - آموزش خانگی** دارای مفهوم زیادی است. این موضوع حدود وظائف وسیعی را در بر دارد. ابراهیم پدر وفادار نامیده شده بود.

در زمره چیزهایی که ابراهیم را الگوی برجسته دینداری ساخته بود توجه و رعایت قاطعی بود که برای احکام خدا در خانه مبذول می‌داشت. او انجام امور و تکالیف مذهبی را در خانه رواج داده بود.

پروردگار که تعلیم و تربیت را به هر خانه ای واگذار کرده کسی است که اثر این تعلیم را می‌سجد و می‌فرماید: "زیرا او را می‌شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق خداوند را حفظ نمایند و عدالت و انصاف را بجا آورند."

خداوند به عبرانیان فرمان داد تا خواسته هایش را به فرزندان خود تعلیم دهند و آنان را با تمام اموری که خدا با امت خویش سر و کار دارد آشنا سازند. در آنجا خانه و مدرسه یکی بود. در عوض لب‌های یک غریبه این قلب‌های رئوف پدر و مادر بود که فرزندان‌شان را تعلیم میداد. اندیشه های خداوند با همه وقایع زندگی روزانه در خانه مرتبط بود. داستان حقیقی کارهای عظیم خدا از رهایی و رستگاری امت خویش با لحنی شیوا و دلنشین و با تکریم فراوان تعریف میشد. حقیقت عظیم مشیت الهی و حیات اخروی بر ذهن جوان نقش می‌بست. و کودکان و نوجوانان با راستی و نیکوئی و زیبایی مانوس میشدند. با استفاده از شکلها و سمبلها دروس ارائه شده مصور میشدند و بدین گونه محک‌تر و بهتر در حافظه نقش می‌بستند. از طریق این تصویرهای خیالی زنده، کودک از مرحله طفولیت به مرحله رازگونه حکمت میرسید آنچه که امید و آمال‌های پدرشان بود و در مسیر اندیشه و حس و انتظاراتی سوق داده میشد که فراتر از چیزهای فانی و زودگذر بود که همانا نادیده ها و ابدیت بود.

**مقدمات و آماده سازی برای مدرسه روزانه -** کار والدین بر کار معلم تقدم دارد. آنان تعلیم کلاس اول<sup>1</sup> مدرسه خانگی را بعهده خواهند داشت. اگر آنان وظیفه خود را با دقت و دعا انجام دهند آنوقت کودکان خویش را برای ورود به کلاس دوم آماده خواهند کرد تا تربیت و تعلیم را از آن پس، از معلم خود فرا گیرند.





**اسلوب شخصیت-** در واقع خانه میتواند مدرسه ای باشد که کودکان شخصیت خود را در آنجا شکل دهند.

**تعلیم و تربیت در خانه ای در ناصره<sup>2</sup>** - عیسی تعلیم خود را از خانه کسب نمود. مادر او اولین معلم بشری او بود. او از لبان مادر و از طومارهای انبیاء مطالب آسمانی را می آموخت. او در خانه ای روستایی زندگی میکرد و با ایمان و مسرت سهم خود را در بدوش گرفتن مسئولیتهای خانگی ادا مینمود. آن سرور ملکوتی خادمی فرمانبردار و فرزندی محبوب و مطیع بود. او حرفه ای آموخت و با دستان خویش در کارگاه نجاری یوسف کار میکرد.

## فصل دوم

### اولین آموزگاران

درس معلم ار بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

**والدین باید مسئولیت خویش را بدانند-** پدران و مادران باید اولین آموزگاران فرزندان خویش باشند. پدران و مادران باید مسئولیت خویش را بدانند. دنیا مملو از تله های گوناگونی است که در جلوی پاهای جوانان گذارده شده است. مردم تمایل دارند تا خودسرانه زندگی کنند و جذب لذات نفسانی شوند. آنان قابلیت تشخیص خطرات پنهان یا راههایی که به چیزهای مهملک ختم میشود را ندارند. به نظر آنان این راهها به خوشحالی و شادمانی منجر میشود. آنان بواسطه افراط در شکمبارگی و هوای نفس انرژی خود را تلف میکنند و میلیونها نفر دنیا و آخرت خود را بتباهی میکشانند. والدین باید بیاد بیاورند که فرزندانشان با این وسوسه ها مواجه خواهند گردید. حتی قبل از تولد کودک، تمهیدات باید آغاز شود تا آنان را قادر سازد که بر ضد شریر به پیروزی نائل شوند.

در این وحله فراتر از حمکت بشری نیاز است و والدین باید بدانند که به نحو احسن باید فرزندان خویش را تعلیم دهند تا در این زندگی کار آمد و شاد باشند و برای خدمات عالی و خوشی عظیمتری در آینده آماده شوند.



### تربیت کودک مهمترین بخش از برنامه خداست- تربیت کودکان مهمترین بخش از برنامه خدا

را تشکیل میدهند و این برنامه قدرت مسیحیت را نشان میدهد. مسئولیت جدی بر عهده والدین است. والدین باید فرزندان خویش را تربیت نمایند تا وقتی که وارد جامعه شدند با کسانی که در ارتباط قرار میگیرند خیریت و نیکی کنند نه اینکه به کارهای بد مبادرت ورزند. والدین نباید کار تربیت فرزندان را سبک شمرده و نباید نسبت به هر چیزی کوتاهی و غفلت ورزند. آنان بایستی زمان بیشتری را به مطالعه قوانین کنترل کننده وجود و هستی اختصاص دهند. والدین باید بهوش بوده تا فرزندانشان رفتاری شایسته داشته و از نظر جسمی و ذهنی سالم و تندرست باشند.

متأسفانه خیلی از مدعیان پیروی از مسیح از وظایف خانه کوتاهی میکنند. آنان به اهمیت تعهد و مسئولیت مقدسی که خداوند برای شکل دادن شخصیت فرزندانشان در دستان ایشان واگذار نموده واقف نیستند. با شکل پذیری صحیح شخصیت، فرزندان بنیه معنوی خواهند داشت تا در برابر وسوسه ها و دامهایی که در جلوی پایشان قرار میگیرد مقابله کنند.

**همکاری با خدا الزامی است-** مسیح از پدر نخواست تا حواریون خود را از دنیا خارج کند بلکه آنان را از وسوسه های شریر در جهان محافظت کند و آنان را از تسلیم شدن در مقابل وسوسه ها مراقبت کند. پدران و مادران باید برای این موضوع برای فرزندانشان دعا کنند. ولی آیا آنان باید از خدا درخواست کنند و یا اینکه فرزندان خود را رها کرده تا هر چه که آنان را خشنود میسازد انجام دهند؟ چنانچه والدین با خداوند همکاری نکنند او نمیتواند فرزندان را از شریر دور نگهدارد. والدین باید با دلیری و شادمانی کار خود را در دست گیرند و آنها را بردباری و خستگی ناپذیری ادامه دهند. اگر والدین احساس کنند که هیچ وقت از مسئولیت تربیت و تعلیم کودکان خویش برای خدا فارغ نیستند- اگر آنان کار خود را با ایمان انجام دهند و با دعاهای مشتاقانه با خدا همکاری کنند آنوقت موفق خواهند شد تا فرزندان خود را نزد منجی بیاورند.

**چگونه یک زوج میتواند با مسئولیتهای خویش آشنا شوند-** فرشته ای از آسمان نازل شد. او زکریا و ایصابات را راهنمایی کرد که چگونه فرزند خویش را تعلیم و تربیت کنند. آموزش آنان میبایست با کار خدا در توازن و هماهنگی بوده و پیام آور آمدن مسیح باشد. زکریا و همسرش بعنوان والدین با ایمان با خدا همکاری نمودند. آنان شخصیت یحیی را شکل دادند تا برای ایفای کاری که خدا به او محول نموده بود شایسته و مناسب باشد.



یحیی پسر دوران کهنسالی آنان بود. او فرزند معجزه بود و والدین او فهمیده بودند که او میبایست کار خاصی را برای خدا انجام بدهد و خدا از او مراقبت خواهد نمود. آنان به منطقه ای بیلاقی برای زمان کهنسالی خود نقل مکان نمودند جایی که پسرشان در وسوسه های زندگی شهری نیفتد و سهم خویش را در رشد شخصیت کودک ایفا نموده و مقدسانه وظیفه خود را انجام دادند.

**کودکان را بعنوان امانت در نظر بگیرید-** والدین باید طوری کودکان خود را در نظر بگیرند که گویی برای آمادگی بمنظور پیوستن به خانواده ای آسمانی از طرف خدا به آنان به امانت سپرده شده اند. آنان را با ترس و با عشق الهی تربیت کنید زیرا که " ترس از خدا آغاز حکمت است". آنانیکه به خدا وفادارند در خانه خود نماینده او هستند. آنان مراقب تربیت فرزندانشان هستند و این کار را کاری روحانی تلقی میکنند که به آنان از سوی باریتعالی بامانت سپرده شده است.

**والدین باید بعنوان معلم مسیحی صلاحیت یابند-** کار والدین که بسیار زیاد است بطور شگرفی مورد غفلت قرار گرفته است. والدین باید از چرت زدن روحانی برخیزند و باید درک کنند که اولین دروسی را که کودک فرا میگیرد از طرف آنهاست. شماستید که به فرزندان خود می آموزید که مسیح کیست. شما باید این کار را قبل از اینکه شیطان بذر های خویش را در قلب کوچک آنان بکار انجام بدهید. مسیح کودکان را فرا میخواند و آنان باید به کوشش در کار و نظم و ترتیب عادت داده شوند. مسیح خواهان آن است تا آنان انضباط را فرا گیرند. گناه در کنار درب والدین خوابیده است مگر اینکه آنان کار را بدست گیرند و شایستگی این را بیابند تا یک معلم خردمند مطمئن و مسیحی واقعی باشند.

**اتحاد در بین والدین ضروری است-** زن و شوهر باید در کار مدرسه خانگی بطور نزدیکی وحدت عمل و فکر داشته باشند. آنان باید حساس و بسیار مراقب گفتارشان باشند مبدا اینکه درب وسوسه را باز کنند که از آن طریق شیطان وارد شده و پیروزی پس از پیروزی کسب خواهد کرد. آنان باید با یکدیگر مودب و مهربان باشند و بطریقی عمل نمایند که بتوانند یکدیگر را احترام بگذارند. هرکدام باید دیگری را دستیاری کنند تا اینکه فضایی دلپذیر و خوشایند در خانه بوجود آورد. آنان نباید در مقابل فرزندانشان متفاوت و بی تفاوت باشند. وقار و شان مسیحی باید حفظ شود.



**آموزگار مخصوصی برای هر فرزند در نظر شده است-** مادر باید همواره در مقام عالی مرتبه در کار آموزش کودکان قرار گیرد. در حالیکه کار سنگین و وظایف مهم بر دوش پدر است مادر باید در تماس دایم با کودکان خود باشد مخصوصاً در خلال دورانی که کودکان لطیف و نازکدل هستند. مادر باید آموزشیار ویژه و همنشین آنان باشد.

**عرصه تعلیم و تربیت وسیعتر از یک آموزش ساده است-** والدین باید درس فرمانبرداری مطلق از ندای حق را فرا بگیرند که از طریق کلام به آنان گفته میشود و هنگامی که این درس را فرا میگیرند میتوانند به فرزندان خود احترام گزاری و اطاعت در گفتار و کردار را یاد دهند. این کاری است که باید در خانه ادامه یابد. این تعلیم و تربیت فراتر از یک آموزش ساده است.

**کار بی نظم و ترتیب پذیرفتنی نیست-** کار بی نظم و ترتیب در خانه از جلوی دید قضاوت عبور نخواهد کرد. ایمان و اعمال هر دو باید توسط والدین مسیحی عجین گردند. همانگونه که ابراهیم به اهل بیت خود دستور داد تا او را پیروی کنند از اینرو والدین باید حکم کنند تا اهل خانه از آنان تبعیت کنند. استاندارد و معیاری را که هر پدر و مادری باید بر آن قائم باشد چنین است: "آنان باید طریق خدا را رعایت کنند". هر راه دیگری به شهر خدا ختم نمیشود بلکه به راه های ویرانی و تباهی میرسد.

**والدین باید کار خود را مرور کنند-** والدین باید در کار تعلیم و تربیت و آموزش فرزندان خود نظر بیندازند و توجه کنند که آیا با امید و ایمان تمام وظیفه خود را انجام داده اند که این کودکان بتوانند در اوج شادی در روز عیسی مسیح باشند؟ آیا آنان برای سعادت و شادکامی فرزندانشان زحمت کشیده اند که عیسی بتواند از آسمان به پائین نگاه کند و با هدیه روح خود تلاش آنان را تقدیس کند؟ والدین! این وظیفه شماست تا فرزندان خود را برای مفید بودن در حد اعلی در این زندگی آماده نمایید و در آخرین جلالی که خواهد آمد مشارکت داشته باشید.



## فصل سوم

### چه زمانی آموزش کودک را شروع کنیم

**تربیت از طفولیت آغاز میشود-** مفهوم تعلیم و تربیت بیش از درسی است که در یک آموزشگاه ارائه میگردد. تعلیم و تربیت هنگامی آغاز میشود که طفل در آغوش مادر قرار دارد. وقتی که مادر در حال قالب ریزی و درست کردن شخصیت فرزندان است با این کار در اصل فرزندان را آموزش داده و تربیت میکند. والدین فرزندان خود را به مدرسه میفرستند و با اینکار چنین میندازند که باعث تربیت آنان شده اند. ولی تعلیم و تربیت بیش از آن چیزی است که آنان در خیال میپوراندند: تربیت مشتمل بر کلیه مراحل است که کودک از طفولیت تا کودکی و از کودکی به نوجوانی و از جوانی به بزرگسالی هدایت شده است. به محض اینکه یک کودک قادر شود تا ایده ای را شکل دهد آموزش او باید شروع شود.

**آموزش را وقتی شروع کنید که ذهن در اوج تاثیر پذیری است-** کار آموزش و پرورش باید از طفولیت یک کودک آغاز شود زیرا ذهن در اوج تاثیر پذیری است و هر درسی که به او داده شود را بخاطر میسپارد. کودکان باید بطور بالقوه در مدرسه خانه از هنگامی که در گهواره اند تا زمانی که به بلوغ فکری میرسند آموزش داده شوند. و بالاخص مادر بعنوان مدیر مدرسه خانگی مانند هر مدرسه منظمی که معلمان خود نیز به دانش مهمی دست می یابند باید ارزشمندترین دروس را برای زندگی خود فرا گیرند. والدین مکلف هستند تا کلام درست را بر زبان برانند. والدین باید روز به روز دروس مسیحی را از آن کسیکه آنان را دوست میدارد فرا بگیرند. سپس داستان محبت لایزال خدا در مدرسه خانه تکرار خواهد شد تا گله را آرامی بخشد. از اینرو قبل از اینکه قوه عقل و استدلال کاملا رشد کند کودکان باید روحیه درست را از والدین خود کسب کنند.

**آموزش ابتدایی الزامی است-** آموزش ابتدایی کودکان موضوعی است که همه باید با دقت آنرا مطالعه و مرور کنند. ما باید آموزش فرزندان خود را بعنوان یک حرفه در نظر بگیریم زیرا که رستگاری آنها عمدتا بستگی به آموزشی دارد که به آنان در کودکی داده میشود. والدین و سرپرست چنانچه مشتاق باشند تا فرزندانشان خالص شوند، باید قلب و زندگی خود را سالم و



پاک نگاه دارند. پدر و مادر بایستی خود را نیز تعلیم داده و منضبط باشند. آنگاه بعنوان معلمان خانگی میتوانیم کودکان خود را تربیت کنیم و آنانرا برای میراث ازلی مهیا سازیم.

**کار تعلیم و تربیت را درست شروع کنید-** کودکان شما اموال خدا هستند که با هزینه ای گزاف خریداری شده اند. ای پدران و مادران بسیار نکته بین باشید که با فرزندان خود مسیحانه رفتار کنید. جوانان باید با دقت و حکمت آموزش داده شوند چون عادات نادرست غالباً در طول زندگی به آنها چنگ می اندازد و با آموزش درست باید به آنان در باره خطرات عادات نادرست هشدار داده شود. امید که خداوند به ما کمک کند تا لزوم شروع درست را تشخیص دهیم.

**اهمیت تربیت اولین فرزند-** اولین فرزند باید با دقت بیشتری تربیت شود چون او فرزندان بعدی را آموزش خواهد داد. عبارتی دیگر کودکان دیگر از او تاثیر خواهند گرفت. کودکان بالنتیجه طوری بار می آیند که اطرافیان و محیط روی آنان تاثیر میگذارد. اگر آنان با افراد بی ادب و با ناهنجاری سر و کار داشته باشند، بی ادب و غیر قابل تحمل بار می آیند.

**گیاهان ، درسی عملی و آموزنده برای تربیت کودک-** رشد تدریجی گیاه از یک بذر درسی عملی برای آموزش کودک محسوب میشود. "اول ساقه بالا می آید بعد خوشه درست میشود و بعد از آن دانه کامل در خوشه ایجاد میشود" (مرقس ۴: ۲۸). آنکسیکه این تمثیل را گفت این دانه کوچک را آفریده و مشخصات لازم را به آن داده و قوانین طبیعت را وضع کرده است که رشد آن را اداره میکنند. و حقایقی که توسط تمثیلهای تعلیم داده شده اند واقعیات زندگی خود مسیح را متذکر گردیده اند. او مالک آسمان و پادشاه جلال ، طفلی در بیت لحم گردید که در زمان طفولیت درمانده بود و به مراقبت مادر نیاز داشت. او در کودکی مانند یک کودک حرف میزد و کردارش نیز کودکانه بود. او به والدین خود احترام میگذاشت و در کمک به خواسته های آنان عمل مینمود. ولی از زمانی که بصیرت در اولین بار در ذهن او طلوع کرد او پیوسته در فیض و در شناخت معرفت رشد نمود.



## بخش ۲

### شیوه های آموزش و کتب درسی

#### فصل چهارم

#### روشهای تعلیم

**والدین باید در راس امور بوده و بر همه چیز تسلط داشته باشند-** والدین کار خود را آنطور که باید و شاید انجام نمیدهند... آیا والدین با تسلطی که بر فرزندان خود دارند با حکمت و خردمندی فرزندان خویش را تربیت و نفس آنان را مهار میکنند؟ نهالهای خود را طوری تربیت کنید تا به داریست محکم الهی تکیه کنند. تنها کافی نیست بگوییم که اینکار را نکن و یا آن کار را بکن. با این وضعیت آنان نسبت به حرفهای شما بی تفاوت شده و خواسته های شما را بفراموشی میسپارند و کودکان به آنچه که فرمان میدهید کاملاً بی اعتنایی میکنند. شرایطی را ایجاد کنید که فرزندان با کمال مسرت فرامین شما را اطاعت کنند. به این نهال های تازه رسته بگوئید تا شاخه های خود را به عیسی تکیه دهند... به آنان تعلیم بدهید تا از خداوند بخواهند تا در مورد چیزهای کوچک در زندگی کمکشان کند و اینکه برای وظایف کوچکی که لازم است آنها را انجام دهند کاملاً هشیار باشند و در خانه سودمند و مفید باشند. اگر شما آنان را آموزش ندهید کسی هست که بخواهد آنان را آموزش بدهد و آن هم شیطان است که بدنبال فرصتی میگردد تا بذر علفهای هرز را در قلبهای آنان بکارد.

**وظایف را با روح آرامش و قلبهایی مملو از محبت انجام دهید -** خواهرم آیا خداوند وظیفه و مسئولیت مادری را به تو محول نموده است؟... شما باید روشهای درست و مهارتهای لازم را بمنظور تعلیم خردسالان خود بیاموزید تا اینکه راه خدا را پیشه کنند. شما بایستی دایماً در پی فرهنگ متعالی فکر و جان باشید تا بتوانید آنها را وارد آموزش و تربیت فرزندان خود کنید- که آنها را روحی آرام و قلبی رئوف توأم با آرزوهای ناب در هم آمیخته و محبت را در وجود آنان برای راستی و پاکدامنی و قدوسیت پرورش دهید. بعنوان یک فرزند فروتن خدا در مدرسه



مسیح دایما در پی این باشید تا توانائیهایی خود را بهبود بخشید. و اینکار را با اصول و الگویی مناسب در حد کمال در خانه انجام دهید.

**تاثیر رفتار آرام و موقرانه** - تعداد کمی هستند که اثر یک رفتار معتدل و قاطع را حتی در مراقبت از یک طفل دریافته اند. یک مادر و یا پرستار کودک عصبی و ناشکیبا کودک را زود رنج و تند مزاج بار می آورد در حالیکه با رفتار آرام میتوان کج خلقی طفل را به آرامش تبدیل نمود.

**تئوریهایی که تحت آزمایش قرار میگیرند** - مطالعه کتابها سودمند خواهد بود مگر اینکه ایده های حاصل شده در مراحل زندگی در بوته آزمایش قرار گیرند. و با اینحال پیشنهاد های بسیار پر ارزش دیگران نبایستی بدون اتخاذ تدبیر و تشخیص مناسب پذیرفته شود. این ایده ها نمیتواند بطور همانند در شرایط محیطی توسط هر مادری پذیرفته شود زیرا خلق و خوی هر کودکی در یک خانواده ویژگی خاص به خود را دارد. بهتر است هر مادری با دقت تجربه های دیگران را مورد توجه قرار دهد و اختلافها را بین روشهای دیگران و روش خود مقایسه نموده و بدقت روشهایی که بعنوان یک ارزش واقعی پدیدار میشوند را مورد بررسی و آزمایش قرار دهد.

**روشهایی که در زمانهای قدیم بکار گرفته میشد**- از زمانهای اولیه ایمانداران بنی اسرائیل توجه زیادی را به موضوع آموزش اختصاص میدادند. خداوند فرموده بود که کودکان حتی از دوران طفولیت بایستی در خیریت و کبریایی او تعلیم داده میشدند مخصوصا همانطور که آشکارا در فرامین او که در تاریخ بنی اسرائیل نشان داده شده بودند. پدران و مادران ملزم شده بودند تا فرزندانشان را از طریق سرود و دعا و دروس کلام مقدس هدایت کنند تا افق اندیشه های آنان را گسترده سازند زیرا که فرامین خدا بیانگر و متجلی کننده ذات اوست و هنگامیکه اصول و قوانین را با قلوب خویش دریافت نمایند تصویر خدا در دل و اندیشه نقش مینماید. در خانه و مدرسه بیشتر تعلیم شفاهی و گفتاری بودند با این حال جوانان خواندن زبان عبری را فرا میگرفتند و طومارهای پوستی عهد عتیق برای مطالعه آنان باز میشدند.

**با عطوفت و مهربانی تعلیم دهید**- در این کار مخصوص، پدران و مادران باید فرزندان را با عطوفت و مهربانی تعلیم دهند. آنان بعنوان والدین کسانی هستند که باید حدود را تعیین نموده





و حاکم و ناظر باشند و نه اینکه تحت نظر و تسلط فرزندان خود قرار بگیرند. والدین باید تعلیم دهند که اطاعت از آنان الزامی است. روح بیقرار و نا آرام تمایل به شرارت و شیطنت دارد. ذهن فعال اگر با چیزهای بهتری مشغول نشود به آنچه که شیطان پیشنهاد کند توجه خواهد کرد. نیاز فرزندان باید با راهنمایی و هدایت در مسیر ایمن قرار گیرد، از بدی به دور نگاهداشته شود و با مهربانی بر آنان مسلط شود و کارهای خوب آنان مورد تایید و تشویق قرار گیرد.

پدران و مادران ، شما کاری جدی در پیش رو دارید. رستگاری ابدی فرزندان شما بستگی به راهکارهای شما دارد. چگونه با موفقیت فرزندان خود را آموزش خواهید داد؟ با سرزنش و اوقات تلخی کار خوبی صورت نخواهد پذیرفت. طوری با فرزندان خود گفتگو کنید که گوئی به هوش و درایت آنان اطمینان دارید. با آنان با مهربانی و لطافت و بطور محبت آمیز برخورد کنید. به آنان بگوئید که خدا از آنان چه انتظاری دارد. به آنان بگوئید که خداوند از آنان میخواهد تا تعلیم و تربیت یابند تا با او همکاری کنند. وقتی شما به سهم خود عمل کنید میتوانید به خداوند اعتماد کنید که او سهم خود را ایفا کند.

**برای استدلال و مشاوره وقتی را اختصاص دهید** - هر مادری باید زمانی را برای مشاوره و گفتگو با فرزند خود بگذارد تا با دلیل و برهان اشتباهات وی را گوشزد و برطرف سازد و با شکیبائی راه درست را به آنان تعلیم دهد.

**در روش آموزش و راهنمایی خود تنوع داشته باشید** - بزرگترین توجه بایستی بر روی تحصیلات نوجوانان معطوف گردد و تنوعی در روش راهنمایی و آموزش اتخاذ گردد تا توانهای ذهنی اصیل و عالی بکار بیفتد ... تعداد اندکی هستند که ضروری ترین خواسته های ذهن را تشخیص داده و میدانند که چگونه عقل و هوش و افکار و احساسات نوجوان را رشد دهند.

**اولین درس را در بیرون از خانه به آنان بیاموزید** - مادران بهتر است اجازه دهند تا خردسالان بیرون از خانه در هوای آزاد بازی کنند. بگذارید تا به نغمه های پرندگان گوش کنند و محبت خدا را فرا گیرند همانطور که در خلقت زیبای او آشکار شده است. فرزندان خود را با درس ساده کتاب خلقت تعلیم دهید و همانطوری که افکارشان بسط داده میشود کتب درسی نیز میتواند به آن اضافه شود و در ذهن آنان برای همیشه نقش ببندد. باغبانی و گلکاری کار خوبی



برای کودکان و نوجوانان است. این کار آنان را مستقیماً با طبیعت و ذات خدا پیوند میدهد. و از این کار سود خواهند برد و تا حد ممکن برای مدارس، باغهای بزرگ گل و زمینهای وسیع کشت و زرع کمک خواهد کرد.

آموزش و پرورش در این قبیل محیطها مطابق با دستورالعملهایی است که خدا برای هدایت جوانان ارائه نموده است...

بالاخص برای یک کودک یا نوجوان عصبی که حفظ کردن دروس را سخت و خسته کننده می یابد این کار بسیار ارزشمند است. مطالعه طبیعت برای نوجوان سلامت و شادمانی ببار می آورد و تاثیر و حس بوجود آمده از ذهن وی پاک نمیشود زیرا آنان با چیزهایی رابطه می یابند که دائماً در مقابل چشمان آنان است.

**داستانها را کوتاه و جالب تعریف کنید-** والدین باید بطور کامل سهم خود را در آموزش ایفا کنند و سطر به سطر با کودکان پیش رفته و دروس را برای آنان مختصر و جالب نمایند. اگر والدین نه تنها با اصول و قواعد بلکه با نمونه و مثال کودکان خود را آموزش دهند آنگاه خداوند در کوشش آنان را همراهی نموده و آنانرا معلمینی موثر و کارآمد خواهد ساخت.

**ساده بگویید و بارها بگوئید-** افرادی که کودکان را راهنمایی میکنند باید از تذکرات و گفتار کسالت آور بپرهیزند. بیان کوتاه و اشاره مستقیم به موضوع تاثیر مفرحی خواهد داشت. اگر مطالب برای گفتن زیاد باشد آنرا به تعداد ولی کوتاه و مجمل بیان کنید. کلامی کوتاه و جالب ولی گاه به گاه سودمند تر از این خواهد بود تا همه مطالب را یکباره بیان کنید. سخنرانیهای طولانی مدت برای اذهان کوچک کودکان سنگین خواهد بود. صحبت کردن بیش از حد موجب بیزاری و انزجار آنان خواهد شد حتی اگر آموزش روحانی باشد. درست مثل پرخوری که باعث سنگینی روی معده شده و اشتها را کم میکند بهمان طور باعث بیزاری و بی میلی از غذا میشود. اذهان مردم ممکن است با سخنرانی های مفرط اشباع شود و تمایل خود را از شنیدن از دست بدهند.

**استقلال فکری را تشویق کنید-** در حالیکه کودکان و نوجوانان از دانشی که معلمها و کتابها به آنان میآموزند بهره میبرند به آنان اجازه بدهید تا یاد بگیرند که خود دروس را درک کنند و



حقیقت را برای خودشان تشخیص بدهند. در حینی که باغبانی میکنند از آنان بپرسید که با مراقبت از گیاهان چه چیزی می آموزند. وقتی به منظره ای از طبیعت نگاه میکنند از آنان سوال کنید که چرا خدا زمینها و جنگلها را اینگونه شکل داده است. چرا همه آنان به رنگ قهوه ای تیره نیستند؟ وقتی گلها را جمع آوری میکنند از آنان بخواهید تا فکر کنند که چرا خدا ما را از زیبایی باغ عدن محروم نمود. به آنان بیاموزید تا به قرائن و شواهدی که در طبیعت آشکار کننده افکار خدا برای اذهان ماست توجه کنند زیرا که همه این گوناگونی های شگفت انگیز برای رفع نیاز و خوشنودی ماست.

**هدایت کننده فعالیتهای کودکان باشید-** والدین نباید احساس کنند که منکوب کردن فعالیتهای کودکان امری ضروری است ولی باید درک کنند که هدایت و آموزش آنان در مسیرهای درست و مقتضی لازم است. این فعالیتهای هیجان انگیز مانند شاخه های درخت انگری است که اگر تربیت نشود به هر چیزی میپیچد و پیچکهای خود را بدون تکیه گاه رها میکند یا به بته های ناپایدار محکم میپیچد. اگر شاخه های مو درست مرتب نشوند انرژی خود را بی هدف هدر میدهد. کودکان نیز همینطور هستند. فعالیتهای آنان باید در مسیرهای درست هدایت شود. چیزهایی را به دستان و اندیشه های آنان بدهید تا موجب پیشرفت جسمی و فکری آنان شود.

**در اوان کودکی به آنان مفید بودن را یاد بدهید-** در اوان کودکی درس متمر ثمر بودن باید به کودک آموخته شود. به محض اینکه قوه استدلال به حد کفایت رشد نمود به کودک باید وظایفی محول شود تا آن را در خانه انجام دهد. او بایستی تشویق شود تا سعی کند که به پدر و مادر خود کمک کند- تشویق شود تا از خودخواهی پرهیز و بتواند خود را کنترل کند- تا خوشی و راحتی دیگران را بر خود مقدم بشمارد و بدنبال فرصتهایی باشد تا برادران و خواهران و همبازیهای خود را کمک نموده و خوشحال کند و نسبت به بزرگسالان و بیماران و بی بضاعتان لطف و مرحمت داشته باشد. روح خدمت هر چه پر رونق تر در خانه شایع شود زندگی کودکان پر رونق تر رشد خواهد یافت. آنان خواهند آموخت که خوشی در خدمت و از خود گذشتگی برای خیریت نسبت به دیگران بدست خواهد آمد.

والدین به کودکان خود کمک کنید تا با ایمان به ایفای وظایفی که بعنوان اعضای خانواده به عهده آنان سپرده شده اراده خداوند را بجای آورند. این کار به آنان تجربیات با ارزشی میدهد.



این امر به آنان می آموزد که نباید فکرشان را بر خود متمرکز نموده و خود را اغنا و خشنود سازند. با شکیبایی آنان را آموزش دهید تا سهم خود را در جمع خانواده ادا کنند.

**شخصیت را با توجه به چیز های کوچک و اغلب پیاپی بنا کنید** - والدین در پرورش فرزندان خود باید دروسی را که خدا در طبیعت بما نشان داده است مطالعه کنند. اگر بخواهید یک گل رز یا گل زنبق پرورش بدهید چگونه آنرا انجام خواهید داد؟ از باغبان پرسید که طی چه مراحل شاخه ها و برگها را مرتب میکند که بدین زیبایی و آراستگی و دلربایی در می آیند. او بشما خواهد گفت که نه با روش خشن و نه با تلاش قهر آمیز زیرا که این روش تنها باعث شکسته شدن این شاخه های ظریف خواهد شد. تنها با توجهات اندک و پی در پی. او خاک را مرطوب نگاه میدارد و مراقب است تا گیاهان از بادهای تند و خار و خشک و از آفتاب سوزان در امان بمانند و آنگاه خداوند سبب خواهد شد تا جوانه زده و در زیبایی شکوفا شوند. در برخورد با کودکان خود از روش باغبان تبعیت کنید. با تماس ملایم و مراقبت محبت آمیز شخصیت آنان را مطابق با ذات مسیح بنا کنید.

**به چیزهای کوچک توجه کنید** - چه اشتباه بزرگی است که در آموزش نوجوانان و کودکان از آنان طرفداری کنیم، آنان را لوس کنیم و هر چه که خواستند برایشان انجام دهیم. آنان خودخواه و ناکارآمد بار آمده و فاقد انرژی در انجام امور کوچک زندگی میشوند. آنان تعلیم داده نشده اند تا شخصیت قوی داشته باشند زیرا آنان وظایف روزانه را انجام نداده اند هر چقدر هم که آن کار کوچک باشد به نفعشان است تا آنرا انجام دهند...

هیچکس برای کارهای مهم و بزرگ شایسته و ذیصلاح نمیشود مگر اینکه در اجرای وظایف کوچک وفادار و امین باشد. مراحل هستند که شخصیت را میسازند و بدانوسیله جان آموخته میشود تا انرژی و تلاش متناسب را برای وظیفه ای که باید انجام شود بکار برد.

**فرزندان با استعداد به توجه بیشتری نیاز دارند** - ما باید در ذهن فرزندانمان نقش ببندیم که آنان نباید هر جا که خواستند بروند و بیایند و بیوشند و هر کاری که دلشان بخواهد بکنند. اگر دارای جاذبه های فردی و تواناییهای طبیعی نادر هستند باید توجه بیشتری به آموزش آنان معطوف بشود مبادا که این موهبت به لعنت مبدل شود.



**از توجه غیرضروری و مجیز گوئی خودداری کنید -** به کودکان توجه کنید ولی نه بیش از حد. به آنان بیاموزید که خود را سرگرم کنند. آنان را در معرض نمایش مهمانان بعنوان اعجوبه بذله گو یا حکیم نگذارید ولی آنان را در سادگی کودکی خودشان رها کنید. دلیل بزرگی که چرا بسیاری از کودکان گستاخ و بی ادب هستند این است که آنان بیش از حد مورد توجه و تمجیدهای تکراری قرار گرفته اند. توجه داشته باشید که بطور ناروا و بی جهت آنان را سرزنش نکنید و با تمجید و تملق آنان را مستغرق نسازید. شیطان تلاش میکند تا سریعاً تخم شرارت را در قلبهای جوان آنان بکارد و شما نباید در این کار به او کمک کنید.

**برای کودکان خود کتاب بخوانید -** پدران و مادران! تمام تلاش خود را برای فراهم آوردن کتابها و انتشارات<sup>3</sup> برای مطالعه آنان بکار برید. برای کتاب خواندن برای فرزندانان وقت بگذارید. در خانه دور هم جمع شوید و هر عضوی از خانواده کنار هم جمع شده و کتاب بخوانید. مخصوصاً نوجوانانی که به خواندن رمان و کتاب داستانهای بی ارزش خو گرفته اند از پیوستن به مطالعه شامگاهی خانواده بهره خواهند برد.

**نگوید بلکه آموزش دهید -** والدین متعهد به کار بزرگ تعلیم و تربیت کودکان خویش برای آینده و حیات ابدی هستند. بنظر میرسد که بسیاری از پدران و مادران فکر میکنند که اگر کودکان خود را بر اساس استاندارد و معیار دنیوی تغذیه کرده و لباس بپوشانند و مدرسه بگذارند پس آنان به وظیفه عمل کرده اند. والدین بیش از حد مشغول کار یا تفریح هستند تا اینکه فرزندان خود را تربیت کنند. آنان در جستجوی آموزش کودکان خود نیستند تا استعداد خود را صرف تمجید منجی کنند. سلیمان هرگز نگفت به فرزندان خود بگوئید به هر راهی که میخواهند بروند. ولی گفت فرزندان خود را آموزش بدهید.

**خویشانداری و پرهیز کاری را آموزش بدهید -** هیچ کاری بزرگتر از تعلیم و تربیت مناسب برای کودکان و نوجوانان نیست و این کار مستلزم توجه زیاد و مهارت است. هیچ چیزی تاثیر گزار تر از محیط اطراف ما در دوران جوانی نیست. طبیعت بشر سه وجه دارد و تعلیمی که توسط سلیمان سفارش شده رشد صحیح جسمی و فکری و اخلاقی را شامل میشود. برای اجرای درست این کار والدین و معلمان باید بدانند که کودک و نوجوان چه راهی را باید پیش گیرد. این مسئله بیش از کتابها و تعلیمی است که در مدرسه ارائه میگردد. این امر اعتدال و



میانه روی و محبت برادرانه و دینداری و ادای وظیفه نسبت به همسایه و خدا را در بر می گیرد.

آموزش فرزندان باید با اصولی متفاوت از تعلیم حیوانات فاقد عقل و منطق انجام گیرد. حیوان طوری تربیت میشود که فقط با صاحب خود خو بگیرد. ولی کودک باید طوری تربیت شود تا خود را کنترل کند. اراده باید طوری تربیت شود که به صدای عقل و وجدان گوش شنوا داشته و آنرا اطاعت کند. یک کودک هم ممکن است طوری تربیت شود که اراده ای از خود نداشته باشد و هویت فردی و مستقل خود را از دست بدهد آنگونه که معلم بخواهد. اینگونه تربیت نامعقول است و اثر آن فاجعه بار خواهد بود. کودکی که اینگونه تربیت شود در ثبات و تصمیم گیری ناکارآمد خواهد بود. به آنان آموخته نشده است تا به اصول عمل کنند و قوه استدلال آنان با تمرین و ممارست مستحکم نشده است. تا آنجا که ممکن است به هر کودکی باید آموزش داده شود تا اعتماد بنفس داشته باشد. با فراخواندن به عمل به استعدادهاى فکری ، او خواهد آموخت که در چه بخشی قوی و در چه بخشی کارآمد نیست. یک معلم خردمند توجه خاصی را برای بهبود و رشد خصیصه های ضعیف معطوف خواهد داشت تا اینکه کودک بتواند یک شخصیت خوب و متعادل را شکل بدهد.

## فصل پنجم

### کتاب مقدس بعنوان کتاب درسی

**اولین کتاب درسی کودک** - کتاب مقدس باید اولین کتاب درسی برای کودکان باشد. از این کتاب ، والدین میتوانند راهنمایی های حکیمانه ای را آموزش بدهند. کلام خدا باید قوانین زندگی تلقی شود. از آن کتاب کودکان باید یاد بگیرند که خدا پدرشان است و از دروس زیبای کلام به درک ذات او نائل خواهند شد. از طریق جا افتادن اصول او ، آنان یاد خواهند گرفت تا با عدالت و انصاف رفتار کنند.

**کتاب وعده ها ، برکات و نکوهش** - مادر باید ذهن خود را با وعده ها و برکات کلام خدا تازه نگاه دارد و همچنین چیزهای ممنوعه را بیاد داشته باشد تا زمانی که فرزندانش کار بدی انجام دادند بتواند با کلام خدا او را سرزنش و ملامت کند و نشان بدهد که چطور آنان روح



خدا را محزون میکنند. به آنان تعلیم دهید که تأیید نظر و لیخندهای عیسی بسیار ارزشمند تر از مجیز گوئیهای متملقانه و چاپلوسانه است. آنان را هر روز با محبت و لطافت و اشتیاق بسوی عیسی هدایت کنید. نباید اجازه دهید که هر چیزی سدی بین شما و این کار بزرگ بشود.

**مطالعه کتاب مقدس شخصیت ساز است -** دروس کتاب مقدس بر روی شخصیت تأثیر اخلاقی و مذهبی خواهند داشت چنانچه در زندگی اعمال شوند. تیموتائوس این دروس را آموخت و به آن عمل نمود. یکی از حواریون بزرگ اغلب از او در باره تاریخ کلام میپرسید. او به خواری لزوم پرهیز و اجتناب از هر گونه شرارت را نشان داد و به او گفت که برکات نصیب کسی خواهد شد که صادق و وفادار است و به او نجابت میبخشد. شرافت و مردانگی با شانس و اقبال نمی آید. بوجود آمدن این امر مهم در نتیجه مراحل قالب ریزی بنای شخصیت در اوان سالهای جوانی و ممارست حکم خدا در خانه است. خدا به تلاشهای مومنانه کسانی که کودکانشان را براه راست هدایت میکنند برکت خواهد داد.

**محبت خدا مانند نغمه ای خوشایند است -** کودکان در هر خانواده ای بایستی با تربیت و راهنمایی های پروردگار بزرگ شوند. امیال باطنی شرارت آمیز باید کنترل شوند - خلق و خوی اهریمنی باید رام و مقهور گردد و کودکان طوری باید آموزش داده شوند که گویی جزو مایملک پروردگارند که با خون ارزشمند او خریداری شده اند و آنان نمیتوانند در عیش و بطالت زندگی کرده و به اراده خود و ایده های خود حرکت کنند و همچنان جزو فرزندان خدا محسوب شوند. فرزندان باید با مهربانی و شکیبایی هدایت شوند. والدین باید محبت خدا را گوئی که نغمه ای خوشایند در جمع خانواده است تعلیم دهند. و کلیسا نیز باید مسئولیت تغذیه روحانی بره ها و گوسفندان<sup>4</sup> را بعهده بگیرد.

**داستانهای کتاب مقدس به کودک کمرو و خجالتی اطمینان میبخشد-** تنها حس حضور خدا میتواند ترس از بار زندگی را از کودک کمرو دور کند. بگذارید تا او وعده خدا را در ذهن خود بسپارد: " فرشتگان خدا گردگرد ترسندگان اوست و ایشانرا میرهاند" (مزمور ۳۴:۷). بگذارید داستانهای شگفت انگیز الیسا را در شهر کوه بخواند و بین او و سپاه مسلح دشمن گروه فرشتگان توانا حلقه بزنند. بگذارید بخواند که پطرس محکوم شده به اعدام در زندان چگونه از نگهبانان مسلح و دربهای بزرگ و دروازه های عظیم آهنین با دست بند و پابند بواسطه فرشته خدمتگزار خدا در کمال امنیت عبور کرد. بگذارید بخواند که پولس در صحنه عبور از دریا در



جمع سربازان و دریابانان در میان امواج خروشان که از تقلا و گرسنگی مفرط در راه محاکمه و اعدام این کلام را با دلیری و امید بر زبان راند: " اکنون نیز شما را نصیحت میکنم که خاطر جمع باشید زیرا که هیچ ضرری بجان یکی از شما نخواهد رسید مگر به کشتی. زیرا که دیشب فرشته آن خدائیکه از آن او هستم و خدمت او را میکنم بمن ظاهر شده گفت ای پولس ترسان مباش زیرا باید تو در حضور قیصر حاضر شوی و اینک خدا همه همسفران ترا بتو بخشیده است... پس استدعای من این است که غذا بخورید که عافیت برای شما خواهد بود زیرا که موئی از سر هیچیک از شما نخواهد افتاد... و بعضی بر تختها و بعضی بر چیزهای کشتی و همچنین همه سلامتی بخشکی رسیدند (اعمال رسولان ۲۷-۲۴؛ ۳۴، ۴۴). این چیزها برای این نوشته نشدند تا ما بخوانیم و شگفت زده شویم ولی آن ایمانی که خادم خداوند را در زمان قدیم هدایت کرد در زمان ما نیز همچنان کار میکند.

در ایمان قوی باشید و فرزندان خود را تعلیم دهید که همگی ما وابسته و محتاج به خدا هستیم. برای آنان داستان آن چهار کودک عبرانی را بخوانید و ذهن آنان را به درک نفوذ خوبی که در زمان دانیال بکار برده شده بود تحت تاثیر قرار بدهید زیرا او از اصول با قاطعیت تبعیت نمود.

**دروس کتاب مقدس را بطور ساده بیان کنید-** والدین باید فرزندان خود را با کتاب مقدس تعلیم دهند و کلام آن را طوری ساده بیان کنند که بسادگی قابل فهم باشد. به فرزندان خود تعلیم دهید که فرامین خدا باید قانون زندگی آنها بشود. شرایط ممکن است آنها را از والدین و از خانه جدا سازد. اما دروس هدایت که در کودکی و نوجوانی به آنان داده شد برای تمامی دوران زندگی‌شان برکاتی خواهد بود.

## فصل ششم

### کتاب طبیعت

**مرجع محکم و با ثبات هدایت-** در کنار کتاب مقدس، طبیعت کتاب عظیم درسی خواهد بود. برای یک کودک که هنوز قادر به آموختن از اوراق چاپی نیست و یا اینکه نمیتواند به مدرسه برود طبیعت مرجعی پایدار از آموزش و شادی را عرضه میدارد. قلبی که هنوز با تماسهای





شریر سخت نشده است بسرعت میتواند حضور خدا را تشخیص بدهد که در همه مخلوقات جاری است. گوشههایی که هنوز با غریب دنیا کم شنوا نشده است متوجه صدایی است که از طریق کلام طبیعت سخن میگوید. و بزرگترها که دائما به یادآوری در باره امور روحانی ابدی نیاز دارند تعلیم در باره طبیعت به همان اندازه برایشان مایه خوشی و هدایت خواهد بود.

### از طبیعت بعنوان کتاب درسی در باغ عدن استفاده شد - تمام دنیای طبیعت طراحی شده است

تا مفسر امور خدا باشد. برای آدم و حوا در خانه عدنیشان، طبیعت پر از دانش و مملو از راهنمایی های الهی خدا بود. و برای گوشه های هشیار آنان آوائی از ندای حکمت بود. حکمتی که از طبیعت با چشمها میدیدند وارد قلب میشد زیرا در کار خلقت با او مشارکت داشتند.

کتاب طبیعت که درسهای زنده خود را در مقابلشان گسترده ساخته بود مرجعی فناپذیر از هدایت و خوشی را حاصل کرده بود. بر هر برگ از جنگل و بر صخره کوهها، بر هر ستاره درخشان، بر زمین و آسمان و دریا نام خدا نوشته شده است. بوسیله مخلوقهای متحرک و ساکن، با برگ و گل و درخت و با هر موجود زنده از جانوران بزرگ دریایی و هر غباری در پرتو نور، ساکنین عدن سخن میگفتند. جلال خدا در آسمانها، کهکشانهای بیشمار در دگرگونی منظمشان "تعادل ابرها" (ایوب ۳۷: ۱۶) رازهای نور و صدا از روز و شب، همگی موضوعات مطالعه بوسیله شاگردان اولین مدرسه زمین بودند.

**دروس اضافه شده پس از سقوط در عدن** - گرچه زمین بخاطر لعنت پژمرده شد ولی طبیعت همچنان کتاب درس انسان بود. و حال نمیتوانست فقط معرف نیکوئی باشد زیرا شریر در هر کجایی حاضر بود و به هوا و دریا و زمین آسیب میزد. جایی که ذات خدا، دانش خیر بر آن نوشته شده بود حال ذات مخرب شیطان نیز بر آن نوشته شده است. از طبیعتی که حال دانش خوب و بد در آن نوشته شده بشر بطور مستمر هشدارهایی را که ناشی از گناه بود دریافت میکرد.

**طبیعت دروس کتاب مقدس را بتصویر میکشد** - بسیاری از تصاویر طبیعت توسط نویسندگان کتاب مقدس بکار برده شده اند. و وقتی به پدیده های دنیای طبیعت مینگریم قادر خواهیم شد تا تحت هدایت روح القدس بیشتر دروس کلام خدا را بفهمیم.



در دنیای طبیعت خداوند کیدهایی را در دستان فرزندان خود گذاشته تا خزانه کلام وی را بگشایند. نادیده ها بوسیله دیده ها بتصویر کشیده شده اند. حکمت الهی، حقیقت جاودانی و فیض سرمدی با چیزهایی که خداوند ساخته قابل فهم گردیدند. کودکان باید ترغیب شوند تا در طبیعت اشیایی را که تعلیمات کتاب مقدس را مصور میسازند جستجو کنند و در کتاب مقدس چیزهایی را که به طبیعت شباهت دارند ردیابی کنند. والدین و فرزندان باید در طبیعت و کلام مقدس هر شیئی که معرف مسیح است را جستجو کنند و همچنین آن چیزهایی که او برای شرح حقیقت بکار گرفته است را مرور کنند. بدین طریق میتوانند از طریق درخت یا تاک، در زنبق سفید یا در گل رز، در خورشید یا در ستارگان به معرفت او نائل آیند (برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار- سعدی شیرازی). آنان ممکن است صدای او را در نغمه های پرندگان، در خش خش برگهای درختان، در رعد و برق و در موسیقی دلنشین دریا بشنوند. و هر شیئی در طبیعت دروس پر ارزش خود را به آنان تکرار خواهد نمود. پس برای آنانیکه خود را با مسیح آشنا میکنند زمین دیگر یک مکان خالی و بایر نخواهد بود. این مکان خانه پدرشان خواهد بود که مملو از حضور اوست آنکسیکه زمانی در میانشان ساکن بود.

**کتاب مقدس رازهای طبیعت را تعبیر میکند-** کودک هنگامی که با طبیعت آشنا میشود حیران خواهد شد. او نمیتواند ولی کار نیروهای خصم را تشخیص میدهد. در اینجاست که طبیعت به یک مترجم و مفسر نیاز دارد. با نگاه کردن به طبیعت حتی حضور شیطان آشکار میشود که دروسی غمناک را برای یادگیری در بر دارد. متی ۲۸:۱۳ میگوید "این کار دشمن است". زیرا که شیطان طبیعت را نیز آلوده ساخته است. تنها با نوری که از جلجتا میتابد میتوان تعلیم درست طبیعت را خواند. از طریق داستان بیت لحم و صلیب میتوان دید که پیروزی بر شیطان خوب است و هر برکتی که بسوی ما می آید هدیه ای از رستگاری است.

جلجتا تپه ای بود که عیسی مسیح در آنجا مصلوب شد.

خار و خشک در بوته ها نشانگر شرارت است که ویرانی و بدقوارگی است. در آواز پرندگان و شکوفایی درختان، در باران و آفتاب، در نسیم تابستان و لطافت شبنم، در ده ها هزار شیئی در طبیعت از جنگل بلوط تا شکوفایی بنفشه ملاحظه میشود که این محبت است که ترمیم کننده است. و طبیعت همچنان با ما از خیریت خدا سخن میگوید.



**دروس در کلاس درس ایده آل -** همانگونه که ساکنین باغ عدن از اوراق طبیعت آموختند ، همانطور که موسی دست خط خداوند را در کوه تشخیص داد و عیسی بر تپه های ناصره در کودکی از خداوند آموخت ، همانطور نیز کودکان امروز میتوانند از او بیاموزند. نادیده ها بوسیله دیده ها بتصویر کشیده شده اند.

**طبیعت دوستی را ترویج کنید-** مادر باید زمانی بیابد تا عشق به طبیعت و زیبایی های آنرا در خود و فرزندانش ترویج کند. بگذارید او به شکوهی که در آسمانها منتشر گردیده اشاره کند - به هزاران اشکال زیبایی که زمین را آراسته است و سپس به فرزندان خود بگوید که چه کسی همه اینها را آفریده است. آنگاه او میتواند اذهان جوان آنرا بسوی خالق هدایت کند تا در قلبهایشان برای بخشاینده همه برکات اشاره شده حرمت و تکریم و محبت قائل شوند. مراتع و تپه ها ، و طبیعت میتواند کلاس درسی برای بچه های کوچک باشد. دروسی که بر اذهان آنان نقش مینندد زود فراموش نخواهد شد... والدین میتوانند کارهای زیادی کنند تا فرزندانشان را با تشویق به دوست داشتن چیزهای موجود در طبیعت که خدا به آنان ارزانی داشته است با خدا مرتبط شوند و دستهای ارزانی کننده را تشخیص دهند. بنابراین زمین قلب آماده ای خواهد بود برای کشت دانه های گرانبهای حقیقت که در زمان موعد جوانه زده و محصول زیادی ببار خواهد آورد.

**به پرندگان در سرودهای پرستش بیبندید-** فرزندان کوچک بالاخص میتوانند به طبیعت نزدیک شوند. برغم اینکه آنان را اسیر و در بند کنید آنان را مانند بره آزاد بگذارید تا در هوای تازه و زیر نور خورشید بازی کنند. به آنان درختچه ها و گلهای و بوته های کوچک و درختان بلند را نشان دهید و بگذارید تا با شکلهای ظریف و گوناگون و زیبا آشنا شوند. به آنان بیاموزید تا حکمت و محبت خدا را در خلقت های وی ببینند و وقتی که قلبهایشان مملو از شادی و سپاس گردید بگذارید تا با پرندگان نغمه های پرستش را سر دهند.

کودکان و نوجوانان را آموزش دهید تا کارهای بزرگ خالق هنرمند را مورد توجه قرار دهند و از نعمتهای جذاب طبیعت در بنای شخصیت خود تبعیت کنند. همانطور که محبت خدا قلبهایشان را تسخیر میکند بگذارید زیبایی قدوسیت را بزنگیشان بیاورند. از اینرو توانایی خود را بکار برند تا دیگران را برکت داده و خداوند را تکریم نمایند.



**از طبیعت به ذات خدا اشاره کنید-** کودکان به درس‌هایی نیاز دارند تا مقاومت در برابر شرارت را در آنان رشد دهد. آنان را از طبیعت به سوی ذات خداوندی هدایت کنید که بدین طریق با خالق خود آشنا خواهند شد. چگونه میتوانیم کودکان خود را به بهترین وجه تعلیم دهیم تا خدا را خدمت و او را تجلیل کنند؟ این سوال ذهن والدین را بخود مشغول خواهد داشت. چنانچه تمامی ملکوت خواهان خیریت نوع بشر است پس آیا نباید بخاطر خیریت فرزندانمان بکوشیم؟

**مطالعه طبیعت ذهن را قوی میسازد-** جلال خدا در کارهای دست وی بنمایش در می آید. در اینجا رازهایی وجود دارد که ذهن را بتکاپو خواهد انداخت. فکریایی که با خواندن داستانهای تخیلی بازی گرفته شده و تباه شده اند بهتر است داستانهای آشکار و زنده طبیعت را بخواند و حقیقت را با کارهای خداوند در اطراف طبیعت جستجو کند. همه میتوانند موضوعی را برای مطالعه در یک برگ ساده درختی از جنگل بیابند - ساقه باریکی از علف که زمین را با فرش مخملین سبز پوشانده - گیاهان و گلها - درختان با شکوه جنگل - کوههای مرتفع - صخره های گرانبه - اقیانوس بیقرار و نا آرام - جواهرات نورانی در آسمان که شبها را زیبا میکند - نور استهلاک ناپذیر خورشید - شکوه باوقار ماه - سرمای زمستان - گرمای تابستان - فصلهای متغیر در گردش منظم و کنترل شده با قدرت لایزال - همه و همه موضوعاتی هستند که تعمق در اندیشه را برای گسترش فکر میطلبند. چنانچه به جای سبکسری و خوشگذرانی اذهان خود را با راستی و حقیقت پر میساختند آنگاه قلب آنان بطور خودکار با احترام برای خدا پر میشد و خدای طبیعت را میستودند .... تامل و مطالعه ذات خدا همانگونه که در کارهای خلقت وی آشکار شده است زمینه فکری را باز خواهد کرد که ذهن را از فرومایگی و پستی و فریب خوردگی دور سازد. برای فهمیدن کارهای خدا و راههای او تنها میتوانیم در این دنیا مطالعات خود را شروع کنیم و مطالعات ما در آن دنیا تا ابد ادامه خواهد یافت. خداوند برای بشر موضوعهای فکری را فراهم آورده است که هر بخشی از ذهن را به فعالیت وا میدارد. ما میتوانیم ذات خدا را در اوج آسمانها و در زیر زمین مطالعه کنیم و از اینرو قلبهایمان سرشار از سپاسگزاری و شکرگزاری خواهد شد. هر تار عصبی و هر حس به محبت خدا در کارهای شگفت انگیزش پاسخ خواهد داد.

**طبیعت و کتاب مقدس کتاب درسی عیسی بودند-** تحصیلات عیسی از مراجع آسمانی حاصل شد - از کارهای سودمند - از مطالعه کلام - از طبیعت و از تجربیات زندگی. کتب درسی



خداوند پر از هدایت است و به همه کسانی تعلق دارد که دستهایی با اراده و چشمانی با بصیرت و قلبی فهیم دارند.

آشنایی صمیمی و نزدیک عیسی با کلام نشان میدهد که چطور سالهای نوجوانی او به مطالعه کلام خداوند اختصاص داده شده بود. و کارهای عظیم خداوند همانند کتابخانه ای در برابر او گشوده شده بود. او که همه چیز را آفریده بود دروسی را مرور کرد که دستهای وی زمین و آسمان و دریا را نگارش کرده بودند. جدا از راههای غیر مقدس دنیا او منابع دانش علمی را از طبیعت جمع آوری نمود. او زندگی گیاهان و حیوانات و زندگی بشر را مطالعه نمود. از سالهای اولیه زندگی او یک هدف داشت: او زیست تا دیگران را برکت عطا فرماید. برای این منظور او مراجعی را از طبیعت یافت. و وقتی که زندگی گیاهان و جانوران را مطالعه کرد ایده های نو بذهنش خطور نمود.

هنگامی که او در تلاش بود تا دلایل امور و پدیده ها را درک نماید بدینسان برای عیسی اهمیت کلام و کارهای خدا آشکار شده بود. موجودات آسمانی (کروبیان) ملازمان او بودند و فرهنگ افکار مقدس باو تعلق داشت. از اولین طلوع بینش، او پیوسته در فیض روحانی و دانش حقیقت رشد کرد.

هر کودکی میتواند علم پیاموزد همانطور که عیسی آموخت. وقتیکه سعی میکنیم تا با افکار پدر آسمانی خود از طریق کلام وی آشنا شویم فرشتگان نزدیک میشوند- افکار ما قوی تر خواهند شد- شخصیت ما رشد نموده و خالص خواهد گشت.

### **او از طبیعت برای تعلیم خود بهره گرفت - معلم بزرگ مخاطبین خود را در تماس با طبیعت**

آورد تا صدایی را که با همه موجودات سخن میگویی بشنوند و وقتی قلوب آنان نرم شد و افکار آنان پذیرا گردید او به آنان کمک کرد تا تعلیم روحانی را تفسیر کنند. حکایات و داستانهای اخلاقی بطریقی بجهت تعلیم دروس حقیقت بیانگر این است که چقدر او نسبت به تاثیرات طبیعت علاقه مند بود و چقدر او محظوظ بود تا تعلیمات روحانی را پیرامون زندگی روزمره نتیجه گیری کند. او با حکایتهای پرندگان آسمان - سوسنهای مرغزار - برزگر و دانه - شبان و گوسفندان، حقیقت ازلی را آشکار ساخت. او همچنین بواسطه رویدادهای زندگی از تجارب واقعی که شنوندگان با آن آشنا بودند استفاده کرد که مشتمل بر: خمیر مایه، گنجینه



پنهان، مروارید، تورماهیگیری، سکه گمشده، پسر اسرافکار، خانه بنا شده بر صخره و ماسه بودند. در دروس او چیزهایی وجود داشت که برای هر ذهنی جذاب بود و هر قلبی را می ربود. پس وظایف روزانه در عوض اینکه رنج و زحمت باشد و خالی از افکار متعالی باشد توسط تذکر دهندگان روحانی و نادیده ها پیوسته منور و متعالی میگردید. بگذارید کودکان یاد بگیرند تا در طبیعت نگاه کنند تا تجلی محبت و حکمت خدا را ببینند - بگذارید تا فکر او با پرنده و گل و درخت پیوند بخورد - بگذارید همه چیزهای دیدنی برایشان تعبیر چیزهای نادیده بشود و همه رویدادهای زندگی وسایلی برای تعلیم الهی شود.

آموختن دروس خلقت و تجربیات زندگی نشان میدهد که همان قوانینی که امور طبیعت و وقایع زندگی را اداره میکند باید تحت کنترل ما در آیند زیرا برای خیریت ما داده شده اند و تنها از طریق اطاعت است که میتوانیم به خوشی واقعی و موفقیت دست یابیم.

## فصل هفتم

### دروس عملی از کتاب طبیعت

**صدای خدا از طریق مخلوقات او-** به هر طرفی که میگردیم ندای خدا را میشنویم و نظاره گر صنعت وی هستیم. از صدای غرش رعد و خروش بی وقفه اقیانوس تا صدای خوشاهنگ جنگل، همه طبیعت او را تمجید مینمایند. از طریق زمین و دریا و آسمان با سایه رنگهای شگفت انگیز و ملون که با توازن همگن شده اند شاهد شکوه و جلال او هستیم. کوههای استوار از قدرت او سخن میگویند. درختان که در زیر نور خورشید شاخه برگهای خود را موج میزنند و گلهبا با ظرافت و زیبایی خود همگی اشاره به خالق دارند. (برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار) سبزه های تر و تازه که زمین قهوه ای را فرش میکنند با کوچکی و حقارت خویش میگویند که خدا از مخلوقات خود نگهداری و محافظت میکند. حفره های زیر دریا و ژرفای زمین خزاین او را آشکار میکنند. او که مروارید را در اقیانوس قرار داد و یاقوت و زبرجد را در میان صخره ها گذاشت عاشق زیبایی است. طلوع خورشید در آسمان معرف اوست که نور و حیات همه چیزهایی است که آفرید. همه درخشش و جمالی که زمین را زینت بخشیده و آسمانها را روشن میکند از خدا سخن میگویند. آیا میتوانیم



از عطایایی که داریم لذت ببریم ولی بخشنده این عطایا را فراموش کنیم؟ بگذارید تا این عطایا ما را سوق دهد تا در نیکویی‌ها و برکات و محبت او ببیندیشیم. بگذارید همه زیباییها در خانه زمینی مان ما را به یاد رود زلال و مراتع سبز- درختان مرتفع و چشمه های جوشان آن شهر درخشان و سرودخوانان سفیدجامه در خانه آسمانی ببیندازند- آن دنیای زیبایی که هیچ هنرمندی نمیتواند آنرا به نقش بکشد و هیچ زبان فانی قادر به تشریح آن نیست. اول قرتیان ۹:۲ چنین میگوید: "چیزهایی که هیچ انسانی هرگز ندیده نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است".

**ذات و محبت خداوند-** مادران نباید آنقدر خود را مشغول چیزهای تصنعی کنند که نتوانند برای آموزش فرزندان خود از کتاب بزرگ طبیعت خدا زمان بگذارند. ذهن های جوان آنان با زیبایی باز شدن شکوفه ها و گلها تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. درختان رفیع و پرندگان زیبا که نغمه های شادی برای پروردگار خود سر میدهند با ابراز احساسات خود از خوبی و رحمت و سخاوتمندی خدا میگویند. با برگها و گلهای رنگارنگ خوشبو به آنان تعلیم دهید که خدا محبت است. همه چیزهایی که در این جهان خوب و دلپذیر و زیبا هستند سخن از محبت پدر آسمانی ما دارند. ذات خدا را میتوان از خلقت او تشخیص داد.

**کمال خدا-** وقتی چیزهای طبیعت قدردانی خود را به خدا با نشان دادن زیبایی در زمین به بهترین وجه نشان میدهند در اصل کمال خدا را بنمایش میگذارند. پس بشر باید تمام تلاش خود را تا حد ممکن بنماید تا کمال خدا را نشان دهد. بگذارید تا خدا از طریق فرزندانمان به اهدافش که همانا عدالت و رحمت و خیریت است برسد.

**از آفریدگار و سبت -** چه کسی بما آفتاب را ارزانی میدارد که باعث بارور شدن زمین میشود؟ و چه کسی محصول را ارزانی میدارد؟ چه کسی بما آسمان و خورشید و ستارگان را بخشیده است؟ چه کسی بشما قوه عقل و استدلال بخشیده و چه کسی هر روزه نظاره گر و مراقب شماست؟ ... نگاه کردن به این جهان و مخلوقات آن دستان توانای خدا را خاطر نشان میسازد که همه چیز را بوجود آورد. سایبان آبی بالای سر ما و فرش سبز زمین یادآور قدرت خدا و محبت او هستند. او میتواندست علف را قهوه ای یا سیاه خلق کند اما خدا دوستدار زیبایی است و بنابراین او بما چیزهای زیبایی ارزانی داشته تا به آن نگاه کنیم و لذت ببریم. چه کسی میتواندست گلها را چنین زیبا رنگ آمیزی کند؟ هیچ کتاب درسی بهتر از طبیعت وجود ندارد. سوسنهای مراتع را در نظر بگیرید...آنان زحمت و محنتی نکشیده اند: و هان بتو میگویم که



حتی سلیمان با تمام شکوه و جلالش مانند یکی از اینها آراسته نشد. بگذارید اذهان فرزندانمان به خدا معطوف شود. برای این است که او بما هفت روز داده است و آنرا بعنوان یادبودی از خلقت خویش قرار داده است.

**اطاعت از احکام -** همان قدرتی که طبیعت را حفظ میکند در بشر نیز کار میکند. همان قوانین عظیمی که عینا ستارگان و اتم را هدایت میکند زندگی بشر را نیز در سلطه و کنترل خود دارد. قوانینی که فعالیت‌های قلب و گردش خون را در کنترل خود دارد و منظم کننده جریان زندگی در بدن ماست قوانین هوشمندی هستند که بر جان تسلط دارند. بواسطه اوست که زندگی ادامه می یابد. تنها از طریق هماهنگی با او میتوان حقیقت وی را شناخت. برای همه مخلوقات او ، شرایط مشابه حکمفرماست و آن اینکه زندگی از طریق خدا ابقا و اداره میشود. و زندگی در هماهنگی با اراده خدا ادامه می یابد. برای تخطی و سرپیچی از فرمان او- چه جسمی یا فکری و یا اخلاقی - فقط کافی است که خود را خارج از هماهنگی با او قرار دهیم که معادل خواهد بود با ناسازگاری و هرج و مرج و تباهی.

برای کسی که می آموزد و تعالیم او تعبیر میشود و همه اسرار طبیعت فاش میگردد. جهان کتاب درسی است. و زندگی مدرسه میباشد. با اتحاد بشر با طبیعت و خدا و وجود احکام جهان شمول ، سرپیچی نمیتواند با خدا هماهنگی داشته باشد و این موضوع شخصیت را قالب ریزی خواهد نمود. اینها درسهایی هستند که فرزندان ما لازم است تا آنها فرا گیرند.

**دروس دیگری از قوانین طبیعت -** در زمین کشت شده، کارگر فهیم خواهد یافت که گنج‌هایی که رویای آنانرا دیده بود در مقابل دیدگان او گشوده میشوند. هیچکس نمیتواند در کشاورزی یا باغبانی بدون توجه به قانون موفق شود. هرگونه گیاهی نیاز خاصی دارد که باید مورد مطالعه قرار گیرد. گونه های مختلف نیازمند به خاک و طریق کشت مختلف هستند و برآورده ساختن این خواسته ها و قوانین مربوط به هر یک شرط موفقیت هستند. توجه به نشا کردن ضروری است که هر ریشه ای نباید بیش از هم منسجم یا جابجا شود. توجه به نهالهای جوان ، هرس و آبیاری ، محافظت در برابر یخزدگی در شب و نور دهی در روز ، بیرون کشیدن علف های هرز، آفت و بیماریهای گیاهان ، تربیت و آرایش ، نه تنها دروس مهمی را در رابطه با رشد شخصیت آموزش میدهند بلکه کار کردن به تنهایی مفهومی از توفیق است. در کشت و زرع، مراقبت - شکیبایی - توجه به چیزهای جزئی - و اطاعت از قوانین همگی بیانگر





ضرورت آموختن دانش است. از ما خواسته شده است تا برای یافتن جواب به امور غیر قابل توضیح و رازگونه زندگی تماس مستمر داشته و طبیعت را دوست بداریم - برای مخلوقات زیبای خدا کاری انجام داده و دلسوز باشیم . این چیزها به ذهن روح میبخشد و شخصیت را تصفیه و متعال میسازد و دروس آموخته شده کارگر را آماده میسازد تا با ذهن دیگران با توفیق بیشتری سر و کار داشته باشند.

**دروسی از کشت دانه-** حکایت برزگر و دانه حاوی یک درس عمیق روحانی است . دانه بیان کننده اصولی است که در قلبها کاشته شده و شخصیت را رشد میدهد. به این تعلیم عمل کنید. کودکان میتوانند خاک را آماده کنند و بذر را بکارند و همانطور که مشغول بکارند والدین یا معلم میتواند به آنها از باغ دل بگویند که میتوان در آن بذر خوب یا بد کاشت و همانطور که باغ بایستی برای بذر طبیعی آماده شود بهمانگونه قلب نیز باید برای بذر حقیقت آماده گردد. همانطور که گیاه رشد میکند باید ارتباط بین کشت طبیعی و روحانی به کودکان شرح داده شود. وقتی که بذر در زمین قرار گرفت میتوانند مرگ مسیح را تعلیم دهند و وقتی که ساقه از زمین بیرون آمد آنگاه حقیقت قیام از مرگ را تعلیم دهند.

**باغ دل نیاز به کشت دارد-** از کشت خاک میتوان دایما دروسی آموخت. هیچ کس بر یک زمین بئر سکونت نمیکند و چه انتظاری میتوان از آن زمین داشت که روزی محصول بدهد. باید برای آماده ساختن زمین به سختی و مشقت کار و تلاش کرد تا خاک آماده کاشتن بذر شود و محصول پرورش یابد. کشت روحانی نیز باید همینطور باشد. باغ قلب بایستی کشت شود. خاک دل با توبه بایستی شکافته شود و مسیر زندگی اصلاح گردد. گیاه هرز و شریر که دانه را خفه میکند بایستی از ریشه در آورده شود. وقتی که خاک پر از خار و علف هرز شود میتوان تنها با پشتکار آن را اصلاح نمود. پس تنها با تلاش زیاد و با نام و قوت مسیح میتوان بر تمایلات شریرانه غلبه کرد.

**رشد بواسطه فیض -** به فرزندانان در مورد قدرت معجزه خدا بگویید. همانطور که آنان کتاب عظیم طبیعت را مطالعه میکنند خداوند ذهنهای آنان را تحت تاثیر خود قرار میدهد. مزرعه دار زمین خود را شخم میزند و بذر خود را میکارد ولی نمیتواند باعث رشد بذر شود. او باید توکل بخدا داشته باشد زیرا که هیچ قدرت بشری قادر به رویاندن نیست. خداوند قوت مورد نیاز را در بذر قرار میدهد و سبب میشود تا با جوانه زدن زندگی را آغاز کند. تحت توجه او منشاء حیات ،



پوسته سخت دانه را میشکافد و جوانه رشد کرده تا ثمره دهد. اول ساقه نمایان میشود بعد دو کفه بذر باز میشود و سپس برشد خود ادامه میدهد. وقتی که بکودکان از کاری که خدا برای بذر میکند گفته شد آنان راز رشد را بواسطه فیض فرا میگیرند.

**ترقی بالاتر از شرایط محیطی -** در آمریکا گل سوسن سفید وجود دارد. این سوسنهای زیبا کامل و بدون عیب و بدون یک ذره نقص رشد میکنند. آنها از میان آشغالها سر بیرون می آورند. من از پسرم خواستم تا تلاش کرده و یکی از این سوسنها را از ریشه در بیاورد. به او گفتم میخواهم که در این باره چیزی را درک کنی. او یکدسته گل سوسن را بیرون کشید و به آنها نگاه کردیم. آنها پر از مجراهای باز بودند و ریشه ها از ماسه خالص زیرین املاح جذب کرده و رشد میکردند تا به یک سوسن بی نقص و کامل تبدیل شوند. در میان آشغالها از نگاه کردن به چیزهای بد منظره طفره رفته اما در آنجا گیاهانی وجود داشت که بی نقص و در کمال رشد میکرد. دقیقا این راهی است که میتوانیم آنرا به جوانان در این دنیا آموزش دهیم. جوانان باید بدانند که گلهای زیبا در منجلاب رشد میکنند و میتوان در این دنیا پر گناه همچون این گلهای زیبا بی عیب و نقص رشد کرد. بگذارید تا قلبها و اذهان آنان بدانند که خدا و مسیح کیست و آن از خودگذشتگی که او در حق ما کرد را سپاسگزار باشیم. بگذارید فرزندان بسوی پاکدامنی و خلوص، حقیقت، فیض، ادب، محبت و شکیبایی جذب شوند. بگذارید آنان به منشاء همه قدرتها جذب شوند.

**دروسی از اعتماد و استقامت -** حال از وحوش سوال کنید - آنان تعلیمشان خواهند داد و جغدهای آسمان و ایشان به آنان خواهند گفت... و ماهیهای دریا اعلان خواهند نمود... نزد مورچه ها بروید... به مسیره های آنان توجه کنید... شاهد پرندگان باشید به طعمه و صید آنان توجه کنید. ایوب ۱۲: ۷، ۸؛ امثال ۶: ۶؛ متی ۶: ۲۶؛ لوقا ۱۲: ۲۴.

ما تنها از مخلوقات خدا با فرزندانمان سخن نمیگوئیم. حیوانات نیز خود تعلیم دهنده کودکان میباشند. مورچگان معلمان صبر و استقامت هستند که با پشتکار خود را برای آینده آماده میکنند. و پرندگان معلمان درس اعتماد هستند. پدر آسمانی برایشان مهیا میسازد ولی آنان باید غذا را جمع کنند آنان باید برای خود لانه بسازند و از جوجه های خود مراقبت کنند. در هر لحظه ممکن است دشمن به آنان حمله و نابودشان کند. و همچنان با خوشی به کارشان میپردازند. چقدر نغمه هایشان دلپذیر است. چقدر تشریح مزمو از توجه خدا نسبت به



مخلوقاتش زیباست: "کوههای بلند برای بزهای کوهی و صخره ها برای خوکچه ها ملجا است". مزمور ۱۰۴:۱۲.

او چشمه ها را در اطراف تپه ها میجوشاند جایی که پرندگان سکنی دارند و در میان شاخه ها نغمه سرایی میکنند. مزمور ۱۰۴:۱۲. همه مخلوقات بیشه زار و تپه ها بخشی از خانه او هستند. او دستان خود را باز میکند و خشنود میکند خواسته های هر موجود زنده ای را. مزمور ۱۴۵:۱۶.

**حشرات صنعت را آموزش میدهند** - زنبورهای صنعتگر به بشر خلاق الگویی میدهند که میتوان از آنان تقلید کرد. این حشرات یک نظم کامل را رعایت میکنند و هیچ زنبور بیکاری مجاز نیست تا به کندو وارد شود. آنان کار خود را با شعور و فعالیتی که ماورا درک ماست انجام میدهند... سلیمان حکیم توجه ما را به چیزهای کوچک زمین جلب میکند: به نزد مورچه ها بروید به مسیر او توجه کنید تنبلی نکنید و حکمت داشته باشید که راهنمایی ندارند نه مراقبی دارند و نه حاکمی قوت خود را در تابستان جمع آوری میکند و غذای خود را در زمان درو جمع آوری میکند. مورچه ها حشراتی قوی نیستند ولی غذای خود را در تابستان جمع میکنند. ما از یک معلم کوچک درس وفاداری می آموزیم. باید با پشتکار خود زندگی خود را بهبود بخشیم که آفریدگار حکیم آنرا بما ارزانی داشته است. چه عظیم خواهد بود تا ظرفیت خود را برای بهره مندی خود افزایش دهیم. چشمان خدا بر کوچکترین مخلوقات خویش است. آیا خداوند از انسانی که او را شبیه خود ساخت انتظار اعاده بهره از آن امتیازاتی نیست که به او عطا فرمود؟

## بخش ۳

### معلمین باید به اندازه کافی آموزش دیده باشند

#### فصل هشتم

#### اقدام مقدماتی لازم است



**غفلت مادر از آماده سازی کودک -** اولین معلم کودک ، مادر است. در طی مراحل رشد استعداد و شکوفایی، تعلیم و تربیت در حد بالایی به عهده مادر سپرده شده است. این فرصت به او داده شده تا شخصیت کودک را برای خوبی یا بدی قالب ریزی کند. او باید ارزش فرصت بدست آمده را غنیمت شمارد زیرا میتواند بعنوان یک معلم بحساب بیاید. هیچکس ارزش آموزش مادر را نمیداند. نفوذ مادر در تعلیم و تربیت بواسطه همیاری توأم با آموزش سیستماتیک قدرتمند تر و موثر تر خواهد بود.

**ضرورت آماده سازی محتاطانه و کامل -** مراقبت طفل کوچک به کسانی سپرده شده است که غالباً از نیازهای جسمی نا آگاهند. گاهی اوقات آنان از اصول بهداشت و رشد اطلاع کافی ندارند. و همچنین برای کار مراقبت در رشد روحی و عقلی صلاحیت ندارند. آنان ممکن است که برای مدیریت امور تجاری واجد شرایط باشند و یا در اجتماع بدرخشند - آنان ممکن است که در ادبیات و علوم به دستیابی هایی رسیده باشند ولی برای تربیت یک کودک دانش اندکی دارند...

مسئولیت دوران کودکی و تربیت آنان بر عهده پدر و مادر است و بر عهده هر پدر و مادری واجب است که بطور کامل و دقیق زمینه چینی کند. آنان قبل از اینکه خود را پدر و مادر بپندارند بایستی با اصول رشد جسمی مرد و زن - با فلسفه ، علم بهداشت، با رفتار و سلوک پدر و مادری، با قانونهای توارث ، مراعات اصول بهداشت، پیرایش، ورزش و درمان بیماریها آشنا باشند. آنان باید اصول رشد و بلوغ عقلانی و تربیت اخلاقی را نیز درک کنند...

آموزش هرگز تمام این خواسته ها را تکمیل نمیکند تا اینکه اهمیت کار والدین کاملاً تشخیص داده شود و آنان باید برای مسئولیتهای مقدس آموزش دیده و دانش کسب کنند. والدین باید قانونهای طبیعت را مطالعه کنند. آنان باید با اندام و ارگانیسم بدن انسان آشنا شوند. آنان باید وظایف مختلف اعضای بدن را شناخته و ارتباط و وابستگی اعضای آنها را با یکدیگر بفهمند. آنان باید رابطه قدرت فکری و جسمی را مطالعه کنند و بدانند که شرایطی برای فعالیتهای سالم برای هر یک از اعضای بدن لازم است. آیا نمیبندارید که مسئولیتهای پدری و مادری بدون آمادگی و زمینه چینی گناه است؟



**چه کسی حائز شرایط لازم است -** والدین ممکن است بپرسند: چه کسی برای این امور صلاحیت دارد؟ تنها خدا قابلیت کامل را دارد و اگر او را رها کرده و از او کمک و مشاوره نطلبند در واقع در انجام وظیفه حساس خود نومید خواهند شد. اما در این وظیفه خطیر با دعا، با مطالعه کتاب مقدس و با شور و شوق زیاد میتوانند به بهترین نحو سهم خود را ایفا کنند و با افتخار به توفیق دست یابند و به آنان صدها برابر بخاطر زمانهای مراقبتشان اجر داده خواهد شد... سرچشمه حکمت باز است که از آن میتوان دانش لازمه را برای هدایت کسب نمود.

گهگاهی دلزده میشویم و خطراتی شادی حال و آینده عزیزان را تهدید میکند که والدین مسیحی را سوق میدهد تا مشتاقانه تر در پی استعانت از منشاء قوت و حکمت باشند. در حینیکه از این جانهای کوچک مراقبت میکنند و همچنانکه باید به خدا حساب پس بدهند این مسئله باید آنان را ملاحظه کار تر - مصمم تر - آرامتر و با اینحال راسخ تر کند.

**تعلیم کودک، درک اراده خدا را میطلبد -** والدین هیچ بهانه ای ندارند تا از نائل شدن به درک اراده خدا قصور کنند. آنان میتوانند با فرمانبرداری از قوانین ملکوت وی به آن نائل گردند. بدین معنی که اطاعت از خدا میتواند فرزندان را به بهشت هدایت کند. برادران و خواهران من، این وظیفه و تکلیف شماسست تا خواسته ها و اراده خدا را درک کنید. شما نخواهید توانست تا فرزندان خود را در باره امور الهی آموزش دهید مگر اینکه ابتدا خود بفهمید که چه چیزی درست یا غلط است! مگر اینکه درک کنید که فرمانبرداری یعنی حیات ابدی و نافرمانی یعنی مرگ ابدی! ما بایستی این را سرلوحه زندگیمان قرار دهیم که باید اراده خدا را درک کنیم. تنها با این کار میتوانیم کودکان خود را در مسیر درست آموزش دهیم.

**نظامنامه خدا با دستورالعمل کامل -** والدین نمیتوانند بطور صحیح مسئولیت خود را انجام دهند مگر اینکه کلام خدا را بعنوان معیار و قانون زندگی خود قرار دهند. در اینصورت آنان میتوانند دیگران را آموزش داده و شخصیت هر بشری را شکل دهند که مانند گنجینه ای ارجمند بوده و شالوده حیات ابدی باشد.

کتاب مقدس حاوی جزییات کامل و غنی برای هدایت بشر بوده و میتواند دقیقاً بعنوان یک کتاب درسی تلقی شود. اگر والدین فرزندان خویش را مطابق با اصول اخلاقی کتاب مقدس



تعلیم دهند نه تنها گام‌های نوجوانان خود را در مسیر درست قرار میدهند بلکه آنان خود را نیز برای مقدس‌ترین تکالیفی که بر عهده دارند تعلیم میدهند.

کار والدین کاری مهم و جدی است و این وظیفه خطیر به عهده آنان سپرده شده است. چنانچه والدین کلام خدا را بدقت مطالعه کنند جزئیات کاملی از دستورالعملها و بسیاری از وعده‌های پرارزش الهی را پیدا خواهند نمود که برای آنان مهیا شده است - منوط به اینکه کار خود را صادقانه و خوب انجام دهند.

**مقررات برای والدین و فرزندان** - خداوند مقررات و موازینی را برای راهنمایی والدین و فرزندان آنان تعیین فرموده است. این مقررات بایستی بطور جدی اطاعت شوند. فرزندان نباید بحال خود رها شوند و نباید به آنان اجازه داده شود تا خواسته‌های خود را بدون مشاوره از والدین خود انجام دهند ...

در مقرراتی که خدا برای راهنمایی والدین و فرزندان داده است انحرافی وجود ندارد. خداوند از والدین انتظار دارد تا کلام و اصول وی را به فرزندان خویش تعلیم دهند. ایمان و اعمال نیک باید با هم تلفیق شوند. هر چیزی که در خانه و مدرسه انجام میشود باید به خوبی و با نظم انجام گیرد.

**احکام و شهادت<sup>5</sup>** - لازمه به اتمام رسیدن و تکمیل تمامی تعالیمی که خدا آنرا برنامه ریزی کرده این است که والدین و دانش‌آموزان در فراگیری و عمل به کلام کوشش و تلاش کنند. آنان باید خود را دانش‌آموزان آن معلم بزرگ بدانند. و هر روزه قانون مهر و محبت باید بر لبانشان جاری باشد. زندگی آنان باید مطابق با الگوئی باشد که فیض و حقیقت را آشکار کند. آنگاه محبت تقدیس شده، قلوب والدین و فرزندان را بهم پیوند داده و جوانان در ایمانی که در محبت خدا ریشه دارد رشد خواهند نمود.

وقتی که اراده و راه و روشهای خدا اراده و راه و روشهای والدین بشود، فرزندان ایشان در محبت رشد نموده و خدا را اطاعت و تکریم خواهند نمود. شیطان قادر نخواهد بود تا کنترل فکر آنان را بدست گیرد زیرا آنان فراگرفته‌اند تا به کلام پروردگار باریتعالی احترام بگذارند و آنان همه تجربیاتی را که کسب نموده‌اند را در احکام و شهادت محک خواهند زد.



**اگر غافلید زمان را بازیابید -** والدین باید کلام خدا را برای خودشان و برای خانواده خویش مطالعه کنند. ولی برغم این بسیاری از فرزندان بدون تعلیم، بی مدیریت و بی قید و بند رها شده اند. اکنون والدین باید با تمام توان خویش بی توجهی های انجام شده را برطرف کنند و فرزندان خود را تحت نفوذ خود قرار دهند.

بدین جهت والدین باید کلام را مطالعه و جستجو کنند. آنان نه تنها باید شنونده خوبی باشند بلکه به کلام نیز بخوبی عمل کنند و با معیار الهی فرزندان خود را تربیت کنند.

**قانون هدایت کننده: خدا چه فرموده است؟ -** کار تمامی والدین تعلیم فرزندان شان بسوی خداست. این موضوعی نیست که کم ارزش و سرسری در نظر گرفته شود یا اینکه بکناری زده شود. ما خوانده نشده ایم تا آنچه را که دیگران دنبال میکنند پیروی کنیم و یا اینکه ساده ترین راه را انتخاب کنیم. ولی خدا چه فرموده است؟ والدین و فرزندان در مسیر غلط نمیتوانند آرامش و شادی و آرامش روحی داشته باشند. ولی وقتیکه ترس خدا و محبت عیسی در قلبهای آنان تلقیق شده باشد آنگاه آرامش و خوشی را احساس خواهند نمود. والدین! عالم محضر خداست. کلام خدا را در محضر او منتشر کنید و جستجو کنید که کلام خدا چه گفته است؟ این بایستی قانون زندگی شما باشد. آنانی که مشتاق نجات جانها هستند وقتی که خطر را ببینند خاموش نخواهند ماند. مطمئناً "هیچ چیز بجز حقیقت خدا نمیتواند والدین را ناجی اذهان بشر بسازد.

**آمادگی فردی -** انجام وظایف انبوه نیاز به پرورش فکری دارد. در اینجا توان فکری و جسمی به انرژی سالم نیاز دارند و برای مستجاب نمودن این مهم باید به تعلیم و تربیت فرزندان پرداخت.

دیدگاه فردی در خصوص مسئولیت مادران چنین میگوید که هر زنی باید ذهن متعادل و منس خالص داشته باشد که منعکس کننده حقیقت محض، نیکی و زیندگی باشد و برای رسیدن به چنین ویژگی بایستی خود را تقویت کرده و رشد دهد. همسر میتواند قلب شوهر و فرزندان خود را به قلب خویش با محبت مداوم پیوند دهد. فرزندان وی لحن ملایم و اخلاق متواضعانه او را بعنوان یک قاعده و اصل در نظر گرفته و از آن تقلید خواهند نمود.



**مادر، این کار الهی به تو محول شده است-** خواهرم، مسیح کار الهی تعلیم و تدریس احکام را به شما محول نموده است. برای اینکه شایستگی این کار را داشته باشید ابتدا در زندگی خود نیز باید مطیع احکام او باشید. بدقت مراقب کلام و اعمال خود باشید. تلاش کنید تا مراقب کلام خود باشید. بر تعجیل در عصبی شدن غلبه کنید. اگر ناشکیبائی بروز نماید این مسئله محیط زندگی را به محیطی ناسازگار و ناخوشایند برای فرزندان تبدیل خواهد ساخت.

**مشارکت در کار الهی-** مادران، قلبهای خود را برای دریافت هدایت الهی بگشایید و در ذهن خود چنین بیندازید که باید کار خود را به نحوی انجام دهید که موافق با اراده خدا باشد. بایستی در مسیر الهی راه بروید و در جستجوی حکمت الهی باشید که بدانید تا چگونه رفتار کنید و بپذیرید که خدا رئیس کارگران است و بدانید که در این کار شما با او همکاری میکنید. بگذارید قلبهایتان در امور آسمانی تعمق و جستجو کند. استعدادهای خدادادی را در وظایفی که خدا بعنوان مادر شما سپرده است تمرین کنید و بعنوان نماینده الهی در این مشارکت کار کنید. با ذکاوت و خردمندی کار کنید و هرچه که میخورید و یا مینوشید و هر چه که انجام میدهید برای جلال نام خدا باشد.

مادران باید برای فرزندان خود بعنوان یک مراقب دلسوز و فداکار باشند. مادر باید مشتاقانه با صبر و با دلیری در پی ارتقای تواناییها و استعدادهای خود باشد و باید با تمام توان ذهنی آنرا برای تعلیم فرزندان خود بکار گیرد. بالاترین هدف باید این باشد تا به فرزند خود تعلیم دهد تا اینکه مورد تایید خدا واقع گردد. همانطور که او کار خود را با فهم و درایت به پیش میبرد، قدرت خواهد یافت تا سهم خویش را ادا نماید. مادر باید نیاز به راهنمایی روح القدس را احساس کند و خود نیز تجربه تسلیم شدن در مسیر اراده خدا را بیابد. سپس از طریق فیض مسیح میتواند یک مادر حکیم و خردمند و نجیب و معلمی دوست داشتنی برای فرزندان خود باشد.

**آیا شروع کار شما با اشتباه توأم بوده است؟-** به والدینی که آموزش خود را اشتباه شروع کرده اند میتوان گفت که مایوس نباشید. شما ملزم هستید تا بسوی خدا بازگردید. شما نیاز به روح اطاعت از کلام خدا دارید. شما باید عملکردهای خود را اصلاح کنید و احکام خدا را تایید کنید. وقتی چنین کنید عدالت مسیح را خواهید داشت زیرا که از احکام او ناشی شده است. بهمین دلیل نشان میدهید که خدا را دوست دارید و حکم او را بعنوان یک رونوشت از ذات او





تشخیص می‌دهید. ایمان درست در شایسته بودن در مسیح یک مسئله خیالی نیست. وارد کردن خصوصیات مسیح در زندگی و شخصیت پذیری از او دارای اهمیت و الویت بالایی است و با پشتکار به فرزندانان تعلیم می‌دهید که مطیع فرامین خدا باشند. جمله " خداوند فرموده است <sup>6</sup>... " میتواند در تمامی برنامه های آموزش راهنمای شما باشد...

سال را با توبه عمیق و قلبی شروع کنید. ... خدا را برای دریافت بصیرت روحانی و بخاطر کشف عیوب و نقص های گذشته مشتاقانه جستجو کنید. در حضور خدا بخاطر اهمال در ماموریت الهی خانه <sup>7</sup> توبه کنید. این روز اعتماد و توکل شما به خداست، روز مسئولیت و فرصت دیگری که بشما ارزانی شده است. بزودی روز حساب پس دادن خواهد رسید. به فرزندان خود تعلیم دهید که برای دریافت تعمیم روزانه روح القدس امتیاز خاصی دارند. بگذارید مسیح شما را بعنوان کمک دست بیاید تا اهداف خویش را ادامه دهد. با دعا میتوانید این تجربه را حاصل نمایید که رسالت <sup>8</sup> شما برای فرزندانان توفیق کامل داشته باشد.

## فصل نهم

### فراخوان برای تزکیه نفس (خود بهسازی)

**پیشرفت دائمی الزامی است -** کار مادر بگونه ای است که رشد و ترفیع را در زندگیش میطلبد بخاطر اینکه بتواند فرزندان خود را هر چه بیشتر و بیشتر برای نیل به موفقیت‌های بالاتر سوق دهد. ولی شیطان برای جانهای والدین و فرزندان برنامه چینی میکند و آنها را برای خودش میخواهد.

مادران نه به دلایلی مختلف بلکه بخاطر فرزندان خود باید دانش خود را ارتقاء دهند زیرا در مقایسه با پادشاهی که بر تخت سلطنت نشسته است مسئولیت سنگینتری را بعهده دارند. تعداد کمی از مادران سنگینی مسئولیتی که به آنان واگذار گردیده را احساس و یا درک میکنند. این مسئولیت آن توانایی است که بتوانند برای کار ویژه خود با شکیبایی و با مجاهدت در پرورش نفس به آن نائل آیند.



و ابتدا مادر ناگزیر است تا همه استعدادها و علاقه های ذهنی و قلبی را بکار گیرد و خصوصیت انحرافی یا مغرضانه نداشته باشد و آنرا بحدت در انتظام پرورش دهد تا نشانه ها و شاخصه های کاستی و خارج از عرف را بر اولاد خود نگذارد. بسیاری از مادران باید لزوم تغییر مثبت در مقاصد و خصایل را دریابند تا اینکه بتوانند وظایف داوطلبانه را بعنوان فرد متاهل و متعهد انجام دهند. معبر کارآیی زنان میتواند وسعت یابد که بر سرنوشت و عاقبت نژاد بشر تاثیر خواهد گذاشت.

**رشد پایدار در حکمت و کارآیی -** مادران فراتر از هر چیز دیگر چنانچه بخواهند در حکمت و کارآیی توانگر شوند بهتر است خود را به مطالعه و تفکر عادت دهند. آنانیکه در این مرحله پشتکار بخرج دهند بزودی شاهد خواهند بود که به نیروی ذهنی دست یافته اند که بخیال خود ناکارا بوده است. آنان می آموزند تا شخصیت درستی را برای فرزندان شان شکل دهند. نتیجه فکر و تلاش در این کار در اطاعت - بی آلاشی - عفت و پاکدامنی آنان دیده خواهد شد. این نتیجه، بازپرداخت کلان همه تلاشها و مجاهدتهاست.

خداوند مادرانی را میخواهد که در پی بهبود و اصلاح فکر و قلب هستند. مادران باید احساس کنند که کاری برای خدا در دست دارند که آموزش و تربیت فرزندان شان است و هر چه بیشتر بتوانند در کمال، توانائیهای خود را بهبود بخشند، بیشتر میتوانند در کار خود بعنوان والدین موثر و کارآمد واقع شوند.

**والدین باید از نظر اخلاقی و فکری رشد کنند -** این تکلیف و وظیفه مادران است تا افکار خود را رشد داده و قلوب خود را پاک نگاه دارند. آنان باید از هر وسیله ای که قابل دسترسی است برای رشد فکری و اخلاقی خود بهره ببرند تا اینکه حائز شرایطی بشوند که بتوانند افکار فرزندان خود را رشد و بهبود بخشند.

والدین باید خود دانش آموزان ثابت قدمی در مدرسه مسیح باشند. آنان به نیرو و طراوت و شادابی نیاز دارند که با بی آلاشی مسیح بتوانند اعضای جوانتر خانواده خدا را به فهم اراده<sup>9</sup> او تعلیم دهند.



**قدرت شگفت انگیز فرهنگ مسیحی -** والدین هنوز به درک قدرت شگفت انگیز مسیح پی نبرده اند. معادن حقیقتی وجود دارند که باید حفر گردند ولی جای شگفتی و تاسف است که چرا از آنان کوتاهی شده است. این بی تفاوتی زائد الوصف موافق با اراده خدا نیست. ای والدین! خداوند شما را فراخوانده است که به این موضوع با چشمان باز و تدهین شده نگاه کنید. شما تا کنون فقط سطح را کاوش کرده اید. کاری را که برای مدت‌ها از آن غفلت کرده اید بدست گیرید و خدا با شما همکاری خواهد کرد. کار خود را با شور و حرارت انجام دهید و خدا بشما کمک خواهد کرد تا در آن پیشرفت کنید. با آوردن انجیل به زندگی روزانه این کار را شروع کنید.

ما الان در کارگاه خدا هستیم. بسیاری از ما سنگهای خشن و نتراشیده ای هستیم که از معدن سنگ جدا شده اند. ولی همانگونه که حقیقت خدا آورده شده تا روی ما تاثیر بگذارد هر نقصی برداشته میشود و ما آماده میشویم تا همانند سنگهای زنده ای در معبد آسمانی بدرخشیم جایی که نه تنها با فرشتگان مقدس بلکه با پادشاه ملکوت در ارتباط خواهیم بود.

**هدف به کمال رسیدن است -** مادران! آیا از بیهودگی و کار عبث رها نشده اید؟... آیا در پی نزدیک شدن به خدا نیستید که شاید حکمت و فیض او در کاری که به بلندای ابدیت خواهد بود شما را کمک کند؟ رشد و کمال در شخصیت فرزندان هدفتان باشد. بیاد داشته باشید که فقط خداوند این کمال را میتواند ببیند...

بسیاری از والدین نسبت به کار خدا دادی خود اهمال و کوتاهی میورزند. آنان خود از خلوص و قدوسیت بدور هستند و آنچنان که باید و شاید نقصهای فرزندان را نمیبینند. چنانچه چشمانشان میدید آنگاه کمال ذات و خصایل مسیح را میستود.

**چگونه یک مادر میتواند یک نمونه کامل و ایده آل بشود -** مادر در عوض جان کندن در خانه باید زمانی را برای مطالعه اختصاص دهد تا از امور آگاه باشد و همدم و معاشری برای شوهرش باشد و برای رشد فکری فرزندان در تماس مستمر باشد. بگذارید فرصتها را با حکمت مغتنم شمرده تا بر عزیزان خود برای زندگی اخروی تاثیر بگذارد. بگذارید تا منجی عزیز را معاشر روزانه و دوست آشنای خود بسازد. بگذارید تا زمانی را برای مطالعه کلام او بگذارد



زمانی را برای رفتن به‌همراه کودکان در مزرعه و دشت و صحرا بگذارد تا زیبایی خلقت او را ببینند.

بگذارید تا او سبک‌روح و بشاش باشد. در عوض پرداختن لحظات خود در دوخت و دوزهای تمام ناشدنی، شامگاه خود را به معاشرتی دلنشین مبدل سازید - یک تجدید دیدار و خلوت انس پس از انجام وظایف روزانه. چه بسا مردها در عوض گرایش به پیوستن به کلوپها - کافی شاپها یا چایخانه‌ها بهتر است تا سالن اجتماع خانه خود را انتخاب کنند که هم در آن صمیمیت وجود دارد و هم می‌توانند نوشیدنیهای گوارا را در کنار همسر و فرزندان خود بنوشند و از وجود یکدیگر لذت ببرند. چه بهتر اینکه پسرها از ولگردی و در گوشه خیابان ایستادن در خانه خود در امنیت نگهداری شوند. و چه بسا در جمع خانوادگی بسیاری از دختران از رفتارهای سبکسرانه و معاشرتهای گمراه کننده نجات می‌یابند. تاثیر خانه برکت مادام‌العمری خواهد بود که خدا برای والدین و فرزندان اختصاص داده است.

**کامرانی و توفیق در زندگی خانوادگی -** به مادران مشورت و پند بدهید که نباید از طبیعت خود پیروی کنند. باید بسیار مراقب باشید تا در همه امور الگوی درستی باشید. تنبل و غیر فعال نباشید. انرژی‌های خفته خود را بیدار سازید. وجود خود را برای شوهرتان با توجه و مهربانی و سودمندی لازم بدانید. برای شوهرتان در هر چیزی برکت باشید. انجام کارها و وظایف را ضروری و واجب بدانید. یاد بگیرید که چطور با نشاط کارهای ساده غیر جذاب خانگی را انجام دهید ولی اکثر وظایف ناچاراً" مربوط به خانه هستند...

سعی کنید تا در زندگی خانوادگی موفق باشید. بدین معنی که بیشتر از آنچه که فکر میکنید به کارهایی که همسرتان انجام میدهد کمک کنید... شما به فرهنگ و تجربه زندگی خانوادگی نیاز دارید. شما در این زندگی به دگرگونی - تحرک - تلاش مجدانه و رشد قوه ارادی نیاز دارید.

**والدینی که بسیار مشغول هستند -** بسیاری از والدین گلاویه میکنند که آنقدر کار دارند که وقتی برای بهبود و پرورش ذهن خود و تعلیم فرزندان برای زندگی عملی یا آموزش به آنان که چطور بره‌های گله مسیح بشوند ندارند. والدین از مسلح کردن ذهن‌ها در برابر گناه نباید غافل شوند - برای دفاع بر ضد چیزی که نه تنها آنان را تباه خواهد کرد بلکه درد و هر نوع



بدبختی و شرارت را به اولاد آنان منتقل خواهد کرد. والدین با آموزش صحیح خویش میتوانند فرزندان خود را تعلیم داده مبنی بر این که ملکوت خدا بر زندگی‌ها حاکم است.

**والدین باید مشاوره و اندرز را بپذیرند -** در حالیکه والدین نسبت به خدا بی تفاوت و در خواب غفلت هستند شیطان در قلب فرزندانمان دانه میکارد که جوانه زده و محصول مرگ را برایشان به ارمغان خواهد داشت. با این حال غالباً "چنین والدینی بخاطر اشتباهات خود از پند و اندرز نفرت دارند و به مشاوره بی میلی نشان میدهند. رفتار آنان بگونه ای است که به نصیحت کنندگان میگویند که چه حقی دارید که در امور فرزندان من دخالت بیجا میکنید؟ ولی آیا فرزندان آنان فرزندان خدا نیز نیستند؟ آیا خداوند بی توجهی نادرست نسبت به این وظیفه خطیر را در نظر نمیگیرد؟ وقتی خداوند از آنان سوال میکند که چرا فرزندانمان را به این جهان آورده اند و سپس آنان را رها نموده اند تا وسیله سرگرمی و سوسه های شیطان شوند چه عذر و بهانه ای می آورند؟

همواره آمادگی داشته باشید تا پندها و نصایح دیگران را بشنوید. احساس نکنید که به برادران یا خواهران شما ربطی ندارد که رفتار و سلوک فرزندانمان چگونه باشد.

**فواید جلسات برای مشاوره متقابل -** (توجه: اینجا اشاره به مطالعه گروهی مانند جلسات در اردو است)<sup>10</sup>. خداوند مقدس ترین کار را به دستهای ما سپرده است و ما باید با یکدیگر جلسه داشته باشیم تا از یکدیگر درس گرفته تا بتوانیم توانایی انجام چنین کاری را بدست آوریم... نیاز است تا گرد هم جمع شویم تا ارتباط روحانی را لمس نموده و بدینوسیله اهمیت کار و آموزش در خانه را درک کنیم. والدین لازم است درک کنند که چطور دختران و پسران خود را در جایگاه مقدس خانه تعلیم و تربیت کنند تا شایستگی یابند که همچون نوری در جهان بدرخشند. از جلسات اردو میتوانیم درک بهتری را از وظایف خانه داشته باشیم. در اینجا درسهایی را راجع به کار خدا که خواهران ما در خانه هایشان انجام میدهند میتوان آموخت. آنان باید راه بهبود آداب در کلام را در هنگامی که با شوهر و فرزندان خود گفتگو میکنند یاد بگیرند. آنان برای کمک به اعضای خانه باید مطالعه کنند که چگونه هر یک از اعضاء خانواده میتوانند تحت نظم و انضباط الهی قرار گیرند. پدران و مادران باید درک کنند که آنان ملزم هستند تا خانه را جذاب و دلپسند سازند. و بدانند که اطاعت و فرمانبرداری با سرزنش و تهدید و ارباب حاصل نمیشود. بسیاری از والدین باید بیاموزند که هیچ خیریتی با غضب و سرزنش



انجام نمیشود. بسیاری از والدین به لزوم گفتارمحبت آمیز با فرزندان توجه نمیکنند. آنان بیاد نمی آورند که این طفل ها با قیمتی خریداری شده اند و به خداوند عیسی مسیح تعلق دارند.

## بخش ۴

# مهمترین درس اطاعت و فرمانبرداری است

## فصل دهم

### کلید شادی و موفقیت

**موفقیت بستگی به اطاعت دارد** - پدران و مادران و مربیان در مدارس باید بیاد داشته باشند که فرمانبرداری یکی از شاخه های مهم آموزش کودکان است. رویهمرفته اهمیت کمی به این امر مهم در آموزش داده شده است. فرزندان تحت انضباط بجا و مناسب بسیار شادتر از زمانی خواهند بود که سرشت و طبیعت آنان رام و مقهور نشده باشد.

اطاعت بیدرنگ و همیشگی به مقررات خردمندانه والدین موجب افزونی شادی در فرزندان خواهد گردید و نیز باعث تکریم خدا و خیریت جامعه خواهد شد. فرزندان باید بیاموزند که فرمانبرداری از دستورات و مقررات خانه است که آزادی کامل را برایشان بارمغان خواهد آورد. مسیحیان نیز درس مشابه را خواهند آموخت - که آزادی کامل در اطاعت از احکام خدا حاصل خواهد شد.

اراده خدا همان احکام ملکوت است. از زمانیکه احکام در زندگی رعایت میشد همه خانواده خدا مقدس و شاد بودند. ولی وقتی که حکم الهی نقض<sup>11</sup> گردید آنگاه رشک و حسادت و نزاع مرسوم شد و بخشی از ساکنین ملکوت سقوط کردند. تا زمانیکه احکام خدا در خانه های زمینی حرمت داده شوند خانواده در خوشی و سعادت خواهد بود.



**نافرمانی باعث از دست دادن باغ عدن گردید -** داستان نافرمانی آدم و حوا در ابتدای تاریخ زمین بطور کامل ارائه شده است. بخاطر یک نافرمانی، اولین والدین ما خانه زیبای عدن را از دست دادند. و آن خطا چیز کوچک و جزئی بود. الان باید خدا را شکر کنیم که آن خطا جزئی بود. با آن خطای باصطلاح کوچک آدم و حوا جریمه بزرگی پرداختند - حال اگر خطای بزرگی مرتکب شده بودند نمیدانیم وضعیتمان الان چگونه بود! این حد اقل آزمونی بود که خداوند میتوانست به آن زوج مقدس در باغ عدن بدهد.

**شالوده کامیابی دنیوی و روحانی -** بهروزی دنیوی و معنوی مشروط به اطاعت از احکام خداست. ولیکن ما کلام خدا را نمیخوانیم و بدینسان با عبارت برکت آشنا میشویم که به همه کسانی داده شده است که به احکام خدا بسختی گوش جان میسپارند و با کوشش آنرا به خانواده خود تعلیم میدهند. اطاعت از کلام خدا حیات و شادمانی ماست. ما به دنیایی نگاه میکنیم که در زیر بار شرارت و خشونت انسانهایی که احکام خدا را شکسته اند به فغان افتاده است. او برکات خود را از باغها و تاکستانها بازپس گرفته است... اگر بخاطر مردمی که احکام را رعایت میکنند نبود او دوره حیات را کوتاه و قیامت را برای داوری بپا میکرد.

**فرزندان را در مسیر اطاعت و فرمانبرداری هدایت کنید -** وظیفه الهی بستگی به والدین دارد تا فرزندانشان را در مسیر سخت فرمانبرداری هدایت کنند. شادی واقعی در این زندگی و در آخرت بستگی به اطاعت از "آنچه خدا گفته است" دارد. والدین! بگذارید زندگی مسیح الگوی شما باشد. شیطان هر وسیله ای را بکار خواهد گرفت تا این معیار بزرگ خداترسی را در هم شکند. این به عهده شماست تا در سالهای اولیه رشد بر روی فرزندانان تاثیر بگذارید و الگوی خدا را در ذهن آنان شکل بدهید. مسیح به این جهان آمد تا به آنان مثال زنده را عطا کند که آنان چگونه مدلی باید باشند و والدینی که ادعا میکنند که ایمان به حقیقت دارند برای این زمان باید فرزندانان را تعلیم دهند که خدا را دوست داشته و از احکام او پیروی کنند. این بزرگترین و مهم ترین کاری است که پدران و مادران میتوانند انجام دهند... این نقشه خداست که حتی فرزندان و جوانان با درایت درک کنند که خدا از آنان میخواهد که فرق گناه و عصمت و اطاعت و نافرمانی را تشخیص دهند.

**اطاعت حظ و شادی می آورد-** والدین باید سطر به سطر و حکم به حکم کلام را آموزش دهند. و بی توجهی به احکام مقدس خدا را مجاز نشمارند. آنها باید به قدرت الهی تکیه کنند

و از خدا بخواهند تا با مساعدت الهی فرزندانشان را درست بار بیاورند. خداوند یگانه پسر عزیز خود را فدیة داد تا فرزندان ناسپاس را به تبعیت از خود بازگرداند. خداوند اشتیاق دارد تا مردان و زنان را از محبت غنی خود لبریز سازد. او اشتیاق دارد تا ببیند که آنان از انجام اراده او مشعوف میشوند و هر جزء از توانائیهای بامانت سپرده شده خود را برای خدمت به او بکار گیرند و همه آنانی را که در گردونه نفوذ آنان قرار گرفته اند تعلیم دهند و بخاطر مسیح چنان با نیکوئی با آنان رفتار کنند تا از احکام اطاعت کنند.

## فصل یازدهم

### تعلیم و تربیت از دوران خردسالی و طفولیت

**تعلیم را از همان ابتدا شروع کنید -** اطاعت از اولیاء باید در طفولیت القاء شود و در جوانی رشد یابد. برخی والدین فکر میکنند که میتوانند اجازه بدهند تا خردسالانشان در طفولیت براه خود بروند و هنگامیکه بزرگتر میشوند با آنان همفکری میکنند ولی این اشتباه است. مطیع بودن را از همان طفولیت آغاز کنید... اطاعت را در مدرسه خانگی الزامی کنید. کودکان در اوان زندگی باید تعلیم ببینند که از والدین خود حرف شنوی داشته به حرفهای آنان احترام گذارده و برای اقتدار و اختیارات آنان حرمت قائل شوند.

**قبل از اینکه قدرت استدلال رشد کند -** یکی از اولین درسهایی که یک کودک نیاز است تا آنرا یاد بگیرد درس فرمانبرداری است. قبل از اینکه او باندازه کافی بزرگ شود تا استدلال کند باید به او مطیع بودن را آموخت. کار مادر باید با طفل آغاز شود. او باید خواسته و خلق و خوی کودک را رام و مطیع بسازد و سرشت وی را تحت پیروی و تسلط خود در آورد. به او یاد بدهید تا اطاعت کند و هنگامی که کودک بزرگتر شد چوب تادیب را بر زمین نگذارید.

**قبل از اینکه خود رایی و هوای نفس رشد کند -** تعداد کمی از والدین در زمان مناسب آموزش فرزندان خود را شروع میکنند. والدین معمولاً به کودک اجازه می دهند تا به دو سه سالگی برسد و از تادیب وی احتراز میگردد به گمان اینکه هنوز خیلی زود است تا او مطیع بودن را فرا بگیرد. ولی در تمام این وقت شخصیت در این موجود کوچک رشد می یابد و هر روز کار سخت تر میشود تا اولیاء بتوانند کنترل کودک را در دست بگیرند. در همان سالهای





نخست ، کودکان میتوانند آنچه را که ساده و شفاف به آنان گفته شده است را درک کنند و با تربیتی محبت آمیز و معقول میتوانند مطیع بودن را فرا گیرند... مادر نباید اجازه دهد تا فرزندش در حلقه ای از او سوء استفاده کند و برای اینکه به اقتدار خود ادامه دهد ضرورتی ندارد تا به خشونت متوسل شود - عزم راسخ توام با محبت میتواند کودک را متقاعد ساخته که شما وی را دوست میدارید و مقصود شما را بانجام خواهد رساند. ولی اگر اجازه دهید که خودخواهی - خشم و خودرایی مراحل خود را در سه سال اولیه زندگی کودک بگذراند آنگاه تادیب و آوردن کودک به خلق و خوی سالم سخت خواهد بود. در این حالت است که کج خلقی بروز کرده و کودک از انجام هر چه که دوست دارد لذت برده و کنترل والدین برایش ناخوشایند خواهد بود. این گرایشهای بد مانند یک غده بدخیم رشد میکند تا اینکه در دوران بلوغ خودخواهی و خودمحوری به منتهی الیه خود میرسد و فقدان خویشننداری و تذهیب جای خود را به شرارت میسپارد که طبیعت و ذات ما را لجام گسیخته مینماید.

نباید به کودکان اجازه داده شود تا به اولیاء خود بی احترامی نشان دهند. خود رایی هرگز نباید تا جایی مجاز شمرده شود که دیگر نتوان آنرا توبیخ نمود. عاقبت بخیری کودک نیاز به عشق و محبت دارد ولی باید توام با تادیب و تربیت راسخ باشد.

اطاعت از والدین باعث سوق داده شدن فرزندان به اطاعت از خدا میشود - کودکان و نوجوانانی که والدین دینداری دارند نسبت به دیگران برتری دارند زیرا فرصتی یافته اند تا خدا را شناخته و او را دوست بدارند. فرزندان با احترام و مطیع بودن به خواسته اولیاء خود میتوانند یاد بگیرند که چطور به پدر آسمانی خود احترام گذارده و او را اطاعت کنند. چنانچه آنان مانند فرزندان نور رهروی کنند نسبت به اولیاء خود مودب و مهربان - با محبت و با احترام خواهند بود و بهتر از کسانی خواهند بود که محبت خدا را در رفتار پدران و مادران خود ندیده اند. و بدینوسیله با احترام و پیروی از یک الگوی خوب آنان موید این خواهند بود که خدا را عبادت میکنند و او را با زندگی منظم و کلام خداگونه خود حرمت مینهند.

**تنها فرد مطیع وارد ملکوت میشود** - والدین و معلمین باید بر ذهن فرزندانشان تاثیر بگذارند. آنگاه خداوند در این زندگی بر آنان مهر تائید میزند تا با عشق و احترام تسلیم فرمان خداوند گردند. کسانی که در اینجا مطیع مسیح نشوند در دنیای جاودانی نیز از او اطاعت نخواهند



نمود. به والدین و فرزندان‌شان در بدو ورود به قصرهای ملکوت خداوند خوش آمد گفته خواهد شد زیرا که در این جهان آموخته اند تا از فرامین خدا اطاعت کنند.

## فصل دوازدهم

### اطاعت باید عادت بشود

آهسته ولی پیوسته تلاش کنید. (رهرو آن نیست گه‌ی تند گه‌ی خسته رود... رهرو آنست که آهسته و پیوسته رود) به کودکان باید تعلیم داده شود که قابلیت‌هایی که به آنان عنایت شده باید برای احترام و تکریم خدا بکار رود. برای چنین امری آنان باید درس اطاعت را فرا گیرند... با تلاشی آرام ولی پیگیر خلق و خواها باید شکل بگیرند. اگر پیشگیری بموقع صورت نگیرد ذهن جوان به بیزاری و نفرت از والدین و معلمان تحریک شده و اغلب اوقات در برابر اولیاء امور مقاومت میکنند.

**بحث و جدل نباید مجاز شمرده شود**— اولین توجه والدین باید برای تشکیل یک حکومت در خانواده باشد. کلام اولیاء باید قانون بوده و مانع بحث و مجادله شود. فرزندان باید از طفولیت یاد بگیرند تا بدون قید و شرط از اولیاء خود پیروی کنند.

گاهی اوقات تادیب و انضباط قاطع باعث ناخشنودی میشود زیرا فرزندان میخواهند که براه خود بروند. با این حال اگر درس اطاعت از اولیاء خود را آموخته باشند آنان بهتر آماده شده اند تا به خواسته های خدا سر تعظیم فرود آورند. از اینرو تربیتی را که در کودکی دریافت داشته اند در تجربیات روحانی تاثیر گذارده و شخصیت یک فرد بالغ و عاقل را قالب ریزی میکند.

**استثنائی قائل نشوید**— والدین مانند معلمین خانه خود باید توجه کنند که از قوانین سرپیچی نشود... والدین با مجاز شمردن فرزندان خود به نافرمانی از تربیت مناسب قصور میورزند. فرزندان باید به مرحله ای برسند که مطیع و فرمانبردار بار ببینند. سرپیچی نباید مجاز شمرده شود. گناه در کنار درب خانه والدینی که به فرزندان خود اجازه سرپیچی میدهند خوابیده است... فرزندان باید بفهمند که مجبور به فرمانبرداری هستند.



**اطاعت کامل و عاجل را بطلبید-** وقتی اولیاء از لزوم سریع و کامل فرزندان نسبت به اطاعت کوتاهی ورزند در اصل از ریختن شالوده شخصیتی مناسب برای خردسالان خود کوتاهی ورزیده اند. آنان فرزندان خود را آماده میکنند تا وقتی که بزرگ شدند به آنان بی حرمتی کنند و در هنگام وداع از این جهان با قلبیهایی افسرده این جهان را ترک کنند.

**خواسته ها باید معقول باشد -** خواسته های اولیاء همواره باید معقول باشد - محبت باید ابراز شود - نه با افراط گریهای احمقانه بلکه با راهنمایی های حکیمانه. والدین باید با روی خوش فرزندان خود را تعلیم دهند- بدون سرزنش یا عیبجویی و با محبت باید در پی پیوند دادن قلبهای آنان با خود باشند. پدران و مادران و معلمین و برادران و خواهران ارشد باید نیروهای تربیت کننده ای باشند تا هر علاقه روحانی را تقویت نموده و فضایی صمیمی و سالم را در خانه و مدرسه ایجاد کنند که به فرزندان جوانتر کمک کند تا در ذات و رهنمونهای خدا رشد کنند. ما در تربیت کودکان خود و تربیت فرزندان دیگران ثابت میکنیم که مهار کردن آنها از انجام شرارت بخاطر عشق و علاقه به آنان است و نه برای محدود کردن آنان.

**برای اطاعت باید دلیل آورده شود -** فرزندان باید یاد بگیرند تا از حکمیت خانواده اطاعت کنند. آنان باید شخصیت متقارنی را شکل دهند که مورد تایید خدا باشد و احکام را در زندگی روزانه برقرار کنند. والدین مسیحی باید فرزندان خود را بیاموزند تا از احکام خدا اطاعت کنند... دلیل برای این اطاعت و احترام به احکام خدا میتواند بر ذهن کودکان نقش بندد به محض اینکه بتوانند ماهیت آنرا درک کنند. پس آنان خواهند دانست که چه باید بکنند و از انجام چه کاری باید اجتناب ورزند.

**کلام والدین باید قانون باشد-** فرزندان شما که تحت کنترلتان هستند باید به شما توجه و اعتنا کنند. حرف شما باید برای آنان قانون باشد. بسیاری از والدین مسیحی از فرمان دادن به فرزندان خود برای تبعیت از آنان کوتاهی میورزند و سپس در حیرتند که چرا فرزندانشان منحرف - نامطمع - ناسپاس و بی خدا هستند. این قبیل والدین تحت ملامت پروردگار هستند. آنان از راهنمایی فرزندان خود نسبت به خدا مسامحه ورزیده اند. آنان از تعلیم اولین درس مسیحیت کوتاهی ورزیده اند که میگوید: "ترس از خدا شروع حکمت است". سلیمان میگوید "حماقت در دل طفل بسته شده است". نابخردی و حماقت - علاقه به شرارت -



نفرت از چیزهای مقدس - مشکلاتی هستند که والدین باید در ماموریت خانگی<sup>12</sup> خود با آن برخورد کنند.

والدین باید با قوت خدا برخاسته و به اهل خانواده فرمان دهند تا از آنان تبعیت کنند. آنان نباید فرزندان خود را رها کنند تا حدس بزنند که چه چیزی درست است ولی باید با عبارتهایی که سراسر شفاف است به آنان تعلیم دهند تا راه ثواب را پیشه کنند.

**تأثیر یک کودک نا مطیع بر دیگران -** یک فرزند نامطیع صدمه بزرگی را به همه کسانی که در ارتباط با او هستند میزند زیرا که او کودکان دیگر را بشکل خود در خواهد آورد. ضرب المثل فارسی میگوید "یک بز گر همه گله را گر میکند و یا اینکه سبب لکه دار همه جعبه را میگرداند".

**خوش آمد گوئی به گناه -** به فرزندان خود بیاموزید تا بشما حرمت بگذارند زیرا احکام خدا این وظیفه را بر عهده فرزندان میگذارد. اگر شما بفرزندان خود اجازه دهید تا اعتبار و آبروی شما را کم ارزش کنند و به قانون خانواده بی اعتنایی کنند شما به گناه خوش آمد گوئی کرده اید و به اهریمن اجازه داده اید تا آنچه را که میخواهد انجام دهد و همان نافرمانی، فقدان احترام و عشق بخودخواهی در آنان حتی در زندگی مذهبی و در کلیسا حمل شود. و مسئولیت آغاز همه این شرارها بر علیه والدین بخاطر غفلت و کوتاهی در دفتر اعمال آسمانی بر علیه والدین نوشته خواهد شد.

**عادت نافرمانی با تکرار شکل میگیرد -** دروس اطاعت در احترام برای اولیای امور اغلب لازم است تا تکرار شود. این قبیل کار در خانواده نیروئی برای خیریت خواهد شد و نه تنها فرزندان از شرارت اجتناب خواهند کرد بلکه به محبت واقعی و عدالت و انصاف و ادب میشوند. لیکن والدین نیز بطور برابر منتفع خواهند گردید. این نوع کار که خداوند آنرا ملزم نموده نمیتواند بدون تعمق جدی از طرف آنان انجام شود و مطالعه زیاد از کلام خدا میتواند آنان را به سوی او هدایت کند.



## بخش ۵

### دروس اساسی دیگر

#### فصل سیزدهم

#### خویشتنداری (کنترل نفس)

**فرزندان را برای زندگی و وظایف آن آماده کنید -** همانطور که مادر با ولولایی زیاد از فرزندانش مراقبت میکند باید ببیند که هدف و مقصود بزرگ از تعلیم و تربیت چیست؟ آیا برای آماده کردن فرزندانش برای ایفای وظایف زندگی است تا آنان را شایسته سازد که موقعیت و منصبی بزرگ را در جهان برگزینند - تا کار خوب کار کنند و به هموعان خویش منفعت برسانند و سرانجام اجر انصاف و عدالت را بدست بیاورند؟ اگر چنین است پس اولین درسی که باید به آنان تعلیم داد خویشتنداری و کنترل نفس است زیرا که شخص خودسر و تادیب نشده نمیتواند امید به توفیق در این جهان یا کامرانی در آخرت را داشته باشد.

**فرزندان خود را تعلیم دهید تا تسلیم شما باشند -** خردسالان قبل از یکسالگی حرفها را شنیده و آنرا درک میکنند. این نکته باید حاصل شود که شما باید فرزندانش را تحت کنترل داشته باشید و شان و وقار خود را بعنوان مادر حفظ کنید. فرزندانش شما بسرعت خواهند آموخت که چه انتظاری از آنان دارید. آنان میدانند که چه زمانی خواسته خود را بر شما غالب کنند و تا حد ممکن بر شما ظفر خواهند یافت. این ظلم فاحشی است که اجازه دهید تا عاداتهای غلط در آنان رشد کند و بگذارید که آنان با قانون خود بر شما حکومت کنند.

**خواسته های خودخواهانه را برآورده نکنید -** اگر والدین مراقب نباشند با فرزندانش خود بطریقی رفتار میکنند که فرزندانش لوس بار آمده و میخواهند تا همیشه توجه دیگران را نسبت بخود جلب کنند. فرزندانش از اولیای خود میخواهند تا برایشان کارهایی را انجام دهند و خواسته های



آنان را برآورده کنند و والدین خواسته های آنان را برآورده میسازند صرف نظر از این واقعیت که خودخواهی را در فرزندانشان القا میکنند. ولی والدین کار اشتباهی برای فرزندانشان خود انجام میدهند و پس از آن خواهند یافت که مقابله و خنثی کردن تاثیر آموزش در اولین سالهای زندگی کودک چقدر مشکل است. فرزندانش لازم است تا زود یاد بگیرند که نمیتوانند خواسته های خود را تحمیل نموده و به خواسته های خودخواهانه خود بسرعت دست یابند.

**چیزی را که کودک برای آن گریه و زاری میکند به او ندهید-** یک درس ارزشمند که مادر لازم است تا دوباره آنرا تکرار کند این است که کودک نباید حکمرانی کند. او ارباب خانه نیست بلکه خواسته های مادر است که باید در اعلی قرار داشته باشد. از اینرو مادر به آنان خویشستنداری و کنترل نفس را می آموزد. چیزی را که کودک برای آن گریه و زاری میکند به او ندهید حتی اگر قلب رئوف شما چنین بخواهد برای اینکه اگر یکبار خواسته آنان با جیغ و گریه برآورده شود آنان دوباره همین انتظار را از شما خواهند داشت. و برای بار دوم این کشمکش شدیدتر خواهد شد.

**هرگز اجازه ندهید تا خلق و خوی عصبی و خشن بنمایش گذارده شود-** در زمره اولین وظائف مادر مهار کردن خردسالان است. به کودکان نباید اجازه داده شود تا خشم و غضب را بروز دهند- به آنان نباید اجازه داده شود تا خود را بر زمین زده و گریه کنند بخاطر اینکه از انجام چیزی که برایشان خوب نبوده جلوگیری شده است. وقتی اولیایی را دیدیم که در افراط به فرزندانشان خود اجازه میدادند تا خلق و خوی ناراحت را از خود نشان دهند پریشانحال شدم. مادران بنظر طوری به این طغیان و ابراز خشم نگاه میکنند که گوئی باید آنرا تحمل کرد و نسبت به رفتار کودک بی تفاوتی از خود نشان میدهند. ولی چنانچه شرارت یکبار اجازه داده شود تکرار خواهد شد و تکرار آن منتج به عادت میشود و بهمین صورت شخصیت کودک قالب شرارت بخود میگیرد.

**چه وقتی باید روح شیرانه تویخ شود -** اغلب دیده ایم که کودکان خودشان را بر زمین انداخته و جیغ و داد میکنند انگار که بخواسته آنان عمل نشده است. این زمانی است که روح شیرانه باید تنبیه شود. خصم سعی در به کنترل گرفتن اذهانشان فرزندانشان ما دارد. ولی آیا باید به خصم اجازه دهیم تا آنان را آنگونه که میخواهد شکل و قالبیریزی کند؟ این خردسالان نمیتوانند تشخیص دهند که چه روحی بر آنان تاثیر میگذارد و این وظیفه والدین است تا برای



آنان قضاوت کنند و صلاحدید آنان را در نظر بگیرند. عادات و خلق و خوی آنان باید با دقت زیر نظر گرفته شود. گرایشهای شیرانه باید مهار شوند و ذهن به چیزهای درست تحریک شود. کودک باید در هر زمینه ای تشویق شود تا خود را کنترل کند.

**با سرود بیت لحم شروع کنید-** مادران باید کودکان خود را با داستان خود با اصول و عادت‌های صحیح تربیت کنند. آیا باید به آنان اجازه داده شود تا سرهای خود را بزمین بزنند؟... مادران باید از دوران طفولیت آنانرا تعلیم دهند. با سرود بیت لحم آغاز کنید. این آهنگهای ملایم تاثیر آرامش دهنده ای دارند. برای آنان این آهنگهای مهار کننده و آرامش دهنده را در رابطه با مسیح و محبت او بخوانید.

**دودلی و تردید بخود راه ندهید-** خلق و خوی ناخوشایند باید هر چه زودتر در فرزند بررسی شود و هر چه در این بررسی تعلل صورت پذیرد مشکل بیشتری بوجود خواهد آمد. کودکان تند مزاج و احساساتی باید توسط اولیای خود تحت توجه ویژه ای قرار بگیرند. با آنان باید با مهربانی خاص ولی رفتاری جدی برخورد کرد و در این موارد اولیا نباید دودلی و تردید از خود نشان دهند. ویژگیهای شخصیت که بطور طبیعی میتواند رشد خطاهای خاص را کنترل کند باید بدقت مورد تقویت قرار گیرد. افراط در خلق و خوی کودک و حالت منحرف به تباهی کودک خواهد انجامید. خطاهای او در سالیان تقویت خواهد شد و در رشد ذهنی او تاخیر خواهد گذارد و همه خوبی ها و ویژگیهای شریف شخصیت او را نامتعادل خواهد ساخت.

**والدین باید الگوی خویشتنداری و کنترل نفس باشند -** برخی والدین خود را نمیتوانند کنترل کنند. آنان بر اشتها و تمایلات و عطش ناسالم خود کنترلی ندارند و یا بر خلق و خوی احساساتی و تند خود فایق نمی آیند بنابراین آنان نمیتوانند کودکان خود را تعلیم دهند. بهمین ترتیب چون خودشان تند مزاج و احساساتی هستند نمیتوانند بر احساسات کودک خود غلبه یابند. (رطب خورده منع رطب کی کند؟)

چنانچه والدین بخواهند به کودکان خود خویشتنداری را یاد بدهند ابتدا آنان باید خلق و خو و عادت‌های خویش را شکل بدهند. سرزنش و عیبجویی والدین مشوق خلق و خوی شتاب زده و احساساتی در کودکان خواهد بود.



**کسالت و بیزاری در کار خوب وجود ندارد -** والدین بسیار مایلند کاری که خدا برایشان تعیین کرده را در خانه انجام دهند. چنانچه جوانان بطور مناسب و شایسته در خانه آموزش میدیدند اکنون نباید شاهد وضعیت افتضاح شرارت بار جوانان امروز میبودیم. والدین باید کاری را که خدا به آنان محول نموده است را در دست گرفته و پرهیزگاری و خویشتنداری را با قواعد اخلاقی و الگوی مناسب به کودکان خویش آموزش دهند. و در حینیکه بخاطر خواست خدا پیگیر انجام وظایف خود هستند آنگاه در مدرسه مسیح دروس پر ارزشی را فرا خواهند گرفت. آنان شکیبایی و محبت و فروتنی را فرا خواهند گرفت و اینها اولین دروسی هستند که والدین بایستی به فرزندان خویش یاد بدهند. پس از اینکه حساسیتهای والدین نسبت به اخلاق بیدار گردیده و کاری را که از آن قصور کرده اند را با انرژی مجدد در دست گرفتند ، نباید دلسردی را بخود راه دهند و یا اینکه بخودشان اجازه دهند تا از این کار وامانده و عقب نشینی کنند. خیلی ها از انجام کار خوب بیزاری میجویند. وقتی متوجه شوند که انجام این کار مستلزم تلاش بی شائبه و خویشتنداری دایم است و فیض افزون را میطلبد ، آنگاه در برخورد با وقایع و امور غیر منتظره نومید و دلسرد شده و از این کشمکش دوری میگزینند و اجازه میدهند تا دشمن جانها کار خود را انجام دهد. روز به روز و ماه به ماه و سال به سال کار به پیش میروند تا اینکه شخصیت فرزندان شکل بگیرد و عادات و خلق و خو در راه صحیح قرار گیرد. شما نباید خانواده خود را رها کرده یا از آنان منصرف شوید تا بی هدف در عادات لجام گسیخته رها شوند.

**هرگز کنترل خود را از دست ندهید-** هرگز نباید کنترل خود را از دست بدهیم. باید همیشه الگوی کامل و بی نقص را در پیش رو داشته باشیم. این گناه است که با نا امیدی سخن بگوئیم و عبوس بوده و یا عصبانی باشیم - حتی در سکوت نیز نباید نومید باشیم . ما باید گامهای شایسته برداریم و معرف درست مسیح باشیم. سخن گفتن با کلام خشن مانند سنگ چخماقی است که بر سنگ چخماقی دیگر ضربه میزند: که ناگهان شعله ور شده و در یک احساس کینه توزانه بروز میکند.

هرگز مثل خار و تیغ نباشید. در خانه به خودتان اجازه ندهید تا از کلام خشن و آزارنده استفاده کنید. ما باید مهمان آسمانی را به همراه فرشتگان آسمانی به خانه خود دعوت نموده تا با آنان همنشین شویم. باید عدالت مسیح را دریافت کنید - خشنود و قانع باشید - روح خدا را در





وجودتان بپذیرید و زیبایی و قدوسیت را در خود آشکار کنید و به آنانیکه در اطرافتان هستند آن نور زندگی و حیات را بتابانید.

مرد حکیم میگوید تاخیر در خشم بهتر از زورمندی است. او که بر روح خود حاکم است شهر را تسخیر میکند. مرد یا زنی که میانه روی در اندیشه را رعایت میکند وقتی که وسوسه گردیده تا احساساتش بر افروخته شود محکم می ایستد و در نظر خدا و فرشتگان آسمانی مانند فرمانده ای است که ارتش خود را در جنگ برای پیروزی هدایت میکند. یک امپراتور مشهور وقتی که در بستر مرگ بود گفت "در زمره تمامی فتوحاتم تنها یکی موجب تسلی خاطرم شد آن پیروزی بود که بر خلق و خوی آشفته و سرکش خود یافتم. برای اسکندرمقدونی و سزار روم مقهور کردن جهان ساده تر از مقهور کردن نفس خودشان بود. و پس از تسخیر قومها خودشان سقوط کردند - یکی از آنان "قربانی افراط شد و دیگری قربانی جاه طلبی های دیوانه وار خود گردید".

## فصل چهاردهم

### سکوت، احترام و تکریم

**قیل و قالهای غیرضروری و آشفتگیها را فرو بنشانید-** مادران به خود اجازه ندهند تا ذهنشان با بسیاری از چیزها مشغول شود... او باید به بهترین نحو با پشتکار و مراقبه از کوچکترها نگهداری کند. زیرا به کودکان با نادانی و بی تجربگی از هر انگیزه مهار نشده ای پیروی خواهند نمود و این مسئله نباید مجاز گردد. بچه ها با انرژی و روح فعال قیل و قال براه می اندازند و خانه را بهم میریزند. به آنان باید آموزش داده شود تا در هنگامی که مهمان به خانه می آید باید ساکت بوده و ادب و احترام را رعایت کنند.

**بگذارید تا آرامش بر خانه حکمفرما باشد-** پدران و مادران ... به فرزندان خود تعلیم دهید که آنان باید تسلیم مقررات و قانون باشند. به آنان اجازه ندهید تا فکر کنند که چون آنان بچه های شما هستند این امتیاز آنان است تا در خانه هر وقت که بخواهند شور و بلوا براه بیندازند. مقررات خردمندانه ای باید وضع و اجرا شود و زیبایی و نظم خانه نباید بهم ریخته شود. والدین وقتی به کودک خود اجازه دهند تا گریه و زاری کنند بزرگترین اشتباه را مرتکب شده اند.



آنان نباید آزاد باشند تا بی قید و بی ادب باشند. اگر این خصوصیات ناپسند شخصیتی در سالهای ابتدایی مورد بررسی قرار نگیرد فرزندان آنان را با خود همراه ساخته و در کار و امور مذهبی تاثیر سوء خواهد گذارد. به کودکان باید تعلیم داده شود تا در خانه ساکت و آرام باشند و همین امرخشنودی آنان را فراهم خواهد ساخت.

**نونهالان باید به تجربه های پیشکسوتان احترام بگذارند-** کودکان باید فرا بگیرند تا به پیشکسوتان کارآزموده احترام بگذارند. به آنان باید طوری آموزش داده شود که فکر شان با افکار والدین و معلمانشان یکی باشد و طوری ارشاد شوند که آداب و نزاکت را مراعات کنند و به مشورت های دیگران احترام بگذارند تا هنگامی که بزرگ میشوند شخصیت آنان مانند شاخه های بید با هر وزشی به جهات مختلف نرود.

**سهل انگاری والدین بی احترامی را ترغیب میکند-** اگر فرزندان در خانه اجازه یابند تا بیحرمتی کنند و نافرمان - نا سپاس - تند مزاج و عبوس باشند آنگاه گناه آن بر گردن والدین خواهد افتاد. زن باید با شوهرش با حکمت رفتار کند آنچنانکه در شان و مقام مادری است. او باید در خانه تاثیر گذار تر باشد و حرف او حکم و قانون و قاطعانه باشد. اگر او مسیحی است باید تحت التزام خدا و با احترام به فرزندان خویش دستور دهد. به فرزندان خود دقیقا بگوید که چه مطالبات و انتظاراتی از آنان دارید.

وقتی والدین اقتدار خود را حفظ نکنند وقتی که فرزندان به مدرسه میروند احترامی ویژه برای معلمین و یا مسئولین مدرسه خود قائل نخواهند شد. زیرا مفهوم احترام هرگز در خانه به آنان آموزش داده نشده است. در این حالت پدران و مادران خود را همسطح با فرزندان خود میکنند.

**نتایج عدم توجه به گستاخی و اهانت-** به فرزندان خود احترام را نشان بدهید و به آنان اجازه دهید تا یک کلام حرف غیر محترمانه بشما بگویند.

**طرز برخورد حکیمانه با جوانان-** خردمندان است که مرد جوان و خوشبخت اگر والدینی دارد به آنان مانند گاوئی نگاه کند و اگر ندارد به سرپرست و قیم خود توجه کند و یا به آنانی که با او زندگی میکند بعنوان پنددهندگان و مشاورین و تسلی دهندگان و در برخی جهات بعنوان حاکمان خود نگاه کند.



**قدر احترام و حرمت را بدانید -** حرمت... فیض و نعمتی است که باید قدر آن دانسته شود. به هر کودکی باید تعلیم داده شود تا برای خداوند حرمت و تکریم قائل شود.

خواسته خداوند درک این موضوع است که باید فرزندان خود را در جایگاهی مناسب در ارتباط با دنیا، کلیسا و خانواده قرار دهیم. رابطه آنان با خانواده اولین نکته ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. به آنان باید یاد بدهیم که نسبت به یکدیگر مودب باشند. منظور چیست؟ با این گفته آیا باید به آنان یاد بدهیم که نسبت به خدا مودب باشند؟ منظور این است که آنان باید یاد بگیرند تا به خدای آسمانی احترام بگذارند و قدردان آن کار بزرگ و فدییه سرمدی که مسیح بجای ما انجام داد باشند... والدین و فرزندان باید رابطه نزدیک خود را با خدا نگاه دارند تا فرشتگان آسمانی بتوانند با آنان گفتگو کنند. این پیام آوران از بسیاری از خانه هایی که در آن بی انصافی و بی حرمتی به خدا وجود داشته باشد میگزینند. باید به کلام او متوسل شویم و روح آسمانی را به خانه های زمینیمان بیاوریم.

**چطور احترام و تکریم را تعلیم دهیم -** والدین میتوانند و باید فرزندانشان را به درک مفاهیم گوناگونی که در اوراق کتاب مقدس یافت میشوند تشویق کنند، ولیکن اگر آنان پسران و دختران خود را به کلام خدا تشویق کنند خود نیز باید به آن علاقمند باشند. آنان باید با تعلیم کتاب مقدس همانطور که خدا به بنی اسرائیل فرمان داد آشنا باشند. در تتنیه ۱۹:۱۱ میخوانیم: آنها را بفرزندان خود بیاموزید و همیشه در باره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون خواه هنگام خواب باشد خواه در هنگام صبح.

آنانی که مایلند تا فرزندانشان خدا را دوست داشته و او را تکریم کنند باید از خوبی او صحبت کنند - از بزرگی و شان و اقتدار او - همانطور که در کلام او و در کار خلقت او چنین است.

**حرمت و تکریم با اطاعت آشکار میشود -** باید به کودکان یاد بدهیم که احترام صحیح با اطاعت از احکام خدا و رعایت مقررات والدین آشکار میشود. خداوند فرموده است که هیچ چیزی غیر ضروری نیست و هیچ راه دیگری برای آشکار نمودن وجود ندارد که او را خشنود سازد مگر با اطاعت به آنچه که فرموده است.



## فصل پانزدهم

### از املاک و دارایی باید مراقبت شود

**گرایشهای ویرانگر را منکوب کنید** - آموزش باید یکنواخت بوده و هر چیز را بطور کامل پوشش دهد. مادران باید پشتکار داشته باشند. مادر نباید اجازه دهد که چیزی ذهن او را منحرف کند. مادر نباید به فرزندان خود اجازه دهد که به خواسته های جاهلانه خود در امور خانه بپردازند. آنان باید تعلیم داده شوند که نباید خانه را بعنوان مکانی برای سرگرمی و تفریح در نظر گرفته و آنرا به مکانی نامنظم تبدیل کنند. مادران باید فرزندان خود را طوری تعلیم دهند که از همان سالهای اولیه رشد به هر چیزی در خانه بعنوان وسیله بازی و تفریح نگاه نکنند. این تذکرات کوچک منظم بودن را به آنان تعلیم میدهد. اطفال شاید نسبت به تذکرات و منع هیاهو و اعتراض براه بیندازند ولی اهمیت ندهید و نگذارید حس ویرانگری از طفولیت در کودک رشد کند و بزرگ شود. خدا "بایدها" و "نبایدها" را به ما گوشزد نموده است. والدین باید بدون از دست دادن کنترل روحی و راسخ و مصمم به کودکانشان بگویند: "نه" و در این باره جدی باشند.

با استواری و جدیت مادران اجازه هر کاری را در خانه به کودک نمیدهند تا در خانه هر چیزی آزادانه بازیچه دست قرار گیرد. هر چیزی نباید بر زمین انداخته شده و کثیف شود. آنانی که به کودک اجازه میدهند تا هر کاری میخواهد انجام دهد نسبت به او کار بسیار اشتباهی میکنند. او ممکن است بچه بدی نشود ولی آموزش برای او رنج آور و ویرانگر بنظر خواهد رسید.

**به کودکان تعلیم بدهید تا مایملک دیگران را محترم بشمارند** - بعضی از والدین به کودکان خود اجازه میدهند تا خرابکار بار بیابند تا وسایل را بعنوان وسیله بازی و سرگرمی خود قرار دهند با این که آنان حق دست زدن به آن را ندارند. کودکان باید تعلیم داده شوند که نباید به اموال دیگران دست بزنند. برای آسایش و خوشی خانواده آنان باید یاد بگیرند تا رعایت مقررات اموال را بنمایند. کودکان خوششان نمی آید از اینکه به آنان گفته شود تا به اموال دیگران دست نزنند. اگر به آنان یاد داده نشود تا مراقب وسایل و لوازم باشند آنان فردی نامحبوب و با خصوصیات خرابکار بار می آیند.



**وسایل بازی محکم و مقاوم** - نوع وسایل بازی که به کودکان می‌دهید نباید از نوعی باشد که زود بشکند یا خراب شود. ما با اینکار به آنان خرابکاری را یاد می‌دهیم. بگذارید کودکان چند وسیله بازی داشته باشند ولی آن وسایل بازی بهتر است محکم و بادوام باشند. این پیشنهادات بنظر کوچک ولی برای تعلیم یک کودک باید جدی در نظر گرفته شوند.

## فصل شانزدهم

### اصول بهداشت

**آموزش بهداشت را زودهنگام آغاز کنید** - آفریننده بشر سیستمهای زندگی‌بخش را در بدنهای ما سازماندهی و مرتب نموده است. هر یک شگفت‌انگیز و خردمندانه نقش و وظیفه خود را ایفا میکنند. و خداوند متعهد شده است تا این دستگاههای بشری عملکردی سالم داشته باشد - چنانچه عامل انسانی از احکام او پیروی کند و با خدا همکاری کند... ما میتوانیم در دنیای طبیعی کار خدا را ببینیم و تحسین کنیم. عملکرد اندام بشر بسیار شگفت‌انگیز است.

در هنگامه بروز عقل، فکر انسان نسبت به ساختار جسم هوشیار میشود. در اینجا بهوه نمونه ای را از خود را ارائه نموده است و بدینسان بشر به شکل و شمایل خدا ساخته شده است. اولین مطالعه جوانان باید این باشد که خود را بشناسند و بدانند که چطور جسم خود را سالم نگاه دارند.

**دروس مقدماتی مهم** - در ابتدای آموزش کودکان، بسیاری از والدین و معلمان به عظمت درک ساختار جسم توجه نمیکنند که باید توجه بیشتری به شرایط بهداشتی جسم و عقل نمود.

خوشحالی آینده خانواده شما و سعادت و خیریت جامعه بطور عظیمی بستگی به آموزش جسمی و اخلاقی دارد که فرزندان شما در اولین سالهای زندگیشان آنرا دریافت میکنند.

**والدین باید علم فیزیولوژی یا عضو شناسی جسم را فرا گرفته و آنرا آموزش بدهند** - اگر والدین خودشان بتوانند دانش کسب کنند و اهمیت استفاده عملی در تعلیم فرزندان عزیزشان را احساس کنند آنگاه میتوان نظم متفاوتی را در بین کودکان و جوانان دید. کودکان باید در



خصوص جسمشان راهنمایی شوند. تعداد کمی از جوانان وجود دارند که از دانش رازگونه زندگی انسان آگاهی دارند. آنان کمی از دستگاه جسمی بشر آگاهی دارند. داود میگوید: ترا ستایش و تسبیح میگویم برای اینکه با هیبت و شگفت انگیز ساخته شده ام. به فرزندان خود مطالعه علت و معلول را توصیه کنید- به آنان بگویید چنانچه قوانین وجود و هستیش را نقض کنند آنگاه باید تاوان آن را با تحمل رنج حاصل از بیماری بپردازند. اگر در تلاشهای خود رشد خاصی نمیبینید نومید نشوید- با صبوری راهنمایی کنید- خط به خط- قانون به قانون- کمی از اینجا و کمی از آنجا... مداومت کنید تا به پیروزی نائل شوید. به آموزش فرزندانتان در مورد جسمشان ادامه دهید و اینکه چطور از آن مراقبت کنند. بی توجهی و اهمال در خصوص بهداشت جسمی به بی توجهی در شخصیت و اخلاق منجر میگردد.

### **زندگی سالم و بهداشتی باید یک موضوع مهم خانوادگی بشود - والدین باید نسبت به**

مسئولیت خدادادی که دارند بیدار و هشیار شوند. آنان باید اصول بهداشت و اصلاحات را مطالعه کنند و به فرزندانشان مسیر انکار نفس و پرهیزگاری را که تنها مسیر ایمن است تعلیم دهند. جمعیت ساکن در جهان با بی توجهی به مقررات جسمی در حال نابود کردن قدرت مبارزه با نفس هستند و از آن خدای ازلی که به آنان سلامتی ارزانی داشته قدرانی نمیکنند. نادانی نسبت به ساختار جسمی باعث میشود تا فرزندان در مسیر تن پروری سوق داده شوند. و آنان را آماده میسازند تا بخاطر سرپیچی از قوانین طبیعی رنج برده و تاوان آنرا بپردازند.

**تربیت بدنی -** تربیت بدنی یا بنوعی ورزش جسمی بسیار آسانتر از تربیت و آموزش روحی و اخلاقی است. مهدکودک- زمین بازی- کارگاه آموزشی ، کاشتن بذر و جمع آوری محصولات - همه اینها تربیت و آموزش جسمی هستند. تحت شرایط محیطی معمولی و مطلوب یک کودک بطور طبیعی توان سالم و رشد مناسب اعضای بدن را کسب میکند. کودک باید بدقت و بطور مستمر در باره امور جسمی و سلامت آموزش داده شود.

**فرمانبرداری از احکام طبیعت سلامتی و شادی می آورد-** کودکان ما باید راهنمایی شوند که نسبت به اندام و اعضای جسم خود هوشیار باشند. آنان در سالهای اولیه میتوانند با شکیبایی راهنمایی شده و درک کنند که چنانچه بخواهند از درد و مرض رها شوند باید از قوانین هستی پیروی کنند. آنان باید بفهمند که چنانچه توسط بیماری زمین گیر و عاجز شوند زندگی



سودمندانه ای نخواهند داشت. و همچنین چنانچه با بی توجهی به قوانین طبیعت خود را مریض کنند خداوند از آنها راضی و خشنود نخواهد شد.

## فصل هفدهم

### پاکیزگی

**خدا نکته بین است-** پروردگار به فرزندان بنی اسرائیل فرمان داد تا رختهای خویش را بشویند و هر گونه ناپاکی را از منزلهایشان کنار بگذارند مبدا که با عبور خود ناپاکی آنان را ببیند. خداوند امروز از کنار خانه ما عبور میکند و به وضعیت غیر بهداشتی خانواده ها و عاداتهای سهل انگارانه نگاه میکند. آیا امروز بهتر و بدون تاخیر اصلاح نشده ایم ؟

خدا والدین را نماینده خویش قرار داده است تا اصول درست را در اذهان فرزندان تزریق نمایند. شما امیدهای خدا هستی - خدایی که نکته بین بود - او به فرزندان بنی اسرائیل گفته بود تا با عاداتهای پاکیزگی رشد کنند و از هر گونه ناپاکی در خانه بپرهیزند. خداوند کار تعلیم فرزندان را بشما داده است تا فرزندان را به پاکیزگی عادت دهید و این درسی روحانی برای آنان خواهد بود. آنان خواهند دید که خدا میخواهد تا هم قلب و هم جسمی پاک داشته باشند و این مسئله آنان را هدایت خواهد نمود تا اصول خالص برنامه ریزی شده خدا را درک کنند - اصولی که هر یک باید سریعا در زندگی بدان عمل شود.

خدایی که در توصیه به پاکیزگی به بیابانگردان و کسانی که در هوای آزاد زندگی میکردند بسیار نکته بین بود بطور قریب به یقین کمتر از این نیز از ما انتظار نخواهد داشت زیرا که ما در خانه های بسته زندگی میکنیم و ناپاکی و غیربهداشتی بودن در آن بیشتر قابل مشاهده است.

**پاکیزگی باید طبیعت و سرشت دوم کودکان بشود-** تمیز نبودن در خانه بزرگترین اشتباه است. حتی از طفولیت باید افکار و عاداتهای کودکان هدایت شود... به آنان نشان دهید که ناپاکی و آلودگی خواه در جسم و یا لباس مورد اعتراض خداست. به آنان تعلیم دهید تا با تمیزی غذا بخورند. نظارت دائمی بایستی اعمال گردد که عاداتهای پاکیزگی طبیعت دوم برای آنها بشود.



کودکان بطوره ویژه مستعد فراگیری هستند و دانش پاکیزگی با عدم اجازه به بی نظم و ترتیبی باید به آنان آموخته شود.

**دوست داشتن پاکیزگی و نفرت از کثیفی را یاد بدهید-** بایستی دوست داشتن برای تمیزی و تاکید بر پاکیزگی را یاد بدهید. جامه کودکان خود را بسادگی و آراستگی بیارایید. لباس آنانرا از جنس بادوام درست کنید. آنها را خوب و تمیز نگهدارید. به آنان یاد بدهید که از هر چیز آلوده و کثیف نفرت داشته باشند.

تمام توان خود را بر این بگذارید که فردی پاکیزه و با لباسهای تمیز باشند. منظور این نیست که آنانرا باید در داخل خانه مانند عروسک نگاه داشت. ماسه ها و زمین خشک کثیف نیستند بلکه جسم ما با تعریق لباسهایمان را نیز کثیف میکند که نیاز به تعویض لباس و شستشوی بدن است.

**محوطه خانه را تمیز نگهدارید-** اگر والدین بتوانند کاری پیدا کنند که کودکانشان انجام دهند کمک آنان برکتی برای تمامی خانواده خواهد شد. مشربین و معلمین درباره این موضوع باید آشکارا سخن بگویند زیرا برای بهداشت جسمی و سلامتی روح بسیار مهم و ضروری است. پسران و دختران خانواده باید احساس کنند که آنان بخش ثابتی از خانه هستند. آنان باید بکوشند تا محوطه خانه را از جلوه های ناپسند تمیز و مرتب نگاه دارند. در این مورد باید به آنان راهنمایی شود.

هر شکلی از ناپاکیزگی به بیماری ختم میشود. میکروبهای کشنده در منافذ و زوایای تاریک بوفور یافت میشوند. اگر فضولات در جاهای مرطوب رها شوند فاسد گردیده و کپک میزنند. سبزیجات زائد و اضافی یا توده های برگهای افتاده بر زمین نباید در محوطه خانه باقی بماند تا فاسد شده و هوا را آلوده و سمی کند. هیچ چیز ناپاک و یا فاسد نبایستی در داخل خانه تحمل شود. در شهر های کوچک و بزرگ صرفنظر از اینکه چقدر بهداشتی هستند رد و نشان بسیاری از ویروسهای واگیردار و چیزهای فاسد و در حال پوسیدن در نزدیکی بعضی از خانه های سهل انگار یافت میشوند. پاکیزگی کامل - فراوانی نور خورشید و توجه کافی به بهداشت در هر زاویه ای از خانه ضروری است که به اهالی خانه کمک میکند تا از بیماری رهایی یافته تا در تندرستی و شادمانی زندگی کنند.





**پاکیزگی شخصی برای سلامتی ضروری است** - وسواس و دقت زیاد نسبت به پاکیزگی برای جسم و روح ضروری است. آلودگی دایماً از طریق تعریق در پوست به بیرون رانده میشود. میلیونها منفذ پوستی بسرعت بسته میشوند مگر اینکه با حمام زیاد تمیز نگاه داشته شوند. و آلودگی هایی که باید از طریق پوست بیرون رانده شوند اعضای دیگر جسم را به زحمت می اندازند. اکثر افراد از یک حمام سرد یا ولرم روزانه صبح یا شب منفعت خواهند برد. حمام مناسب از بروز سرماخوردگی جلوگیری میکند زیرا باعث بهبود گردش خون میگردد - خون به سطح پوست آورده میشود و گردش منظم و ساده بیشتر حاصل خواهد گردید. حمام تسکین دهنده و تسلی بخش اعصاب است. حمام به شکم و روده کمک میکند و به کبد سلامتی و انرژی میدهد. حمام ترفیح دهنده هضم غذاست.

لباس نیز باید تمیز نگاه داشته شود. زیرا جامه های پوشیده شده مانند فیلتر، چیزهای زائد را بخود جذب میکنند. چنانچه لباسها تعویض نشده و یا شسته نشوند آلودگی بیشتر شده و باعث افزایش احتمال بیماری میگردد.

غالباً "تخت خوابهای کودکان در وضعیتی دیده شده اند که ناپاک و بهم ریخته اند و بوهای بد و غیر قابل تحمل از آن استشمام میشود. چشمان کودکان باید به مرتب بودن و تمیزی جسم عادت کند. این یکی از روشهای آموزش خواهد بود تا تمیزی و پاکی را انتخاب کنند. اتاقهای خواب کودکان باید مرتب باشد هر قدر هم که از اثاث گران قیمت خالی باشد.

تعادل را برقرار کنید - پاکیزگی و نظم از وظایف مسیحیان است. گرچه ممکن است به این مسئله توجه بیش از حد بشود و از مسائل مهمتر کوتاهی بعمل آید. آنانی که نسبت به مصلحت و خیریت کودکان کوتاهی میکنند و به کارهای غیر ضروری میپردازند از موضوعهای بزرگتر احکام و عدالت و لطف و محبت خدا کوتاهی کرده اند.



## فصل هجدهم

### آراستگی ، نظم و ترتیب

**نظم و ذوق و سلیقه را ترویج دهید-** ترویج نظم و سلیقه بخشی مهم از آموزش کودکان است...

بعنوان سرپرست و معلم فرزندانان موظفید تا هر کار کوچکی را با نظم و ظرافت انجام دهید. به فرزندانان یاد بدهید تا از لباسهایشان مراقب و آنرا تمیز نگه دارند. لباسهایتان را تمیز و مطبوع نگاهدارید. شما نسبت به خدا ملزم هستید که همیشه الگوی شایسته ای در خانه باشید... بیاد داشته باشید که در آسمان بی نظمی وجود ندارد و خانه شما باید نمونه بهشت زمینی باشد. بخاطر داشته باشید که این کارهای کوچک و ظریف را روزانه انجام دهید. شما با خدا همکاری میکنید و یک شخصیت مسیحی را کامل میکنید.

اولیا باید در ذهن خود بسپارند که برای رستگاری فرزندانان کار میکنند. چنانچه عادات شما صحیح باشد- چنانچه تمیزی و نظم را نشان دهید- واقعیت و عدالت را آشکارا کنید - و چنانچه جان و جسم و روح را تظهير کنید آنگاه به کلام آن منجی و رهایی بخش پاسخ داده اید. "شما نور جهانید". و بعنوان الگوی براننده ای خواهید بود که مانند نور میدرخشد.

**عادات تمیزی را بیاموزید-** هر خانواده نیاز است تا در عادات پاکیزگی و کمال آموزش داده شود. ما که ادعای ایمان به حقیقت را داریم باید به جهان نشان دهیم که اصول حقیقت و عدالت باعث زمختی و بی نظمی نمیشود.

محبت خدا در خانواده با محبت به فرزندان ابراز میشود. محبت اصیل به آنان اجازه نخواهد داد تا به سستی و بی نظمی کشیده شوند زیرا این ساده ترین راه است که والدین با مهربانی و عطف و ولی با قاطعیت عادات سخت کوشی را به فرزندان خود با همان نظم آموزش دهند.

**فرزندان خود آموزش دهید تا از لباسهایشان مراقبت کنند-** به آنان یاد بدهید که لوازم خود را در جای مخصوصی که به آن اختصاص داده شده است بگذارند و و هر لباسی را تا نموده و در مکان خود بگذارند. اگر در توان مالی شما نیست که حتی یک کمد جالباسی ارزان داشته باشید از جعبه های چوبی میوه استفاده کنید آنرا قفسه بندی نموده و با پارچه های زیبا آنرا تزئین



کنید. آموزش مرتب و منظم بودن هر روزه وقت کمی از ما را میگیرد اما آینده فرزندان ما را خواهد ساخت و در آخر از هدر رفتن وقت شما جلوگیری خواهد کرد.

**مرتب نمودن اتاق -** چنانچه کودکان اتاقی دارند که میدانند متعلق به آنان است و اگر به آنان یاد داده شده است تا چطور آنرا مرتب و دلپسند نگاهدارند آنان نسبت به اتاق خود حس مالکیت خواهند داشت- آنان احساس خواهند کرد که در خانه دارای (مکانی مخصوص) برای خود هستند و در مراقبت از آن برای مرتب بودن و پاکیزگی احساس رضایت خواهند داشت. ضرورت دارد که مادران در اینکار نظارت داشته باشند و پیشنهادات و راهنمایی های خود را دریغ نکنند. این وظیفه مادران است.

**ساعتهای منظم برای خواب و استراحت-** روز شب میشود و شب روز میشود و روزها و شبها می آیند و میروند. خیلی از جوانان در صبح ها عمیقا در خواب هستند در حالیکه طبیعت بیدار شده است باید با ترنم و نغمه های پرندگان برخیزند و به تحرک بپردازند. بعضی از جوانان مخالف نظم و انضباط هستند. آنان به مقررات خانه احترام نمیگذارند و ساعتهای منظمی برای از خواب برخاستن ندارند. در حالیکه دیگران در جنب و جوش هستند آنان در خانه برای ساعتها میخوابند. در عوض در ساعات شب نمیخوابند و برق زیادی مصرف میکنند. با اینکار فرصت را مغتنم میشمارند ولی باعث خرج اضافی هستند. اما در اکثر موارد عذر و بهانه میتراشند که "نمیتوانم کارم را تمام کنم و هنوز کاری برای انجام دادن دارم. من نمیتوانم زود بازنشسته شوم..." عادات گرانهای نظم بهم ریخته اند و لحظه هایی که باید در اوایل صبح مورد استفاده قرار گیرند بدین گونه بیهوده گذرانده میشوند. خدای ما خدای نظم است و او میخواهد که فرزندان نظم و انضباط داشته باشند. آیا بهتر نیست که این عادت شب زنده داری شکسته شده و به روزانه کاری تبدیل شود و در عوض شب از ساعات تازه صبح استفاده شود؟ اگر جوانان میتوانند به نظم و ترتیب خود را عادت بدهند آنگاه با روحیه و خلق و خویی سالم و بهداشتی رشد میکنند. این وظیفه همگان است که مقررات را بطور موکد رعایت کنند و در زندگی خود را به آن عادت دهند. این برای خیریت و نفع خودتان است تا از نظر جسمی و اخلاقی سالم باشید. وقتی که در صبح از خواب برمیخیزید توجه کنید تا جایی که ممکن است کار را در طی روز انجام دهید. اگر لازم است یک دفترچه یادداشت کوچک بردارید و اموری که باید انجام شود را یادداشت کنید و برای خود وقت را تنظیم کنید که کارتان را بر اساس زمانبندی انجام دهید.



## فصل نوزدهم

### پاکدامنی

**آموزه های خود را درباره اصول پاکدامنی ارائه کنید -** یک مادر باید درک کند که مسئولیتی بر دوش اوست. از گهواره بفرزندان خود خویشتنداری و ترک نفس را تعلیم دهید. آنها را با بنیه قوی و روحیه و اخلاق خوب بار بیاورید. به آنان این حقیقت را بگوئید که خدا ما را طوری طراحی نکرده که تنها برای لذات حاضر زندگی کنیم بلکه برای خیریت غایی و حیات اخروی. این دروس مانند بذرهایی هستند که در خاک حاصلخیز کاشته میشوند که محصول آورده و قلبهای شما را مسرور خواهند ساخت.

بمنظور حفاظت فرزندان از اثرات آلوده کننده و مخرب، والدین باید آنان را با اصول خالص پاکدامنی راهنمایی کنند. کودکانی که در خانه عادات اطاعت و خویشتنداری را شکل میدهند در مدرسه کمتر مشکل خواهند داشت و از بسیاری از وسوسه هایی که جوانان را احاطه کرده است اجتناب خواهند نمود. والدین باید فرزندان خود را طوری تعلیم دهند که برای خدا تحت هر شرایط محیطی و در هر مکانی خالص باشند. والدین باید با چیزهایی که شخصیت آنان را تقویت کند و بر ذهن آنان موثر واقع بیفتند آنان را احاطه کنند. با این قبیل آموزش، وقتی کودکان به مدرسه فرستاده میشوند دیگر جای دلهره و نگرانی نخواهد بود. آنان معلمان خود را پشتیبانی و برای همشاگردیان خود مشوق و نمونه ای خواهند بود.

**بدون وقفه به مراقبت خود ادامه دهید -** والدین و سرپرست چنانچه بخواهند فرزندانشان پاک و خالص باشند بایستی خلوص قلبی را در زندگی خود حفظ کنند. آنان باید راهنمایی لازم را ارائه کنند و مضافا باید بی وقفه مراقب و هشیار باشند. هر روز افکار جدیدی در ذهن جوانان شکل میپذیرد و احساسات تازه ای در قلبهایشان شکل میگیرد. رابطه ای را که برقرار میکنند - کتابهایی را که میخوانند- عاداتی را که دوست دارند - همگی باید تحت مراقبت و کنترل قرار گیرد.

**خانه را پاک و جذاب نگهدارید -** خانه باید تمیز و پاک نگهداری شود. گوشه کنارهایی در خانه که به آنها توجهی نشده و کثیف هستند سبب خواهند شد تا بهمین گونه گوشه کنار های قلب



و ذهن که نسبت به آن غفلت شده ناپاک شوند. مادران! شما تعلیم دهندگان فرزندان خود هستید - افکار پاک را در ذهن فرزندانتان جایگزین نمایید - و اتاقهایشان را با سلیقه و روشی جذاب و دلپسند مرتب کنید.

**مراقب معاشرت‌ها باشید -** چنانچه والدین بخواهند فرزندان‌شان پاکدامن بمانند باید معاشرت‌های آنان را آنگونه که مورد تایید و نظر خداست تحت کنترل خود قرار دهند. والدین چگونه میتوانند از فرزندان‌شان در مقابل بی بند و باری و سستی و عادات غیر اخلاقی محافظت نمایند! پدران و مادران! آیا اهمیت مسئولیتی که به عهده دارید را درک میکنید؟ آیا به فرزندان‌تان اجازه میدهید که با فرزندان دیگر معاشرت کنند بدون اینکه بدانید که چه رفتاری یاد میگیرند؟ به آنان اجازه ندهید که با کودکان دیگر تنها باشند. مراقبت خاصی از آنان داشته باشید. هر شب بدانید که در کجا هستند و چه میکنند. آیا در رفتار خود پاک و سر به زیر هستند؟ آیا آنها را به اصول پاک اخلاقی و رفتار شایسته راهنمایی کرده اید؟ اگر از تعلیم دادن به آنها کوتاهی نموده اید نگذارید که روزهای دیگری هدر برود. اقرار کنید که از این امر مهم غفلت ورزیده اید. سپس به آنان بگوئید که میخواهید آنچه را که خدا برای شما تعیین کرده انجام بدهید. از آنان بخواهید تا با شما در این کار اصلاح و تادیب همکاری کنند. همسایگان ممکن است به فرزندان خود اجازه بدهند تا به خانه شما آمده و روز و شب را با فرزندان شما سپری کنند. این یک آزمایش و یک انتخاب برای ماست. آیا باید فرزندان همسایه را به خانه شان بازگردانده و آنان را برنجانیم و یا اینکه برای خشنود کردن آنان اجازه بدهیم تا با فرزندان‌تان معاشرت کنند و آنان را در معرض خطر قرار دهیم زیرا تاثیر فرزندان دیگران و معاشرت با آنان لعنت خواهد بود. برای نجات دادن فرزندان از تباهی نباید به آنان اجازه داده شود تا با هم در یک تخت بخواهند یا در یک اتاق با پسرهای دیگر بمانند ولی اگر در جایی چادر زدند و بصورت گروهی تحت مراقبت ناظر بودند مشکلی نخواهد بود. سعی کنید تا آنان را از ارتباط با پسرهای بی ادب و خشن منع کنید و انگیزه ای ایجاد کنید تا آنان را در خانه خوشحال و شاد نگاه دارید. اگر دست و فکر آنان را مشغول بکاری کنیم آنگاه وقت یا حوصله بازی در خیابان و تعلیم گرفتن از خیابان را نخواهند داشت.

**در مقابل هواهای نفسانی سدی ایجاد کنید-** آنان که خود را متعلق به خدا میدانند و جسم و جان خود را متعلق به او میدانند باید در مقابل طغیانهای نفسانی سدی ایجاد کنند که باعث تخریب و تباهی جسمی و روحی هزاران نفر میشود. اگر علت واقعی جنایتهای و خشونت‌های زمان



را رد یابی کنیم مشاهده خواهد شد که غفلت پدران و مادران نسبت به این موضوع عامل اصلی آن است. زندگی و سلامتی قربانی شده و اسف بار خواهد بود.

والدین! اگر از وظیفه ای که خدا بشما محول نموده کوتاهی کنید در عاقبت باید پاسخگو باشید. نتایج این موضوع تنها به فرزندان شما محدود نمیشود. وقتی در زمین زراعی به یک بوته خار اجازه رشد داده میشود هم محصول شما را تباه خواهد کرد و نه اینکه خود برای شما نفعی خواهد داشت. بنابراین گناهی که نتیجه اهمال و بی توجهی شماست همه آنانرا که در داخل این محیط قرار دارند را تباه میکند.

**ذهنها را با تصویری از خلوص و پاکی پر کنید-** زندگی مسیحی پرهیزگاری و خویشتنداری دائمی است. این درسی است که از دوران طفولیت بایستی به کودک داده شود. به آنان آموزش دهید که آنان بایستی پاکی و خلوص را در قلب و فکر خود اعمال کنند زیرا که آنان متعلق به خدا هستند و با قیمتی که با خون گرانیهایی فرزند گرامی او یعنی عیسی مسیح خریداری شده اند. اگر در زمانهایی که افکار لطیفی دارند اندیشه های آنان را از تصاویر دلپسند حقیقت و از پاکدامنی و نیکی پر کنند احساسی شکل خواهد گرفت که خالص و متعالی است و پندار آنان بسادگی تباه یا آلوده نخواهد شد. در حالیکه اگر مسیر مخالفی دنبال شود و اگر والدین دائما اندیشه های پست را در سر بپروانند - اگر گفتگوهایشان حول خصلتهای زشت و بد طینتی باشد - اگر آنان به گلایه و بدگوئی که دیگران سبب شده اند عادت کنند - آنگاه خردسالان از حرفها و اهانتها درس می آموزند و این الگوی مهلک را دنبال خواهند کرد. شرارت اثر خود را گذارده و مانند لکه های جذام در آخرت به آنان خواهد چسبید. بذر کاشته شده در طفولیت با مراقبت و خداترسی مادر به درختههای عدالت مبدل شده که شکوفه داده و بار آور خواهد شد و پندها و احکام پدر خداترس، الگویی خواهد شد که مانند یوسف بزودی محصول فراوانی را در آینده خواهد داد...

## بخش ۶

### دروسی عملی در زمینه عفاف و درستکاری



## فصل بیستم

### مفید بودن

به کودکان کمک کردن و مفید بودن را آموزش دهید- کودکان باید در مدرسه خانگی یاد بگیرند که چگونه کارها و وظایف روزانه را انجام دهند. در سنین کودکی، مادر باید کار کوچکی را به آنان محول کند تا هر روز انجام دهند. اگر آن کار کوچک را خود مادر انجام دهد مسلماً وقت کمتری خواهد برد ولی مادر باید بیاد داشته باشد که باید مفید بودن را در شخصیت کودک بنا نماید. کودک باید بخاطر داشته باشد که خانه مانند مدرسه است و مادر سر معلم. این وظیفه اوست تا فرزندان را تعلیم دهد که چگونه وظایف خانه را سریع و با مهارت انجام دهند. در مراحل آغاز رشد بهتر است که کودکان سریعاً یاد بگیرند تا بار مسئولیت را در خانه بر دوش بگیرند. در کودکی، پسران و دختران باید یاد بگیرند تا بارهای سنگین و سنگینتری را با هوشیاری و با کمک در کارهای خانه بر عهده بگیرند.

**مسلط بودن بر خطاهای کودکانه-** هزاران نفر در خانه هایشان تقریباً بدون تعلیم رها شده اند. "یک مادر میگوید اینکار درد سر است." "من ترجیح میدهم که خودم این کارها را انجام بدهم و تو مایه زحمت هستی." آیا مادر بیاد نمی آورد که خود کم کم این کارها را یاد گرفت تا منبعد کمک دست باشد؟ این اشتباه است تا از تعلیم کودکان خودداری کنیم. این کودکان را در کنار تان نگاه دارید. بگذارید از شما سوال بپرسند و با صبوری به آنان پاسخ بدهید. به کودکان تان کاری را برای انجام دادن بسپارید. و بگذارید که آنان به تصور اینکه به شما کمک میکنند خوشحال شوند. وقتی که سعی میکنند کاری را بطور شایسته انجام دهند نباید آنان را از خودتان برانید. اگر اشتباهی کردند- اگر اتفاقی افتاد و چیزی شکست آنان را سرزنش نکنید. تمام زندگی آینده آنان بستگی به تعلیمی است که شما در اوان زندگیشان به آنان میدهید. به آنان تعلیم دهید که همه استعدادها و تواناییهای جسمی و فکری به آنان داده شده تا از آن استفاده کنند که همه آن استعدادها متعلق بخداست که برای خدمت در راه او به ما به امانت سپرده شده است. خداوند به بعضی از این کودکان پیش آگاهی از اراده خود را داده است. والدین و معلمان! آموزش به فرزندان تان را زود هنگام شروع کنید تا استعدادهای خدادادی پرورش یابند.



**بگذارید تا کودکان در مسئولیتهای خانه شریک شوند-** زندگی کودکان را مطبوع و دلپسند کنید و در همان زمان به آنان یاد بدهید تا مطیع و مفید باشند و همچنان که شما بار سنگینی را حمل میکنید بار کوچکی را حمل کنند. عادات سخت کوشی را به آنان تعلیم دهید تا خصم شریر ذهن آنان را کارگاه خود نسازد. به فرزندان چیزی بدهید که به آن فکر کنند تا شایسته این زندگی و زندگی آخرت گردیده و مفید فائده باشند. کودکان از سالهای اولیه زندگی شان باید یاد بگیرند تا مسئولیتهای خانه را بر دوش بگیرند. آنان باید یاد بگیرند که وظایف متقابل و دوطرفه است. به آنان باید تعلیم داده شود که سریع و تمیز کار کنند. این تعلیم برای سالیان سال ارزش بزرگی برایشان خواهد داشت. هر عضو خانواده باید درک کند که تنها قسمتی از کار را در اتحاد عمل با دیگران بعهده دارد. همه کودکان از شش ساله به بالا باید بفهمند که آنان ملزم شده اند تا در انجام مسئولیتهای زندگی شریک شوند.

**مرجعی از تجربه و خوشی-** مهم است که پدران و مادران، فرزندان خود از دوران طفولیت ارشاد کنند. آنان باید مطیع بودن را آموزش دهند: "پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که بیهوه خدایت بتو میبخشد دراز شود". و کودکان همچنانکه در طی سالیان رشد میکنند باید قدر دان توجهات و مراقبتهای والدین باشند. آنان باید خوشی عظیم را در کمک به پدر و مادر خود بیابند.

**کارهای جزئی باید جذاب بنظر بیایند-** چنانچه به کودکان تعلیم داده شود تا وظایف روزانه را هر چقدر هم که آن کار محقر باشد بعنوان اراده و خواسته خدا ببینند آنگاه این کارهای محقر به آنان خواهد آموخت تا صادقانه و کارآمد بدیگران خدمت کنند در نتیجه کار آنان خوشایندتر و مایه افتخار خواهد بود. در انجام کارها چنانچه هر وظیفه را برای رضای خدا انجام بدهید حتی حقیر ترین کار جالب و جذاب بنظر خواهد رسید و کسانی که در زمین کار میکنند به کربوبیان میپیوندند که در آسمان اراده خدا را بجا می آورند. و در هر کجا که تصدی داریم بایستی وظایف خود را صادقانه تر انجام دهیم همانگونه که فرشتگان در آسمان انجام میدهند.





## فصل بیست و یکم

### حرفه و پیشه

**کار و حرفه مفید مامن مطمئنی برای جوان است** - کودکانی که به پشتکار داشتن و سخت کوشی عادت کرده اند از همه ساعت‌های خود با خوشی بهره گرفته و تمایلی به شکایت و گله ندارند و زمانی برای بیهوده وقت تلف کردن و خیالبافی باقی نمیگذارند. آنان کمتر در معرض خطر شکل گیری عاداتها و معاشرتهای نادرست خواهند بود.

کار و پیشه ارزش بیشمار دارد. کودکان باید تعلیم داده شوند تا کاری مفید انجام دهند. بیش از حکمت بشری لازم است که والدین درک کنند که چگونه بهترین تعلیم و تربیت را برای کودکانشان فراهم سازند تا زندگی مفید و شادی در این جهان داشته و خدمات متعالی تر و خوشی عظیمتری برای حیات اخروی ثبته باشند.

**وظایف با اقتضای سن و توانایی تعیین شود** - کودکان از زمان طفولیت بایستی بیاموزند تا کارهایی را انجام دهند که به مقتضای سن و توانایی آنان باشد. والدین از حالا باید فرزندانشان را تشویق کرده تا بیشتر مستقل باشند. مشکلات جدی تری در این کره خاکی مشاهده خواهد شد و کودکان باید بطریقی آموزش داده شوند که توان مقابله با آنرا داشته باشند.

بفرزندان خود آموزش دهید تا مفید و کارآمد باشند تا بارهای مسئولیت را مطابق با سن و سالشان بدوش بگیرند آنگاه عادت به کارکردن دومین عادت طبیعی آنان خواهد شد و کارهای مفید هرگز جان کندن و پر زحمت تلقی نخواهند شد.

**حاصل بیهودگی و بطالت** - رها کردن فرزندانشان در بیهودگی و بطالت گناهی بزرگ است و تقصیر این بی مسئولیتی متوجه والدین خواهد بود که در وظیفه خدادادی خود بی مبالاتی ورزیده اند. زیرا که کودکان بزودی خواهند آموخت تا از بیهودگی لذت برده و هنگامی که بزرگ شدند بی دست و پا بوده و مردان و زنان بی فایده و بی کفایتی بار خواهند آمد. وقتی که آنان به اندازه کافی بزرگ شده تا شغلی بدست آورده و پول در بیاورند با سستی و تبلی کار میکنند و فکر میکنند که به آنان حقوقی پرداخت خواهد شد که گوئی آنان در کار امانتدار و



با صداقت و سختکوش بوده اند. تفاوتی بین اینگونه کارگران تنبل و آن فردی است که درک کرده تا ناظر وفاداری<sup>13</sup> باشد. جوانان در هر کاری که جذب شوند باید "در کارسخت کوش بوده و با شور و حرارت در روح، پروردگار را خدمت کنند". کسی که در کار خود وفادار نیست برایش فرقی ندارد که کار کوچک یا بزرگ باشد چون در اصل وفادار نخواهد بود. کودکانی که در خانه تعلیم مناسب دیده باشند را نمیتوان در گوشه و کنار خیابان دید. والدینی که فرزندان خویش را دوست دارند نسبت به آنان حساس بوده و به آنان اجازه نخواهند داد تا تنبل بار آمده و ندانند که چگونه وظایفشان را در خانه انجام دهند. جهل و ندانم کاری برای خدا پذیرفته نیست و برای انجام کارهای او نا مطلوب است.

### استفاده خردمندانه از وقت و زمان - تنبلی کار شیطان است و او با وسوسه های خود زندگی و

شخصیت را ضایع میکند. اگر جوانان تربیت نشوند تا کارگرانی مفید باشند، خواه ثروتمند باشند یا فقیر، در معرض خطر خواهند بود و شیطان آنان را بکار خواهد گمارد. جوانانی که با اصول و احکام محصور نشده باشند وقت و زمان را بعنوان خزانه گرانبها ارج نمینهند. و زمان امانتی است که انسان باید برای آن به خدا حساب پس بدهد. کودکان باید آموزش داده شوند تا از تمامی وقت خود بخوبی استفاده کنند و برای پدر و مادر خود کمک دست بوده و بخود متکی باشند. به آنان نباید اجازه داده شود تا خودشان را بالاتر از هر کاری که باید انجام دهند تصور کنند. ارزش زمان فراتر از محاسبات است. وقت بر باد رفته را هرگز نمیتوان بازیافت ... بهبود و اصلاح لحظه های به هدر رفته در اصل حفظ کردن گنجینه است. (وقت طلاست) و (جلوی ضرر را از هر کجا که بگیرید غنیمت است).

### بر عادات کاهلی و تنبلی غلبه یابید - خداوند در کلام خویش برنامه ای را برای آموزش

کودکان مشخص کرده و والدین باید از این برنامه پیروی کنند. آنان باید کودکان خویش را آموزش دهند تا بر هر گونه عادت سستی غلبه یابند. به هر کودک باید تعلیم داده شود که او باید کاری را در این جهان انجام دهد.

درخت مسیحیان میوه های سستی و تنبلی را بیار نمی آورد. تنبلی لعنت عظیمی است. خداوند انسان را با تارهای عصبی - اندام و عضلات برکت داده است و آنها اجازه نخواهند داشت تا بخاطر بیهودگی و رکود زوال یابند بلکه باید با ورزش و تمرین تقویت شده و سالم بمانند. رخوت و سستی بدبختی بزرگی است زیرا بطالت برای بشر همیشه لعنت بوده و خواهد بود.



فرزندتان! هرگز ثابت نکنید که در کارهای خانه مابشری بی انصاف<sup>14</sup> هستید. از وظایف خود شانه خالی نکنید. کار خوب و سخت باعث قوی شدن رگ و پی و عضلات شما خواهد شد. در پیشرفت و رونق گرفتن امور خانه برکت گرانمایی را برای خود به ارمغان خواهید آورد.

**چرا کار قبل از بازی؟** مادران کار کردن را به فرزندان خود یاد میدهند. خیلی از کودکان از مادر خود میپرسند چرا باید قبل از بازی اینهمه کار کنیم؟ کار برای تعلیم و تربیت ذهن شما خوب است تا یاد بگیرید که باید کارگران مفیدی باشید و مهم تر از همه اینکه از شیطنت بدور باشید. آنگاه وقتی که بزرگتر شدید معنی این تعلیمات را بخوبی درک کرده و از مادران و پدران خود تشکر خواهید نمود. زمانی خواهد رسید که یکی از دختران کوچکتان بپرسد: (کی قلاب بافی را یاد گرفتی و شما پاسخ خواهید داد وقتی که مثل شما کودک بودم).

**ارزش برنامه ریزی روزانه** - تا آنجا که ممکن است باید توجه شود که چه کاری میبایستی در طول روز انجام شود. وظایف گوناگون را در دفتر یادداشت خود بنویسید تا بدانید که موعد چه کاری فرا رسیده و چه کاری را در طول روز انجام داده اید. و برای کارهایتان برنامه ریزی و زمان بندی کنید. هر چیزی باید بطور کامل و مرتب و سریع انجام شود. اگر کارهای زیادی برای انجام شدن دارید پنجره ها را باز بگذارید تا اول خانه هواگیری شود و پرده ها را باز کنید تا روشنایی نور بدرون خانه بتابد و حتما سعی کنید تا لباسهایتان را در معرض آفتاب قرار دهید. هوا و آفتاب دو عنصر حیاتی هستند که هم برای سلامت جسمی موثرند و هم در ضد عفونی کردن و کشتن باکتریها عامل مهمی هستند. وسوسه نشوید تا مجله بخوانید و یا اینکه دقایقی را پشت کامپیوتر<sup>15</sup> برای خواندن اخبار یا ای میل بگذرانید بلکه بخودتان بگوئید "نه! زمان زیادی باقی نمانده و اول باید کارها را انجام دهم".

آنانی که بطور طبیعی کند هستند بهتر است سعی کنند تا فعال شوند. سریع و چابک و پر انرژی باشید و سخن حواری را بیاد بیاورید: "در سعی و تلاش سستی نکنید و با روحیه بکار خود مشغول گردیده و خداوند را خدمت کنید" (رومیان ۱۱: ۱۲).

اگر نوبت شماست تا غذا درست کنید با دقت محاسبه کنید و با وقت کافی غذا را تهیه کرده و در زمان مناسب آنرا بر سر سفره بطور مرتب بچینید. آماده کردن غذا پنج دقیقه زودتر از زمان مقرر بهتر از پنج دقیقه دیر تر است. ولی اگر آهسته هستید و عادت دارید تا آرام کار کنید و کار خود را طولانیتر انجام میدهید بهتر است خود را موظف کنید تا شیوه خود را اصلاح و سریعتر کار کنید. چنانچه بخواهید میتوانید بر عادات وسواس و درنگ در کار غلبه یابید. در شستن ظروف باید مراقب باشید و سریع<sup>16</sup> کار کنید. (البته مواظب باشید با سرعت بخشیدن بکار خود ظرفها را نشکنید) برای انجام این کار تمرین کنید و بر سرعت دستهای خود بیفزائید.

**توام کردن نیروی جسمی و ذهنی -** وقتی نوجوانی برای تحصیل به کالج و یا دانشگاهی میرود میگوید که مادرم بمن گفته که نباید ظرف هایم را بشویم به او میگویم خوب پس به هزینه تحصیل اضافه میشود تا دیگران ظرفهایت را بشویند. آنگاه نوجوان میگوید نه مادرم گفته که اصلاً " حاضر نیست هیچ هزینه اضافی را تقبل کند. پس به او میگوئیم که خوب لا اقل صبح زودتر از خواب بیدار شو و خودت اینکار را انجام بده. خدا هرگز برنامه ای تنظیم نکرده تا ما منتظر و معطل دیگران باشیم. در عوض اینکه مادرتان از خواب بیدار شود و بشما صبحانه بدهد شما باید اول کسی باشید که میگوید مادر صبح زودتر از خواب بلند نشو و من صبحانه را درست میکنم. و در انجام کارهای خانه بگوئید که ما این وظیفه را تقبل میکنیم و آنرا انجام میدهیم. شما باید به کسانی که مویشان سفید شده است اجازه بدهید که در صبح استراحت کنند.

چرا اینطور نیست؟ مشکل در کجاست؟ این مشکل والدین است که اجازه میدهند تا فرزندانشان بدون اینکه بار خانواده را بر دوش بگیرند تنبل و بی عار بار بیابند. وقتی که این کودکان به مدرسه میروند میگویند مادرم بمن گفته که کار نکنم. چنین مادرانی حماقت میکنند. آنان فرزندان خویش را ضایع میکنند و سپس آنان را بمدرسه میفرستند تا مدرسه را ضایع کنند. کار بهترین انضباطی است که میتواند داشته باشند. این کار برایشان سخت تر از کار مادر نخواهد بود. کار جسمی را با فکر توام کنید و خواهید دید که نیروی ذهنی بهتر رشد خواهد کرد.

**راه و روشها را تدبیر کنید -** والدین باید راه و روشها را تدبیر کنند برای اینکه فرزندان خویش را کارآمد بار بیاورند. به کودکان قطعه کوچکی از باغچه را بدهید تا در آن کشت و زرع کنند تا در



حینی که کار میکنند بیاموزند که از محصول خود باید بدیگران هم بدهند. بگذارید تا به هر طریقی که شده بشما کمک کنند و به آنان نشان دهید که قدر دان کمک آنان هستید. بگذارید تا احساس کنند که عضوی از اعضای شرکت در خانواده هستند. به آنان تعلیم دهید تا فکرشان را بکار برند تا هر چقدر که ممکن است برنامه ریزی کنند و در کارشان سریع و چابک باشند. از اینرو صرفه جویی در وقت را یاد گرفته و از دقایق برای کاری که به آن اختصاص داده شده بهره گیرند.

**کار شریف است-** بگذارید تا به کودکانمان تعلیم تا با دستان کوچک و و کم توان خود بما کمک کنند. بر ذهنشان تاثیر بگذارید تا بفهمند که در واقع کار شریف است و در آسمان بود که کار به انسان محول گردید. این امر برای رشد و سلامت ذهن و جسم بعنوان یک ضرورت در باغ عدن به آدم مقرر گردید. به کودکان تعلیم دهید هنگامیکه با سخت کوشی کار کنند آنگاه تفریحات سالم بیشتر برای آنان لذتبخش خواهد بود.

## فصل بیست و دوم

### پشتکار و مداومت

**رضامندی با کار کامل میشود-** کودکان اکثرا بخشی از کار را با شور و حرارت شروع میکنند اما زود خسته یا پریشانحال میشوند و میخواهند کار خود را تغییر داده و کاری جدید را شروع کنند. پس به چند کار میپردازند و نومید شده و رهایش میکنند و از این شاخه به آن شاخه میپزند و هیچ کاری را کامل انجام نمیدهند. والدین نباید اجازه دهند تا فرزندانشان تغییر پذیر باشند و باید آنان را کنترل کنند. والدین نباید خود را چنان درگیر کنند که زمان لازم را برای منضبط کردن و پرورش فکری فرزندانشان نداشته باشند. کلام تشویق کننده یا کمی مساعدت در زمان مقتضی میتواند آنان را از مشکل و نومیدی برهاند و موجب رضایتمندی از کامل شدن کاری که بعهد گرفته اند خواهد شد و آنانرا برای انجام کارهای ثقیل تری تهییج خواهد نمود.

بسیاری از کودکان در تلاشهایشان دلسرد میشوند زیرا کسی آنان را تشویق و یا کمک نمیکند و بهمین جهت از یک شاخه به شاخه دیگر تغییر جهت میدهند. و این کار غم انگیز را در



دوران جوانی نیز انجام میدهند. آنان از توفیق به هر کاری ناکام میمانند زیرا به آنان تعلیم داده نشده است تا در شرایط سخت و مایوس کننده مداومت داشته باشند. بنابراین بسیاری از افراد در تمام طول عمر شکست را تجربه میکنند بخاطر اینکه در نوجوانی انضباط صحیح کسب نکرده اند. تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان بر تمامی دوره شغلی آنان تاثیر خواهد گذاشت.

**راحت طلبی و تبلی به آینده نیز موکول میشود-** کودکان ناز پرورده که پیشخدمت داشته اند همیشه پر توقع هستند و چنانچه انتظارانشان برآورده نشود نومید و دلسرد میشوند. این خلق و خو در تمامی دوران زندگی آنان نیز دیده میشود و آنان درمانده و عاجز خواهند بود و بدیگران تکیه نموده و انتظار کمک و مرحمت دیگران را دارند. انتظار دارند تا دیگران به آنان مرحمت کنند و خود را تسلیم آنان میکنند. و اگر با آنان مخالفت بشود حتی وقتی که بزرگ شده باشند فکر میکنند که با آنان بد رفتاری شده است و بدینگونه نگران مسیر خود در تمام دنیا هستند و بسختی قادر خواهند بود تا بار خود را تحمل کنند و اغلب شکوه بر لب می آورند و کج خلقی میکنند چون هیچ چیزی بر وفق مراد آنان نیست.

**عادات درست انجام دادن و سریع العمل بودن را پرورش دهید-** فرزندان باید از مادر عادات مرتب بودن، درست کار انجام دادن و چابک بودن در کار را یاد بگیرند. اگر برای کاری نیم ساعته دو ساعت وقت بگذارند آنگاه به تعلل و تاخیر در کار عادت خواهند کرد. عادات حرفه ای بودن در کار و درست انجام دادن کار در واقع برکات ناگفته ای به جوانان است بمجرد اینکه بزرگتر شده و وارد مدرسه بزرگتر زندگی شوند.

**مشاوره مخصوص برای دختران-** عیبی در دختران است که به زبان درازی عادت دارند و وقت گرانبهای خود را در صحبت کردن به چیزهای بی ارزش میگذرانند. توجه بی اندازه دختران به حرفای باعث میشود تا از کار خود عقب بمانند. این موضوعات، کوچک و بی ارزش تلقی میشوند. بسیاری از افراد با چیزهایی که کوچک و بی اهمیت تلقی میشوند اغوا شده اند. چیزهای کوچک ارتباط مهمی با چیزهای بزرگ دارند. خداوند نسبت به چیزهایی کوچک که وابسته به سعادت خانواده بشر است بی اعتنا نیست.

**اهمیت چیزهای کوچک-** هرگز چیزهای کوچک را کم اهمیت و ناچیز شمارید. چیزهای کوچک انضباط را در زندگی تامین میکنند. بوسیله چیزهای کوچک جان تعلیم داده شده و



پرورش یافته تا شبیه مسیح یا اینکه شبیه شریر بشود. خداوند بما کمک میکند تا عادات پندار – گفتار – کردار و نگاه کردن را پرورش داده و به آن عمل کنیم که شهادتی خواهد بود که پیروان عیسی بوده و از او درس آموخته ایم.

**اشتباهات تجربه‌هایی هستند که پس از اصلاح مانند پله‌های محکم نردبان خواهند شد-**  
 کودک و نوجوان باید یاد بگیرد که بر هر اشتباه - کاستی و هر مشکلی فائق آید مانند پله‌های محکم نردبانی که برای صعود با اطمینان از آنها بالامیرویم. افراد موفق با اصلاح اشتباهات خود از پله‌های ترقی صعود بالا رفته‌اند. باید از اشتباهات خود پند بگیریم و مسیر خود را اصلاح کنیم تا به موفقیت دست یابیم.

## فصل بیست و سوم

### پرهیزگاری، تواضع، با فکر و ملاحظه بودن

**درسهایی که برای هر خانه‌ای لازم است-** در هر خانه‌ای باید درسی از تقوی و پرهیزگاری آموخته شود. پدران و مادران، به فرزندان خود مقتصد بودن را یاد بدهید. آنان را تشویق کنید تا پول خرد‌های خود را برای کارهای شایسته پس انداز کنند. مسیح الگوی ماست. برای خاطر ما بود که او فقیر شد تا ما با فقر او غنی بشویم. او آموخت تا همه باید با محبت و اتحاد گرد هم آیند و کار کنند همانطوری که او کار و از خود گذشتگی کرد و مانند فرزندان خدا بیکدیگر محبت کنند.

درس ترک نفس و رها شدن از خودپسندی را فرا گرفته و به فرزندان خود آنرا بیاموزید. ترک نفس باید در هر کاری رعایت شود. رنج‌دیدگان باید از رنج خلاصی یابند - عریان باید پوشیده شود- گرسنه اطعام گردد و حقیقت باید برای آنانیکه آنرا نمی‌دانند اکنون گفته شود.

**فداکاری باید عادت همیشگی بشود -** با ارائه اصول اخلاقی و الگوی مناسب، خویش‌تنداری - مقتصد بودن، سعه صدر و خوداتکائی را تعلیم دهید. هر کسیکه باطن و شخصیت درستی داشته باشد از عهده مشکلات بر خواهد آمد و خواهد گفت "خداوند چنین فرموده است". انسانها تعهد خود را نسبت به خدا درک نمی‌کنند. و در مدرسه مسیح خواهند آموخت تا یوغ او



را با فرمانبرداری بدوش بکشند. اولین کار ما در اقامه حقیقت عادت کردن به فرمانبرداری است. این بخش واجبی از تعلیم و تربیت است. اگر خانه ای جاودانی در آسمان میخواهید باید پیوسته فداکاری کنید تا شخصیت و باطن شما بنا گردد و از خودگذشتگی برایتان مانند عادت شود.

**قلک انکار نفس** - کودکان باید طوری آموخته شوند که نفس خود را انکار کنند. زمانی در شهری سخنرانی میکردم خداوند نوری را در ذهنم روشن ساخت که در هر خانه ای باید یک قلک انکار نفس وجود داشته باشد و کودکان باید یاد بگیرند تا پول خردهای خود را در آن بریزند در غیر اینصورت آن را برای شکلات و چیزهای غیر ضروری مصرف میکنند... در اینصورت جای خودخواهی و برکت با هم عوض میشود و در آینده کودکان میتوانند از آن استفاده مفیدتری ببرند.

وقتیکه کودکان پول خردهای خود را در این قلک ها بریزند به برکات عظیمی نائل خواهند شد... هر عضوی از خانواده از پیر تا جوان باید ترک خودخواهی را تمرین کند.

**کودکان نباید مرکز توجه قرار گیرند** - کودکان بین دو تا چهار سال نباید تشویق شوند تا هر چیزی را که خواستند به آنان داده شود. والدین باید به آنان درسهای پرهیز و خویشنداری را یاد بدهند و هرگز نباید با آنان طوری رفتار شود که خود را کانون توجهات حس کنند.

بسیاری از کودکان خودخواهی را از اولیای خود به ارث برده اند ولی والدین باید ریشه آنرا جستجو کنند و ریشه های کوچک امیال شرارت را از طبیعت آنان بیرون بیاورند. مسیح بسیاری از خودخواهان و طماعان را ملامت کرد. والدین باید در ابتدای بروز خصوصیات خودپسندانه چه در حضور آنان یا هنگامیکه در جمع بچه های دیگر هستند این خصیصه فرزندان خود را مهار کرده و آنرا ریشه کن کنند. برخی از والدین زمان زیادی را صرف توجه و سرگرم کردن فرزندان خود میکنند ولی کودکان باید بیاموزند تا خود را سرگرم کنند و از خود نبوغ و مهارت نشان بدهند. و بدینگونه آنان خواهند آموخت تا از هر سرگرمی و تفنن ساده ای راضی و قانع باشند. به آنان باید تعلیم داده شود تا شجاعانه سختی ها و نومیدی های کوچک را تحمل کنند. والدین بجای توجه به دردهای جزیی باید افکار آنان را به چیزهای دیگری منتطف کنند و بیاموزند که باید از این آزردهای کوچک یا بی ارزش بگذرند.





**فراموشی نفس فیض و هدیه الهی است -** یکی از خصوصاتی که باید هر کودکی بطور ویژه قدر آن را بداند فراموشی نفس است که این فیض ناخودآگاهی است که به زندگی اعطا میشود. زیباترین فضیلت شخصیتی فراموشی نفس است و برای داشتن زندگی واقعی از شروط ضروری است.

مطالعه کنید که چطور به کودکان یاد بدهید تا نسبت به دیگران با ملاحظه و با فکر باشند. جوانان باید در ابتدا به اطاعت و پرهیزکاری و احترام خو گرفته و ملاحظه دیگران را بکنند. آنان باید یاد بگیرند تا بر خشم خود غلبه یافته تا از ابراز کلام احساساتی خودداری کنند و ادب و متانت و خویشنداری را از خود آشکار کنند.

والدین باید با احتیاط فرزندان خود را اداره کنند تا اینکه هر گونه میل و گرایش به خودپسندی را بی اثر کنند! آنان باید بطور دایم راههایی را پیشنهاد کنند که فرزندانشان نسبت به دیگران با ملاحظه باشند و یاد بگیرند که غمخوار و کمک دست پدران و مادران خود باشند همانگونه که آنان برای فرزندان خود چنین بوده اند.

## فصل بیست و چهارم

### اقتصاد و صرفه جویی

**عادات عجیب نامعقول را از خود دور سازید-** به فرزندان خود یاد بدهید که خدا مالک همه آنچیزهایی است که در تصرف دارند و هیچ چیزی نمیتواند این ادعا را باطل کند و تمام چیزهاییکه دارند امانت است و آنان باید ثابت کنند که فرمانبردار خدا هستند. پول یک دارایی مورد لزوم است و نباید خرج کسانی شود که به آن نیاز ندارند. شاید فردی نیازمند هدیه شما باشد... اگر شما عادات اسرافکاری و نامعقول دارید آنها هر چه سریعتر از زندگی خود دور کنید. مگر اینکه بخواهید با اسرافکاری و ولخرجی برای همیشه ورشکسته بشوید. عادات مقتصد بودن، سختکوشی و اعتدال در این دنیا هدایای طبیعی هستند که بهتر از یک گنجینه گرانبها برای فرزندانتان خواهد بود.



**فرزندان خود را راهنمایی کنید که مقتصد و صرفه جو باشند-** ما بایستی مراقب باشیم تا وقت گرانبها و پول خود را غیر معقول خرج نکنیم. خیلی چیزها ممکن است خوب یا تجملی باشند ولی باید از خرجهای بیهوده که نان و آب نمیشوند خودداری ورزیم. ممکن است که کارهای اساسی برای شهرهایمان نیاز ضروری باشد. هر کسی باید سهمی در کار خدا داشته باشد. والدین باید فرزندانشان را در درس اقتصاد و صرفه جویی راهنمایی کنند تا اینکه اعضای جوانتر گروه یاد بگیرند تا برای حمایت از کارهای خدا احساس مسئولیت کرده و سهم خود را ایفا نمایند.

**محبت با افرات و تفریط و ولخرجی ابراز نمیشود-** عقل معاش و اقتصادی بودن را در خانه تمرین کنید. خیلی از بتها گرمی داشته شده و پرستیده شده اند. بتهای خود را کنار بگذارید. خوشی های خودپسندانه را رها کنید. خانه های خود را با چیزهای نامتعارف و غیر ضروری تزئین نکنید زیرا که این پول متعلق به خداست. برای خاطر مسیح پول خدا را برای خشنود کردن فرزندان خود صرف چیزهای ترفنی و بیهوده نکنید. به آنان یاد ندهید تا برای هم رنگ جماعت شدن بدنیاال سلیقه و تظاهر و خودنمایی باشند... به فرزندان خود آموزش ندهید تا فکر کنند که محبت شما باید برای غرور و چیزهای عجیب و غریب و تظاهر و خودنمایی ابراز شود. اکنون فرصتی باقی نمانده تا برای بکار بردن پول راههایی را ابداع کنیم. استعداد و قریحه مبتکرانه شما باید طوری بسط داده شود تا اقتصاد و درست خرج کردن را رعایت کنید.

**درس مسیح در مورد اقتصاد-** حکایت اطعام پنج هزار نفر در آن زمان برای زمانی که شرایط اقتصادی حادی وجود دارد قابل اعمال است. مسیح با معجزه و سیر نمودن جمعیت گرسنه مراقب بود تا غذای باقیمانده حرام نشود. او به حواریون خود فرمود خرده های نان را جمع آوری کنید که هیچ چیزی تلف نشود. گرچه مرجع و سرچشمه آسمانی تحت اختیار او بود ولی تحمل نمیکرد که حتی یک تکه نان حرام شود.

**هیچ چیز مفیدی را دور نیندازید-** هیچ چیزی که بتوان از آن استفاده کرد را نباید دور انداخت. این امر نیاز به حکمت و توجه دائمی دارد. ناتوانی برای ذخیره در چیزهای کوچک دلیلی است که چرا تعداد بسیاری از خانواده ها بخاطر کمبود ضروریات زندگی رنج میبرند.



**هرگز نیاموختند تا مقتصد و صرفه جو باشند-** باید برای خدا کارهای زیادی انجام دهیم. مردانی که پستهای عالی را اشغال کرده اند در ارتباط با کار خدا شکست خورده اند زیرا هرگز نیاموختند که اقتصادی و صرفه جو باشند. آنان وقتی که مشغول بکار شدند مخارج خود را با درآمد تعدیل نکردند و عادت ولخرجی آنان باعث خسران در زندگیشان گردید.

**چگونه کاربرد درست پول را تعلیم دهیم-** هر کودک و نوجوان نه تنها باید حل مشکلات فکری را یاد بگیرد بلکه حسابهای خرج و دخل را نیز باید نگاه دارد. او باید استفاده درست از پول را یاد بگیرد. او باید یاد بگیرد تا پولی را که خودش بدست آورده و یا از والدین گرفته را در انتخاب و خرید لباس یا کتاب و ضروریات دیگر با حسابگری خرج کند و راه استفاده از پول را بیاموزد.

**ارزش نگاهداری از حسابها-** کودکان وقتی که خیلی کوچک هستند باید خواندن و نوشتن و درک ارقام و اعداد و نگاهداشتن حسابهای خودشان را یاد بگیرند. آنان ممکن است در فراگیری این دانش قدم به قدم پیش بروند. بگذارید کودکان نگاه داشتن حساب را یاد بگیرند. این کار به آنها کمک خواهد نمود تا دقیق باشند. پسر ولخرج به مرد ولخرج تبدیل خواهد شد. دختر خودبین و خود خواه نیز تبدیل به چنین زنی خواهد شد. ما باید بیاد داشته باشیم که جوانانی وجود دارند که ما باید جوابگوی نیاز آنان باشیم. چنانچه فرزندان را به عادات صحیح پرورش دهیم از طریق آنان قادر خواهیم بود تا بر روی دیگران تاثیر مثبت بگذاریم.



## بخش ۷

### رشد ویژگیهای مسیحی

#### فصل بیست و پنجم

#### سادگی

**سادگی طبیعی را آموزش دهید-** کوچکترها باید در سادگی کودکانه پرورش یابند. آنان باید یاد بگیرند که از وظایف ساده و سودمند و لذات و تجربیات طبیعی زندگی راضی و خشنود باشند. کودکی مانند برگ ظریف حکایت است و برگ ظریف زیبایی خاص بخود را دارد. کودکان نباید به بلوغ پیش از موعد وادار شوند ولی تا آنجا که ممکن است باید نشاط و ظرافت شباب را حفظ کنند. هر چه زندگی کودک ساده و بی تکلف باشد از هیجانهای مصنوعی در امان بوده و با طبیعتی موزون و متعادل توان جسمی و عقلی و روحانی مطلوبتری خواهد داشت. والدین با الگوی خویش باید مشوق شکل گیری عادات سادگی و بی آلاچی باشند و فرزندان خود را از یک زندگی مصنوعی به یک زندگی طبیعی رهنمون سازند.

**کودکان بی تکلف و ساده دلپسند هستند-** کودکانی جذاب و دلپسند هستند که طبیعی و بی آلاچی باشند. با تعریف کردن از ظاهر و گفتار و حرکات آنها نباید مشوق غرور بیجا در آنها بشویم. و همچنین نباید لباسهای گران قیمت به آنها پوشاند تا رفتار خودنمایی از آنها سرزنند. این کار باعث غرور و افاده در آنان شده و حسادت را در دلهای همنشینان آنها بیدار میکند. به فرزندان خود بیاموزید که زینت واقعی به ظاهر نیست. اول پطرس ۳: ۴ میگوید: برای زیبایی به آرایش ظاهری نظیر جواهرات و لباسهای زیبا و آرایش گیسوان توسل نجوئید بلکه بگذارید باطن و سیرت شما زیبا باشد. باطن خود را با زیبایی پایدار یعنی با روحیه آرام و ملایم زینت دهید که مورد پسند خداست.



**راز دلربایی حقیقی-** دختران باید فرا گیرند که دلربایی حقیقی زنانه تنها زیبایی شکل و شمایل نیست بلکه در فروتنی و روح ملایم و آرام و شکیبایی است - در خیرخواهی و مهربانی و تمایل برای انجام کار و رنج کشیدن برای دیگران است. آنان باید یاد بگیرند تا کار کنند- برای هدفی تحصیل کنند - زندگی کنند- برای مقصودی توکل به خدا کنند و از او بترسند و والدین خود را احترام بگذارند. سپس به مرور بیشتر رشد و ترقی خواهند نمود - اتکاء بنفس خواهند داشت - و محبوب تر خواهند گردید. و چنین زنی غیر ممکن خواهد بود که تنزل کرده و منحط گردد. او از وسوسه ها و کارهایی که بسیاری را به تباهی کشانده است خواهد گریخت.

**بذرهای غرور و خیره سری و بطالت-** در بسیاری از خانواده ها بذرهای پوچی و بطالت در زمان طفولیت در قلبهای کودکان کاشته میشود. موذی گری ها و زیرکی های کوچک آنان در حضورشان و در مقابل دیگران با اغراق و گزافه گوئی تکرار گردیده است. بچه ها به این چیزها دقت میکنند و باد غرور در سر می اندازند و با خودستایی وسط حرف دیگران میدوند و خود را جلو انداخته و گستاخی میکنند. تملق و لطف بیش از حد غرور و بطالت و خودسری را پرورش میدهد تا جائیکه این بچه های کوچک بر خانواده خود که شامل پدر و مادر میشود حکومت میکنند.

خلق و خوی شکل گرفته با این نوع تربیت را نمیتوان بکناری گذاشت خصوصا هنگامی که کودک رشد کرده و به بلوغ برسد. خلق و خوی نامناسب با کودک رشد مینماید و حيله گری ممکن است در کودک پدیدار گشته و هنگامی که رشد کرد به زن و مردی تبهکار تبدیل میشود. کودکان در پی تسلط بر وابستگان خود هستند و هر گونه امتناع به تسلیم در برابر خواسته هایشان برایشان بعنوان توهین و آزرده گری تلقی میشود. برغم اینکه به آنان یاد داده شود که مواضع بوده تا در سختی های زندگی بتوانند مقاومت کنند متأسفانه در نوجوانی لوس و نتر بار آمده اند.

**تحسین پروری نکنید-** کودکان به تقدیر، همدردی و تشویق نیاز دارند ولی باید دقت داشت که نباید آنانرا با ستایشگری پرورش داد... اولیا و معلمینی که کمال مطلوب در شخصیت و احتمال نائل شدن به آن را در مد نظر دارند نه غرور و خود پسندی را ارج میدهند و نه آنها تشویق میکنند. معلم میل یا تلاش برای به نمایش گذاشتن توانایی و زبردستی را در جوانان ترغیب



نخواهد نمود. کسی که به جای خود به خدا نگاه میکند متواضع خواهد بود و با اینحال دارای شان و وقاری خواهد شد که با چیزهایی که مردم در باره او میگویند تحت تاثیر قرار نخواهد گرفت. او به تعریف و تمجید مردم نیازی نخواهد داشت بلکه بدنبال تواضع و فروتنی خواهد بود.

**سادگی در غذا و لباس را تشویق کنید-** والدین وظیفه مقدسی برای اجرای تعلیم فرزندان خود دارند تا بار مسئولیت خانه را بدوش گیرند از غذای ساده راضی باشند و مرتب بوده و لباسهای مناسبی بپوشند که گران قیمت نباشد. مادران و پدران باید درک کنند که در مقابل خدا جوابگو هستند. با تربیت مناسب آنان اجتماع را تغییر خواهند داد. فرزندان نباید با ستایش و نازپروری لوس و بد اخلاق بار بیایند یا اینکه با نوع لباس پوشیدن مغرور شوند.

**بی آلاچی و توکل به خدا را تعلیم دهید-** ما باید به فرزندان خود درسهایی از سادگی و اعتماد به خدا را تعلیم دهیم. باید به آنان دوست داشتن و ترس و مطیع بودن در برابر پروردگار را آموزش دهیم. در تمامی برنامه ها و اهداف زندگی، جلال خدا باید در وحله نخست قرار گیرد و محبت او باید انگیزه اصلی و یا عامل اصلی هر فعالیتی باشد.

**مسیح بعنوان الگوی ما-** عیسی، منجی ما، با شکوه و مقام پادشاهی به این زمین قدم نهاد با اینحال او قلبی متواضع و فروتن داشت. او نور و برکت برای هر خانه ای بود زیرا خوشرویی و امید و شجاعت را با خود به هر جا میبرد. ما میتوانیم با چیزهای کمتر قانع باشیم - چیزهایی که بدست آوردن آنها سخت است - تنها بدنبال فروتنی و روح آرام باشید که خدا آنها فراتر از جواهرات و هر چیز ارزش مینهد. نعمت چیزهای ساده و متواضعانه و مهر و محبت واقعی در خانواده است که خانه را به بهشت تبدیل میکند. بهتر است تا در خانه حتی با چیزهای کوچک خوش و قانع بوده تا اینکه اصلاً آرامش و رضامندی نداشته باشیم.



## فصل بیست و ششم

### ادب و نزاکت

**ادب و متانت از خانه شروع میشود** - والدین! فرزندان خود را طوری تربیت کنید که در خانه آداب را رعایت کنند. به آنان تعلیم دهید تا نسبت به یکدیگر با ملامت و مهربانی رفتار کنند. اجازه ندهید تا خودپسندی در قلبهایشان و در خانه تان جایی پیدا کند. جوانی که در گفتار و رفتار بی دقت و بی ادب رشد کند تربیت خانوادگی خود را آشکار میکند. والدین اهمیت مراقبت و نظارت را درک نکرده اند و محصولی را برداشت میکنند که خود آن را کاشته اند.

**انتشار اصول آسمانی** - اصول آسمانی باید به قلمرو خانه آورده شود. هر کودکی باید فرا گیرد تا مودب - با احساس و دلسوز - با محبت و ملامت رفتار کند. شما اعضای خانواده ملوکانه خدا هستید. اعضای خانواده ملوکانه با آداب و نزاکت ملوکانه در خانه رفتار خواهند نمود. هر عضوی از خانواده در پی این خواهد بود تا اعضای دیگر خانواده را خشنود و راضی نگهدارد.

**آموزش توأم با قاعده اخلاقی و الگوی خوب** - فرزندان و همچنین بزرگترها در معرض وسوسه ها هستند و اعضای مسن تر خانواده باید برای آنان بعنوان اصول اخلاقی و الگو بوده و درسی از ادب و نزاکت و خوشرویی و دلسوزی و وفاداری نسبت به انجام وظایف روزمره باشند.

**به بازنشستگان احترام بگذارید** - خداوند با حساسیت و بطور ویژه ای سفارش نموده تا به آنانی که بسوی کهنسالی پیش میروند حرمت گذاشته شود. او در امثال سلیمان ۳۱:۱۶ میگوید: "عمر طولانی هدیه ای است که به نیکان داده میشود و موی سفید تاج زیبایی آنهاست". این داستانی از نبردها و پیروزیهاست - از تحمل سختیها و وسوسه هایی که در برابر آن ایستادگی شده است. سخن در باره پاهای خسته ای است که بسوی استراحت پیش میروند و مکانهایی که بزودی خالی از تصدی میشوند. به کودکان کمک کنید تا در این باره فکر کنند و آنان راه مسن ترها را با مهربانی و احترام صافتر میکنند و برای زندگی جوان خود زیبایی و فیض الهی را به ارمغان می آورند و به این فرمان توجه میکنند که میگوید: "جلوی پای ریش



سفیدان بلند شوید به پیرمردان احترام بگذارید و از من بترسید زیرا من خداوند خدای شما هستم!"

**مدارا و شکسته نفسی را تعلیم دهید-** تکبر، خودبینی و گستاخی مشخصه های فرزندان امروزی هستند و آنان برای این دوره زمانه لعنت بارمغان آورده اند ... مقدس ترین درس های شکسته نفسی و فروتنی و افتادگی باید در خانه و در مدرسه سبت به فرزندان آموخته شود. آیا به این سخنانی که گفته شد توجه کرده و برای راهنمایی و هدایت دیگران آنها بکار میبرید؟ بگذارید نوجوانان این هشدار را دریافت کنند. به آنان بگوئید که در سخنانشان بیش از حد پیش نروند بلکه معتدل و کناره گیر باشند. بگذارید تا در شنیدن چیزهایی که به منفعت جان آنان است گوش فرا گیرند و در سخن گفتن آرام باشند مگر اینکه برای اعتلای نام عیسی و برای شهادت دادن به حقیقت باشد. فروتنی اندیشه را با اعتدال در سلوک و رفتار نشان دهید.

**حفاظی برای پاکدامنی-** گوهر گرانبها و پرارزش فروتنی و اعتدال را گرمی بدارید... این حفاظی است برای پاکدامنی... حس میکنم که بر آن شده ام تا بواسطه روح خدا به خواهرانم اصرار کنم که ادعای دینداربودن را دارند بگویم که فروتنی و اعتدال در اخلاق و رفتار را رعایت و محتاط باشند تا حد و اندازه را نگاه دارند... آیا خواهران جوان آداب و نزاکت را مراعات میکنند؟ والدین بهتر است تا اهمیت تربیت صحیح فرزندان خود را احساس کنند. به فرزندانمان آموزش بدهید تا اعتدال را رعایت و محافظه کار باشند.

**برازندگی های حقیقی -** فرزند برازنده معتدل و مطیع است - با دقت به سخنان هدایت کننده گوش فرا دهید، تا با پاهای راغب و دستهای کوشا انجام وظیفه کنید. و فرزند نیکوکار حتی در این حیات اجر خود را خواهد یافت.

## فصل بیست و هفتم

### خوشی و سپاس

**فضایی دلنشین در خانه-** فراتر از هر چیز والدین باید برای فرزندان خود فضایی را با خوشرویی - نزاکت و محبت ایجاد کنند. خانه ای که محبت در آن ساکن است، خانه ای که محبت در





نگاه و گفتار و کردار هویداست و خانه ای که فرشتگان از آشکار نمودن حضور خود از آن محظوظ هستند.

والدین بگذارید تا نور محبت و خوشی و قناعت وارد قلبهایتان شود و بگذارید تا رایحه خوش و مطبوع آن در خانه هایتان پخش شود. روح گذشت و مهربانی را آشکار کنید و همین روحیه را در فرزندان تشویق کنید و تمامی فیوضاتی را که خانه هایتان را منور خواهد ساخت پرورش دهید. فضایی که بدینگونه بوجود آمده برای فرزندان، مانند هوا و نور برای گیاهان جهان خواهد بود، که سلامتی و نیروی ذهن و جسم را ترقی خواهد داد.

**سیمایی خوشرو و بشاش داشته باشید-** در مذهب عیسی غمگساری نیست. گرچه باید از سبکسری و بذله گوئی بطور جد پرهیز کرد ولی باید همچون عیسی سیمایی دلپذیر در چهره تجلی یابد. مسیحیان نباید غمگین و افسرده و نومید باشند. آنان باید هشیار بوده با اینحال به دیگران خوشرویی و شادابی را نشان بدهند که تنها بواسطه فیض ارزانی شده است.

فرزندان مجذوب رفتار و روی خوش هستند. به آنان مهربانی و نزاکت را نشان دهید و آنان متقابلاً روح مشابه را به شما و یکدیگر آشکار خواهند نمود. به آنها خوشی و سپاسگزاری و قدردان بودن نسبت به محبت عظیمی که خدا بما روا داشته است را تعلیم دهید ... خوشروئی مسیحانه زیبایی قدوسانه ای است.

**با کلام خوش و پسنیده سخن بگویید -** کلام خوش و مطبوع پر ارزش تر از گفتاری با کج خلقی و ترشرویی است. آیا دوست دارید تا با شما با کلامی تند و خشن صحبت شود؟ بیاد داشته باشید که وقتی شما این گونه صحبت میکنید دیگران حس میکنند که گزیده میشوند... والدین باید خدایی بودن را در خانه تمرین کنند. فرشتگان به خانه ای جلب نمیشوند که ناسازگاری و نزاع در آن حکمفرماست. به کودکان خود یاد دهید تا با کلامی صحبت کنند که ازدهان آنان بجای آتش و تفرقه، دوستی و محبت بیرون بیاید.

**ذهنی شاداب ایجاد کنید-** کسی که دائماً "سپاسگزار است آن فرد یک مسیحی واقعی است. کسانی که در این زندگی پرمشقت از شادی لذت میبرند، در واقع پیروان وفادار عیسی مسیح هستند. این وظیفه فرزندان خداست تا بشاش و شاداب باشند. آنان باید شادی را در محیط خود



تشویق کنند. کسانی که دایما در غمگساری و زیر ابره‌های تیره و تار زندگی میکنند نمیتوانند خدا را جلال دهند. آنان باید چهره‌ای بشاش داشته باشند. کودکان از غمگینی و دلتنگی نفرت دارند. قلبهای آنان به خوشرویی و شادمانی و محبت واکنش نشان میدهد.

**لبخند بزیندا والدین لبخند بزیند-** برخی از والدین و بعضی معلمان بنظر میرسند که فراموش کرده‌اند که خود آنان زمانی کودک بوده‌اند. آنان رفتاری موقرانه و جدی و سرد داشته و شفقت از خود نشان نمیدهند... آنان به قیافه‌ای جدی و نکوهش کننده عادت کرده‌اند. معلمان خوشی کودکانه یا خودسری، زنده دلی و بیقراری نوجوانی را بنظر نمیینند. شیطنت کودکانه و ناچیز در نظر معلمان کوهی از گناه بشمار می‌آید. این نوع سختگیری و انضباط مسیحانه نیست. کودکان بدینگونه آموخته میشوند تا از والدین و معلمانشان ترس داشته باشند ولی آنان را دوست نداشته باشند. آنان تجربیات کودکی خود را بیاد نمی‌آورند. بعضی از بارزترین ارزشهای ذهنی و قلبی رو بسردی گراییده و میمیرد قبل از اینکه این گیاه ظریف شکوفا گردد.

والدین لبخند بزیند. معلمان لبخند بزیند. اگر دل شما غمگین است نگذارید که صورت شما آنرا آشکار کند. بگذارید تا نور محبت و قلب شکرگزار سیمای شما را روشن کند. از خشکی به انعطاف پذیری متبدل شوید و خود را با نیاز کودکان وفق دهید و کاری کنید تا شما را دوست داشته باشند. اگر میخواهید ظاهر کننده حقیقت دین بر قلبهای آنان باشید باید بر احساسات آنان پیروز شوید.

**دعای مناسب-** کار خود را با سرودهای شکرگزاری دلنشین کنید. اگر میخواهید در دفتر آسمانی سابقه‌ای خوب داشته باشید بدحرفی و ترشرویی نکنید. بگذارید تا دعای روزانه شما این بشود که: پروردگارا مرا بیاموز تا کارم را بهتر انجام دهم. به من انرژی و خوش خلقی عنایت بفرما... در تمامی کارهایی که میکنید مسیح را بیاد بیاورید. سپس زندگی شما با روشنی و شکرگزاری پر خواهد شد... بگذارید تا به بهترین نحو کارمان را انجام دهیم و با خوش خلقی برای خدمت به خدا به پیش برویم تا دلهایمان سرشار از مسرت و خوشی گردد.

**به کودکان یاد بدهید تا سپاسگزار باشند-** بخاطر هر خیریتی که پروردگار به شما ارزانی داشته است خوشحال و مسرور باشید. شکرگزاری و ستایش باید برای خدا ابراز شود، بخاطر برکات و هر گونه آسایش و راحتی که بما ارزانی داشته است. خداوند میخواهد تا هر خانواده‌ای که او



آنان را برای سکونت در قصرهای آسمانی آماده میکند، او را برای گنجینه های گرانبهای فیض جلال داده و تکریم نمایند. اگر کودکان در خانه تعلیم داده شوند تا نسبت به خدای بخشنده که همه چیزهای خوب و خیر را ارزانی داشته شکرگزار باشند آنگاه عامل فیض آسمانی را در خانواده خواهیم دید. خوشی در خانه دیده خواهد شد و جوانان از آن خانه ها روح احترام و تکریم با خودشان به کلاسهای درسی و به کلیسا خواهند آورد. در جایگاه مقدس عبادت حضوری وجود خواهد داشت و آن ملاقات خدا با امت خویش خواهد بود و حرمتی برای نیایش و شکرگزاری او برقرار خواهد گردید بخاطر تمامی عطایایی که او مقدر نموده است.

اگر کلام خدا به همان صراحت و صلابتی که قوم اسرائیل را هدایت مینمود در نظر گرفته شود آنگاه پدران و مادران میتوانند الگویی برای فرزندانمان باشند که دارای بالاترین ارزشها است... هر برکت دنیوی با سپاسگزاری دریافت میگردید و هر برکت روحانی پر ارزش تر در نظر گرفته میشود زیرا ذهن هر عضوی از خانه با کلام حقیقت تطهیر و تقدیس گردیده بود. عیسی به آنانیکه قدردان عطایای فیض بخش او هستند بسیار نزدیک است زیرا او را منبع و خاستگاه همه خیریات و مراقبتها و محبتها میدانند و او را بعنوان سرچشمه فیض عظیم رفاه و آسایش پایان ناپذیر میدانند.

## فصل بیست و هشتم

### صداقت

**والدین الگوهی صداقت باشند-** والدین و معلمین باید نسبت به خدا صادق باشند. زندگی شما باید خالی از کردار گمراه کننده باشد. هیچ گونه دورویی و مکرری بر لبانتان نباشد. هرچند ناگوار باشد ولی طریقه‌ایتان، گفتار و کردارتان در منظر خدای مقدس باید درست باشد. تاثیر اولین درس با فریبکاری هولناک است. آیا هر کسی که ادعای فرزندی خدا را دارد باید خود را بدستهای اعمال فریبکارانه و دروغ بسپارد؟

نگذارید فرزندانمان بهانه بیاورند و بگویند مادر حقیقت را نمیگوید - پدر حقیقت را نمیگوید. وقتی در آسمان برای داوری می ایستید آیا دفتر اعمالتان میگوید فریبکاری؟ آیا اولاد شما باید با الگوهایی که باید آنان را براه راست هدایت کند گمراه شوند؟ در عوض این آیا نباید قدرت



متحول کننده خدا وارد قلبهای پدران و مادران گردد؟ آیا نباید به روح مقدس خدا اجازه داده شود تا نشان و اثر خود را بر فرزندان نشان بگذارد.

رویهمرفته نمیتوان انتظار داشت که فرزندان بی تزویر و صادق باشند. ولی خطری وجود دارد که مدیریت غیر خردمندانه والدین و نیز صداقت و راستگویی را در کودک از بین خواهند برد. اولیاء باید با تمام توان، گفتار و کردار خود را با سادگی توأم با بی ریایی حفظ کنند. هنگامی که کودکان با سپری شدن سالها رشد میکنند والدین نباید از فرزندان خود غافل شده و نسبت به آنان بی توجه باشند زیرا ممکن است بذره‌های فریب و ناراستی در قلب و ذهن آنان کاشته شده و رشد کند و با عادات خدعه آمیز و ناراستی بزرگ شوند.

**هرگز دو پهلو حرف نزنید و زبان بازی نکنید-** والدین باید الگوهای راستی و صداقت باشند برای اینکه درسهای روزانه بر قلبهای کودک تاثیر خواهند گذاشت. اصول بدون انحراف باید در تمامی امور زندگی بر والدین حکمرانی کند خصوصا در تعلیم و تربیت فرزندان. فرزند صالح را میتوان با کردار خالص و درست او شناخت.

مادر بی بصیرت و نا آگاه که رهنمودهای پروردگار را متابعت نکند ممکن است فرزندان را با حيله گری و تزویر بار بیاورد.

مقبول داشتن چنین ویژگی و خصیصه ای ممکن است دوام یابد و دروغ گفتن مانند آب خوردن آسان شود. در اینصورت تظاهر جای خلوص و واقعیت را میگیرد. والدین هرگز دوپهلو حرف نزنید. هرگز سخنی ناراست و خلاف حقیقت نگوئید و الگو و اسوه اخلاقی باشید. اگر میخواهید فرزندان صادق باشد باید ابتدا خودتان صادق باشید. راستگو و بی تزویر باشید. حتی مقدار جزیی از ناراستی نباید مجاز شود. زیر مادرانی که به دو پهلو حرف زدن و ناراستی عادت کرده باشند برای کودک خود نمونه ای بارز شده و الگوی او را متابعت میکنند.

**ناراستی با کلام تند و خشن تقویت میشود-** وقتی از فرزندان خطایی سر زد نسبت به او ناشکیبا نباشید. وقتی که آنان را اصلاح میکنید تند و خشن نباشید. خشونت ذهن آنان را مغشوش میکند و آنان از ترس دروغ خواهند گفت زیرا از عکس العمل تند و خشن واهمه خواهند داشت.



## فصل بیست و نهم

### راستی و درستکاری

**صداقت باید تعلیم داده شده و اعمال گردد-** از واجبات است که مادر صداقت و درستکاری را در زندگی خود اعمال نماید و باید دختران نوجوان و همچنین پسران را طوری تربیت نمود تا ناراستی و ریاکاری از آنان سر نزنند.

**استاندارد و معیار خدا -** خدا میخواهد که مردان وی بطور جدی تحت بیرق او و در خدمت او بوده و صادق و امانت دار باشند. آنان باید خصلتی غیر قابل سرزنش داشته و زبان آنان ناراستی را بیان نکنند. دهان باید راستگو بوده و چشمان باید صادق باشند و کردار باید بطور تمام و کمال بگونه ای باشند که خداوند فرمان داده است. ما در محضر خدای مقدس زندگی میکنیم کسیکه بطوری جدی اعلام داشته که "کردار آنان را میدانم". چشمان الهی همیشه بر ما دوخته شده است. ما نمیتوانیم یک عمل ناصالح و ناصحیح را از خدا پنهان کنیم. حقیقت این است که خدا شاهد اعمال ماست ولی تعداد کمی این موضوع مهم را درک میکنند. آنانیکه وابستگی خود را نسبت به خدا درک میکنند احساس میکنند که باید با همنوع خود صادق باشند و فراتر از هر چیز آنان باید با خدا صادق باشند زیرا که تمامی برکات زندگی از اوست. گریز از فرمانهای قطعی خداوند در رابطه با عشر "یکدهی" و هدایا در دفتر آسمانی بعنوان دستبرد از او ثبت میشود.

میزان و اندازه درستکاری- یک مرد درستکار بر اساس پیمانۀ مسیح کسی است که راستی و درستکاری را بی کم و کاستی آشکار کند. پیمانۀ های فریبکارانه و ترازوهای غلط از نظر خدا کربۀ و زشت است. کمال و راستی مانند طلا در میان زباله های جهان میدرخشد. فریب، سخن کذب و بد عهدی ممکن است جلوه ظاهری داشته باشد و از دید انسان پنهان شود اما از دید خدا پنهان نخواهد بود. فرشتگان خدا که رشد شخصیت را مبینند و این معاملات کوچک که خصلت را آشکار میکند را در دفاتر آسمانی وزن و ثبت مینمایند.

**با زمان و پول درستکار باشید-** انسانهایی که عدالت را حس میکنند نمیگذارند تا لحظه ای از زمان به بطلت و نادرستی سپری گردد. انسانهایی که درک نموده اند که دارایی و مایملک



آنان متعلق به خداست نخواهند گذاشت تا حتی یک ریال بناحق و بطور ناشایست برفع خودشان مصرف شود - انسانهایی هستند که عادل و صالح هستند همانگونه که در ایمان و در کار خود دقیق میباشند و در عدم حضور کارفرمای خود همانگونه اند که گویی حضور دارد - آنان با ایمان خود ثابت میکنند که انسانهای خوشگذران نبوده و آقا بالاسر نمیخواهند تا مراقب آنان باشد. بلکه افرادی با وجدان و قابل اعتماد و کاری و درستکار هستند که تعریف و تمجید انسان را نمیطلبند زیرا آنان حس التزام و تعهد به خدا را برگزیده اند.

**دوست دارید تا دیگران نسبت به شما چه فکر کنند-** در هر معامله تجاری یک مسیحی انتظار دارد که برادران دیگر نسبت به او خوش فکر باشند. روشهای کار او با اصول هدایت گردیده است. او برنامه چینی نمیکند بنابراین چیزی برای پنهان کردن ندارد. ممکن است که از او انتقاد شود - او ممکن است امتحان شود - ولی کمال و بی عیبی او مانند طلا میدرخشد. او برکتی است برای تمامی آنانی که به او وابسته اند و کلام او امین و موثق است. او فردی است که از همسایه خود سوء استفاده نخواهد کرد. او یک دوست مفید برای همگان است و همونعان وی به توصیه او اعتماد دارند... یک انسان درستکار هرگز از ضعیفان و ناتوانان سوء استفاده نخواهد کرد تا کیسه خود را پر کند.

**نگذارید تا صلابت درستکاری منحرف شود-** در هر معامله تجاری درستکار باشید. هرچند وسوسه کننده باشد هرگز در باره موضوعات کم ارزش خدعه نکنید و یا دروغ نگوئید. در زمانهایی ممکن است که یک انگیزه ناخودآگاه وسوسه آمیز بوده تا ما را از مسیر درستکاری منحرف سازد ولی از اصول حتی یک ذره کوتاه نیابید. اگر در هر موردی اظهار کردید که چه انجام خواهید داد و پس از آن مشخص شود که با لطف به دیگران ضرر کرده اید از اصول حتی یک ذره خارج نشوید و پیمان و قرارداد را ادامه بدهید و بر عهد و قرار خود پابرجا بمانید. تغییر در برنامه هایتان نشان خواهد داد که کسی نیستید که بتوان به او اعتماد کرد و روی او حساب کرد. و اگر در معاملات کوچک جا بزنیید در معاملات بزرگ هم جا خواهید زد. تحت این قبیل شرایط برخی وسوسه شده اند و با نیرنگ میگویند که ما نفهمیدیم. و میگویند که ما منظور دیگری داشتیم. واقعیت این است که منظور آنان همان است که گفته اند ولی انگیزه خود را از دست داده اند و از قرارداد و توافق خود جا زده اند. پروردگار از ما میخواهد تا با انصاف بوده و عدالت و حقیقت و رحم و شفقت را دوست داشته باشیم.



**در رعایت اصول صریح باشید-** در تمامی جزئیات زندگی اصول راستی و درستکاری باید بطور اکید رعایت گردد. انحراف از انصاف در تجارت ممکن است در نظر ما ظاهراً کوچک و جزئی تلقی شود اما منجی ما به آن توجه دارد. کلام او در این باره آشکار و روشن است. "کسیکه در چیزهای کوچک وفادار است در چیزهای بزرگ هم وفادار است". فردی که در مقیاس کوچک نسبت به همسایه پای خود را فراتر میگذارد وقتی وسوسه شود در مقیاس بزرگتر هم پای خود را فراتر خواهد گذارد. فریبکاری در موضوعات کوچک در نظر خدا ناراستی است. درستکاری باید در هر فعالیتی از زندگی ما نقش ببندد. فرشتگان آسمانی کاری را که بعهده ما سپرده شده است را می آزمایند و جایی که از اصول حقیقت انحرافی وجود داشته باشد بعنوان نقص در دفتر اعمال ثبت میشود.

## فصل سی ام

### خود اتکایی و حس عزت و احترام

**به هر فرزندی بخود متکی بودن را یاد بدهید-** تا آنجا که ممکن است هر کودکی باید یاد بگیرد تا بخود متکی باشد. با عمل کردن به استعدادهای گوناگون او خواهد آموخت که نقطه قوت او در کجاست و در کجا نا کارآمد است. یک مربی خردمند برای رشد خصوصیات ضعیف کودک توجه ویژه ای خواهد داشت تا شخصیت او را متعادل و موزون بسازد.

**راحت طلبی بیش از حد باعث ضعف میشود-** اگر والدین در حالیکه زنده هستند به کودکان خود کمی کمک کنند بهتر خواهد بود تا در زمان مرگ مشکلات فرزندانشان انباشته شود. فرزندان که خانه را ترک کرده و اختیار عمل یافته و بر زانوهای خود تکیه میکنند بهتر از زنان و مردانی خواهند شد که همواره به دارایی پدر و مادر خود وابسته اند. فرزندان که خانه را ترک کرده و به کار خود متکی هستند معمولاً اجر توانایی های خود را خواهند برد و فرصتهای خود را مغتنم شمرده و استعدادهای خود را برای شکوفایی یک زندگی هدفدار بکار خواهند برد. آنان خصلتهای حرفه ای و صرفه جویی و ارزشهای اخلاقی را پرورش میدهند که زیر اساس شالوده موفقیت در زندگی مسیحی است. فرزندان لوس و بی عار که والدین آنان بیشترین کارها را برایشان انجام میدهند اکثراً "کمتر خود را نسبت به والدین متعهد مینیند.



**موانع باعث رشد و توانایی میشوند-** این موانع هستند که انسان را توانمند میسازند. این کمک

نیست بلکه مشکلات است، ستیزه‌هاست و سدهاست که تار و پود اخلاقی انسان را میبافد. راحتی بیش از حد و رد مسئولیت کسانی را که بایستی انسانهایی با روحیه و عضلات قوی باشند را ضعیف و ناتوان میسازد. از همان سالهای اولیه ضروری است تا اصول شخصیت با بنیه قوی در جوانان رشد یابد که جوانان به بالاترین استاندارد مردانگی و زنانگی نائل آیند. آنان باید همیشه در نظر داشته باشند که با قیمتی خریداری شده اند و باید با جسم و روح خود خداوند را جلال دهند. جوانان باید بطور جدی در نظر بگیرند که چه چیزی هدف و زندگی‌شان خواهد بود و بر اساس آن زندگی خود را پی ریزی نمایند. اگر میخواهند در موقعیتی قرار بگیرند که بر روی دیگران تاثیر بگذارند باید بخود متکی باشند.

**کودکان را طوری بار بیاورید تا با شجاعت با مشکلات روبرو شوند-** فراتر از انضباط در خانه و

مدرسه همگی مجبورند تا با انضباط سخت زندگی روبرو شوند. چگونگی روبرو شدن با این مشکلات با خردمندی درسی است که باید برای هر کودک و نوجوان واضح و آشکار باشد. این درست است که خدا ما را دوست دارد و او برای خوشی ما کار میکند ولی اگر احکام او همیشه رعایت میشد ما هرگز رنج و مصیبت را نمیدانستیم و در این جهان، در اثر گناه است که رنج و مشکلات و مصایب به زندگی می آید. ما میتوانیم برای کودکان و نوجوانان خود در طول عمر کار خوب کرده و آنان را تعلیم دهیم تا بتوانند با شجاعت از پس این مشکلات و مصائب بر آیند. در حالیکه به آنان همفکری می کنیم هرگز نباید چنین باشد که دلسوزی و دایگی تلقی شود. آنچه که نیاز دارند باید محرک و مقوی کننده باشد و نه اینکه موجب تضعیف آنان گردد. آنان باید بیاموزند که این جهان میدان نمایش و خودنمایی نیست بلکه یک میدان نبرد است. همگی فراخوانده شده اند تا با سختی همانند یک سرباز دوام بیاورند و مانند یک مرد قوی شوند. آزمون واقعی شخصیت در تحمل سختیهاست و انجام کارهایی است که باید تمام شود گرچه ممکن است تایید نشود و اجری نیابد.

**حس عزت و افتخار را تقویت کنید-** مربی حکیم و خردمند که با دانش آموزان خود سر و کار

دارد در پی استحکام اعتماد بنفس و تقویت حس عزت و احترام است. کودکان و نوجوانان از اینکه به آنان اعتماد بشود بهره میبرند. خیلی از افراد حتی بچه های کوچک در باره عزت و احترام حس بزرگی دارند و همگی خواهان این هستند که با آنان با حرمت رفتار شود و این حق آنان است. نباید با آنان طوری رفتار شود که حس کنند که در رفت و آمدهایشان به





مراقب نیازی ندارند. سوء ظن و تردید روحیه را تضعیف میکند. طوری با جوانان رفتار کنید که حس کنند که به آنان اعتماد میشود و تعداد کمی وجود دارند که در پی اثبات اعتماد سازی نباشند.

## بخش ۸

### بزرگترین وظیفه: رشد شخصیت

#### فصل سی و یکم

#### اهمیت شخصیت و منش

دنیا ببریم- شخصیتی که مطابق با الگوی الهی تشکیل شده است تنها خزانه ای است که میتوانیم با خود از این دنیای فانی به جهان سرمدی ببریم. کسانی که تحت هدایت مسیح هستند در این جهان هر محصول الهی را با خودشان به قصرهای آسمانی خواهند برد. و در ملکوت بطور پیوسته پیشرفت حاصل خواهیم نمود. پس باید دانست که چقدر رشد شخصیت در این زندگی مهم است.

شخصیت واقعی گوهر جان است- قابلیت عقل و هوش در واقع ماهیت شخصیت و ذات نیستند. زیرا خیلی از افراد منش خوبی نداشته ولی با هوش و ذکاوت هستند. شهرت و خوشنامی شخصیت نیست. شخصیت واقعی و درست، جوهره و ذات جان است که در سلوک و رفتار آشکار میشود. شخصیت خوب با ارزش تر از طلا و نقره است. درستکاری - ثبات عزم و پشتکار خصوصیات هستند که همگی باید به جد در پی رشد و شکوفایی آن بود. و بواسطه این خصوصیات، فرد قدرتی خواهد یافت که کسی یارای در هم شکستن آن نیست - قدرتی



که او را نیرومند میسازد تا کار های نیک و خیر انجام دهد و نیرومند باشد تا در برابر شریر مقاومت کند و توان تحمل مصایب و سختیها را داشته باشد.

**دو عنصر ضروری** - قدرت شخصیت شامل دو چیز است - قدرت اراده و قدرت خویشتنداری یا همان کنترل نفس. بسیاری از جوانان به اشتباه قدرت داشتن را احساسات کنترل نشده برای استحکام شخصیت میدانند ولی حقیقت این است که آن فردی که در احساسات به استادی رسیده مرد ضعیفی است. بزرگی واقعی و نجابت مرد با مقاومت او برای مقهور ساختن احساسات خویش اندازه گیری میشود نه با قدرت احساساتی که بر او حاکم میشود. قوی ترین انسان کسی است که در حالیکه نسبت به بد رفتاری حساس است با اینحال بر احساسات خود چیره میشود و دشمنان خود را میبخشد.

**ضروری تر از تظاهر و خودنمایی** - اگر زیبایی باطن و رفتار و سلوک دلپسند به همان اهمیت تقلید از مد های دنیایی از لباس و ظاهرپسندی در نظر گرفته میشد باید شاهد میشدیم که صد ها نفر در صحنه زندگی نظاره گر افرادی لایق میشدند که تقلید و عمل به خصوصیات والای آنها جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهد.

**حاصل یک عمر** - شکل گرفتن شخصیت حاصل یک عمر از زندگی است و این برای ابدیت است. اگر همه این موضوع را درک میکردند که این ما انسانها هستیم که باید برای عاقبت بخیری و یا خسران در آخرت تصمیم بگیریم و اگر ذهنمان نسبت به این تصمیم مهم بیدار و هشیار شود تغییرات شگرفی در همین زندگی دنیایی صورت خواهد پذیرفت. آنگاه این دوره آزمون در زندگی متفاوت میبود و شخصیتهای متفاوتی این جهان را پر می کرد.

**رشد و ترقی** - رویش و جوانه زنی بذر معرف آغاز زندگی روحانی است و رشد گیاه شکلی از رشد شخصیت است. زندگی بدون رشد وجود نخواهد داشت. گیاه یا باید رشد کند یا اینکه بمیرد. همانطور که رشد بی سر و صدا و غیر قابل مشاهده و محسوس است ولی ادامه دار است همانند رشد شخصیت. در هر صحنه از رشد زندگی ما ممکن است کامل باشد با اینحال هدف خدا برای ما کامل شده است و رشد و ترقی دایمی وجود خواهد داشت.



**رشد شخصیت محصول زندگی است -** شخصیت محصول زندگی است که تعیین کننده سرنوشت در این دنیا و جهان آخرت میباشد. خرمن از بذر کاشته حاصل میشود. هر دانه ای محصول خاص خود را تولید میکند. ضرب المثل فارسی میگوید گندم از گندم بروید جو ز جو. پس این خصوصیات همان ذاتی است که بر آن ارج مینهیم. خود خواهی - عشق بخود - تکیه به خود - افراط و تفریط - خود بخود تولید و تکثیر میشوند و عدم کنترل به تباهی خواهد انجامید. غلاطیان ۸:۶: اگر هر کس تخم هوی و هوس خود را بکارد فساد و نابودی روح خود را درو خواهد کرد اما اگر بذر اعمال نیک روحانی را بکارد از روح خدا حیات جاودان را درو خواهد کرد. محبت همدردی و مهربانی ثمر میدهد میوه برکات محصولی که غیر قابل فساد است.

**بزرگترین گواه مسیحیت -** اگر مادران کودکانی را با بی عیبی در شخصیت با اصول و مرام استوار و معنویات اخلاقی به جامعه تحویل دهند آنان مهمترین خدمت را در حق جامعه ایفا کرده اند. فرزندان باید تحصیل کنند تا جایی را در جامعه اشغال کنند و بزرگترین گواه از مسیحیت باشند که میتوانند به جهان هدیه داده شود.

**تاثیر و نفوذ فرزندی که بطور شایسته تعلیم یافته است -** هیچ کاری بزرگتر از شکل دادن شخصیت نیست. کودکان نه تنها باید تعلیم داده شوند بلکه باید کار آزموده شوند. چه کسی میتواند آینده یک کودک یا نوجوان را پیشگویی کند؟ بگذارید تا بزرگترین توجه برای فرهنگ پذیری کودکانمان معطوف گردد. کودکی که بطور شایسته در اصول حقیقت تادیب شده باشد محبت و ترس از خدا را دارد که در ذات او گره خورده است. این فرد چنان قدرت نیکوکاری نسبت به جهان خواهد داشت که نمیتوان آن را برآورد کرد.

## فصل سی و دوم

### شخصیت چگونه شکل میگیرد

**شخصیت با پشتکار و تلاش خستگی ناپذیر بدست آمده است -** شخصیت با شانس بوجود نمی آید. و با یکبار طغیان خشم و یک پله حرکت در مسیر اشتباه تعیین نمیشود. این تکرار اعمال و رفتار است که تبدیل به عادت میشود و شخصیت را خواه برای نیکی خواه برای شر قالب ریزی



میکند. شخصیت درست میتواند با استقامت و تلاشهای خستگی ناپذیر شکل پذیرد. با استعدادهای خدادادی و به امانت سپرده شده میتوان شخصیت را بهبود داد و خداوند را جلال داد. برغم انجام چنین کاری بسیاری از افراد بخودشان اجازه میدهند تا موج شرایط پیرامونی و احساسات آنها را به هر سویی ببرد. این مشکل بخاطر این نیست که آنان فاقد چیزهای خوب نیستند بلکه بخاطر این است که آنان درک نمیکند که در جوانی خدا از آنها میخواهد تا به بهترین نحو عمل کنند. اولین وظیفه ما نسبت به خدا و هموعانمان رشد درونی و باطنی است. هر استعدادی که خالق بما عطا نموده است باید در بالاترین درجه کمال پرورش یابد تا قادر شویم تا حد ممکن و در حد مقدراتمان نیکی کنیم. بخاطر اینکه بتوانیم شخصیت‌هایمان را خالص و پالایش کنیم به فیض مسیح نیازمندیم که ما را قادر خواهد ساخت تا نقص‌هایمان را دیده و آنرا اصلاح کنیم تا در شخصیت متعالی شویم.

**پرورش قدرتهای خدادادی-** در یک بعد وسیع هر کس معمار شخصیت خود میباشد. هر روزه ساختار وجودی بیشتر به دستیابی برای کمال نزدیک میشود. کلام خدا ذکر نموده است که به چگونگی آفریده شدنمان توجه کنیم تا مشاهده کنیم که ساختمان وجودیمان بر روی صخره ابدی بنا شده است. زمانی فرا خواهد رسید تا کار ما همان گونه که هست خود را آشکار کند. اکنون زمانی است برای همه که توانایی‌هایی را که خدا به آنان داده است را برای شکل دهی شخصیت هم برای این دنیا و هم برای جهان آخرت پرورش دهند. ایمان به مسیح بعنوان منجی شخصی به شخصیت استحکام و قوت مبخشد. آنانی که به مسیح ایمان راستین دارند هوشیار خواهند بود و بیاد خواهند داشت که چشمان خدا بر آنان نظاره میکند. او که داور همه انسانهاست و ارزشهای اخلاقی را میسنجد. مراقبین آسمانی شاهد خواهند بود که به چه طریقی شخصیت ما رشد نموده است.

**شخصیت با هر عملی تحت تاثیر قرار میگیرد-** هر عملی در زندگی هر قدر ناچیز باشد در شکل پذیری شخصیت تاثیر خواهد گذارد. یک شخصیت خوب، ارزشمندترین و شریفترین دارایی‌های دنیایی است که انسان بتواند در شکل دهی آن دخیل باشد.

شخصیتهایی متضاد که تحت تاثیر شرایط محیطی شکل گرفته اند تغییر پذیر و ناموزون هستند. چنین شخصیتهایی اهداف عالی در زندگی ندارند. این افراد تاثیر بسزایی بر زندگی دیگران نیز ندارند. آنان بی هدف و ناتوان هستند.



**شخصیت خوب با پیروی از الگوی خدا کامل میشود-** خدا از ما انتظار دارد تا شخصیتی را بنا کنیم که مطابق با الگویی باشد که برای ما ارائه شده است. ما باید مانند دیوار چینی که آجرها یک به یک بر روی هم چیده میشوند فیض بر روی فیض اضافه کنیم و نقاط ضعف خود را یافته و آنها را مطابق با رهنمودهایی که بما داده شده است اصلاح کنیم. وقتی در دیوار یک عمارت ترک دیده شود دلالت بر این خواهد داشت که مشکلی در ساختمان وجود دارد. در حین ساختن شخصیت اغلب ترکهایی دیده میشوند. اگر این نقصها یا ترکهای کوچک برطرف نشوند وقتی که توفان سختیها به آن برخورد کند آنگاه عمارت فرو خواهد ریخت.

خدا بما توانایی و قدرت تعقل و استدلال و زمان اعطا نموده است تا اینکه شخصیتها بر اساس آنچه که او نشان تایید گذارده بنا کنیم. خداوند مشتاق است که هر یک از فرزندان او با پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک شخصیتی شریف بنا کنند که شخصیتی متقارن با مسیح باشد - معبدی<sup>17</sup> زیبا که هم مورد احترام و تکریم انسان و همچنین برای خدا معزز باشد.

ما باید شخصیت خود را بر بنیاد مسیح بنا کنیم. او شالوده ای استوار و قابل اعتماد است - شالوده ای که هیچ وقت تغییر ننموده و بر صخره ابدی محکم شده است. توفانی ترین و سوسه ها و مصایب نخواهد نتوانست بنایی که به صخره ابدی متصل است را حرکت دهد. کسیکه برای خدا ساختمان خود را زیبایی بنا میکند باید هر گونه استعداد خود را نیز پرورش دهد. تنها استفاده درست و مناسب از استعدادهاست که میتواند شخصیت را بطور متوازن و هماهنگ بنا کند. پس ما معرف شالوده ای هستیم که در کلام بعنوان طلا و نقره و سنگهای قیمتی از آن یاد شده است مواد و مصالحی که در بوته تخلیص خدا مقاوم خواهند بود. در بنای شخصیت مسیح بعنوان الگوی حقیقی ماست.

**در برابر وسوسه باید مقاومت کرد-** زندگی دانیال تصویری الهامی از شکل گیری یک شخصیت تقدیس شده است. این درسی برای همه مخصوصا برای جوانان است. اجابت محض از خواسته های خدا برای سلامت جسم و ذهن سودمند است.

والدین دانیال او را در کودکی به عادت‌های سخت پرهیزگاری و اعتدال تعلیم دادند. آنان دانیال را طوری تربیت کردند که قوانین طبیعت را بی چون و چرا مراعات کند که نوع خوردن و نوشیدن او تاثیر مستقیمی بر جسم و ذهن و اخلاق طبیعی او داشت. خداوند بخاطر تواناییهایش



بر روی او حساب می کرد. زیرا او تواناییها و استعداد های خود را بعنوان هدیه ای از طرف خدا میدانست که نباید به هر طریقی آنرا تحقیر یا ناکارآمد نماید. در اثر این تعلیمات احکام خدا در فکر وی متعالی گردید و آنان را در قلب خود تکریم نمود. در خلال سالهای اسارت، دانیال از یک آزمون سخت عبور میکرد که او را با آداب ملوکانه- با تظاهر و دورویی- و با الحاد آشنا میساخت. مدرسه ای عجیب که در واقع او را برای یک زندگی متین و حرفه ای و وفای به عهد آماده ساخت! با اینحال او با فضای اهریمنی که او را احاطه کرده بود به فساد نگرایید. دانیال و همراهان او از بهره تعلیم و آموزش صحیح در اوان زندگی محظوظ شدند ولی این امتیازات به تنهایی آنان را اینگونه که بودند نساخته بود. وقت آن فرا رسید که آنان بایستی به اختیار خود عمل میکردند- زمانی که آینده آنان بستگی به شیوه و روش آنان داشت. سپس آنان مصمم شدند تا به درسهایی که در کودکی به آنان داده شده بود به درستی عمل کنند. ترس از خدا که آغاز حکمت است شالوده ای برای بزرگی آنان بود. روح خدا هر نیت و هدف حقیقی را پابرجا و مستحکم نموده و هر عزمی را شریف و معزز نمود.

**هدف باید والامرته باشد-** اگر جوانان امروز بخواهند همانطور که دانیال استوار ایستاد محکم بایستند پس باید تارهای عصبی و عضله های روحانی را بکار برده و آنها را تقویت نمایند. خدا از آنان نمیخواهد که همیشه مبتدی باقی بمانند. او میخواهد که به بالاترین پلکان ترقی در مسیح دست یابند که همان ملکوت خداوند میباشد. اگر جوانان بدرستی برای موضوع مهم بنای شخصیت ارزش واقع شوند ضرورت دارد تا کردارشان توسط خدا مورد آزمون و بررسی قرار گیرد. افتاده ترین و ضعیفترین افراد با تلاش بی شائبه در برابر وسوسه ها مقاومت نموده و در پی کسب حکمت از آسمانها بر می آیند تا به مقام رفیعی دست یابند که در حال حاضر غیرممکن بنظر میرسد. نیل به این مقام بدون عزمی راسخ ممکن نیست و باید در انجام و تکمیل وظایف کوچک به عهد خود وفا کنیم. برای انجام این امر نیاز است که بطور دایم هشیار باشیم تا صفات نادرست تقویت نشوند. جوان باید قدرت معنوی کسب کند برای اینکه عیسی به این جهان آمد تا بتواند الگوی ما باشد و به جوانان در هر سنینی که هستند امداد الهی عطا نماید.

**به مشاوره و اندرز باید توجه شود-** آنانیکه در رفتار و عادات و کردار دارای کمبود شخصیت هستند باید مشاوره و اندرز بگیرند. این جهان کارگاه خداست و هر سنگی که بتواند در معبد آسمانی بکار برده شود باید کنده کاری و صیقل داده شود تا اینکه سنگی قیمتی شده و برای



ساختمان خدا متناسب گردد. اما اگر از کارآموزی - تربیت و انضباط سرباز زنیمانند سنگهایی خواهیم بود که تراشیده و صیقل داده نشده اند و بکناری انداخته شده و بلا استفاده خواهند بود. ممکن است لازم باشد تا برای بنای شخصیت کارهایی انجام شود زیرا که ما سنگهای سخت و خشنی هستیم که باید بریده شده و صیقل داده شویم - قبل از اینکه در معبد الهی بکار برده شویم. اگر با چکش و قلم خدا گوشه های تیز شخصیت شما بریده شوند نباید متحیر شوید زیرا باید برای قرار گرفتن در مکانی که او برای شما در نظر گرفته است آماده شوید. هیچ بشری نمیتواند این کار را کامل کند. تنها بواسطه خدا این کار امکان پذیر است. و مطمئن باشید که او هیچ چیزی را بلا استفاده خلق نکرده است. هر چه که او آفریده با محبت آفریده و شادی ابدی را برای ما خواهان است. او ضعف های ما را میداند و میخواهد تا احیا گردیم نه اینکه نابود شویم.

## فصل سی و سوم

### مسئولیت پدر و مادر در شکل گیری شخصیت

**ماموریت الهی به والدین** - خداوند اولیا را موظف نموده تا الگوهای الهی شخصیتها و منشهای فرزندان خود را شکل دهند. والدین با فیض خدا میتوانند این وظیفه را به انجام رسانند ولی این کار مستلزم صبر، تلاش فراوان، و عزمی راسخ است تا بتوان فرزندان را راهنمایی نموده و احساسات آنان را مهار نمود. یک زمین رها شده چیزی جز بته و خار ببار نمی آورد. آن کسیکه از محصول برای استفاده به نیکوئی مراقبت بعمل می آورد ابتدا باید خاک را آماده کند و بذر را بکارد و علفهای هرز را در آورده و زمین را خیش بزند و آنگاه نهال های ارزشمند شکوفا خواهند شد و اجر او را برای مراقبت و کار وی خواهند داد. بنای شخصیت مهم ترین کاری است که به بشر به امانت سپرده شده است و اهمیت مطالعه آن هرگز مانند امروز نبوده است. نسلهای قبل هرگز برای رویارویی با این موضوعات خطیر فراخوانده نشده بودند. قبلا مردان و زنان جوان اینگونه با چنین مخاطراتی بزرگ مانند مسایل امروز مواجه نمیشدند. در اینجا والدین وظیفه دارند تا برای رشد شخصیت فرزندان خود با فرامین خدا هماهنگی لازم را بعمل بیاورند. این کار باید بر هر چیز دیگری اولویت داشته باشد زیرا که مصلحت ازلی در اینجا در



میان است. بنای شخصیت فرزندان شما مهم تر از کشت و زرع در مزارع است - واجب تر از بنای ساختمانی است که قصد سکونت در آن را دارید و با اهمیت تر از هر نوع کار و تجارتي است.

**خانه بهترین مکان برای بنای شخصیت است** - مدرسه کلیسا و کالج به اندازه خانه توانایی و استطاعت ایجاد فرصتهایی برای پی ریزی و شکل گیری بنای شخصیت کودک را ندارد.

**شخصیتهای نادرست بایستی درست شوند** - آنانیکه شخصیتهای نادرست خود را در این زندگی اصلاح نمیکند هیچ سهمی در حیات غیر فانی آینده نخواهند داشت. بسیار مهم است تا جوان در راه راست قدم بگذارد. والدین به بخش مهمی از این موضوع عمل میکنند. تعلیم فرزندان برای خدا مسئولیتی الهی است که بر عهده آنان گذارده شده است. آنان باید به شکل گیری شخصیت جگرگوشه هایشان کمک کنند تا بتوانند به ملکوت اعلی نائل گردند.

**والدین در اینجا کورکورانه عمل نکنید** - والدین برای رضای خاطر مسیح در کار مهم خود دچار سهو و اشتباه نشوید که آن کار خطیر قالب ریزی شخصیت های فرزندان برای زمان حال و برای حیات ابدی است. اشتباه شما در قصور از آموزش متعهدانه یا افراط در نازپروری، چشمان شما را نسبت به مشاهده عیوب آنان کور خواهد کرد و باعث خواهد شد تا نتوانید به نحو مقتضی آنان را مهار نمایید و این غفلت موجب تباهی آنان خواهد شد. شما ممکن است درس اشتباهی به آنان بدهید که راه اشتباهی را برای زندگی آینده آنان در پیش روی قرار دهد. شما تعیین خواهید کرد که آنان در آینده چگونه فردی باشند و چه کاری برای مسیح و انسانها و خودشان انجام دهند. با کودکان خود با صداقت و متعهدانه رفتار کنید. با شجاعت و شکیبایی کار کنید. از هیچ سدی نهراسید. وقتی را برای کار هدر ندهید و از زحمت و سختی نهراسید. آینده فرزندانان گویای خصوصیات کار شما خواهد بود. سهم شما این است که نسبت به مسیح وفادار باشید و وفاداری الگویی برای فرزندانان خواهد شد تا خود را با آن قرین و شبیه بسازند و این شیوه از همه شیوه های دیگر بهتر و صریح تر است. کودکان به مسیح تعلق دارند زیرا که با خون وی خریداری شده اند. اگر از مسیح متأثر گردیده باشند با او همکار خواهند بود تا دیگران را برای یافتن مسیر درست زندگی هدایت کنند. اگر از کاری که خدا بشما محول نموده غفلت ورزید آموزه نابخردانه تربیتی و انضباطی شما آنان را در زمره افرادی قرار خواهد داد که از مسیح انشقاق ورزیده اند و به بیراهگی و انحطاط سوق داده میشوند.





**خانه مرتب ولی بچه های بی تربیت -** مادری را دیده ام که چشمان باریک بینش هر چیز ناهماهنگ را در خانه رصد میکند و بطور خاصی در تمیز بودن خانه دقیق و تا سر حد مرگ نسبت به امور خانه حساس است در حالیکه فرزندان خود را در خیابان گردی و ولگردی آزاد و رها گذاشته تا از خیابان درس و تربیت یاد بگیرند. این فرزندان بی ادب و پرخاشگر، خودخواه و نامطمع بار می آیند. مادر خانه با اینکه برای کمک دستیاری اجیر کرده چنان درگیر امور خانه است که زمان کافی را برای تربیت فرزندان خود ندارد. او به فرزندان خود اجازه میدهد تا با نقص در شخصیت، بی انضباطی و بی مبالاتی بزرگ شوند. میتوان احساس کرد که خوش طبعی و خوش سلیقگی مادر در جهت درست بکار گرفته نشده است. او لزوم قالب گیری ذهنی و رفتاری فرزندان خود را ندیده تا آنان را طوری تربیت کند که شخصیتی متعادل و طبعی دلپذیر داشته باشند.

مادر در عوض توجه بیش از حد به امور خانه باید به تربیت اخلاقی و ذهنی و جسمی فرزندان خود در حله نخست بپردازد. کسانی که مسئولیت مادر بودن را متقبل شده اند باید متعهدانه ترین الزام خود نسبت به خدا را در تربیت فرزندان خود احساس کنند که بموجب آن فرزندان خلق و خویی دلپذیر و خونگرم داشته و بالتبیینه مملو از اخلاقیات شده و طبعی خالص و شخصیتی محبوب داشته باشند.

**تنها بواسطه روح خدا -** آیا میتوانیم زندگی خود را به سبک و سیاقی شکل دهیم که شایسته ورود به جلال خدا شویم؟ نخواهیم توانست. ما در هر لحظه محتاج روح خدا هستیم که ما و فرزندانمان را اداره کند. اگر والدین حالتی متفاوت را در خانواده ببینند باید کاملاً به خدا تمرکز و تفعل کنند و خداوند راهها و وسایلی را تدبیر خواهد نمود که بموجب آن تحولی در خانه صورت خواهد پذیرفت.

**وظیفه خدا و وظیفه شما -** ای والدین مسیحی، استدعا میشود که از خواب غفلت برخیزید... اگر از وظیفه خود غفلت ورزیده و از مسئولیت خود شانه خالی کنید و توقع داشته باشید که خدا تکلیف شما را انجام دهد باید بدانید که مایوس خواهید شد. وقتی متعهدانه کار خود را انجام دهید فرزندان خود را نزد عیسی بیاورید و با ایمانی پرشور و ثابت قدم برای آنان شفاعت کنید. خداوند دست یاری بشما خواهد داد و در تلاشهایتان با شما همکاری نموده و در قوت او ظفر خواهید یافت...



وقتی والدین علاقه خود را همانند خدا عیان نمایند خداوند دعای آنان را خواهد شنید و در تلاشهایشان به آنان کمک خواهد نمود ولی خداوند کاری را که بعهدہ والدین سپرده شده است را انجام نخواهد داد.

**خالق ازلی شما کمک خواهد نمود -** مادران بخاطر داشته باشید که در کارتان خالق جهان به شما مدد خواهد رساند. با قوت خدا و بواسطه نام مقدسش میتوانید فرزندان خود را هدایت کنید تا پیروز شوند. به آنان یاد بدهید تا چشم به قوت خدا داشته باشند. به آنان بگوئید که او دعاهای آنان را میشنود. به آنان بیاموزید تا با نیکویی و خیریت بر شر و اهریمن فایق آیند. به آنان تعلیم بدهید تا اثری را اعمال کنند که سرفراز کننده و شرافتمندانه است. آنها را هدایت کنید تا با خدا متحد شوند و از اینرو قوت خواهند داشت تا در برابر نیرومندترین وسوسه‌ها استقامت کنند. آنگاه آنان اجر ظفر خواهند یافت. ناجی دلسوز شما با محبت و دلسوزی به شما مینگرد و آماده است تا دعای شما را شنیده و در طول عمر به شما دست یاری بدهد. محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خویششناری عناصر و ویژگیهای یک مسیحی است. این فیوضات گرانها میوه‌های روح هستند. اینها تاج و سپر مسیحی هستند.

**کلامی تشویق کننده به کسانی که اشتباه کرده اند -** آنانیکه فرزندان خود را بطریقی ناشایست و نامناسب تربیت کرده اند نباید نومید شوند. آنان را تشویق کنید که بسوی خدا بازگردند و در پی روح حقیقی اطاعت باشند و آنان برای اصلاح توانایی خواهند داشت. در انطباق با رسوم خود برای رعایت اصول مقدس و احکام خدا شما بر فرزندانان تاثیر خواهید گذارد.

**برخی فرزندان از اعتنا به توصیه‌های والدین سرباز میزنند -** والدین هر کاری که از دستشان بر آید برای راهنمایی و آموزش فرزندان خود میکنند تا دل‌های خود را به خدا بسپارند با اینحال فرزندان از قدم گذاردن در مسیر ثواب طفره میروند و با حرکت در مسیر ناثواب اثر نایمن و نامطلوبی را بر والدین خود میگذارند - والدینی که آنان را دوست دارند و قلبهایشان مشتاق رستگاری فرزندانان است.

این شیطان است که فرزندان را وسوسه میکند تا براه گناه و نافرمانی بروند... اگر از راه رفتن در مسیر نور و ثواب سرباز زنند - اگر خود را تسلیم اراده و راه خدا نکنند و با سرسختی در



متابعت از مسیر گناه مداومت کنند آنگاه در روز داوری امتیازات و نور هدایت بر ضد آنان شهادت خواهند داد زیرا آنان در مسیر نور هدایت گامی برنداشتند و بجای رفتند که نمیدانستند. شیطان آنان را هدایت میکند و آنان در جهان عامل خطر خواهند بود. مردم خواهند گفت به آن کودکان نگاه کنید! والدین آنان خیلی مذهبی هستند اما فرزندانشان از بچه های من بدترند و من نمیخواهم تا یک مسیحی خوانده شوم. بدین طریق فرزندان که آموزه های خوبی دریافت نموده اند ولی با اینحال به توصیه و تادیب والدین خود بی اعتنائی نموده و آنان را بی احترامی میکنند موجب خوار شدن و خجلت در برابر دنیای بی دین و خدانشناس میشوند. آنان با اعمال شریrane خود مذهب عیسی مسیح را نیز خوار و خفیف میکنند.

**والدین این کار شمامست-** والدین باید بدانند که موظفند تا شکیبایی و پایداری و محبت واقعی را در فرزندان خود رشد دهند. با درست رفتاری با فرزندان خدا به آنان کمک میکنید تا خصوصیتی متعادل و خالص را پایه ریزی کنند. شما در اذهان آنان اصولی را لقا میکنید که روزی خانواده آنان از آن متابعت خواهند نمود. اثر تلاشهای درست هدایت شده طوری دیده خواهد شد گویی که آنان در خانه خود و در مسیر خدا آنرا مدیریت میکنند.

## فصل سی و چهارم

### راههایی که شخصیت را تباه میکند

**والدین ممکن است بذر تباهی بکارند -** والدین به اشتباه به فرزندان خود درسهایی میدهند که مطمئنا آنان را به تباهی خواهد کشانید و نیز در جلوی پاهای خود خار میکارند... بدیهی است که شادی آینده فرزندان در دستان والدین آنهاست. کار مهم شکل دهی شخصیت این فرزندان بعهد آنان است. تعلیمات داده شده در کودکی در سراسر عمر با آنان خواهد بود. والدین بذرهایی را میکارند که میوه های خوب یا بد بعمل خواهد آورد. آنان پسران و دختران خود را شایسته شادی و یا بدبختی میکنند.

**نازپروری یا مقررات سخت -** بچه ها اغلب در طفولیت نازپرورده میشوند و خلق و خو های اشتباه در آنان قرار میگردد. والدین نهالها را خم میکنند. با روشهای تربیتی خصوصیات رشد میکنند. یا بدشکل و بد قواره میشود و یا اینکه زیبا و آراسته میگردد. ولی در حالیکه بسیاری از



والدین با نازپروری اشیاء میکنند در جهت مخالف برخی نیز با فرزندان خود با مقررات سفت و سخت رفتار میکنند. هیچیک از اینها با آموزه های کتاب مقدس تطابق ندارد ولی هر دو کار وحشتناکی را انجام میدهند. آنان اذهان فرزندان خود را قالب گیری میکنند و باید در روز داوری بخاطر این رفتار به خدا حساب پس بدهند. روز معاد نتیجه کارهای این زندگی را فاش خواهد ساخت.

**قصور در تربیت برای خدا-** والدین با قصور در تربیت فرزندانشان برای رهروی از خدا و آنچه را که فرمان داده است از وظیفه مجدانه خود مسامحه میکنند.

**برخی از فرزندان رها شده اند تا هر کاری که دلشان خواست بکنند -** دیگران مورد انتقاد قرار گرفته و دلسرد میشوند. ولی کمی خوشزبانی و دلگرمی و سخنان تایید آمیز به آنان داده شده است. چنانچه مادران تنها خردمندانه عمل میکردند و با آرامش و عزم راسخ بتربیت کردن پرداخته و خواهشهای نفسانی فرزندان خود را مقهور میساختند چه مقدار گناه در نطفه خفه میشد و چه گروه زیادی از افراد در کلیسا نجات داده میشدند. خیلی از جانها بطور همیشگی از دست خواهند رفت. این بخاطر اهمالی است که والدین بطور مناسب و مقتضی فرزندان خود را تادیب و تربیت نکرده اند تا در جوانی و شباب مطیع اولیای خود باشند. خطاهای جزئی و طغیانهای کوچک باعث میشود که هزاران جان بتباهی کشیده شوند و نباید هیچ خطایی را جزئی پنداشت. حال چگونه والدین بخاطر این غفلت دهشتناک از وظایف خود پاسخگوی خدا خواهند شد؟

**سهل انگاری در به هدر دادن زمان منجر به گناه میشود-** کودکان بیش از پیش به مراقبت و راهنمایی نیازمندند زیرا که شیطان در صدد کنترل ذهن و دل آنان است تا روح خدا را از آنان دور کند. وضعیت نگران کننده جوانان در این سن دلالت دارد بر اینکه ما در روزهای آخر بسر میریم ولی تباهی بسیاری از افراد مستقیماً به مدیریت اشتباه والدین اشاره میکند.

خداوند سهل انگاری در هدر دادن وقت که منجر به گناه و تبهکاری میشود را محکوم میکند. و بی تفاوتی و لاقیدی را که حضور مصیبت بارش در خانواده های مسیحی دیر تشخیص داده میشود را مذموم و منکوب میدارد.



**فقدان تقید -** از آنجا که والدین بطور مقتضی فرزندان خود را کنترل و هدایت نمیکنند هزاران نفر با شخصیت‌های ناقص و بدشکل بار می آیند که اهمال کار بوده و در انجام وظایف عملی زندگی دانش کافی ندارند. آنان رها شده اند تا با انگیزه های هیجانی خود و وقت و تواناییهای ذهنی خود هر چه میخواهند بکنند. از دست رفتن هدف خدا در این استعدادهای تلف شده متوجه پدران و مادران است و در کوتاهی خود چه عذر و بهانه ای را در پیشگاه خدا خواهند آورد؟ زیرا که آنان مباشرینی<sup>18</sup> هستند که وظیفه الهی به آنان سپرده شده تا جانها را تحت امر و تصدی خود با تمام توان اصلاح نموده تا خالق جلال یابد.

والدین میبندارند که فرزندان خویش را دوست میدارند ولی ثابت کرده اند که بدترین دشمنان آنان هستند. آنان بی بند و باری را آزاد گذاشته و اجازه داده اند تا شرارت افسار گسیخته شود. آنان به فرزندان خود اجازه داده اند تا فرزندانشان گناه را گرامی بشمارند مانند این که یک افعی را نوازش کنند که نه تنها قربانی خود را که نوازششان نموده نیش میزند بلکه همه کسانی را نیز که به او وابستگی دارند را نیز به سم خود مبتلا خواهد ساخت.

**چشم پوشی کردن از خطاهای مشهود خطاست -** والدین برغم اتحاد و همراهی با کسانی که متحمل زحمت شده تا استاندارد اخلاقی و معنوی را ارتقا دهند - تا با قلبها و جانها با خداترسی کار کنند - و اشتباهات فرزندان خود را اصلاح کنند - بسیاری از والدین وجدان خود را آسوده کرده و میگویند: فرزندان من بدتر از دیگران نیستند. آنان در پی پنهان کردن اشتباهات فاحشی هستند که خداوند از آنها بیزار است مبادا که فرزندانشان رنجیده خاطر شده و کاری را انجام دهند که نباید بکنند (شاید کلیسا را ترک کنند). اگر روح طغیان و تمرد در قلبهایشان وجود دارد بهتر این است که همین الان رام و مقهور شود زیرا ممکن است با نازپروری این تمرد سرکش شده و توانمند شود. چنانچه والدین وظایف خود را بخوبی انجام دهند وضعیت و شرایط متفاوتی را شاهد خواهیم بود. بسیاری از این والدین از خداوند روی گردانیده اند. آنان از او حکمت طلب نمیکنند تا خدعه شیطان را درک نموده و از بدام افتادن اجتناب ورزند.

**نوازش و نازپروری کودکان -** والدین خیلی اوقات کودکان خویش را ناز و نوازش میکنند زیرا بنظر با این روش بهتر میتوانند آنان را اداره کنند. این کار راحت تری است که به آنان اجازه داده شود تا براه خود بروند تا اینکه طبیعت یاغی آنان را کنترل و پاسداری کرد. با اینحال این



روش و خط سیری ضعیف است. بنابراین کار بدی است که از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد زیرا زمانی فرا خواهد رسید که این کودکان که طبیعت آنان کنترل و بررسی نشده مطلقاً به فسق و فجور کشیده شده و خفت و رسوایی را برای خود و خانواده خود می آورند. آنان بدون آمادگی وارد وسوسه های زندگی شده و بحد کافی نیرومند نیستند تا بر رنج و پیچیدگیهای روزگار فائق آیند - با هیجانات احساسی، غرور کاذب و بدون انتظام و تادیب در پی منحرف کردن دیگران بسوی خواسته خود میباشند و با درماندگی چنین میپندارند که دنیا از آنان سوء استفاده نموده و از آن روی بر میگردانند.

**کاشتن بذر های غرور -** هر کجا که میرویم مشاهده میکنیم که کودکان ناز و نوازش شده و نابخردانه مورد ستایش قرار میگیرند. این کار باعث میشود تا مغرور، گستاخ و خودپسند بشوند. این بذرهای غرور براحتی توسط والدین و سرپرستان بی احتیاط در قلبهای بشر کاشته میشوند و نوجوانانی را که تحت حمایت آنان هستند را بدون فکر به آینده ستوده و لوس میکنند. خود رایی و غرور شرارتهایی هستند که فرشتگان را به اهریمن تبدیل نمودند و دروازه های آسمان بروی آنان بسته شد. و با این وجود والدین ناخودآگاهانه مرتباً فرزندان خود را تعلیم میدهند تا نمایندگان شیطان بشوند.

**اسیر نوجوانان شدن -** چه تعداد از والدین گرانبار و زحمتکش اسیر و بنده نوجوانان خود میشوند در حالیکه در هماهنگی با آموزش و تربیت فرزندان برای تفریح و سرگرمی زندگی میکنند و خود را تجلیل میکنند. والدین بذری را در قلبهای فرزندانشان میکارند که نسبت به محصول بار آورده آن بی توجه هستند. تحت چنین تربیتی است که در سنین ده سالگی دوازده سالگی یا شانزده سالگی بچه ها خود را خیلی عاقل میپندارند. فرض کنید که آنان نابغه باشند و خود را در کل چنین میپندارند که نیازی ندارند تا تحت استیلائی والدین خود باشند و چنان خود را متعالی فرض میکنند که نباید نسبت به انجام وظایف روزانه زندگی سر فرود آورند. عشق به عیش و تفریح اذهان آنان را تحت کنترل خود در می آورد و خود پسندی و غرور و تمرد نتایج تلخی را در زندگی آنان بعمل می آورد.

**همدردی و محبت نادرست -** عطوفت والدین باید در جهتی بکار گرفته شود تا فرزندانشان از فرامین مقدس خدا پیروی کنند. والدین اگر با نازپروری فرزندان خود را هدایت کنند از خدا



نافرمانی کرده اند و از آموزه و تربیتی که خدا حکم نموده مضایقه نموده اند. وقتی والدین به احکام خدا بی توجهی کنند جانهای خود و فرزندانشان را بمخاطره انداخته اند.

**شفقت و محبت نادرست ضعف بیار می آورد** - تصور غلط مبنی بر اینکه ناز و نوازش و محدود نکردن حکیمانه است سیستم تربیتی را شکل میدهد که فرشتگان را اندوهگین میسازد ولی در مقابل شیطان از آن محظوظ میگردد زیرا صد ها و هزاران نوجوان و نونهال را تحت بیرق و سلطه خود در می آورد. و بدین خاطر است که چرا چشمان والدین را از این امر مهم نابینا کرده حساسیتهای آنان را از بین برده و اذهان آنان را مغشوش میکند. آنان ملاحظه میکنند که پسران و دخترانشان دوست داشتنی و خوش مشرب و مطیع و غمخوار نیستند با این وجود فرزندان در خانه هایشان جمع میشوند و زندگی آنان را مسموم کرده قلبهای آنان را محزون و به تعداد کسانی که شیطان آنان را برای بدام انداختن استفاده میکند اضافه میشوند.

**قصور در خواسته های احکام** - چنانچه فرزندان ناسپاس خوراک و پوشاک داشته و به آنان اجازه داده شود تا بدون تادیب براه خود بروند آنان تشویق خواهند شد تا به راه شرارت ادامه دهند. و تا آنجاییکه والدین یا سرپرستان بچه ها را مورد لطف و تفقد خود قرار داده و از آنان نخواهند تا فرمانبردار باشند آنگاه شریک کردار نابخردانه فرزندان خویش خواهند شد. این قبیل بچه ها با رفتار بد خود و راه ناثوابی که در پیش گرفته اند همانگونه که در خانه مسیحی باقی مانده اند دیگران را نیز مسموم رفتار بد خود میکنند. هر فرد مسیحی باید استوار بایستد و شرارت و اعمال شیطانی فرزندان متمرّد و ناخلف را محکوم و مذموم کند. با جوان بدکار نباید مانند افراد مهربان و مطیع رفتار شود بلکه باید مثل برهم زندگان آرامش و تباه کنندگان معاشرت رفتار شود.

**روا داشتن فرزندان به پیروی از افکار خود** - تاثیر غالب در اجتماع این است که طرفدار مجاز شمردن جوانان برای پیروی از امیال طبیعی باشند، آنگونه که جوان در ذهن خویش میپرواند. والدین می اندیشند که ارضای امیال و خواسته های فرزندان و رها کردن آنان به پیروی از طبیعت ذاتی نشان دادن محبت است. چا اشتباه فاحشی! زیرا که فرزندان نازپروده لجام گسیخته شده و در تمایلات خویش سرکش و خودخواه و باجگیر و غیر قابل تحمل رشد کرده و لعنتی برای خود و اطرافیان خواهند شد.



**مجاز شمردن رفتار اشتباه -** دروس و تربیت کودکی چه خوب و چه بد بیهوده و عبث نبوده اند. صفات رفتاری برای خیر و شر در جوانی رشد می یابد. در خانه ممکن است ستایش و تمجید های غلط به فرزندان روا داشته شود ولی در بیرون از خانه و در اجتماع هر رفتاری بر اساس شایستگیهای خود تمجید و تجلیل میگردد. نازپرورده شدگان که خانه در اقتدار آنان است هر روزه تحت انقیاد و سرسپردگی نسبت ب دیگران خواهند بود. و بسیاری با دروس عملی زندگی کار آموخته میگردند. آنان اغلب بواسطه پذیرفته نشدن ها- نومیدها - و زبان رک و صریح مافوقهای خود سطح واقعی خود را می یابند و متواضعانه درک نموده و جایگاه مقتضی خود را میپذیرند. ولی عدم عبور از این آزمون سخت و غیر ضروری میسر میبود چنانچه در دوران نوجوانی تربیت و کارآموزی مقتضی صورت میپذیرفت.

اکثر این بد تربیت شدگان در مسیر زندگی با دنیا در تضاد هستند و هنگامی که باید به توفیق میرسیدند شکست میخورند. آنان حس میکنند که دنیا با آنان از سر لجاجت و عناد برخاسته است زیرا با آنان ملاحظت و دلجوئی نمیکند و با غرض ورزی بر ضد دنیا کینه توزی میکنند و دعوت بمبارزه طلبی میکنند. شرایط گاهی اوقات آنان را وادار میسازد تا فروتن باشند ولی با طبیعت آنان موافقت ندارد و شخصیت واقعی آنان دیر یا زود فاش خواهد گردید...

چرا والدین فرزندان خود را با چنین روشی آموزش میدهند که با هر کسی که روبرو میشوند به ستیز بپردازند؟

**تبعیت از جامعه -** فرزندان نباید طوری تربیت شوند تا از جامعه پیروی کنند. آنان نباید برای بت مولک<sup>19</sup> قربانی شوند بلکه باید به عضویت خانواده خداوند در آیند. والدین باید از شفقت و دلسوزی مسیح پر شوند تا اینکه برای نجات جانمایی کار کنند که تحت تاثیر و نفوذ آنان هستند. اذهان آنان نباید مجذوب مد ها و رسوم دنیا شود. آنان نباید به فرزندان خود آموزش بدهند تا به پارتی های شبانه و کنسرت و مجالس رقص و لهو و لعب بروند زیرا پس از آن به کفر و الحاد کشیده میشوند.

**خوشیهای خودخواهانه نباید مجازشمرده شود-** بسیاری از جوانان وجود دارند که برای جامعه خود برکت هستند و برای خدا افتخاری بحساب می آیند زیرا که با ایده های درست که توفیق را پایه گذاری میکند راه خود را آغاز نموده اند. ولی برغم اینکه با استدلال و اصول کنترل شده





باشند تربیت شده اند تا تسلیم ذات و طبیعت خود سر بشوند و با عیاشی های خودخواهانه در پی خشنودی و اقعاع خود هستند و می اندیشند که به شادی دست یافته اند. ولی آنان از نائل شدن به هدف شکست خورده اند زیرا کامروائیهای خودخواهانه جز نکبت و بدبختی حاصلی نمی آورد. آنان در جامعه بلا استفاده و برای هدف خدا بیهوده و عبث خواهند بود. انتظارات آنان برای دنیا و آخرت دلسرد کننده است زیرا با عشق به کامرائیهای خودخواهانه، هم دنیا را پایمال میکنند و هم آخرت را از دست میدهند.

**فقدان تقوی و پرهیزکاری در خانه** - در خانه های بظاهر مسیحی پدران و مادران چنین انگاشته شده اند که شاگردان سخت کوش کلام خدا باشند زیرا باید هر تذکره و حدودی را در کلام خدا بدانند. چنین هویداست که از آموزه های کلام و آموزش فرزندان خود در پرورش و راهنمایی خدا قصور ورزیده اند. والدین بظاهر مسیحی از اهتمام به ممارست در تقوی و پرهیزکاری کوتاهی میورزند. پدران و مادران چگونه میتوانند معرف صفات و خصوصیات مسیح در خانه باشند در حینیکه از معیار های پست و دون مایه راضی اند؟ تنها کسانی مهر و نشان خدای زنده را خواهند داشت که متشبه به صفات مسیح باشند.

**والدین مطیع خدا** - خداوند سوء مدیریت والدین را محق و شایسته نمیداند. امروزه صدها نوجوان به خصم میپیوندند و کار و زندگی آنان جدا از اهداف خداست. آنان نافرمان - ناسپاس و نامقدسند و گناه آن به گردن والدین آنان نوشته شده است. والدین مسیحی بیاد داشته باشید که هزاران فرزند در گناهان خود هلاک میشوند بخاطر اینکه والدین در خانه حاکمیت و اقتدار خردمندانه ای از خود نشان نداده اند. چنانچه والدین از راهنمای نامشهود جماعت بنی اسرائیل که جلال وی در ستونهای ابر<sup>20</sup> پوشیده بود اطاعت میکردند وضعیت شوربختانه ای که اکنون در بسیاری از خانواده ها وجود دارد دیده نمیشد.

## فصل سی و پنجم

### والدین چگونه میتوانند شخصیت‌هایی قوی بنا کنند

**بهترین زمان را اختصاص بدهید و اندیشه کنید** - والدین کودک را درمانده می یابند؛ او هیچ چیز نمیداند و به او باید یاد داد تا خدا را دوست بدارد و برای خدا تربیت و تادیب گردد. وقتی



که والدین اهمیت آموزش فرزندان خویش را درک کنند، وقتی ببیند که این کار با آخرت آنان سر و کار دارد احساس خواهند کرد که باید بهترین زمان و اندیشه خود را وقف این کار کنند.

**درک اصول پیچیده-** دروس آموخته شده و خلق و خویهای شکل گرفته در خلال سالهای طفولیت و کودکی با شکل گیری شخصیت و مسیر زندگی ارتباط دارد که والدین باید آنرا مورد توجه قرار دهند. آنان باید اصولی را درک کنند که زیر اساس مراقبت و کارآموزی فرزندان است. آنان باید در پرورش جسمی و ذهنی و سلامت اخلاقی کودکان بکوشند.

**اجتناب از سطحی و ظاهری بودن -** ما در عصری زندگی میکنیم که تقریباً همه چیز سطحی است. پایداری و ثبات کمی در شخصیت وجود دارد زیرا آموزش و پرورش کودکان از گهواره سطحی بوده است. شخصیت آنان از ماسه بادی ساخته شده است. ترک نفس و خویشتنداری در شخصیت آنان قالب گیری نشده است. ناز و نوازش بیش از حد زندگی آنان را تباه کرده است. خوشگذرانی و لذت طلبی اذهان آنان را تحت کنترل خود در آورده و کودکان با تمجید و تعریف بیش از حد تا مرز ویرانی به پیش میروند.

**تقویت کودکان از طریق دعا و ایمان -** شما کودکانی را به این دنیا آورده اید که برای به وجود آمدن و هستی خود رای و نظری نداشته اند. شما تا حد زیادی مسئول شادکامی و رفاه آینده آنان هستید. بار مسئولیت بر دوش شماست خواه برایتان مشهود و محسوس باشد یا خیر آموزش کودکان برای خداست - باید بدقت و غیرتمندانه مراقب اولین رویکرد خدعه های خصم باشید و آماده باشید تا با معیار و استاندارد مناسب با آن برخورد کنید. قلعه ها و سنگرهای دعا و ایمان را در اطراف فرزندان بنائید و با سختکوشی مراقبت و نظارت را اعمال کنید. شما حتی یک لحظه در مقابل حمله های شیطان در امان نیستید. شما نباید لحظه ای از کار شاق مراقبت و هشیاری غافل شوید. در لحظه پاسداری لحظه ای نباید بخوابید. این یکی از مهمترین جنگ هاست. عواقب و دستاوردهای ابدی در پیش رو خواهد بود و زندگی یا مرگ را برای شما و خانواده تان بیار خواهد آورد.

**راسخ و قاطع باشید-** والدین معمولاً بیش از حد به فرزندان اعتماد دارند زیرا اغلب وقتی والدین به آنان اعتماد میکنند فرزندان با شرارت پنهانکاری میکنند. والدین باید با توجه غیرتمندانه ای از فرزندان مراقبت کنند. وقتی بلند میشوید آنان را نصیحت و سرزنش کرده

و به آنان پند و اندرز بدهید و وقتی که مینشینید- وقتی که بیرون میروید- و وقتی که باز میگردید ببینید که آیا رفتار آنان و آموزه های شما با کلام مطابقت دارد یا خیر و هر مطلبی را بارها و بارها و کلمه به کلمه<sup>21</sup> توضیح دهید. فرزندان را وقتی که هنوز جوان هستند رام و مطیع سازید. متأسفانه بسیاری از اولیاء نسبت به این موضوع مهم غفلت میورزند. آنان آنطور که باید و شاید در قبال فرزندان شان راسخ و قاطع نیستند.

**با شکیبایی و امید و انتظار بذر گرانها را بکارید -** " هر کس هر چه را بکارد همان را درو خواهد کرد"<sup>22</sup>. والدین باید اعتماد فرزندان را بخود جلب کنید و با محبت و شکیبایی و امید و انتظار بذر گرانها را بکارید<sup>23</sup>. با خشنودی کار کنید و هرگز از سختی و نگرانی و زحمت گله نکنید. چنانچه با صبوری و مهربانی و تلاش مسیحانه فردی را برای عیسی مسیح به کمال برسانید آنگاه بدانید که زندگی شما در بطالت نبوده است. خود نیز امیدوار و شکیبا باشید. یاس و نومیدی را از چهره و رفتارتان دور کنید. ساختن شخصیت در دستان شماست و با یاری خدا میتوانید در تاستان سرور و مولایمان کار کرده و جانهای زیادی را برای مسیح صید کنیم. همیشه فرزندان را تشویق کنید تا در عادتها و گرایشهای خود به استاندارد بالایی دست یازند. نسبت به معایب آنان صبور باشید همانطور که خدا نسبت به شما و نقصهایتان بردبار است. خداوند شما را تحمل میکند و ناظر و مراقب شماست تا اینکه برای جلال او میوه بیاورید. فرزندان خود را تشویق کنید تا با جد و جهد به پاکدامنی نایل شوند.

**اطاعت از احکام را تعلیم بدهید-** پدران و مادران باید حساس باشند. به فرزندان خود پیاموزید تا مطیع احکام باشند. لطف و مهربانی نباید باعث شود تا نوجوان براه خود برود و هر کاری که دلشان خواست انجام بدهند. او باید مقید به احکام بوده و هر گونه کوتاهی و قصور باید اصلاح بشود زیرا اگر او را دوست دارید باید او را تادیب و تنبیه کنید. این چه نوح محبتی است که به فرزند خود اجازه میدهید تا ویژگیهای شخصیتی را در خود رشد دهد که هم خود او و هم دیگران را به مصیبت و تیره روزی میکشد؟ از چنین محبتی دوری کنید. عشق و محبت واقعی به حال و عاقبت بخیری جان مینگرد. والدین چه حقی را برای خود قائلند تا فرزندان را به این دنیا آورده و نسبت به آنان کوتاهی نموده و اجازه دهند تا بدون فرهنگ و آموزش مسیحی بزرگ شوند؟ والدین باید مسئولیت پذیر باشند. به آنان کنترل خویش را یاد بدهید به آنان آموزش بدهید که باید اداره شوند نه اینکه اداره کنند.



**جسم و فکر و روح را هماهنگ کنید-** قابلیت‌های روحی و ذهنی و جسمی باید پرورش یابد تا اینکه شخصیتی متعادل و مناسب را شکل دهد. کودکان باید تحت نظارت و حفاظت و انضباط قرار گیرند تا اینکه با موفقیت به کمال برسند. ساختار جسمی عیسی و همچنین رشد روحانی او با کلمات به منظر ما آورده شدند "کودک رشد کرد" و "در قد و قامت رعنا و رشید گردید"<sup>24</sup>. در دوران کودکی و نوجوانی باید به رشد جسمی توجه شود. والدین همچنین باید عادات خوب غذایی و نوشیدنی و پوشش را تعلیم داده و بدان عمل کنند زیرا این شالوده خوب و محکمی است که برای زندگی سالم کنونی و آخرت چیده میشود.

**سلامت و تندرستی با عقل و اخلاقیات رابطه دارد -** بمنظور برانگیختن حساسیتهای اخلاقی فرزندان آنان که خداوند دعوی آنها دارد باید بر ذهن و قلب خود نقش ببندید که چطور احکام خدا را رعایت کنید. و جسم آنان را در چارچوبهای درستی قرار دهید زیرا که تندرستی بطور شگرفی با عقلانیت و اخلاقیات رابطه دارد. چنانچه آنان تندرستی و خلوص قلب دارند پس بهتر برای زندگی آماده شده اند و برای جهان برکت خواهند بود. متعادل کردن اذهان آنان در مسیر درست و در زمان مناسب مهمترین کار است زیرا بطور زیادی بستگی به تصمیمی دارد که در لحظه بحرانی گرفته میشود.

پس چقدر اهمیت دارد که ذهن والدین از پریشانی و سرگشتگی فارغ و آسوده باشد تا اینکه فکر و عملشان با آرامش و عقل و محبت توأم بوده و توجه به سلامت جسم و اخلاق، اولین و مهمترین نگرانی آنان باشد. والدین از این در شگفت هستند که کنترل فرزندان بیش از پیش مشکل شده است زیرا در اداره و کنترل اکثر بزهکاریها به تنگ آمده اند. کیفیت غذایی که بر سر سفره می آورند و فرزندان را تشویق به خوردن آن میکنند دائما هوای نفس آنان را تحریک نموده و استعدادهای فکری و اخلاقی آنان را ضعیف میگرداند.

**غذای پاک برای ذهن ضروری است -** به عزیزانتان نوع غذا و استعدادها را آموزش بدهید - در پی اشتغال ذهنی آنان باشید که بدانوسیله جایی برای افکار یا هوسهای پست و موهن وجود نداشته باشد. فیض مسیح تنها پادزهری است که از شرارت ممانعت بعمل می آورد. این انتخاب شماسست که ذهن فرزندان از افکار غیر اخلاقی مبرا و پاک باشد و برای منجی باعث مباحثات شوند و یا اینکه از شرارت‌هایی که در همه جا وجود دارند پر شوند. ذهن مانند جسم باید از تغذیه خالص و پاک بهره مند گردد تا اینکه سالم و قوی باشد. به فرزندان چیزی بدهید تا



به فراتر از خودشان فکر کنند. ذهنی که در فضای پاک و مقدس زندگی کند هرگز بازیچه ، سبکسر ، بیپوده و خودخواه نخواهد شد.

ما در زمانی زندگی میکنیم که چیزهای جعلی و ظاهری متعالی تر از چیزهای طبیعی و واقعی و بادوام شده است. ذهن باید بدور از هر چیزی باشد که آنرا به مسیرهای غلط سوق دهد. ذهن نباید با داستانهای پیچیده و مهمل پر شود زیرا که استعدادهای فکری را تقویت نخواهد کرد. اندیشه ها خصوصياتی را جلوه گر میشوند که با آن تغذیه شده باشند.

**عقل با ذکاوت کفایت نمیکند -** ممکن است از عقل هوشمندانه خود خشنود باشید ولی اگر تحت کنترل قلب تطهیر شده نباشید آنگاه با اهداف خدا مغایرت خواهید داشت. هیچ چیزی بجز مطالبات خدا نمیتواند به ما ثبات شخصیت ، فراست ذهنی و درک عمیق ببخشد چرا که اینها برای توفیق و کامرانی دنیای کنونی و جهان آخرت ضروری هستند.

**هدفگیری به نقاط مرتفع در رشد شخصیت-** اگر سختکوشی را به فرزندان خود آموزش دهیم نیمی از خطر برطرف شده است زیرا بیهودگی و بطالت انسان را به وسوسه های گناه میکشاند. بیایید تا فرزندان خود را به سادگی و رفتار غیرگستاخانه تعلیم داده تا خیر اندیش و فداکار بشوند ولی اسرافکار نباشند - مقصد بوده ولی آزمند و خسیس نباشند. و فراتر از هر چیز مطالبات و خواسته های خدا را به آنان تعلیم دهیم چرا که آنان مکلفند تا دین خدا را در هر بخشی از زندگی دخیل کنند - خدا را در منتهی درجه دوست بدارند - همسایه خود را دوست بدارند و از هدایای کوچک زندگی غفلت نورزند که برای شادکامی ضروری هستند.

**برای حکمت آسمانی دعا کنید-** والدین باید با شور و حرارت برای کسب حکمت نزد خدا دعا کنند تا به آنان کمک کند تا بطور مناسب و شایسته فرزندان خویش را تربیت کنند - که بموجب آن آنان خصوصياتی را پرورش دهند که مورد تایید خداست. نگرانی والدین باید این باشد که طوری فرزندان خود را تربیت کنند که مایه مباهات و ستایش دنیا قرار گیرند و اینکه چون آنرا تعلیم دهند تا ویژگیهای زیبایی را شکل دهند که مورد عنایت و تصدیق خداوند واقع شود. دعاها و مطالعات زیادی برای حکمت آسمانی نیاز است تا بدانیم که چگونه با اندیشه های جوان سر و کار داشته باشیم زیرا این مسئله بطور زیادی بستگی به والدین دارد تا چطور اذهان و خواسته های فرزندان را هدایت کنند.



رهنمودهای معنوی و اخلاقی - والدین باید به تعهد خویش واقف شوند تا فرزندان با خصوصیات خوب پرورش یافته و به جهان تقدیم کنند - فرزندان که نیروی اخلاقی و معنوی داشته تا در برابر وسوسه ها مقاومت کنند و کسانی که زندگی آنان مایه افتخار خدا باشد و برکتی برای هموعان خود باشند. کسانی که با اصول محکم وارد فعالیتهای زندگی بشوند آماده خواهند بود تا در میانه آلودگیهای این زمانه وانفسا بی عیب و نقص باقی بمانند.

**به فرزندان آموزش بدهید تا برای خود تصمیم بگیرند-** بگذارید تا جوانان و بچه های خردسال یاد بگیرند تا برای خود ردای پادشاهی را که در آسمان بافته شده است را انتخاب کنند - آن ردایی که از کتان ظریف پاک و سفید است (مکاشفه ۸: ۱۹) و همه مقدسین آنرا خواهند پوشید. این ردا صفات بی عیب مسیح است که برایگان به هر بنی بشری ارزانی گردیده است. و هر کسی که آنرا دریافت کند در همین جهان آنرا خواهد پوشید.

## بخش ۹

### عناصر بنیادی بنای شخصیت

#### فصل سی و ششم

#### امتیاز سالهای اولیه

**دوره طفولیت از مهمترین زمانهاست-** تربیت کودک در زمانهای طفولیت اهمیت بسزایی دارد. درسهایی را که کودک در خلال هفت سال اول عمر خود یاد میگیرد با شکل گیری شخصیت او سر و کار دارد و بیش از هر چیزی است که در سالهای بعدی می آموزد. از خردسالی است که شخصیت کودک باید قالبگیری شده و به شکلی در آید که مطابق با برنامه الهی است. عفت و پاکدامنی باید در ذهن باز او القاء شود. کار والدین باید از طفولیت آغاز شود که



بدانوسبیله تاثیر درستی را دریافت کند، قبل از اینکه دنیا مهر خود را بر قلب و ذهن او نقش ببندد.

**آسیب پذیر ترین سن** - اولین سالهای زندگی کودک دوره تاثیر پذیری و آسیب پذیری است که بموجب آن نیکی یا شر اثرات خود را بر وی میگذارد. در خلال این سالهاست که راه درست یا غلط انتخاب میشود. در یک طرف اطلاعات بی ارزش میتواند حاصل شود و در طرف دیگر دانش با ارزش و خالص کسب گردد. قوت هوش و ذکاوت و دانش اساسی ترین دارایی هایی هستند که نمیتوان آنرا با طلای خالص اوفیر<sup>25</sup> خرید. قیمت آنان فراتر از هر طلا و نقره ای است.

**اولین تاثیرات ندرتا بفراموشی سپرده میشوند** - اطفال و کودکان و نوجوانان نباید کلامی آزار دهنده را از پدر و مادر و اعضای خانه بشنوند زیرا در سالهای اولیه زندگی سریعاً تحت تاثیر قرار میگیرند و کودکان در آینده همان فردی میشوند که در خانه با آنان رفتار میشود. اولین دروس تاثیراتی هستند که بر کودکان گذارده میشوند و ندرتا فراموش میشوند... هر چه که قلب در سالهای اولیه از آن متاثر میشود در سالهای بعد آنرا بروز خواهد داد. الحال ممکن است که نهفته شده باشند ولی به ندرت به بوته فراموشی سپرده میشوند.

**شالوده در اولین سه سال زندگی ریخته میشود** - مادران باید اطمینان حاصل کنند که بطور شایسته فرزندانشان را در اولین سه سال زندگی تربیت کنند. به آنان اجازه ندهید تا امیال و خواسته های خود را شکل بدهند. مادر باید مراقب فرزند خود باشد. اولین سه سال زندگی زمانی است که شاخه های کوچک خم میشوند. مادران باید اهمیت این دوره را درک کنند. از آن زمان است که پی ریزی انجام میشود. چنانچه اولین دروس ناقص و ناتمام گذرانده شوند که متاسفانه اغلب اوقات چنین میشود، برای خاطر مسیح و برای آینده فرزندان و عاقبت بخیری آنها در پی اصلاح اشتباهاتی باشید که انجام داده اید. اگر منتظر بوده اید تا اینکه فرزندان سه ساله بشوند تا به آنان خوشتنداری و اطاعت را یاد بدهید از همین حالا در پی انجام آن باشید حتی گرچه سخت تر خواهد بود.

**انطور که فرض شده به آن سختی ها هم نیست** - بیشتر تشویشها و نگرانیهای والدین را میتوان زدود چنانچه فرزندان از گهواره آموخته شوند که خواسته های آنان نباید مثل قانون



لازم الاجرا شود و هر چه دلشان خواست بر آورده شود. تعلیم خردسالان به آن سختی ها هم که فرض شده نیست و باید تندمزاجیها فرو نشانده شده و آنانرا مطیع ساخت.

**در این کار تاخیر نکنید -** بسیاری از والدین در اوان سالهای زندگی کودکان از وظایف خود کوتاهی کرده فکر میکنند وقتی که آنان بزرگتر شوند اشتباهات را منکوب و در مسیر درست هدایتشان خواهند کرد. ولی باید این کار را از همان لحظه ای شروع کنند که طفل را در آغوش میگیرند. این درست نیست که والدین کودکان را نازپرورده و لوس بار بیاورند و همچنین درست هم نیست تا با آنان بد رفتاری کنند. رک و صریح و قاطع بودن در اعمال نتایج سودمندی ببار خواهد آورد.

وقتیکه به والدین نسبت به عادات نادرست خردسالان هشدار داده میشود برخی از آنان کاملاً خود را خونسرد و بی تفاوت نشان میدهند و دیگران با لبخند میگویند: (طفلك! من توان بر خورد با آنان را ندارم. وقتی بزرگتر شوند بهتر میشوند. آنوقت از این طغیانها خجلت زده خواهند شد. خوب نیست تا با این بچه های کوچک بسیار سختگیر و تند بود. با سختگیر بودن وقتی بزرگ شوند آنوقت دروغگو و فریبکار و بی تفاوت و خودخواه میشوند). این حرفها راهی ساده برای خلاص شدن و طفره رفتن از موضوع است ولیکن با اراده خدا سازگار نیست.

**تلاشهای شیطان برای خنثی سازی کارهای شما -** والدین معمولاً از شروع کار اولیه کوتاهی میکنند. شما به شیطان اجازه میدهید تا زمین دل را اشغال و اولین بذر را در آن بکارد. کار شما این است که نگذارید شیطان کنترل فرزندان را در دست بگیرد و آنان را از شما دور بسازد قبل از اینکه شما این کار را بکنید. مادران باید به این مسئله دقت کنند که نگذارند تا قدرتهای اهریمنی کنترل بچه های خردسال را در دست بگیرند. باید اراده کنید تا نگذارید دشمن شما و فرزندان را ببرد خود را در خانه شما برافرازد.

**آماده سازی و تمهید برای زندگی عملی -** تعداد کمی وجود دارند که به دانش اندوخته شده برای دنیا و آخرت توجه میکنند و این چیزها باید در خلال سنین دوازده تا پانزده سالگی بدست بیاید. فرزندان نه تنها باید در سالهای شباب به کسب دانش نائل آیند بلکه بر آن باشند تا دانش عمومی و مهارتهای فکری را برای زندگی عملی استحصال نمایند. کار امروز را به فردا میفکنید.





**میراث ناپلئون-** شخصیت ناپلئون بناپارت بطور شگرفی نشات گرفته از تربیت دوران کودکی اش بود. آموزگاران بی خرد عشق به پیروزی را در او لقا کرده بودند و ارتش مستخره ای براه می انداختند و او را بر شانه خود به عنوان فرمانده مینشانند. در اینجا بود که شالوده آینده او برای استیلا و خونریزی ریخته شد. اگر چنین توجه و تلاشی برای نیکمردی او صورت میگرفت و قلب او از روح انجیل الهام میگرفت چقدر تاریخ میتوانست متفاوت باشد.

**هیوم و والتیر-** گفته شده است که هیوم<sup>26</sup> شک گرای، در اوان زندگی یک ایماندار با وجدان بود و کلام خدا سر لوحه زندگی او بود. در ارتباط با مباحثات اجتماعی، او منصوب شد تا بحثی را پیرامون بدعهدی و کفر ارائه کند. او با اشتیاق و پشتکار مطالعه کرد و ذهن فعال و مشتاق او با سفسطه و شکاکیت رنگ گرفت. بزودی او به تعلیم گمراه کننده اعتقاد پیدا کرد و آخرت و عاقبت او تحت تاثیر کفر و الحاد واقع شد.

وقتی که والتیر<sup>27</sup> پنج ساله بود شعری کفرآمیز را حفظ کرد و تاثیر مهلک آن هرگز از ذهن او خارج نشد. او یکی از موفقترین نمایندگان شیطان شد تا انسانها را از خدا دور سازد. هزاران نفر برای نظریه والتیر کفر گو زندگی خود را به تباهی کشاندند.

اندیشه ها و احساسات گرامی داشته شده در سالهای شباب زندگی تعیین کننده تاریخ زندگی خواهد بود. عادات صحیح و با فضیلت و جوانمردانه که در جوان شکل گرفت بخشی از شخصیت او را تشکیل خواهد داد و معمولا خط سیر افراد را در زندگی نشانگذاری خواهد نمود. جوانان با انتخاب خود ممکن است با فضیلت یا بدکار شوند. آنان را میتوان از کردار شریف و درست و یا از تبهکاریها و شرارتهایشان متمایز و تشخیص داد.

**پادش حنا-** فرصتهای گرانبها و فواید ارزشمند بیکران به هر مادری اعطا گردیده است. در طی اولین سه سال زندگی سموئیل نبی، مادرش بدقت او را تعلیم میداد تا فرق بین خوب و بد را یاد بگیرد. او با هر شیئی که در اطراف بود در پی این بود تا اندیشه های او را به سوی خالق معطوف دارد. او نذر کرده بود تا پسر خود را وقف خدا کند و او را تحت مراقبت ایلی کاهن قرار داد تا برای خدمت در خانه خدا تعلیم ببیند... اولین سالهای تعلیم او را هدایت نمود تا کمال مسیحیت را برای خود انتخاب و ابقا کند. حنا اجر خود را یافته بود. اشتیاق و دلگرمی او برای وفای به عهد اسوه و الگوی خوبی بود.



**چگونه ذهن یوسف محافظت شد-** یعقوب درسهای توکل و اعتماد به خدا و یقین به رحمت و

مراقبت بی وقفه او را به یوسف تعلیم داده بود. این تعالیم کمک شایانی به او کرد خصوصا زمانی که دور از وطن و در میان مردم بت پرست بود. در زمان آزمایش او این دروس آموخته شده را بکاربرد. وقتی که در بحرانی ترین آزمایشها بود او به پدر آسمانی نگریست آنکسیکه باید به او توکل نماید. اگر احکام و الگوی پدر یوسف ضد شخصیت بود، کلک سرش هرگز نمیتوانست اوراق تاریخ الهی را از داستان عفاف و پاکدامنی یوسف که شخصیت وی را درخشان نموده بود قلم بزند. تاثیرات اولیه بر ذهن او از قلب وی در برابر وسوسه های سبعانه محافظت نمود و سبب شد تا بانگ بر آورد: چگونه مرتکب این شرارت بزرگ بشوم و به خدا خطا ورزم؟<sup>28</sup>

**حاصل آموزش خردمندانه-** این واقعیت محزون کننده ای است که هر شرارت و بی عزمی از

طرف مادر را میتوان بسرعت در رفتار کودکان ملاحظه نمود. و اغوا کننده بر اذهان آنان کار میکند و آنان را هدایت کرده تا در انحراف خود پافشاری کنند. اگر والدین کیفیتهای لازمه را در آموزش مناسب فرزندان ترویج و بهبود بخشند، اگر مقرراتی را که باید رعایت کنند در مقابلشان قرار داده شود و استقامت بخرج دهند تا این مقررات شکسته نشود آنگاه خداوند همیاری نموده و والدین و فرزندان را برکت خواهد داد.

در سالهای اولیه کودکان مستعد فراگیری تاثیرات غیر اخلاقی و سست بنیاد هستند ولی والدینی که تظاهر به مسیحی بودن میکنند بنظر میرسد که در دوره مدیریت خود شرارت را تشخیص نمیدهند. آنان باید درک کنند که پیش فرضهایی را که به فرزندانشان در سالهای اولیه داده اند در شخصیت آنان اثر گذارده و سرنوشت آنان را برای زندگی یا مرگ ابدی شکل میدهد. کودکان مستعد پذیرش اثرات روحانی و اخلاقی هستند و کسانی که حکیمانه در کودکی تربیت شده اند ممکن است که زمانی خطایی از آنان سر بزند ولی به بیراهه کشیده نخواهند شد.



## فصل سی و هفتم

### نیروی غریزه و عادات

**عادتها چگونه شکل میگیرند-** هر عملی خواه خوب یا بد شخصیت را شکل نمیدهد ولی افکار و احساسات افراطی راهی را برای کردار و اعمال نوع مخصوص بخود آماده میسازد. با تکرار اعمال است که عادتها شکل میگیرند و شخصیت تثبیت میشود.

**زمان برای ایجاد عادات خوب-** تا حد زیادی شخصیت در سالهای اولیه شکل میگیرد. عادات شکل گرفته بیشتر از هر موهبت طبیعی اثر گذار است. این عادات باعث خردمندی و یا خرفتی میشود زیرا بهترین استعدادها بواسطه عادات اشتباه ضعیف و منحرف میگردد. در سالهای اولیه زندگی کسی که با عادتهای زیانبار در تماس باشد هر چه بیشتر قربانی خود را در اسارت نگاه دارند بیشتر معیار معنویت به پستی میگراید. در طرفی دیگر اگر عادتهای صحیح و پرهیزکارانه در جوانان شکل بگیرد در زندگی صاحب کرامت خواهند شد. آنانیکه در بزرگسالی هستند معمولاً سخت تر تاثیر میپذیرند<sup>29</sup> ولی جوانان تاثیر پذیرترند.

**عادتها اصلاح و تعدیل میشوند ولی بندرت تغییر می یابند-** آنچه را که کودک میبندد یا میشنود بر ذهن حساس و ظریف او نقش مینندد که تحت هیچ شرایطی در زندگی نمیتوان آنرا محو نمود. هوش و ذکاوت اکنون شکل داده میشود و علاقه ها مسیر و قوت خود را می یابند. اعمال تکرار شده در طی یک دوره تبدیل به عادت میشود. این عادات تحت آموزش و تادیب سخت میتوانند اصلاح و بهبود شوند ولی بندرت تغییر می یابند<sup>30</sup>.

عادتها وقتی که شکل گرفت بیشتر و بیشتر بر شخصیت اثر میگذارد. هوش و ذکاوت بطور پیوسته از فرصتها و امتیازات قالب میپذیرد که ممکن است زیانبار و یا منفعت آمیز باشد. ما روز به روز شخصیت خود را شکل میدهیم که دانش آموزان و سربازان کارآزموده ای را تحت بیرق عیسی قرار داده و یا اینکه طغیان گرانی را تحت بیرق تباهی قرار دهد. کدامیک بهتر است؟



**استقامت و پشتکار ضروری است-** هر چه خود را بیشتر به مخاطره بیندازیم تمایل بیشتری برای انجام دوباره آن خواهیم داشت. عادات متانت و خویشتنداری و مقصد بودن و پشتکار داشتن و درست و دقیق بودن و گمتگوی معقول و مقبول و شکیبایی و ادب بدون سخت کوشی و مراقبت از نفس حاصل نمیگردند. خلق سخیف و سفیه داشتن بسیار ساده تر از مستولی شدن بر نقایص و تحت کنترل در آوردن نفس و ارج نهادن به تقوی و پرهیزکاری است. تلاشهای مجدانه برای به کمال رسیدن فیوضات مسیحانه در زندگی الزامی است.

بچه های فاسد دیگران را به مخاطره می اندازند- والدین خداترس باید هدفمندانه برای تربیت فرزندان برای عاداتهای درست برنامه ریزی کنند. والدین برای فرزندان خود بهتر است تا معاشر و همنشین انتخاب کنند تا اینکه آنانرا رها نموده و بدون تجربه و از روی ناپختگی برای خودشان همصحبت پیدا کنند.

اگر فرزندان در دوران کودکی با پشتکار و شکیبایی در طریق درست و مناسب تربیت نشوند عادات غلطی را شکل میدهند. این عاداتها در زندگی آینده آنان رشد کرده و دیگران را به تباهی خواهد کشاند. کسانیکه ذهن آنان بد قالبریزی شده باشد با کارهای فریب آمیز خود در خانه تاثیر میگذارند و عاداتهای اشتباه خود را در سراسر زندگی با خود حمل خواهند کرد. اگر شغل مذهبی را پیشه کنند این عاداتها در زندگی مذهبی آنان آشکار خواهد گردید.

**سائول پادشاه مثالی اندوهناک-** تاریخ اولین پادشاه اسرائیل معرف نمونه ای حزن آلود از قدرت عاداتهای اشتباه است. سائول در جوانی خداترس و خدادوست نبود و آن روح شرزه برای اطاعت تربیت نشد و همواره آماده طغیان بر ضد امور الهی بود. آنانیکه در جوانی اراده خدا را مقدم و محترم میشمردند و در منصب خود وفادارانه به وظایف خود عمل میکنند برای انجام خدمات عالیتر در آخرت خود را آماده میکنند.

یک کودک آموزه های دینی درست را دریافت میکند ولی چنانچه والدین و معلمین یا سرپرستان اجازه دهند تا شخصیت او با عاداتهای نادرست منحرف گردد و بر عادت غلبه نشود به قدرتی نافذ تبدیل خواهد شد و کودک از دست خواهد رفت.



**اعمال کوچک مهم هستند-** هر عملی خصوصیت و اهمیت دوگانه ای دارد. خوب یا بد - درست یا غلط مطابق با انگیزه ای که آنرا بفعالیت وا میدارد. یک عمل اشتباه با تکرار متوالی اثر دائمی را بر ذهن عامل میگذارد و همچنین بر ذهن آنانیکه با او مرتبط هستند - در هر رابطه ای، خواه روحانی و یا دنیوی. والدین یا معلمینی که به کردار کوچکی که درست نیست توجه نمیکنند عاداتهایی را در جوانان شکل میدهند.

والدین باید وفادارانه به جاهایی که برای آنان سرمایه گذاری نموده اند سر و کار داشته باشند. آنان نباید غرور و ولخرجی و یا عشق به تظاهر را تشویق کنند. آنان نباید آموزش را بشوخی بگیرند زیرا باعث موزیگری در خردسالان میشود بلکه باید با جدیت تعلیم ببینند و رفتارهایشان اصلاح شود تا اینکه بزرگتر شوند.

شوخی ها و بازیگوشیهای کوچک و شیطنت کودکی بنظر سرگرم کننده می آید و ممکن است آنان تشویق هم بشوند ولی وقتی بچه بزرگتر شود حرکاتش ممکن است نفرت انگیز و اهانت آمیز باشد.

**عادات بد ساده تر از عادات خوب شکل میگیرند-** همه آموخته های کسب شده شرارتهایی را که در اثر تادیب سهل انگارانه در کودکی رخ داده اند را خنثی و برطرف نمیسازد. یک کوتاهی و غفلت اغلب تکرار میشود و عاداتها را شکل میدهد. یا عمل اشتباه راه را برای اشتباه دیگر باز میکند. عاداتهای بد ساده تر از خوبها شکل میگیرد و مشکلتر میتوان از آنها رها شد.

بچه های کوچک چنانچه به حال خود رها شوند بدها را آسانتر از خوبها یاد میگیرند. عاداتهای بد با طبیعت و سرشت انسانی موافقت دارند و چیزهایی که در طفولیت و کودکی میبینند و میشوند بطور عمیقی بر اذهان آنان نقش بسته است.

**عاداتهای اولیه منتج به پیروزی و یا شکست در آینده خواهد شد-** منحصر بفردی ما برای حال و آخرت با عاداتهای ما شکل گیرد. زندگی کسانی که عادات درستی را شکل میدهند و در انجام وظایف وفادارند نورهای درخشانی هستند که پرتوهای خود را بر مسیرهای دیگران میتابانند ولی اگر در عادات بعدهدی افراط شود چنانچه سهل انگاری و بیتفاوتی مجاز شمرده شود در قوت خویش ابری سیاهتر از نیمه شب بر رخساره این زندگی پرتو افکنده و برای



همیشه مانعی برای جهان آخرت خواهد شد. در کودکی و جوانی شخصیت بسیار تاثیر پذیر است. نیروی خویشتنداری و کنترل نفس باید استحصال شود. در کنار بخاری و در کنار خانواده است که دیگران بر هم اثر میگذارند که نتیجه آن به اندازه ابدیت است. بیش از هر موهبت طبیعی عاداتی که در سالهای اولیه شکل داده شده اند تعیین خواهند کرد که آیا یک انسان در کارزار زندگی ظفرمند یا مغلوب خواهد.

## فصل سی و هشتم

### سن و خلق و خو و مزاج را مورد بررسی قرار دهید

**در برون رفت کودک از دوران کودکی تعجیل نکنید-** والدین هرگز نباید در برون رفت کودک از مرحله کودکی شتاب بخرج دهند. بگذارید درسها و تعالیم دارای خصوصیتی باشد که اهداف شریف را در قلبهایشان الهام کند ولی اجازه بدهد کودک در مراحل کودکی خود با اعتماد و درستی و صداقت رشد کند که آنانرا آماده خواهد ساخت تا به ملکوت آسمان وارد شوند.

**هر مرحله ای زیبایی خاص بخود را دارد-** والدین و معلمان هدفشان باید گرایش دادن جوانان به سمتی باشد که در هر مرحله از زندگی بتوانند زیبایی مقتضی به آن دوره و مرحله را نمایش داده و بطور طبیعی شکفته شوند همانگونه که گلها و شکوفه ها در گلستان و بوستان چنین میکنند.

یکی از گیرا ترین و زیباترین حکایتهای مسیح حکایت برزگر و دانه است... حقایقی را که این حکایت می آموزد واقعتهای زنده ای در زندگی خود مسیح بود. او در طبیعت روحانی و جسمانی خویش از نظام رشد الهی تبعیت نمود که بواسطه رشد گیاه مصور گردیده بود و به همین شیوه نیز خداوند تمایل دارد که همه جوانان چنین کنند. گرچه او سرور کائنات و پادشاه جلال بود همچون نوزادی در بیت لحم مولود شد و برای مدتی مانند طفلی درمانده تحت مراقبت مادر بود.



عیسی در کودکی فرزند مطعی بود. او گفتار و کردار یک کودک را داشت و نه مانند یک مرد بزرگ - او به والدین خود احترام می‌گذاشت و به خواسته‌های آنان بطریق اولی و مفید مطابق با توانایی یک کودک عمل مینمود. کلام مقدس از کودکی او می‌گوید: " آن کودک رشد می‌کرد و قوی می‌شد. او پر از حکمت بود و فیض خدا بر او قرار داشت. در قامت و حکمت، و در محبوبیت نزد خدا و مردم، رشد می‌کرد" (لوقا ۴۰: ۲، ۵۲).

**تنوع خلق و خو در اعضای خانواده-** نشانه‌های تنوع رفتار و مزاج و شخصیت در جمع خانواده را میتوان مشاهده کرد زیرا که این نظام خداست که اشخاص با خلق و خوهای متفاوت باید بهم بپیوندند. وقتی که مورد چنین باشد هر عضو از خانواده باید مقدسانه توأم با احترام و احساس به حقوق دیگران احترام بگذارد. بدینوسیله ملاحظات متقابل و مدارا ترویج خواهد شد - تبیض و غرض‌ورزی فرو نشانده خواهد گردید و نقاط خشن شخصیت صیقل داده خواهد شد. توازن و همسانی تأمین گردیده و آمیختگی طبع‌های مختلف هر یک از اعضا را منتفع خواهد ساخت.

**ذهنها و شخصیت‌های منحصر بفرد را در یابید-** هر کودکی که به این دنیا می‌آید مسئولیت والدین را افزایش میدهد... خلق و خو و تمایلات و ویژگی‌های شخصیت آنان باید مورد تفحص قرار گیرد. والدین باید بسیار محتاطانه تشخیص خود را مورد مطالعه قرار داده تا قادر شوند تمایلات اشتباه را فرو نشانده و تقلید درست و اصول صحیح را ترغیب کنند. تندى و خشونت در این کار لازم نیست. خویشنداری باید ترغیب و ترویج شود تا اثرات خود را بر ذهن و قلب کودکان بگذارد. کار با اذهان کودکان بسیار جالب و دلپذیر است. با همه کودکان نمیتوان بدینگونه رفتار کرد زیرا که محدود کردن یک نفر ممکن است سبب از هم پاشیده شدن زندگی دیگری بشود. باصطلاح همه را نمیتوان با یک چوب راند. یک کودک با زبان ملایم سربراه میشود و دیگری با زبان تند سر جای خود مینشیند. خلق و خوی هر کودک با دیگری متفاوت است.

**ویژگی‌های ضعیف را تحریک به فعالیت کنید و خصوصیت‌های اشتباه فرد را منکوب کنید-** تعداد کمی از کودکان از ذهن‌های متعادل برخوردارند زیرا والدین با بدکاری خویش از وظایف خود برای بفعالیّت واداشتن ویژگی‌های منحصر بفرد و سرکوب کردن اشتباهات کوتاهی میکنند. آنان میدانند که تحت التزام جدی قرار دارند تا از تمایلات و گرایش‌های هر کودک مراقبت بعمل



آوردن و این وظیفه آنان است تا فرزندان خود را به عادات درست و راههای درست اندیشیدن آموزش دهند.

**ازحالات و خلق و خوهای هر کودک آگاه شوید-** کودکان باید بطور پیوسته تحت مراقبت قرار گیرند ولی لازم نیست بدانند که شما مراقب آنان هستید. از حالات و رفتار هر یک از آنان در ارتباط با یکدیگر آگاه باشید و در پی تصحیح اشتباهات آنان باشید و آنان را به داشتن خصوصیت‌های درست تشویق کنید. کودکان باید یاد بگیرند که رشد قوای روحی و جسمی بستگی به خود آنها دارد و پیامد تلاش و پشتکار است. آنان باید در همان ابتدا یاد بگیرند که شادی در لذات خودخواهانه یافت نمیشود و تنها در پی خدمت و کار سودمند حاصل میگردد. در زمان مشابه مادر باید در پی خشود ساختن فرزندان باشد.

**نیازهای فکری به اندازه نیازهای جسمی مهم هستند-** برخی از والدین با دقت به خواسته های دنیوی فرزندان خود رسیدگی میکنند - والدین با مهربانی و صادقانه در هنگام بیماری از آنان پرستاری میکنند و فکر میکنند که وظیفه خود را بانجام رسانیده اند. آنان در اشتباهند. کار آنان تازه شروع شده است. خواسته های فکری نیز باید بر آورده شوند و این امر مستلزم مهارتی است تا با چاره اندیشی درست ذهن مجروح درمان گردد.

کودکان نیز در معرض آزمونهای سختی قرار دارند که تحمل آن مشکل مینماید درست مانند اشخاص بزرگتر که با تالمات روحی و شخصیتی روبرو میشوند. والدین در همه اوقات یک احساس مشابه ندارند. اذهان آنان اغلب مغشوش و مشوش است. آنان تحت عقاید و احساسات اشتباه در تقلا و کشمکش هستند. شیطان به آنان ضربه میزند و آنان تسلیم وسوسه های او میشوند. آنان با تند مزاجی صحبت میکنند و به شیوه ای که خشم را در فرزندان نشان بر می انگیزند و گاهی اوقات سختگیر و عبوس هستند. فرزندان بیچاره از روحیه مشابه سهم میبرند و والدین آمادگی ندارند تا به آنان کمک کنند زیرا که خود مسبب رنج و حرمان گردیده اند. گاهی اوقات بنظر میرسد که همه چیز در جهت غلط به پیش میرود. کج خلقی همه جا شایع است و همه ایام شوربخت و تیره روزی دارند. والدین تقصیر را به گردن فرزندان بیچاره خود می اندازند و فکر میکنند که آنان نافرمان و سرکش و بدترین کودکان در جهان هستند در حالیکه مسبب آشوبها خودشان هستند.





**خوش مشربی را ترغیب کنید-** ذهن نامتعادل، تند مزاجی، کج خلقی، رشک و حسد ماحصل اهمال کاربهای والدین است. این خصوصیت‌های شریر ناخشنودی عظیمی را برای فرد ببار می آورد. آنان از محبت کردن به هم‌نشینان و دوستان خود کوتاهی میکنند. و در هر کجا که بکار گمارده میشوند مشکل ایجاد میکنند.

**طبیعت های مختلف به تادیب های مختلف نیازمندند-** کودکان طبیعت های متنوعی دارند و والدین نمیتوانند بطریق مشابه هر یک را تادیب و تربیت کنند. افکار صفات مختلفی دارند و باید با دعا بررسی کرد که طوری ذهن آنان قالب‌ریزی شود که اهدافی را که خدا برنامه ریزی کرده به انجام برسد. مادران باید زمانی اختصاص دهند تا با خصوصیات فرزندان خود آشنا شوند. حالات و مزاج آنان را بررسی کنید تا بدانید که چگونه با آنان سر و کار داشته باشید. برخی کودکان بیش از دیگران به توجه و مراقبت نیاز دارند.

**رفتار با کودکان ناهنجار-** برای تربیت برخی از کودکان نیاز به صبر و شکیبایی است و نسبت به آنان باید مهربانتر از دیگران بود. آنان خصوصیت‌های موروثی غیرعادی دارند و بدین خاطر به دلسوزی و محبت بیشتری نیاز دارند. با سختکوشی برای این کودکان غیر عادی جایی را برای کار پروردگار آماده کنید. آنان ممکن است تا استعدادهای پرورش نیافته ای داشته باشند که وقتی این استعدادها بیدار شد آنان را قادر خواهد ساخت تا به چنان پیشرفتی نائل آیند که انتظار آن نمبرفته است.

اگر فرزندان با طبیعت خاص و غریبی دارید مگذارید تا زنگارهای ناامیدی بر زندگی آنان بنشینند... به آنان با ابراز دلسوزی و مدارا کمک کنید. آنان را با کلام محبانه و کردار شفقت آمیز تقویت کنید تا بر معایب شخصیت فائق آیند.

**بیش از آنکه فکرش را بکنید میتوانید آموزش بدهید-** مادری که عیسی را دوست دارد فرزند خود را برای او تربیت میکند. شما میتوانید خلق و خوی فرزندان خود را تربیت کنید بیش از آنچه که فکرش را بکنید توان آنرا دارید. نام گرانبهای عیسی باید سر لوحه کلام خانه و خانواده باشد.



## فصل سی و نهم

### اراده عاملی برای توفیق است

**هر فرزندی باید قدرت اراده را درک کند-** اراده قدرت حاکمی در سرشت بشر است که همه استعدادها و توانها را تحت سلطه خود در می آورد. اراده سلیقه یا تمایلات نیست ولی قدرت تصمیم گیری است که در فرزندان بشر کار میکند تا مطیع خدا باشند. هر فرزندی باید نیروی واقعی اراده را درک نماید. او باید هدایت شده تا ببیند که چقدر باید برای این هدیه عظیم مسئولانه رفتار کرد. اراده، قدرت تصمیم گیری و انتخاب است.

**توفیق زمانی حاصل میشود که تسلیم اراده خدا باشد-** هر بشری شعور و عقل دارد تا راه درست را انتخاب کند. در هر تجربه از زندگی کلام خدا بما میگوید: "امروز تصمیم خود را بگیرد که از چه کسی میخواهید پیروی کنید" (یوشع ۲۴: ۱۵). هرکسی میتواند اراده خود را با اراده خدا همسان سازد و میتواند تصمیم بگیرد تا از او پیروی کند و بموجب آن خود را با نمایندگان الهی پیوند دهد و او را در جایگاهی قرار میدهد که هیچ نیرویی نتواند او را به انجام شرارت وادارد. در هر جوان و کودک قدرتی نهفته است که با یاری خدا شخصیتی بی عیب شکل دهد و در زندگی مفید فایده باشد.

والدین یا معلمینی که با این قبیل آموزه ها کودک را به خویشتنداری و پرهیزگاری تشویق میکنند بطور شگرفی سودمند بوده و دائما کامیاب خواهند بود. از نظر سطحی نگرها در کار او برتری مشهود نیست و ارزش والا و شایسته ای ندارد زیرا که ذهن و اراده کودک را تحت اختیار محض خود قرار میدهد ولی پس از گذشت سالها روش برتر آموزش نتیجه خود را نشان خواهد داد.

**اراده فرزند خود را تضعیف نکنید بلکه آنرا هدایت کنید-** تمام قدرت اراده را حفظ کنید زیرا که بشر به آن نیاز دارد ولی آنرا در مسیر مقتضی هدایت کنید. با آن همانند گنجینه الهی، خردمندان و با ملایمت رفتار کنید. آنرا خرد و خاکشیر نکنید بلکه با قاعده و الگوی درست آنرا فرم و شکل داده تا اینکه کودک به سن و سال مسئولیت پذیری برسد. کودکان باید زود



آموزش داده شوند تا اراده و و امیال خود را تسلیم اراده و اختیار والدین خود کنند. وقتی که والدین این درس را به کودکان خود یاد میدهند آنان را آموزش میدهند تا تسلیم اراده خدا بوده و از خواسته های او متابعت کنند تا شایسته عضویت در خانواده خدا باشند.

**اراده باید هدایت شود نه اینکه پایمال گردد-** رشد کودک بدون تاخیر با کنترل غیر ضروری بررسی و مطالعه والدین و معلمین را میطلبد. کنترل بیش از حد به همان بدی کم توجهی است. تلاش برای شکستن اراده یک کودک اشتباه فاحشی است. ذهنها با هم متفاوتند در حینیکه که زور و جبر، متابعت و تسلیم ظاهری آنانرا بهمراه دارد ولی نتیجه نشان داده است که بسیاری از کودکان در دل‌های خود میل و عزم به سرکشی دارند. حتی اگر والدین و معلمین در کنترل مورد نظر خود به توفیق نائل آمده باشند زیان آن کمتر نخواهد بود... از آنجا که صرفنظر از اراده برای برخی از دانش آموزان مشکل تر از دیگران است معلم تا جایی که ممکن است باید به خواسته های او با ملایمت رفتار کند. اراده باید راهنمایی و قالب‌ریزی شود نه اینکه نادیده پنداشته شده و پایمال گردد.

**هدایت گر باشید نه اینکه تحمیل کنید-** به کودکان تحت مراقبت خود اجازه دهید تا استقلال فردی خود را داشته باشند و خود نیز چنین باشید. همیشه سعی کنید تا آنانرا هدایت کنید ولی هرگز بر گرده آنان ننشینید تا آنانرا بزور وادار به کار یا نهی از عملی کنید.

**وسعت اراده و تقویت ذهن-** کودک بطور بایسته و شایسته تربیت شود ... نه آنطور که خودش میخواهد. فردیت او ممکن است با مربی و کارآموز او یکی گردد و اراده او در همه نیات و اهداف تحت تسلط اراده معلم در بیاید. کودکانی که بدینگونه تعلیم یابند همیشه روحیه ضعیف و مسئولیت پذیری فردی ناکارآمدی خواهند داشت. به آنان یاد داده نشده است تا با قوه استدلال و اصول حرکت کنند و اراده آنان تحت کنترل دیگران خواهد بود و ذهن آنان فراخوانده نشده است تا با ممارست وسعت یافته و تقویت شود. آنان در خصوص ساختار خاص و تواناییهای ذهن خود راهنمایی و تربیت نشده اند تا قدرت لازمه را بکار برند.

**تصادم و تلاقی اراده ها-** چنانچه کودک در خواسته خود سماجت میورزد، مادری که مسئولیت خود را درک میکند میفهمد که این اراده سرسختانه میراثی است که او به فرزند خود داده است. مادر نباید بگونه ای برخورد کند تا اراده او را در هم شکند. زمانی فرا میرسد که تصمیم



مادر در تقابل با تصمیم کودک است و در اینجا مادر باید با تحکم در برابر خواسته غیر منطقی فرزند خود بایستد و این قاعده بر اساس سن و تجربه مادر است و اصل حاکمیت مادر بر فرزند بی نظم است. در این زمان باید حکمت طلبید چرا که با مدیریت نابخردانه و با اجبار و سختگیری زندگی فرزند در این دنیا و جهان آخرت تباہ می‌گردد. با فقدان حکمت و تعقل شاید همه چیز از دست برود.

این بحرانی است که بندرت پدید می‌آید و مادر و فرزند هر دو در ستیز خواهند بود. باید شدیداً مراقب بود تا از این قبیل موضوع اجتناب ورزید. ولی چنانچه این موضوع رخ داد فرزند باید تسلیم خردمندی برتر مادر بشود. مادر باید کاملاً کلام خود را تحت کنترل داشته باشد. نباید با صدای بلند تحکم کرد. هیچ چیزی نباید مخل رشد روحی فرزند بشود. مادر باید بررسی کند که چگونه با او رفتار کند بطریقی که او مجذوب عیسی بشود. او باید با ایمان دعا کند که شیطان نتواند بر اراده فرزند مسلط شود. فرشتگان آسمان نظاره گر این صحنه ها هستند.

مادر باید درک کند که خداوند مددکار است و او را یاری میکند و محبت کلید موفقیت و توانمندی اوست. چنانچه او یک مسیحی عاقل باشد او به اجبار مبادرت نمی‌ورزد تا فرزند خود را به اطاعت وادارد. او دعا خواهد کرد و همانطور که دعا میکند ملتفت خواهد شد که زندگی روحانی را درون خود نوسازی کند. و او مشاهده خواهد کرد که در همان زمان قدرتی که در او کار میکند در فرزند او نیز موثر واقع شده است. و فرزند در عوض اجبار با آرامش هدایت میشود و نزاع پایان می‌یابد. هر نیت از روی محبت - هر عمل از روی بردباری و هر کلام مقید کننده حکیمانه مانند شاه میوه هایی هستند که بر ارزش درخت می‌افزایند. مادر به پیروزی دست می‌یابد که هیچ زبانی نمیتواند آنرا بازگو کند. او به نور تازه ای دست یافته و بر تجربیاتش افزوده است. اما بعد، "آن نور"<sup>32</sup> واقعی آمد تا به هرکس که به این دنیا می‌آید، بتابد" و اراده او را مقهور خود ساخت. پس از هر طوفانی آرامش خواهد بود مانند نور خورشید که پس از باران میتابد.

**والدین باید احساسات جوانی را از دست ندهند-** خیلی ها از این موضوع غافلند تا احساسات جوانی خودشان را ابقا نموده و اجازه ندهند تا حس لطافت و بشاش بودن از وجودشان خارج شود. خداوند از داشتن خانواده هایی که سادگی دلپذیر یک فرزند را با قوت و خرد و بلوغ مردانگی و زنانگی در هم آمیزند خشنود است. برخی هرگز کودکی نداشته اند. آنان هرگز از آزادی و سادگی و طراوت جوانی لذت نبرده اند. آنان سرزنش و ملامت شده و کتک خورده اند



تا اینکه بیگناهی و صراحت و صداقت کودکی به ترس و رشک و حسد و حيله گری مبدل گردید. این قبیل افراد بندرت خصوصیهایی دارند که دوران کودکی فرزندان خود را شادمان بسازند.

**اشتباه بزرگ** - اشتباه بزرگ این است که اداره امور را بدست خود کودک سپرد و به او اجازه داده شود تا به هر سو برود و خانه را تحت تسلط خود داشته باشد. این کار بی مورد و غیر ضروری است و نمیتوان به کودک اجازه داد تا در خانه جولان بدهد تا قدرت اراده اش قوی شود. این چنین کاری انجام شده است و ادامه خواهد یافت زیرا پدران و مادران بصیرت کافی ندارند تا مشکل را تشخیص بدهند.

**مادری که تسلیم گریه های کودک میشود** - کودک شما دستان حکیمانه ای لازم دارد تا او را براه راست هدایت کند. به او اجازه داده شده است تا برای هر چه که بخواهد داد و فریاد کند تا آنجا که این کار تبدیل به عادت شده است. به او اجازه داده شده است تا برای پدرش گریه و زاری کند. بارها در حضور کودک گفته شده که او چطور برای پدرش گریه میکند و او فکر میکند که حتما کار بجایی میکند و به این کار ادامه میدهد. اگر من بچه شما را داشتم ظرف سه هفته او را تغییر میدادم. به او خواهیم فهماند که حرفهای من قانون است. با مهربانی ولی قاطعانه تا رسیدن به هدف به این کار ادامه میدادم و اراده خود را تسلیم اراده کودک نمیکردم. شما کاری برای انجام دادن دارید و زمان زیادی را برای انجام چنین کاری از دست داده اید.

**زندگی شوربختانه فرزند لوس** - کودکی که با دقت و دعا تربیت نشده باشد در این مرحله و زمان آزمون ناشاد خواهد بود و خصوصیتی را شکل خواهد داد که خداوند نمیتواند آنان را با خانواده آسمانی بهم پیوند دهد. یک فرزند نازپرورده در سراسر زندگی بار سنگینی را باید حمل کند. در سختیها و نومیدی ها و در وسوسه ها او اراده تادیب نشده و گمراه خود را دنبال خواهد کرد.

فرزندانی که اختیار داشته باشند تا براه خود بروند شاد و خوشحال نیستند. قلب لجام گسیخته آرامش و رضایت ندارد. ذهن و قلب باید تادیب شده و تحت تقید مناسب قرار گیرد بخاطر اینکه شخصیت با احکام حکیمانه که بر وجود ما حاکم است هماهنگ شود. بیقراری و ناراضیاتی ثمرات افراط و خودخواهی هستند.



**پیش زمینه بسیاری از مشکلات-** مشکلات ناراحت کننده که برای کامیابی کلیسا خطرناک هستند باعث لغزش دیگران میشود تا با تردید و نارضایتی تغییر جهت دهند و معمولاً از یک روح سرکش و رام نشده بر میخیزد. این فرزندان یاغی اولاد والدینی هستند که در اوان جوانی آنان را نازپرورده بار آورده اند.

## فصل چهارم

### اصول مسیحی را سرمشق قرار دهید

**فرزندان از والدین خود تقلید میکنند-** پدران و مادران ، شما مربی هستید و فرزندان شما شاگرد هستند. لحن صدا و رفتار و روحیه شما با کوچکترها تقلید میشود. فرزندان از اولاد خود تقلید میکنند بنابراین باید شدیداً مراقبت شود تا مدل و الگوی صحیحی به آنان ارائه کنیم. والدینی که در خانه مودب و مهربان و توأماً راسخ و قاطع هستند صفات مشابهی را در فرزندان خود مشاهده خواهند کرد. چنانچه درستکار و محترم و صادق باشند فرزندان نیز در این خصوصیات شباهت خواهند داشت. اگر والدین خدا را حرمت داده و عبادت کنند فرزندان نیز بهمان طریق تربیت خواهند شد و فراموش نخواهند کرد تا چنین کنند.

در خانواده پدران و مادران الگویی برای فرزندان ارائه نموده و میخواهند تا از آن تقلید شود. باید آشکار سازند که روح خدا آنان را کنترل میکند و صفات ممتاز عیسی مسیح را نمایش دهند. نیروی تقلید قدرتمند است و در کودکی و نوجوانی وقتی که این استعداد فعال است یک الگوی کامل باید در مقابل جوان قرار گیرد. فرزندان باید به والدین خود اعتماد داشته باشند و بنابر این آن را در دروسی که بتکرار فرا میگیرند کم کم درک کنند.

**با قاعده اخلاقی و نمونه تعلیم دهید-** مادر در آموزش فرزندان خویش در یک مدرسه دائمی است. در حالیکه فرزندان خود را آموزش میدهد خود نیز هر روزه درسی یاد میگیرد. دروسی را که با خویشتنداری به فرزندان خود میدهد باید توسط خودش نیز اعمال گردد. او در برخورد با افکار و حالات مختلف در فرزندان خویش به نیروهای هوشمندانه ای نیاز دارد ، در غیر اینصورت در معرض خطر اشتباه در تشخیص خواهد بود و با فرزندان خود جانبدارانه رفتار



خواهد نمود. قانون مهربانی را که او باید در خانه ممارست نماید باعث خواهد شد تا فرزندان مودب و مهربان شوند. از این جهت آنان روزانه دروسی تکراری خواهند داشت که با قاعده اخلاقی و الگو توأم خواهد بود.

معلمین در مدرسه اموری را بجهت آموزش انجام خواهند داد ولی الگوی شما بیش از آنچه که باید صورت گیرد با روشی دیگر به انجام خواهد شد. محاوره شما و روشی که در امور کاری و تجاری انجام می‌دهید، چیزهایی که به آن میل دارید و چیزهایی که از آن بیزار هستید همگی به قالب‌ریزی شخصیت کمک میکند. خوش مشربی، خویشنداری، متانت و نزاکتی را که فرزندان‌تان در شما می‌بینند دروس روزانه ای برای آنان خواهد بود. همانطور که وقت می‌گذرد این آموزش نیز می‌گذرد و هدف این مدرسه روزانه باید آن چیزی باشد که برای فرزندان‌تان انتظار دارید.

مراقب باشید تا نسبت به کودکان خود خشن نباشید... مطیع بودن را بطلیبید و به خودتان اجازه ندهید تا از روی بی‌مبالاتی با فرزندان خود صحبت کنید زیرا رفتار و کلام شما کتاب درسی است. به آنان در طول این دوره از زندگی آنان با ملایمت و لطافت رفتار کنید. بگذارید تا آفتاب شخصیت شما بر قلبهای آنان بتابد. این پسران و دختران در حال رشد بسیار حساس هستند و با تندخویی ممکن است به کل زندگی آنان آسیب بزنید. مراقب باشید و هرگز سرزنش و اوقات تلخی نکنید زیرا کمکی نخواهد کرد.

**والدین باید الگوی خویشنداری و پرهیزکاری باشند-** فرزندان باید تا آنجا که ممکن است از تحریک شدن رها باشند بنابراین مادر باید آرام بوده و شتاب نکند و از برانگیختگی و شتاب در تشنج و عصبی شدن پرهیزند. این مدرسه انضباط برای خود و برای فرزندان‌شان است. در حالیکه به خردسالان درس خویشنداری می‌دهد او خود را آموزش می‌دهد تا الگویی برای فرزندان‌شان باشد. در حالیکه با علاقه در زمین قلبهای آنان کار میکند باید طبیعت گناه آلود را مهار کند. او کلام خود را مقهور می‌سازد و با فیوضات روح اخلاق خویش را بهبود می‌بخشد. غلبه بر خود دارای ارزش فوق‌العاده ای است و تشویقی خواهد بود برای فرزندان‌تان. شما شاید در موقعیت برتری بایستید و بگوئید که من کشاورز خدا هستم و ساختمان خدا هستم. خود را تحت کنترل دستانی قرار می‌دهم تا به شباهت الهی شکل گیرد تا شاید همکار خدا گردم و اذهان و خصوصیات فرزندان خود را شکل و فرم داده بطوریکه راه رفتن در مسیر خدا برایشان



آسانتر شود. پدران و مادران اگر خود را کنترل کنند پیروزی عظیمی را در کنترل فرزندانشان نصیب خود خواهند کرد.

### **ثمرات خویشتنداری- والدین ، هر زمان که کنترل خویش را از دست میدهند و گفتار**

و کردارتان با بد اخلاقی و ناشکیبایی همراه است بر ضد خدا گناه ورزیده اید. فرشتگان هر رفتار ناشکیبایی و بی مبالاتی و استهزاء کننده ای را ثبت میکنند. عدم عفت کلام و بلند کردن صدا مانند لکه ای بر ضد شخصیت مسیحی شما خواهد بود. با فرزندان خود با مهربانی سخن بگوئید. بخاطر داشته باشید که چقدر حساس هستید و چقدر کم میتوانید ملامت را تحمل کنید پس باری را بر دوش آنان نگذارید که خودتان نمیتوانید آنها را تحمل کنید زیرا که آنان ضعیفتر از شما هستند و آنقدر تاب تحمل ندارند. ثمرات خویشتنداری، فکور بودن و تحمل رنج صد چندان خواهد شد.

بگذارید تا کلام شاد و دلنشین شما پرتوهای نور آفتاب بر خانواده تان باشد. چنانچه والدین میخواهند تا فرزندانشان درست باشند و کار درست انجام دهند باید خود نیز در تئوری و در عمل درست باشند.

**فرزندان با اخلاق مسیحانه تحت تاثیر قرار میگیرند-** فرزندان رعایت کنندگان سبت از جوانی تعلیم گرفته اند تا سبت را رعایت کنند. برخی از اینها خیلی فرزندانی خوبی هستند و در انجام وظایف محوله دنیوی وفادارند اما اعتقاد راسخی به گناه و توبه از گناه ندارند. این قبیل افراد در وضعیت خطرناکی هستند. آنان به اخلاق و مساعی مسیحیان نگاه میکنند. آنان برخی از کسانی را میبینند که زیاد اعتراف میکنند ولی مسیحیان وظیفه شناسی نیستند و عقاید و کردارشان را با این موانع مقایسه میکنند و نظر باینکه در زندگیشان طغیان گناه وجود ندارد خود را تمجید نموده و محق جلوه میدهند.

و بدین خاطر بسیاری از والدین و معلمان ادعا میکنند که به کلام خدا ایمان دارند در حالیکه نوع زندگی آنان قدرت کلام را انکار نموده و با این وضع جوانان فکر میکنند که تعلیم کلام تاثیر زیادتری بر آنان نخواهد گذارد. گهگاهی جوانان قدرت کلام را احساس میکنند. آنان گرانبهای محبت مسیح را میبینند. آنان زیبایی صفات او را مشاهده میکنند و محتمل است تا





زندگی خود را برای خدمت به او وقف کنند. و همچنین زندگی کسانی را مشاهده میکنند که احکام خدا را حرمت مینهند.

**والدین باید به وسوسه ها جواب خیر بدهند-** مادران نباید اعمال دنیا را پیروی کنند زیرا که الگویی از تعهد به خدا در برابر فرزندان خود هستند پس باید به فرزندان خود یاد بدهند که به اغواها جواب منفی بدهند. بفرزندان خود معنی احکام را بفهمانید. " ای فرزند من، وقتی گناهکاران کوشش می کنند تو را فریب دهند، تسلیم نشو"<sup>33</sup>. ولی اگر میخواهید تا فرزندانمان قادر باشند تا به اغواها نه بگویند خودتان نیز باید قادر باشید تا نه بگوئید. برای بزرگترها ضروری است تا نه بگویند همانطور که برای یک کودک ضروری است.

**نجابت را با مثال نشان دهید-** با فرزندانمان مهربان و ملایم باشید آنگاه آنان ملایمت و نجابت را خواهند آموخت. بگذارید تا در خانه هایمان ثابت کنیم که مسیحی هستیم. اقرار به مسیحی بودن در خانه هایی که عطفوت و شکیبایی و محبت در آن نیست پوچ و بی ارزش است.

**مراقب لحن صدا و کلام خود باشید-** مگذارید تا کلام کج خلقی و درشتی و یا احساسات تند و شدید از لبانتان رها شود. فیض مسیح در انتظار خواسته شمامست. روح او قلب و باطن شما را کنترل خواهد کرد و و گفتار و کردار شما را هدایت خواهد نمود. هرگز عزت نفس خود را با کلام شتابزده و حلاجی نشده از دست ندهید. شاهد و ناظر کلام خالصانه و گفتگوی مقدسانه خود باشید. به فرزندان خود الگویی را از آنچه که دوست دارید باشند بدهید. بگذارید تا آرامش، کلام دلنشین و چهره های بشاش حضور بهم رسانند.

والدین در هر حال نمیتوانند با غرور در امان بمانند. آنان نباید روح خطاگیری و انتقاد و خودبزرگ بینی را از خود بنمایش بگذارند. کلامی که آنان گفتگو میکنند و لحنی که سخن میگویند خواه برای نیکوئی، درسهایی هستند که یا برای فرزندانمان خوب و مسرت بخش بوده و یا بد و رنجش آور خواهد بود. پدران و مادران اگر کلام نادرست از زبانتان جاری شود به فرزندان خود آموخته اید تا بهمین روش سخن بگویند. و تجلی تطهیر کننده روح القدس بی اثر خواهد بود. صبر ایوب در نیکوکاری ضروری است پس وظیفه خود را در قبال فرزندانمان انجام دهید.



**والدین ماموران خدا برای قالب‌ریزی شخصیت هستند** - ظرفیت ذهنی فرزندان‌تان شکل می‌گیرد - تأثیرات و خصوصیات قالب‌ریزی میشوند - ولی با چه الگویی؟

والدین باید بیاد داشته باشند که آنان نقش میانی را در حد فاصل این دنیا و جهان آخرت ایفا میکنند. و وقتی که در قبر در خواب هستند اعمال آنان باقی خواهد ماند و شهادت خواهند داد که آیا خوب یا بد بوده اند.

**نقش زدن تصویر الهی** - شما باید بیاموزید ، هشدار دهید و مشاوره کنید و همیشه بخاطر داشته باشید که شکل و شمایل و کلام و اعمال شما تأثیر بسزایی در هدایت جگرگوشه‌های‌تان برای آینده خواهد داشت. کار شما نقاشی بر روی کرباس و یا قلم زدن بر روی سنگ مرمر نیست بلکه نقش زدن تصویر الهی بر جان بشر است.

## بخش ۱۰

### تربیت و طریقه اداره آن

#### فصل چهل و یکم

#### اهداف تعلیم و تربیت

**استقلال برترین آرمان** - هدف از انضباط ، تربیت کودک برای خودمختاری و استقلال است. بنا بر این به محض اینکه او قادر به فهم شود استدلال را باید در کنار اطاعت بدست آورد. کسانی که با او در مرادوه هستند باید اطاعت و عدالت و رفتار معقول را از خود نشان بدهند. به او کمک کنید تا ببیند که همه چیز تحت قانون است و اینکه نافرمانی در پایان ماجرا به مصیبت و رنج ختم میشود. وقتی که خدا با محبت میگوید "نباید" در اصل از عاقبت نافرمانی به ما هشدار میدهد تا اینکه ما را از خسران و گمراهی نجات دهد.



استحصال قدرت اراده، هدف واقعی تنبیه و ملامت تنها زمانی موثر است که خطا کار خودش به سمتی سوق داده شود که خطایش را برای اصلاح ببیند. وقتی که چنین شد او را به مرجع عفو و آمرزش هدایت کنید.

آنانی که شاگردان خود را آموزش میدهند تا حس کنند که قدرت در خودشان نهفته است مردان و زنان محترم و سودمندی خواهند شد و همواره کامیاب خواهند بود.

**عادات منحرفانه و گرایشهای شرورانه را اصلاح و تادیب کنید-** این کار بعهده والدین است تا فرزندان خود را راهنمایی، مقید و کنترل کنند. بدتر از این نیست که به کودکان اجازه داد تا هرکاری که دلشان خواست بکنند و هوسها و آمال خویش را ارضا نمایند. نباید آنانرا رها کرد تا پیرو طبیعت و غرائز خود باشند. کاری بدتر از این نیست که فرزندان را آزاد بگذاریم تا برای لذت و تفریح زندگی کنند و راه عیاشی را در پیش گیرند... جوانان به والدینی نیاز دارند که آنانرا تعلیم و تربیت نموده و عادات و انحرافات غلط آنانرا اصلاح و گرایشهای شریانه را هرس نمایند.

**فرو ریختن قلمه شیطان-** مادران بدانند که سرنوشت کودکانشان در بعد وسیعی بدست آنان سپرده شده است. چنانچه در وظیفه خود کوتاهی کنند آنانرا در رتبه شیطان قرار داده و به مامورانی تبدیل میکند تا جانهای دیگران را به تباهی بکشانند. تادیب و انضباط متعهدانه و خدایسند آنانرا بسوی مسیح سوق میدهد و آنان نیز در عوض بر روی دیگران تاثیر خواهند گذارد و بدینگونه بسیاری از جانها بواسطه آنان نجات می یابند.

بدقت ملاحظه کنید و زخمهای رها شده را مرهم بگذارید. بیایید تا قلعه های خصم را فرو بریزیم. بیایید با ترحم عزیزانمان را اصلاح و آنانرا از قدرت دشمن بدور نگاه داریم. دلسرد و مایوس نباشید.

**احترام به اختیار والدین و اقتدار روحانی را آموزش دهید-** فرزندان به تعلیم و تربیت و انضباط نیاز دارند تا اینکه به اختیارات و اقتدار والدین احترام بگذارند. بدین طریق احترام به اقتدار الهی در قلوب آنان جای خواهد گرفت و آموزش خانواده مانند آموزش پیش مقدماتی خانواده برای ملکوت خواهد بود. آموزش کودک و جوان باید دارای خصوصیتی باشد که فرزندان آماده انجام وظایف مذهبی شوند و بنابراین شایسته شوند تا به سرای عالی ملکوت اذن دخول یابند.



کسیکه مرجع همه دانشهاست شرط صلاحیت ورود به بهشت برین را با این کلام تعین نموده است: "خوشباه حال آنان که ردای خود را می‌شویند تا حق دسترسی به درخت حیات را پیدا کنند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند"<sup>34</sup>. بهای ملکوت اطاعت از احکام خداست. و اطاعت از والدین درسی لازم الاجراست که فرزندان باید یاد بگیرند.

**اطاعت از اصول نه از روی اضطراب-** به فرزندان خودتان به دقت بگوئید که چه چیزی از آنان میخواهید. سپس بگذارید بدانند که حرف شما قانون است و بایستی اطاعت شود. از اینرو آنانرا تعلیم میدهید تا به احکام خدا احترام بگذارند که بصراحت "بایدها" و "نبایدها" را فرموده است. برای فرزندانان بسی بهتر خواهد بود تا با اختیار مطیع اصول باشند و نه از روی اجبار و اضطراب.

**درسی از اعتماد نهانی-** اسحق با دستهای لرزان و محزون پدرش محکم بسته شده بود زیرا که خدا چنین گفته بود. پسر خود را برای قربانی شدن تسلیم کرده بود زیرا به درستکاری پدرش ایمان داشت...

ایمان عملی ابراهیم برای منفعت ما در کلام خدا ثبت گردیده است که درس عظیمی از اعتماد به الزامات خداست، هرچند برای احساسات ما سخت و مشکل باشند ولی به فرزندان تسلیم کامل بودن به والدین و خدا را یاد میدهد. اطاعت ابراهیم بما می آموزد که برای تقدیم کردن به خدا هیچ چیزی آنقدر گرانبها نیست.

جوانان به اعتماد واکنش نشان میدهند- باید به جوانان نشان داده شود که مورد اعتماد هستند. آنان حس عزت و احترام دارند و میخواهند تا مورد احترام و ستایش قرار گیرند و این حق آنان است. چنانچه جوانان حس کنند که نمیتوانند بیرون بروند یا بیایند، یا به هر جایی بروند، و حس کنند که حتی در اتاقهایشان کسی مواظب آنان است و چشمان منتقد بر آنان مینگرد و آنان را سرزنش میکند، روحیه آنان تضعیف گردیده و از تفریح و سرگرمی لذتی نخواهد برد. این نظارت و مراقبت دائمی بیش از حد مضر میباشد زیرا باعث میگردد تا جوانان در هنگام وسوسه شیرین شیوه ای مخفی را پیش گرفته و برای رسیدن به خواهشهای جوانی عمل مقابله گرانه و پنهانی را در پیش بگیرند. ولی این مراقبت دائمی طبیعی نیست و شرارت بار می آورد



که باید در پی اجتناب از آن بود. بهبود بخشی جوانان برای رشد سلامت جسمی و شخصیتی متعادل مستلزم فعالیت و شادی و داشتن فضایی مطبوع و دلپذیر است.

**خوداتکایی در مقابل اقتدار محض** - خانواده های زیادی هستند که بنظر میرسد فرزندانشان خوب تعلیم دیده شده باشند در حالیکه تحت تقید نظام تربیتی هستند ولی هنگامی که آن سیستم از هم پاشیده شود (ممکن است آن سیستم خانواده و یا مدرسه باشد که آنها را تحت مقررات نگاه میدارد) بنظر میرسد که توانایی خود را برای فکر و عمل یا تصمیم گیری از دست بدهند. این فرزندان برای مدت‌های طولانی تحت مقررات آهنین بوده اند و به آنان اجازه داده نشده است تا برای خودشان فکر و عمل کنند - آنان به خودشان اعتماد ندارند تا برای خودشان قضاوت کنند و از خودشان نظری داشته باشند. و وقتی که از حیثه اختیار والدین خود بیرون رفته تا برای خودشان عمل کنند بسادگی توسط دیگران به مسیر اشتباه میروند. آنان ثبات شخصیت ندارند. آنان در قضاوت و داوری سریع العمل نبوده و بنابراین ذهن آنان بطور مناسب رشد و تقویت نیافته است. آنان بمدت طولانی تحت کنترل محض والدین بوده تا به آنان اتکا کنند - والدین ذهن و تصمیم آنان هستند.

در طرفی دیگر جوان نباید رها شده تا مستقل از نظر والدین و معلمین خود فکر و عمل کند. فرزندان باید تعلیم ببینند تا به تجربه دیگران احترام گذارده و از هدایت و راهنمایی والدین و اولیا بهره ببرند... آنان باید چنان آموزش ببینند که ذهن آنان با فکر والدین و معلمین متحد شده و چنان راهنمایی شوند که به قواعد و اندرزها حرف شنوی و توجه کنند.

**تعلیم سختگیرانه جوانان** - اگر آنان را بطور مقتضی هدایت نکنید تا با ظرفیت خود فکر و عمل کنند - و افکار آنان بدون احساس به عزت نفس و اعتماد بخود رشد کند قشری در جامعه بوجود خواهد آمد که در فکر و قدرت اخلاقی ضعیف خواهند بود. و وقتی که در دنیای واقعی سر پا می ایستند تا برای خود عمل کنند همان واقعیتی را آشکار میکنند که تعلیم دیده اند مانند حیواناتی که تعلیم دیده نشده اند. تربیت سختگیرانه والدین و معلمین در عوض اینکه هدایت کننده اراده آنان باشد آنها را به ضعف و ناتوانی رهنمون میسازد.

**وقتی یک ذهن بر دیگری تسلط داشته باشد منجر به شرارت میشود** - والدین و معلمینی که به کنترل کامل بر اذهان و اراده فرزندان می‌کنند باید از این لاف زندهای اغراق آمیز



دست بردارند زیرا آینده فرزندان خود را محدود به جبر و ترس مینمایند. آنگاه این گونه افراد آمادگی مسئولیت پذیری در زندگی را نخواهند داشت. وقتی که این جوانان بیش از این تحت قیمومیت والدین و معلمین نباشند مجبور میشوند تا برای خود فکر و عمل کنند و به مسیر غلطی رفته و تسلیم قدرت و سوسه میشوند. آنان در این زندگی توفیق نخواهند داشت و ناکارایی مشابهی در زندگی روحانی آنان دیده خواهد شد. اگر مریدان کودکان و نوجوانان اشتباهات خود را در تعلیم و تربیت ببینند برنامه آموزشی خود را تغییر خواهند داد. آن طبقه از آموزگاران که از کنترل کامل بر اراده دانش آموزان خود خشنودند معلمین موفق نیستند اگرچه بظاهر برای زمان کوتاهی مورد تمجید قرار بگیرند.

خداوند هرگز چنین تدبیر ننمود تا ذهن بشر تحت کنترل کامل دیگری باشد. و کسانی که تلاش میکنند که استقلال فردی دانش آموزان خود را با خود یکی کنند و برای آنان فکر و اراده و باطن شوند مسئولیتهای هولناکی را بعهده گرفته اند. این دانش آموزان در برخی از موقعیتهای بظاهر مانند سربازانی هستند که آموزش و مشق نظامی خوبی دیده اند. ولی وقتی محدودیتهای برداشته شود منتج به کمبود استقلال در عملکرد میشود و بخاطر اصول خشکی است که در آنان بوجود آمده است.

**مهارت و تلاش صبورانه** - قالب‌ریزی جوانان به رفتار درست به مهارت و تلاش صبورانه ای نیاز دارد. خصوصاً کودکانی که با میراث شرارت به این دنیا آمده اند که نتیجه مستقیم گناه والدین آنان است که به فرهنگی نیاز دارد تا استعدادهای فکری و اخلاقی آنان را رشد دهد. و مسئولیتهای والدین فی الواقع سنگین است. گرایشهای شیرانه باید بدقت مهار و با ملایمت فرو نشانده شود و ذهن به راه راست برانگیخته شود. کودک باید بمنظور خود اتکایی و داشتن اراده تشویق گردد. و همه امور باید خردمندانه انجام شود در غیر اینصورت هدف خواسته شده به نتیجه نخواهد رسید.



## فصل چهل و دوم

### زمان آغاز تعلیم و تربیت

نافرمانی فرزندان، نشانه ای از آخر زمان- یکی از نشانه های آخر زمان نافرمانی فرزندان از والدین است. و آیا والدین به مسئولیت خود واقف هستند؟ بسیاری بنظر می آید که بیش خود را برای نظارت بر فرزندان از دست داده اند و به افراط به خواسته های شیرانه آنان تن در داده و میگذارند تا از آنان نافرمانی کنند.

کودکان میراث خدا هستند و والدین با مسامحه در تربیت و دور شدن از خدا از وظیفه جدی خود کوتاهی میکنند. این اراده و یا هدف خدا نیست که فرزندان بی ادب، خشن، بی نزاکت، نافرمان، ناسپاس، نامقدس، بی پروا، متکبر و عاشق عیاشی باشند در حالیکه باید بیشتر در زمره عاشقان خدا باشند. کلام الهی اظهار میدارد که این شرایط اجتماعی نشانه آخر زمان است.

نظم و ترتیب تمام عیاری در آسمان وجود دارد که در وفاق و توازی کامل است. چنانچه والدین در اینجا مسامحه کارانه فرزندان خویش را تحت تاثیر قرار دهند چگونه میتوانند امید داشته باشند که معاشرینی شایسته برای فرشتگان مقدس در جهان آرامش و موزون در نظر گرفته شوند؟

کسانی که در این زندگی برای نظم و ترتیب حرمتی قائل نمیشوند برای نظام تربیتی که در ملکوت رعایت میشوند احترامی قائل نیستند. آنان هرگز به ملکوت اذن دخول نمی یابند زیرا که همه کسانی که شایستگی ورود می یابند برای نظم و ترتیب احترام قائل هستند. شخصیتی که در این زندگی شکل گرفته است تعیین کننده سرنوشت آینده خواهد بود. وقتی مسیح بازگردد خصوصیات افراد را تغییر نخواهد داد... والدین نباید از وظایف خود برای منفعت فرزندان خویش کوتاهی کنند. آنان باید چنان فرزندان خویش را تربیت کنند که برای اجتماع برکتی باشند و اجر خود را در جهان آخرت بیابند.



**وقتی که تربیت و انضباط شروع شود-** لحظه ای که فرزند خواسته و راه خود را انتخاب کند آن لحظه ای است که آموزش او برای انضباط آغاز میشود. این را آموزش ناخودآگاه میگویند. سپس کار هوشمندانه و نیرومندی آغاز میشود. بزرگترین بار و زحمت این کار الزاما بر دوش مادر است. و او شالوده آموزش کودک را در جهت رشد و تقویت و خصوصیات متعادل پی ریزی میکند...

غالباً تنها اطفال عزم راسخ خود را نشان میدهند. اگر این خواسته ها تحت اقتدار خردمندانه تری از خواسته های رام نشده کودکان قرار نگیرند آنگاه شیطان کنترل ذهن آنان را در دست گرفته و حالات و مشرب آنان را با اراده خود هماهنگ خواهد ساخت.

مسامحه در کار آموزش و تربیت انحراف خلق و خو را در بر دارد و خطایی جدی است زیرا که آنانرا خودخواه، طلبکار و غیر دوست داشتنی بار می آورد. آنان از معاشرت لذت نمیبرند بنابراین همیشه ناراضی بنظر میرسند. کار مادر در سالهای اولیه طفولیت آغاز میشود و نباید به شیطان شانس بدهد تا اذهان و تمایلات جگرگوشه هایشان را تحت تسلط و کنترل خود در آورد.

**ظهور شرارت را منکوب کنید-** والدین باید کار انضباط را از همان زمان که طفل را در آغوش دارند آغاز کنند. به آنان آموزش دهید تا اراده خود را تسلیم شما سازند. این امر میتواند با متعادل سازی و تحکم انجام بشود. والدین باید بر روحیه خود کنترل کامل داشته باشند و با ملامت و با قاطعیت خواسته کودک را تغییر دهند تا اینکه انتظار چیز دیگری را نداشته باشند مگر تسلیم خواسته های شما بشوند. والدین کار خود را فصلی شروع نکنید. اگر اولین خلق و خوهای آشکار شده مهار نگردند، کودکان کله شق و لجوج بزرگ میشوند که این حالت با رشد آنان افزایش می یابد و با قوت آنان تقویت میشود.

**آیا برای تنبیه بسیار کوچک هستند؟** ایلی خانه خود را مطابق با احکام خدا اداره نمود. او عقیده و نظر خود را متابعت نمود. پدر علاقمند از خطایا و گناهان پسران خود در کودکی چشم پوشی کرد و خود را ایجاب نمود که پس از بزرگ شدن از تمایلات شیربرانه خود دست خواهند کشید. در حال حاضر نیز خیلی از افراد چنین اشتباهی میکنند. آنان خیال میکنند که راه بهتری را برای آموزش فرزندان خود دارند که بهتر از آن چیزی است که خداوند در کلام خویش اعطا





نموده است. و تمایلات غلطی را در آنها پرورش میدهند و بر بهانه خود اصرار میورزند که "آنان برای تنبیه بسیار کوچک هستند. صبر کنید تا بزرگتر شوند آنگاه درک و شعور بدست خواهند آورد". از اینرو عادات غلط آزاد گذاشته شده تا تقویت شوند تا جایی که ذات و طبیعت دوم آنان بشود. فرزندان بدون محدودیت و تقید رشد میکنند، با ویژگیهایی شخصیتی که برای طول زندگی آنان لعنتی محسوب شده و باعث تکثیر در دیگران میشود.

لعنتی بزرگتر از این بر خانواده نیست که اجازه داده شود تا جوان براه خود برود. وقتی والدین هر خواسته فرزندان خویش را مورد توجه قرار داده و آنان را نسبت به چیزی که خیریتی برایشان ندارد نازپرورده میکنند آنگاه فرزندان تمامی احترام خود را برای خدا و والدینشان از دست میدهند و در راه به اسارت در آمدن اراده شیطان هدایت میشوند.

**بیش از هر کاری آموزش و تربیت را در خانه مقدم بشمارید** - بسیاری به فرزندان کشیشان و معلمان و مردان خوش آوازه پرهیزگار اشاره میکنند و اصرار میورزند که چنانچه این مردان با امتیازات ممتازی که دارند در اداره خانواده شکست خورده اند پس آنانیکه در مقام پائینتری قرار دارند نیازی به امید به کامیابی نخواهند داشت. سوالی که باید پاسخ داده شود اینست که آیا این مردان الگویی درست و آموزه ای متعهدانه و تقیدی مقتضی به فرزندانشان ارائه نموده اند؟ با اهمال از این واجبات است که این قبیل والدین به جامعه فرزندان را میدهند که با ذهن نامتعادل در نگاه داشتن قیودات ناشکیبا بوده و نسبت به عملکرد تکالیف زندگی نادان و جاهلند. در این حالت آنان به دنیا صدمه میزنند - سنگین تر از همه خیراتی که با زحمت خود بکمال رسانده اند. چنین افرادی انحرافات شخصیت را بعنوان ارثیه ای به اولاد خود منتقل میکنند و در زمان مشابه الگو و تاثیر شریانه آنان جامعه را تباه و کلیسا را به ویرانی خواهد کشاند. ما نمیتوانیم فکر کنیم که هر انسانی هر چند توانایی و سودمندی او بزرگ باشد بهترین خادم خدا یا دنیاست در حالیکه زمان خود را بدنبال کارهای دیگری اختصاص داده و نسبت به فرزندان خود کوتاهی میکند.

**وعده همیاری ملکوتیان** - خداوند تربیت و انضباط صالحانه و صحیح را برکت خواهد داد.

مسیح فرمود: ولی بدون من هیچ کاری نمیتوانید بکنید. فرشتگان آسمانی نمیتوانند با پدران و مادرانی که در تربیت فرزندان خویش کوتاهی میورزند همکاری کنند زیرا که اجازه میدهند تا شیطان آن طفل کوچک را در دستان خود بگیرد و ذهن جوان و با طراوت او را بازیچه دست قرار داده و بدانوسیله بتواند کار روح القدس را خنثی و بی اثر نماید.



## فصل چهل و سوم

### نظم و انضباط در خانه

**خانواده های منظم و مرتب-** این وظیفه کسانی است که ادعا میکنند که مسیحی هستند تا معرف خانواده های منظم و مرتب باشند- خانواده هایی که قدرت حقیقی مسیحیت را نشان میدهند. تعلیم و تربیت حکیمانه فرزندان کار ساده ای نیست. هنگامیکه والدین سعی میکنند تا ترس و داوری خدا را در مقابلشان نشان دهند مشکلات بر میخیزند. فرزندان کزی و کاستی پیوند خورده با قلبهایشان را آشکار میسازند. آنان حماقت بی نیازی از دیگران و نفرت از مقید بودن و انضباط را پدیدار میکنند. آنان مبادرت به حيله گری و سخنان کذب میکنند. بسیاری از والدین در عوض تنبیه کردن فرزندان بخاطر چنین تقصیراتی خود را به کوری میزند تا لایه های زیرین مشکل را نبینند و معنی واقعی این چیزها را تشخیص ندهند. بنابراین کودکان به کارهای منحرفانه خود ادامه داده و شخصیتی که خداوند تایید نمیکند را شکل میدهند.

والدینی هستند که معیار و استاندارد خدا را دوست ندارند و عبارتی میخواهند تا از ژاکت مخصوص دیوانگان<sup>35</sup> برای تعلیم فرزندان خود استفاده کنند. بسیاری از والدین از اصول مقدس کلام خدا بیزار هستند زیرا این اصول مسئولیت بسیار زیادی بر دوش آنان میگذارد.

**محدود کردن فرزندان کار ساده ای نیست-** در شرایط جاری در اجتماع محدود کردن و راهنمایی فرزندان مطابق با قواعد درست کتاب مقدس کار ساده ای بنظر نمیرسد. وقتی والدین همچون ابراهیم کهن بخواهند فرزندان خود را در هماهنگی و توازن با احکام کلام خدا تعلیم دهند فرزندان چنین میپندارند که والدین آنان بیش از حد نگرانند و قاطع بودن و سختگیری آنان غیر ضروری است.

**ایده های غلط در باره محدودیت-** والدین! اگر طالب برکت خدا هستید آنچه را انجام دهید که ابراهیم چنان کرد. شریر را منکوب و سرکوب کنید و نیکی را ترغیب نمایید. بعضی تحکم ها بجای خود ضروری است ، خصوصا برای انحراف و لذت طلبی کودکان مشاوره و اندرز دادن الزامی است.



اگر به فرزند اجازه دهید تا از انگیزه های ذاتی و طبیعت نا آرام خود پیروی کند او رو بزوال گذارده و در شرارت حاذق میگردد. والدین خردمند به فرزندان خود نمیگویند: "از تصمیم خودت پیروی کن و هر جایی که دوست داری برو و هر کاری که دوست داری انجام بده" ولی میگویند: "به آموزه های پروردگار گوش کن". قواعد و مقررات خردمندانه بایستی تعیین و تحمیل شود تا زیبایی زندگی ضایع نگردد.

**چرا خانواده عخان<sup>36</sup> هلاک گردیدند-** آیا توجه کرده اید که چرا همه کسانی که وابسته به عخان بودند مشمول مجازات خداوند گردیدند؟ زیرا آنان مطابق با رهنمودها و معیار عالی احکام خدا آموزش ندیده بودند. والدین عخان پسر خود را تربیت کرده بودند بطریقی که حس میکرد که از اطاعت از کلام خدا فارغ و آزاد است. اصولی که در زندگی او جا گرفته بود باعث شد تا او نیز با فرزندان خود به روشی ناثواب در تعلیم برخورد کند. هر عملی را عکس العملی است. مجازات مشمول خویشاوندان عخان گردید و آشکار کننده این واقعیت بود که همگی متهم و خاطی بودند.

**چشم پوشی کورکورانه والدین بزرگترین سد در برابر تعلیم و تربیت است-** گناه مسامحه و کوتاهی والدین تقریباً موضوعی عالمگیر است. معمولاً کسانی که در قرابت و خویشاوندی هستند از خیلی چیزها چشم پوشی میکنند. این حس عاطفه و ترحم به اوج میرسد و با حکمت و خداترسی هماهنگ نیست. چشم پوشی کورکورانه والدین بزرگترین مانع در برابر تعلیم مناسب فرزندان است. این موضوع مانع تربیت و تادیب میشود چیزی که خداوند آنرا لازم ساخته است. در زمانهایی بخاطر این عطفوت بنظر میرسد که والدین از قوه استدلال و عقل برخوردار نیستند. این مانند ملایمت و ترحم با فرد بدکار است - والدین بظاهر محبت میکنند ولی این محبت کورکورانه ظلمی است که خود را در جامه عطفوت پنهان ساخته است. این جریانهای تند زیرگذر و خطرناک رودخانه است که فرزندان را برای هلاکت با خود میبرد.

والدین پیوسته در خطر افراط در عطفوتهای احمقانه اند که اطاعت از احکام خدا را زایل میکند. بسیاری از والدین برای خشنود کردن فرزندانیشان آنچه که خداوند ممنوع ساخته را مجاز و روا میدارند.



**والدین مسئول اعمال فرزندان خویش هستند** - چنانچه پدران و مادران بعنوان مربیان در خانه اجازه دهند تا کنترل را بدستهای خود بگیرند و خودسری کنند آنان مسئول آنچه هستند که فرزندانشان انجام داده اند.

کسانیکه با محبت کورکورانه برای فرزندان پیرو گرایشهای خود هستند و نسبت به خواسته های خودخواهانه مخالفتی نمیکنند و تحکم خدا را برای توییخ خطا و اصلاح شرارت اعمال نمیکنند در اصل بطور بارز و آشکار فرزندان بدکار خود را بیش از خدا تمجید میکنند. آنان بیشتر در صدد نگاه داشتن آبروی خود هستند تا اینکه خدا را جلال دهند و بیشتر مشتاق خرسند نمودن فرزندان خود هستند تا اینکه خدا را خشنود سازند... آنانیکه جرات کمی برای نکوهش رفتار اشتباه دارند و آنانیکه بسبب رخوت و یا کم علافگی تلاش مجدانه ای برای پالایش خانواده و یا کلیسای خدا نمیکنند باید جوابگوی کوتاهی از وظیفه خود باشند که منتج به شرارت گردیده است. ما به همان اندازه که شرارتهای دیگران را موشکافی میکنیم بایستی بواسطه اختیاراتی که بعنوان والدین و یا مبشر داریم شرارتهای و معضلات خود را نیز ببینیم و آنرا موشکافی کنیم.

**جایی برای غرض ورزی وجود ندارد** - بسیار طبیعی است که والدین نسبت به فرزندان خود جانبدارانه عمل کنند. خصوصا چنانچه این اولیاء احساس کنند که توانایی برتری دارند فرزندان خود را نیز نسبت به دیگران برتر میدانند. از اینرو بسیاری از کارهای دیگران که منتقدانه مورد سرزنش واقع میشود برای فرزندان خودشان بعنوان کاری هوشمندانه و جالب توجه تلقی میشود. در حالیکه این جانبداری طبیعی است ولی ناعادلانه و عملی غیر مسیحانه است. خطای فاحشی است که بفرزندان خود اجازه دهیم تا خطاهایشان اصلاح نشود.

**با شیر سازش نکنید** - باید تصریح کرد که مقررات خداوند مصالحه و سازش با شیر را بر نمیتابد. نافرمانی در خانه و در مدرسه نباید تحمل شود. هیچ پدر و مادر یا معلمی که در قلب خود جویای سلامتی و خوشی کسانی است که تحت مراقبت او هستند نباید با خودخواهی های لجوجانه که اولیاء امور را به چالش میکشد یا با عذر و بهانه طفره میبرد یا برای فرار از اطاعت متوسل به حيله میشود سازش و مصالحه کنند. این محبت نیست بلکه احساساتی بودن است که با خطاکاری سهل انگاری میکند و با چرب زبانی و رشوه در پی ایجاب کردن و توجیه اشتباهکاری هاست.



در بسیاری از خانواده ها افراط و نافرمانی نادیده گرفته شده و اصلاح نمیشود و غرور را آشکار میکند - روحی که با حذاقت شرارت‌های پرگزندی را در شخصیت فرزندان خلق میکند. والدین باید همیشه طریقه‌های سهل انگارانه منتهی به تیره روزی را اصلاح کنند. زیرا اگر چنین نکنند حرمت پدری و مادری و برادری و خواهری خود را از دست میدهند.

**والدین از فهم اصول صحیح قصور می‌ورزند-** دیدن بلاهت و کند ذهنی والدین حزن آور است زیرا که خدا به آنان حکمت و اختیار بخشیده است و از آن غافلند. مردانی که در هر چیز دیگری ثابت قدم و هوشیارند از درک اصولی که باید برای تربیت جگرگوشه هایشان بکار برده شود قاصرند. آنان از ارائه آموزه های درست و بهنگام و امانده اند و الگوی خداگونه ای را عرضه نمیدارند و در جایی که برای هدایت اذهان بی تجربه در مسیر راست عزم راسخ نیاز است کوتاهی میکنند و نسبت به درک حيله گری ها و تاثیرات مهلك اهتمام نمی‌ورزند.

آلام و مصیبت‌های عظیمی بر خانواده بشر نازل شده است زیرا اولیاء از نقشه الهی دور افتاده اند و خیالات و فرضیات ناقص و باطل را دنبال میکنند. بسیاری از والدین بدنبال انگیزه ها و خواسته های خود میروند. آنان فراموش کرده اند که خیریت حال و آینده فرزندانشان مستلزم تربیت و انضباط هوشمندانه است.

**خداوند برای سوء مدیریت بهانه ای نمی‌پذیرد-** تمرد و سرکشی اغلب در قلب کودکان وجود دارد زیرا که والدین آنان را درست تربیت و تادیب نکرده اند. اگر مسیر درستی در تربیت اتخاذ میشد فرزندان شخصیت خوب و موزونی را شکل میدادند. در حالیکه والدین قدرت تادیب و آموزش و تربیت کودکان را دارند آن قدرت را باید برای خدا بکار ببرند. خداوند از آنان اطاعتی بدون تردید و بی نقص و خالصانه را طلب میکند.

**بر روح ذاتی سرسختی غلبه یابید-** بعضی از فرزندان بطوری طبیعی سرسخت تر از دیگران هستند و تسلیم اطاعت نمیشوند و متعاقبا خود را ناپسند و نامطبوع نشان میدهند. اگر مادر برای برخورد با این مرحله از شخصیت حکمت بخرج ندهد وضعیت نامطلوبی پیش خواهد آمد زیرا که این قبیل فرزندان برای تباهی خود شیوه خود را دارند. ولی ارج نهادن به روح سرکش و لجوج برای کودک بسیار بد است زیرا او با تلخی و نامهربانی رشد و نمو میکند و به



بزرگسالی میرسد زیرا که مادر از تحت کنترل قرار دادن و مقید نمودن فرزند خود کوتاهی ورزیده است.

**هرگز به کودک نگوئید: "نمیدانم با تو چکار کنم"** - هرگز چنین چیزی نگوئید. نظر باینکه به درگاه خداوند دسترسی داریم بعنوان والدین باید از ادا کردن چنین کلماتی شرمگین باشیم. نزد عیسی بروید و او بشما کمک خواهد کرد تا جگرگوشه هایتان را نزد او بیاورید.

**حکمرانی در خانواده باید با سختکوشی مطالعه شود** - شنیده شده که مادران گفته اند که توانایی حکمرانی را مانند دیگران ندارند که این استعداد خاصی است که از آن بی بهره اند. آنانیکه ناکارایی در این رابطه را درک کرده اند باید موضوع حکمیت در خانواده را بدقت مورد مطالعه قرار دهند. و با این وجود ارزشمندترین پیشنهادات دیگران نباید بدون اندیشیدن و تشخیص پذیرفته شود. آن پیشنهادات ممکن است که با شرایط محیطی هر مادری وفق نداشته باشد یا ممکن است که در خلق و خوی خاص هر فرزند در خانواده سازگار نباشد. مادران باید با توجه تجربیات دیگران را بررسی و تحلیل کنند و به تفاوت بین روشهای دیگران و خودشان توجه کنند و با دقت آن روشهایی را که با ارزش جلوه میدهند را آزمایش کنند. چنانچه یک روش از تربیت نتایج مطلوبی بهمراه نداشت برنامه دیگری را امتحان کنید و به تأثیرات آن بدقت ملاحظه کنید.

مادران فراتر از همه باید با اندیشیدن و تفحص خو بگیرند. چنانچه در طی مرور پشتکار بخرج دهند خواهند یافت که استعدادی را کسب میکنند که خود آنها ناکارا مینداشتند که بموجب آن فراگیری شخصیت درستی را برای فرزندانشان شکل میدهند. نتیجه زحمات و اندیشه های این کار در فرمانبرداری و سادگی و فروتنی و خلوص آنان دیده خواهد شد و اجر فراوانی را برای همه تلاشهایشان در پی خواهد داشت.

**والدین در تربیت و تادیب وحدت نظر داشته باشند** - مادران همیشه باید با پدران همکاری تا شالوده یک شخصیت مسیحی خوب را در کودکان خود پی ریزی نمایند. پدر تمجید کننده نباید چشمان خود را بر خطایای فرزندان خویش ببندد زیرا تادیب و اصلاح خوشایند نخواهد بود.



اصول درست باید در ذهن کودک بنا نهاده شود. چنانچه والدین در کار تربیت و انضباط متحد شوند کودک خواهد فهمید که چه مطالباتی از او خواسته خواهد شد. ولی چنانچه پدر با حرف یا نگاه نشان دهد که او موافق تادیب و تربیت مادر نیست - اگر حس کند که او بیش از حد قاطع است و فکر کند که بخاطر تندی باید مهربانی و نوازش کند آنگاه کودک تباه خواهد شد. والدینی که بخاطر دلسوزی نیرنگ میزنند به کودک یاد میدهند که او میتواند هر کاری را که خوشش بیاید انجام دهد. والدینی که مرتکب چنین خطایی بر علیه فرزندان خود میشوند برای تباهی جان آنان باید پاسخگو باشند.

**تاثیر اختلاط عطوفت و تحکم-** بگذارید تا پرتو فیض آسمانی شخصیت شما را منور سازد که باعث درخششی در خانه خواهد بود. بگذارید تا آرامش و کلام دلپسند و سیمای بشاش در وجودتان متجلی شود. این محبت کورکورانه نیست و ملایمیتی نیست که گناه و افراط نابخردانه را ترغیب میکند و این ظلم محض است - نه آن محبت کذب که به فرزندان اجازه میدهد تا والدین را اسیران تمایلات خود گردانند. اینها نباید عملکرد جانبدارانه والدین باشد و نه ظلم و ستم. اختلاط عطوفت و قاطعیت تاثیر مثبتی را بر خانواده میگذارد.

**صفات خدا را در تربیت ارائه نمایید-** در عملکرد به آموزه های کتاب مقدس استوار و قطعی ولی از احساسات تند و شدید بر حذر باشید. در ذهن بسپارید که وقتی در مقابل عزیزانتان تندی و نابخردی کنید به آنان یاد میدهید که همانطور باشند. خداوند از شما میخواهد تا فرزندان خود را آموزش دهید و تحت انضباط خود در آورید همانند یک معلم خردمند که تحت اوامر خداست. اگر قدرت متحول کننده خدا در خانه بکار برده شود خودتان نیز محصلی دائمی خواهید بود. شما معرف شخصیت خدا خواهید بود و تلاشهای شما در این مسیر خداوند را خشنود خواهد ساخت. از کاری که باید برای اعضای کوچکتر خانواده خدا انجام بشود کوتاهی نکنید. والدین نور خانه هستند. پس بگذارید تا نور شما با کلام دلپسند بدرخشد با لحنی که آرامش بخش باشد. دعا کنید تا خویشتندار باشید. و فرشتگان در خانه شما خواهند بود زیرا که نور شما را میبینند. تربیتی را که به کودکان خود داده اید جریانهای قوی و شفافی از خانه درست مدیریت شده به جهان ارسال خواهد کرد.

**از اصول راست منحرف نشوید-** در زمانهای کهن والدین حکمیت داشتند و بدین سبب فرزندان تحت تسلط والدین خود بوده و آنان را با ترس حرمت میگذاشتند ولی در این ایام آخر



این نظم وارونه شده است. بعضی از والدین تحت تسلط فرزندان هستند و بنابراین تسلیم آنان هستند. ولی تنها نظر باینکه فرزندان زیر سقف والدین بوده و وابسته به آنان هستند باید مطیع اوامر آنان نیز باشند. والدین باید با عزم فرزندان خود را ملزم نموده تا از نظرات درست آنان پیروی کنند.

**اگر نافرمانی خودسرانه محدود نشده است گامهای قاطعانه تری بردارید-** برخی از والدین راحت طلب و تن آسا از حاکمیت بر پسران سرکش خود واهمه دارند مبدا که از خانه فرار کنند. برای برخی انجام چنین کاری بهتر از باقی ماندن در خانه با نعماتی است که والدین فراهم آورده اند و همزمان حاکمیت بشری و الهی را پایمال میکنند. این ممکن است سودمند ترین تجربه برای این قبیل فرزندان باشد تا آن استقلال را که خیال میکنند بسیار مطلوب است را داشته و یاد بگیرند که زندگی بهای سنگینی دارد. بگذارید والدین به پسرشان که قصد فرار از خانه دارد بگویند که "پسرم اگر عزم به ترک خانه داری در عوض اینکه با مقررات مناسب و عادلانه خود را مطابقت دهی مانع تو نخواهیم شد. اگر خیال میکنی که دنیا رفتار دوست داشتنی تری از والدین دارد که از طفولیت از تو مراقبت نموده اند ، باید سرت به سنگ بخورد تا تجربه کسب کنی. وقتی بخواهی در خانه پدر خود بمانی آنگاه باید به مقررات او مقید باشی و از تو استقبال خواهد شد. تعهدات متقابل هستند و دو طرفه هستند. در حالیکه غذا و لباس داری و از مراقبت والدین برخورداری باید به مقررات و انضباط خانه احترام بگذاری. خانه من نمیتواند با دود بد بوی سیگار و کفر گویی و مستی آلوده شود. من میل دارم که فرشتگان خدا به خانه من وارد شوند. اگر کاملاً عزم داری تا شیطان را خدمت کنی باید با کسانی که آنانرا دوست داری قطع رابطه کنی.

اکثر اوقات فرزندان میدانند که بد میکنند و با اینحال یک مادر بی خرد به آنان التماس میکند و خطاهای آنان را پنهان میسازد. در بسیاری اوقات پسر سرکش خوشحال میشود زیرا والدین او جرات محدود کردن او را ندارند... والدین اطاعت را وادار نمیکند. این قبیل والدین فرزندان خود را به عیاشی ترغیب میکنند و خدا را با افراطگریهای نابخردانه خود بی حرمت میسازند. بخاطر این جوانان فاسد و متمرّد است که کنترل مدارس و کالجها بسیار مشکل گردیده است.

**از نیکوکاری خسته نشوید-** کار والدین ادامه دار است. این کار نباید یک روز با شدت و روز دیگر با بی مبالاتی انجام شود. بسیاری آماده اند تا کار را شروع کنند اما استقامت و





پشتکار بخرج نمیدهند. آنان مشتاق هستند تا کارهای بزرگی انجام دهند و از خودگذشتگیهای بزرگی کنند اما آنان از این مراقبت بلا انقطاع و تلاش در این امور کوچک روزانه - تربیت و اصلاح گرایشهای متمرذانه- کار آموزش، سرزنش یا تشویق مختصر شانه خالی میکنند. آنان میخواهند ببینند که فرزندان خطاهای خود را اصلاح و خصوصیت‌های درستی را شکل دهند و به قله های مرتفع نائل آیند. آنها میخواهند ببینند که فرزندان پله پله ترقی میکنند و نمیکشند ببینند که چون امیدهایشان بیدرنگ اجابت نشد مایوس و دلسرد شوند. بگذارید همه آن اشخاص دلیر باشند همانطور که بیاد می آورند کلام رسول را که میگوید: اگر کسی بذر در کشتزار هوی و هوس خویش بکارد، از آن خرمن مرگ را درو خواهد کرد و اگر در کشتزار روح خدا بکارد، از روح، حیات جاودانی را درو خواهد کرد<sup>37</sup>.

فرزندان رعایت کننده سبت ممکن است از محدود شدن صبر خود را از دست بدهند و فکر کنند که والدینشان بسیار سختگیر هستند و دشواری را در قلبهای خویش حس کنند و ناخشنود باشند و بر علیه کسانی که در حال حاضر برای عاقبت بخیری آنان کار میکنند برخیزند. اگر به زندگی شما چند سال اضافه شده باشد آنان والدین خود را برای مراقبت قاطعانه و نظارت متعهدانه در سالهای بی تجربگی مبارک خواهند خواند.

**هدارها را از کلام خدا بخوانید-** وقتی که کودکان خطا کنند والدین باید زمانی را اختصاص دهند تا با ملایمت از کلام خدا برایشان بخوانند، تذکراتی که مختص به آن مورد خاص باشد. وقتی که چیزی را تجربه کردند یا وسوسه شدند و یا نومید گردیدند از کلام ارزشمند تسلی دهنده برایشان قرائت کنید و به آرامی آنان را هدایت کنید تا به عیسی توکل کنند. از اینرو ذهن جوان به خلوص و شرافت سوق داده میشود. و با مشکلات عظیم زندگی قوه استدلال، تشخیص و قضاوت بکار انداخته میشود و همزمان دروس حقیقت الهی بر قلبها نقش میندازد. از اینرو والدین روزانه میتوانند شخصیت‌های فرزندان را قالب‌ریزی که بموجب آن بتوانند برای حیات اخروی شایستگی یابند.



## فصل چهل و چهارم

### تادیب و تربیت اصلاحی

از خدا بخواهید تا با اقتدارش بیاید- در فرمانبرداری در خانواده قاطع باشید ولی در جنبه‌ها چنین می‌کنید به‌همراه فرزندان خود در پی خدا باشید و از او بخواهید تا حاکمیتش را بیاورد. فرزندان شما ممکن است کاری کرده باشند که به تنبیه و تادیب نیاز باشد ولی اگر با روح مسیح با آنان برخورد کنید آنان دستان خود را بر گردن شما می‌اندازند و خود را در برابر خداوند متواضع ساخته و به اشتباه خود صحنه می‌گذارند. همین کفایت می‌کند. سپس آنان به تنبیه نیازی نخواهند داشت. بیایید خدا را شکر کنیم که چنین طریقی را گشود تا بدان وسیله به هر جانی دست یابیم. اگر فرزندان شما نامطیع هستند باید اصلاح شوند... قبل از اینکه آنان را اصلاح کنید در خود تعمق کنید و از خداوند بخواهید تا قلبهای فرزندان را آرام و مطیع سازد و به شما حکمت عطا کند تا بتوانید بنحو احسن با آنان برخورد کنید. در هیچیک از موارد این شیوه شکست نخورده است. شما نمیتوانید توقع داشته باشید که یک کودک امور روحانی را درک کند وقتی که او با شور و حرارت منقلب گردیده است.

**با شکیبایی فرزندان را راهنمایی کنید-** خداوند میخواهد که قلبهای این فرزندان از همان طفولیت برای خدمت خدا بتپد. در حالیکه برای استدلال بسیار کوچک هستند اذهان آنان را تا آنجا که میتوانید تغییر دهید و وقتی که بزرگتر شدند آنان را با الگو و مقررات تعلیم دهید که نمیتوانید خواسته های غلط آنان را بر آورده کنید. آنانرا با صبوری راهنمایی کنید. گاهی اوقات آنان باید تادیب شوند ولی نباید به شیوه ای باشد که فکر کنند که با خشم و عصبانیت تنبیه شده اند. اگر چنین کنید تنها برای بزرگتر شدن شرارت کار کرده اید. در جمع خانواده میتوان از بسیاری از اختلافات اجتناب کرد اگر والدین در آموزش فرزندان خود مطیع آموزه های و توصیه های خدا باشند.

**والدین باید تحت انضباط خدا باشند-** مادران باید بدانند که اذیت و آزار فرزندان در اثر جهالت آنان است و نباید صبر خود را از دست داده و از کوره در برونند. آنانرا با شکیبایی و محبت تعلیم دهید. با آنان قاطع باشید. اجازه ندهید تا شیطان آنانرا کنترل کند. آنانرا مقید کنید



تنها وقتی که خودتان نیز تحت انقیاد خدا هستید. مسیح در زندگی فرزندانان ظفر خواهد یافت چنانچه از او که بردبار و افتاده و خالص و بی عیب است یاد بگیرید. ولی چنانچه به اداره کردن آنان مبادرت بورزید بدون آنکه خویشنداری را ممارست کنید و بدون قاعده و فکر و دعا چنین کنید مطمئناً دستاورد شما جز تلخی چیز دیگری نخواهد بود.

**هرگز با عصبانیت تادیب و توبیخ نکنید** - شما باید با محبت فرزندان خود را اصلاح کنید. اجازه ندهید تا براه خود بروند تا عصبانی بشوید و تنبیهشان کنید. این قبیل تادیب در عوض اینکه چاره ساز باشد تنها به شریر کمک میکند. آشکار نمودن غضب به فرزند خطا کار شرارت را افزایش خواهد داد. این شیوه تنها او را بیشتر تحریک میکند و او را هدایت میکند تا احساس کند که شما نسبت به وی توجه و نگرانی ندارید. او با خودش استدلال میکند که شما نمیتوانید با او درست رفتار کنید.

به این بیندیشید که آیا خدا طریق اصلاح این فرزندان را نمیداند؟ او میداند که چه نتایج مبارکی خواهد بود چنانچه کار اصلاح و تربیت به شیوه ای انجام شود تا خوشنودی از آن حاصل شود و نه اینکه موجب بیزاری گردد...

از شما استدعا میشود که فرزندان خود را با عصبانیت تادیب نکنید. این زمانی است که باید با فروتنی و صبوری و دعا عمل کنید. زمانی که با فرزندانان زانو زده و از خدا طلب بخشش کنید. در پی بدست آوردن دل آنان برای مسیح باشید و با مهربانی و محبت آنها آشکار کنید و خواهید دید که قدرتی فراتر از آنچه بر زمین است با تلاشهای شما همیاری میکند.

وقتی که ملزم به اصلاح یک فرزند هستید صدای خود را بالا نبرید... کنترل خود را از دست ندهید. والدینی که یک فرزند را تادیب میکنند توجه خود را با عصبانیت بیشتر به خطا معطوف میکنند تا به کودک.

**سرزنش و اوقات تلخی هرگز کمکی نمیکند** - کلام نامالایم و خشونت آمیز منشاء آسمانی ندارند. سرزنش و ترشروئی هرگز کمکی نمیکند. در عوض باعث تحریک کردن احساسات میگردد. وقتی از فرزندان خطایی سر میزنند و سرکشی میکنند و شما وسوسه میشوید تا گفتار و اعمال تندی از خود نشان دهید قبل از اینکه آنها را تادیب کنید صبر کنید. به آنان فرصتی بدهید تا فکر کنند و اجازه بدهید تا عصبانیت فروکش کند.



همانطور که با محبت و ملامت با فرزندان خود برخورد میکنید هم شما و هم آنان از خداوند برکت دریافت میکنید. و ببندبشید که در روز داوری آیا هرکسی که با فرزندان خود مهربان و صبور بوده پشیمان خواهد بود؟

**عصبی بودن بهانه ای برای ناشکیبایی نیست** - والدین گاهی اوقات برای راههای غلط خود عذر و بهانه می آورند زیرا احساس خوبی از آن ندارند. آنان عصبی هستند و فکر میکنند که نمیتوانند صبور و آرام باشند و با روی خوش صحبت کنند. بدین سبب آنان خود را فریب میدهند و شیطان را خشنود میسازند زیرا در نظر میگیرند که فیض خدا برای آنان کفایت نمیکند تا بر ناتوانی های ذاتی غلبه یابند. آنان میتوانند و باید در همه اوقات خود را کنترل نمایند. خداوند از آنان چنین میطلبد. گاهی اوقات وقتی والدین از کار و زحمت خسته و کوفته اند یا از دلواپسی افسرده اند روح آرامش را ابقا نمیکند ولی فقدان شکیبایی را آشکار میکنند که خدا را ناخشنود و خانواده را مغموم میسازد. وقتی که والدین احساس ناراحتی میکنند نباید مبادرت به گناه ورزیده و همه خانواده را با کج خلقی مهلک خود مسموم کنند. در چنین اوقاتی بیشتر مراقب رفتار تان باشید و با خوش خلقی خود در صدد رفع مشکل بر آید و کلام دلنشین را بر زبان خود برانید. با ممارست در خویشنداری بیشتر تقویت خواهید شد. سیستم عصبی شما حساس نخواهد بود... عیسی ضعف و ناتوانی شما را میداند و از تجربیات ما آگاه است بنابراین او راهی مناسب برای ما تدارک دیده است که موافق با توانایی و ظرفیت ماست. گاهی اوقات همه چیز بنظر میرسد که در جمع خانواده اشتباه است. در همه جا کج خلقی وجود دارد و همه چیز بنظر بسیار تیره و نگون بخت می آید. والدین تقصیر ها را بر گردن فرزندان بیچاره می اندازند و خیال میکنند که آنان خیلی متمدن و نافرمان بوده و بدترین فرزندان دنیا هستند در حالیکه مسبب همه آشوبها خودشان هستند. خداوند از آنان میخواهد تا خویشنداری را تمرین کنند. آنان باید درک کنند وقتی خود را تسلیم ناشکیبایی و کج خلق میکنند سبب رنج و مصیبت دیگران میشوند. آنانیکه در اطراف ایشان هستند با روحی که از خود آشکار میکنند تحت تاثیر قرار میگیرند و چنانچه آنان نیز بنوبه خود روح مشابه را از خود بروز دهند شرارت طغیان خواهد نمود.



**گاهی اوقات قدرتی در سکوت نهفته است** - آنانیکه میل به کنترل دیگران دارند ابتدا باید خود را کنترل کنند... وقتی یک معلم یا پدر و مادر از کوره در میروند و در خطر نابخردانه سخن گفتن بر می آید (باید) سکوت اختیار کند. قدرت شگفت انگیزی در سکوت وجود دارد.

**امر کنید و فرمانبرداری را ملزم نمایید** - مادران باید مراقب باشند تا مطالبات غیر ضروری را مطرح ننموده و تحکم خود را در معرض نمایش دیگران در نیاورند. امر کنید ولی ببینید که اطاعت شوند. در تربیت و انتظام از آنچه که الزامی ساخته اید صرف نظر نکنید و پیگیر آن باشید. و از سرپرستی خسته نشوید زیرا فرزندان فراموش میکنند و کاری را که قدغن نموده اید را انجام میدهند. در همه دستوراتان در صدد تأمین بهترین خیریت برای فرزندان خود باشید و سپس ببینید که این دستورات اطاعت شده اند یا خیر. انرژی و عزم قوی داشته باشید و همیشه پیرو روح مسیح باشید.

**برخورد با فرزند بی مبالات** - وقتی از فرزندان میخواهید تا کاری انجام دهند و او میگوید "چشم همین الان انجام میدهم" و از انجام گفته اش فروگذاری میکند نباید از این موضوع بگذرید. شما باید از فرزند خود بخواهید تا پاسخگو باشد. اگر بدون توجه از آن بگذرید به فرزند خود عادات بی مبالاتی و بد عهدی را آموخته اید. خداوند به هر فرزندی مابشری داده است. فرزندان باید مطیع والدین خود باشند. آنان باید در حمل مشکلات و مسئولیتهای خانه کمک نمایند و وقتی که در کار تعیین شده خود غفلت ورزیدند باید برای توضیح فرا خوانده شده و کار ملزم شده را تمام کنند.

**نتیجه تادیب شتابزده و دمدمی** - وقتی که کودک کار اشتباهی کرد به اشتباه خود پی برده و حس زبون و پریشانحالی دارد. سرزنش کردن خطای آنان اغلب منتج به لجباجت و پنهانکاری میشود. آنان مانند شخص نا آزموده درد سر ایجاد میکنند و نکوهش کار خوبی برای آنان نمیکند. والدین باید در پی معطوف کردن ذهن آنان به مسیری دیگر باشند.

ولی مشکل اینجاست که والدین در مدیریت امور وحدت ندارند بلکه بیشتر با انگیزه های خود عمل میکنند تا اینکه پیرو اصول باشند. آنان بطور ناگهانی عصبانی میشوند و مانند اولیای متعهد مسیحی الگوی خوبی را در برابر فرزندان نشان نمیگذارند. یک روز از خطا کاریهای



فرزندانشان میگذرند و روز دیگر شکیبایی و خویشانداری از خود نشان نمیدهند. آنان راه خدا را برای انصاف و عدالت در پیش نمیگیرند. آنان در اغلب موارد مقصرتر از فرزندانشان هستند.

بعضی از فرزندان اشتباه پدران و مادرانشان را زود فراموش میکنند اما فرزندان که بطریقی متفاوت بزرگ شده اند نمیتوانند تنبیه غیر معقولانه و سخت را فراموش کنند. اما جان آنان صدمه دیده و ذهن آنان مغشوش گردیده است. مادر فرصتهای خود را برای القاء اصول درست در ذهن فرزندان از دست میدهد زیرا خویشندار نبوده و از فکر خود اخلاق و گفتار متعادلی را نشان نمیدهد. آرام باشید و از خشم بدور باشید که بموجب آن متقاعد شوند که دوستشان دارید حتی اگر آنان را تنبیه کنید.

**جذب کردن و تشویق گاهی اوقات بهتر از تنبیه کردن است-** من عمیقاً چنان در این کار شیفته شده ام که کودکانی را به فرزندی قبول کرده ام تا به این شیوه آنانرا تربیت کنم. هنگامی که اشتباهی میکنند در عوض تنبیه آنان را تشویق میکنم تا کار را درست انجام دهند. یکی از آنان عادت داشت هنگامی که نمیتوانست مطابق میلش عمل کند خود را بزمین می انداخت. به او گفتم "اگر امروز اخلاق خودت را خوب کنی من و عمویت با کالسکه ترا با خودمان به بیلاق میبریم تا یک روز را در آنجا خوش بگذرانیم. اما اگر خودت را بر زمین بیندازی جریمه ات این خواهد بود که از حق تفریح کردن محروم خواهی شد".

**با خطا سریعاً خردمندانه و قاطعانه برخورد کنید-** نافرمانی باید توبیخ شود. کار اشتباه باید تصحیح گردد. با شرارتی که در قلب کودک قرار گرفته باید برخورد شده و توسط والدین و معلمین بر آن غلبه یافت. با خطا باید سریعاً و از روی تعقل و با قاطعیت و عزم راسخ برخورد نمود. نفرت از کنترل، عشق به افراط در خوشگذرانی، سهل انگاری به امور ابدی، باید بدقت مورد بررسی و در رفع آن اقدام صورت پذیرد. اگر شرارت ریشه کن نشود جان از دست خواهد رفت. و بیش از این کسی که خود را آزاد میگذارد تا پیرو هدایت شیطان باشد پیوسته در پی فریفتن دیگران است. از همان سالهای اولیه باید در پی مطیع کردن فرزندانمان باشیم.

**چوب تادیت گاهی اوقات لازم است-** مادر ممکن است بپرسد آیا نباید هرگز فرزندم را تنبیه کنم؟ چنانچه توسل به طریقههای دیگر جواب ندهد تازبانه ممکن است ضروری باشد با این وجود تا جایی که ممکن است از چوب استفاده کند. ولی اگر اقدامات پیشگیرانه ملایم کفایت



نکند تنبیه مهرورزانه خواهد توانست کودک را به خود آورد. خیلی اوقات این طریق اصلاحات برای تمام زندگی کافی خواهد بود تا به کودک نشان بدهد که او نیست که افسار زندگی را در دست دارد.

و وقتی که این مرحله ضروری بشود کودک باید بطور جدی با این فکر تحت تاثیر قرار بگیرد که این کار برای لذت بردن والدین نیست یا برای نشان دادن قدرت حکمیت بلکه برای خیریت کودک است. او باید یاد بگیرد که هر خطای اصلاح نشده برای او حزن و اندوه بار می آورد و خدا را ناخشنود میسازد. تحت چنین انضباطی فرزندان با تسلیم نمودن خواسته خود به اراده خدا، به عظیمترین شادمانی دست خواهند یافت.

**متوسل شدن به آخرین تدبیر** - بسیاری اوقات خواهید یافت که اگر با آنان با عطف و محبت کنید آنان به تازیه نیازی نخواهند داشت. و این قبیل شیوه برخورد با آنان باعث میشود که بشما اعتماد کنند. آنان شما را محرم اسرار خود خواهند دانست. آنان نزد شما آمده و خواهند گفت که من امروز در این ساعت این اشتباه را کردم و میخواهم که مرا ببخشی و از خدا بخواهی که مرا ببخشد. من با چنین صحنه هایی روبرو بوده ام و بنابراین میدانم... من سپاسگزارم که دل و جرات داشته ام تا وقتی کار اشتباهی میکردند با آنان با قاطعیت رفتار کنم و با آنان دعا کنم و استاندارد کلام خدا را در برابرشان قرار دهم. وعده پاداش به کسانی که وفادارند عطا خواهد گردید.

**هرگز آتشین مزاج نباشید** - هرگز از کوره در نروید مگر اینکه باو بخواهید نزاع و ستیز را یاد بدهید. بعنوان والدین شما در برابر فرزندان در جایگاه خدا ایستاده اید و باید مواظب و محتاط باشید.

ممکن است مجبور شوید تا با چوب تنبیه کنید و این گاهی اوقات واجب است ولی هر گونه فرو نشانیدن مشکلات را بتعویق بیندازید تا اینکه خودتان آرام شده باشید. از خودتان بپرسید آیا شیوه ها و اراده ام را به خدا سپرده ام؟ آیا خود را در جایگاهی قرار داده ام که خدا بتواند مرا اداره کند از اینجهت که بتوانم حکمت و صبر و محبت و مهربانی در برخورد با عوامل سرکش در خانه داشته باشم؟



**هشدار به پدران تند مزاج-** آیا اندیشیده اید که کودک چیست و به کجا میرود؟ فرزندان شما اعضای جوانتر خانواده خدا هستند- برادران و خواهرانی که توسط پدر آسمانی برای مراقبت شما سپرده شده اند تا آنان را برای ملکوت آموزش و تعلیم بدهید. چنانچه با آنان مانند قبل با خشونت و تندی برخورد کنید آیا در نظر نمیگیرید که خدا برای این برخورد شما را برای حساب پس دادن فرا خواهد خواند؟ پس شما نباید با فرزندان خود را با درستی رفتار کنید. یک کودک سگ یا اسب نیست تا مطابق با خواسته تحکم آمیز شما امر و نهی شود و نباید در شرایطی با چوب و شلاق آنها را کنترل کرد یا با دست آنها را کتک زد. بعضی از فرزندان چنان بد طبیعت هستند که کتک برای آنان ضروری است ولی در بسیاری از موارد با چنین روشی از تنبیه بدتر میشوند...

هرگز دست خود را بر روی آنها بلند نکنید مگر اینکه بتوانید با وجدان آرام در برابر خدا سر تعظیم فرود آورید و برکت او را برای اصلاح و تربیت بطلبید. محبت را در قلبهای کودکان خود ترغیب کنید. چگونگی خویشنداری و انگیزه های صحیح را به آنان معرفی کنید. به آنان نگرشی ندهید که بخاطر شما خود را مقید به کنترل کنند زیرا آنان ضعیف هستند و شما قوی هستید - زیرا شما پدر هستید و آنان فرزندان هستند. اگر دوست دارید تا خانواده خود را ویران کنید به حکمیت خود با قوه قهریه ادامه بدهید و مطمئناً توفیق خواهید یافت.

**هرگز یک کودک خاطی را کتک نزنید-** والدین آموزش درست به فرزندانشان نمیدهند. اکثر اوقات آنان همان نقص را که در فرزندان دیده شده تکرار میکنند. آنان غذای نامناسب میخورند و باعث درد معده میشود و آنان انرژی حیاتی لازم را برای تحرک ندارند. آنان نمیتوانند فرزندان خود را بطور شایسته کنترل کنند زیرا حوصله و شکیبایی ندارند و نمیتوانند در مسیر درست آنان را تعلیم دهند. ممکن است که با درستی با آنان رفتار و با بی طاقتی آنانرا کتک بزنند. گفته ام که کتک زدن کودک دو روح شریر را کتک میزند در حالیکه ممکن است یک روح خارج شود. چنانچه کودک خاطی باشد کتک زدن او را بد تر میکند. و باعث رام کردن او نمیشود.

**ابتدا دلالت و دعا را بکار گیرید-** ابتدا با کودک خود با دلیل و منطق گفتگو کنید و بطور واضح به اشتباهاتش اشاره کنید و به آنها نشان دهید که نه تنها آنان بر ضد تو گناه ورزیده اند بلکه بر ضد خدا. با قلبی مملو از تاسف و اندوه برای اصلاح شدن اشتباه فرزندانان دعا کنید. سپس





خواهند دید که آنان را نه بخاطر اینکه مسبب زحمت و ناراحتی شده اند یا اینکه شما میخواهید به آنان غضب کنید بلکه بعنوان حس وظیفه برای خیریت خودشان - آنگاه آنان شما را دوست داشته و احترام خواهند گذاشت. آن دعا ممکن است چنان تأثیری بر اذهان آنان داشته باشد که خواهند دید که شما نامعقول هستید. و اگر فرزندان ببینند که شما نامعقول نیستید آنگاه به پیروزی بزرگی دست یافته اید. این کاری است که در این روزهای آخر در جمع خانواده انجام میشود.

**تأثیرات دعا در بحران انضباطی** - اگر کار اشتباهی از آنان سر زد آنان را با غضب خدا تهدید نکنید بلکه با دعاهای خود آنان را نزد مسیح بیاورید. قبل از اینکه باعث درد جسمی فرزند خود بشوید اگر پدر و مادر مسیحی هستید محبت خود را به آن خطاکاران نشان دهید. همانطور که نزد خدا سر تعظیم فرود می آورید کلام منجی را از روی دلسوزی بیان میکنید: "بگذارید بچه ها نزد من بیایند ایشان را بیرون نکنید چون ملکوت خداوند به آسانی تعلق دارد که مانند این بچه ها باشند!". آن دعا فرشتگان را کنار شما می آورد. فرزند شما این تجربیات را فراموش نخواهد کرد و برکت خدا مشمول چنین راهنمایی شده و آنانرا به مسیح هدایت خواهد نمود. وقتی فرزندان درک کنند که والدین آنان سعی در کمک آنان دارند انرژی خود را در آن جهت متمایل خواهند کرد.

**تجربه های شخصی در انضباط** - من هرگز به فرزندانم اجازه ندادم که فکر کنند که میتوانند در کودکیشان مرا بستوه در آورند. من همچنین در خانواده ام بچه های دیگران را نیز بزرگ کرده ام ولی هرگز به آن فرزندان اجازه ندادم تا فکر کنند که میتوانند موجب آزار مادر خود بشوند. هرگز بخودم اجازه ندادم تا حرفهای تند بزنم یا از کوره در بروم یا از فرزندانم عصبی بشوم. آنان هرگز نتوانستند مرا عصبانی یا تحریک کنند. وقتی که روح من بجوش می آمد یا وقتی که حس میکردم هر چیزی به خشمگین شدن دامن میزند میگفتم "فرزندان بگذارید همه چیز آرام باشد و بیشتر از این در این باره چیزی نگوییم. قبل از اینکه بازنشسته شویم در باره آن صحبت میکنیم!". با چنین عکس العملی قبل از شامگاه آنان آرام شده بودند و میتوانستم بخوبی با آنان رفتار کنم.

یک راه درست وجود دارد و یک راه غلط. من هرگز دستم را بر روی فرزندانم بلند نکردم. پیش از آن با آنان گفتگو میکردم اگر به اشتباه خود پی میبردند (و آنان همیشه چنین میکردند و با



آنان دعا میکردم) و اگر مطیع و آرام میشدند (و آنان همیشه چنین میشدند) آنگاه آنانرا تحت کنترل خود در می آوردم. هرگز آنانرا طور دیگری نیافتم. وقتی که با آنان دعا میکردم دل آنان نرم میشد و آنان دست خودشان را دور گردن من می انداختند و گریه میکردند...

هرگز بخودم اجازه ندادم تا برای اصلاح فرزندانم حتی صدای خودم را تغییر بدهم. وقتی چیزی اشتباه میدیدم صبر میکردم تا آنها از آسیاب بیفتند آنگاه به آنچه که کرده بودند اشاره میکردم تا آنها را شرمگین کنم. اگر به آنان یکی دوساعتی فرصت بدهم تا فکر کنند خجلت زده میشوند. من همیشه فاصله میگرفتم و دعا میکردم. و با آنها صحبت نمیکردم.

پس از اینکه برای مدتی بحال خودشان رها میشدند بعد آرام آرام بطرف من می آمدند. میگفتم صبر کنید تا شب. در آن زمان فرصتی برای دعا داشتیم و سپس به آنان میگفتم که آنان به جان خود صدمه زده اند و با رفتار خود روح خدا را غمگین کرده اند.

**زمانی را برای دعا بگذارید-** وقتی دلخور میشدم و وسوسه میشدم از کلامی سخن بگویم که از آن شرم داشتم ساکت میماندم و از کنار اتاق رد میشدم و از خدا درخواست میکردم تا بمن صبر بدهد تا فرزندانم را تعلیم دهم. سپس میتوانستم برگردم تا با آنان صحبت کنم. و به آنان بگویم که دوباره این کار اشتباه را نکنید. ما میتوانیم چنین کنیم و فرزندان خود را به خشم تحریک نکنیم. ما میتوانیم با مهربانی و شکیبایی صحبت کنیم و همیشه بیاد داشته باشیم که چقدر خود رای هستیم و چگونه دوست داریم که پدر آسمانی با ما رفتار کند.

حال این دروسی هستند که والدین باید یاد بگیرند و وقتی که این چیزها را آموختید بهترین شاگردان مدرسه مسیح خواهید بود و فرزندان شما بهترین فرزندان خواهند بود. در این طریق شما میتوانید بانان تعلیم دهید که برای خدا احترام قائل شوند و احکام او را رعایت کنند زیرا بهترین صلاحدید را برایشان دارید و با چنین کاری در اجتماع فرزندان را بزرگ میکنید که برای همه اطرافیان خود برکت خواهند بود. شما آنان را شایسته میسازید تا همکار خدا باشند.

**درد انضباط به خوشی منجر میشود-** روش حقیقی برخورد با رنجهای فرار از آن نیست بلکه تغییر دادن آن است. این موضوع در همه امور آموزشی و انضباطی اعمال میشود چه در ابتدا و چه در انتهای آموزش. اهمال در تربیت اولیه کودک و متعاقبا تحکیم تمایلات اشتباه، آموزش بعدی



او را مشکلتتر میکند و سبب میشود که تادیب و تربیت فرآیند دردناکی بشود. این باید برای غریزه طبیعی ما دردناک و بر ضد خواسته های فطری و طبیعی ما باشد ولی درد و محنت با خوشی ناپدید میشود. بگذارید تا کودک و نوجوان یاد بگیرد که میتوان بر هر اشتباه، هر خطا، هر مشکل فائق آمد و تجربیات اینچنینی مانند پلی خواهد شد که بتوان راحت تر از مشکلات عبور کرد. از طریق چنین تجربیاتی است که همه کسانی که زندگی را با ارزش نمودند به توفیق نائل آمده اند.

**از کتاب راهنمای الهی پیروی کنید-** والدینی که بتوانند بطور مناسب فرزندان خود را تربیت کنند به حکمت آسمانی نیاز دارند تا اینکه در همه امور وابسته به انضباط خانه بطور صالحانه و خردمندانه عمل کنند. کتاب مقدس راهنمای مدیریت بر فرزندان است. در اینجا اگر والدین بخواهند میتوانند درسی مشخص را برای آموزش و تربیت فرزندانشان بیابند که اشتباهی در آن نخواهد بود... وقتی این کتاب راهنما دنبال شود والدین در عوض نازپروری بیش از حد فرزندانشان اغلب از چوب تنبیه استفاده خواهند نمود و برغم ندیدن اشتباهات آنان - بدخلقی آنان - و تنها دیدن خوبیها- آنان بینش شفافی خواهند داشت و بر این امور از منظر کتاب مقدس نگاه میکنند. آنان خواهند دانست که باید به شیوه درستی به کودکان خود امر و نهی کنند.

خدا نمیتواند طغیان گران را به ملکوت خود راه دهد بنابراین اطاعت از احکام او به طور خاصی الزامی است. والدین باید با پشتکار فرزندان خود را به این جمله عادت دهند: (خدا چه فرموده است). سپس خداوند به فرشتگان و به بشر نشان میدهد که او حفاظی را در اطراف امت خویش بنا خواهد کرد.

**سهام شما و سهم خدا-** والدین وقتی وظیفه خود را در حد توانایی خود وفادارانه و مومنانه انجام دهند باید با ایمان از خداوند درخواست کنند کاری را انجام دهد که از حد و توان آنان خارج است. وقتی وظیفه خود را وفادارانه برای فرزندان خود انجام دادید آنگاه آنانرا نزد خدا برده و از او درخواست کنید تا بشما کمک کند. باو بگوئید که شما سهم خود را برای فرزندان انجام داده اید و بعد با ایمان از خداوند درخواست کنید که سهم خود را ادا کند، آن کاری که نمیتوانی انجام دهید. او دعای شما را خواهد شنید. او از اجابت دعاهای شما خشنود خواهد بود. از طریق



کلام او به شما سفارش میکند تا کودکان خود را اصلاح کنید و نباید وقتی گریه کردند آنانرا رها کنید و برای این امور باید به کلام توجه و به آن عمل کنید.

## فصل چهل و پنجم

### محبت و ثبات عزم

**دو راه و پایان آن-** برای برخورد با کودکان دو راه وجود دارد- راههایی که در اصول و نتیجه کاملا مختلف هستند. ایمان و محبت با حکمت و ثبات یکی بوده و مطابق با کلام خدا هستند که در این زندگی و حیات اخروی شادی بیار می آورند. مسامحه در انجام وظیفه برای برطرف نمودن یا اصلاح افراطگریهای نامعقول و نابخردیهای جوانان با شکست روبرو گردیده منتج به بدبختی و تباهی فرزندان و نومیدی و اضطراب در والدین میشود.

محبت، خواهری دوقلو دارد که نامش وظیفه است. محبت و وظیفه در کنار هم می ایستند. گاهی اوقات محبت ممارست میشود در حالیکه از انجام وظیفه کوتاهی میگردد و فرزندان را خودسر، سر سخت، گمراه و نامطمین میسازد. چنانچه به انجام وظایف سخت بپردازیم ولی محبت نداشته باشیم با نتیجه مشابهی نیز روبرو خواهیم شد. وظیفه و محبت باید با هم عجین گردد تا فرزندان بطور شایسته تربیت و تادیب شوند.

**خطایای اصلاح نشده اندوه بیار می آورد-** در هر جایی که ضرورت ایجاب کند تا خواسته کودک اجابت نگردد باید به طور جد به وی القا شود که این نه بخاطر مسرت اولیاء و یا افراط در اقتدار مستبدانه است بلکه برای خیریت اوست. او باید بیاموزد که هر خطای اصلاح نشده اندوه را برای او خواهد آورد و خداوند را ناخشنود خواهد ساخت. تحت چنین تربیت و انضباطی است که فرزندان با زیر پا گذاردن خواسته های خود برای بانجام رسانیدن اراده پدر آسمانی به عظیمترین خوشبها دست خواهند یافت. جوانانی که از انگیزه ها و خواهشهای درونی خود پیروی میکنند نمیتوانند در این زندگی به شادی واقعی دست یابند و در آخر حیات ابدی را از دست خواهند داد.



**مهربانی باید قانون خانه بشود** - طرز حکومت خداوند نمونه ای است که چطور باید فرزندان تربیت شوند. در خدمت خداوند هیچ ستم و جوری نیست و در خانه یا مدرسه نیز نباید جور و فشاری وجود داشته باشد. با اینحال معلمین و والدین نباید اجازه دهند که حرفهای آنان نادیده گرفته شده و با بی توجهی از آن بگذرند. اگر در اصلاح فرزندان خود برای اشتباه آنان غفلت ورزند خداوند بخاطر کوتاهی و مسامحه ایشان از آنان حساب پس خواهد گرفت. بگذارید تا مهربانی و عطوفت قانون خانه و مدرسه بشود. و نسبت به کودکان نباید بیش از حد خشن باشید. به فرزندان بیاموزید که احکام خدا را رعایت کنند و بگذارید تا تاثیر محبت آمیز و راسخ شما آنان را از شریر محافظت کند.

**جهالت کودکانه را مورد توجه قرار دهید** - پدران و مادران باید صفات الهی را در خانه نشان دهند. فرمانبرداری و اطاعت را الزامی کنید نه با قیل و قال بلکه با رفتار و منش محبت آمیز و مهربورانه. شما باید مملو از محبت و مهربانی باشید تا فرزندان مجذوب شما شوند. در خانه خوش برخورد باشید. هر کلامی که خلق و خوی نامقدسانه را برانگیزد باید مقهور و کنترل شود. این آیه حکمی الهی است: "در اینجا سخنی نیز با شما پدر و مادرها دارم: فرزندانان را بیش از حد سرزنش نکنید مبدا دلگیر و عصبی شوند"<sup>38</sup>. بیاد داشته باشید که فرزندان شما برای کسب تجربه کوچک هستند. در منضبط نمودن و کنترل فرزندانان باید قاطعانه ولی توأم با مهربانی رفتار کنید.

فرزندان همیشه درست را از غلط نمیتوانند تشخیص بدهند و وقتی کار غلط انجام دهند در عوض اینکه با مهربانی هدایت شوند اغلب با آنان با درشتی رفتار میشود. کلام خدا هیچ مجوزی را برای سختگیری یا تحت فشار قرار دادن نافرمانی کودکان نداده است. حکم خدا در زندگی و در اداره امور از محبت سرمدی نشأت میگیرد.

**دلسوزی برای کودک سرکش** - ضرورت دارد که والدین با حکمت مسیح با خطاهای فرزندان برخورد کنند... فرزندان سرکش و نومید کننده هستند که به شکیبایی و مهربانی و شفقت زیاد نیاز دارند. ولیکن بسیاری از والدین روح نامهربانانه و سرد را نشان میدهند که هرگز خطاکار را به توبه هدایت و رهنمون نمیسازد. بگذارید تا قلبهای والدین با فیض خدا نرم و ملایم شود و محبت خداوند راهی را بسوی دلها خواهد یافت.



قانون منجی- "با دیگران آن چنان رفتار کنید که می خواهید آنها با شما رفتار کنند" (لوقا ۶: ۳۱)- این کلام باید قانون همه کسانی باشد که آموزش کودکان و نوجوانان را بر عهده دارند. آنان اعضای جوانتر خانواده خدا هستند و همراه با ما وارث فیض خداوند هستند. حکم مسیح باید نسبت به کسانی که کند ذهن - جوان - سهوکار و حتی خطاکار و متمدن هستند مقدسانه رعایت شود.

**به فرزندان کمک کنید تا غلبه یابند-** خداوند نسبت به کودکان عطاقت دارد. او از آنها می خواهد تا هر روزه کامیاب شوند. همه ما باید تلاش نموده تا به فرزندان کمک کنیم تا پیروز باشند. اعضای خانواده نباید آنان را ناراحت کنند. مگذارید تا اعمال و گفتارشان بگونه ای باشد که فرزندان را به خشم و غضب تحریک شوند. با اینحال وقتی خطا کردند باید با ایمان تربیت و اصلاح شوند.

**هرزمان که ممکن بود آنان را تحسین کنید-** فرزندان را هنگامیکه کار خوبی میکنند تحسین کنید زیرا تقدیر حکیمانه به همان اندازه که برای بزرگترها خوب است به آنان نیز در بینش و بصیرت کمک عظیمی خواهد کرد. هرگز در جایگاه مقدس خانه مانند سنگ آسیاب نباشید. مهربان و با عطاقت باشید و ادب مسیحانه را از خود نشان دهید و برای کمکی که بشما میکنند از آنان تشکر و آنان را تحسین کنید.

**خوش آیند و دلپذیر باشید-** هرگز با صدای بلند صحبت نکنید و با کلام احساساتی و آتشین سخن نرانید. در مهار کردن و منضبط نمودن فرزندان قاطع و راسخ ولی مهربان باشید. آنان را تشویق کنید تا وظایف خود را مانند اعضای یک شرکت خانوادگی انجام دهند. قدردانی خود را برای تلاشهای آنان از عدم انجام کارهای اشتباه نشان دهید. همانگونه که دوست دارید فرزندان را وقتی عهده دار خانواده میشوند منصف باشند انصاف داشته باشید. همانطور که دوست دارید آنان گفتگو کنند گفتگو کنید.

**مراقب لحن صدای خود باشید-** همواره با آرامش و صدایی دلنشین صحبت کنید بطوریکه ابراز تندی در آن یافت نشود. تندی برای اطاعت عاجل ضرورتی ندارد. پدران و مادران شما مسئول فرزندان خود هستید. مراقب باشید که تحت چه تاثیراتی آنان را قرار میدهید. با سرزنش و تشرؤفی نفوذ خود را برای همیشه از دست ندهید. شما باید آنان را هدایت کنید نه اینکه



احساسات ذهنی آنان را بهم بریزید. در زمان برافروختگی مراقب باشید که لحن صدای شما باعث رنجش و آزدگی نگردد. مگذارید تا در شما جلوه روح شیطان را ببینند. این بشما کمک نخواهد نمود تا شایسته تربیت فرزندانتان برای آینده و زندگی جاودان باشید.

**عدالت باید با ترحم پیامیزد** - خداوند شارع و پادشاه است و والدین باید تحت قانون وی باشند. این قانون تمامی جور و فشارها را از خانواده ها و همه نافرمانی ها را از فرزندان باز میدارد. خداوند سرشار از مهربانی، رحمت و حقیقت است. حکم خداوند مقدس، عادلانه و نیکوست و باید توسط والدین و فرزندان مراعات و اطاعت شود. قوانینی که زندگی والدین و فرزندان را تنظیم میکند از محبت سرمدی جاری میشود و برکات باشکوه خداوند بستگی به اولیایی دارد که اداره کننده حکم خداوند در خانه هایشان است و بستگی به فرزندی دارد که احکام او را رعایت میکنند. اختلاط اثرات رحمت و عدالت باید احساس شود. "رحمت و راستی با هم ملاقات کرده اند عدالت و صلح یکدیگر را بوسیده اند"<sup>39</sup>. خانواده ها تحت چنین تربیتی در راه خداوند قدم خواهند گذاشت تا انصاف و عدالت را بجای آورند.

والدینی که اجازه میدهند قانون آنان مانند حکومت مطلقه باشد مرتکب اشتباه بدی شده اند. او نه تنها فرزندان خود را به خطا می اندازد بلکه خود نیز به خطا میرود. و محبتی که میتواند بواسطه اعمال و گفتار از قلبهای جوانان جاری شود را خاموش میسازد. مهربانی، مدارا، و محبت به فرزندان نشان داده میشود به والدین منعکس خواهد گردید. هر چه بکارید همان را درو خواهید کرد...

در حالیکه در پی اجرای عدالت و انصاف هستید بخاطر داشته باشید که عدالت خواهر دوقلویی بنام رحمت دارد. این دو در کنار هم خواهند ایستاد و نباید از هم جدا گردند.

**سختگیری و شدت روح نزاع را بر می انگیزد** - والدین سختگیر باید به مشاور مراجعه کنند - سختگیری و عدالت با محبت عجین نمیشوند و فرزندان را به انجام کار درست هدایت نمیکند. توجه داشته باشید که چطور بسرعت روح ستیز در آنان برانگیخته میشود. حال راه بهتری از اجبار و تهدید وجود دارد. عدالت خواهر دوقلویی دارد که محبت نامیده میشود. محبت و عدالت در تمامی تدبیرهایتان دست در دست هم دارند و مطمئناً از کمک خداوند برای تلاشهایتان بهره خواهید برد. خداوند آن رهایی بخش رؤف میخوهد تا شما را برکت دهد و فکر و فیض و نجات خود را بشما بدهد که بتوانید شخصیت و صفاتی بیابید که مورد تایید خدا باشد.



اختیارات و اقتدار والدین باید محض باشد با اینحال این قدرت نباید بد بکار برده شود. در کنترل فرزندان پدر نباید با گرایش فکری خود عمل کند بلکه با معیار کتاب مقدس باید مدیریت نماید. وقتی که او ویژگیهای خشن شخصیت خود را روا دارد او به سلطان مستبدی مبدل خواهد گردید.

**سرزنش و ملامت کنید ولی با شفقت و ملایمت-** بی شک خطاها و خودسری هایی را از فرزندان خود خواهید دید. برخی والدین میگویند که با فرزندان خود گفتگو کرده و آنانرا را تنبیه میکنند ولی آنان متوجه نیستند که این کار واقعا برای خیریت آنان موثر نیست. این قبیل والدین باید روش جدیدی را بکار برند. محبت و عاطفه و شفقت در اداره خانواده باید تلفیق شود و با این وجود آنان باید مانند صخره در اصول درست محکم و قاطع باشند. با جوانان و نوجوانان نباید سخت گیر و سنگدل باشید بلکه با عطف و ملایمت و دلسوز و ادیبانه و متقاعد کننده و رفیق باشید با اینحال آنان باید بدانند که خطاکاری ملامت را به همراه خواهد داشت و باید سرزنش شوند تا اعمال شریانه منقطع گردد.

والدین باید معیار و استاندارد رفتار را در خانه های خود ترفیع بخشند. به فرزندان خود بیاموزید تا فرمانبردار باشند. با تلفیق اقتدار مسیحانه و عطف بر آنان حاکم باشید. نوع زندگی و سخنان شما باید بگونه ای باشد که "خداترسی در تمام خانه برقرار باشد"<sup>40</sup>.

**همیشه اعتدال داشته باشید-** انضباط و تربیتی که با سرزنش سختگیرانه فرزندان را نومید میسازد یا آنان را بجهت اصلاح آزاده خاطر میسازد مورد تایید نیست. همچنین ناز و نوازش و دلنوازیهای مضرانه نیز خوب نیست. باید از نازپروریهای مفرط و سختگیریهای غیرضروری بطور یکسان اجتناب نمود. درحالیکه مراقبت و قاطعیت لازم الاجراست دلسوزی و ملاحظت نیز ضروری است. والدین بیاد داشته باشید که شما با فرزندان سروکار دارید که با وسوسه ها دست بگریبان هستند و برای آنان مقاومت در برابر القائات شریر به همان اندازه سخت است که برای افراد بالغ مشکل مینماید. فرزندان که واقعا مترصد بانجام کار درست هستند ممکن است بارها و بارها شکست بخورند و بکرات به تشویق نیازمندند تا با انرژی مداومت کنند. با دعا و نگرانی مراقب افکار این جوانان باشید. هر انگیزه خوبی را تقویت کنید و هر کردار شریف را ترغیب نمایید.





**ثبات عزم و کنترل در آرامش را ابقا کنید-** فرزندان طبیعت و ذات حساسی دارند. آنان بسادگی خشنود و به آسانی ناراحت میشوند. با تربیت و انتظام ملایم و آرام در گفتار و کردار مادران میتوانند فرزندان خویش را به قلوب خود پیوند دهند. استواری و کنترل در آرامش در انضباط هر خانواده ای ضروری است. منظور خود را با آرامش بیان کنید و با ملاحظه به پیش بروید و بدون انحراف در معیار آنچه را که میگوئید انجام دهید.

نشان دادن عطف به فرزندانان اجر خود را خواهد داد. با بازیهای کودکانه و غم و شادی های آنان مقابله نکنید. هرگز گره بر ابرویتان نیندازید و نگذارید تا کلام تند از لبانتان جاری شود.

حتی مهربانی باید حد و حدود داشته باشد. اقتدار باید با سختی و قاطعیت ابقا شود در غیر اینصورت مورد استهزاء و اهانت واقع میگردد. شفقت و عطف کذایی - نوازش کردن و نازپروری نوجوانان با والدین یا سرپرستان آنان بدترین شرارت و خسروانی است که بر سرشان می آید. قاطعیت، عزم راسخ، مصمم بودن و خواسته های مثبت در هر خانواده ای ضروری است.

**اشتباهات خودتان را بیاد بیاورید-** پدران و مادران بیاد داشته باشند که خود نیز کودکانی بوده اند که بزرگ شده اند. گرچه نورهای عظیمی بر راهشان تابیده شده است و تجربیات زیادی داشته اند با اینحال بسادگی به حسادت و رشک و سوء ظن می افتند. بخاطر اشتباهات و خطاهای خودشان باید بیاموزند تا با خطاهای کودکان با عطف و آرامش برخورد کنند. وقتی فرزندان بر خلاف خواسته شما عمل کنند احساس آزردهگی میکنید. ولی آیا هرگز اندیشیده اید که چه بسیار بر خلاف آنچه که خداوند به شما فرمان داده است عمل کرده اید؟

**چگونه اعتماد و محبت را جلب کنید-** معلمان و والدین در خطری هستند زیرا که بیش از حد امر و فرمان میدهند در حالیکه از داشتن ارتباط اجتماعی با فرزندان خود و محققان قصور میورزند. آنان اغلب خود را بکنار کشیده و با سردی و با رفتار غیر دلسوزانه عمل میکنند و از جذب قلوب فرزندان و دانش آموزان عاجز میمانند. چنانچه فرزندان را دور خود جمع کنند و نشان دهند که آنان را دوست دارند و علاقه خود را به همه تلاشهایشان نشان دهند و حتی در بازیها و سرگرمیهایشان گاهی اوقات حتی مانند بچه ها در میانشان بازی کنند میتوانند کودکان



را شاد کنند و محبت آنان را نسبت بخود جذب و اعتماد آنان را جلب نمایند. و کودکان بسرعت فرا خواهند گرفت که به مدیریت معلمان و والدین احترام بگذارند.

**در پی تقلید از مسیح باشید-** مسیح خود را فروتن و نیازمند و رنجور شناساند. او کودکان را در بغل گرفت و خود را در سطح یک نوجوان پایین آورد. محبت و قلب رقیق او رنجها و نیازهای آنان را احساس میکرد. و او از خوشیهای آنان خرسند بود. روح او از کشمکشها و پریشانیهای شهر شلوغ و ارتباط با مردان ریاکار خسته و بیزار بود. و آرامش را در جمع کودکان معصوم یافت. حضور او هرگز باعث نمیشد که آنان رانده شوند. سرور کائنات با تواضع آمد تا به سوالات آنان پاسخ دهد و دروس مهم را ساده بازگو کرد تا کودکان او را بفهمند. او بذرهای حقیقت را که جوانه زده و محصول فراوان بدهند را در اذهان آنان کاشت.

**جوان سرگردان و حادثه جو به دلسوزی نیاز دارد-** پسران به دلسوزی پدران نیازمندند. او خطا کرده است و شما میدانید و او میداند که شما میدانید و کلام محبت آمیزی که در کودکی معصومانه به او گفته اید و نتایج بدی حاصل نموده الان بنظر میرسد که نامهربانانه و مانند کارد تیز است... والدین در برابر اشتباه کاریهایی فرزندانشان احساس شرم میکنند ولی آیا خطاکار قلب والدین زمینی را باندازه قلب پدر آسمانی مجروح میسازد که به ما همچنان محبت خود را اعطا مینماید؟ او آن کسی است که ما را دعوت مینماید تا بسوی وی بازگشت نموده و از گناهان و بی انصافی های خود توبه کنیم و عصبان های ما را می آمرزد.

**محبت خود را بازپس نگیرید.** محبت و شفقت بیش از پیش نیاز است. وقتی دیگران با سردی به بدکرداری فرزند شما رفتار میکنند آیا مادر و پدر نباید با رقت و دلسوزی در پی هدایت گامهای او در مسیر امن باشند؟ خصوصیت‌های گناهان فرزند شما بر دیگران نامشهود نیست ولی هر چه که باشد مگذارید تا نظرات و فشارهای دیگران طوری وانمود سازد که فرزندان احساس کند که شما بازگشت او را نمیخواهید و خطاهای او را نمی بخشید. مگذارید تا چیزی باعث از دست دادن امید شما بشود و هیچ چیزی نباید باعث انتقطاع محبت و عطف شما نسبت به فرزند خطاکار بشود. تنها بخاطر اینکه او بزهکار است به شما نیاز دارد و پدر و مادر می خواهد که او را کمک کند تا او را از دام شیطان رها سازد. او را با ایمان و عشق محکم در کنار خود حمایت کنید و به رحمت منجی و رهایی بخش متمسک شوید و بدانید که مسیح بیش از شما به او علاقمند است...



**به سردی و نومیدی سخن مگوئید.** از امید و تشویق سخن بگوئید. به او بگوئید که او میتواند خود را خلاص کند و شما بعنوان پدر و مادر، بواسطه و یاری حق باو کمک خواهید کرد تا پای خود را بر صخره محکم عیسی مسیح بگذارد تا اینکه حمایت و پشتیبانی مطمئن و قوتی پایدار در عیسی بیابد. اگر خطای او بسیار دردناک بود مته به خشخاش گزاردن و خطای او را گوشزد کردن باعث التیام او نمیشود. راهکار درست نیاز است تا جانها از مرگ نجات داده شوند و جانها از ارتکاب گناهان محفوظ بمانند.

**در پی مدد الهی باشید تا بر خلق و خوی شتابزده غلبه کنید-** پدران و مادرانی که تند خو هستند باید در پی مدد الهی باشند تا بر آن غلبه یابند. هنگامی که به ناشکیبایی تحریک میشوید به گوشه ای بروید و زانو زده و از خدا بخواهید تا بشما کمک کند تا تاثیر درستی بر روی فرزندانان داشته باشید. مادران وقتی شما بی تابی میکنید و با فرزندان خود به تندی بر خورد میکنید از مسیح پیروی نمیکنید بلکه از ارباب دیگری متابعت میکنید. عیسی میفرماید یوغ مرا بدوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم چون من مهربان و فروتن هستم و به جانهای شما راحتی خواهم بخشید<sup>41</sup>. وقتی کار خود را سخت دیدید وقتی از مشکلات گلایه کردید وقتی بگوئید که توان مقابله با وسوسه ها را ندارید و نتوانید بر ناشکیبایی غلبه یابید و بیابید که زندگی مسیحی در سربالایی سخت قرار دارد مطمئن باشید که یوغ مسیح را ندارید بلکه یوغ ارباب دیگری را بر دوش دارید.

**بازتاب وجهه الهی-** کلیسا نیاز به مردانی دارد که فروتن و روح آرامی داشته و بردبار و صبور باشند. آنان باید این خصوصیات را در برخورد و رفتار با خانواده هایشان بدانند. والدین باید به سود ابدی برای فرزندانان بیندیشند و نه به آسایش خود. آنان باید به فرزندان خود بعنوان اعضای خانواده خدا بنگرند و آنان را تعلیم و تربیت کنند بطریقی که منعکس کننده وجهه الهی باشد.



## بخش ۱۱

### تربیت ناقص

#### فصل چهل و ششم

#### اهربمن عشرت طلبی

**در محبت واقعی افراط نیست-** محبت کلید قلب کودک است ولی محبتی که والدین را به نازپروری فرزندان در خواسته های نامشروع سوق میدهد محبت نیست که به عاقبت بخیری ختم شود. مهر خالصانه که از محبت به عیسی سرچشمه میگردد والدین را قادر میسازد تا اقتدار متفکرانه را ممارست و اطاعت عاجل را خواستار شوند. قلوب والدین و فرزندان باید بهم پیوند بخورد بدین خاطر بعنوان خانواده آنان ممکن است کانالی باشند که حکمت، پاکدامنی، مدارا، مهربانی و عشق از آن جاری شود.

**آزادی بیش از حد فرزندان را اسرافکار و فاسق بار می آورد-** دلیلی که فرزندان با خدا نمیشوند این است که آنان بیش از حد آزادی دارند. خواسته ها و تمایلات آنان برآورده میشود... بسیاری از فرزندان اسرافکار میشوند زیرا در خانه نازپرورده و لوس میشوند زیرا والدینشان به کلام خدا عمل نمیکند. فکر و هدف با اصول مقدس و استوار و بدون انحراف تقویت میشوند. ثبات و عطف باید با الگوی ثابت و دلپذیر تقویت شود.

**هر چه لطف و توجه به کودک بیشتر شود اداره کردن او سخت تر میگردد-** والدین باید خانه را برای فرزندان خود فرحبخش سازند. نه به این معنی که همیشه موافق آنان باشید. هر چه بیشتر ناز و نوازش شوند اداره آنان سخت تر میشود و زندگی واقعی برای آنان وقتی که وارد اجتماع شوند مشکل تر میگردد. اگر به آنان اجازه بدهید تا هر چه بخواهند انجام دهند خلوص و صفای شخصیت آنان بسرعت محو میگردد. به آنان تعلیم دهید تا فرمانبردار باشند. به آنان



نشان بدهید که اختیار و اقتدار شما باید محترم شمرده شود. این شرایط ممکن است که الان موجب نارضایتی آنان بشود ولی آنان را از اندوه بیشتر در آینده نجات خواهد داد.

**نازپروری فرزند خطاکار گناه است.** فرزند باید تحت کنترل باشد. چنانچه به فرزندان اجازه داده شود تا براه خود بروند آنان خیال خواهند کرد که باید چشم انتظار بوده، همیشه مورد توجه و ملاحظت قرار گرفته، ناز و نوازش شده و به تفریح و سرگرمی پردازند. آنان خیال خواهند کرد که خواسته ها و امیال آنان باید بر آورده شود. مادران نباید به فرزندان خود اجازه دهند که هر کاری که دلشان خواست انجام دهند زیرا که نامطیع و نافرمان خواهند شد. مطمئناً مادر اجازه نخواهد داد چرا که در غیر اینصورت به شیطان اجازه خواهد داد تا بیرق جهنمی را در خانه برپا کند. مادر باید با شیطان ستیز کند زیرا که کودک توان نبرد را ندارد. این کار و وظیفه اوست تا شیرین را منکوب کند و مشتاقانه در پی خدا باشد و هرگز اجازه ندهد تا شیطان فرزند او را از آغوشش بر بایند و در آغوش خود قرار دهد.

**نازپروری سبب بیقراری و نارضایتی خواهد شد-** در برخی خانواده ها امیال و خواسته های کودکان قانون است. هر خواسته ای که او داشته باشد بدان عمل میشود. و هر چیزی را که او دوست نداشته باشد رعایت میشود. این نازپروریها چنین فرض شده است که موجب خوشحالی و شادی کودک میشود ولی اینها چیزهایی هستند که باعث بیقراری و نا آرامی و ناخشنودی او میشود و او را به مرحله ای میرساند که به هیچ چیزی قانع نباشد. نازپروری باعث ضایع کردن اشتهای غذایی او نسبت به غذاهای مقوی و سالم و استفاده درست از زمان میشود. لذت طلبی کار خود را برای مغشوش کردن شخصیت برای زمان حاضر و آخرت انجام داده است.

**توبیخ موثر ایسح برای بی احترامی-** ایده ای که میگوید که ما باید تسلیم خطاکاریهای کودکان شویم اشتباه است. ایسح در همان ابتدای کار خویش مورد استهزاء و تمسخر جوانان بیت ایل قرار گرفت. او مردی بسیار ملایم بود ولی روح خدا او را وادار نمود تا طعنه زندگان را لعنت کند. آنان معراج ایلیا (الیاس) را شنیده بودند و این واقعه جدی را موضوعی برای تمسخر و طنز قرار داده بودند. ایسح ابراز داشت که نباید توسط پیر و جوان مورد اهانت قرار گیرد زیرا که برای وقف خدا خوانده شده است. وقتی به طعنه به او گفتند که باید مانند ایلیا به آسمان صعود کند بنام خدا آنان را لعنت نمود. سرنوشت مهیب و ترسناکی که بر آنان واقع شد از سوی خدا بود.



پس از آن البشع در رسالت خویش بیش از این مشکل دیگری نداشت. برای پنجاه سال او از دروازه بیت ایل وارد و خارج شد و شهر به شهر رفت و آمد میکرد و از میان جماعت گستاخ و بیهوده و جوانان فاسد میگذشت ولی هیچ فردی دیگر او را مورد تمسخر قرار نداد و نبوتی را که قادر متعال او را شایسته ساخته بود را خوار نشمردند.

**تسلیم چریزبانی نشوید-** والدین باید برای نازپروری نابکار فرزندان خود حساب پس بدهند. بسیاری خواسته های نامعقول را برآورده ساخته اند زیرا برای خلاص شدن از اصرار فرزندان خواسته هایشان را اجابت مینمایند. یک فرزند باید طوری تربیت شود که امتناع از خواسته او با روح درست پذیرفته شود و بعنوان پاسخ نهایی و قطعی مورد قبول واقع گردد.

**داستان سازی کودک را بدون بررسی باور نکنید-** والدین نباید بسادگی از گناهان فرزندانانشان بگذرند. وقتی این خطاها توسط یک دوست با وفا اشاره شد والدین نباید احساس کنند که به حقوق او تجاوز شده است و آنرا بعنوان اهانت تلقی نکنند. عادات هر جوان و هر کودک بر خیر و سعادت اجتماع اثر میگذارد. راه غلط یک جوان ممکن است بسیاری دیگر را به راه شرارت هدایت کند. حرف کودکانتان را بر حرف مسیحیان پیشکوست ارجح ندانید. زیرا که صدمه بزرگتر از این نیست که بگوئید من حرف فرزندم را قبول دارم و او را به عادت تزویر و تحریف تشویق کنید.

**میراث فرزند نازپرورده و لوس-** رها کردن فرزند به اراده و خواسته های خویش رها کردن او در دام شریر است. کسانی که گمراه شده اند بخاطر این است که در کودکی در فهماندن دروس عملی نسبت به آنان غفلت و کوتاهی شده است و بسیاری برای همیشه از دست رفته اند زیرا در کودکی و نوجوانی تنها فرهنگ یکسویه و ناقص را پذیرفته اند. فرزندی که لوس و ضایع شده است بار سنگینی برای حمل کردن در سراسر زندگی خویش دارد. در رنجها و نومیدیها و در وسوسه ها او از اراده و خواسته های تربیت نشده و منحرف خود متابعت خواهد کرد. فرزندی که هرگز نیاموخته اند که مطیع باشند خصوصیات ضعیف و احساسی و عجولانه ای خواهند داشت. آنان میخواهند تا فرمانروایی کنند ولی نیاموخته اند تا اطاعت کنند. آنان نقاط قوت ندارند تا هیجانان خودسرانه خود را مهار کنند و عادات غلط خود را اصلاح نمایند و یا خواهشهای مهار نشده خود را کنترل کنند. دوران کودکی تادیب و تربیت نشده



میراث دوران مردانگی و زنانگی می‌گردد. ذکاوت از راه بدر شده و بندرت درست را از غلط تشخیص می‌دهد.

## فصل چهل و هفتم

### تربیت سهل انگارانه و ثمره آن

**تربیت ناقص تمامی زندگی روحانی را تحت تاثیر قرار خواهد داد-** وای بحال والدینی که فرزندان خود را خداترس بار نیاورده اند بلکه به آنان اجازه داده اند تا بی انضباط و کنترل نشده به مردانگی و زنانگی برسند. در خلال کودکیشان به آنان اجازه داده شده بود تا خودسری و احساسات خود را آشکار سازند و با هوی و هوس عمل کنند و چنین روح مشابهی را به خانه هایشان بیاورند. آنان مزاج و خلق و خوی معیوب دارند و در اداره امور احساساتی و آتشین مزاج هستند. حتی در پذیرفتن مسیح بر قلبیانه‌های روحی خود که از کودکی در دل‌هایشان بوده غلبه نیافته اند. آنان ثمرات تربیت اولیه در سراسر زندگی خود حمل میکنند. نهالی که کج کاشته شود وقتی که رشد کند درخت کجی خواهد شد. "خشت اول چون نهد معمار کج- تا ثریا می‌رود دیوار کج". این گونه والدین جنگ سختی را در پیش رو خواهند داشت. آنان ممکن است در شخصیت و خصوصیات متبدل شوند ولی تمامی تجربه زندگی روحانی آنان بواسطه تربیت سهل انگارانه متاثر خواهد گردید. و فرزندان‌شان بخاطر تربیت ناقص مجبور به رنج کشیدن هستند برای اینکه خطایای خود را بر نسل سوم و چهارم حک میکنند.

**عیلی امروز-** وقتی که والدین آزادی بیش از حد را مجاز شمارند و بدینسان خطا را در فرزندان‌شان همچون عیلی همیشگی سازند خداوند مطمئناً آنان را در موقعیتی قرار خواهد داد تا ببینند که نه تنها باعث تباهی خود شده اند بلکه جوانان خود را نیز به ویرانی کشانده اند. آنان دروس تلخی را برای آموختن خواهند داشت.

عیلی‌های امروزی در همه جا یافت میشوند و برای خودسری‌های فرزندان‌شان عذر و بهانه می‌تراشند. با اینکه اختیار و اقتدار خدادادی برای محدود کردن و اصلاح کردن فرزندان‌شان



داشته اند. والدین و سرپرستان که از گناه کسانی که تحت مراقبتشان هستند چشم پوشی و بهانه می آورند بیاد داشته باشند که ابزاری برای این خطایا هستند. چنانچه در عوض نازپروری نامحدود چوب مجازات بکار میرفت، نه با احساسات بلکه با محبت و دعا، آنگاه شاهد خانواده های شادتری در اجتماع میبودیم.

مسامحه عیلی بسادگی در مقابل هر پدر و مادری قرار گرفته است. نتیجه عاطفه نامقدس او یا بی میلی او به انجام وظیفه باعث شد تا او خرم بی انصافی را از پسران منحرف خود درو نماید. هم والدین که شرارت و بدکاری را مجاز شمردند و هم فرزندان که چنین کردند در برابر خداوند مقصرد و هیچ قربانی یا نذوراتی برای سرپیچی آنان پذیرفته نخواهد شد.

**اجتماع بواسطه صفات معیوب ملعون گردیده است-** چه موقع والدین حکمت خواهند یافت؟ چه وقت چشم و گوش خود را باز خواهند کرد تا نتیجه کار خود را در غفلت ملزم نمودن فرزندان به فرمانبرداری و حرمت به آموزه های کلام خدا ببینند و درک کنند؟ ثمرات این تربیت سهل انگارانه در فرزندان مشاهده شده است و زمانی فرا خواهد رسید که به اجتماع رفته و خود سرپرستی خانواده ای را بر عهده بگیرند. آنان اشتباهات والدین خود را ادامه میدهند. خصوصیات معیوب آنان وسعت زیادی دارد و عادات و خلق و خویهای اشتباه آنان رشد کرده و شخصیت خود را بدیگران انتقال میدهند. بدین سبب آنان در عوض برکت برای اجتماع لعنت خواهند بود.

شرارتی که در جهان امروز موجود است میتواند در غفلت والدین در تربیت فرزندان رذیای شود. بخاطر روش نابخردانه ای که در دوران کودکی اعمال گردیده است هزاران هزار قربانیان شیطان شده اند. خداوند چنین سوء تدبیری را شدیداً ملامت نموده است.

**سهل انگاری تربیت و تادیب-** فرزندان که در شرارتند و برای اطاعت و احترام تعلیم داده نشده اند خود را به دنیای مادی پیوند میزنند و بر والدین خود افسار زده و به هر جایی که میخوانند آنان را میرانند. اکثر اوقات در همان وقت که باید بی قید و شرط به توصیه های والدین احترام گذارده و از آن اطاعت کنند والدین در تربیت مسامحه و سهل انگاری میکنند. والدینی که تابحال الگوهای درخشان استوار خداترسی بوده اند اکنون با کودکانشان بیازی گرفته شده اند. استواری و عزم راسخ آنان بیاد رفته است. پدران که صلیب مسیح را حمل





میکرده اند و نشان عیسی را بی تزویر نگاه داشته بودند با فرزندان خود در مسیر شک و تردید هدایت میشوند.

**ناز پروری فرزندان بزرگتر -** پدران و مادرانی که درک کرده اند که مسئولیت بر عهده آنان است اصلاح و انضباط خطاهای پسران و دختران برومند خود را تقلیل داده اند. گویی که خواسته ها و تمایلات فرزند، قانون است. مادرانی که استوار و ثابت قدم و به اصول پایبند بوده و بی آلابشی و صداقت را رعایت میکرده اند وقتی فرزندانشان به مردانگی و زنانگی رشد میکنند سهل انگار میشوند. در عشق به تظاهر و خودنمایی، آنان فرزندان خود را با دستان خود به شیطان میسپارند همانند یهودیان از دین برگشته که بچه های خود را بر دستان بت مولک بر روی آتش میگذارند.

**بی حرمت ساختن خدا برای طرفداری و التفات به کودک -** پدران و مادرانی وجود دارند که راه را برای انحراف فرزندان بی خدا باز میگذارند و به آنان پول و امکانات میدهند تا در این دنیای مادی خودی نشان دهند. این والدین باید به خدا حساب پس بدهند. آنان خدا را بی حرمت میکنند و به فرزندان متمرّد خود امتیاز عطا میکنند و در بها را که در گذشته برای پایبندی به اصول بسته بود را برای سرگرمی و تفریح آنان باز میگذارند. آنان اجازه دارند تا ورق بازی کنند به رقص و پارتی بروند تا فرزندانشان دنیا را بدست بیاورند. در زمانی که تاثیر کلامشان بر فرزندان باید پر زور باشد و بر حقیقت مسیحیت شهادت بدهند - مانند عیسی بخاطر بی حرمت ساختن خدا تحت لعنت قرار میگیرند چرا که میخواستند دل فرزندانشان را بدست بیاورند. ولی پارسایی در زمان مرگ بیهوده است. گرچه برخی مبلغان انجیل ممکن است چنین مذهبی را تایید کنند والدین خواهند یافت که تاج جلال را بخاطر چیزی پوچ و بی ارزش از دست داده اند. خداوند به پدران و مادران کمک خواهد کرد تا به وظایفشان عمل نمایند.

**آنطور باشید که دوست دارید فرزندان باشند -** فرزندان شما خصوصیات شما را با روشها و الگوهایی که از شما میبینند ادامه میدهند. خلق و خو و کلام هوی پرستانه، تند خو و بی ادبانه، فرزندان و فرزندان فرزندان را تحت تاثیر قرار خواهد داد و بدینسان معایب در مدیریت والدین بر ضد آنان از نسلی به نسل دیگر شهادت خواهد داد.



## فصل چهل و هشتم

### واکنش کودک

**برافروختن و تحریک کردن-** به فرزندان نصیحت شده تا در خداوند از والدین خود اطاعت کنند ولی به والدین نیز سفارش شده است: "فرزندان را آنقدر سرزنش نکنید که دلسرد و دلشکسته شوند"<sup>42</sup>. ما اغلب بجای جذب کردن، فرزندان خود را عصبانی و تحریک میکنیم. من مادری را دیده ام که چیزی را از دست کودک گرفته که باعث خوشحالی او میشده است. کودک دلیل آنرا نفهمیده است و طبیعتاً احساس کرده که با او بدرفتاری شده است. پس نزاعی بین والدین و کودک صورت گرفته است و تنبیه سختی به ماجرا خاتمه داده است ولی این ستیز تأثیری را بر ذهن لطیف میگذارد که بسادگی پاک نمیشود. این چنین مادرانی خردمندانه عمل نموده اند. او دلیلی برای علت و سبب نداشته است. کردار غیرعاقلانه و خشن او احساسات قلبی کودک را بهم ریخته است و در هر موقعیت مشابه این احساسات برانگیخته و مشکل میشوند.

**بدنبال یافتن خطا و ایرادگیری-** شما چنین حقی ندارید تا با ایرادگیری باران غم را بر شادی فرزندان بارانید و یا اینکه برای اشتباهات جزئی شدیداً از آنان انتقاد کنید. خطای واقعی باید آنطور که گناه آلود است نشان داده شود و تدبیر قاطع و استواری باید برای آن اتخاذ گردد تا از تکرار مجدد آن جلوگیری شود با اینحال فرزندان نباید در وضعیت نومیدانه فکری رها گردند بلکه با کمی تشویق و ایستادگی اعتماد بدست آورده و خود را بهبود بخشند. فرزندان ممکن است بخواهند کار درستی انجام دهند و هدف قلبی آنان فرمانبرداری باشد ولی به کمک و دلگرمی نیاز دارند.

**تادیب سختگیرانه-** خانواده هایی هستند که با عدم درک تادیب و انضباط در خانواده خدا را بی حرمت میسازند و فرزندان نیز سر درگم مانده اند که تادیب و انضباط و اداره خانواده چیست. حقیقت این است که تادیب سختگیرانه و انتقاد و نکوهش بیش از حد، عدم استلزام و تمکین به مقررات و قوانین باعث بی احترامی و بی توجهی به اختیار و مقام اولیایی گردیده و نهایتاً به مقررات مسیح که باید به انجام برسد تأثیر میگذارد.



وقتی که والدین روح سختگیر و تند را از خود نشان میدهند روح سرسختی و لجاجت در کودکان برانگیخته میشود. بنابراین اولیا از تاثیر گذاری لطیف و ملایم بر فرزندان خود باز میمانند. والدین آیا نمیتوانید ببینید که گفتار خشن باعث رویاری و تحریک میشود؟ اگر با شما سهل انگارانه رفتار شود چکار خواهید کرد و متشابهها چگونه با کودکان خود رفتار خواهید کرد؟ این وظیفه شماست تا رابطه علت و معلول را بیابید. وقتی که با فرزندان خود اوقات تلخی کنید وقتی که با عصبانیت آن طفل معصومها را که قدرت دفاع ندارند را کتک میزنید آیا از خود پرسیده اید که این قبیل رفتار با شما نیز کرده خواهد شد؟ آیا اندیشیده اید که چقدر در خصوص کلام سرزنش آمیز یا عیبجوئی کردن حساس هستید؟ چقدر سریع رنجش را حس خواهید کرد چنانچه بفهمید که کسی از تشخیص توانایی های شما قصور کرده است؟ شما همان کودکان بزرگ هستید. پس ببینید که فرزندان وقتی که با کلام تند و تیز با آنان صحبت میکنید چه حسی خواهند کرد؟ در نظر خدا تنبیه شما اندوهناک تر از خطایی است که فرزندان انجام داده است.

بسیاری از والدین که ادعای مسیحی بودن دارند بواقع متبدل نگردیده اند. مسیح در قلب آنان با ایمان ساکن نگردیده است. درشتی آنان و بی مبالاتی آنان و خلق و خوی رام نشده آنان موجب تنفر و بیزارى فرزندان آنان میگردد و از آموزه های مذهبی و روحانی آنان منزجر میگردند.

**انتقاد و نکوهش دائمی** - در تلاشهایمان برای اصلاح شرارت بایستی بر ضد گرایش به عیبجویی یا سرزنش بایستیم. انتقاد و سرزنش دائمی گمراه کننده و مبهوت کننده است و هیچ اصلاحی انجام نمیدهد. برای کسانی که حساس و روح آسیب پذیری دارند فضای انتقاد آمیز و غیر دوستانه مهلك و مصیبت بار است. گلها توان ایستادگی در برابر بادهای سهمگین را ندارند.

کودکی که به استمرار برای خطایی خاص نکوهش میشود به این نگرش میرسد که خطا صفت ویژه اوست، چیزی که تلاش برای آن بیهوده است. از اینرو دلسردی و نومیدی در وجود او خلق میگردد و اغلب خود را تحت ظاهری بی تفاوت یا لافزنانه پنهان میسازد.



**امر و نهی و سرزنش** - برخی از والدین در اثر فقدان خویشتنداری جوش می آورند. در عوض اینکه با آرامش از کودک بخواهند تا این کار را بکن یا آن کار را نکن با لحنی سرزنش آمیز به آنان دستور میدهند و در همان زمان سرزنش و ملامت بر زبانشان است که فرزندان شایسته آن نیستند. والدین باید بدانند که این روش خوشرویی و بلند همتی آنانرا نابود خواهد کرد. آنان اوامر شما را به اجرا میگذارند نه از روی عشق و علاقه بلکه جرات آنها ندارند که طور دیگری رفتار کنند. قلب آنان از قضیه نا آگاه است. این کار برغم خوشایند بودن کار مشقت آمیزی است و این اغلب آنان را هدایت میکند تا دستورات شما را فراموش کنند که باعث افزایش ناراحتی شما شده و زندگی را برای فرزندان بدتر میکند. تکرار عیبجویی و نمایش دادن رنگ برنگ بد رفتاری آنان بجایی میرسد که نومییدی سراغ آنان آمده و دیگر خود را منحصر بفرد حس نمیکنند چه بخواهند و چه نخواهند. روح "به من چه و برایم اصلا مهم نیست" آنان را اسیر خود میکند و آنان لذت و خوشی را بیرون از خانه و بدور از والدین جستجو میکنند زیرا آنها در خانه نیافته اند. آنان در خیابان به معاشرت میپردازند و بدتر اندر بدتر فاسد و تباه میگردند.

**راهکار اختیاری و دلبخواه** - اراده و خواست والدین باید تحت انتظام مسیح باشد. و به قالب و کنترل روح القدس ناب خدا در آمده و فرزندان را تحت تسلط بی چون و چرا قرار دهد. ولی چنانچه والدین در تادیب خود جابر و سختگیر باشند کاری را انجام داده اند که هرگز خود نمیتوانند آنها را تغییر دهند. آنان با راهکار اختیاری و دلبخواه خود مرتکب بی انصافی و بی عدالتی شده اند.

**بی انصافی و ستم** - فرزندان به کمترین جور و ستم حساس هستند و برخی در چنین شرایطی نومید میشوند و نه به صدای بلند و فرمان اعتنایی میکنند و نه از تهدید به تنبیه ایابی دارند. طغیان و سرکشی غالباً در دل‌های فرزندان بواسطه تادیب و تربیت ناصحیح والدین بنا میگردد. این در حالی است که چنانچه مسیر درستی در پیش گرفته شود فرزندان خصوصیات و خصائل خوب و خوشایندی را شکل خواهند داد. مادری که بطور کامل خود را کنترل نکند شایستگی آمادگی مدیریت فرزندان را نخواهد داشت.



**گوشمالی دادن یا کتک زدن-** وقتی که یک مادر فرزند خود را گوشمالی داده یا کتک بزند آیا فکر میکنید که او را قادر خواهد ساخت تا زبندگی خصوصیات مسیحی را ببیند؟ در واقع خیر. تنها احساسات اهریمنی را در دل برانگیخته و کودک اصلاً اصلاح نشده است.

**کلام خشن و بی احساس-** مسیح آماده است تا پدر و مادر را تعلیم داده تا مریبان درستی بشوند. کسانی که در مدرسه او تعلیم یابند هرگز با لحن خشونت و لاقید سخن نخواهند گفت زیرا که کلام رانده شده به چنین طرزى گوش را آزرده ساخته، اعصاب را بهم میریزد و سبب عذاب ذهنی میگردد. و شرایطی را پدید خواهد آورد که فرزندان با گستاخی با والدین خود صحبت کنند.

**استهزاء و طعنه زدن-** والدین مجاز نیستند تا فرزندان خود را آزار داده، آنان را سرزنش و استهزاء کنند. آنان هرگز نباید فرزندان خود را با خصوصیات ناخوشایند دست بیندازند زیرا که خودشان آنرا به آنان انتقال داده اند. این طرز تادیب هرگز شرارت را علاج نخواهد داد. والدین باید احکام کلام خدا را اقامه نموده تا تمرد و نافرمانی فرزندان خود را نکوهش و ملامت نمایند. برای الزام و خواسته های خود جمله "خداوند فرموده است" را به آنان نشان دهید. پند و نکوهش کلام خدا فراتر از تاثیر خشمگین شدن و لحن تند است.

**بی طاقتی-** کم صبری در والدین ناشکیبایی را در فرزندان القاء میکند. احساسات تندی که با والدین آشکار میشود احساسات تند را در فرزندان پدید آورده و شرارت باطنی را بر می انگیزد. هر زمان که آنان خویشتنداری خود را از دست داده و از روی بیطاقتی عمل نمایند بر ضد خدا گناه ورزیده اند.

**تناوب در سرزنش و نوازش-** بوفور دیده شده است کودکانی که از انجام خواسته آنان انکار شده است خود را بزمین انداخته لگد میکوبند و جیغ میزنند در حالیکه مادر بی خرد متناوباً سرزنش و نوازش میکند به امید اینکه فرزند خود را به طبیعت و ذات خوب بازگرداند. این چاره و علاج تنها هیجانانگیز کودک را بیشتر و بدتر میکند. و برای دفعه بعد همان طریق با لجاجت بیشتری تکرار میشود زیرا که او اطمینان یافته است که مانند روز قبل توفیق خواهد یافت. بدینسان از چوب تادیب چشم پوشی شده و کودک ضایع و لوس بار می آید.



مادر نباید اجازه دهد تا فرزندش در موقعیتهایی خاص از او سوء استفاده کند. و برای حفظ و ایقای این اقتدار لزومی ندارد تا به خشونت متوسل شد بلکه قاطعیت و یکنواخت بودن و عطوفت که فرزند دوست داشتنی شما را متقاعد سازد، مقصود را به انجام خواهد رسانید.

**فقدان ثبات و عزم راسخ** - آسیب عظیمی بواسطه فقدان ثبات عزم بوقوع میپیوندد. والدینی وجود دارند که میگویند تو نمیتوانی این یا آن را داشته باشی و سپس دلشان برحم آمده و فکر میکنند که خیلی سختگیر بوده اند و به کودک چیزی را میدهند که ابتدا آنرا رد کرده اند. آسیب مادام العمری بدینگونه تحمیل میگردد. قانون مهم ذهن چنین است درخواست قاطعانه رد شود همه امیدها از بین میروند و ذهن بزودی اشتیاق خود را برای آن از دست خواهد داد و به فکر چیزهای دیگری خواهد افتاد. ولی تا زمانیکه امیدی برای بدست آوردن چیز خواسته شده وجود داشته باشد آنگاه برای بدست آوردن آن تلاش خواهد شد...

وقتی که لازم باشد تا والدین مستقیماً امر کنند مجازات نافرمانی باید از قوانین طبیعت متفاوت باشد. فرزندی که تحت این قانون قاطع و سفت و سخت هستند میدانند که وقتی چیزی قدغن یا ممنوع است هیچ تزویر و نیرنگی خواسته آنان را تامین نخواهد نمود. از اینرو آنان بزودی خواهند آموخت تا تسلیم شوند و با چنین عملکردی بیشتر شاد خواهند شد. فرزندان بدون عزم و بیش از حد ناز و نوازش شده دائماً امیدوارند که ممکن است چریزبانی، گریه و زاری یا کج خلقی آنان را به خواسته شان برساند یا اینکه آنان میتوانند مبادرت به نافرمانی کنند بدون اینکه از مجازات رنج ببرند. از این جهت آنان در وضعیت آرزومندی امیدواری و تردید میمانند که آنان را بیقرار و زود رنج و سرکش میسازد. خداوند چنین والدینی را برای تباهی شادی فرزندانشان مقصر میدانند. این سوء مدیریت شیرانه کلید توبه ناپذیری و بیدینی هزاران نفر است و باعث تباهی بسیاری از مسیحیان ایماندار شده است.

**محدودیتهای غیر ضروری** - وقتی که والدین پا به سن گذارده و فرزندان جوانی را برای بزرگ کردن دارند پدر محتملاً حس میکند که فرزندان باید مسیر سخت و ناهمواری را که او میبیماید را ببینند. برای او مشکل است درک نماید که فرزندان او نیازمند زندگی شاد و دلپذیر هستند.



بسیاری از والدین از تفریحات سالم و بی ضرر فرزندان جلوگیری میکنند و از ترغیب آنان به رشد تمایلات برای چیزهای نامشروع بسیار نگرانند و حتی به فرزندانشان اجازه برخورداری از خوشی و سرگرمی که حق آنان است را نمیدهند. بواسطه ترس از نتایج شرارت آمیز، والدین از اجازه بازی و سرگرمی های ساده که میتواند آنان را از شرارت محافظت نماید اجتناب مینمایند. و بدین سبب فرزندان فکر میکنند که انتظار هر لطف و مرحمتی بیهوده است و بنابراین درخواستی نمیکند. آنان دزدکی به بازی و سرگرمی میپردازند زیرا خیال میکنند که ممنوع خواهد بود. بدینسان اعتماد بین والدین و فرزندان از بین میروند.

**عدم پذیرش امتیازات معقول** - چنانچه پدران و مادران خودشان در دوران کودکی از شادمانی برخوردار نبوده باشند چرا حال باید زندگی فرزندان خود را بخاطر این ضایعه عظیم تیره و تار کنند؟ پدر ممکن است فکر کند که این تنها مشی و معبر ایمن برای رسیدن به مقصود است ولی باید بخاطر داشت که همه ذهنها مانند و مشابه یکدیگر نیستند و هر چه تلاش بیشتری برای محدود کردن کنند خواسته ها و تمایلات بیشتر از کنترل خارج میشوند زیرا که از استحصال آن نهی شده است و نتیجه آن نافرمانی و سرپیچی به اقتدار والدین خواهد بود. پدر از خودسری و تمرد پسرش مغموم میگردد و قلبش بخاطر سرکشی او بدرد می آید. ولی آیا برای او عاقلانه و درست نخواهد بود تا تفکر کند که واقعیت این است که اولین سبب سرکشی پسر بی میلی او برای سرگرم نمودن او بوده که گناه محسوب نمیشده است. والدین خیال میکنند که دلیل کافی به پسرشان داده اند تا از تفریح و سرگرمی پرهیز کند. ولی والدین باید بیاد داشته باشند که فرزندان آنان مخلوقات هوشمندی هستند و باید با آنان آنطور رفتار کنند که دوست دارند دیگران با خودشان رفتار کنند.

**سختگیری و شدت عمل** - والدینی که روح سلطه گری و اقتدار را متابعت میکنند چنین خوبی از والدینشان به آنان منتقل گردیده است که آنانرا بر آن وامیدارد تا در تادیب و آموزه های خود قاطع و سختگیر باشند و لهذا فرزندان خود را درست تربیت نمیکند. آنان با سختگیری و شدت عمل در برخورد با خطاها هیجانانگیز و احساسات قلب بشری تحریک میکنند و فرزندان خود را در حسی از بی انصافی و خطا رها میکنند. آنان با حالات و خلق و خوهایی روبرو میشوند که خود به فرزندانسان داده اند.

این قبیل والدین با سخن گفتن از موضوعات مذهبی فرزندان خود را از خدا دور میسازند و مذهب مسیحیت را بد جلوه داده حقیقت را غیر جذاب و حتی تنفر آمیز مینمایند. فرزندان



خواهند گفت "اگر مذهب چنین است هیچ چیزی از آن نمیخواهیم". و از این روست که اغلب خصومت در دلها بر علیه مذهب شکل میگیرد و بخاطر اقدام مستبدانه فرزندان احکام و ملکوت آسمان را حقیر می‌شمارند. والدین با سوء اداره سرنوشت ابدی فرزندان خود را قطعی میکنند.

**آرامش و رفتار محبت آمیز-** چنانچه والدین خواستار خوش طبعی فرزندانشان باشند هرگز نباید با آنان با لحن سرزنش آمیز سخن بگویند. مادر اغلب بخود اجازه میدهد تا عصبی و تحریک پذیر بشود. او اغلب کودک را متوقف میکند و با لحنی تند صحبت میکند. اگر با کودک با لحن مهربان و آرام رفتار شود کمک بسیار بزرگی برای مطبوع ساختن خلق و خوی او خواهد کرد.

**درخواست محبت-** پدر بعنوان کاهن خانواده باید با آرامش و شکیبایی با فرزندان خود رفتار کند. او باید مراقب باشد که خوی مجادله و ستیز را در آنان برنینگیزد. او نباید اجازه دهد که سرکشی و تمرد اصلاح نشده براه خود برود و با این حال راهی برای اصلاح بدون تحریک هیجانات و خیم در قلوب بشری وجود دارد. او باید با محبت با فرزندان خویش سخن بگوید و بگوید که چقدر منجی از راه آنان اندوهگین است و سپس با او در برابر تخت رحمت وی زانو زده و آنان را به مسیح تقدیم کند و دعا نموده که خداوند بر آنان رحم نموده و آنانرا هدایت کند تا توبه و طلب آموزش کنند. این قبیل تربیت تقریباً همیشه قلبهای سخت و لجوج را نرم میکند.

خداوند از ما میخواهد تا با فرزندان خود با سادگی و بی آلاچی رفتار کنیم. ما مسئول غفلت از فرزندان هستیم که برای سالهای طولانی امتیاز تعلیم نداشته اند، آنچه را که بزرگترها از آن برخوردار بوده اند. اگر کوچکترها مطابق با ایده ها و نظرهای ما از هر حیث عمل نکنند گاهی اوقات خیال میکنیم که آنان شایسته نکوهش و ملامت هستند. ولی این باعث بهبود و اصلاح نخواهد شد. آنان را نزد منجی ببرید و در باره همه چیز به او بگوئید سپس ایمان داشته باشید که برکات او مشمول حال آنان خواهد شد.





## فصل چهل و نهم

### رفتار وابستگی و خویشاوندان

**خویشاوندان نازپرور مشکل ساز هستند** - مراقب باشید که اداره و تربیت فرزندان خود را به دیگران واگذار نکنید. هیچ کسی بطور شایسته نمیتواند شما را مسئولیت خدادادی تربیت فرزندان معاونت کند. بسیاری از فرزندان با مداخله خویشاوندان و یا دوستان کاملاً به تباهی کشیده شده اند. مادران هرگز نباید به دیگران اجازه دهد تا در مدیریت خردمندانه تربیت کودکان دخالت کنند. مادر بزرگها و خاله و عمه ها بخاطر محبت و دلبستگی فراوان در بسیاری از موارد فرزندان را لوس بار می آورند. همه تلاشهای صابرا نه مادران با این مداخلات پوچ و باطل میشود. بطور استعاره ای گفته شده است که پدربزرگها و مادربزرگها برای تربیت فرزندان نامناسب هستند. مردان و زنان باید تمامی احترام خود را نسبت به والدین خود ادا نمایند ولی در خصوص تربیت فرزندانشان نباید اجازه مداخله بدهند بلکه اداره امور تربیتی را در دستان خود بگیرند.

**خندیدن و بی احترامی** - هر کجا غفلت از تربیت و تادیب در خانه مشهود است. به بچه های کوچک اجازه داده میشود تا حاضر جوابی کنند و بی احترامی و جسارت در آنان مشهود است و زبانی را بکار میبرند که هیچ کودکی نباید مجاز شمرده شود تا مافوق خود را خطاب کند. والدینی که کاربرد زبان ناشایست را روا میدارند شایسته سرزنش و ملامت هستند. جسارت از طرف کودک نباید تحمل شود حتی برای یکبار. ولی پدران و مادران و وابستگان به نمایشهای هیجانی و شورانگیز این مخلوقات کوچک میخندند. سخنان زشت گستاخانه و لجوجانه بچگانه را نباید زیرکانه و هوشمندانه در نظر گرفت. چنانچه عادات غلط تایید شوند وقتی کودکان بزرگ شوند در جمع اطرافیان مورد انزجار قرار خواهند گرفت.

**وقتی که بستگان و خویشاوندان والدین را از تادیب مقتضی بر حذر میدارند** - از اینکه بعضی مادران درست نمیبینند باید بخود لرزید که اختیارات خود را بدیگری محول کرده اند. آنان میبینند که شیطان بر روی کودک خود رای کار میکند حتی اگر چند ماهه باشد. شیطان با



اغراض معاندانه بنظر میرسد که همه چیز را تحت تسلط خود دارد. در خانه ممکن است که مادربزرگی یا خاله ای یا دوست و خویشی باشد که در پی ایجاب والدین باشند که اصلاح و تادیب کودک ظالمانه است در حالیکه تنها عکس قضیه درست است و این ظالمانه ترین کار است که به شیطان اجازه داده شود تا کودک لطیف الطبع و درمانده را تحت تسلط خود در آورد. شیطان باید تویخ شود، زنجیر اسارت کودک در دستان شیطان باید شکسته شود. چنانچه نیاز به اصلاح باشد با ایمان و درستی اصلاح کنید. محبت خدا دلسوزی واقعی برای کودک است و شما را هدایت میکند تا وظیفه خود را با ایمان و وفادارانه انجام دهید.

**آشننگی و سرگشتگی جمع خانواده-** برای فرزندان خط مشی مناسبی نیست که یک یا دو یا سه خانواده وابسته فامیلی در فاصله چند کیلومتری در نزدیک هم زندگی کنند. تاثیر خوبی بر طرفین نمیگذارد. کار یکی کار همه است. سرگشتگی و دردسرهایی که هر خانواده باید تجربه کند کمابیش تا حدی که ممکن است باید منحصر به قلمرو خانواده باشد به فامیل نزدیک تعمیم داده میشود و بر جلسات مذهبی تاثیر میگذارد. موضوعاتی وجود دارد که فرد سومی نباید بداند هر چند رابطه ممکن است دوستانه و نزدیک باشد. افراد و خانواده ها باید آنرا در سینه خود محبوس کنند. ولی رابطه نزدیک چند خانواده که مرادوه دائمی در آن وجود دارد زمینه تخریب شان و وقار را دارد که باید در هر خانواده ای حفظ شود. در ایفای وظیفه حساس نکوهش و نصیحت خطر آسیب رساندن به احساسات وجود دارد مگر اینکه با توجه و دلسوزی فوق العاده ای انجام شود. بهترین افراد نیز به اشتباه و خطا می افتند و باید مراقب باشیم که از گاه کوهی نسازیم.

این گونه خانواده و رابطه کلیسایی برای احساسات طبیعی بسیار دلپذیر است ولی بهترین نیست. همه چیزها برای رشد متعادل صفات مسیحی باید در نظر گرفته شود... همه طرفین در دوری و دید و بازدیدهای گهگاه خوشحالتتر خواهند بود و تاثیر آنان بر یکدیگر ده چندان عظیمتر خواهد بود. (دوری و دوستی).

خانواده هایی که بواسطه ازدواج با یکدیگر بهم پیوسته اند و مانند جوامع دیگر بهم می آمیزند هر یک نسبت به خطاها و نقصهای یکدیگر هشیار و آگاهند و احساس وظیفه میکنند تا یکدیگر را اصلاح کنند و چونکه این خویشاوندان بواقع برای یکدیگر عزیز هستند نسبت بیکدیگر متوقع و حساس هستند و از چیزهای کوچک از یکدیگر دلگیر میشوند در حالیکه



کسانی که با هم ارتباط نزدیکی ندارند توجهی به آن نمیکنند. عذاب فکری تحمل میشود زیرا احساسات کسانی بر انگیزخته میشود که با آنان منصفانه رفتار نشده و آنگونه که شایسته آن هستند به آنان توجه نشده است. حسادتهای جزئی گاهی اوقات برانگیزخته میشوند و از گاهی کوه ساخته میشود. این سوء تفاهم های کوچک و مغایرتهای جزئی عذابهای فکری شدیدتری را نسبت به رنجهایی که از چیزهای دیگر سرچشمه میگیرد حاصل میکند.

## بخش ۱۲

### رشد قدرتهای ذهنی

#### فصل پنجاهم

#### آموزش واقعی شامل چه چیزی است؟

**پهنه واقعی آموزش** - آموزش واقعی بیش از مطالعه چند درس معنی میدهد. آموزش دامنه وسیعی دارد. آموزش شامل رشد موزون همه قدرتهای جسمی و استعدادهای ذهنی است. آموزش واقعی محبت و ترس از خدا را آموزش میدهد و آماده سازی برای ایفای مومنانه وظایف زندگی است. آموزش مناسب نه تنها شامل تربیت ذهنی است بلکه پرورشی است که تامین کننده معنویات و اخلاقیات درست و سلوک صحیح است.

اولین درس بزرگ در همه آموزشها درک و فهم اراده خداست. ما باید هر روزه تلاش کنیم تا این دانش را کسب نمائیم. آموختن علوم از طریق شرح و تفسیر بشری تنها استحصال آموزش غلط است ولی فراگیری خدا و مسیح آموختن دانش آسمانی است. در آموزش اغتشاش بوجود آمده است زیرا حکمت و دانش خدا تجلیل و تمجید نگردیده است.

**تاثیر مقابله با چشم و هم چشمی و طمع ورزی** - در چنین اوقاتی چه نوع آموزشی داده شده است؟ به چه انگیزه ای اغلب توسل گردیده است؟ پاسخ مطالبات خودخواهانه است. بیشتر



آموزش داده شده بازی با اسامی و تعاریف است. در آموزش واقعی بلندپروازیهای خودخواهانه - قدرت طلبی - بی توجهی به حقوق و نیازهای بشری که لعنتی برای جهان هستند از تحت نفوذ قرار گرفتن مقابله کنید. نقشه خدا برای زندگی برای هر بشری جایگاهی دارد. هر یک برای بهبود و ارتقای استعدادهای وی در متنها درجه است و خوش عهدی در انجام این کار فرد را مستحق هدایای کم و زیادی میکند.

در نقشه خدا جایی برای چشم و هم چشمی وجود ندارد. کسانی که خودشان را با خودشان میسجند و خودشان را با خودشان مقایسه میکنند عاقل و خردمند نیستند. (دوم قرنیتیان ۱۰: ۱۲). هر چه که انجام میدهیم بهمان اندازه توانایی است که خدا داده است (اول پطرس ۴: ۱۱). کارها باید از روی میل و قلبا انجام شود " و آنچه کنید از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان زیرا از خداوند اجر میراثرا خواهید یافت چونکه مسیح خداوند را بندگی میکند" (کولسیان ۳: ۲۳, ۲۴). انجام خدمات پر ارزش تحصیل آموزش است. آموزشی که اکنون داده شود بسیار متفاوت خواهد بود. تقلید و چشم و هم چشمی از اوان کودکی خودخواهی را پرورش میدهد که ریشه همه شرارتهاست.

**الگوئی که در عدن داده شده است** - سیستم آموزشی که در بدو جهان تاسیس گردیده است در همه ادوار الگوئی برای انسان بود. بعنوان یک مثال از اصول الگوی مدرسه در باغ عدن اولین خانه والدین ما بود بنا نهاده شد. باغ عدن کلاس درس بود و طبیعت کتاب درسی و خالق ازلی خود معلم و آموزگار بود.

**الگوی معلم الهی** - منجی در تعلیم رسولان خویش از سیستم آموزشی ازلی پیروی کرد. اولین دوازده منتخب با معدودی از دیگران که گهگاهی بخدمت گماره میشدند خانواده عیسی را تشکیل میدادند. آنان در خانه با او بودند، بر سر میز غذا مینشستند، در نهانخانه و در کشتزار بودند. آنان در سفرهای عیسی او را همراهی میکردند و در سختیها و مشکلات با او شریک بودند و با هر آنچه که در توان داشتند وارد کار او شدند.

گاهی اوقات هنگامی که با یکدیگر در دامنه کوهها مینشستند به ایشان تعلیم میداد و گاهی اوقات در کنار دریا و یا درون قایقهای ماهیگیری و گاهی اوقات هنگامی که در راه قدم میزدند آنان را پند و اندرز میداد. هر گاه که سخن میگفت جماعت دور او حلقه میزدند. آنان در



نزدیکی او ازدحام میکردند تا از آموزه های او چیزی را از دست ندهند. آنان شنوندگان دقیقی بودند و مشتاق فهم حقایقی بودند که قرار بود در تمامی سرزمینها و در تمامی اعصار تعلیم داده شود.

**آموزش واقعی هم بواسطه کتاب است و هم عملی است-** در کودکی و نوجوانی آموزش عملی و درسی باید به هم تلفیق شوند و ذهن با دانش انباشته شود... کودکان باید آموخته شوند تا بخشی از وظایف خانگی را بعهده بگیرند. آنان باید یاد بگیرند که چگونه به پدر و مادر در امور کوچک کمک کنند. اذهان آنان باید برای اندیشیدن تربیت شود حافظه آنان کار تعین شده را بخاطر بیاورد و در آموزش عادات مفید در خانه باید انجام وظایف عملی را که بر مقتضای سن و سال آنان است یاد بگیرند.

**آموزش واقعی انتخاب طبیعی جوانان نیست-** نوع آموزشی که مناسب نوجوانان برای زندگی عملی است را آنان بطور طبیعی انتخاب نمیکنند. آنان بر خواسته های خود پافشاری میکنند - دوست داشتن ها و دوست نداشتن ها - سلاقی و تمایلات آنان - ولی چنانچه والدین دیدگاه صحیحی از خدا و حقیقت داشته باشند و از تاثیرات و وابستگیهایی که باید فرزندانشان را در بر گیرد - مسئولیتهای خدادادی هدایت محتاطانه نوجوانان بی تجربه را احساس خواهند نمود.

**آموزش واقعی روش فرار کردن از زیر بار مسئولیتهای زندگی نیست-** نوجوانان نباید با اندیشه ای که فرار از تکالیف نامطبوع و بار سنگین مسئولیت است تحت تاثیر قرار بگیرند زیرا که هدف آموزش سبک کردن کار با تعلیم شیوه های بهتر برای اهداف والاتر است. به آنان تعلیم دهید که هدف واقعی زندگی بدست آوردن بزرگترین امکانات برای خودشان نیست بلکه برای حرمت دادن به خالق با ایفای بخشی از کار در دنیاست و دستگیری و کمک به ضعیفان و نادانان است.

**آموزش باید روح خدمت را بیدار کند-** فراتر از هر کار خدمت به خاطر مسیح در امور کوچک روزانه قدرت قالبگیری شخصیت را دارد و زندگی را در مسیر خدمت غیر خودخواهانه هدایت میکند. بیدار کردن این روح برای هدایت در مسیر درست بعهده والدین و معلمان است. این وظیفه بزرگی است که بر عهده آنان است. روح خدمت روح ملکوت است و برای رشد و تقویت آن فرشتگان کوشش میکنند. این قبیل آموزش باید بر اساس کلام خدا باشد. در اینجا



تنها اصولی برای کمال و پری آن داده شده است. کتاب مقدس باید بنیادی برای مطالعه و تعلیم باشد. دانش واجب دانش خدا و چیزهایی است که فرستاده است.

آموزش واقعی جایگاه تربیت معنوی و اخلاقی را فراتر از پرورش ذهنی قرار میدهد- فرزندان در نیاز عظیمتری از آموزش مناسب هستند تا اینکه افراد مفید فایده ای در جهان بشوند. ولی هر گونه تلاش که باعث تعالی پرورش ذهنی مافوق تربیت اخلاقی و معنوی بشود گمراهی و انحراف در آموزش است. آموزش - پرورش - تهذیب و پالایش کودکان و نوجوانان باید مسئولیت اصلی والدین و معلمان باشد.

**هدف آموزش واقعی بنای شخصیت است-** عالیترین کلاس آموزش، دانش و تربیتی است که باعث رشد شخصیتی بشود و جان را برای آن زندگی شایسته سازد که برای زندگی خدا سنجیده شود. آخرت نباید بخاطر گمانهای ما از دست برود. عالیترین آموزش آنست که فرزندان و جوانان ما را به علوم مسیحیت تعلیم دهد که به آنان دانش تجربی راههای خدا را عطا میکند و دروسی را یاد میدهد که مسیح به حواریون خود داد که شخصیت پدرا نه خدا بود.

**آموزش واقعی هدایتگر و رشد دهنده است-** زمانی برای تعلیم کودکان است و زمانی برای آموزش نوجوانان و ضروری است که در مدرسه هر دوی اینها در حدی زیاد با هم تلفیق شوند. فرزندان ممکن است برای خدمت به گناه یا برای خدمت به عدالت تعلیم داده شوند. آموزش ابتدایی نوجوانان شخصیت آنان را برای زندگی دنیوی و روحانی شکل میدهد. سلیمان میگوید: " بچه را در راهی که باید برود تربیت کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد"<sup>43</sup>. این گویش مثبتی است. تربیتی را که سلیمان سفارش میکند برای هدایت آموزش و رشد و ترقی است.

والدین و معلمان بجهت انجام این کار خودشان باید شیوه های کودکان را درک کنند. این موضوع بتنهایی بیش از این در برگیرنده دانش کتابهاست. این مطلب هر چیز خوب و با فضیلت و نیکو و مقدس را در بر دارد. این امر شامل تمرین اعتدال و میانه روی - دینداری - مهربانی برادرانه - و محبت به خدا و دیگران است. بخاطر نائل شدن به این هدف آموزش اخلاقی و ذهنی و مذهبی و جسمی فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد.



**آموزش واقعی، کارگران را برای خدا آماده میسازد-** تعلیم مسیحی به عهده پدران و مادران سپرده شده است تا فرزندان را که به آنان به امانت سپرده شده اند را آموزش دهند. در هیچ موردی ذهن و وقت و استعداد آنان نباید دستخوش انحراف گردد مبدا که از خدا جدا گردیده دور شوند. فرزندان آنان نباید از دست آنان رها شده و بدستهای بی ایمانان بیفتند. والدین با تمام توان خود بایستی تلاش کنند تا فرزندانشان جذب روح دنیاگرایی نشود. اولیا باید فرزندان خود را تعلیم دهند تا کارگران خدا بشوند. آنان باید دستان خداوند باشند تا خود و فرزندان را شایسته حیات جاوید سازند.

**آموزش واقعی محبت و ترس خدا را یاد میدهد-** والدین مسیحی آیا بخاطر مسیح خواسته های خویش را نمی آزمائید؟ اهداف خود را برای فرزندانان میدانید؟ و آیا میتوانید ببینید که آیا آنان میتوانند آزمون احکام خدا را تحمل کنند؟ ضروری ترین تعلیم به آنان محبت و خداترسی است.

**آموزش برای بسیاری بعنوان یک موضوع از مد افتاده است-** آموزشی که به درازای ابدیت است کاملاً مورد غفلت واقع گردیده است و بعنوان موضوعی از مد افتاده و ناخوشایند در آمده است. آموزش فرزندان در بر گیرنده کار بنای شخصیت در خیریت زمان حاضر - شادی و آرامش فعلی آنان و هدایت گامهای آنان برای فدیة دادن در راه خداست بدین ترتیب برای آنان مورد قبول نبوده بنابراین غیرضروری است. بخاطر اینکه فرزندانان بعنوان فاتح وارد دروازه های شهر خدا بشوند باید خداترسی را بیاموزند و احکام او را در زندگی جاری رعایت کنند.

**آموزش واقعی همواره رو بر رشد است و هرگز کامل نشده است-** کار یک عمر زندگی آمادگی برای حیات ابدی است. آموزشی که در اینجا آغاز شده در این زندگی کامل نخواهد شد و در سراسر ابدیت به پیش خواهد رفت و همیشه رو بر رشد خواهد بود و هرگز کامل نمیشود. و هر چه بیشتر و بیشتر حکمت و محبت خدا در نقشه رستگاری آشکار میشود. منجی همچنانکه فرزندان خود را به چشمه های آب زندگی هدایت میکند آنان را از ذخایر دانش بهره مند خواهد ساخت. و روز بروز کارهای شگفت انگیز خدا - نشانه های قدرت وی در خلقت و ابقای گیتی حسن جمال خود را در مقابل اندیشه آشکار خواهد ساخت. در پرتو انوار بارگاه جلال رازها



ناپدید خواهند گردید و جان با شگفتی در بی آلاشی از چیزهایی که هرگز درک نگردیده بودند لبریز خواهد گردید.

## فصل پنجاه و یکم

### آماده سازی برای مدرسه

**هشت تا ده سال اول** - کودکان نباید بمدت طولانی درون خانه محبوس بمانند و نباید به مطالعه اجباری ملزم شوند قبل از اینکه شالوده خوبی برای رشد جسمی آنان ریخته شود. در ابتدای هشت تا ده سالگی زندگی کودک، دشت و صحرا یا باغ و بوستان بهترین کلاس درس بوده و مادر بهترین معلم و طبیعت بهترین کتاب درسی خواهد بود. حتی زمانیکه کودک باندازه کافی بزرگ شده باشد تا به مدرسه بپیوندد سلامتی او مهم تر از دانش کتابها در نظر گرفته شود. او باید در محیطی قرار گیرد که بهترین شرایط مطلوب برای رشد جسمی و ذهنی او فراهم گردد. فرستادن بچه های کوچک به مدرسه مرسوم و متداول شده است. آنان ملزم گردیده اند تا کتابها را مطالعه کنند که بر ذهن کوچک آنان فشار وارد می آورد. این روش حکیمانه نیست. نباید در هر صورت به کودک فشار عصبی وارد آورده شود.

**برنامه کودک در خلال طفولیت** - در خلال شش تا هفت سالگی زندگی کودک، بیش از توجه به بالا بردن ظرفیت ذهنی باید توجه خاصی نسبت به تربیت جسمی او بشود. پس از این دوره چنانچه بنیه جسمی خوب باشد آنگاه باید به تعلیم هر دو پرداخت. طفولیت تا سن شش یا هفت سالگی ادامه خواهد یافت. تا این دوره آنان مانند بره های کوچک باید آزاد باشند تا در خانه و حیاط بگردند و در سبکبالی روح جست و خیز کنند و از هر غم و رنجی فارغ باشند. والدین خصوصاً مادران باید تنها معلمین ذهنی این قبیل اطفال باشند. آنان نباید با کتاب تعلیم دهند. کودکان معمولاً کنجکاو خواهند بود تا چیزها را از طبیعت یاد بگیرند. آنان راجع به چیزهایی که میبینند و میشوند سوال میکنند و والدین باید فرصتها را بهبود بخشند تا با شکیبایی تعلیم داده و به سوالهای کوچک جواب دهند. آنان میتوانند در این روش از خصم پیشی گرفته و اندیشه های فرزندان خود را با کشت بذرهایی خوب در قلبها تقویت کنند و





فضایی را برای ریشه های بد باقی نگذارند. آموزه های محبت آمیز مادر در سنین طفولیت برای شکل گیری شخصیت کودکان نیاز است.

**دروس در خلال دوره تحول-** مادر باید معلم باشد و خانه مدرسه باشد، مکانی که هر کودک اولین دروس خود را بیاموزد و این دروس باید شامل عادات کار و فعالیت باشد. مادران باید بگذارند تا جگر گوشه هایشان در هوای آزاد بازی کنند و بگذارند تا آواز پرندگان را بشنوند و محبت خدا را فراگیرند همانگونه که در کارهای زیبایش متجلی گردیده است. به آنان دروس ساده را از طبیعت و از وجود خودشان یاد بدهید و همچنانکه ذهن آنان مبسوط میگردد دروسی از کتابها میتواند اضافه شود و بطور دائمی در خاطر ثبت گردد. ولی حتی در سالهای اولیه نیز به آنان بیاموزید تا مفید باشند. آنان را تعلیم دهید تا فکر کنند که بعنوان اعضای خانواده بعنوان بخشی مفید در امور داخلی خانه نقشی ایفا کنند و در پی اعمال امور سالم در اجرای وظایف ضروری خانه بر آیند.

**این موضوع نباید مرحله دردناکی بشود-** این قبیل تربیت ارزش ناگفته ای برای یک کودک است و نباید فرآیندی ناراحت کننده برای کودک باشد. تربیت باید بگونه ای باشد که کودک از یادگیری لذت ببرد و برای او مفید باشد. این کار مادر است که با شکیبایی کودکان خود را بیاموزد و سطر به سطر و حکم به حکم کمی از اینجا و کمی از آنجا بگوید. و در انجام این کار مادر خود نیز آموزش و تعلیم فوق العاده گرانبهایی را خواهد یافت.

**روحیه با هم مدرسه ای ها به مخاطره خواهد افتاد-** جگر گوشه های خود را زود به مدرسه نفرستید. مادر باید مراقب باشد که چگونه ذهن طفل خود را در دستان خود قالب بگیرد. بسیاری از مادران احساس میکنند که برای آموزش فرزندان خود وقت ندارند و بخاطر اینکه آنها را از سر راه خود دور کنند و از سر و صدا و دردسر خلاص شوند آنان را بمدرسه میفرستند.

نه تنها سلامت ذهن و جسم فرزندان با فرستادن زود بهنگام بمدرسه به خطر خواهد افتاد بلکه آنان از جنبه معنوی زیان خواهند دید. آنان فرصتهایی را داشته اند تا با کسانی که زمین تربیت آنان کشت نشده بود آشنا شوند. آنان به جامعه خشن و زمخت که دروغ و فحش و سرقت و اغفال در آن است افکنده میشوند و کسانی هستند که دانش گناه و فساد را با خوشحالی به افراد کوچکتر از خود می آموزند. عادات بد موافق طبیعت و ذات بشری است و چیزهایی را که در طفولیت مینیند و میشوند عمیقاً بر روی اذهان آنان نقش مینیند و بذره های بد در قلبهای



جوان آنان کاشته شده و ریشه میدواند و خارهای تیزی خواهند شد که قلوب والدین خود را مجروح خواهند ساخت.

## فصل پنجاه و دوم

### انتخاب مدرسه

**ما متحمل ضررهای بسیار بدی میشویم** - گهگاهی آرزو میکنم که ایکاش خداوند میتوانست با صدایی رسا با والدین صحبت کند همانگونه که با همسر مانوح صحبت کرد و به آنها بگوید که چگونه فرزندان خود را تربیت کنند. ما بخاطر غفلت و کوتاهی از تربیت خانگی در هر شعبه و شاخه ای از کار متحمل ضررهای هولناکی میشویم. بدین خاطر بود که نیاز مدارس مذهبی بر اذهان ما اثر گذاشت تا تاثیرات آن حکمفرما شود. هر کاری که از دستتان بر می آید انجام دهید تا کارهای شیطان بزرگ را خنثی نمایید و با قدرت عیسی آنرا بانجام رسانید.

**مواجهه با موضوعی خطیر** - والدین و سرپرستان فرزندان خود را برای تعلیم و تربیت به مدارس بفرستید تا تاثیرات همانند مدارس خانگی داشته باشند - مدارسی که معلمان آنانرا نقطه به نقطه جلو پیش ببرند بدین مضمون که فضای روحانی حیاتبخش و روح افزا باشد... بهر صورت جوانان ما که آموزه های حکمت و تربیتی را از والدین خدانشناس خود دریافت نموده اند تقدسشان بواسطه حقیقت ادامه خواهد یافت و باندازه زیادی به تاثیری بستگی خواهد داشت که پس از اینکه خانه های خویش را ترک نمودند با کسانی ملاقات مینمایند که بدنبال آموزه های مسیحی میگردند.

**کدام قشر از مریبان؟** - دو گروه مریبی در دنیا وجود دارد. یک طبقه کسانی هستند که خداوند آنان را معبر نور و روشنایی خود قرار میدهند و طبقه دیگر را شیطان بعنوان عوامل خود بکار میبرد که راه و روش شرارات را در پیش گیرند. یک قشر خصلت و صفات خدا را در نظر گرفته تا معرفت و شناخت عیسی را فزونی دهند - آنکسیکه خداوند به جهان فرستاد. این گروه همه چیز را رها کرده تا به فرزاندگی و روشنگری ملکوتی و حکمت آسمانی نائل گردند تا جانها را متعالی سازد و هر قابلیت از جوهره خویش را به خدا ارزانی میدارد و افکار آنان در اختیار تام



مسیح است. دسته دیگر با اهریمن هم پیمان میشوند که همواره هشیار است تا از هر فرصتی برای تعلیم دانش شریر بهره گیرد.

**مدرسه ای را انتخاب کنید که خداوند شالوده و بنیاد آن است-** در برنامه تعلیم فرزندان در بیرون از خانه والدین باید درک کنند که فرزندانشان به دانشی نائل خواهند شد که بر اساس بنیاد کتاب مقدسی است. بر هر پدر و مادر مسیحی واجب است که بطور جدی و الزامی تعلیم و تربیتی را به فرزندان خود اعطا نماید که آنان را به کسب معرفت پروردگار هدایت کند تا از طریق اطاعت از اراده خدا و راه او شریک ذات الهی بشوند.

**اندرز و توصیه خدا به بنی اسرائیل را در نظر بگیرید-** در حالیکه داوری و غضب خداوند بر سرزمین مصر فرود می آمد پروردگار نه تنها به بنی اسرائیل دستور داد تا فرزندانشان را در خانه نگهدارند بلکه دام و حشم خود را از صحرا بخانه باز گرداند.

همانطور که بنی اسرائیل فرزندان خویش را در خلال فرو ریختن غضب خدا بر سرزمین مصر در خانه هایشان نگاه داشتند بدین جهت در این زمان وانفسا و خطر ما نیز باید فرزندان خود را جدا ساخته و از دنیا متمایز سازیم. ما باید آنان را تعلیم دهیم که فرامین خدا بیش از آنچه که درک میکنیم حائز اهمیت هستند و معنی و مفهوم والاتری دارند. کسانی که از فرزندان خود مراقبت میکنند مقلد اعمال طغیانگران از احکام خدا نیستند.

والدین باید کلام خدا را حرمت داده و از تعالیم آن فرمانبرداری نمایند. خداوند به بنی اسرائیل و نیز والدین امروز آشکارا میفرماید: "این قوانینی که امروز به شما میدهم باید دایم در فکرتان باشد. آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه در باره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. آنها را روی انگشت و پیشانی خود ببندید آنها را بر سر در منازل خود و دروازه هایتان بنویسید"<sup>44</sup>.

علیرغم این آموزه های واضح و آشکار برخی از امت خدا به فرزندان خویش اجازه میدهند تا به مدارس عمومی ببینند جاییکه ممکن است با کسانی که از نظر اخلاقی فاسد هستند در تماس باشند. در این مدارس فرزندان نه تنها نمیتوانند کتاب مقدس را مطالعه کنند بلکه نمیتوانند اصول آنرا یاد بگیرند. والدین مسیحی باید برای فرزندان خویش مقرر بدارند تا اصول کتاب مقدس را فرا گیرند.



**حقیقت کتاب مقدس خنثی گردیده و ذهن کودک مغشوش میگردد-** آیا فرزندان ما در مدارس عمومی ایده‌هایی که با کلام خداوند همخوانی دارند را فرا میگیرند؟ آیا گناه بعنوان اهانت به خدا تلقی میشود؟ آیا اطاعت به همه احکام خدا بعنوان آغاز همه حکمتها تعلیم داده میشود؟ ما فرزندان خود را به مدرسه سبت میفرستیم تا راجع به حقیقت تعلیم یابند و سپس هنگامی که به مدرسه میروند دروسی که شامل چیزهای غلط و کذب است برای فراگیری به آنان داده میشود. این چیزها ذهن را مغشوش میسازد و نباید چنین شود بخاطر اینکه اگر جوانان ایده‌هایی را بیاموزند که حقیقت را منحرف سازد چگونه تاثیر این آموزش را میتوان خنثی نمود؟

شگفت نیست که چرا تحت چنین شرایطی برخی از جوانان در بین ما قدردان مزبتهای مذهبی نیستند. آیا در تعجب نیستیم که چرا آنان به وسوسه کشیده میشوند؟ آیا در بهت و حیرت نیستیم بخاطر اینکه از آنان غفلت شده و انرژی آنان صرف تفریحاتی میشود که هیچ بهره و خیریتی برای آنان ندارد - و اینکه تمایلات مذهبی آنان تضعیف گردیده و زندگی روحانی آنان تباه گردیده است؟ از کوزه همان برون تراود که در اوست و محصول برداشته شده دارای خصوصیات همان بذری است که کاشته شده است. آیا این واقعیتها برای حفاظت آنان در سالهای اولیه آموزش جوانان کافی نیست؟ آیا جوانان آنطور که بیدیده غلط عموم آموزش انگاشته شده باید در جهل رشد یابند و در رابطه با حقیقت خدا بی تفاوت باشند؟

**مدارس در تمام کلیساهای ما-** در همه کلیساهای ما باید مدرسه وجود داشته باشد و معلمان در این مدارس مبلغین و مبشرین هستند. واجب است که معلمان تعلیم یابند تا کار مهم آموزش فرزندان رعایت کننده سبت را بر عهده گیرند، نه تنها در علوم بلکه در کلام. این مدارس در محله‌های مختلف تالیس و توسط مردان و زنان خداترس اداره میشود و همانگونه که خواسته شده باید بر اصول مشابه مدارس انبیا بنا شود.

**مدارس کلیسایی در شهرها-** از اهم است تا مدارس کلیسایی تالیس گردند تا اینکه فرزندان به آنجا فرستاده شوند و همچنان تحت مراقبت مادرانشان قرار گیرند و فرصتی داشته باشند تا به دروس مفید عمل نمایند که تدبیر خداست تا آنها را در خانه فرا گیرند...



برای نجات و آموزش فرزندان که در حال حاضر نمیتوانند از شهرها خارج شوند بیش از این میتواند کرده شود. این موضوع سزاوار بهترین تلاشهای مجدانه است. مدارس کلیسایی باید برای کودکان در شهرها تاسیس شوند و در رابطه با این مدارس تمهیداتی باید برای تعلیم عالی در زمان لزوم در نظر گرفته شود.

**مدارس را برای کلیساهای کوچک تدارک ببینید** - بسیاری از خانواده ها بمنظور تعلیم فرزندانشان به مکانهایی میروند که مدارس بزرگ در آنجا تاسیس شده است. آنان خدمت بهتری را به خداوند انجام خواهند داد تا در همانجایی که هستند بمانند. آنان باید کلیسایی که در آن عضو هستند را ترغیب کنند تا مدرسه کلیسایی تاسیس کرده تا فرزندان در محیط خود آموزش عملی مسیحی را کسب کنند. در عوض رفتن به کلیساهای بزرگتر برای فرزندان و برای خودشان و برای رضای خدا بسیار بهتر خواهد بود چنانچه در کلیساهای کوچکتری باقی بمانند زیرا که به کمک آنان نیاز است چرا که در کلیساهای بزرگتر چون به کمک آنان نیاز نیست و سوسه ای دائمی وجود دارد تا به رکود روحانی سقوط کنند.

هر جایی که چند نگاهدارنده سبت وجود داشته باشد والدین باید متحد شده و مکانی را برای مدارس روزانه تدارک ببینند تا کودکان و نوجوانان تعلیم داده شوند. آنان باید یک معلم مسیحی را بکار بگمارند که بعنوان یک مبلغ وقف شده فرزندان را به شیوه ای تعلیم دهند تا سرمشق گرفته و مبشران مسیح بشوند. بگذارید معلمانی بکار گرفته شوند که آموزش تمام و کمال را در شاخه های عمومی بدهند و از کتاب مقدس که بنیاد و سرچشمه همه دروس است استفاده کنند.

در محلاتی که تعداد ایمانداران کم است، دو یا سه کلیسا متحد شده و ساختمانی ساده را برای مدرسه کلیسایی بنا سازند. چنانچه والدین به اهمیت این مراکز کوچک آموزشی پی ببرند و برای کاری که خدا اشتیاقی دارد همکاری کنند نقشه های خصم برای فرزندان ما نقش بر آب میشود.

**مدارس خانگی کلیسایی** - تا حدی که ممکن است همه فرزندان باید از امتیاز تعلیم مسیحی برخوردار باشند. برای میسر ساختن چنین امری باید گاهی اوقات مدارس خانگی کلیسایی دایر کنیم. معقول خواهد بود چنانچه چندین خانواده در همسایگی متحد گردیده و معلمی خداترس



و متواضع را بکار بگمارند تا به والدین برای تعلیم فرزندان کمک کند. این کار برکت بزرگی را نصیب بسیاری از گروه‌های نگاهدارنده سبت خواهد کرد و این برنامه خدا را بیشتر خشنود خواهد ساخت تا اینکه فرزندان جوان را از خانه دور کنیم تا به مدارس بزرگتر پیوندند.

مشارکت‌های کوچک نگاه دارندگان سبت نیاز است تا نور هدایت را در مقابل همسایگان بتاباند و به وجود فرزندان در خانه‌ها نیاز است تا به والدین خود پس از خاتمه زمان مطالعه کمک کنند. به سفارش خدا بهترین مکان برای کودکان خانه‌های منضبط مسیحی است که فرزندان کوچک بتوانند از تعلیم و تادیب والدین بهره ببرند.

**مشکلی برای اعضای دور افتاده-** برخی از خانواده‌های نگاهدارنده سبت بتنهایی زندگی میکنند یا بسیار از ایمانداران دیگر بدور افتاده‌اند. اینها گاهی اوقات فرزندان خود را بمدارس شبانه روزی میفرستند تا پس از بازگشت برکتی برای خانه خود باشند. ولی برخی نمیتوانند فرزندان خود را دور از خانه بفرستند تا آموزش ببینند. در این موارد والدین باید تلاش کنند تا یک معلم مذهبی شایسته را استخدام کنند که با تمام ظرفیت برای خدمت برای کار خداوند علاقمند بوده و مشتاق باشند تا در هر قسمت از تاکستان خداوند فلاحت کنند. پدران و مادران باید با معلمان همکاری کنند و با اشتیاق برای تغییر فرزندان‌شان زحمت بکشند.

**کار برای رستگاری فرزندان-** در برخی کشورها والدین باجبار قانون، باید فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. در این کشورها در محلاتیکه در آنجا کلیسا وجود دارد اگر بیش از شش بچه وجود دارد در آنجا مدرسه باید تاسیس گردد. چنان کار کنید که گوئی کارتان برای رستگاری و نجات فرزندان‌تان از غرق شدن در آلودگی و فساد دنیا است. ما از ایفای مسئولیت‌هایمان در این وظیفه خطیر بسیار عقب افتاده‌ایم. در بسیاری از مکانها مدارس باید از سالها قبل مشغول به کار میشدند. بدینسان بسیاری از محلات باید نمایندگان حقیقت میداشتند که میتوانند خصوصیت‌های کار و امور خدا را عرضه دارند. برغم متمرکز ساختن بسیاری از ساختمانهای بزرگ در تعدادی از مکانها، مدارس میتوانند در بسیاری از محلات دایر گردند.

این مدارس اکنون باید تحت رهبری خردمندانه آغاز بکار کنند که فرزندان و جوانان بتوانند در کلیساهای خودشان تعلیم ببینند. برای خداوند تالم آور خواهد بود که در این خصوص غفلت بزرگی صورت پذیرد زیرا که مشیت الهی امکاناتی فراوان را برای کار فراهم آورده است.



**مدارس تاسیس شده نباید رها گردند** - مدارس کلیسایی تاسیس شده نباید بحال خود رها کرد مگر اینکه خداوند آشکار کند که چنین باید کرده شود. تاثیرات ناسازگار ممکن است بر ضد مدرسه باشد ولی با کمک خداوند معلم میتواند کاری والا و رستگارانه در تغییر دادن آیین و انتظام امور انجام دهد.

**متعالی ساختن فرزندان سرکش و نافرمان** - گاهی اوقات در مدرسه عاملی مختل ساز وجود دارد که کار را سخت و مشکل میسازد. فرزندی که آموزش درست و مناسب ندیده اند بیشتر مشکل ساز میشوند و با کژی های خویش دل معلم را بیشتر بدرد می آورند. ولی معلم نباید نومید شود. آزمون و خطا تجربه بیار می آورد. چنانچه کودکان سرکش و نافرمان باشند تلاش بیشتری را میطلبند. در واقع فرزندی با چنین خصلتهایی هستند که ایجاب میکند تا مدارس خانگی تاسیس شود. فرزندی که بواسطه والدین در آموزش و تربیت مورد اهمال و کوتاهی قرار گرفته اند باید چنانچه ممکن است نجات یابند.

**متبدل ساختن جوانان دنیوی** - سالها قبل ساختمانهای مدارس باید در جاهای دیگر بنا میگرددند - نه ساختمانهای بزرگ ولی ساختمانهایی مناسب برای مدارس کلیسایی که کودکان و نوجوانان میتوانند آموزش حقیقی کسب کنند. کتابهای درسی باید خصوصیات احکام خدا را مورد توجه قرار دهند. کتاب مقدس باید بنیاد آموزشی تلقی گردد. در این کار نور و قوت و قدرت حقیقت بسط داده خواهد شد. جوانان دنیوی که اذهانشان با عادات شهوت پرستی تباه نگردیده به این مدارس پیوسته و متبدل خواهند گردید... این نوع کار تبلیغی و بشارتی تاثیرات بسیاری در بسط نور هدایت و دانش حقیقت دارد.

**ابقایی عالیترین استاندارد** - خصوصیات کار انجام شده در مدارس کلیسایی ما باید در مراتب بسیار عالی قرار گیرد. عیسی مسیح آن ترمیم کننده تنها علاج برای آموزش غلط است و دروس تعلیم داده شده با کلام وی باید همیشه بصورت جذاب در مقابل جوانان مطرح گردد. نظم و ترتیب مدرسه باید مکمل آموزش خانگی باشد و در خانه و مدرسه بی آلاچی و قدوسیت باید برقرار گردد.

**آماده سازی برای درجات عالیتر** - این هشدار به والدین داده شده است تا فرزندان خود را در خانه جمع کنند و آنان را از بی اعتنائی به احکام خدا و کسانی که شرارت را موعظه و تعلیم



میدهند دور سازند. هر چه سریعتر که ممکن است از شهرهای بزرگ دور شوید. مدارس کلیسایی تاسیس کنید. به فرزندان خود کلام خدا را بعنوان بنیاد و شالوده همه تعلیماتشان بدهید. کتاب مقدس سرشار از دروس زیباست و چنانچه جزو دروس کلاسهای دانش آموز بشود آنان برای دوره های عالیتر آماده میشوند.

**خداوند تدارک دیده است** - مدارس ما واسطه های مخصوص خدا هستند تا فرزندان و جوانان را برای کار تبلیغ آماده سازند. والدین باید مسئولیت خویش را درک کنند تا بفرزندان خود کمک کنند تا قدردان امتیازات و برکاتی باشند که خداوند برای آموزش بهتر آنان تدارک دیده است.

## فصل پنجاه و سوم

### مسئولیت کلیسا

**کلیسا بعنوان مراقب و نگهبان** - خداوند مدرسه کلیسایی را بعنوان کمکی برای والدین در آموزش و آماده سازی فرزندان بکار میبرد. پس بگذاریم تا کلیسا عهده دار جدی تکالیف مدرسه باشد و آنرا آنطور که خداوند دوست دارد بسازد. خداوند کلیسا را بعنوان مراقب تعیین نموده است تا غیرتمندانه مراقب جوانان و نوجوانان باشد و بعنوان نگهبان، دشمن را زیر نظر داشته باشد و در هنگام خطر هشدار دهد. ولی کلیسا وضعیت را درک نمیکند. و در هنگام نگهداری بخواب رفته است. در این زمان وانفسا و خطر پدران و مادران باید برخاسته و کار کنند در غیر اینصورت جوانان برای همیشه از دست خواهند رفت.

**احکام خدا بایستی تقویت گردد** - کلیسا کار خاصی در تعلیم و تربیت فرزندانش بعهده دارد که آنان نباید در مدرسه رفتن یا در هر جمع دیگری با عاداتهای تباه تحت تاثیر قرار گیرند. جهان پر از بی انصافی و شرارت است و نسبت به الزامات خداوند بی اعتناست... کلیساهای پروتستان سبت جعلی را پذیرفته اند که مولود سیستم پاپ کاتولیک است و آن را در حد اعلی فرا تر از روز تقدیس شده و مقدس خدا قرار داده اند. این وظیفه ماست تا برای





فرزندانمان شفاف و آشکار بسازیم که یکشنبه روز سبت حقیقی نیست و بطور آشکار با احکام خدا در تضاد است.

**کارگران متخصص باید برای مسیح تعلیم داده شوند-** بعنوان اعضاء کلیسا چنانچه درست قضاوت کنیم باید تلاشهای بیشتری برای تربیت جوانان بخرج دهیم تا اینکه بهتر صلاحیت کسب کنند زیرا که کارهای عظیمی به دستان ما سپرده شده است. ما باید برنامه های خردمندانه ای بریزیم تا اینکه ذهن مبتکر کسانی که دارای استعداد هستند تقویت گردیده و منضبط شده و جلا یابند تا بخاطر فقدان کارگران متخصص در کار مسیح تاخیری واقع نگردد که کار خود را با اشتیاق و صداقت انجام دهند.

**همگی در هزینه مشارکت داشته باشند-** کلیسا باید ببیند که آنانیکه بایستی منتفع گردند به مدرسه بپیوندند. به خانواده های فقیر باید کمک شود. اگر از کسانیکه که در نزدیکی ما هستند و در سنین بحرانی هستند غفلت کنیم آنگاه نمیتوانیم خود را خادمین واقعی بخوانیم. کسانی هستند که به کمک و دانش و تجربه ما نیاز دارند تا صلاحیت خدمت به خدا را کسب کنند. خداوند با تلاشهای بی شائبه در پی آموزش و تعلیم فرزندان ماست.

**بازهای مالی را برای تعلیم جوانان برارید-** کلیساها در محلات مختلف باید احساس کنند که مسؤلیتی جدی بر دوش دارند تا برای پیوستن به کار تبلیغ، جوانان را تعلیم دهند و استعدادها را آموزش دهند. افرادی وجود دارند که خدمات خوبی را در تاکستان خداوند انجام خواهند داد ولی خیلی ها بیش از حد فقیر و ناتوان هستند تا بدون مساعدت به تحصیل نائل شوند. کلیساها باید احساس برتری کنند که از این امتیاز برخوردارند تا مخارج اینچنینی را متقبل شوند. کسانی که در قلبهای خویش حقیقت را یافته اند همیشه سخاوتمندند و در جایی که نیاز است کمک میکنند. آنان رهبری میکنند و دیگران از الگوهای آنان تقلید میکنند. چنانچه کسانی وجود داشته باشند که به تحصیل در مدرسه نیازمندند ولی نمیتوانند هزینه تحصیلی کامل را بپردازند کلیساها باید سخاوت خود را نشان داده و به آنان کمک کنند.

**صندوق مدرسه برای تحصیل عالی-** صندوقی برای اعانه و کمک سخاوتمندانه برای تاسیس مدارس بمنظور تحصیلات عالی باید تشکیل شود. ما به مردان خوب تعلیم دیده شده و خوب تحصیل کرده نیازمندیم تا برای خیریت کلیساهای خویش کار کنند. آنان باید به این واقعیت



توجه کنند که ما نمیتوانیم جوانان خود را برای تحصیل به دانشکده های الهیات مذاهب دیگر بفرستیم. و آنان را باید در مدارس گردآوریم که آموزش مذهبی آنان مورد غفلت و کوتاهی واقع نگردد.

**به ماموریت های تبلیغی کمک کنید ولی از جوانان در خانه غفلت نکنید-** آیا اعضای کلیسا برای پیشرفت امور مسیح کمک مالی میکنند و فرزندان خود را بحال خود رها کرده تا در خدمت شیطان باشند؟ در حالیکه میتوانیم تلاشهای مجدانه ای برای توده های مردم در اطراف خود کنیم و کار را در میدانهای دیگر با قوت بجلو بریم هیچ مقدار کار در این مسیر نمیتواند عذر و بهانه ای برای غفلت از آموزش کودکان و نوجوانان ما باشد. آنان باید تعلیم داده شوند تا کارگران خدا بشوند. هم والدین و هم معلمین با الگو و قاعده اخلاقی باید اصول حقیقت و درستکاری را در اذهان و قلوب جوانان تزریق کنند تا اینکه آنان مردان و زنانی به صلابت پولاد برای خداوند و اهداف او بشوند.

**با ایمان دعا کنید آنگاه خداوند درها را میگشاید-** برخی میپرسند "اینگونه مدارس چگونه باید تاسیس شوند؟" ما مردمی ثروتمند نیستیم ولی اگر با ایمان دعا کنیم و اجازه دهیم تا خدا از طرف ما کار کند او راهها را در مقابل ما میگشاید تا مدارس کوچک در مکانهای دور افتاده برای تحصیل جوانان ما تاسیس شود نه تنها با کلام و با آموزشهای کتابی بلکه در بسیاری از کتابهای راهنما.

**برخیزیم و بنا کنیم-** ما باید کار را در مسیر درست انجام دهیم. آیا باید به فرزندانمان اجازه بدهیم تا با شرارتهای دنیوی آلوده شوند و به احکام خداوند بی اعتنایی کنند؟ والدین در فرستادن فرزندان خویش به مدارس عمومی مسئول آلوده شدن آنان هستند و چطور متقبل چنین مخاطره ای میشوند؟

ما مایل به بناکردن مدرسه برای فرزندانمان هستیم. بخاطر درخواستهای بیشمار برای پروژه های مختلف، جمع آوری پول کافی مشکل مینماید یا حتی برپایی یک ساختمان کوچک و مناسب بمنظور ایجاد مدرسه خانگی سهل نیست. (الن جی وایت میگوید): به انجمن مدرسه گفتم که زمینی را برای ایجاد مدرسه اجاره میدهم تا برای مدتی از آن برای اهداف مدرسه استفاده شود. امید که علاقه کافی ایجاد شده باشد تا ما را قادر سازد که ساختمانی را بنا کنیم



که در آن به فرزندانمان کلام خدا آموخته شود... آیا علاقه به برپایی مدرسه ای ندارید که کلام خدا در آنجا تعلیم داده شود؟ امداد الهی بسوی ما خواهد آمد. ما انتظار داریم که ساختمان مدرسه ای داشته باشیم که در آن کتاب مقدس تعلیم داده شود و در آنجا نزد خدا دعا و پرستش انجام شود و فرزندان با اصول کتاب مقدس راهنمایی شوند. ما انتظار داریم که هر کسی که میتواند در بنا کردن مدرسه مشارکت داشته باشد. انتظار داریم که یک ارتش کوچک از کارگران را در این مدارس تعلیم دهیم.

**با نیروی کار و پول کمک کنید-** ما میدانیم که همه در توفیق چنین اقدام مهمی علاقه مند هستند. بگذارید کسانی که زمان اضافی دارند چند روز خود را در کمک به بنای این مدرسه خانگی اختصاص دهند. پول کافی برای پرداخت مواد مورد نیاز ارائه کنید. از آنچه که پرداخت شده خوشحالیمل ولی حال از همه میخواهیم تا این موضوع را با علاقه دنبال کنند تا بزودی شاهد مکانی باشیم که فرزندانمان بتوانند در آن کتاب مقدس را مطالعه کنند که شالوده تمامی آموزشهای حقیقی است. ترس از خدا اولین درسی است که باید تعلیم داده شود که همان آغاز حکمت است.

دلیلی وجود ندارد که این موضوع بدراز کشیده شود. هر کسی باید کمکی را متقبل شود و با تلاش خستگی ناپذیر پشتکار بخرج دهد تا ساختمان باتمام برسد. بگذارید تا هر کسی کاری انجام دهد. برخی ممکن است صبح خیلی زود در ساعت چهار صبح برای کمک از خواب بیدار شوند. بعضی ها کار خود را در این ساعت یا قبل از آن آغاز میکنند. وقتی سپیده صبح بدمد بعضی میتوانند کار را در ساختمان شروع کنند و یک تا دوساعتی را قبل از صبحانه کار کنند. دیگران که نمیتوانند چنین کنند شاید بتوانند به اموری بپردازند تا علاقه خود را نشان دهند تا تحصیل را در مدرسه برای فرزندان ممکن بسازند تا بتوانند برای خدمت خدا تربیت شوند. خداوند هر تلاشی را برکت خواهد داد...

برادران و خواهران برای بنای یک مدرسه چه خواهید کرد؟ ایمان داریم که هر کسی این کار را بعنوان امتیازی و برکتی در نظر خواهد گرفت تا ساختمان این مدرسه را داشته باشد. بگذارید تا به روح این کار دست یازیم و بگوئیم ما برخاسته و بنا خواهیم کرد. چنانچه همگی متحد شده و کار را تقبل کنند بزودی مدرسه ای خواهیم داشت که روز بروز فرزندانمان در راه



خداوند تعلیم داده شوند. چنانچه کار خود را بهترین نحو انجام دهیم برکت خدا بر ما نازل خواهد گردید. آیا نباید برخاسته و مدرسه ای بنا کنیم؟

## فصل پنجاه و چهارم

### مشارکت معلمان و والدین

**نیاز برای درک مشفقانه** - معلمان خانگی و معلمان مدرسه باید نسبت به کار یکدیگر درک مشفقانه ای داشته باشند. کار آنان باید با یکدیگر همخوانی داشته باشد و با روح مشابه خدمت الهی آغشته باشد و با تلاش مجدانه در جهت نفع روحی و ذهنی و جسمی فرزندان توأم باشد و شخصیتها و خصایل را ارتقا داده تا در برابر آزمونها و وسوسه ها استوار بایستند. والدین باید بیاد داشته باشند که کار بسیار بیشتری بواسطه مدرسه کلیسایی بانجام خواهد رسید. آنان خود درک خواهند نمود که فرزندانشان در این قبیل مدارس مزیتی بدست خواهند آورد و با معلم یکدل و متحد خواهند گردید. والدین با دعا و با شکیبایی میتوانند کارهای اشتباهی که با افراطگریهای نابخردانه و نابردباری انجام داده اند را خنثی کنند. والدین و معلمان بایستی کار را با یکدیگر متقبل شوند و باید بخاطر داشته باشند که به خود آنان نیز با حضور در کنار معلمان مشتاق و خداترس کمک خواهد شد.

**جدایی و نفاق اثرات خوب را خنثی خواهد کرد**- روح جدایی و نفاق در دل‌های تعداد کمی اثر کرده و تاثیر خوبی را که بواسطه مدرسه بکار برده شده را خنثی خواهد کرد. بدون آمادگی و اشتیاق برای همکاری با معلم برای رستگاری فرزندان، آنان آماده نخواهند بود تا با یکدیگر مدرسه را تاسیس کنند.

**کار گروهی در خانه آغاز میشود**- همکاری و همیاری باید با خود پدر و مادر در خانه آغاز شود. آنان در کارآموزی فرزندانشان مسئولیت مشترکی را بر عهده دارند و این امر باید با پشتکار دائمی برای همکاری همراه باشد. آنان باید خود را تسلیم خدا سازند و در پی استعانت از خدا و همه کسانی که با آنان رابطه دارند باشند. با چنین کارآموزی، وقتی که فرزندان به مدرسه



فرستاده شوند موجب اختلال و یا تشویش خاطر نخواهند شد. آنان برای معلمین خویش تکیه گاهی خواهند بود و نمونه و مشوقی برای همشاگردی های خویش خواهند گردید.

فرزندان با خود اثرات و قدرت کارآموزی شما را به کلاس خواهند برد. هنگامی که والدین خدانشناس و معلمان با تقوی با هم در هماهنگی کار کنند قلوب فرزندان آماده میشود تا علاقه بیشتری را در کار خدا در کلیسا نشان دهند. فیوض پرورش یافته در خانه به کلیسا منتقل میشود و خداوند جلال خواهد یافت. اگر والدین چنان جذب کار و تفریح در این زندگی باشند که از تادیب و تربیت مناسب و شایسته فرزندان خود غفلت کنند نه تنها کار معلم بسیار سخت تر خواهد بود بلکه رویهمرفته بی حاصل خواهد بود.

**کار معلم کاری تکمیلی است-** در شکل دادن شخصیت تاثیرات دیگر آنقدر مانند تاثیرات خانه بشمار نمی آید. کار معلم باید مکمل کار والدین باشد ولی نباید جایگزین آن گردد. در تمامی توجهات نسبت به خیریت و رفاه کودک معلمین و والدین باید با هم همکاری داشته باشند.

وقتی که کودک باندازه کافی بزرگ شده باشد باید به مدرسه فرستاده شود و معلم باید با والدین همکاری داشته و آموزش عملی باید با آموزش تحصیلی توأم باشد. بسیاری از دانش آموزان به این نوع کار عملی در مدرسه معترض هستند. آنان فکر میکنند که این کارهای سودمند مانند یادگیری کار، باعث خفت آنان است ولی این گونه ایده ها نادرست هستند بلکه آنان نمیدانند که چه چیزی باعث شان و وقار میشود.

**خانه از طریق مدرسه برکت می یابد-** اگر معلم با شکیبایی و اشتیاق و پشتکار در جهت مسیح کار کند، کار بهسازی و تادیب در مدرسه انجام شده و میتواند به خانه های کودکان تعمیم یابد و فضایی ملکوتی و خالص را ایجاد کند. این در واقع کاری تبلیغی در مرتبه ای عالیتر خواهد بود. معلم مراقب، فرصتهای بسیاری خواهد یافت تا شاگردان را راهنمایی کند که سودمندانه عمل کنند. بچه های خردسال به معلم خود با اعتماد و احترام نگاه میکنند. هر چه که او بعنوان راهی برای کمک به خانه پیشنهاد کند مانند وفاداری در وظایف و تکالیف روزانه خدمت به مریض و فقیر بندرت بی ثمر خواهد شد. و بدین ترتیب مجدداً ثمره ای مضاعف را تامین خواهد نمود. پیشنهاد مهرآمیز به بانی آن اثر خواهد گذارد. سپاسگزاری و همیاری بوسیله والدین بار معلم را سبک خواهد نمود و راه او را هموارتر خواهد ساخت.



**والدین میتوانند کار معلم را سبک کنند-** اگر والدین کار خود را وفادارانه ایفا نمایند کار معلم بطور شگرفی سبک خواهد شد. امید و جرات او افزایش خواهد یافت. والدینی که قلوبشان مملو از محبت مسیح باشد از خرده گیری خودداری خواهند نمود و با تمام قوت خویش کسی را که بعنوان معلم فرزندان خویش برگزیده اند را تشویق و کمک خواهند کرد. آنان به وظیفه شناسی او در کار ایمان خواهند داشت همانطور که به کار خویش ایمان دارند. وقتی که والدین مسئولیت خویش را درک کنند آنگاه کار معلم بسیار ساده تر خواهد بود.

**والدین میتوانند مشاوران معلم باشند-** ما باید در خانه در باره محبت خدا گفتگو کنیم و باید آنرا در مدارسمان تعلیم دهیم. اصول کلام خدا باید به خانه و مدرسه آورده شود. چنانچه والدین بطور کامل به وظیفه خود واقف باشند و تسلیم اراده آشکار خدا باشند آنان مشاوران خردمندی در مدرسه و امور تحصیلی خواهند بود. و به شاگردان تعلیم خواهند داد که چگونه مراقب و سوسه هایی باشند که بسراغ نوجوانان و جوانان خواهد آمد. معلمین و والدین بدین ترتیب با هم با خدا در تعلیم جوانان برای ملکوت کار خواهند نمود.

دانش خصوصی و محرمانه والدین در باره شخصیت و ویژگیهای جسمی یا ضعف کودکان چنانچه به معلم گفته شود به او کمک خواهد نمود تا چگونه با آن مورد خاص رفتار کند. باعث تاسف خواهد بود که بسیاری در درک این امر مهم قصور کنند. اکثر والدین علاقه کمی نشان میدهند که خود را به معلم معرفی کنند و یا صلاحیتهای معلم را بدانند و یا با او در این کار همیاری نمایند. والدین باید وظیفه خود را احساس کنند تا با معلم همکاری کنند، تادیب و تربیت حکیمانه را تشویق کنند و برای کسی که فرزندان را تعلیم میدهد دعا کنند.

**معلمان میتوانند به والدین مشورت بدهند-** از آنجا که والدین بندرت خود را با معلم آشنا میسازند دانستن این امر مهم خواهد بود که معلمین در پی آشنایی با والدین خود باشند. او باید برای ملاقات به خانه شاگردان خود برود و تاثیرات و شرایط محیطی که در آن زندگی میکنند را در یابند. در ارتباط شخصی با خانه و زندگی، معلم میتواند رابطه خود را با شاگردان تقویت سازد و یاد بگیرد که چطور با خلق و خو و حالات آنان با توفیق سر و کار داشته باشد.

همانطور که او علاقه خود را به تعلیم خانگی نشان میدهد معلم از سود مضاعفی بهره مند میگردد. بسیاری از والدین که غرق در کار و مراقبت هستند بصیرت خود را از فرصتهای مغتنم



برای تأثیر گذاری بمنظور خیریت زندگی فرزندان خویش از دست میدهند. معلم میتواند بیش از این برای برانگیختن این والدین برای امکانات و امتیازاتی که میتوانند از آن سود ببرند کار انجام دهد. او بار سنگین حس مسئولیت را در والدین خواهد یافت که نگران فرزندانیشان هستند که مردان و زنانی خوب و مفید بشوند. اغلب معلم میتواند این والدین را در حمل بار مسئولیت شان کمک کند و با رایزنی با یکدیگر، معلم و والدین تشویق و تقویت خواهند شد.

## فصل پنجاه و پنجم

### اتحاد در انضباط و تادیب و تربیت

**معلم در مدیریت خویش به درایت و کاردانی نیاز دارد-** در میان جوانان تنوع خصوصیات اخلاقی و تحصیلی را نمیتوان یافت. برخی در محیط مستبدانه و خشن زندگی کردند که در آنان روح سرسختی و مخالفت را رشد داده است. با برخی از کودکان مانند حیوانات خانگی رفتار شده است زیرا که والدین بیش از حد شیفته، به آنان اجازه داده اند تا هر کاری دلشان میخواهد بکنند. هر نقصی توجیه شده است و تا آنجا ادامه یافته که شخصیت آنان ناقص و ضایع گردید و رو به انحطاط گذاشته شوند. برای توفیق یافتن بر این اذهان متفاوت، معلم ناگزیر به اعمال شگردهای حاذقانه و حساسی در مدیریت خویش خواهد بود و در طرز اداره امور باید استوار و محکم باشد.

اعلام انزجار و حتی اهانت اغلب برای خط مشی مناسب آشکار میشود. برخی از قوه نبوغ خود برای طفره رفتن از مجازات ها استفاده میکنند در حالیکه دیگران خونسردی و بی اعتنایی را به پیامدهای سرپیچی نشان میدهند. همه اینها شکیبایی و تلاش بیشتری را از سوی کسانی که به آنان امور آموزشی سپرده شده است میطلبد.

**بهتر است مقررات کم باشد ولی بخوبی رعایت گردد-** در مدرسه و همچنین در خانه تادیب و نظم خردمندانه ای باید اعمال شود. معلم باید مقرراتی را وضع کند تا شاگردان خویش را اداره



کند. این مقررات باید کم ولی بخوبی مراعات شود و وقتی وضع گردید باید اجرا شود. اصول باید در مقابل دانش آموز قرار گیرد تا درستی و عدالت آن وی را متقاعد سازد.

**معلم باید دانش آموز را ملزم به اطاعت از مقررات کند-** در مدرسه و همچنین در خانه مفهوم انضباط و تادیب باید درک گردد. ما باید امیدوار باشیم که در مدرسه هیچگاه موقعیتی پیش نیاید که چوب تادیب مورد استفاده قرار بگیرد. ولی اگر در مدرسه کسانی با لجابت در مقابل استدعا و اندرز مقاومت کنند آنگاه لازم است به آنان فهمانده شود که آنان باید اطاعت کنند. برخی معلمان فکر میکنند که اجبار به اطاعت ضروری نیست. آنان فکر میکنند که وظیفه آنان تنها تدریس کردن آموزش است. درست است - آنان باید آموزش بدهند. ولی آموزش فرزندان با نادیده گرفتن اصول چه فایده ای دارد. معلم حس نمیکند که حق حکمیت و اداره امور را در دست داشته باشد.

**او به همکاری والدین نیاز دارد-** معلم نباید تنها رها شود تا بار مسئولیت را بتنهایی بر دوش بکشد. او به همفکری و لطف و همیاری و محبت اعضای کلیسا نیازمند است. والدین باید معلم را با نشان دادن قدردانی از تلاشهایش تشویق کنند. آنان هرگز نباید سخنی بگویند یا کاری کنند که نافرمانی در فرزندانشان را ترغیب نماید.

ولی میدانیم که بسیاری از والدین با معلم همکاری نمیکند. آنان در خانه تاثیر خوبی را که در مدرسه بکار برده میشود پرورش نمیدهند. در عوض ادامه دادن تاثیرات خوبی که در مدرسه بکار برده میشود، آنان به فرزندان خود اجازه میدهند که هر چه دلشان میخواهد انجام دهند و بدون محدودیت به اینطرف و آنطرف بروند. و چنانچه معلم به اختیار و اقتدار خود در الزام فرمانبرداری عمل نماید فرزندان گزارشی اغراق آمیز و تحریف شده را به والدین خود میدهند. معلم تنها به وظیفه دردناک خود عمل نموده است ولی والدین با فرزندان خود همدردی میکنند، حتی اگرچه آنان خطاکار باشند. و اغلب والدینی که خود با عصبانیت و خشونت حکمرانی میکنند وقتی که فرزندانشان در مدرسه تادیب میشوند بسیار نامعقول رفتار میکنند.

وقتی که والدین شکایت فرزندان خود را بر علیه حکمیت و انضباط به مدرسه میبرند آنان مشاهده نمیکند که نیروی تضعیف روحیه را افزایش میدهند که در حال حاضر به اندازه





خطرناکی شایع شده است. هر تاثیری که جوانان را احاطه کرده است باید در جای درست باشد زیرا که تباهی جوانان رو به رشد است.

### **معلمین وفادار را حمایت کنید-** والدینی که هرگز دلواپسی را برای جانهای فرزندانشان احساس

نموده اند و کسانی که هرگز آنان را محدود ننموده و هدایت نکرده اند همانهایی هستند که مخالفت لجام گسیخته خود را هنگامیکه فرزندانشان مهار و ملامت شده یا در مدرسه اصلاح شده اند ابراز میدارند. برخی از این فرزندان برای کلیسا موجب ننگ و رسوایی هستند. والدین باید فرزندان خویش را بگونه ای تعلیم دهند که نسبت به خدا و اصول و نسبت بخودشان و تمامی کسانی که با آنان در ارتباط هستند رو راست باشند.

والدینی که فرزندانشان را درست تربیت میکنند از معلم انتقاد نمیکنند. آنان احساس میکنند که علاقه به فرزندانشان و خوش انصافی در مدرسه طلب میکند که تا در حد ممکن از معلمی که در مسئولیتها با او شریک هستند حمایت و او را محترم بشمارند.

### **در مقابل فرزندان هرگز از معلم انتقاد نکنید-** والدین - وقتی که معلم مدرسه کلیسایی سعی

در آموزش و تربیت فرزندانتان دارد تا به حیات جاودانی نائل آیند در مقابل فرزندانتان کارهای معلم را مورد انتقاد قرار ندهید حتی گرچه ممکن است فکر کنید که او خیلی سختگیر است.

اگر از آنان میخواهید تا قلوب خود را به منجی بسپارند با تلاشهای معلم بمنظور رستگاری همکاری نمایید. چقدر بهتر خواهد بود که بجای شنیدن نكوهش و انتقاد از لبهای مادران کلام ستایش در خصوص کار معلم شنیده شود. این قبیل کلام اثری بادوام میگذارد تا فرزندان معلم خویش را احترام بگذارند.

اگر انتقاد یا پیشنهاد در باره کار معلم لازم باشد باید بطور خصوصی با او در میان گذارده شود. اگر موثر واقع نیفتاد آنگاه موضوع را به هیئت مدیره مدرسه در میان بگذارید. هیچ چیزی نباید گفته یا عمل شود تا احترام فرزندان را نسبت به کسی که خیریت آنان در حد اعلا به او بستگی دارد تضعیف شود. چنانچه والدین خود را در موقعیت معلم قرار دهند و ببینند که لزوما چقدر مشکل باید باشد تا صدها دانش آموز را در سطوح و طبقه ذهنی اداره و منضبط نمود آنگاه امور را متفاوت خواهند دید.



**سرپیچی اغلب در خانه آغاز میشود-** در اجازه دادن به فرزندان به انجام هر چه که آنان را خشنود میکند، والدین ممکن است خود را مهربان و خونگرم احساس کنند ولی نمیدانند که مطلقاً ظلم میکنند. فرزندان قدرت استدلال دارند و جان آنان با مهربانی سهل انگارانه صدمه میبیند هر چند که در نگاه والدین ممکن است مهربانی دیده شود. هنگامی که فرزندان بزرگتر میشوند سرپیچی آنان نیز رشد میکند. معلمین آنان ممکن است سعی کند تا آنان را اصلاح کند ولی اغلب اوقات والدین از فرزندان طرفداری میکنند و شرارت به رشد خود ادامه میدهد و با حيله گری بیشتری پوشش می یابد. کودکان دیگر بواسطه تاثیر اینگونه فرزندان اغفال و منحرف میشوند و با اینحال والدین نمیتوانند اشتباه را ببینند. سخن فرزندانشان قبل از کلام معلمی شنیده میشود که در سوگ اشتباهاتشان نشسته است.

**کار معلم با عدم همکاری والدین مضاعف میشود-** غفلت والدین در تربیت فرزندان کار معلم را دو برابر سخت تر میکند. در خانه نسبت به آنان کوتاهی میشود و آنان تعلیم و تادیب مدرسه را بعنوان ظلم و و سختگیری میبینند. این قبیل فرزندان اگر بدقت مراقبت نشوند مانند بز گری هستند که دیگران را نیز آلوده میسازند. ولی درست و بجاست که فرزندان در مدرسه تادیب و تربیتی فرا گیرند که دلسوزی بیجای والدین را در خانه بخاطر خطاکاری آنان خنثی میسازد.

آیا والدینی که به کلام خدا اعتقاد دارند باید به مدیریت نادرست خود ادامه دهند و کامرانی های شیرانه فرزندانشان را تایید کنند؟ پدران و مادرانی که حقیقت را ابراز میکنند در این زمان بهتر است که به مشاعیر خود رجوع و بیش از این شریک اهریمن نشوند و بیش از این شیوه شیطان را با پذیرفتن شهادتهای غلط فرزندان بی ایمان خود حمل نکنند. برای معلمین، ستیز با رفتار فرزندان کافی است و نیازی به مقابله با تاثیر رفتاری والدین نمیباشد.



## بخش ۱۳

### اهمیت عمده رشد جسمی

#### فصل پنجاه و ششم

#### آموزش آکادمیک و دانشگاهی

بسیاری در مراکز آموزشی دنیوی از راه بدر میشوند- واقعیت هولناکی وجود دارد که قلب های والدین را بلرزه در می آورد. بسیاری از مدارس و کالجهایی هستند که جوانان برای پرورش فکری و تربیتی به آنجا فرستاده میشوند ولی در آنجا شخصیت آنان تغییر می یابد و ذهن آنان از اهداف واقعی زندگی و اخلاقیات پست و منحرف میگردد. از طریق رابطه با بی دینان و عشرت طلبان و فاسدان بسیاری از جوانان بی آلاچی و خلوص خود را از دست میدهند و ایمان آنان نسبت به خدا زایل گردیده و روح از خود گذشتگی که پدران و مادران آنها گرامی داشته و از آن با دعاهای شور انگیز پاسداری میکردند منحل میگردد. بسیاری که وارد مدرسه میشوند با هدف خدمت متواضعانه در مطالعات دنیوی و غیر روحانی مستغرق میشوند. جاه طلبی برای گرفتن امتیاز در کمک هزینه دانشجویی برای نائل شدن به مناصب و مفاخر دنیوی در آنان بر انگیخته شده است. هدفی که برای آن وارد مدرسه شده اند جلوه خود را از دست داده و زندگی برای مشاغل دنیوی و خودخواهانه به باد سپرده میشود. و اغلب عادات شکل گرفته، زندگی و آخرت را به ویرانی میکشاند.

**تجلی خانه های روحانی محو گردیده است-** ما نزد خدا دعا میکنیم که "ما را در وسوسه میاور"، پس رضایت ندهید که فرزندانمان به مکانهایی بروند که با وسوسه ها مواجه شوند. آنان را به مدارس دوردست نفرستید که با رفقای تحت تاثیر قرار گیرند که مانند علفهای هرزی هستند که در قلبهایشان کاشته میشوند. در مدرسه خانگی در طی سالهای شباب فرزندانمان را طوری تربیت کنید که خداترس بار بیابند. و آنگاه مراقب باشید مبادا اثرات روحانی که در



قلبهایشان حلول کرده محو گردد و محبت خدا از دل‌هایشان بیرون رود. مگذارید که جذبه‌های حقوق عالی و یا ظاهراً امتیازات عالی تحصیلی باعث شود تا فرزندان خود را دور از نظر خود بفرستید که در معرض وسوسه‌های بزرگ قرار گیرند. "چه فایده که انسان تمام دنیا را ببرد ولی در عوض جانش را از دست بدهد؟ مگر چیزی با ارزش تر از جان او پیدا میشود؟" (مرقس ۸: ۳۶، ۳۷).

**همکاران ما بواسطه خدا مقدر گردیده اند-** یک نهاد روحانی باید برای تحصیل جوانان تاسیس گردد. اگر تاثیر کالج یا مدرسه ما آنطور است که باید باشد، جوانانی که تحصیل کرده اند قادر به تشخیص خدا بوده و او را در اعمالش جلال میدهند و در حالیکه بکار گمارده میشود در ترویج استعدادها و توانائی‌هایی که خدا به آنان عطا نموده است او را آماده میسازند تا بیشتر در خدمت کارآمد و موثر باشد. جوانان ترغیب میشوند تا به مدارس ما بپیوندند تا بیش از پیش مانند مدرسه انبیا بشود. مدارس ما بواسطه خدا تاسیس گردیده اند.

**امتیازات تجربه مدرسه خانگی-** در حد زیادی بچه‌هایی که قرار است در مدارس وابسته به کلیسا تحصیل کنند پیشرفت بسیار بیشتری خواهند داشت چنانچه از گردونه خانواده‌ای که در آنجا غلط بار آمده اند جدا شوند. برای برخی خانواده‌ها ممکن است لازم باشد تا فرزندان خود را به مدارس شبانه روزی بفرستند اما در بسیاری موارد در عوض برکت برای فرزندان باعث بازماندگی و عقب افتادگی گردیده است.

**مدرسه خانگی برای دختر نافرمان و خودسر-** خصم شیوه خود را با دختر شما داشته است تا اینکه او را در دام آهنین خود گرفتار سازد و تلاش و پشتکار زیادی میطلبد تا جان او را نجات داد. چنانچه در این مورد توفیق داشته اید نباید بیش از نیمه راه باشید. عادات سالیان دراز بسادگی نمیتوانند شکسته شوند. او باید در مکانی قرار گیرد که یک تاثیر پایدار و راسخ و پابرجا بطور دائم او را تحت کنترل داشته باشد. پیشنهاد میشود تا او را به یک کالج بفرستید و بگذارید تا تحت انضباط پانسیون باشد. این مکانی است که او بایستی سالهای قبل به آنجا میرفته است.

پانسیون یا خوابگاه تحت نظامی برنامه ریزی و اداره میشود که مانند خانه‌ای خوب است. این خانه ممکن است برای برخی افراد خودسر مناسب نباشد زیرا که که آنان با تئوریهای غلط



آموزش دیده اند تا افراط گری و خوشگذرانی کنند و همه عادات و رسومشان در مسیری غلط قرار گرفته بوده است. ولی بدانید که ما در نزدیکی زمانهای آخر هستیم و نمیخواهیم الان ممارستهای دنیا را تجربه کنیم بلکه میخواهیم با اندیشه های خدا مواجه شویم تا ببینیم که کلام چه گفته است و آنگاه در مسیری گام برداریم که نور خدا آنرا منور ساخته است. طبیعت و ذات ما رسوم ما و اعمال ما نباید اولویت و تقدم داشته باشد. کلام خدا استاندارد و معیار ماست.

**دانشجویان مقیم-** بنظر میرسد که برخی معلمان فکر میکنند که هیچیک از کودکان و نوجوانان در نزدیکی مدرسه زندگی میکنند نباید از امتیازات مدرسه برخوردار باشند مگر اینکه با معلم خود در مدرسه خانگی زندگی کنند.

جوانانی وجود دارند که تاثیرات مدرسه خانگی بر آنان به گونه ای بوده است که به نفع آنان خواهد بود تا برای مدت زمانی در یک مدرسه خانگی منظم زندگی کنند. و برای کسانی که جایی زندگی میکنند که ضروری است تا آنجا را ترک کنند تا از امتیازات مدرسه بهره مند گردند مدارس خانگی برکات عظیمی خواهند بود. ولی خانه والدین که خداترسی و فرمانبرداری در آنجا وجود دارد- که همیشه باید چنین باشد- بهترین مکان برای فرزندان است تا تحت آموزش مناسب زیر نظر والدین از مراقب و تربیت و مدیریت خانواده روحانی بهره مند گردند.

راجع به جوانان که در سن مناسبی هستند و به مدارس شبانه روزی میپیوندند باید از مقررات اختیاری و غیر ضروری برای جدایی دانش آموز از والدین برای دانش آموزی که در نزدیکی مدرسه زندگی میکند اجتناب نمود. مگر اینکه والدین متقاعد شده باشند که این به نفع فرزندان است تا تحت انضباط و تربیت مدرسه شبانه روزی قرار بگیرند. در غیر اینصورت بهتر است تا جایی که ممکن است اجازه یابند تا آنان را تحت کنترل خود قرار دهند. در برخی مکانها والدینی که در نزدیکی مدرسه زندگی میکنند ممکن است ببینند که فرزندان آنها از زندگی در مدارس خانگی منتفع شوند زیرا ممکن است برخی خط مشی ها و راهنمایی را در خانه کسب نکنند. ولی نباید اصرار کرد که کودکان باید در تمام موارد از خانواده های خود جدا شوند بخاطر اینکه از امتیاز مدارس بهره مند گردند.

والدین سرپرستان طبیعی فرزندان هستند و مسئولیتی جدی دارند تا بر تحصیل و تربیت آنان نظارت کنند. آیا نباید درک کنیم که والدینی که برای سالها شاهد رشد فرزندان آنها بوده



اند بهتر میدانند که چه نوع آموزش و مدیریتی برای پرورش شخصیت آنان لازم است؟ توصیه میشود فرزندان که چند کیلومتری از مدرسه دور تر نیستند باید مجاز باشند تا به مدرسه بپیوندند در حالیکه در خانه زندگی میکنند از اثربخشی والدین بهره ببرند. هر جا که ممکن باشد باید افراد خانواده در کنار هم باشند.

**همه فرزندان باید از امتیاز تحصیلی برخوردار باشند** - کلیسا در خواب است و بزرگی مسئله غامض جوانان و نوجوانان را درک نمیکند. چرا؟ چه ویژگی خاصی در آموزش تمام و کمال جوانان وجود دارد؟ کسانی که به نحوی فرا خوانده شده اند به نوعی انضباط و تعلیم نیازمندند و باید به آنان توجه شود، این همه آن چیزی است که لازم است. الزامی نیست که تمام جمعیت جوان آموزش و تحصیل داشته باشند. آیا این پاسخ درستی است؟ خیر قطعاً درست نیست. همه جوانان ما باید اجازه داشته باشند تا از برکت و امتیاز تحصیل در مدرسه بهره مند گردند تا اینکه ملهم شوند تا با خدا همکاری کنند. همه به تحصیل نیازمندند تا با احراز رتبه و شایستگی در زندگی خصوصی و عمومی مفید فایده قرار گیرند.

**برنامه متعادل مدرسه** - استعدادهای ذهنی به پرورش نیازمندند تا برای جلال خدا مورد استفاده قرار گیرند. توجه دقیق باید به پرورش ذهنی داده شود که اعضای دیگر ذهن قدرت و توان مساوی داشته باشند تا در کار ویژه بکار برده شوند. اگر والدین اجازه دهند تا فرزندان از کژی ذهن و تمایلات و خوشگذرانی خود متابعت کرده و از وظایف کوتاهی ورزند شخصیت آنان طبق همان الگو شکل خواهد گرفت و توانایی و شایستگی مسئولیت در مناصب زندگی را نخواهند داشت. تمایلات و خواهشهای نفسانی جوانان باید تحت کنترل و محدودیت قرار گیرد و نقاط ضعف شخصیتی باید تقویت شود و تمایلات حساس باید فرو نشانده شود.

اگر یک استعداد در سکون و رکود قرار بگیرد و یا از حیطة خود خارج شود هدف خدا انجام نشده است. همه استعدادها باید بخوبی پرورش و رشد یابند. به هر کدام از آنها باید توجه شود زیرا حلقه های زنجیر با هم مرتبطند و بر هم اثر میگذارند و همگی باید بکار برده شوند تا اینکه ذهن بطور شایسته و مناسب متوازن و متعادل گردد. چنانچه یک یا دو عضو پرورش یافته و در استفاده دائمی قرار گیرند بخاطر اینکه انتخاب فرزندانان بوده اند تا تقویت ذهن در یک راستا قرار گرفته و از توانهای ذهنی دیگر غفلت گردد به بلوغ و کمال نامتعادل ذهنی میرسند و خصوصیات نامتوازن و ناهماهنگی خواهند داشت. آنان در یک جهت استعداد و توان



داشته ولی در جهات دیگر بطور زیادی ناکارآمد خواهند بود. آنان مردان و زنان با کفایت و شایسته ای نخواهند بود. ناکارایی و نقص آنان برجسته گردیده و به تمامی شخصیت آسیب خواهد رسانید.

**زیانهای مطالعه دائمی یک سال کامل** - بسیاری از والدین فرزندان خود را برای تمام سال در مدرسه نگاه میدارند. این فرزندان در روال مطالعه ماشینی قرار میگیرند ولی آنچه را که آموخته اند را بیاد ندارند. بسیاری از این دانش آموزان ثابت تقریباً از فکر زندگی عاجز و درمانده اند. بی تنوعی و یکنواختی تحصیل دائمی ذهن را کسل میکند و علاقه کمی به دروس دارند و کاربرد بسیار زیاد کتاب دردناک است. آنان عشق و محبت باطنی ندارند و برای تحصیل دانش بلند همت نیستند. آنان در خود عادات تامل و تعمق ندارند.

افراد منطقی و با استدلال کم هستند بدلیل اینکه تاثیرات غلط از رشد فکری ممانعت بعمل آورده اند. فرضیات والدین و معلمان که مطالعه مستمر باعث تقویت ذهنی میشود نادرست و غلط از کار در آمده است زیرا در بسیاری موارد اثر معکوس و متضاد داشته است.

**والدین مستحق سرزنش هستند** - نباید از معلم انتظار داشت تا کار والدین را انجام دهد. بسیاری از والدین از وظیفه خود کوتاهی میورزند. مانند عیلی از اعمال محدودیت تصور میکنند و سپس فرزندان تربیت نشده خود را به کالج میفرستند تا تربیتی را که باید در خانه به آنان میدادند در مدرسه کسب کنند. معلمین وظایفی بعهده دارند که تعداد کمی قادران آن هستند. اگر در اصلاح این جوانان خودسر توفیقی کسب کنند اعتبار و تشکر کمی دریافت میکنند. اگر جوانان جمع شریری را انتخاب کنند و از وضعیت بد به افتضاح کشیده شوند آنگاه معلم سرزنش شده و مدرسه تقبیح میشود. در بسیاری از موارد سرزنش شایسته والدین است. آنان اولین فرصت را برای کنترل و تربیت فرزندانشان داشته اند وقتی که روح تعلیم یافتنی بود ذهن و قلب بسادگی تحت تاثیر قرار میگرفت. ولی بواسطه سستی والدین فرزندان مجاز گردیدند تا براه خود بروند تا اینکه در راه شرارت سخت دل شدند.

**والدین باید از اقتدار و مدیریت معلم حمایت کنند** - یکی از بزرگترین مشکلات که معلمان با آن در ستیز بوده اند کوتاهی و قصور والدین در همکاری با امور تربیتی کالج و مدرسه بوده است. اگر والدین ملزم و متعهد به حمایت از اقتدار معلم میشدند از بسیاری نافرمانی ها - فسق



و فجور و ناهنجاری‌ها جلوگیری می‌شود. والدین باید فرزندان خود را ملزم نموده تا به اقتدار مشروع احترام و فرمانبردار باشند. آنان باید با پشتکار مراقبت کنند و برای راهنمایی و تعلیم و محدود کردن فرزندان همت بخرج دهند تا اینکه عادات درست استوار پابرجا شود. با این قبیل کارآموزی جوانان را تحت پیروی مراکز آموزشی و نهادهای جامعه قرار داده و ملزم به کنترل رفتار خواهند بود.

نباید به فرزندان اجازه داد تا در باره تادیب و انضباط مدرسه بطور معقول یا نامعقول رای و نظر بدهند. چنانچه والدین اعتماد کافی به معلمان و سیستم آموزشی که توسط مدرسه پذیرفته شده داشته و فرزندان خود را به آنجا بفرستند باید به آنان توصیه شود تا معلم را پشتیبانی و عقل سلیم و خلق خوش را در اجرای نظم و ترتیب نشان دهند.

والدین خردمند از مدارسی که بی نظمی در آن تحمل نمی‌شود سپاسگزار خواهند بود. این مکانی است که بی مبالاتی جای خود را به فرمانبرداری می‌دهد و مکانی است که در آن تاثیرات خوب وجود دارد.

برخی والدین قصد میکنند تا فرزندان بد خلق خود را به مدرسه بفرستند چرا در خانه اصلاح نپذیرند. آیا این والدین معلمان را در کار تادیب و تربیت حمایت میکنند یا به هر گزارش غلطی از سوی فرزندان خود گوش جان می‌سپارند؟

**والدین باید از نظم و ترتیب مدرسه حمایت کنند** - برخی والدین به فرزندان خود می‌گویند که چنانچه در مدرسه چیزی غیر معقول از آنان خواسته شد انجام ندهند. این چه درسی است که والدین به فرزندان خود می‌دهند؟ جوانان خام و بی تجربه چگونه میتوانند در باره معقول بودن یا نامعقول بودن چیزی در مدرسه نظر بدهند؟

آنان ممکن است بخواهند تا در شب به بیرون بروند و هیچکس نمیداند که به کجا می‌روند و چنانچه معلمان یا سرپرستان از آنان دلیل بخواهند - آیا این را میتوان نامعقول خواند و تجاوز به حقوقشان تلقی نمود؟ آنان نمی‌خواهند تا در استقلال شان خدشه و مداخله ای صورت پذیرد. چه قدرتی میتواند بر این قبیل جوانان حکمیت داشته باشد در حالیکه هر گونه تادیب و انضباط را محدودیت نامعقول بر آزادیشان تلقی میکنند؟





در بسیاری از موارد این جوانان در دوره ای کوتاه در مدرسه میمانند و بدون کامل کردن تحصیلات بخانه باز گشته تا آزادی کامل داشته باشند و از کژی های تادیب نشده خود پیروی کنند- آن آزادی را که در مدرسه نداشته اند. دروس افراطگری پدر و مادر بی خرد کار خود را برای دنیا و آخرت انجام داده است و از دست رفتن این جانها بحساب آنان نوشته خواهد شد.

**آموزش خارج از برنامه آموزشی مدرسه-** کودکان و نوجوانان باید عادات کمال در موضوع تحصیل را در خود پرورش دهند. درس کالج همه آموزشها را شامل نمیشود که باید فرا گیرند. آنان بطور دائمی چیزهایی که میبینند و میشنوند را فرا میگیرند. آنان ممکن است علت و معلول را از محیط و شرایط پیرامونی مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. آنان ممکن است هر روزه چیزی را یاد بگیرند که باید از آن اجتناب کنند و چیزی را عمل کنند که آنان را متعالی و شریف سازد و شخصیت را با اصولی استوار و مستحکم سازد که شالوده مردانگی و زنانگی شرافتمندانه است. چنانچه با اهداف بیتفاوت و بدون تلاش ویژه به تحصیل بپردازند آنگاه به معیاری که خدا میخواهد دست نخواهند یافت.

## فصل پنجاه و هفتم

### ورزش و سلامتی

**تمدد اعصاب و بازیافت روحیه -** بخاطر اینکه کودکان و نوجوانان دارای سلامت ، بشاشیت ، نشاط و رشد خوب عضله و ذهن باشند باید تا بتوانند در هوای آزاد بوده و کار منظم و تفریح داشته باشند. فرزندان باید در زمان خودشان مشغول باشند. کار ذهنی مناسب و ورزش جسمی در هوای آزاد باعث بهم ریختگی بنیه پسران است. کار مناسب و آشنایی با فنون خانه داری برای دختران سودمند خواهد بود و برخی کارهای بیرون از خانه بطور قطعی برای بنیه و سلامت ضروری است.

**ورزش و هوای آزاد-** آنانیکه اعضای بدن خود را هر روزه بکار نمیبرند وقتی شروع به ورزش میکنند احساس ضعف میکنند. رگها و عضلات در وضعیتی نیستند تا کار خود را انجام دهند و



همه سیستمهای زنده را در فعالیت سالم نگاه دارند - هر عضوی در سیستم کار خود را انجام میدهد. اعضا با ورزش تقویت میشوند. ورزش متعادل روزانه عضلات را قوت میبخشد زیرا که بدون تمرین شل و ضعیف میشوند. با ورزش و فعالیت در هوای آزاد کبد و کلیه و ریه ها تقویت گردیده و کار خود را بخوبی انجام میدهند.

از قدرت اراده استفاده کنید که در برابر سرما مقاومت و به سیستم عصبی انرژی میبخشد. در زمان کوتاه شمره ورزش و هوای خالص را درک خواهید کرد که بدون این برکات زنده نخواهید بود. ریه های بی بهره از هوا مانند فرد گرسنه ای هستند که از غذا محرومند. در واقع ما بدون غذا بیشتر زنده خواهیم ماند تا بدون هوا که غذایی است که خداوند برای ریه ها تدارک دیده است.

**دانش آموزان بطور خاصی به ورزش جسمی نیازمندند-** عدم فعالیت سیستم را تضعیف میکند. خداوند زنان و مردان را خلق کرد تا فعال و سودمند باشند. هیچ چیزی فرد جوان را نمیتواند مانند ورزش مناسب تقویت کرده و عضلاتش را برای کار مفید بکار اندازد.

**همه اعضا و استعدادها با ورزش تقویت میشوند-** کودکان و نوجوانان که در مدرسه نگهداری میشوند و به کتاب محدود شده اند نمیتوانند بنیه سالم جسمی داشته باشند. ورزش مغز در مطالعه است و ورزش جسمی خون را به مغز میرساند و عدم گردش خون از طریق سیستم باعث عدم توازن میشود. مغز مقدار زیادی خون دارد و باید برای مطالعه فرزندان مقرراتی وضع شود تا در ساعتهایی مطالعه کنند و سپس بخشی از زمان آنان باید صرف تحرک جسمی شود. و اگر عادت غذایی و لباس و خواب مطابق با قانون جسمی باشد آنان میتوانند آموزش را بدون قربانی کردن بهداشت ذهنی و جسمی کسب کنند.

بگذارید تا فرزندان زمانی که کوچک هستند مسئولیتهای کوچک زندگی را بر دوش کشند و بدین سبب استعدادهایی که بکار گرفته شده با ورزش تقویت میشوند. بدین سبب جوانان در کارهای بزرگترمددکاران کارآمدی خواهند بود که خداوند سپس آنانرا برای انجام کار فرا خواهد خواند... تعداد کمی برای عادات حرفه ای و فکری و مراقبت فراخوانده میشوند. رخوت و سستی بزرگترین لعنت برای فرزندان در این سن است. کار مفید و موثر با ترویج و شکل دادن عادات خوب و شخصیت شرافتمندانه برکت بزرگی خواهد بود.



برای تنوع و تغییر در کار برنامه ریزی کنید- ذهن فعال و دستان جوان باید بکار گرفته شوند و چنانچه به اجرای وظایفی که سودمند هستند هدایت نشوند تا آنان را رشد داده و دیگران را برکت بخشند به کاری خواهند پرداخت که باعث جراحات جسم و ذهن آنان خواهد شد.

جوانان باید با خوشرویی در حمل بار مسئولیت والدین شریک شوند و با چنین عملکردی وجدان و دل خود را پاک و شفاف نگاه دارند که یقیناً برای بهداشت جسمی و اخلاقی ضروری است. با چنین کاری آنان از فشارهایی که ممکن است در آینده زندگی به آنان بیاید در امان خواهند بود. اگر جوانان بطور یکنواخت در یک کار نگاه داشته شوند کار و وظیفه برایشان کسل کننده و ملالت آور خواهد شد و کار کمتر به انجام خواهد رسید و برای رفع این معضل باید تنوع در کار باشد و زمانی برای استراحت و تمدد اعصاب در نظر گرفته شود. اگر به ذهن بیش از حد فشار آورده شود از تقویت باز خواهد ماند و رو به انحطاط خواهد گذارد. با یک تغییر در کار انرژی و سلامت ایفا خواهد گردید. نیازی نخواهد بود تا سودمندی را برای عاقل و باطل بودن رها کنیم و به تفریحات خودخواهانه بپردازیم زیرا که برای اخلاق مضر و خطرناک خواهد بود.

**خستگی نتیجه عادی کار است-** مادران باید بدانند که هیچ چیزی زیانبار تر از این نخواهد بود تا بار را از دوش دختران خود بردارند و کار خاصی برای انجام دادن به آنان ندهید و به آنان اختیار دهید که هر طور که دلشان میخواهد مشغول شوند - شاید یک قلابدوزی کوچک یا کارهای حاشیه دوزی و دوخت و دوز آنان را مشغول کند. بگذارید تا دست و پای خود را بحرکت در آورند و عضلاتشان فعالیت کند. اگر کار آنانرا خسته کند چه؟ آیا شما در کار خود خسته نمیشوید؟ آیا خستگی اگر بعلت کار طاقت فرسا باشد به فرزندان شما صدمه میزند؟ در واقع خیر!

آنان ممکن است خسته باشند ولی پس از یک مقدار کار مناسب استراحت دلنشین خواهد بود. خواب ترمیم کننده و نشاط آورنده طبیعی جسم خسته است و بدن را برای وظایف روز بعد آماده میسازد.

**چرا فقر اغلب برکت است-** ثروت و کار نکردن بخیال بعضی افراد برکت است ولی فقط آنانیکه همیشه مشغول بکار هستند و کسانیکه با خوشرویی به وظایف روزانه خود میپردازند شادترین افراد بوده و از سلامت برخوردارند. جمله ای است که میگوید مرد باید برای نان



روزانه زحمت بکشد. آنگاه وعده شادی و جلال آینده هر دو از سربر سرمدی آمده و او را برکت خواهند داد.

تهیدستی در بسیاری از موارد برکت است زیرا کودکان و نوجوانان را از ویران شدن در تباهی بر حذر میدارد. قدرتهای جسمی و ذهنی باید بطور شایسته رشد و پرورش یابند. اولین مراقبت و توجه دائمی والدین باید این باشد که ببینند که فرزندانشان بنیه خوب و استواری دارند که مردان و زنان سالمی باشند. نائل شدن به این هدف بدون ورزش جسمی غیر ممکن است.

برای سلامت جسمی و اخلاق خوب فرزندان باید تعلیم داده شوند تا کار کنند. چنانچه خصایل با فضیلت و خالص داشته باشند باید دارای نظم و مقررات خوب کاری نیز باشند که همه عضلات را به حرکت و فعالیت وامیدارد. خشنودی که فرزندان در مفید بودن و از خود گذشتگی و کمک بدیگران خواهند داشت بهترین حظ و خوشی است که تا بحال داشته اند.

**فعالتهای جسمی و ذهنی برابر-** دانش آموزان نباید مجاز شوند تا آنقدر واحد درسی بردارند که وقتی برای ورزش جسمی نداشته باشند. سلامتی نمیتواند حفظ شود مگر اینکه بخشی از ساعات روز به حرکات عضلانی در هوای آزاد اختصاص یابد. وظایف قدرتهای ذهنی و جسمی باید برابر باشند و بدین سبب فکر دانش آموز تازه و با طراوت خواهد شد. در مریضی ورزش جسمی به سیستم او کمک میکند تا بهبودی خود را به وضع عادی بازگرداند. وقتی دانش آموزان کالج را ترک کنند تا زندگی را آغاز کنند باید از سلامتی بهتر و درک بهتری از قوانین زندگی برخوردار شده باشند. سلامت باید به اندازه خصایل و فضایل مقدس باشد.

**انرژی جوانی با شتاب به هدر میرود-** جوانان در طراوت و نیروی حیاتی زندگی، ارزش فراوانی انرژی را کم درک میکنند. گنجینه ای که از طلا ارزشمند تر است و واجب تر از فراگیری یا کسب درجه یا ثروت برای پیشرفت است - چقدر به آن کم بها داده شده است! و چقدر با شتاب به هدر میرود! در مطالعه فیزیولوژی (علم الاعضاء) دانش آموز باید هدایت شده تا ارزش انرژی جسمی را مشاهده کند و میتواند در حد عالی حفظ شده و پرورش یابد تا در کشمکش های بزرگ زندگی به کامیابی دست یابد.

**فعالیت نباید منکوب شود بلکه باید در جهت درست هدایت گردد-** فرزندان ما بر سر چند راهی انتخاب ایستاده اند. از هر طرف فریبهای دنیوی برای خودپویایی و تن آسایی آنان را از مسیر



فدیه و باز خرید خدا دور میسازد. خواه زندگی آنان برکت باشد یا لعنت بستگی به انتخاب آنان دارد. آنان سرشار از انرژی هستند و مشتاق تواناییهای ناآزموده هستند و باید راهی را برای زندگی تعیین کنند. آنان به فعالیت خواهند پرداخت خواه برای خیر و خواه برای شر.

کلام خدا فعالیتها را سرکوب نمیکنند بلکه آنها در جهت درست هدایت میکنند. خداوند امر نمیکنند که جوانان باید بلند همت نباشند. عناصر و عوامل خصلت که یک مرد را بدرستی موفق و محترم میدارد میل وافر برای نیکوییهای بزرگتر است. نباید از داشتن اراده تسخیر ناپذیر - فعالیت شدید- استقامت خستگی ناپذیر نومید و مایوس شد. با فیض خدا آنان باید برای نائل شدن به اهدافی فراتر از علایق دنیوی و خودخواهانه هدایت شوند.

## فصل پنجاه و هشتم

### آموزش برای زندگی عملی

**چرا خداوند کار را برای آدم و حوا تعیین نمود-** خداوند آدم و حوا را در باغ عدن قرار داد تا باغ را بیاورند و از آن برای خداوند نگهداری کنند. این برای خوشی آنان بود تا مقداری فعالیت داشته باشند وگرنه خداوند برای آنان کاری تعیین نمی نمود. قبل از خلقت دنیا خداوند باغ عدن را برای آدم و حوا مهیا ساخت و به آنان وظیفه نگهداری از درختان میوه و کاشت و پرورش گیاهان را داد. کار مفید آنان را محافظت مینمود و اینطور مقرر شده بود تا برای همه نسلها تا پایان تاریخ جهان جاودان باشد.

**الگوی مسیح بعنوان کارگر کامل و بی نقص-** مسیح در طول زندگی خود بر زمین در خانه مطیع و مفید بود. او حرفه نجاری را فرا گرفت و با دستان خود در کارگاهی کوچک در ناصره کار نمود. "در آنجا عیسی رشد کرد و بزرگ شد. او سرشار از حکمت بود و فیض خدا بر او قرار داشت"<sup>45</sup>. همانطور که در کودکی و جوانی کار میکرد ذهن و جسم او رشد کرد. او از توان جسمی خود بی ملاحظه استفاده ننمود ولی ممارست مینمود تا آنها سالم و تندرست حفظ کند تا بتواند به نحو احسن در هر امری بپردازد. او خواهان نقص و ناکارایی نبود - حتی در



جابجایی ابزارها، او بعنوان یک کارگر کامل بود همانطور که در خصایل کامل بود. هر جزء از کار او بخوبی انجام میشد - اجزاء مختلف بدقت نصب میگردد و در کل توان تحمل آزمایش را داشت.

**زحمت روزانه با دستهای صبور** - عیسی با الگوی خود برای زندگی بشر معبری ساده و بی آلایش ساخت... زندگی او کاری طاقت فرسا و پر تلاش بود. او بعنوان پادشاه ملکوت در معابر قدم میزد و ملیس به جامه ای ساده از کار معمولی و عامیانه بود. او در سرازیری و سربالایی های کوهها تقلا میکرد و به کار متواضعانه خود رفت و آمد مینمود. فرشتگان ارسال نشدند تا در سربالایی های طاقت فرسا او را بر بال خود حمل کنند یا قدرت خویش را در انجام وظیفه فروتانه به او واگذارند. با این وجود که او برای پشتیبانی از خانواده با زحمت روزانه خویش به پیش میرفت دارای همان قدرتی بود که با آن پنج هزار جان گرسنه را در ساحل جلیل بطور معجزانه اطعام نمود.

ولی او قدرت الهی خویش را بکار نبرد تا بار مسئولیت خویش را کم کند یا زحمت خویش را خفیف سازد. او مسئولیت را با تمامی مشکلاتش پذیرفت و از آزمون سخت خویش شانه خالی ننمود. او در یک خانه روستایی زیست و جامه های ساده میپوشید. او با افتاده حالان نشست و برخاست میکرد و با دستان صبور خود روزانه زحمت میکشید. الگو و اسوه او بما نشان میدهد که این وظیفه انسان است تا ساعی باشد زیرا که کار و زحمت شریف است.

برای مدت طولانی عیسی در ناصره ساکن بود و بی شهرت و نشان بود تا به انسان تعلیم دهد که چگونه میتوان خداگونه و در کنار خدا زیست نمود در حینیکه تکالیف خاضعانه زندگی را بانجام رساند. برای فرشتگان اسرار آمیز بود که مسیح آن سرور کائنات خود را پست نماید نه تنها جامه بشریت را بر خود بگیرد بلکه بارهای سنگین را بر دوش کشد. او اینکار را بخاطر این کرد تا شبیه ما بشود و با زحمت و غم و خستگی فرزندان انسان آشنا بشود.

**بلند همتی را برای انجام کارهای مفید توصیه کنید** - در کودکان و نوجوانان بلند همتی باید در چیزی که برای آنان سودمند و برای دیگران مفید فائده است بکار رود. کارپردی که ذهن و شخصیت را رشد میدهد و دستها را کار آمد میکند و به جوانان مشارکت در حمل بارهای



سنگین زندگی را تعلیم می‌دهد باعث تقویت بنیه جسمی گردیده و هر استعداد و توانایی را جانی تازه میبخشد. و اجرای در مجاهدت وجود دارد که رشد عادت به امور خیر در زندگی است.

جوانان باید آموزش ببینند که زندگی یعنی کار و تلاش و مسئولیت پذیری و مراقبه. آنان به تعلیمی نیاز دارند که بتواند آنان را مردان و زنانی سودمند و اهل عمل سازد تا بتوانند از عهده امور فوق العاده بر آیند. آنان باید تعلیم یابند که تعلیم و تربیت سیستماتیک و کار منظم ضروری است نه تنها بعنوان سپری برای مقابله با فراز و نشیبهای زندگی بلکه بعنوان کمکی برای رشد کامل.

**کار جسمی تحقیر کننده نیست** - خطای عمومی توسط گروه بزرگی است که کار فیزیکی را حقیر کننده میپندارد. بنابراین مردان جوان بسیار نگرانند تا دوره ای بیاموزند تا معلم و یا کارمند و تاجر و حقوقدان بشوند و تقریباً هر تصدی را اشغال کنند که به کار جسمی نیازی نداشته باشد. زنان جوان خانه داری را تحقیر آمیز و کم ارزش میپندارند. و گرچه ورزش جسمی برای انجام کارهای خانه نیاز است - چنانچه سخت نباشد، مروج بهداشت و سلامت است با اینحال آنان در پی تحصیلاتی هستند که آنان را معلم و کارمند بسازد یا اینکه حرفه ای بیاموزند که آنان را محدود به امور داخل ساختمان بسازد تا کارمندی بی تحرک باشند.

جهان پر از مردان و زنان جوانی است که از جهالت خویش مغرورند و به کارهای مفید نمیپردازند و تقریباً یا شاید همواره سبکسر و عاقل و باطل - شیفته تظاهر و خود نمایی - ناشاد - ناخشنود و اغلب اوقات ولخرج و بی مسلک هستند. این قبیل خصوصیات لکه ای بر جامعه است و ننگی برای خانواده ها میباشند. هیچیک از ما نباید از کار خجل باشیم هر چند که کوچک و بی مقدار بنظر بیاید. کار شریف است. همه کسانی که با ذهن یا دستهایشان زحمت میکشند مردان و زنان کار گر هستند. و همه وظایف خود را انجام داده و مذهب خود را حرمت میدهند به همان اندازه ای که لباس یا ظرف میشویند یا به جلسات کار میروند. در حالیکه دستان مشغول کارهای معمولی هستند ذهن ممکن است با افکار پاک و مقدس شریف و متعالی گردد.

**جوانان باید در کار استاد بشوند نه اینکه برده کار باشند** - جوانان باید در مسیری هدایت شوند که شان واقعی کار را ببینند. یک دلیل بزرگ که چرا زحمت جسمی خوار شمرده میشود عدم



ملاحظه به چیزی است که اغلب اوقات انجام شده است. این کار از روی نیاز بوده و نه از روی انتخاب. کارگر دل و وجود خود را بکار نمیبندد و عزت نفس را حفظ نمیکنند و احترامی برای دیگران قایل نیست. دوره آموزشی باید این اشتباه را اصلاح کند. و باید عادات درستی و کمال را رشد دهد. شاگردان باید کاردانی و نظام در مجموعه را یاد بگیرند آنان باید صرفه جوئی در زمان را با بلند همتی یاد بگیرند و دائماً آنرا بهبود بخشند. این باید هدف آنان باشد تا کار خود را تا آنجا که ممکن است کامل انجام دهند همانگونه که دستان و ذهنهای بشری قادر بانجام آن است.

این قبیل آموزش جوانان را در کار استاد میسازد نه بردگان کار. فراگیری استادانه کار، زحمات را سبک کرده و حتی کارهای پست را شریف میگرداند. کسیکه کار را تنها جان کندن در نظر میگیرد و با جهل در تن آسایی رسوب میکند هیچ تلاشی برای رشد و بهبود نمیکنند و در واقع آنرا بار سنگین و زحمت میپندارد. ولی کسانی که علم را در حقیرترین کار تشخیص میدهند، در آن اصالت و زیبایی میبینند و در ایفای آن با وفاداری و کارایی لذت خواهند برد.

**توانگری نباید بهانه و اعتذار از آموزش عملی باشد-** در بسیاری موارد والدینی که توانگرند اهمیت آموزش در وظایف عملی در زندگی و همچنین در علوم را احساس نمیکنند. آنان ضرورتی برای خیریت ذهنها و اخلاق و برای مفید بودن در آینده فرزندان شان نمیبینند و درک کاملی از کار مفید ارائه نمیدهند. این را به فرزندان بدهکارند که اگر سختی و حادثه ای بد پیش بیاید آنان باید با شرافت روی پاهای خویش بایستند و بدانند که چطور دستهای خویش را بکار برند. اگر توانی عالی داشته باشند نمیتوانند فقیر بشوند حتی اگر چه پولی در بساط نداشته باشند.

بسیاری که در جوانی متمول بوده اند ممکن است ثروت خود را از دست بدهند و برای امرار معاش و روزی به والدین و برادران خود وابسته بشوند. آنگاه چقدر مهم است که هر جوانی حرفه ای فنی بیاموزد تا برای حوادث غیر مترقبه آماده باشد. مال و ثروت در واقع لعنت است هنگامی که مالکین آنان در مقابل فرزندان خویش ایستاده و نگذارند تا آنان برای کار سودمند دانش کسب کرده و برای زندگی عملی شایستگی بدست آورند.





**فرزندان باید برای وظایف خانه مشارکت داشته باشند-** مادر با ایمان نمیخواهد و نمیتواند مرید مد باشد و نه میتواند برده داخلی باشد تا برای هوسهای فرزندان خود خوش خلقی نموده و آنان را از کار معذور بدارد. او به آنان تعلیم خواهد داد تا در وظایف و امور داخلی خانه مشارکت کنند و برای زندگی عملی معلوماتی کسب کنند. چنانچه فرزندان با مادر در کار مشارکت کنند آنان کار مفید را بعنوان ضرورتی برای خوشی و شرافت در نظر خواهند گرفت و نه به عنوان امری تحقیر کننده و خوار شمارنده. ولی اگر مادر دختران خود را به سستی و تنبلی تعلیم دهد در حالیکه بارهای سنگین امور خانه را بر دوش میکشد به آنان تعلیم میدهد که به او مانند یک خدمتکار نگاه کنند تا منتظر او بمانند تا کاری را برایشان انجام دهد که خود میتواند انجام دهد. مادر همیشه باید شان خود را حفظ کند.

برخی از مادران از اینکه دختران خود را از کار و زحمت معاف میکنند در اشتباهند. با چنین کاری فرزندان خود را به رخوت و راحت طلبی ترغیب میکنند. عذری که مادران می آورند این است که دختران من قوی بنیه نیستند. ولی آنان مطمئناً باعث ضعف و ناکارایی دختران خود میشوند. کار خوب مدیریت شده تنها چیزی است که الزاماً آنان را قوی - نیرومند - بشاش - خوشحال و دلیر میکند تا با رنجها و آزمونهایی که این زندگی آنان را احاطه کرده مقابله کنند.

### **وظایف و تکالیف مفیدی را برای فرزندان تعیین کنید-** بی تفاوتی والدین در اهمال به تمهید

در کار برای فرزندان منتج به شرارتهای بیشمار و بمخاطره انداختن زندگی بسیاری از جوانان شده و متأسفانه کارآیی آنان را فلج میسازد. خداوند خواهان این است که والدین و معلمان فرزندان را در وظایف عملی هر روزه زندگی تعلیم دهند. کار و تلاش را تشویق کنید. دختران و حتی پسران که کار ندارند باید یاد بگیرند که چطور به مادر خود کمک کنند. پسران و دختران از کودکی باید یاد بگیرند تا بارهای سنگینتری را حمل کنند و با هوشمندی در کار خانواده به آنان کمک کنند. مادران باید با شکیبایی به فرزندان نشان دهند که چطور از دستان خود استفاده کنند. بگذارید بفهمند که دستان آنان باید به مهارت دستان شما بکار روند همانگونه که در کارهای خانه از آن استفاده میکنید.

هر کودکی در خانواده باید سهمی را در ایفای کارهای خانه داشته و باید یاد بگیرد تا تکلیف خود را صادقانه و با روی خوش انجام دهد. چنانچه کار بدین شیوه تقسیم شود و کودکان در



انجام مسئولیت‌های مناسب خو گرفته و بزرگ شوند هیچ عضوی از خانه کار بیش از حد بر دوش نخواهد داشت و همه چیز با خوشی و آرامی در خانه به پیش خواهد رفت. صرفه جویی مناسب و شایسته برقرار خواهد گردید و هر یک نسبت به جزییات خانه آشنا شده و علاقمند خواهد گردید.

**پخت و پز و دوخت و دوز دروس اساسی هستند-** مادران باید دختران خود را به آشپزخانه برده و به آنان بخش آموزشی پخت و پز را یاد بدهند. آنان همچنین باید هنر خیاطی را فرا بگیرند. آنان باید یاد بگیرند که چگونه پارچه را بطور اقتصادی ببرند و تمیز و مرتب آنها را در کنار هم قرار داده و بدوزند. بعضی مادران در عوض اینکه با شکیبایی دختران نا کارآموده خود را راهنمایی کنند ترجیح میدهند تا همه کارها را خود انجام دهند. ولی با چنین کاری آنان شاخه های ضروری آموزش را رها کرده و از آن غفلت میکنند و اشتباه بزرگی بر علیه فرزندانشان میکنند زیرا آنان در زندگی آینده خود بخاطر عدم شناخت این چیزها احساس خجالت و شرم میکنند.

**هم به دختران و هم به پسران آموزش بدهید-** از آنجایی که هم مردان و هم زنان در امور خانه سهمی بعهده دارند پسران و دختران باید دانش امور خانه داری را کسب کنند. تختها باید مرتب و اتاق باید منظم و بشقابها شسته و غذا آماده و لباسها شسته یا مرمت شوند و اینها آموزشی است که پسران و مردان نباید از آن عار داشته باشند زیرا آنان را شادتر و کار آمدتر میکند. و چنانچه در عوض، دختران اسب سواری را یاد بگیرند و طرز استفاده از میخ و چکش و استفاده از کج بیل و شن کش و اره را بدانند بهتر برای امور فوق العاده زندگی آماده میشوند. (توجه: این مطلب در سال ۱۹۰۳ میلادی نوشته شده است با این وجود این اصول برای امروز نیز کاربرد دارد گرچه در حال حاضر از اسب و خر بعنوان وسیله نقلیه استفاده نمیشود و مردم از زندگی مردنتری برخوردارند).

برای دختران و پسران ما ضروری است تا استفاده بهینه از زمان را یاد بگیرند و هر دو بطور یکسان در برابر خدا مسئول و بخاطر طریقه ای که آن را بکار میبندند جوابگو هستند. زندگی به ما ترفیع خردمندانه استعدادها و توانائیها را عطا نموده است.



**در حفظ قوت و بنیه مادر بکوشید-** هر روزنه کار خانه باید انجام شود - پختن - شستن طرفها - جارو و گرد گیری. مادران آیا به این اندیشیده اید که دخترانتان نیز میتوانند این تکالیف روزانه را انجام دهند؟ عضلات آنان به ورزش و تمرین نیاز دارد. در عوض ورزش و بالا و پایین پریدن و بازی با توپ بگذارید ورزشهای آنان هدفدار باشد.

به فرزندان تعلیم دهید تا در امور خانه مشارکت داشته باشند. در برخی کارها از آنان استفاده مفید برید. به آنان نشان دهید که چگونه کار را آسان و خوب انجام دهند. به آنان کمک کنید تا درک کنند که با سبک کردن بارهای مادر، بنیه او را قوی نگاه داشته و زندگی وی را طولانی خواهند نمود. چه بسا بسیاری از مادران خسته و درمانده ناهنگام در قبر خوابانیده شده اند به این دلیل که فرزندانشان به فکر نیفتادند تا در زحمات وی شریک شوند. با تشویق روح خدمت متواضعانه در خانه والدین فرزندان خود را به مسیح نزدیکتر میکنند - آن کسیکه فروتن است.

**تجربه شادمانی-** فرزندان باید مادر خود را بر روی صندلی راحت بنشانند و از او بخواهند تا بایشان بگوید که چه کاری باید در وحله نخست انجام شود. برای بسیاری از مادران خسته و بیش از حد کار کرده این عمل شگفت انگیز خواهد بود! جوانان و نوجوانان هرگز خرسندی و آرامش را احساس نخواهند نمود تا اینکه با انجام وظایف خانه دستان و ذهن خسته مادر را تسلی و آرامش دهند. اینها پله های نردبان ترقی هستند که آنان را پیش خواهد برد تا به آموزش عالی دست یابند.

اجرای صادقانه تکالیف روزانه خشنودی و آرامش را برای کارکنان خانه بیار می آورد. آنانی که از ایفای سهم خود در مسئولیتهای خانه غفلت میورزند با تنهایی و نارضایتی درگیرند و شاد نیستند زیرا نیاموخته اند که شادی زمانی حاصل میشود که در کارهای روزمره ای که بر دوش مادر و دیگر اعضای خانواده است باید کمک نمود. بسیاری خانه را بدون یاد گرفتن دروس مفید ترک میکنند که برای خیریت آینده آنان واجب است.

**اجر و پاداش وفاداری در تکالیف خانه-** انجام وفادارانه و ضایف خانه با بدست گرفتن وظیفه ای که به نحو احسن میتوانید انجام بدهید حتی اگر ساده و ناچیز باشد بواقع قابل تمجید و متعالی کننده است. این تجلی الهی لازم است. در این کار آرامش و خوشی مقدسی نهفته است. و



شامل قدرت شفا بخش است. این موضوع بطور اسرارآمیز و بطور نامحسوسی تسکین دهنده جراحات جان و حتی رنجهای جسمی است. آرامش خیال که از انگیزه ها و فعالیتهای خالص و مقدس ناشی میشود چشمه نیرومند و رایگانی را به همه اعضای بدن عطا میکند. آرامش باطنی ما را از گناه ورزیدن نسبت به خدا بر حذر داشته و بنیه و فکر را روح و جان خواهد بخشید، درست مانند شبمی که بر روی گیاهان لطیف مینشیند. آنگاه اراده و خواست، هدایت و کنترل گردیده و بیشتر راسخ میگردد و با این حال از خطا و فساد بری میشود. اندیشه و تعمق خوشایند خواهد بود زیرا تطهیر و تقدیس گردیده اند. صفای ذهن صفت ملکوتی است که فرشتگان از آن برخوردارند.

**در آسمان جنب و جوش خواهد بود-** فرشتگان کارگران هستند، آنان فرستادگان و خادمان خدا برای فرزندان انسان هستند. آن خادمان سست که با سهل انگاری چشم انتظار ملکوت هستند ایده های غلطی از آنچه که ملکوت را تشکیل داده دارند. پروردگار مکانی را برای لذت راحت طلبان گنهکار نیافریده است. ملکوت جایی برای علاقمندان به فعالیت است با اینحال برای خستگان و گرانباران و کسانیکه برای ایمان در ستیز و تقلا بوده اند آرامگهی مجلل و با شکوه خواهد بود و مکانی برای جوانان و مشتاقان برای جاودانگی بوده و بیش از این بر ضد گناه و شیطان در ستیز و کشمکش نخواهند بود. برای این کارگران فعال و پر انرژی وضعیت رخوت ابدی منجر کننده خواهد بود. و برای کاهلان بهشتی نخواهد بود. راه کار و زحمت برای مسیحیان در زمین تعیین گردیده است که ممکن است سخت و خسته کننده باشد ولی بوسیله منجی حرمت داده شده است و راه او راه بی خطر است.

## فصل پنجاه و نهم

### آموزش حرفه مفید

**هر فرزندی باید حرفه ای بیاموزد-** بی تفاوتی والدین در قصور در ایجاد شغل برای فرزندان که باید مسئولیتی را در این جهان بعهده بگیرند منتج به زیانها و شرارتهای بیشماری شده است. زندگی بسیاری از جوانان به مخاطره افتاده و بطور عظیمی قدرت کارآمدی آنان را از کار



انداخته است. اشتباه بزرگی است تا به مردان جوان اجازه داده شود تا بدون یاد گرفتن حرفه ای بزرگ شوند.

مسیح در بین ابرها به موسی دستورالعملی داد تا به عبرانیان بدهد که باید فرزندان خود را برای کار آموزش دهند و حرفه ای به آنان بیاموزند و هیچکسی نباید بیکار و تنبل باشد. شما باید به فرزند خود یاد دهید تا به کسب دانش بپردازند که چنانچه لازم باشد با کار خود زندگی کنند. شما باید به آنان تعلیم دهید که در فراخوانی نسبت به انجام وظایف قاطع باشند.

**استفاده از ابزار را آموزش بدهید-** وقتی که فرزندان به سن مناسبی رسیدند باید برای آنها ابزاری تدارک دیده شود. اگر کار برای آنان جالب باشد دانش آموزان مستعدی یافت میشوند که از ابزار استفاده کنند. چنانچه پدر نجار است او باید به فرزندان خود (ساختمانساز با چوب) و کارهای چوبی را یاد بدهد و همیشه دروس کتاب مقدس را در کار بیاورد و اثره های کلام که خداوند بشر را به عمارت خود تشبیه میکند.

**به پسران خود کشت و زرع یاد بدهید-** پدران باید پسران خود را مشغول حرفه و کاری کنند. کشاورزان نباید فکر کنند که مزرعه داری کاری جالب و درخور پسرانشان نیست. کشاورزی باید با دانش علمی تلفیق و بهبود داده شود. مزرعه داری کاری غیر سود ده معرفی شده است. مردم میگویند که خاک مخارج کاری را که صرف شده نمیپردازد و به حال کسانی که خاک را شخم زده و کشت میکنند تاسف میخورند. ولی آیا نباید ابتدا در باره خاک و کشاورزی مطالعه شود و یاد گرفت که چه بذری را چگونه باید کاشت و پرورش داد و آنرا درو کرد؟ بسیاری میگویند ما کشاورزی را تجربه کردیم و محصول آنرا دیده ایم و با اینحال این قبیل افراد باید بدانند که چگونه باید در خاک فلاح کرد و باید دانش را بکار ببرند. خیش های آنان باید عمیقتر شخم بزند و شیارش وسیعتر باشد و باید یاد بگیرند که در کشاورزی نباید زمخت و خشن باشند. باید یاد بگیرند که تخم را در فصل مناسب بکارند و به گیاهان توجه و مراقبت کنند و از برنامه ای که خداوند تدبیر نموده تبعیت کنند.

**آموزش و ارزش عالی-** هیچ رشته ای در رسته آموزش فنی حرفه ای با ارزش تر از کشاورزی نیست. تلاش بیشتری باید برای ایجاد و ترغیب به حرفه کشاورزی انجام گردد. معلم باید برای جلب توجه به کشاورزی از کتاب مقدس استفاده کند که این برنامه خدا برای بشر بود تا در



زمین کشت کند - مالک جهان باغی را ایجاد کرده بود تا در آن کشت شود و بسیاری از بزرگترین مردان جهان در خاک کشت میکرده اند.

کسیکه با کشاورزی امرار معاش میکند از بسیاری از وسوسه ها میگریزد و از امتیازات و برکات بیشماری بهره میبرد و کسانی که در شهرهای بزرگ کار میکنند از آن برکات بی بهره اند. و در این عصر شرکتهای غول آسا و رقابتهای تجاری تعداد کمی هستند که بواقع مانند فلاحان و کشتکاران زمین از کار خود بهره کافی میبرند.

**محصول تازه ارزش خاصی دارد-** خانواده ها و مراکز آموزشی باید بیشتر در کشت و زرع و پرورش زمین آموزش ببینند. اگر مردم تنها میدانستند که ارزش محصولات زمین که در فصل خودش بیار می آورد چقدر است تلاش بیشتری برای کشت زمین صورت می گرفت. همه باید با ارزش خاص میوه و سبزیجات تازه از باغستان ها و مزارع آشنا شوند.

**مدارس باید حرفه های مفید را راهنمایی کنند-** باید به آموزش حرفه ای باید بیش از این ها ارزش داده شود. مدارس باید تاسیس شوند که علاوه بر پرورش اخلاقی و فکری بهترین امکانات را برای رشد جسمی و آموزش حرفه ای و فنی فراهم آورند. در مزارع و کارخانجات آموزش باید داده شود- و تا حد ممکن حرفه های مفید باید پوشش داده شوند - همچون در اقتصاد خانوار - آشپزی بهداشتی - خیاطی - درمان بیماران و رشته های وابسته با علوم اجتماعی و خانواده. باغات - کارگاهها و اتاقهای درمان باید تدارک دیده شوند و کار در هر رشته باید تحت نظر آموزشیاران زبده و ماهر صورت پذیرد.

کار باید هدفی معین داشته باشد و باید کامل گردد. در حالیکه هر شخصی به دانش مختلف هنرهای دستی نیاز دارد ضروری خواهد بود تا او حد اقل در یک حرفه مهارت یابد. هر جوانی در هنگام ترک مدرسه باید با دانش برخی حرف یا مشاغل آشنا شود تا در صورت نیاز با آن امرار معاش کند.

**آموزش با ارزش مضاعف-** مدارس تاسیس شده باید با شعبه های مختلف کاری و حرفه ای مرتبط باشند که دانش آموزان بتوانند شغلی گرفته و در ساعاتی به کارآموزی و تمرین بپردازند. آنگاه در حین گذراندن دروس نظری میتوانند به دانش عملی کار و حرفه نائل گردند.



**دانش حرفه ای با ارزش تر از دانش علمی و نظری است** - معلمین با تجربه باید دروس آشنایی را به بانوان جوان بیاموزند. دختران جوان باید بیاموزند که چگونه پارچه را برش داده و جامه بدوزند و بدین سبب برای تکالیف زندگی آموزش ببینند.

برای مردان جوان باید بنیادهایی وجود داشته باشد تا حرف مختلف را یاد بگیرند تا عضلاتشان و همچنین قوای فکری آنان را بکار اندازد. چنانچه جوان دانش یکسویه ای را کسب کند - که البته دستاورد بزرگی دارد، آیا دانش علوم نظری با تمامی بی فایده‌گیهایش در بهداشت و زندگی مفید خواهد بود یا دانش کار برای زندگی عملی؟ بیدرنگ باید پاسخ داد: مورد دوم. اگر از چیزی باید کوتاهی شود آن چیز باید مطالعه بیمورد دانش نظری کتابها باشد. کسانی ممکن است وجود داشته باشند که آموزش نادرستی داشته اند و کسانی که ایده های غلطی برای آموزش فرزندان داشته اند. این جوانان و نوجوانان خواهان بهترین آموزش هستند و شما بایستی کار جسمی را با کار ذهنی توأمان کنید - تئوری و عمل هر دو باید با هم کار کنند.

عیسی الگوئی از یک فرد اهل کار و اهل قناعت بود - به تربیت و انضباط سخت و محکمتری نیاز است تا برای خدا بعنوان مکانیک - بازرگان - وکیل - یا کشاورز کار کنید و مقررات و اصول مسیحیت را به فعالیتهای معمولی زندگی ببرید - مبشرین مذهبی را دیگران میشناسند و کمتر از افراد ذکر شده در کار خود که بشارت و امور مذهبی است مشکل دارند. شما باید از نظر روحانی قوی باشید تا اینکه مذهب را به محل کار خود ببرید که وجهه ای روحانی بکار خود بدهید که کار شما متناسب با معیار کتاب مقدس باشد و نه اینکه استاندارد بشری داشته باشد.

عیسی در سی سالگی انزوا در ناصره کار و زحمت کشیده میخورد و استراحت مینمود و هفته ها و سالها را میگذرانید. او بعنوان شخصی برجسته هیچ توجهی به خویش نمینمود با این وجود منجی جهان بود که او را حمد و تسبیح میخواندند و در همه اوقات کار پدر خویش را انجام میداد و برای بشریت درسهایی باقی گذارد که تا پایان زمان باقی خواهد ماند.

این درس واجب از کار با قناعت و خشنودی در وظایف ضروری زندگی هر چند که ناچیز باشد با این حال باید توسط بخش بزرگی از پیروان مسیح آموخته شود. چنانچه چشم بشری برای



انتقاد از کار ما وجود نداشته باشد و صدایی برای ستایش یا نکوهش نباشد باید طوری به نحو احسن انجام شود که گوئی آن فرد ازلی شخصا برای بررسی آن حاضر و ناظر است.

## فصل ششم

### علم و اطاعت از قوانین زندگی

**شگفتیهای جسم بشری-** ما محصول کار استادانه خدا هستیم و کلام او صراحتا میگوید که او ما را با ابهت و شگفتی<sup>46</sup> خود ساخته است. او معبدی را که روح القدس او در آن ساکن شود را ساخته است. ذهن کنترل کننده انسان است. همه اعمال خوب و بد ما منشائی از ذهن و فکر ما دارد. این ذهن است که خدا را عبادت میکند و ما را با ملکوتیان محشور میسازد. با اینحال بسیاری زندگی خود را میگذرانند بدون اینکه در این جسم محصور که شامل گنجینه ای است هوشمند شوند.

همه اعضای جسم تابع ذهن هستند و تارهای عصبی مانند کابلهای ارسال کننده پیام هستند که دستورات را به هر عضوی از بدن منتقل کرده و حرکات ما را در ماشین زنده هدایت میکنند. همانطور که مکانیزم بدن مطالعه شده است توجهی باید به انطباق و سازگاری شگفت انگیز او بشود تا حرکات موزون و هماهنگ گردیده اعضای مختلف با یکدیگر در هماهنگی باشند. همانطور که دانش آموز نسبت پرورش جسمی علاقمند میشود معلم بیشتر میتواند عاداتهای درست را در او پرورش دهد.

**سلامتی باید حفظ گردد-** از آنجایی که ذهن و جان از طریق جسم متجلی میگردد فکر و قدرت روحانی در حد بالایی بستگی به قوت جسمانی و فعالیت خواهند داشت خواه ترفیع دهنده بهداشت جسمی باشد یا ترفیع دهنده رشد در قوای ذهنی یا شخصیت متعادل باشد. بدون سلامت هیچ کسی نمیتواند بطور مشخص آنطور که باید و شاید بطور کامل مسئولیت خود را نسبت به هموع یا خالق خود ایفا نماید. بنابراین سلامت باید بهمان اندازه ای که





شخصیت حفظ میشود تحت مراقبت قرار گیرد. دانش فیزیولوژی و بهداشت باید اساس تمامی کارهای آموزشی باشد.

**بسیاری بی تمایل به مطالعه قوانین بهداشتی هستند** - بسیاری از افراد از تلاش برای نائل شدن به دانش قوانین زندگی و چیزهای ساده برای تجدید قوا و بازگرداندن سلامت رغبتی ندارند. آنان خود را در جایگاه درست زندگی قرار نمیدهند. وقتی که بیماری نتیجه تخطی از قوانین طبیعی است آنان سعی نمیکنند تا اشتباهات خود را اصلاح کنند و آنوقت برکات خدا را میطلبند.

ما باید خود را آموزش دهیم نه تنها برای زندگی هماهنگ و متوازن با قوانین زندگی بلکه بایستی دیگران را برای زندگی بهتر تعلیم دهیم. بسیاری از افراد حتی آنانیکه مدعی اعتقاد به حقایق خاص برای این زمان هستند بطور رقت آمیزی راجع به بهداشت و اعتدال جاهل و نا آگاهند. آنان لازم است تا آموزش ببینند - سطر به سطر و جزء به جزء و از الف تا باء. موضوع باید در نظر آنان تازه بماند. از این موضوع نباید بعنوان یک چیز غیر ضروری بسادگی گذشت زیرا هر خانواده ای لازم است تا در این باره به تکاپو و جنبش در آید. باطن باید نسبت به وظیفه کاربرد اصول بدرستی تجدید و اصلاح گردد. اصول بهداشتی در رژیم غذایی و ورزش و مراقبت از کودکان و درمان بیماران و بسیاری از موضوعات مشابه باید پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مطالعه برای پیشگیری - تامل و بررسی بسیار کمی نسبت به علل مرگ و میر و بیماری و زوال صورت میپذیرفته است. نژاد بشر رو بزوال است. اکثر چیزهای زیانبار که بدبختی و تباهی را برای نژاد بشر آورده قابل پیشگیری است و توانایی مقابله با آن در حد بسیار زیادی بستگی به والدین دارد.

**به فرزندان استدلال کردن را از علت و معلول را یاد بدهید** - به فرزندان خود استدلال از علت و معلول را یاد بدهید. به آنان نشان دهید که اگر به قوانین خلقت تجاوز کنند بایستی تاوان آن را با رنج بپردازند. اگر نمیتوانید شاهد بهبود سریع خود باشید دلسرد و مایوس نشوید بلکه با شکیبایی به پیش بروید تا به پیروزی نائل آید. آنانیکه در مطالعه و عمل به اصول درست زندگی پافشاری میکنند هم بطور جسمی و هم روحانی برکات عظیمی خواهند یافت. درک



فلسفه بهداشت سپری است در مقابل بسیاری از چیزهای زیانبار و شریر که دائماً در حال افزایش هستند.

**آموزش باید رو به پیشرفت باشد-** فرزندان باید در اوایل کودکی در دروس مقدماتی فیزیولوژی و بهداشت بطور ساده و آسان آموزش ببینند. این کار باید از طریق مادر در خانه شروع شود و باید صادقانه در مدرسه ادامه یابد. همانطور که شاگردان طی سالها به پیش میروند راهنمایی و تدریس در این رشته باید ادامه یافته تا اینکه برای مراقبت از خانه ای که در آن زندگی میکنند صلاحیت یابند. آنان باید اهمیت مراقبت و مقابله با بیماری را با تقویت اعضای بدن درک کنند و همچنین باید یاد بگیرند که چطور با بیماری های متداول و سوانح برخورد نمایند.

**دانش نظری کافی نیست-** دانشجویان فیزیولوژی باید آموزش ببینند که هدف تحصیل تنها بدست آوردن دانش نظری و اصول نیست. این تنها سود کمی دارد. او ممکن است اهمیت تهویه هوا را بداند و این که اتاقش باید از هوای تمیز پر شود ولی وقتی با نفس عمیق درک کرد که از کمبود هوای سالم رنج میبرد آنگاه به اهمیت وجود هوای تازه پی خواهد برد. پس لزوم پاکیزگی باید درک شود و امکانات مورد نیاز باید فراهم گردد ولی همه چیز بیفایده خواهد بود مگر اینکه از آن استفاده نماید. شرط ضروری بزرگ در تعلیم این اصول وادار نمودن دانش آموزان به اهمیت آن است آنگاه بطور ناخودآگاه به آن عمل خواهد نمود.

**دانش قوانین طبیعی ضروری است-** موضوعاتی هستند که بطور معمول مشمول مطالعات فیزیولوژی قرار نگرفته اند- موضوعات بسیار با ارزش تر از اصطلاحات فنی که بطور معمول تحت این سرفصل تعلیم داده شده است. بعنوان اصول پایه ای و بنیادین همه تحصیلات در این رشته ها جوانان باید یاد بگیرند که قوانین طبیعت قوانین خدا هستند - و به همان اندازه ده فرمان الهی مهم هستند. قوانینی که اندامهای جسمی ما را اداره میکنند بر هر تار عصبی و عضله و بافت بدن توسط خدا نوشته شده اند. هر گونه تخطی بی ملاحظه و خودسرانه از قوانین گناهی بر ضد پروردگار جهانیان است. پس ضروری است که علم کامل به این قوانین ابلاغ و تفهیم شود.

**نظم و ترتیب در خوردن و خوابیدن-** از اهمیت نظم و ترتیب برای خوردن و خوابیدن نباید چشم پوشی شود. از آنجایی که کار ترمیم و تجدید قوای جسمی بدن در خلال ساعتی



استراحت صورت میپذیرد خصوصاً برای جوانان ضروری است که خواب منظم و کامل داشته باشند. در تنظیم ساعت‌های خواب نباید کارهای غیر منظم صورت پذیرد. شاگردان نباید عادت سوزاندن چراغ موشی را در ساعت‌هایی که باید بخوابند شکل دهند. اگر انجام چنین کاری در خانه مرسوم است آنان باید این عادت را اصلاح کنند و در ساعت مناسب به رختخواب بروند. آنگاه با طراوت در صبحگاه از خواب برخوانند خاست تا وظایف روزانه را در پیش گیرند.

**بر عادات درست بهداشتی اصرار ورزید-** باید بر عادات درست خوردن و نوشیدن و لباس پوشیدن اصرار ورزیده شود. عادات غلط جوان را کمتر مستعد پذیرش آموزه‌های کتاب مقدس در می‌آورد. فرزندان باید نسبت به افراط در شکمبارگی و مخصوصاً بر علیه محرکها و مخدرها محافظت شوند. والدین مسیحی نباید سفره هایشان را از غذاهایی که سرشار از ادویه و چاشنی است پر کنند. ما نباید عاداتی را که باعث ضعف بنیه جسمی و ذهنی میشود در پیش گیریم یا اینکه از توانایی هایمان در این راه سوء استفاده کنیم. ما باید از تمام توان استفاده کنیم تا خود را در سلامت نگاه داریم بخاطر اینکه باید خوش طبع بوده و ذهنی شفاف داشته و قادر باشیم تا فرق بین مقدس را از چیز از پیش پا افتاده تشخیص داده و خدا را در جسم و روحمان حرمت دهیم زیرا که همه چیز متعلق به اوست.

**اهمیت طرز ایستادن صحیح-** در میان اولین چیزهایی که باید هدف باشد اصلاح طرز قرار گرفتن در نشستن و ایستادن است. خداوند انسان را درست خلق نمود و میخواهد تا او نه تنها از جسم بهره ببرد بلکه از فکر و اخلاق نیز بهره برده - خوش اندام بوده و شان و متانت داشته - اتکاء بنفس داشته باشد و قائم و سر راست بایستد که موارد یاد شده را ترغیب میکند. معلم باید به این نکته توجه داشته و با نمونه و مثال دانش آموزان را راهنمایی و تعلیم دهد.

**تنفس و پرورش صدا-** در کنار طرز وضعیت اندام تنفس و پرورش صدا قرار دارد. کسیکه عمود نشیند و می ایستد با احتمال زیاد درست هم نفس میکشد. ولی معلم باید بر اهمیت تنفس عمیق به شاگردان پافشاری کند. نشان دهید که چطور فعالیت بهداشتی اعضای تنفسی به گردش خون کمک میکند و تمامی سیستم را بنیه و قوت میبخشد و اشتها را تحریک کرده و باعث هضم غذا میگردد و باعث سلامتی شده و خوش خوابی را باعث میگردد بنابر این نه تنها جسم را تازه و با طراوت میسازد بلکه ذهن را آسوده و آرام میسازد. و در حالیکه اهمیت تنفس



عمیق نشان داده میشود باید بر ورزش و تمرین اصرار گردد. تمرین و ورزش باعث ترفیع همه این چیزهاست و خواهید دید که به آن عادت خواهد شد...

آموزش صدا جایگاه مهمی در پرورش جسمی دارد. ریه ها گرایش به انبساط و تقویت شدن دارند و بیماریها را دفع میکنند. برای اطمینان از خوب خواندن و صحبت کردن ملاحظه کنید که عضلات شکمی در تنفس نقش خود را خوب ایفا کنند و بموجب آن اعضای تنفسی از قید و بند فارغ خواهند بود. اجازه بدهید تا فشار بر عضلات شکمی وارد آید تا اینکه بر حنجره فشار آورده شود. بنابر این از خستگی و بیماری جدی حنجره و ریه ها پیشگیری بعمل خواهد آمد. توجه زیادی باید برای درست ادا کردن و طرز گفتار روان و سلیس و تنظیم خوب لحن صدا صورت پذیرد و ادای جملات نباید سریع صورت پذیرد. این نه تنها باعث ترفیع سلامتی میشود بلکه به کارایی و مقبولیت کار دانش آموز می افزاید.

**سه چیز ضروری برای شادی خانواده-** در بحث بهداشت معلم کوشا و علاقمند از هر فرصتی بهره برده تا ضرورت پاکیزگی کامل را در عادات شخصی و در همه شرایط محیطی نشان دهد. ارزش حمام روزانه در ارتقای بهداشت و سلامت و در برانگیختن فعالیت ذهنی باید مورد تاکید قرار گیرد. نور آفتاب و تهویه هوا نیز باید مورد توجه قرار گیرد که در بهداشت اتاق خواب و آشپزخانه موثر است. به شاگردان بیاموزید که یک اتاق خواب بهداشتی و سالم و یک آشپزخانه کاملا تمیز و یک میز با سلیقه آراسته شده شادی خانواده و احترام هر مهمان حساسی را بیش از مبلتان و اثاثیه گرانبه در اتاق پذیرایی بر خواهد انگیخت. این تذکره حدودا دو هزار سال پیش داده شده است که: "زندگی بسیار با ارزشتر از خوراک و پوشاک است" (لوقا ۱۲: ۲۳).

**در پی درک داروها و شفا بخش های طبیعی باشید-** هوای پاک ، نور خورشید ، پرهیز و امساک در خوردن و نوشیدن ، استراحت ، ورزش ، رژیم غذایی مناسب ، نوشیدن آب ، توکل و اعتماد به قدرت الهی ، همه اینها داروها و شفا بخش های طبیعی هستند. هر فردی باید از معلومات شفابخش های طبیعت و چگونگی استعمال آن آگاه باشد. درک اصول برای علاج بیماری ضروری است و دوره عملی که فرد را قادر میسازد تا بطور صحیح از این دانش بهره برد اجتناب ناپذیر است.



کاربرد شفابخشهای طبیعی مستلزم تلاش و مراقبه ای است که بسیاری از توجه به آن کوتاهی میکنند. مراحل طبیعی التیام و تجدید قوا تدریجی است و برای فرد نا شکیباً کند بنظر میرسد. صرفنظر از افراطگریهای مضر به از خود گذشتگی نیاز است. ولی در پایان پی برده خواهد شد که طبیعت آزاد و خود مختار کار خود را بخوبی و حکیمانه انجام میدهد. کسانی که از اصول آن تبعیت کنند سلامت جسمی و ذهنی را بدست خواهند آورد.

**رمز جامع و فراگیر-** راجع به آنچه که برای خودمان میتوانیم انجام دهیم نکته ای وجود دارد که به توجه فکورانه نیازمند است. ما باید با خصوصیات جسمی و ذهنی خود آشنا بشویم. ما باید همیشه در حال آموختن چیزهایی باشیم که چگونه از این بنای جسم که خدا بما ارزانی داشته است مراقبت کنیم تا از بهترین وضعیت سلامت برخوردار شویم. ما باید چیزهایی را تناول کنیم که برای جسم منفعت داشته باشد و باید توجه ویژه ای به نوع لباس داشته باشیم تا منتهی به گردش خون سالم گردد. نباید خود را از ورزش در هوای آزاد محروم کنیم. ما باید تا حدی که ممکن است نور آفتاب را جذب کنیم. ما باید حکمت داشته باشیم تا نگاهیان با وفای جسم خود باشیم.

وقتی که در حال تعریق هستیم نباید وارد اتاق سرد بشویم و نباید در معرض باد بنشینیم و بموجب آن سرما بخوریم. نباید بگذاریم تا دستان و پایهایمان سرد شوند و از ورود خون به قسمتهای تحتانی بدن جلوگیری و خون را به مغز و اعضای داخلی بازگردانیم. همواره باید از پاهای خود در هوای مرطوب مراقبت کنیم. باید بطور منظم غذای سالم و بهداشتی تناول شود تا بهترین کیفیت خون ساخته شود و نباید بی اعتدال کار کرد. و وقتی احکام خدا را که در وجودمان نهفته است نقض کنیم باید توبه کرده و خود را اصلاح کنیم و خودمان را در وضعیت مطلوبی تحت طبابت خدا قرار دهیم که هوای پاک و آب خالص و آفتاب شفابخش ارزشمند را تدارک دیده است.

**ما بطور شخصی به خدا جوابگو هستیم-** بدنهای ما توسط مسیح خریداری شده اند و آزاد نیستیم تا با آن هر چه میخواهیم انجام دهیم. همه کسانی که قوانین بهداشت را درک میکنند باید التزام خود را به اطاعت از این فرامین که خداوند در وجود آنان شکل داده است درک کنند. اطاعت از قوانین بهداشتی باید بعنوان موضوع و وظیفه ای شخصی در نظر گرفته شود. ما از پیامد قانون تخطی شده رنج میبریم. ما بطور فردی برای عادات و اعمال خود به خدا پاسخگو



هستیم. بنابراین پرسش این نیست که دنیا چه میکند یا خود را توجیه کنیم که خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو! بلکه چطور بعنوان یک فرد با جسمی که خدا به ما عطا نموده است رفتار کنیم.

## بخش ۱۴

### برقراری و ابقای توانایی جسمی

#### فصل شصت و یکم

#### خانه دار در آشپزخانه

**فراخوانده شدن اداره کننده خانه-** هیچ کاری مهم تر از کار خانه نیست. پخت و پز خوب و آماده ساختن غذای بهداشتی بطریقی که طالب داشته باشد به درک و تجربه نیاز دارد. فردی که غذا را آماده میسازد تا در شکم ها برود تا تبدیل به خون شده و سیستم را تغذیه کند مقامی عالی و مهم را اشغال نموده است.

برای هر جوانی ضروری است تا با هر وظیفه ای بطور کامل آشنا شود. چنانچه ضروری باشد خانمی جوان میتواند از دانش فرانسه و جبر یا حتی پیانو معاف گردد ولی ضروری است که او بداند چگونه بخوبی نان بپزد و جامه ای آراسته بدوزد و با درایت و کاردانی بسیاری از وظایفی را که وابسته به خانه داری است را یاد بگیرد. هیچ چیزی حیاتی تر از مهارت و حذاقت در طبخ که سلامت و شادمانی را برای خانواده بار می آورد نیست. با غذای بد آماده شده و ناسالم او ممکن است بهره وری بزرگسالان و رشد کودکان را بتاخیر بیندازد. یا با آماده ساختن غذایی



که با نیاز جسم سازگار است و همزمان خوش طعم و لذیذ او میتواند آنچه را که در مسیر درست است را بانجام رساند در غیر اینصورت او در جهت خلاف جریان حرکت میکند. پس در بسیاری از شیوه ها شادمانی در زندگی جزیی تفکیک ناپذیر در وظیفه شناسی نسبت به کارهای معمولی زندگی است.

**دانش پخت و پز هنری واجب است-** عمل طبخ موضوعی کوچک نیست... این هنر باید ارزشمندترین هنرها در نظر گرفته شود زیرا بطور نزدیکی با زندگی پیوند دارد. باید به آن توجه بیشتری مبذول گردد تا اینکه خونسازی بهتری انجام گردد زیرا که سیستم بدن به غذای خوب نیازمند است. بنیادی که مردم را در سلامت نگاه میدارد کار تبلیغی وابسته به بهداشت و سلامت در طبخ خوب است. اغلب با تهیه غذای نامطبوع، اصلاح سلامت و بهداشت، به خسران سلامت و بهداشت تبدیل میشود. فقدان دانش راجع به آشپزی بهداشتی باید اصلاح و بهبود گردد. طبّاخان خوب کم هستند. بسیاری از مادران باید به کلاس آموزش آشپزی بروند تا غذای خوب را برای خانواده تهیه کنند.

**در پی این باشید تا کدبانوی هنرمندی بشوید-** خواهران ما اغلب نمیدانند که چگونه آشپزی کنند. بدین مضمون من اگر جای ایشان بودم برای کارآموزی نزد بهترین آشپزها رفته تا در هنر طبخ به مهارت و کاردانی دست یابم.

**مطالعه و عمل به آن-** غذا میتواند به سادگی و بهداشتی تهیه گردد ولی به مهارت نیاز دارد تا لذیذ و مغذی باشد. برای یادگیری هنر آشپزی، زنان باید مطالعه کنند و سپس با صبوری آنچه که فرا گرفته اند را عملی سازند. مردم رنج میبرند زیرا زحمت این کار را نمیخواهند متقبل شوند. آنان باید انرژی را کد شده خود را بکار گیرند و خود را از این دانش مطلع گردانند. خیال نکنید که زمان خود را که صرف نائل شدن به دانش و تجربه آماده کردن غذای بهداشتی و لذیذ نموده اید حرام کرده اید. مسئله ای نیست که چقدر در طبخ تجربه داشته اید چنانچه هنوز مسئولیتی در قبال خانواده دارید این وظیفه شماست تا یاد بگیرید که چگونه بطور شایسته به آن عمل کنید.

**هم سادگی و هم تنوع ضروری است-** غذاها باید متنوع باشند. یک نوع غذا نباید هر روزه بر روی سفره ظاهر شود. تنوع در طبخ غذاهایی که با ذائقه و اشتیهای بیشتری خورده شود



سیستم را بهتر تغذیه مینماید. جسمهای ما از آنچیزهایی که ما میخوریم ساخته میشوند و بخاطر اینکه بافتهایی با کیفیت بهتری ایجاد کنند باید نوع غذای مناسب و درست خورده شود و باید با چنان مهارتی طبخ شوند که برای نیاز سیستم سازگار باشند. این وظیفه دینی برای آشپز است تا یاد بگیرد که چگونه غذای سالم و بهداشتی را با تنوع تهیه کند تا هم بهداشتی و و هم لذیذ باشند.

حتی بر سفره غذا مد و ظاهر نمایی تاثیر مصیبت بار خود را نشان میدهد. تهیه بهداشتی غذا موضوعی ثانوی شده است. سرو کردن متنوع بزرگی از غذاها پول و وقت و کار زیادی میبرد بدون اینکه خیریتی در آن نهفته باشد. ممکن است مد روز باشد که نیم دوجینی غذا بر سر سفره باشد ولی این رسم سلامت را به تباهی میکشانند. مردان و زنان معقول باید این مد را محکوم کنند. چقدر برای بهداشت و سلامت بهتر خواهد بود تا تدارکات سفره ساده تر شود.

**نتایج پخت و پز نامرغوب-** با آشپزی نامرغوب انرژی های زندگی هزاران نفر حرام میشود.

جانهای زیادی بدون اینکه بتوانند بفهمند از دست رفته اند. در آشفتگیها بیماریهایی تولید میشود. در این شرایط چیزهای آسمانی نمیتوانند بسادگی تشخیص داده شوند. غذاهای ناکافی و بد طبخ شده عضوهای خونساز بدن را ضعیف میسازد. این نوع غذاها سیستم را بهم ریخته و باعث تندمزاجی و خلق و خوی بد میشود و بیماری را بوجود می آورد. قربانیهای آشپزیهای نامرغوب هزاران و ده ها هزار فرد برآورد شده اند. بر روی سنگ قبرهای آنان باید نوشته شود: این فرد بخاطر غذای نامرغوب و بد رفتاری با شکم در گذشته است.

**به کودکان یاد بدهید که چگونه آشپزی کنند-** غفلت نکنید که به فرزندان یاد بدهید که چگونه غذا بپزند. با چنین کاری آنان را با اصولی که آنها باید در آموزش مذهبی داشته باشند بهرمنند میسازید. در دروسی که در باره فیزیولوژی میدهید به آنان چگونگی طبخ ساده و با مهارت را یاد بدهید و با اینکار شالوده ای برای شاخه های مفید آموزش پی ریزی خواهید نمود. برای پختن نان نیز به مهارت نیاز است. در مذهب خوب طبخ خوب نیز باید وجود داشته باشد و سلامتی جانها در نظر گرفته شود. و کسانی که در یاد گیری پخت و پز جاهلند نسبت به مذهب هم بی تفاوتند.





**آنان را با صبوری و خوشرویی راهنمایی کنید-** مادران باید دختران خود را وقتی که خیلی جوان هستند به آشپزخانه ببرند و هنر آشپزی را به آنان یاد بدهند. مادر نمیتواند از دختر خود انتظار داشته باشد که دخترانش رازهای خانه داری را بدون تحصیل درک کنند. او باید آنان را با شکیبایی و محبت راهنمایی نماید و کار را تا آنجا که میتواند با سیمایی بشاش و کلامی متنقد و تشویق آمیز مطبوع و دلپذیر نماید. اگر یکبار یا دو بار یا سه بار خرابکاری کردند آنان را سرزنش نکنید. هم اکنون نومیثی کار خود را میکند و آنان را وسوسه نموده تا بگویند "فایده ای ندارد و نمیتوانم این کار را انجام دهم". این زمان سرزنش نیست. اراده ضعیف خواهد شد. این کار به ترغیب و خوشرویی و کلام امیدوار کننده نیاز دارد. "به اشتباهاتی که کرده اید اهمیت ندهید. زیرا شما کارآموز هستید و باید اشتباهات سهوی را پیش بینی کنید. دوباره سعی کنید. ذهن خود را بر آنچه که میکنید متمرکز کنید. خیلی محتاط باشید و حتما موفق خواهید شد".

**چگونه شور و حرارت به سردی خواهد گرائید-** خیلی از مادران اهمیت این شاخه از دانش را درک نمیکنند و بیش از زحمت دیدن و نگرانی نسبت به راهنمایی فرزندانشان و تحمل کردن شکستها و خطاهایشان در حالیکه در یادگیری هستند ترجیح میدهند تا همه چیز را خود انجام دهند. و وقتی که دخترانشان در تلاشهایشان ناتوان میمانند آنان را دور میکنند و میگویند "تو بلا استفاده ای و نمیتوانی اینکار یا آن کار را انجام بدهی. تو برایم دردسر درست میکنی بیش از آنکه کمک کنی".

بدین سبب تلاشهای کارآموز پس زده میشود و اولین شکست مایه سرد شدن شور و حرارت آنان برای یادگیری میگردد که از تلاشی دیگر بیم و هراس داشته و هر کاری دیگر را همچون خیاطی و بافندگی و تمیز کردن خانه - به آشپزی ترجیح میدهند. در اینجا مادر بطور زیادی در خطاست. او باید با صبوری آنان را راهنمایی نموده که بتوانند با تمرین کردن تجربه ای را کسب کنند که ناشی گری را رفع نموده و ناپختگی و بی تجربگی را علاج نماید.

**ضروری ترین اقدامات تمهیداتی زن جوان را میتواند برای زندگی عملی آماده سازد-** زنان جوان باید بطور کامل در آشپزی آموزش ببینند. در هر شرایطی که زندگی کنند دانشی وجود دارد که میتواند مورد استفاده کاربردی قرار گیرد. این شاخه آموزشی است که تاثیر مستقیمی بر زندگی بشر دارد خصوصا در زندگی کسانی که بسیار عزیز هستند.



الن وایت مینویسد: من خیاط خود را میستایم - تاییست من فردی ارزشمند است ولی آشپز ما که میداند چطور غذا را برای ابقای زندگی و تغذیه مغز و استخوان و عضلات آماده سازد جایگاه بسیار مهمی در میان دستیاران خانواده دارد. زنان جوان خیال میکنند که آشپزی کاری تحقیر آمیز است و کارهای دیگری را در خانه انجام میدهند و به این دلیل بسیاری از دختران که ازدواج کرده و از خانواده مراقبت میکنند ایده کمی در انجام وظایف دارند که به یک همسر و مادر محول گردیده است.

**سدی را در برابر نابخردی و نقص ایجاد کنید-** وقتی به دخترانتان هنر آشپزی را تعلیم میدهید در اطراف آنان سدی ایجاد میکنید که آنان را از نابخردی و عیب که ممکن است ایشان را به وسوسه بیندازد در امان نگهدارد.

**مردان همانند زنان باید آشپزی کردن را یاد بگیرند-** مردان همانند زنان نیاز به دانستن تدارک دیدن غذای سالم و ساده بهداشتی هستند. کار و مشغولیت آنان را از بدست آوردن غذای سالم محروم میدارد بدین سبب چنانچه آنان دانش آشپزی داشته باشند آنرا میتوانند در جهت اهداف مناسب و خوب بکار گیرند. هم مردان و هم زنان جوان باید تعلیم ببینند که چگونه مقتصدانه آشپزی کنند و از غذاهای گوشتی تا جایی که ممکن است بپرهیزند.

**اقتصاد را فرا گیرید و از هدر دادن اجتناب کنید-** در آشپزی سوالی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که چگونه میتوان غذا را بطریقی ارزان و طبیعی درست نمود؟ و در اینجا مطالعه با دقت باید صورت پذیرد که خرده های غذای باقیمانده نباید بدور ریخته شود. مطالعه کنید که چطور میتوان این خرده های غذا را از دست نداد. این مهارت - صرفه جویی و کاردانی را میتوان نوعی ثروت و دارایی تشبیه نمود چیزی که خانم خانه را یک کدبانوی واقعی میسازد. در بخشهای گرمتر فصل کمتر غذا درست کنید. بیشتر از مواد خشک استفاده کنید. بسیاری از خانواده های فقیر وجود دارند که گرچه غذای کافی برای خوردن ندارند ولی بخاطر فقرشان روشنفکر هستند و چیزی را حرام نمیکند و ته کاسه را نیز با نان تمیز میکنند تا چیزی از غذا باقی نماند و حرام نشود.

**سوالمهای اساسی برای تعمق-** "هرچه میخورید یا می آشامید یا هر چه که میکنید همه را برای جلال نام خدا انجام دهید". آیا این کار را هنگامی که غذا را برای خانواده تهیه میکنید انجام



میدهید؟ آیا غذایی را که میدانید بهترین خون را برای فرزندانان درست میکند در مقابلشان قرار میدهید؟ آیا این غذایی است که حرارت و تب سیستم آنان را به حد اقل میرساند؟ آیا غذا بگونه ای است که سلامت زندگی آنان را حفظ میکند؟ آیا این غذایی است که مطالعه میکنید تا در مقابل کودکانان قرار دهید؟ یا اینکه آیا بدون توجه به خیریت آینده آنان برایشان غذایی ناسالم و تحریک کننده و آزار دهنده تهیه میکنید؟

## فصل شست و دوم

### خوردن برای زنده ماندن

**خداوند تمایلات و اشتها را تعیین نمود-** تمایلات و اشتهای ما از سوی خدا تعریف و تعیین شده است و وقتی به انسان داده شد خالص و مقدس بودند. این برنامه خدا بود تا تعقل را بر اشتها مسلط گرداند و خوشی ما را فراهم آورد. و هنگامی که با دلایل مقدس منظم و کنترل گردد برای خدا قدوسیت خواهند بود.

**موضوع اندیشه الهی-** تعلیم بنی اسرائیل شامل همه عادات زندگی آنان بود. هر چیزی که در ارتباط با خیریت و سلامت آنان بود عامل اندیشه و نگرانی خداوند برای آنان بود و از فحواوی قانون الهی نشأت گرفته بود. خداوند حتی در تهیه غذا در پی بهترین ها برای خیریت و سلامت آنان بود. (من آسمانی) را که خداوند از آن ایشان را در بیابان اطعام مینمود از طبیعت بود تا قوای جسمی و ذهنی و اخلاقی آنان را متعالی سازد. علیرغم زندگی سختی که در بیابان داشتند هیچ کسی در همه قبایل ضعف جسمانی نداشت.

**بدن ما از غذایی که تناول میکنیم ساخته میشود-** بافت ها و نسج ها دائما در حال گسستگی و از بین رفتن هستند. هر حرکتی از هر عضو بدن قوت خود را از دست میدهد و این اتلاف قوت با غذایی که میخوریم جبران میشود. هر عضوی از بدن به تغذیه نیازمند است. مغز و استخوان و عضلات و تارهای عصبی بایستی سهم خود را نیز در تغذیه دریافت کنند. این مرحله اعجاب بر انگیزی است که غذا به خون مبدل میگردد و از خون استفاده میکند تا قسمتهای مختلف



بدن را ایجاد کند. ولی این مرحله مداوما ادامه می یابد و حیات را برای تقویت هر تار عصبی و عضله و بافت تدارک میبیند.

**اطفال را با غذای صحیح تغذیه کنید-** اهمیت تعلیم فرزندان به عادات درست رژیم غذایی را باید در نظر گرفت. کوچکترها نیاز دارند تا یاد بگیرند که باید بخورند تا زنده بمانند نه اینکه زنده بمانند تا بخورند. آموزش باید با طفل که در آغوش مادر است شروع شود. به کودک باید فقط در فواصل منظم غذا داده شود و وقتی بزرگتر میشود فواصل و توالی کمتر شود. به کودک نباید شکلات و آب نبات یا غذای افراد بزرگسال را داد زیرا که قادر به هضم آن نیست. مراقبت و نظم و ترتیب در تغذیه اطفال سلامتی را ترفیع میبخشد و بدین موجب آنان را آرام و خوش خلق خواهد نمود ولی شالوده عاداتی را پی ریزی خواهد نمود که برای آنان برای سالیان سال برکت خواهد آورد.

**ذائقه و اشتها را پرورش دهید-** باید توجه وافری به ذائقه و اشتهای فرزندی که از کودکی بیرون می آید داشت. غالباً به آنان اجازه داده میشود تا هر چیزی که انتخاب میکنند بخورند و هر وقت که دلشان خواست بخورند بدون اینکه سلامتی در نظر گرفته شود. تمامی تلاشها و پول اغلب صرف ولخرجی برای چیزهای خوشمزه ناسالم میشود که جوان را به این خیال و دارد که هدف غایی در زندگی و آنچه که بیشترین مقدار خوشی را ایجاد میکند چیزی است که باعث لذت شکم میشود. نتیجه این آموزش شکم پرستی است که بیماری را حادث میشود. والدین باید ذائقه فرزندان را پرورش داده و نباید مصرف غذاهای ناسالم را مجاز شمارند.

**قوای جسمی و ذهنی و روحی با رژیم غذایی تحت تاثیر قرار میگیرد-** مادرانی که خواهشهای فرزندان را در قبال به خطر انداختن سلامت آنان بر آورده میسازند تا آنان را دلشاد سازند بذرهایی شیرین را میکارند که جوانه زده و ثمر خواهد آورد. اسرافکاری و ولخرجی با رشد این بچه های کوچک رشد خواهد نمود و قوای جسمی و ذهنی به هدر خواهد رفت. مادرانی که این کار را میکنند، با تلخی بذرهایی را که کاشته اند درو میکنند. آنان میبینند که فرزندان شان در فکر و شخصیت ناشایست بار آمده اند تا سهم خود را در اجتماع با عزت و سودمندی در جامعه یا خانه ایفا نمایند. وجدان و باطن خرفت میشود و قابلیت برای اثرات نیکو ضایع میگردد.



**بهترین غذا را انتخاب کنید-** بخاطر اینکه بدانید چه غذاهایی بهترین هستند ما باید برنامه اصلی خدا را برای عادت غذایی بشر مطالعه کنیم. آنکسیکه بشر را خلق نمود نیازهای او را میداند و غذاهای آدم را تعیین نموده است... حبوبات - میوه جات - دانه های روغنی - و سبزیجات رژیم غذایی را تشکیل میدهد که توسط خالق برای ما انتخاب شده است.

**غذاها را ساده و اشتها آور تهیه کنید-** خداوند تمهیدات فراوانی را برای برآورده ساختن ذائقه و اشتهای انسان پدید آورد. او محصولات زمین را برای او در زمین گستراند - تنوعی سخاوتمندانه از غذا که برای ذائقه و تغذیه سیستم خوش طعم و دلپذیر بود. پدر آسمانی کریم و فیاض در این باب میگوید که ما آزادانه میتوانیم بخوریم. میوه جات - حبوبات و سبزیجات که بطریقی ساده تهیه شده اند و عاری از انواع ادویه و چاشنی یا شیر و خامه هستند بهترین رژیم غذایی سالم میباشدند. آنها جسم را تغذیه و قدرت پایداری را به بدن اعطا میکنند و قوه ادراکی را بوجود می آورد که با رژیم غذایی محرک تولید نشده باشد.

**سلیقه غذایی-** غذاهایی باید انتخاب شوند که عناصر مورد نیاز را برای رشد و ابقای بدن تامین میکنند. سلیقه غذایی غلط سلامت را به خطر می اندازد. بواسطه عادهای غذایی غلط اشتها از مسیر اصلی خود منحرف میگردد. اغلب غذایی طلب میشود که سلامت را بخطر می اندازد و در عوض تقویت کردن بدن را تضعیف میکند... بیماری و رنج های شایع بطور وسیعی ناشی از اشتباهات عوامانه در خصوص رژیم غذایی است.

**فرزندانی که از ذائقه نا آموخته خود متابعت میکنند-** نظرات والدین حاکی است که فرزندانشان غذاهای خوشمزه را دوست دارند و غیر از این که گوشت و کیک بخورند چیز دیگری نمیتوانند بخورند. کیفیت غذایی که در هنگام ظهر به آنان داده میشود رقت انگیز و مخاطره آمیز است: نان گندم بدون سبوس و ورقه ای از گوشت خوک که با فلفل سیاه آغشته شده با ترشی های ادویه دار- کیک و کنسرو میوه. چهره رنگ پریده و مریض این کودکان بطور واضح حاکی از این میباشد که سوء تغذیه نامناسب معده را به رنج و عذاب انداخته است. دو نفر از این کودکان با غذاهای خود پنیر میخوردند که اشتهای آنان نسبت به غذاهای دیگر کور شده بود و به مادرانشان التماس میکردند که کمی بیشتر پنیر به آنها داده شود. مادر اظهار کرد که: " فرزندان من این یا آن را بسیار دوست دارند و من به آنها اجازه میدهم تا هر چه میخواهند بخورند زیرا اشتها نوعی غذا را طلب میکند که سیستم بدن نیاز دارد."



چنان ذائقه اصلاح میگردید چنین انحرافی بوجود نمی آمد. یک ذائقه طبیعی وجود دارد و یک ذائقه تباه شده. والدینی که فرزندان خود را در تمام زندگی‌شان به خوردن غذاهای ناسالم و محرک عادت داده اند، تا هنگامی که ذائقه از مسیر خود منحرف شده آنان خاک رس و مغز مداد و قهوه سوخته و چای خشک و دارچین و میخک و ادویه جات میخورند - و نمیتوان مدعی شد که سیستم بدن چنین چیزهایی را میطلبد. ذائقه و اشتها بطور غلط پرورش یافته اند تا اینکه از مسیر اصلی منحرف گردیده اند. عضوهای حساس و ظریف معده تحریک شده و میسوزند تا اینکه حساسیت خود را از دست میدهند. غذای ساده و بهداشتی بنظر آنان بی مزه است. معده رنجور کاری را که باید انجام نمیدهد مگر اینکه با مواد محرک برانگیخته شود. چنانچه این فرزندان از طفولیت آموزش میدیدند تا فقط غذاهای سالمی را که با شیوه ای بسیار ساده درست شده اند بخورند و عناصر طبیعی آن را تا جایی که ممکن است حفظ نمایند و از گوشت و روغن و ادویه جات پرهیز میکردند ذائقه و اشتها سالم باقی خواهد ماند. سیستم بدن در حد بالایی مواد طبیعی را طلب میکند.

**غذاهای گوشتی چطور؟-** ما دقیقاً مسیری را برای رژیم غذایی نشان نمیدهیم ولی توصیه میکنیم مناطقی که در آنجا میوه جات و حبوبات و دانه های روغنی همانند گردو و بادام درختی و بادام زمینی و از این قسم بوفور یافت میشود از غذاهای گوشتی که برای امت خدا مناسب نیست استفاده نکنند. به ما آموزش داده شده است که غذاهای گوشتی گرایش دارد تا طبیعت انسانی را حیوانی کند و حس ترحم و دلسوزی را از زنان و مردان برباید که باید برای هر کسی باید احساس نمایند و رذالت بر کمال تفوق می آید. اگر در زمان های گذشته گوشتخواری همیشه سالم و مقوی بود ولی در حال حاضر چنین نیست.

**دلایلی برای دست کشیدن از غذاهای گوشتی-** کسانی که گوشت میخورند باید حبوبات و سبزیجات نیز بخورند زیرا حیوان برای رشد و تغذیه از این چیزها میخورد. قدرت حیاتی که در حبوبات و سبزیجات وجود دارد به خورنده آن انتقال می یابد. ما با خوردن گوشت حیوانات آنرا دریافت میکنیم. چقدر بهتر است تا مستقیماً آنرا با خوردن غذایی که خداوند برای استفاده تهیه نموده بدست آوریم.



گوشت هرگز بهترین غذا نبوده است ولی استفاده آن اکنون بطور مضاعفی قابل اعتراض است. از آنجا که بیماری در حیوانات بطور سریعی در حال افزایش است. آنانیکه از غذاهای گوشتی استفاده میکنند کمی میدانند که چه میخورند. اگر میتوانستند ببینند که حیوان چگونه زندگی میکند و چه میخورد با انزجار از خوردن گوشت طفره میرفتند. مردم مداوما گوشتی را میخورند که مسلول است و منشاء سرطانزا دارد. سل ، سرطان و بیماریهای مهلک بدین وسیله منتشر میگردند.

**تاثیر آن بطور آنی درک نمیشود-** تاثیرات غذاهای گوشتی ممکن است بیدرنگ درک نگردد ولی مصداقی بر این مطلب نیست که مضر نیستند. تعداد کمی را میتوان متقاعد نمود که گوشت خورده شده سم را بخون وارد نموده و علت ابتلای آنان به رنج و بیماری است. بسیاری از افراد از بیماریهایی میمیرند که کاملا منشاء خوراک گوشتی دارد در حالیکه دلیل واقعی توسط ایشان یا دیگران مورد بررسی قرار نگرفته است.

**به رژیم غذایی اصلی سالم بازگردید-** آیا زمان آن فرا نرسیده است که قصد کنیم تا از غذاهای گوشتی رهایی یابیم؟ کسانی که در پی پاک و خالص شدن و مقدس شدن هستند میتوانند با فرشتگان آسمانی محشور شوند و از خوردن غذاهایی که برای جسم و جان مضر هستند بپرهیزند. چگونه میتوان جان مخلوقاتی را بگیرند بخاطر اینکه گوشت را بعنوان یک غذای تجملی تناول کنند؟ بگذارید تا در عوض، به مصرف غذاهای سالم و لذیذی که در ابتدا به آنان داده شده بود بازگردند.

**خط سیر کسانی که منتظر بازگشت مسیح هستند-** در میان آنانی که منتظر بازگشت مسیح هستند گوشتخواری سرانجام بکنار خواهد رفت و گوشت از رژیم غذایی آنان حذف خواهد شد. ما همیشه باید با جد و جهد به این مسیر ادامه بدهیم. از دیدگاه نویسندگان کتاب، گوشتخواری با نور هدایتی که خداوند ارزانی داشته هماهنگی ندارد.

**بازگشت به طرح خداوند-** دوباره و دوباره نشان داده شده است که خداوند امت خویش را به برنامه اصلی فرا میخواند که با خوردن گوشت حیوانات مرده نباید زیست. او از ما میخواهد تا مردم را بهتر آموزش بدهیم... چنانچه خوردن گوشت ترک شود، اگر ذائقه در مسیری که باید و شاید هدایت گردد - اگر میل به خوردن میوه جات و حبوبات ترغیب گردد بزودی شاهد



آنچیزی خواهیم بود که خداوند در ابتدا برنامه ریزی کرده بود. هیچ گوشتی توسط امت وی خورده نخواهد شد.

**آموزش در رابطه با تغییر رژیم غذایی** - این فرضیه اشتباه است که تقویت عضلانی بستگی به استفاده از فرآورده های حیوانی دارد. نیاز سیستم بهتر میتواند بدون آن تامین گردد و بنیه جسمی بدون آن بیشتر تقویت میگردد. حبوبات با میوه جات ، دانه های گیاهی و سبزیجات شامل همه خصوصیات لازمه مغذی برای خون سالم هستند. این عناصر بطور کامل توسط رژیم غذایی گوشتی تامین نمیگردد. اگر گوشت میتوانست برای بنیه و سلامتی ضروری باشد غذای حیوانی در همان ابتدا در رژیم غذایی انسان منظور میگردد.

وقتی استفاده از غذای گوشتی صرفنظر شود اغلب حس ضعف و کمبود انرژی بوجود می آید. بسیاری بر این مدعا اصرار ورزیده مبنی بر اینکه غذای گوشتی ضروری است ولی این بدین خاطر است که این گروه غذایی محرک هستند زیرا خون را گرم نموده و اعصاب را تحریک و تهییج مینمایند. بهمین دلیل است که فقدان آن احساس میگردد. برای برخی رها کردن گوشت مانند گرفتن می از میگسار است ولی با این کار بتدریج سلامت خود را باز خواهند یافت. وقتی غذای گوشتی ترک شود جای آن باید با حبوبات و دانه های روغنی و سبزیجات و میوه جات پر شود که هم مغذی است و هم اشتها آور. این امر بخصوص در مورد کسانی که ضعیف هستند و یا با کار مداوم تحت فشار هستند ضروری است.

**جایگزینهای خوب تهیه شده سودمند هستند** - خصوصا زمانی که گوشت جزو مواد اصلی تشکیل دهنده غذاست طبخ خوب از اهم واجبات است. چیزی باید تهیه شود تا جای گوشت را بگیرد و این جایگزینها برای گوشت باید خوب آماده شوند که بدین جهت رغبتی برای گوشت نباشد. با خانواده هایی آشنا هستیم که رژیم غذایی خود را از گوشت به نوعی تغییر داده که بی خاصیت و تضعیف کننده است. غذای آنان چنان نامرغوب تهیه شده که معده از آن بیزار است و این مطلب را میسرساند که با بهبود سلامت در تغایر است بدین سبب که بنیه جسمی رو به افول است. در اینجا دلیلی وجود دارد که چرا بعضی در تلاشهای خود در ساده سازی غذای خود توفیقی نیافته اند. آنان رژیم غذایی ضعیفی دارند. غذا بدون زحمت و دقت تهیه شده است و آش همان آش و کاسه هم همان کاسه است!





در یک وعده غذایی نباید چند نوع غذا وجود داشته باشد ولی همه غذاها هم نباید با همان نوع درست شده باشد و تنوع باید داشته باشد. غذا باید با سادگی درست شود با اینحال با ظرافتی که اشتها آور باشد.

**غلبه بر اشتهاى غیر طبیعی-** افرادی که خود را با یک رژیم غذایی شدیداً تحریک کننده عادت داده اند ذائقه ای غیر طبیعی دارند و نمیتوانند از طعم غذایی که ساده است لذت ببرند. طبیعی شدن ذائقه برای معده ای که از سوء تغذیه رنج میبرد زمان بر است. ولی کسانی که در مصرف غذای سالم پشتکار بخرج میدهند پس از مدت زمانی آنها مطبوع و خوش طعم خواهند یافت. طعم و مزه لذیذ و خوشمزه آن حس خواهد شد و با لذت بیشتری از آن غذاهای ناسالم خورده خواهد شد. و معده در وضعیت سالم نه رنج خواهد برد و نه به آن فشار آورده خواهد شد و بسادگی میتواند وظیفه خود را در هضم غذا اجرا کند.

**غذای سالم خوردن فداکاری نیست-** در حالیکه فرزندان باید به کنترل اشتهاى خود تعلیم داده شوند و با مراجع سالم و بهداشتی خورده شوند باید بسادگی گفته شود که آنان تنها از آنچه که به آنان آسیب و ضرر میرساند حذر میکنند. آنان از چیزهای مضر پرهیز میکنند تا به چیزهای بهتر نائل شوند. سفره غذا باید جذاب باشد همانطور که خدا از چیزهای خوب آنها را بوفور ارزانی داشته است.

**فصل و آب و هوا و اشتغال را در نظر بگیرید-** همه غذاها بطور مساوی برای نیازهای ما تحت همه شرایط سالم و بی خطر نیستند. در انتخاب غذا باید توجه کرد. رژیم غذایی ما باید متناسب با فصل باشد و با آب و هوایی که در آن زندگی میکنیم سازگار بوده و با کاری که میکنیم همخوان باشد. بعضی غذاها که در یک فصل یا شرایط آب و هوایی انتخاب میشود برای فصول و یا آب و هوای دیگر مناسب نیست. بنابراین غذاهای مختلفی هستند که برای افراد در حرفه های مختلف تناسب دارند. اغلب نوع غذایی که برای کارهای سنگین و جسمی بکار برده میشود برای افرادی که کار ذهنی و باصطلاح پشت میزی انجام میدهند متفاوت باید باشد. خداوند وسعت تنوع را در غذاهای سالم بما ارزانی داشته است و هر فردی باید آن چیزهایی را انتخاب کند که تجربه و عقل سلیم موید بهترین مناسبت آن برای سلامت ما باشد.



**غذا را با مهارت و کاردانی تهیه کنید-** خوردن غذا محض ارضای اشتها کاری اشتباه است و هیچ سهل انگاری نباید راجع به کیفیت غذا یا شیوه درست شدن آن صورت پذیرد. اگر غذای خورده شده خوشمزه نبوده باشد جسم بخوبی تغذیه نخواهد شد. غذا باید بدقت انتخاب و با مهارت و کاردانی تهیه گردد.

**برای مهمان چلو خورش برای خودمان عدس پلو؟ -** بسیاری از خانواده ها تنها برای مهمانان سفره بزرگی تدارک میبینند. غذاهای متنوعی آماده میشود. این غذا برای آنهایی که به این تنوع غذایی با شکوه عادت ندارند وسوسه کننده است. شاهد خانواده هایی هستیم که برای مهمانان خود چنین چرب و نرم و متنوع غذا تدارک میبینند. آنان در خانواده خود نظم و ترتیبی را رعایت نمیکنند. غذا آنطور که همسر یا مادر راحت باشد درست میشود. و خشنودی شوهر و فرزندان مورد بررسی قرار نمیگیرد. چنین نمایش با شکوهی فقط برای مهمانان تدارک دیده شده است و خانواده در زمانهای عادی از آن بی نصیب است. سفره ای در یک گوشه با غذاهای سرد یا شب مانده که دلربا نیست اغلب دیده میشود.

**زمان غذا خوردن را موقعیتی برای معاشرت دلپذیر بسازید-** زمان غذا باید فصلی برای مرادوات اجتماعی و رفع خستگی باشد. باید از هر چیزی که باعث رنجش خاطر و زحمت میشود اجتناب نمود. باید به ارزانی دارنده همه خیریات حمد و سپاس گفت و با مهربانی گفتگو را جذاب و خوشایند نمود - تراوش اندیشه هایی دلنشین که فرد خسته را به اعتدال آورده و او را بشاش کند.

سفره جایی نیست که در آنجا توسط کودکان سرکشی انجام شود و والدین هم آن را ادامه بدهند. همه خانواده باید با شادمانی غذا بخورد و با سپاسگزاری بیاد داشته باشد که آنانیکه خدا را دوست داشته و از او پیروی میکنند در ملکوت خدا در شام عروسی بره شرکت خواهند جست و عیسی خود نیز آنان را خواهد پذیرفت.

**نظم و ترتیب در غذا خوردن-** بی قاعدگی در غذا خوردن هماهنگی دستگاه هاضمه را بهم خواهد ریخت و مخل سلامت و خوشی خواهد بود. در هیچ موردی زمان خوردن غذا نباید نامنظم باشد. چنانچه غذا یک یا دو ساعت قبل از زمان معمول خورده شود معده برای کار



جدید آماده نخواهد بود زیرا هنوز از هضم غذای خورده شده قبلی فارغ نشده است و نیروی لازمه را برای کار جدید ندارد. بنابر این به سیستم فشار وارد میشود.

در خوردن غذا نباید یکی دوساعت تاخیر انداخته شود تا شرایط را آنگونه که دوست داریم آماده سازیم یا اینکه در صرف غذا تعلل شود بخاطر اینکه هنوز کاری باقی مانده است. معده برای زمانی که به آن عادت کرده است غذا میطلبد. اگر در آن زمان تاخیر صورت پذیرد انرژی سیستم افول نموده و نهایتاً اشتها بطور کلی از بین میرود. چنانچه پس از آن زمان غذا خورده شود معده قادر نخواهد بود تا بطور شایسته کار خود را انجام دهد. غذا نمیتواند به خون پاک و خوب مبدل گردد. چنانچه همه در دوره های منظم غذا بخورند و بین غذا هیچ چیزی خورده نشود همه برای غذاهای خود آماده بوده و از خوردن لذت خواهند برد.

**به فرزندان یاد بدهید که چه وقت و چطور و چه چیزی بخورند** - کودکان بطور کلی در خصوص اهمیت اینکه کی و چطور و چه چیزی بخورند نا آگاه هستند. به آنان اجازه داده شده است تا هر وقت که دلشان خواست آزادانه شکمبارگی کنند و در همه ساعات غذا بخورند و هر وقت چیزی چشمانشان را وسوسه کرد از آن بخورند خواه کیک یا نان و پنیر و تنقلات و حلویات باشد تقریباً دایماً خورده میشود و آنان را شکم پرست نموده و باعث سوء هاضمه آنان میگردد. دستگاه چهار هاضمه مانند یک آسیاب که دایماً از آن کار میکشند سست و ضعیف میشود. تحریکات غیر طبیعی و استهلاک قوای ضروری آنان را عصبی - بی صبر و حوصله - خود رای و زود رنج و تند خو میسازد. بندرت میتوان آنان را از زیر نظر والدینشان دور داشت. در بسیاری موارد روحیه اخلاقی بنظر خرف میگردد و مشکل خواهد بود تا حس خجالت و شرمندگی و گناه را در آنان بیدار کرد زیرا که بسادگی به دروغگوئی و فریب میلغزند و اغلب آشکارا دروغ میگویند.

والدین بخاطر این چیزها برای فرزندانشان دلسوزی میکنند ولی درک نمیکنند که این مدیریت بد آنان است که آنان را به شرارت رهنمون گردانیده است. آنان نیاز به کنترل و محدود کردن شکمبارگی و احساسات فرزندانشان را مشاهده نکرده اند. و آنان با همین خصوصیات و شیوه با ناهنجاریهای خود بزرگ شده اند. مادران با دستان خود برای فرزندانشان غذاهایی تهیه و در مقابل آنان گذارده اند که زمینه آسیب جسمی و ذهنی آنان را فراهم می آورد.



**هرگز بین غذاها چیزی نخورید-** باید به معده توجه خاصی مبذول شود. و نباید همیشه آنرا مشغول نگاه داشت. به این عضو سوء رفتار شده بدن و بیش از حد کار کشیده شده اجازه دهید تا برای پنج ساعت استراحت کند. در بین غذا نباید خرده ریز را در شکم ریخت. در این فاصله معده کار خود را انجام خواهد داد و سپس در وضعیتی خواهد بود تا غذای بیشتری دریافت کند.

مادران اشتباه بزرگی میکنند که به فرزندانشان اجازه میدهند تا در بین غذا چیزهایی بخورند. معده با چنین عملی مختل میشود و رنج و درد آینده پایه ریزی میشود. غذای ناسالم باعث کج خلقی آنان شده است - در حالیکه هنوز هضم نشده است- ولیکن مادر احساس میکند که نمیتواند زمان بگذارد تا در باره این موضوع استدلال نموده و مدیریت زیانبار خود را تصحیح نماید. او به این کودکان رنجور تکه ای کیک یا چیزهایی که از نظر آنان خوشمزه است میدهد ولی این تنها شرارت را می افزاید.

مادران اغلب از سلامت ضعیف فرزندانشان گلابه میکنند و با طبیبان مشاوره میکنند در حالیکه اگر کمی فکر خود را بکار بیندازند خواهند دید که مشکل با رژیم غذایی غلط ایجاد شده است.

**خورده خوری عادت زیانباری است-** عادت زیانبار دیگر، خوردن غذا کمی قبل از خواب است.

میتوان غذا را از روی نظم و ترتیب خورد ولی بخاطر اینکه حس ضعف وجود دارد غذای بیشتری خورده میشود. با افراطگری این عمل اشتباه به عادت مبدل میشود و اغلب از این فکر نمیتوان بسادگی گذر کرد که خواب بدون غذا غیر ممکن است. در نتیجه خوردن شام دیر هنگام مرحله هضم در طی زمانهای خواب و استراحت روی میدهد. ولی گرچه معده دائماً کار میکند کار آن بطور شایسته انجام نمیشود. خواب اغلب با دیدن خوابهای ناگوار و کابوس مختل میشود و در صبحگاه فرد بدون طراوت از خواب بیدار شده و رغبت کمی به صبحانه دارد. وقتی که برای استراحت دراز میکشید معده باید کار خود را انجام داده باشد و همچنین اعضای دیگر بدن نیز باید در آسودگی باشد تا از استراحت بهره مند گردد. برای افراد که عادات غیر متحرک دارند شام دیر هنگام بطور اخص مضر است. و در چنین حالتی اختلال ایجاد شده که اغلب آغاز بیماریهایی است که به مرگ ختم میگردد.

**صبحانه مهم است-** فرزند شما خوی عصبی دارد و رژیم غذایی او باید بطور دقیقی کنترل شود. او نباید مجاز شود تا غذایی را انتخاب کند که خشنود کننده ذائقه و فاقد تغذیه مناسب



است... هرگز نگذارید تا بدون صبحانه از خانه به مدرسه برود. هرگز در این موضوع مخاطره نکنید. خود را کاملاً تحت کنترل خدا قرار دهید و او به شما کمک خواهد کرد تا همه خواسته های شما را در توازن با مطالبات خود در آورد.

این رسم و آیین جامعه است که مقدار کمی صبحانه بخورد. ولی این بهترین روش رفتار با معده نیست. در زمان صبحانه معده نسبت به زمانهای دیگر نوبت غذایی در وضعیت بهتری قرار دارد. عادت کم خوردن صبحانه و پر خوری در هنگام نهار و شام اشتباه است. صبحانه را غذای اصلی روزانه خود قرار دهید.

**بهترین غذاها را تهیه کنید-** کودکان و نوجوانان نباید کم غذا بخورند و باید غذای سالم را بحد کافی میل نمایند ولی این بدین معنی نیست که در جلوی آنان کیک و نان خامه ای بگذارید. آنان باید بهترین ورزش و بهترین غذا را داشته باشند زیرا که اینها در اخلاق و ذهن تاثیر میگذارد. یک رژیم غذایی سالم یکی از اهدافی خواهد بود که بدانوسیله هضم سالم را میتواند در بر داشته باشد.

**با اعتدال و میانه روی غذا بخورید-** والدین اغلب با زیاد دادن غذا به فرزندان خود اشتباه میکنند. فرزندی که اینگونه با آنان رفتار شده است وقتی بزرگ شوند دارای اختلال و سوء هاضمه هستند. اعتدال حتی در خوردن غذاهای خوب واجب است. والدین باید مقدار غذایی را جلوی فرزند خویش بگذارند که قادر به خوردن آن باشد. جلوی آنان باندازه ای غذا نگذارید که هر چقدر مایل بودند بخورند. والدین اگر چنین کنند موجب کندی ادراک فرزندان خود خواهند شد. آنان وقتی به مدرسه بروند قادر به فراگیری مناسب نخواهند بود. زیرا خونی که قرار بوده برای فراگیری به مغز برود بخاطر غذای اضافه و کار اضافی معده به شکم منتقل شده است. والدین باید بیاموزند و ببینند که غذای بیش از حد دادن به فرزندان آنان را در عوض ستبر و تنومند شدن ضعیف و خرفت میسازد.

**کودکان نباید دیکته کنند بلکه این وظیفه والدین است-** به آنان بیاموزید تا چگونه از میل به خوردن اضافی صرفنظر کنند و برای غذای ساده سپاسگزار باشند آن رژیم غذایی ساده ای که خدا به آنان داده است. نباید به آنان اجازه دهید تا بشما دیکته کنند که چه چیزی دوست دارند



بخورند بلکه شما باید به آنها دیکته کنید که چه چیزی برای آنان خوب است. این گناه است تا به فرزندان خود اجازه دهید بخاطر اینکه غذایی باب طبع آنان نیست غر و لند کنند.

به فرزند اجازه ندهید تا حس کند که چون فرزند شماست باید به او احترام گذارده شود و مستقیماً راه و روش خود را انتخاب کند. تجربه والدین باید در زندگی کودک دارای قدرت کنترل باشد.

**به سلیقه فرزند خود چنانچه مقبول باشد احترام بگذارید-** این به عهده ما افراد است تا تصمیم بگیریم که آیا زندگی ما باید با ذهن یا جسم ما تحت کنترل قرار گیرد. جوانان هر یک باید برای خودشان انتخاب داشته باشند تا زندگی خود را شکل دهند و باید درک کنند که چگونه با مشکلات و تاثیرات دست بگریبان شده و شخصیت و سرنوشت خود را قالب‌ریزی کنند.

در آموزش، جوانان و نوجوانان باید تعلیم ببینند که عادت خوردن و نوشیدن و لباس پوشیدن که با معیارهای دنیوی شکل گرفته اند مطابق با احکام تندرستی و حیات نیست و باید با دلیل و برهان کنترل و استدلال گردد. بدعادت‌ی در اشتها و سلیقه نباید مجاز گردد زیرا بر عقل فائق می‌شود. بمنظور تامین این هدف جوانان باید اهداف عالی و انگیزه‌های خود را فراتر از لذات حیوانی در خوردن و نوشیدن قرار دهند.

**تاثیرات وسیع اشتهای منحرف شده-** برخی مردم به لزوم خوردن و نوشیدن برای جلال خدا اهمیتی نمیدهند. شکمبارگی در همه روابط زندگی تاثیر میگذارد. در خانواده، در کلیسا، در جلسات دعا و در رفتار با کودکان این مسئله دیده شده است. این بی تفاوتی برای زندگی آنان لعنت است. این مسئله آنان را از درک حقایق روزهای آخر محروم میکند.

**زندگی سالم وظیفه شخصی است-** آنچه که میخوریم و مینوشیم اثر مهمی را بر زندگی ما و شخصیت ما میگذارد و مسیحیان باید عادات خوردن و نوشیدن خود را با قوانین طبیعت انطباق دهند. ما باید در باره این موضوعها وظیفه خود را حس کنیم. اطاعت از قوانین بهداشت باید موضوعی برای مطالعه قرار گیرد زیرا که نادانی و جهل خودخواسته در این باب گناه محسوب می‌شود. هر یک باید وظیفه شخصی خود بدانند تا احکام و قوانین زندگی سالم را بر دوش بکشند.



## فصل ششم و سوم

### اعتدال در همه چیز

**افراط و بی اعتدالی موجب اکثر بیماریها در زندگی میشود-** افراط سالانه ده ها هزار نفر را هلاک میکند. در اینجا بحث بر سر مشروبات الکلی نیست بلکه در بعدی وسیعتر، افراطگری در پر خوری یا خوردن بیش از حد چیزهایی است که برای بدن مشکل ایجاد میکند. بواسطه افراط بعضی افراد نیم و دیگران دو سوم قوای جسمی و ذهنی و روحانی خود را از دست داده و خود را بازیچه دست خصم میسازند.

**افراط و تفریط گناه است-** افراط و تفریط در خوردن و نوشیدن و خوابیدن یا تماشا کردن گناه است. فعالیتهای موزون سالم همه قوای جسم و ذهن منتج به شادمانی میگردد و این قوا ها هر چه بیشتر متعالی و پالایش گردد شادی ناب تر و خالص تر میشود.

**اعتدال اصل زندگی مذهبی است-** اعتدال و میانه روی در هر چیز این زندگی باید آموخته شده و بدان عمل شود. میانه روی در خوردن و نوشیدن و خوابیدن و لباس و آرایش، اصول با شکوهی از زندگی مذهبی است. حقیقتی که وارد حریم جان گردد چگونگی رفتار با جسم را رهبری مینماید. هیچ چیزی راجع به سلامت بشر نباید با بی قیدی و سهل انگاری نگریده شود. سعادت ابدی ما بستگی به استفاده ای است که در طی زندگی از زمان و توان و تاثیرات برای خود میکنیم. تنها یک زندگی در اینجا بما واگذار شده است و هر کسی باید در جستجوی این سوال باشد که چگونه میتوانم از زندگی بیشترین بهره را ببرم؟

اولین وظیفه ما نسبت به خدا و هموعان خودمان ، رشد و ترقی زندگی خودمان است. هر گونه توانایی که خالق بما ارزانی داشته است باید پرورش یافته تا حدی که به کمال برسد. تا اینکه قادر شویم در حد زیادی به خود و دیگران خیر و منفعت برسانیم. از اینجهت زمانی که برای نیکوکاری صرف گردیده سلامت ذهن و جسم ما را در پی خواهد داشت. ما نباید با کار بیش از حد یا سوء استفاده از هر قسمت از دستگاه زنده بدن باعث عجز و ناتوانی ذهن و جسم شویم. اگر چنین کنیم باید از پیامد و عاقبت آن متحمل رنج شویم.



**قدرت شگفت انگیز-** رعایت اعتدال و نظم در تمامی چیزها باعث توانمندی اعجاب بر انگیزی میشود. اعتدال بیش از شرایط محیطی یا موهبت های طبیعی در خوش خلقی و صفای روحیه کمک میکند و مسیر زندگی را صاف و هموار میسازد. و همزمان نیروی عزت نفس حاصل گردیده یکی از ارزشمند ترین لوازم برای توفیق یافتن بر وظایف مشکل است و این واقعیتی است که هر بشری در انتظار آن است.

**کمکی برای واضح فکر کردن-** انسانها در هر مقام و مسئولیتی هر روزه باید تصمیم هایی بگیرند که نتیجه بسیار مهمی در بر دارد. آنان غالبا مجبورند سریع فکر کنند و این امر تنها بوسیله کسانی میسر است که اعتدال و میانه روی را رویه خود کرده اند. ذهن تحت رفتار صحیح قدرتهای جسمی و ذهنی تقویت میگردد. اگر به مغز خود فشار نیاورید هر گاه که مغز خود را بکار ببرید در هر بار تنش فکری انرژی و قوت تازه ای خواهد یافت.

**عادت‌های معتدل اجر زیادی را به همراه خواهد داشت-** نسل جدید با فریبه‌های برنامه ریزی شده برای وسوسه کردن ذائقه و اشتها احاطه شده است. مخصوصا در شهرهای بزرگ انواع و اقسام چیزهای مفرح و دلپذیر کننده درست شده است. کسانی که مانند دانیال از آلوده ساختن خویش سر باز زدند اجر عادت‌های معتدل و میانه روی خود را خواهند یافت. با بنیه جسمی بهتر و قدرت پایداری افزایش یافته، آنان پس اندازی دارند که میتوانند در هنگام اضطرار از آن برداشت کنند.

عادت‌های درست جسمی باعث تفوق ذهنی میگردد. قدرت فکری، توان جسمی و طول عمر بستگی به قوانین تغییر ناپذیر دارد. طبیعت خدا مداخله نخواهد نمود تا انسان را از پیامدهای تجاوز به احکام طبیعت مصون و محفوظ بدارد.

**برای سلامت کامل در همه امور میانه رو بوده و اعتدال داشته باشید-** بخاطر حفظ بهداشت و سلامت میانه روی در همه چیز ضروری است... پدر آسمانی ما نور هدایت خود را برای بهبود سلامت بر علیه چیزهای زیان آور فرستاد که نتیجه رغبت برای چیزهای پست بود که بموجب آن کسانی که خلوص و قدوسی را دوست دارند بدانند که چطور از چیزهای خوبی که او برایشان تدارک دیده استفاده کنند و با میانه روی و اعتدال در زندگی روزانه بتوانند بواسطه حقیقت تطهیر شوند.





**اعتدال پیش نیاز تقدیس است-** امت خدا باید اعتدال را در همه امور یاد بگیرند... همه تن آسایی ها باید از زندگی قطع شود. مردم قبل از اینکه معنی تقدیس واقعی و انطباق با اراده مسیح را بفهمند بایستی با همیاری با خدا بر عادات و کارهای اشتباه خود تسلط یابند.

**در مطالعه-** زیاده روی در مطالعه گونه ای از مسکرات است و کسانی که در آن افراط کنند مانند میگساران از مسیرهای امن منحرف و سرگردان شده و لغزش خورده و در تاریکی سقوط میکنند. خداوند از هر دانش آموزی میخواهد که در ذهن داشته باشد که فقط به خدا چشم بدوزد و به او توکل کند. او نباید خود را خسته و توان جسمی و ذهنی خود را در بدست آوردن همه علوم و دانشها هدر دهد بلکه باید انرژی خود را برای کاری که خدا برای او تعیین نموده است در کمک به جانها و یافتن راه عدالت بکار برد.

**در کار-** ما باید در کار خود اعتدال داشته باشیم. وظیفه ما نیست تا خود را در جایگاهی قرار دهیم که کار مفرط انجام دهیم. بعضی افراد در زمانهای ضروری چنین میکنند ولی این باید استثنا باشد و نه قانون. ما باید میانه روی در هر چیز را تمرین و تجربه کنیم. چنانچه خدا را با ایفای سهم خود در کار حرمت نهمیم او نیز به سهم خود سلامت ما را محفوظ نگاه خواهد داشت. ما باید بطور حساس همه اعضای خود را کنترل کنیم. با میانه روی در خوردن و نوشیدن و لباس و آرایش و کار و در همه امور کاری را که طیبیان برای ما میخواهند انجام دهند را تکمیل میکنیم. بعنوان قانون، کار روز نباید به شب امتداد یابد. کسانی که چنین میکنند بیش از آنچه که بدست آورند از دست میدهند زیرا که انرژی خود را از دست داده و کار خود را با برانگیختگی عصبی انجام میدهند. آنان ممکن است آسیب آبی را درک نکنند ولی مطمئناً بنیه خود را تحلیل میدهند.

آنانیکه سعی بلیغ میکنند تا با خستگی و بدون استراحت کار را در زمان تعیین شده تمام کنند به کار خود ادامه میدهند هرگز نفعی نخواهند برد. آنان با سرمایه استقراض شده زندگی میکنند. آنان نیروی حیاتی را که در آینده با آن نیاز خواهند داشت را صرف میکنند. و وقتی انرژی را که بی ملاحظه مصرف کرده اند مطالبه شود، از داشتن آن بی بهره اند. قوای جسمی از بین رفته و توان فکری درمانده میگردد. آنان درک میکنند که مغبون و مضرور گردیده اند ولی دلیل آنرا نمیدانند. زمان نیاز آنان فرا رسیده است ولی منابع جسمی آنان کوفته و درمانده



گردیده است. هرکسی که به احکام بهداشت و سلامت تجاوز کند گاهی اوقات باید کمابیش متحمل رنج بشود. خداوند نیروی درونی و ذاتی را برای ما فراهم آورده است که در دوره های مختلف زندگی به آن نیاز داریم. اگر با بی قیدی با کارممتد و فشار مستمر این نیرو را زائل نمائیم زمانی متضرر خواهیم شد.

**در لباس پوشیدن** - لباس پوشیدن از هر حیث باید بهداشتی باشد. فراتر از هر چیز خداوند از ما میخواهد تا در سلامت باشیم - در سلامت جسم و جان. و ما باید با او برای جسم و جان همکاری کنیم. سلامت جسم و جان با درست لباس پوشیدن تامین خواهد شد.

لباس باید برازنده و زیبا و متناسب با سادگی طبیعی باشد. مسیح بما در مورد غرورهای زندگی هشدار داد ولی نه بر ضد برازندگی و زیندگی طبیعی.

**در خوردن** - اعتدال واقعی بما تعلیم میدهد تا کاملاً از هر چیز مضر بر حذر بوده و با استفاده از عقل سلیم از چیزی استفاده کنیم که سالم و درست باشد. تعداد کمی وجود دارند که میدانند که چطور عادات رژیم غذایی آنان با سلامت و شخصیت و سودمندی آنان در این جهان و سرنوشت ابدی آنان پیوند خورده است. اشتهای غذایی باید همیشه تحت کنترل قدرتهای فکری و اخلاقی باشد. جسم باید به ذهن خدمت برساند و نه اینکه ذهن به جسم خدمت کند.

آنانیکه از روی افراطگری و نامعقولانه غذا میخورند و کار میکنند ، حرف و عمل آنان نیز نامعقول است. نیازی نیست تا برای معتدل شدن مشروبات الکلی نوشید. گناه خوردن از روی افراطگری - خوردن غذای ناسالم چرب و زیاد بطور مکرر ، فعالیتهای سالم جهاز هاضمه را از بین برده و بر ذهن اثر میگذارد و قدرت تشخیص و قضاوت را به انحراف میکشاند و از فکر و عمل سالم و آرام و معقول جلوگیری بعمل می آورد.

**توجه مخصوص و نه پرخوری** - در نه مورد از ده مورد خطر بیشتری در زیاد خوردن وجود دارد تا کم خوردن... بسیاری از افراد مریض وجود دارند که از بیماری رنج میبرند. علت بیماری آنان افراط در خوردن است. آنان خیال میکنند چون غذا سالم است هر چقدر که دوست دارند باید بخورند. این اشتباه بزرگی است. افرادی که ناتوان شده اند باید غذای مناسب و یا حتی مقدار



کمی بخورند. آنگاه سیستم بدن قادر خواهد شد تا بسادگی کار خود را انجام دهد و میتوان رنج طاقت فرسا را کاهش داد.

**با یک عمل افراطی خدا را حاشا نکنید-** ما با قیمتی خریداری شده ایم بنابر این باید خدا را در جسم و روح خود جلال دهیم که به او تعلق دارند. ما نباید با عملی افراطگرایانه از او بری شویم زیرا یگانه فرزند خدا ما را با قیمتی زیاد خریداری کرد- حتی زندگی خود را برای ما قربانی نمود. او برای ما نمرد تا اینکه بردگان عادات زیان بار و مضر شویم بلکه پسران و دخترانی بشویم که او را با تمام وجود خود خدمت میکنند.

کسانیکه درک ثابتی از این موضوع دارند که برای خدا ایستاده اند، و چیزهایی را برای لذت بردن از خوردن در معده خود نخواهند ریخت تا به دستگاه جهاز هاضمه آسیب برساند. آنان چیزهایی را که به خدا تعلق دارد را با افراطگری نامناسب در خوردن و آشامیدن و یا لباس پوشیدن ضایع نخواهند نمود. آنان مراقب این دستگاه بشری خواهند بود و درک میکنند که این کار را باید بخاطر همکاری با خدا انجام دهند. خداوند میخواهد که بشر همیشه سالم و شاد و کارآمد باشد. بخاطر به این مقصود نائل شوند باید خواسته های خود را با اراده خدا تطبیق دهند.

**در همه جزئیات زندگی اعتدال داشته باشید-** اصرار میشود تا اصول اعتدال و میانه روی به همه جزئیات زندگی انتقال یابد. الگوی والدین باید درسی از میانه روی باشد و ترک نفس و خویشترنداری باید به فرزندان از کودکی آموخته شود و در رعایت آن تاکید شود. در محیط خانواده و در کلیسا بایستی اعتدال مسیحی برقرار شود. این باید عنصری زنده و کارآمد باشد و اصلاح کننده عادات و خلق و خو و شخصیت باشد.



## فصل ششم و چهارم

### خانه و جهاد برای اعتدال

**زیاده روی بیداد میکند-** زیاده روی همچنان تاخت و تاز میکند. شرارت در هر نوع مانند سدی ستر در مقابل ایستاده تا از پیشرفت حقیقت و عدالت ممانعت بعمل آورد. خطاهای اجتماعی - زایش جهل و فساد، همچنان سبب رنجهای بیشماری میشود و سایه مصیبت بار خود را بر کلیسا و جهان می افکند. تباهی همچنان در میان جوانان در عوض کاهش رو به افزایش است. هیچ چیزی بجز تلاش پر شور و دائمی نمیتواند این بلای ویرانگر را برچیند. کشاکش در باره علایق و شهوات با عادات زیانبار و شریرانه و غرایض نامقدس مهلک و مرگبار خواهد بود و تنها کسانی که با اصول حرکت میکنند در این میدان نبرد به پیروزی دست خواهند یافت.

زیاده روی و افراط رو به فزونی است، علیرغم تلاشهایی که برای کنترل آن صورت میپذیرد. ما نمیتوانیم با حدت خود در پی پس زدن پیشرفت آن بر آئیم تا افتاده را بر خیزانیم و در برابر ضعف از وسوسه سپری ایجاد کنیم. با دستان ناتوان خود میتوانیم کار کمی انجام دهیم ولیکن مدرسان باوفا و شکست ناپذیری داریم. نباید فراموش کنیم که دستان مسیح قادر به کمک به بشر پریشانحال و فرو پاشیده است. او حتی میتواند بما کمک کند تا بر این اهریمن افراد و زیاده روی فائق آئیم.

**پرهیز پاسخ به سوال است-** تنها راه ایمن بر علیه قدرت افراط و زیاده روی، خودداری از نوشیدنیهای سنگین و شراب و آبجو است. ما باید فرزندان خود را آموزش دهیم که بخاطر اینکه مرد بشوند باید از این چیزها دوری جویند. خداوند بما نشان داده است که چه چیزی مردانگی را تشکیل میدهد. کسی که بر این چیزها غالب آید حرمت داده خواهد شد و نام او از دفتر زندگی حذف نخواهد شد. در بین جوانان و نوجوانان شایع است که نوشیدن مشروب عملی مردانه است در حالیکه تصویری باطل و غلط بوده و هم سلامت جسم ضرر میرساند و هم سلامت عقل را زایل میگرداند.



والدین میتوانند با تلاش مجدانه و غیر مغرضانه بواسطه سنتهای روز زندگی دیوار حائل برای فرزندانسان بسازند که از آنان در برابر بدبختی ها و تباهی هایی که با زیاده روی و افراط بوجود می آید دفاع کنند. فرزندان نباید بحال خود رها شوند تا هر گونه که دوست دارند بار بیابند و نباید بی جهت صفتی را پرورش دهند که شخصیتی متزلزل در آنان بوجود بیاورد بلکه باید بدقت تربیت و تادیب شوند و آموزش ببینند تا در موقعیت درستی از اصلاح پذیری و پرهیز قرار بگیرند. آنگاه آنان در هر بحرانی استقلال معنوی و اخلاقی خواهند داشت تا در برابر طوفانهای خصم سینه سپر کنند و از اصلاح واقعی حمایت کنند.

### **زیاده روی اغلب نتیجه تن پروری در خانه است -** تلاشهای زیادی صورت پذیرفته تا از زیاده

روی جلوگیری شود ولی غلبه و به زنجیر کشیدن یک شیر بالغ مشکل یا اصلا ناممکن مینماید. چنانچه نیمی از این تلاشها بجهت روشنفکر کردن والدین هدایت میشد که مسئولیت شکل دادن عادات و خصایل فرزندانسان هستند هزاران برابر نتیجه بیشتر و بهتری از وضعیت حاضر را نصیب خود میساختند. برای همه کارگرانی که اعتدال دارند آرزوی خوشبختی داریم ولی از آنان دعوت میکنیم تا عمیقتر به دلیل شرارت که بر علیه آن در نزاع هستند نگاه کنند و بطور کامل و پایدار در اصلاح خود بکوشند.

برای رسیدن به ریشه افراط و زیاده روی باید فرا تر از استفاده الکل و تنباکو رفت. تنبلی و بطالت - بی هدفی - یا ارتباط با چیزهای شیرانه - میتواند زمینه را مهیا سازد. افراط اغلب در سفره خانواده هایی یافت میشود که خود را کاملا میانه رو میدانند. هرچیزی که باعث اختلال در هضم غذا بشود و هیجان فکری زایدی ایجاد کند یا در هر صورت سیستم را سست نماید و توازن قوای جسمی و فکری را بر هم زند کنترل ذهن بر بدن را تضعیف میکند و بدین سبب به زیاده روی و افراط گرایش دارد. انحطاط بسیاری از جوانانی که انتظار میرود آینده خوبی در انتظار داشته باشند میتواند در ذائقه غیر طبیعی که با رژیم غذایی ناسالم ایجاد گردیده است رد یابی بشود.

میزهای آمریکائیان معمولا طوری چیده شده که گوئی برای میگساری است. ذائقه و اشتها اصل حاکم بر قشر وسیعی از مردم است. با پرخوری و کیفیت ناسالم غذا استقامت در برابر خواهشهای شکمبارگی تضعیف گردیده و تمایل به عادات تغذیه ناصحیح تقویت میگردد.



**چای و قهوه عاملهای نامتعادل کننده سلامتی** - بواسطه عدم تعادل که در خانه شروع شد

اعضای دستگاه جهاز هاضمه ابتدا ضعیف گردیده و بزودی غذای معمولی دیگر اشتها را برآورده نمیسازد. وضعیتهای ناسالم بوجود آمده و هوس بیشتر برای غذاهای تحریک کننده وجود دارد. چای و قهوه تاثیر آنی ایجاد میکند. تحت تاثیر این سموم، سیستم عصبی تحریک میشود و در برخی موارد قوه ادراک بنظر برانگیخته و تقویت میشود و تخیل واضح میگردد. بخاطر اینکه چنین محرکهایی چنین نتایج مطبوعی حاصل میکنند بسیاری استنتاج میکنند که واقعا به آن نیاز دارند ولی همواره واکنشی وجود دارد. سیستم عصبی قدرت خود را برای آینده از استفاده های زمان حال میگیرد و همه این تقویتهای موقتی به افسردگی می انجامد. تسکین ناگهانی بدست آمده از چای و قهوه بنظر تقویت کننده است ولیکن تنها برانگیختگی عصبی است و نتیجه آن آسیب به سیستم است.

**تنباکو سمی موذی** - استفاده از تنباکو عاداتی است که بوفور بر سیستم عصبی تاثیر میگذارد و قدرتمند تر از استفاده از الکل میباشد. تنباکو قربانی را بیش از جامهای زهرآلود در زنجیرهای اسارت در بند میکند و غلبه بر این اعتیاد مشکل تر است. جسم و ذهن در بسیاری از موارد بیشتر با کاربرد تنباکو مسموم میشود تا اینکه از نوشابه های الکلی تخدیر شود زیرا که تنباکو سمی موذی است.

تنباکو مغز را تحت تاثیر قرار میدهد و احساسات و ادراک را کرخ میکند بطوریکه ذهن نمیتواند بطور واضح امور روحانی را تشخیص دهد خصوصا حقایقی که گرایش به اصلاح این زیاده روی پلید دارد. کسانیکه تنباکو را در هر شکل و فرمی استفاده میکنند در برابر خدا پاک نیستند. در این قبیل کارهای پلید برای آنان غیر ممکن است تا با بدنهای خویش که متعلق به اوست خدا را جلال دهند. تنباکو مغز را ضعیف نموده و حساسیتها قوه ادراک آنها را از کار می اندازد. استفاده از تنباکو سیستم را تحریک میکند تا تمایل شدیدی برای نوشیدنی های قوی بوجود بیاید و در بسیاری موارد بنیاد اعتیاد به الکل است.

**اثرات محرکها و مخدرها** - اثرات محرکها و مخدرها، قوای جسمی را تقلیل داده و هر تاثیری که بر جسم بیاید بر ذهن نیز اثر میگذارد. یک محرک ممکن است در ابتدا انرژی را افزایش و باعث زایش فعالیتهای جسمی و ذهنی بشود ولی وقتی که تاثیر نشاط آور از بین برود ذهن و جسم هر دو در وضعیت بدتری از قبل قرار میگیرد. نوشیدنیهای مسکر و تنباکو لعنت



دهشتناکی برای نژاد بشر هستند و نه تنها جسم را تضعیف و ذهن را مغشوش مینمایند بلکه اخلاقیات را به پستی میکشاند. وقتی کنترل عقل و استدلال بکناری برود شهوات حیوانی برانگیخته میگردد. هر چه آزادانه و بی قید و بند تر این سموم مورد استفاده قرار گیرد باطن حیوانی تر خواهد شد.

**به فرزندان تا از این مواد تحریک کننده میرا باشند-** به فرزندان تا از این مواد افیونی و مخدره برحذر بوده و از افتادن در دام این سموم در بیم و هراس باشند. چقدر بسیاری کسانی که از روی جهل از این چیزهای بد استفاده میکنند. خداوند والدین را فرا میخواند تا فرزندان خود را از افراط حفاظت نمایند و خصوصا در مقابل استفاده از مواد محرک زنا و مخدره هوشیار باشند. سفره های والدین مسیحی هرگز نباید از غذاهایی مملو باشد که شامل ادویه و چاشنی است. آنان باید مطالعه کنند تا معده را از هرگونه سوء تغذیه حفظ نمایند. در این عصر زودگذر غذا هر چه کمتر تحریک کننده باشد بهتر است. میانه روی در همه امور و جلوگیری از شکم پروری تنها راه سلامت است.

**چالشی برای والدین-** والدین ممکن است به فرزندان خود گرایش به هوس به غذا و اغراض نفسانی را منتقل کنند که کار آموزش و تربیت فرزندان را که باید کاملا میانه رو بوده و عادات پرهیزکارانه و خالص داشته باشند را مشکل تر مینماید. چنانچه از طرف والدین هوس به غذاهای ناسالم و محرکها و مخدرها به آنان به عنوان ارث انتقال داده شود چه مسئولیت هولناکی بعهده والدین است تا گرایشهای شیرانه و زینباری را که به فرزندان داده اند را خنثی نمایند. کار والدین برای اولاد بیچاره چقدر باید سخت باشد تا بوظیفه خود با ایمان و امید عمل نمایند.

**ذائقه و اشتها باید آموزش داده شود-** والدین باید فهم قوانین زندگی و بهداشت را بعنوان اولین کار خود در نظر بگیرند که هیچ چیزی در تدارک غذا یا از طریق عادات دیگر نباید گرایشهای غلط را در فرزندان رشد و پرورش دهد. مادران باید بدقت مطالعه کنند تا سفره ها را با ساده ترین و سالم ترین غذا پر کنند تا اینکه دستگاه جهاز هاضمه تضعیف نگردد و قوای عصبی نامتعادل نگردد. این غذا اعضای معده را تضعیف یا آنرا تقویت میکند و ارتباط زیادی با کنترل جسمی و سلامت اخلاقی فرزندان دارد که متعلق به خدا هستند و خونهای آنان داده شده است.



امانت مقدسی بعهده والدین سپرده شده است تا از ساختار اخلاقی و جسمی فرزندانشان محافظت نمایند که بموجب آنان سیستم عصبی میتواند بخوبی متعادل گردد و جان نباید در معرض خطر قرار بگیرد. خواهران ما میتوانند کار بزرگی را با گستراندن سفره با غذاهای سالم و مغذی در رستگاری دیگران انجام دهند. آنان میتوانند زمان پرارزش خود را در آموزش ذائقه و اشتباهی فرزندانشان بکار گرفته تا عادات میانه روی در همه چیز شکل گیرد و در ترک لذات نفسانی و نیکخواهی برای خیریت دیگران رغبت داشته باشند.

**والدین مسامحه کار مسئول هستند-** بسیاری از والدین برای اجتناب از آموزش صبورانه فرزندانشان برای ترک عادات نفسانی به آنان هر چه که دوست دارند میدهند تا بخورند و بیاشامند. تمایلات برای عطش به نوشیدنیها و برطرف نمودن امیال با سپری شدن سالها کم نمیشود و این جوانان تن پرور همانطور که بزرگ میشوند با انگیزه های خود کنترل میشوند و برده هوسهای غذایی خود هستند. وقتی که آنان جایگاه خود را در جامعه اشغال نمودند و زندگی را برای خودشان آغاز کردند آنگاه برای مقاومت در برابر وسوسه ها ناتوان خواهند بود. پر خوری و استفاده از تنباکو ... و سر مستی نتایج زیانباری از آموزش نادرست است.

وقتی که ضجه و زاری مردان و زنان مسیحی را بخاطر افراطگریهای زیانبار میبینیم سوالی پیش می آید و اینکه چه کسی این جوان را تربیت کرده است؟ چه کسی این اشتباهی سرگش را در آنان پرورش داده است؟ چه کسی از مسئولیت جدی خود در شکل دادن خصوصیات برای مفید بودن در این زندگی و برای جمع آسمانی فرشتگان در آخرت کوتاهی کرده است؟

**کار واقعی در خانه شروع میشود-** در خانه است که کار واقعی بایستی شروع شود. زحمت زیادی بر دوش کسانی است که مسئولیت آموزش جوانان را بعهده دارند تا خصایل آنان را شکل دهند. در اینجا کاری برای مادر وجود دارد تا به فرزندان خود در شکل دادن ذائقه صحیح و طعم خالص کمک کنند تا بنیه اخلاقی را رشد دهند. به آنان تعلیم دهید که نباید با دیگران به این سو و آن سو حرکت کنند و تاثیر سوء بگیرند بلکه آنان باید برای خیریت و برای شرافت و متعالی ساختن کسانی که در ارتباط با آنان هستند تاثیر بپذیرند. به آنان تعلیم دهید که اگر خود را با خدا مرتبط سازند از او قوت خواهند یافت تا در برابر وسوسه های دیوانه وار مقاومت کنند.





**اعتدال شوخی و مزاح نیست-** بسیاری اعتدال و میانه روی را به مزاح و استهزاء میگیرند. آنان ادعا میکنند که خداوند خود را درگیر این چیزهای کوچک و جزئی در باره خوردن و نوشیدن نمیکند. ولی چنانچه خدا نسبت به این چیزها بیتفاوت بود، خود را به همسر مانوح<sup>47</sup> آشکار نمیکرد تا به او آموزش جدی بدهد و دوبار به او امر کند تا هشیار باشد که مبدا او آنها را نادیده بگیرد. آیا این گواهی مستدل و کافی نیست که او نسبت به این چیزها توجه دارد؟

**اصلاحات با مادر شروع میشود-** دقتی را که مادر باید در مواظبت از عاداتهای خود در زندگی داشته باشد در کلام تعلیم داده شده است. اصلاح باید با مادر قبل از تولد فرزندش شروع شود و چنانچه آموزه های خدا وفادارانه اطاعت میشد زیاده روی و افراط وجود نمیداشت.

نه تنها عاداتهای مادر بلکه آموزش والدین کودکان عبرانی در آموزه های فرشتگان شامل گردیده بود. کافی نبود که سامسون آن فرزندی که قرار بود اسرائیل را رهایی بخشد میراث خوبی در ولادت داشته باشد. این امر باید با آموزش محتاطانه صورت میپذیرفت. او از نوباوگی باید به عاداتهای اعتدال محض پرورده میشد.

آموزه های داده شده در رابطه با فرزندان عبرانی بما یاد میدهد که هیچ چیزی در خصوص سلامت جسمی کودک نباید مورد غفلت واقع شود. هیچ چیزی بی اهمیت نیست. هر مشوقی که بر سلامت جسم تاثیر میگذارد بر ذهن و شخصیت تاثیر گذار است. اعتدال و خویشتنداری از گهواره باید آموزش داده شود. تا حد زیادی بر عهده مادر است که بار این کار را بر دوش بگیرد و از پدر کمک بگیرد تا بتواند با موفقیت به پیش برود.

**این درس را در کنار بخاری و در مدرسه پیگیری کنید-** مشکلترین موضوع فراموش کردن عاداتهایی است که در طی سالیان دراز با افراط و تفریط و ارضای هوسها پرورش داده شده است. ولی والدین باید جنگی را بر ضد افراط گری در کنار بخاری هایشان و در خانواده خودشان شروع کنند. آنان باید اصولی را از طفولیت به فرزندان خویش تعلیم دهند تا از آن پیروی شده و برای توفیق یافتن امیدوار باشند. این موضوع به مادران اجر خواهد داد تا از زمانهای گرانبگری که خدا به آنان داده در شکل دهی و رشد و آموزش شخصیت فرزندان استفاده کنند و به آنان یاد بدهند تا شدیداً به اصول اعتدال در خوردن و نوشیدن پایبند باشند.



تعلیم دادن در این مسیر باید به هر مدرسه ای و هر خانه ای راه یابد. کودکان و نوجوانان باید از تاثیر الکل و تنباکو و سموم مشابهی که جسم را به انحطاط کشانیده و ذهن را مغشوش ساخته و جان را به پیروی از هوای نفس بر می انگیزاند برحذر باشند. باید آشکار شود که هیچ کسی که این چیزها را مصرف میکند نمیتواند بمدت زیادی مالک قدرت کامل در جسم و ذهن و تواناییهای اخلاقی باشد.

**تاثیر انحرافات کوچک را شرح دهید-** که شروع شرارت است و باید در مقابل آن استقامت کرد. در آموزش جوانان اثر بظاهر کوچک انحرافات از درستکاری باید بوضوح تشریح شود... جوانان باید با فکری که آنان ارباب هستند و نه برده آشنا شوند. خداوند از ملکوت خویش آنان را شهريار ساخته است و آنان باید شهرياری منتصب شده از ملکوت را پیروی کنند. وقتی چنین آموزه هایی صادقانه داده شده است نتایج آن فراتر از خود جوانان است. تاثیرات حاصل شده هزاران زن و مرد را نجات خواهد داد که در مرز نابودی هستند.

**نیروی معنوی و اخلاقی را ایجاد تا در برابر وسوسه مقاومت کنید-** تلاش فردی در جهت مناسب و درست نیاز است تا شریر رو به رشد افراط و تفریط مقهور گردد. ایکاش واژه هایی می یافتیم تا قلوب والدین را در این زمین ذوب میکرد.

والدین میتوانند زندگی شاد و سالم را برای فرزندان خویش پی ریزی کنند. آنان میتوانند فرزندان خود را با بنیه معنوی و اخلاقی به دور بفرستند تا در مقابل وسوسه مقاوم باشند تا قوی و دلیر بوده و با موفقیت با مشکلات زندگی دست بگریبان شوند. آنان باید در ذهن فرزندان خویش هدف را رشد داده که زندگی آنان باعث تکریم خدا گردیده و برکتی برای جهان باشند. آنان میتوانند راههای راست را برای گامهای آنان بسازند تا به اوج شکوه برسند.

خداوند ما را فرا میخواند تا در خوردن و نوشیدن و لباس پوشیدن راه ثواب را پیش گیریم. والدین! آیا نسبت به مسئولیت خدادادی خود آگاه هستید؟ اصول بهداشت را مطالعه کنید و به فرزندان خود یاد بدهید که راه ترک نفس تنها راه ایمن است.



## فصل ششم و پنجم

### برکات لباس مناسب

زیبندگی و تناسب- در پوشش همچون تمام چیزهای دیگر این امتیاز مخصوص ماست تا آفریننده خود را حرمت نهمیم. او میخواهد که لباس ما نه تنها مرتب و سالم بوده بلکه مناسب و زیبند باشد.

ما باید در پی این باشیم که بهترین ظاهر را داشته باشیم. در خدمات خیمه مقدس، خداوند جزئیات جامه های کسانی که او را خدمت میکنند را مشخص نمود. بدین ترتیب به ما تعلیم داده شده است که او اولویتی را برای کسانی که وی را خدمت میکنند تعیین نموده است. راهنمایی های داده شده بسیار خاصی در باره جامه و ردای هارون داده شده بود زیرا که لباس او نمادین بود. پس لباس پیروان مسیح باید نمادین باشد. در همه چیز ما بایستی نماینده و معرف او باشیم. ظاهر ما از هر حیث باید با پاکیزگی، بی آلایشی و آراستگی متصف باشد.

**با چیزهایی از طبیعت مزین شده-** با چیزهایی در طبیعت (مانند گلها و زنبق) مسیح زیبندگی را مصور ساخت که ملکوت به زیبایی فروتنانه - سادگی - پاکی و تناسب ارزش مینهد و پیراستگی ما او را خشنود میسازد.

**خصلت و خصوصیات با شیوه لباس پوشیدن مورد قضاوت قرار میگیرد-** لباس و نحوه قرار گرفتن آن بر شخص معمولاً شاخص مذکر بودن یا مونث بودن است. ما شخصیت فرد را با شیوه لباسی که پوشیده شده مورد قضاوت قرار میدهیم. یک زن با حیا و خدانشناس بطور متین و محجوب لباس میپوشد. یک سلیقه خالص - یک ذهن پرورش داده شده - در انتخاب لباس با تناسب و سادگی آشکار میشود. فردی که ساده پوش است و تظاهر و خودنمایی نمیکند با رفتار خود نشان میدهد که او میفهمد که یک زن واقعی با ارزش های اخلاقی توصیف میشود. سادگی در لباس ملیح و جالب است و در خوش منظری میتواند با گل‌های صحرا مقایسه گردد.



**اصول هدایت کننده صراحتا اعلام گردیده است-** از مردم تمنا میشود تا با تدبیر و دقت در برابر خداوند گام بردارند. در لباس از رسوم متابعت کنید تا جایی که مطابق با اصول بهداشتی باشند. خواهران بهتر است لباسی ساده به تن کنند که از جنس بادوام بوده و متناسب با سن و سال آنها باشد و نگذارید نوع لباسی که میپوشید در اذهان سوال ایجاد کند. خواهران بایستی با سادگی لباس بپوشند. آنان باید خود را با جامه ای محجانه بپوشانند و با حیا و متین باشند. به دنیا تصویری زنده از آرایندگی باطنی از زیبایی خدا نشان دهید.

**رسوم متداول متناسب و متین -** در پوشش از لباسهای بهداشتی و مناسب پیروی کنید - مسیحیان نباید با لباسی متغیر با دنیا خود را انگشت نما کنند. ولی چنانچه از رسوم خود راجع به لباس مناسب و متین و بهداشتی پیروی میکنند خود را طبق مد روز نمیبینند و نباید لباس خود را عوض کنند تا شبیه دنیا شوند بلکه باید استقلال شرافتمندانه و اخلاقی خود را فاش نمایند حتی اگر همه دنیا با آنان متفاوت باشند.

چنانچه جهان لباسی متین و مناسب و بهداشتی را معرفی نمود که مطابق با کتاب مقدس است - یا اگر دنیا چنین سبک لباسی را پذیرفت، رابطه ما با خدا تغییر نخواهد کرد. مسیحیان باید از مسیح پیروی کنند و لباس خود را مطابق با کلام خدا تعیین کنند. آنان باید از افراط اجتناب کنند. آنان باید با فروتنی مسیری درست را دنبال کنند که صرف نظر از تمجید یا انتقاد باشد و باید از آنچه که صحیح و شایسته است پیروی کنند.

**از افراط و تجملگرایی پرهیز کنید-** زمان خود را برای پیروی از مد های لباس ابلهانه هدر ندهید. مناسب و مرتب لباس بپوشید ولی با بیش از حد لباس پوشیدن و یا لباس های بدن نما و نامرتب جلب توجه نکنید. چنان عمل نمایید که گوئی چشمان ملکوتیان بر شما دوخته شده است و اینکه شما تحت موافقت یا مذمت خداوند هستید.

**با دقت لباس بپوشید و با غرور ذهن خود را معشوش نسازید-** قشری هستند که دائماً بر غرور و لباس چنگ میزنند و نسبت به ظاهر خود بی تفاوت هستند و خیال میکنند که کثیف بودن پارسایی و تقوی است و بدون نظم و سلیقه لباس میپوشند و باصطلاح شنبه یکشنبه لباس میپوشند. لباسهای آنان کثیف هستند و با اینحال این قبیل افراد همیشه بر علیه غرور سخن میگویند. آن قشر ادعا میکند که اگر با محجوبیت و آراستگی لباس بپوشید



آدم های افاده ای هستند. آنانی که در لباس پوشیدن بی تفاوت و نامرتب هستند چیزی عالی برای گفتگو ندارند و سخنان بی اهمیت میگویند و خیلی زمخت بوده و احساسی نسبت به دیگران ندارند. آنان گاهی اوقات عجیب و غریب بودن را فروتنی و تواضع در نظر میگیرند.

**مسیح اخطار نمود-** مسیح شیفتگی نسبت به لباس را مورد توجه قرار داد و هشدار داد و به پیروان خود امر نمود تا فکر خود را بیش از حد به آن مشغول نکنند. "چرا برای لباس و پوشاک غصه میخورید؟ به گلهای سوسن که در صحرا هستند بنگرید. آنها برای لباس غصه نمیخورند. با اینحال بشما میگویم که سلیمان هم با تمام شکوه و ثروت خود هرگز لباسی به زیبایی این گلهای صحرائی نپوشید<sup>48</sup>... تفاخر و افراط در لباس پوشیدن گناه است که خصوصا زنان به آن تمایل دارند از اینرو این اوامر مستقیما خانمها را هدف قرار میدهد. چقدر طلا و مروارید و آراینده های گرانبها کم ارزش هستند وقتی که با فروتنی و زیندگی پر عظمت مسیح مقایسه میشوند.

**آموزه های کتاب مقدس برای امت خدا-** به پیروی از کلام خداوند فرا خوانده شده ایم. فرشته گفت: "زنان نیز باید در طرز پوشاک و آرایش خود با وقار باشند. زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گیرند نه برای آرایش مو و یا آراستن خود به زیورات و لباس های پر زرق و برق" (اول تیموتائوس ۲: ۹, ۱۰). برای زیبایی به آرایش ظاهری نظیر جواهرات و لباسهای زیبا و آرایش گیسوان توسل نجوئید بلکه بگذارید باطن و سیرت شما زیبا باشد. باطن خود را با زیبایی پایدار یعنی با روحیه آرام و ملایم زینت دهید که مورد پسند خداست. اینگونه خصایل در گذشته در زنان مقدس دیده میشد. ایشان به خدا ایمان داشتند و مطیع شوهران خود بودند" (اول پطرس ۳: ۳-۵).

بسیاری به این اوامر بعنوان چیزهای از مد افتاده نگاه میکنند که ارزش توجه داشته باشد ولی آن کسیکه به حواریون خود این دستورات را داده بود خطرات عشق به لباس را در زمانهای ما درک کرده بود و تذکره هشدار را برای ما ارسال نمود. آیا با خردمندی به این هشدار اعتنا میکنیم؟ آنانیکه صادقانه در طلب پیروی از مسیح هستند در خصوص پوشیدن لباس وظیفه شناس هستند و میکوشند تا با التزام این دستور(اول پطرس ۳: ۳-۵) موافقت کنند که توسط خداوند تصریح شده است.



**خطر عشق به لباس-** عشق به لباس اخلاقیات را به مخاطره می اندازد که با اصول مسیحی و متانت و محبوبیت منافات دارد. لباسهای عجیب و پر جلوه اکثر اوقات شهوت را در قلب پوشنده لباس ترغیب میکند و اغراض نفسانی را در دل نظاره گر بیدار میکند. خداوند میبیند که تباهی شخصیت بطور زیادی با افراط در تفاخر و خودبینی در لباس پوشیدن مقدم است. او میبیند که جامه های گرانها تمایلات نیکوکاری را فرو مینشاند.

**شاهد بی آلیشی در لباس پوشیدن-** لباس ساده و بی آلیش و بی تظاهر به خواهران جوان توصیه میشود. راهی بهتر از این نیست که بگذارید تا نور شما با سادگی در لباس پوشیدن و سلوک بر دیگران بتابد. شما میتوانید به همه نشان دهید که در مقایسه با چیزهای ازلی شما شهرت شایسته ای را بر چیزهای این زندگی قرار میدهید.

**عفت و فروتنی از هزاران خطر محافظت میکند-** خواهران از ظاهر شیطانی بپرهیزید. در این زمان وانفسا که با فساد توأم گردیده ایمن نخواهید بود مگر اینکه پناگاهی داشته باشید. عفت و پاکدامنی کمیاب شده است. از شما درخواست میشود که بعنوان پیروان مسیح گوهر گرانبهای عفت و پاکدامنی در لباس و اخلاق را ارج بنهید. این امر از پاکدامنی شما مراقبت خواهد نمود.

در لباس پوشیدن بی آلیش و ساده باشید که زنان جوان را با فضایی مقدس احاطه مینماید و این عفت و فروتنی از هزاران خطر محافظت میکند.

**ایده از مد افتاده-** آموزش فرزندان به گام برداشتن در مسیر باریک پاکدامنی و قدوسیت بطور کلی عجیب و تصویری از مد افتاده و کهنه محسوب گردیده است. این امر شایع است حتی در میان والدینی که اقرار و ادعای عبادت خدا را دارند ولی کارهای آنها شهادت میدهد که آنان پرستندگان ثروت و جاه هستند. آنان در چشم و هم چشمی با همسایگان خود رقابت میکنند و لباس آنان را با لباس خود و فرزندانشان مقایسه میکنند و حتی با اعضای کلیسا که به آن تعلق دارند.

**تنها لباسی که برای رفتن به ملکوت مجاز است-** لباسی وجود دارد که هر جوان و نوجوان ممکن است از روی سهو و بی تقصیری در پی بدست آوردن آن باشد. آن لباس عدالت مقدسین است. اگر با همان اشتیاقی که در بدست آوردن جامه هایی با استاندارد جامعه دنیوی



هستند در بدست آوردن عدالت بکوشند آنان بزودی با عدالت مسیح پوشانیده خواهند شد و نامهای آنان از دفتر حیات پاک نخواهد گردید. مادران همچنین جوانان و کودکان به دعا نیاز دارند "خدایا دلی پاک در درون من بیافرین و از نوروحی راست بمن عطا فرما" (مزامیر ۵۱-۱۰).

پس ای مادران به فرزندان خود خط به خط و سطر به سطر آموزش دهید که عدالت مسیح تنها لباسی است که میتواند با آن به ملکوت راه یابد و با پوشیدن چنین جامه ای آنان بطور دائمی به وظیفه ای عمل میکنند که خداوند را جلال خواهد داد.

## فصل شصت و ششم

### آموزش اصول اساسی پوشش

**بخش ضروری آموزش** - هیچ آموزشی نمیتواند کامل باشد چنانچه اصول درست را در باره لباس پوشیدن ارائه نکند. بدون چنین آموزشی کار تعلیم اکثر اوقات بتاخیر افتاده و از مسیر منحرف میگردد. عشق به لباس و هواداری از مد روز و چشم و هم چشمی در میان معلمین از عوامل بازماندگی است.

**مد و سبک دقیق و معینی داده نشده است** - هیچ سبک مشخصی بعنوان قاعده و الگوی درست برای پیروی داده نشده است.

**تمیز و مرتب و جذاب** - جوانان باید ترغیب شوند تا عادات درست را در پوشش شکل دهند که ظاهری مرتب و جذاب داشته باشند و باید به آنان تعلیم داده شود تا جامه های آنان تمیز و مرتب و رفو کرده باشد. همه عادات آنان باید بطریقی باشد تا مایه آسودگی و کمک به دیگران باشند. لباس باید مناسب و زیننده باشد. حتی اگر لباس از کرباس یا پارچه های ارزان باشد باید مرتب و تمیز نگهداری شود.

**سلیقه درست و مرسوم داشته باشید** - مسیحیان در پوشش خود باید از تظاهر و جلوه گری پرهیز نمایند ولی لباس آنان باید مرتب و بدون زرق و برق - محجوب و آراسته و مناسب با



سلیقه درست و مرسوم باشد. سلیقه درست نباید تحقیر گردیده یا تقبیح شود. ایمان ما چنانچه درست انجام شود ما را هدایت میکند تا در پوشش ساده بوده و در کار خوب غیرتمند باشیم که بعنوان موضوعی ویژه مورد توجه قرار گیرد. ولی وقتی سلیقه خود را برای زیندگی و آراستگی در پوشش از دست میدهم در واقع حقیقت را رها میکنیم بخاطر اینکه حقیقت هرگز نباید تنزل کند بلکه باید متعالی گردد.

**سلیقه خوب در رنگ و شکل -** سلیقه باید در رنگها آشکار شود. یکنواختی در این رابطه تا آنجا که مناسب باشد پسندیده است. وضعیت کلی رنگ در هر صورت شاید بحساب آورده شود. باید در پی رنگهای معتدل بود. وقتی مواد شکیل بکار برده شود که دارای اشکالی بزرگ و جلوه گر هستند آنگاه خودبینی و غرور سطحی را در میان کسانی که آنها را انتخاب کرده اند پدید می آید. از چنین چیزهایی باید اجتناب گردد. یک سلیقه و مد غیر عادی در اختلاط رنگها نیز بد است.

**دوام و کارکرد را مورد توجه قرار دهید -** پوشاک ما در حالیکه متعادل و ساده است باید از کیفیت خوب باشد و رنگهای مناسب داشته و مناسب برای کاری که میخواهیم باشد. لباس باید بیش از اینکه برای نمایش انتخاب شود باید دوام داشته باشد. لباس باید از جنسی باشد که در برابر تغییرات دما محافظی خوب باشد. زن خردمند در امثال سلیمان از برف برای اهل خانه اش نمپهراسد؛ زیرا که همه اهل خانواده اش با جامه های دو لایه مجلس گردیده اند (امثال سلیمان ۱۳: ۲۱).

**خرید پارچه ها و مواد خوب باید مقتصدانه باشد -** لباس باید از جنس خوب بوده و باید به دقت درست شود. و باید مقتصدانه باشد. ولی تزئین و آذین بندی مورد نیاز نیست و پولی را که با افراط برای ارضاء نفس خرج میگردد باید برای مقاصد خدا مصرف گردد.

**نیازهای تاکستان خدا را بیاد بیاورید -** ما باید مرتب و با سلیقه لباس بپوشیم ولی وقتی برای خود و فرزندانمان لباس میخرید یا میدوزید به کار تاکستان خدا که همچنان در انتظار انجام شدن است فکر کنید.

افراد مادی و دنیا پرست خرج زیادی برای لباس میکنند ولی خداوند به امت خویش مسئولیتی داده تا از دنیا گرابی بیرون آمده و از آن جدا شوند. جامه های گران یا خوش منظر مناسب





کسانی نیست که ادعای ایمان دارند زیرا که ما در روزهای آخر زندگی میکنیم. در خرجهای خود برای لباس و پوشاک صرفه جو باشید. بیاد داشته باشید که آنچه که میپوشید دایما بر کسانی که با آنان ارتباط دارید تاثیر میگذارد. پولهایی را که برای جاهای دیگر نیاز است به هدر ندهید. پول خدا را برای خوش سلیقگی خرج لباسهای گرانقیمت نکنید.

**سادگی در لباس پوشیدن به دینداران توصیه میشود-** زن عاقل لباس ساده میپوشد که کیفیت خوب و مناسب داشته باشد و این برتری شما را میرساند. مانند فردی مسیحی لباس بپوشید - مانند زن شایسته خداشناس و نیکوکار خود را ساده و مرتب زینت دهید. بسیاری برای عقب نماندن از مد روز سلیقه خود را برای سادگی عادی از دست میدهند و شیفته چیزهای مصنوعی میشوند. آنان زمان و پول و قدرت فکری و رفعت جان خود را قربانی میکنند و تمام جوهر خویش را وقف زندگی شیک و مد روز میسازند.

جوانان عزیز شخصیت شما در لباس پوشیدن مطابق با مد روز با بند و یراق به خود آویزان کردن و طلا و زیورآلات بدلی برای نمایش و تظاهر، مذهب شما را به دیگران خوب معرفی نمیکند - و یا آن حقیقتی را که مدعای آن هستید. مردم با بصیرت به آرایش ظاهری شما بعنوان دلیلی از ذهن ضعیف و دلهای مغرور نگاه میکنند.

**جلوه نامناسب و نامقتضی نباید نمایش داده شود-** به جوانانی که زینت آلات بر خود می آویزند یاد آوری میشود که بخاطر این گناه منجی از رفتار آنان شرمگین میشود. وقتی که زمان گرانبهای خود را صرف زینت و آرایش میکنید بیاد داشته باشید که پادشاه جلال ردای ساده و یکپارچه ای پوشید. شما که نگران آرایش کردن خود هستید بیاد داشته باشید که عیسی اغلب در جدال مداوم و ترک نفس و از خودگذشتگی بود تا نیازمندان و رنجدیدگان را برکت دهد. این بخاطر ما بود که او بشدت دعا کرد و گریست و اشک ریخت. بخاطر این بود تا ما را از غرور و خودبینی و تن آسایی که حال در آن افراط میکنیم نجات دهد و از چیزهایی که محبت و دوستی به عیسی را کنار میزند- بخاطر اشکهایی که ریخته شد و بخاطر اینکه رخسار منجی ما بیش از هر اولادی از بشر از رنج و غم آسیب دید.

**زینت آلات غیرضروری-** پول خود را برای پیشبرد اهداف خدا کنار بگذارید و نه برای زینت آلاتی که غیرضروری هستند. درس ترک نفس را فراگیرید و به فرزندان خود آنرا بیاموزید.



**یک نکته واضح و روشن** - اغلب سوالی پرسیده میشود که آیا این اشتباه است تا یقه<sup>49</sup> سفید

ساده بسته شود. پاسخ این است که خیر. برخی منظور از نوشته های این کتاب را افراطی برداشت کرده اند و طوری تعبیر میکنند که هر نوع زیندگی و آرایش اشتباه است. منظور زینت آلات و یقه های گرانیقیمت غیر ضروری بوده است که نگاهدارندگان سبت از آنها استفاده میکردند و همچنان بمنظور نمایش و مد روز میپوشیده اند. در اشاره به یقه سوء تفاهم شده است و برخی با تصور غلط فکر میکنند که هیچ چیزی مانند یقه یا روبان نباید بکار برده شود.

**زینت آلات غیر معقول یا افراطی** - خادمان و همسرانشان باید نمونه سادگی و بی آلاشی در لباس پوشیدن باشند - آنان باید لباس مرتب و راحت و از جنس خوب بپوشند ولی از هر گونه زیور آلات غیر معقول و یا افراطی پرهیز کنند. حتی اگر گرانیقیمت نباشد زیرا این برای ما عیب و ایراد است. ما باید جوانان خود را به ساده پوشی و مرتب بودن آموزش دهیم. زیورآلات اضافی را کنار بگذارید حتی گرچه کم قیمت و ارزان باشد.

**نه برای نمایش** - تهذیب واقعی با آرایش جسم برای تظاهر و نمایش منافات دارد. کتاب مقدس اعتدال در لباس پوشیدن را تعلیم میدهد. "زنان باید در طرز پوشاک و آرایش خود باوقار باشند" (اول تیموتائوس ۲: ۹). عبارت فوق عبارت خودنمایی در لباس پوشیدن، رنگ های جلف و پر زرق و برق و آرایش زیاد را قدغن میدارد. هر اسبابی که جلب توجه کند و یا موجب حیرت و بر انگیزتگی شود از مناهای کلام خداست که باید از آن دوری جست.

ترک نفس در لباس پوشیدن بخشی از وظیفه مسیحیان است. پوشش ساده و امتناع از نمایش جواهرات و زینت آلات از هر نوع جزو ایمان ماست. آیا نابخردی دنیاپرستان را در افراط در پوشش عجیب و غریب و خودنمایی آنان میبینید؟

**زیورآلات مداوم در مقابل طلا و مروارید** - زیوری وجود دارد که هیچگاه نابود نمیشود و باعث شادمانی همه کسانی که در اطراف ما هستند خواهد شد و جلوه آن در جان رنگ نخواهد باخت... در عوض جستجو برای زیورآلات طلایی برای ظاهرنمایی باید تلاش زیادی برای یافتن حکمت نمود که ارزش آن از هر طلای خالصی بیشتر است.

دلربایی و جذبه مسیح از هر طلا و مرواریدی ارزشمند تر است. زیبایی طبیعی در برگزیده تناسب موزون و هم آهنگ لباس در قسمتها با قسمتهای دیگر است ولی جذبه و زیبایی



روحانی شامل هماهنگی یا شباهت جانهای ما به عیسی است. این امر دارنده آنرا ارزشمند تر از طلای ناب میسازد حتی ارزشمند تر از شمش طلای اوفیر<sup>50</sup>. فیض مسیح در واقع زینت و پیرایه ای گرانبیست است. این فیض دارنده آنرا شریف و متعالی گردانیده و پرتوهای جلال را منعکس مینماید و آنانرا به منبع نورهدایت و برکت جذب مینماید.

**دلربایی و جذابیت زیبایی حقیقی** - گرایشی طبیعی به همه احساسات وجود دارد. نظر به این واقعیت اهمیت دارد که والدین در آموزش فرزندان خویش اذهان آنان را به عشق به حقیقت و ترک نفس و داشتن استقلال و انتخاب درست هدایت کنند حتی اگر اکثریت چیزی اشتباه را انتخاب کرده باشند.

چنانچه بنیه و ساختار درست و خلق و خوی دلپذیری را حفظ کرده باشند آنگاه دارای زیبایی واقعی خواهند بود که با فیض الهی زینت داده شده است. و آنان نیازی به زیورات تصنعی نخواهند داشت که اینها ابراز کننده فقدان پیرایش باطنی از ارزشهای اخلاقی و معنوی حقیقی هستند. خصلت و صفات زیبا در نظر خدا ارزشمند است. این قبیل زیبایی مجذوب کننده خواهد بود و نه منحرف کننده. این قبیل جذابیت ها رنگهای بادوام هستند که هرگز محو نخواهند شد. مذهب ناب عیسی پیروان خویش را ملزم میدارد تا در سادگی زیبایی طبیعی خود بمانند و برای خلوص و صفا آنرا جلا دهند و نه اینکه بدنهای تصنعی و کذب باشند.

**به فرزندان خود تعلیم دهید که پوشش معقول و مناسب را تشخیص بدهند** - بگذارید تا در وظایف خانه و زندگی وفادار باشیم. بگذارید تا فرزندان درک کنند که اطاعت باید حکمفرما باشد. به آنان تعلیم دهید تا فرق بین پوشش معقول و مضحک را تشخیص دهند و لباسهایی برای آنان تهیه کنید که مرتب و ساده باشد. بعنوان مردمی که برای بازگشت سریع مسیح خود را آماده میسازند باید نمونه ای از پوشش متعادل را به جهانی که در آن مد روز شایع شده است ارائه نمایند. در مورد این چیزها زیاد گفتگو کنید و خردمندانه برنامه ریزی کنید سپس برنامه های خود را برای خانواده های خویش به پیش ببرید. مصمم باشید که با اصول عالی تصورات و خواسته های فرزندانان را هدایت کنید.

چنانچه دلهای ما با مسیح متحد گردد هیچ چیزی نمیتواند توجه ما را بخود جلب کند.



**جامه هایی را متناسب با سن و سال تهیه کنید-** خواهران فرزندان خود را با دلسوزی به خود پیوند دهید. از آنان بدقت مراقبت کنید و در همه چیزها توجه کنید. برای آنان جامه های مناسب تهیه کنید که با ظاهر خود تحقیر و شرمگین نشوند زیرا که به عزت نفس آنان آسیب خواهد رسانید. حق هر فردی است که مرتب باشد و لباس مناسبی داشته باشد که متناسب و با سن و احوال فرد باشد.

**به بدن نباید فشار آورد-** لباس باید براحتی پوشیده شود و نباید مانع گردش خون و یا تعریق طبیعی شود. پاهای باید از سرما و رطوبت محافظت گردد. با چنین پوششی میتوانیم در هوای آزاد ورزش کنیم حتی در شبنم صبحگاهی یا شامگاهی یا پس از باران یا برف بدون ترس از سرما خوردن.

**لباس بچه های کوچک-** اگر لباس کودک ترکیبی از لباس مناسب و گرم و محافظ است در هنگام ناراحتی و بیقراری باید درآورده شود. بچه ها سلامتی بهتری خواهند داشت و مادر مراقبت از کودک را سنگین و سخت نخواهد دید.

کمربندها و کمرستهای تنگ و چسبان جریان قلب و ریه را به تاخیر می اندازد و باید از آن اجتناب شود. هیچ بخشی از بدن در هر زمان نباید با لباسهایی که به اعضا فشار وارد میکند احساس ناخوشایندی کند یا اینکه آزادی تحرک را از فرد بگیرد. لباس همه کودکان باید باندازه کافی آزاد باشد تا تنفس کامل و آزاد را میسر سازد.

**قسمتهای انتهایی بدن باید بطور مناسب پوشیده شود-** توجه خاصی باید به کسانی که در پوشش افراط میکنند کرده شود که قفسه سینه آنان کاملاً پوشیده شود که بیشترین مقدار دما در آنجا قرار دارد. والدینی که فرزندان خود را درست پوشش نمیدهند و آنها را لخت میگذارند سلامت و زندگی آنان را برای مدتی روز بخطر می اندازند. اگر این قسمت بدن گرم نگاه داشته نشود گردش خون بطور مساوی انجام نمیشود. وقتی اعضای خاص بدن خوب پوشیده نشود خون از مغز رانده میشود سبب سردرد و خون دماغ میشود یا سنگینی در سینه احساس میشود و باعث سرفه یا تپش قلب میگردد و در قسمت میانی که شامل معده میشود به خون نیاز است و کمبود گردش خون در آن ناحیه باعث سوء هاضمه میگردد.



بمنظور تبعیت از مد روز مادران فرزندان خود را با دست و پاهای لخت لباس میپوشانند که خون سرد شده و به قسمتهای دیگر باز میگردد و باعث وقفه در گردش خون شده و بیماری ایجاد میکند. دست و پا توسط آفریننده طوری خلق نشد تا مانند صورت در معرض هوا باشد. خداوند همچنین مقدار زیادی رگ و تار عصبی برای دست و پا گذارده است که مقدار زیادی جریان خون را در خود جای دهد که مانند بدن گرم بماند. آنان باید کاملا پوشیده شوند تا خون به قسمتهای تحتانی حرکت کند.

شیطان مدی را ابداع نمود که دست و پا در معرض نمایش در آید و جریان حیات از مرجع اصلی آن باز ماند. و والدین سر تعظیم به معبد مد فرود آورده و از اینرو فرزندان خود را طوری لباس میپوشانند که تارهای عصبی و رگها منقبض شوند و منظور خدا را از طرح آفریده خود زیر سوال میبرند. نتیجه همیشگی سردی در دست و پا است. والدینی که مد را در عوض عقل دنبال میکنند باید پاسخگوی خدا باشند از اینجهت که سلامت فرزندان خود را به مخاطره می اندازند. حتی زندگی خیلی اوقات فدای بت مد میشود.

**تمایز لباس مردان و زنان** - گرایش در بین زنان رو به فزونی گذاشته است تا لباس و ظاهری مانند جنس مخالف داشته باشند و لباس خود را شبیه مردان بسازند ولی خداوند این عمل را شنیع خوانده است. "زنان باید در طرز پوشاک و آرایش خود با وقار باشند" (اول تیموتائوس ۹:۲).

خداوند چنین تدبیر کرد که باید تمایزی آشکار بین لباس مردان و زنان باشد و موضوع را بطور کافی مهم در نظر گرفت و در این خصوص دستورالعملی صریح صادر نمود زیرا لباسی که توسط هر دو جنس پوشیده شود موجب تشویش خاطر شده و فساد را افزایش میدهد.

**لباس برای کلیسا** - هیچکس نباید جایگاه مقدس خدا را با لباسهای پر زرق و برق بی حرمت سازد. همه باید یاد بگیرند تا در لباس پوشیدن مرتب و پاکیزه و منظم باشند. توجه مردم اغلب به مقاله های مد لباس جلب میشود و بدین سبب جایگاه خود را در قلبها و افکار عابدان خدا باز میکند. عبادت خداوند باید موضوع تفکر باشد و نه مد روز و هر چیزی که ذهن را از خدمت مقدس بدور میسازد توهینی نسبت به اوست. نمایش رنگها و روبانها و فر مو و پرها و طلا و



نقره گونه هایی از بت پرستی هستند و کاملاً برای خدمت مقدس خداوند نامناسب و نابجا هستند.

برخی افراد ایده هایی دریافت میکنند که بمنظور جدا شدن از دنیا که کلام خدا آنرا ملزم داشته است، آنان باید نسبت به ظاهر خود بی تفاوت و اهمال کار باشند. زنانی هستند که فکر میکنند با گذاشتن کلاههای معمولی اصول ناهمنوایی با دنیا را اجرا میکنند و یک دست لباس را برای یک هفته میپوشند تا اینکه برای عبادت خدا در روز سبت وارد بشوند. و برخی مردان که ادعای مسیحی بودن دارند چنین میکنند. این افراد در سبت با لباس گرد و خاک دار با مردم جمع میشوند و حتی با لباس شکافته وارد میشوند که جز شلختگی و ژولیدگی معنایی ندارد.

این طبقه از افراد چنانچه بخواهند به مهمانی یکی از دوستان خود که توسط دنیاپرستان مورد احترام میباشد بروند با بهترین لباسهایی که بتوانند تهیه کنند در جمع حاضر میشوند و چنانچه با موهای شانه نکرده و جامه های کثیف و نامرتب نزد دوست خود بروند احساس میکند که به او توهین شده است. با اینحال این افراد فکر میکنند که اهمیتی ندارد که با چه سر و وضعی برای عبادت خدای بزرگ در روز سبت حاضر شوند.

**لباس نباید موضوعی برای مشاجره باشد-** نیازی نیست لباسی بدوزید تا بحث برانگیز باشد. چیزی با ارزش تر برای بحث وجود دارد. صحبت از مسیح قلب را دگرگون ساخته و هر چیزی که با کلام خدا منافات داشته باشد را بکنار خواهد زد. این لباس شما نیست که بشما ارزش میدهد. این زینت باطن است - فیوضات و زیندگی روح و کلام محبت آمیز است و توجه اندیشمندان برای چیزهایی که خداوند بدان ارزش مینهد.

**الگوی ارزشمندی را ارائه کنید-** مروج طبقه و قشری نباشید که مرکز دینشان لباس است. بگذارید هر کدام تعالیم واضح کلام را مطالعه کنند و سادگی و بی آلایشی را با ایمان اطاعت کنند و الگوی ارزشمندی برای دنیا و آنانی که در ایمان جدید هستند قرار دهند. خداوند نمیخواهد تا یک فرد برای دیگری وجدان و عقل باشد و برای او تصمیم گیری و دلالت کند.

از محبت و تواضع عیسی سخن بگوئید ولی برادران و خواهران را تشویق نکنید تا برای یکدیگر لباس یا ظاهر انتخاب کنند. برخی از این کار لذت میبرند و هنگامی که اذهان آنان به این جهت چرخیده شد آنان این را حس میکنند که والی کلیسا هستند. آنان از صندلی قضاوت بالا میروند و بمحض اینکه یکی از برادران و یا خواهران خود را دیدند بدنبال چیزی میگردند تا از آن انتقاد کنند. این یکی از روشهای موثر است تا کوتاه نظر شده و در رشد روحانی آنان وقفه ایجاد شود. خداوند از آنان میخواهد تا از این صندلی قضاوت پائین بیایند چرا که او هرگز آنان را در چنین جایگاهی بکار نگمارده است.

**خوشدل باید بود-** اگر ما مسیحی هستیم باید مسیح را تبعیت کنیم حتی اگر بر خلاف خواسته ها و تمایلاتمان باشد. نفعی وجود ندارد که بشما بگوئیم چه بپوشید و چه نپوشید چرا که عشق و علاقه به این چیزها بیهوده است و اگر منطقی و استدلال را نپذیرید تمام این گفته ها آب در هاون کوفتن است. تمایلات دل در غیر اینصورت بیدار خواهد شد. شما باید برای خودتان فکر و قضاوت کنید.

**در کجا بسیاری از مذاهب قدرت خود را از دست دادند-** استدلال بشری همیشه در پی طفره رفتن یا کنار گذاردن آموزه های ساده و هدایتگر کلام خدا است. در هر سن اکثر پیروان مدعی مسیح آن احکام را نادیده گرفته که به ترک نفس و تواضع سفارش میکند که مستلزم بی آلابشی و سادگی در گفتگو و سلوک و لباس است. نتیجه همیشه یکسان بوده است - انحراف از تعالیم انجیل افراد را به پذیرفتن مد و رسوم و اصول دنیوی ترغیب میکند. تقدس و دینداری جای خود را به آیین ها و تشریفات مرده میدهد. حضور و قدرت خدا از کسانی که مادی گرا هستند بازپس گرفته میشود. در عوض گروهی از عابدان فروتن وجود دارند که راغب به اطاعت از تعالیم کلام مقدس هستند. توسط نسلها این مسیر دنبال شده است. یکی پس از دیگری مذاهب مختلف برخاسته و سادگی و بی تکلفی خود را در همان اوان بمقدار عظیمی از دست داده اند.

**استاندارد و معیار کلام خداست-** موضوعات لباس باید اکیدا مورد صیانت قرار گیرد و باید هر چه نزدیکتر به احکام کتاب مقدس باشند. مد روز الهه دنیای ظاهری است و اغلب خود را به کلیسا تلقین و تحمیل میکند. کلیسا باید کلام خدا را معیار قرار دهد و والدین باید به این موضوع هوشمندانه فکر کنند. وقتی میبینند که فرزندان شان متمایل به پیروی از مدهای دنیوی



هستند آنان باید مانند ابراهیم با عزم به اهل خانه خود امر کنند تا متابعت کنند. در عوض متحد شدن با دنیا خود را با خدا متحد سازید.

## فصل شصت و هفتم

### قدرت مسحور کننده مد

مد روز، حاکم ستمگری است- مد بر جهان حکمرانی میکند و معشوقه ظالمی است و اغلب هواداران خود را مجبور میکند تا تسلیم بزرگترین رنج ها و ناراحتی بشوند. مد روز بدون دلیل باج و خراج میگیرد و بی رحمانه وصول میکند. مد قدرت مسحور کننده ای دارد و آماده ایستاده تا از کسانی که رد پای او را دنبال نمیکنند انتقاد و آنان را استهزا کند.

ثروتمندان جاه طلب بدنال مد های جور و واجور هستند و طبقات فقیر و متوسط تلاش میکنند به استنادی دست یابند که بواسطه دیگران برای آنان تنظیم شده است. جایی که توان یا استطاعت محدود است و جاه طلبی برای بزرگ منشی زیاد است بار سنگین تحمل ناپذیر است. توسط بسیاری این مسئله ای نیست که چقدر یک لباس مناسب یا زیباست بلکه مد اهمیت دارد و باید تجدید شود یا بکناری گذارده شود. شیطان آن عامل تحریک کننده در دگرگونی ها و ناخرسندی در مد همواره مشغول ابداع چیزی جدید است که بتواند آسیبی به جسم و سلامت اخلاقی بزند و جشن پیروزمندانه میگیرد که ابداعات او به خوبی به توفیق نائل آمده است. مرگ قهقهه سر میدهد که سلامت ابلهان را بتباهی کشانده و شور و حرارت برای عبادت را در معبد مد بسردی کشانیده و آنان را به آسانی زیر یوغ و تسلط خود در آورده است. آنان خشنودی و لطف خدا را بخاطر مد قربانی و بکناری گذارده اند.

لباس پرستی بیماری اخلاقی است و نباید به زندگی آورده شود. در بسیاری موارد اطاعت از الزامات انجیل تغییر قطعی و مصمم در لباس را طلب میکند.





**قیمتی که بعضی میپردازند-** مدل های لباسی که مد تجویز میکند چقدر با اصول ارائه شده در کلام متفاوت است. به سبک هایی فکر کنید که برای چند صد سال اخیر شایع شده است و یا حتی برای چند دهه اخیر. چه مقدار از این مد ها را میتوان برای یک زن مهذب و خداترس و محترم نامناسب خواند. چه بسا در موردی یک دختر فقیر بخاطر یک روپوش شیک خود را از یک زیر جامه گرم محروم ساخته و تاوان آنرا با جان خود پرداخته است. چه بسا دیگری میل به نمایش زیبایی خود داشته و براههای نادرست و شرمساری افتاده است. چه بسا خانه ای از آسایش و رفاه محروم مانده چه بسا مردی به اختلاس یا ورشکستگی و فلاکت افتاده تا مطالبات غیر معقول همسر و فرزندان را برآورده سازد.

**رستگاری با لباس پرستی به مخاطره افتاده است-** غرور و خود بینی در هر جایی آشکار گردیده است ولی کسانی که به آینه چسبیده تا خود را تحسین کنند تمایل کمی به نگاه کردن در احکام خدا دارند که بزرگترین آینه اخلاق است. این لباس پرستی همه چیزهایی را که نجابت و فروتنی شخصیت هستند را تباه میسازد. این مسلک زمانهای گرانبهایی را که باید برای مطالعه کلام خدا وقف اندیشه و تعمق در دل شود را تحلیل داده و زوال میدهد. هیچ مسیحی نمیتواند خود را با مدهای تحقیر کننده دنیا تطبیق دهد مگر اینکه بخواهد رستگاری جان خود را به مخاطره بیندازد.

**عشق به خودنمایی خانه را به فساد میکشاند-** زنان با کمک فیض مسیح قادر به انجام کار بزرگ و والایی هستند. بدین دلیل شیطان با تمهیدات خود در پی ابداع لباس های مد روز است که عشق به خود نمایی و تظاهر بگونه ای بتواند ذهن و دل را در خود فرو برد که حتی مادران متعهد مسیحی در این عصر وقتی را برای آموزش و تربیت فرزندان خود و یا پرورش افکار و خصایل ، بعنوان الگوی کارهای خوب برای فرزندانشان اختصاص نمیدهند. وقتی که شیطان زمان و علاقه مادر را اشغال میکند او کاملاً آگاه است که چقدر کامیاب شده است. در نه مورد از ده مورد او تمام اوقات خانواده را برای نمایشهای ابلهانه لباس بخود اختصاص داده است. او فرزندان را به یغما برده است چرا که مادر را به اسارت خود در آورده است.

فرزندان کوچک بیش از رستگاری، از لباس سخن میشنوند چرا که مادر بیشتر از منجی خود با مد آشناست. والدین و فرزندان از بهترین و شیرین ترین و واقعی ترین های زندگی به تاراج رفته اند. آنان باید خود را برای حیات اخروی آماده میکردند ولی بخاطر مد فریب خورده اند.



**باندازه کافی شجاع نیستید تا ریشه را در بیاورید-** بسیاری از بارهای سنگین مادران نتیجه تلاش او برای دنبال گیری مد روز است. تاثیر دهشتناک این مدها بر جسم و ذهن و سلامت اخلاق است. فقدان جرات در مقابله به زنان اجازه میدهد تا در جریان سیل عامه پسند کشیده شوند... اکثر اوقات مادران مسیحی متعهد اصول را قربانی خواسته هایشان میکنند تا جماعتی را که از مد برای خود بت ساخته اند را دنبال کنند. وجدان اعتراض میکند ولی آنان باندازه کافی شجاعت ندارند تا با عزم راسخ در برابر این خطا بایستند.

**والدین مراقب باشند-** والدین به کرات لباسهای عجیب و غریب به فرزندان خود میپوشانند که زیورآلات زیادی را نمایش میدهد آنگاه آشکارا ظاهر آنان را میستایند و به آنها بخاطر ظاهرشان تحسین و مرحبا میگویند. این والدین احمق بهت زده خواهند شد چنانچه ببینند که چطور شیطان از تلاشهایشان پشتیبانی میکند و آنان را به انجام بلاهت بزرگتری ترغیب میکنند.

**مشکلی که بسیاری از مادران با آن روبرو هستند-** دختران شما اگر ببینند لباس آنان با لباس شما متفاوت است تحت تاثیر قرار میگیرند و میخواهند مشابه همان لباس را داشته باشند. یا شاید چیز دیگری بخواهند که دیگران دارند و احساس نمیکنند که مطابق با ایمانی نیست که به آنان اعطا نموده اید. آیا اجازه میدهید که آنان شما را آزار دهند و اجازه میدهید تا شما را در چارچوب خود قرار دهند یا اینکه شما آنانرا مطابق با اصول انجیل در چارچوب قرار میدهید؟ فرزندان ما در نظر خداوند بسیار ارزشمند هستند. به آنان کلام خدا را تعلیم دهید و آنان را در راه وی تربیت کنید. این امتیاز شماست تا فرزندان خود را تعلیم داده تا چنان زندگی کنند که ملکوت از آنان تقدیر کند.

فرزندان خود را ترغیب نکنید تا مد های دنیا را پیروی کنند و چنانچه ما با ایمان به آنان آموزش درست بدهیم آنان چنین نخواهند کرد... مدهای جهان اغلب اشکال مضحکی دارند و شما باید سلیقه ای انتخاب کنید که بر ضد آن باشد.

**حاصل عشق به خود نمایی-** عشق به لباس و عیاشی شادی هزاران نفر را از بین میبرد. و کسانی که متعهد به دوست داشتن احکام خداوند هستند از این طبقه تقلید میکنند و احتمالا نام مسیحی را بر خود نگاه میدارند. بعضی از این جوانان چنان مشتاق خود نمایی هستند که



حتی حاضرند از مسیحی بودن صرفنظر کنند و تنها تمایل به نمایش دادن لباس و عیاشی دارند.

خانواده هایی که زمان زیادی را برای خود نمایی در نشان دادن لباس صرف میکنند میتوانند به درخت انجیری شبیه باشند که مسیح از دور دید. این درخت انجیر شاخه های برومند خود را در برابر دآوری جلوه میداد ولی وقتی عیسی بدنبال میوه انجیر میگشت از بالاترین شاخه تا پائین ترین شاخه نگاه کرد ولی هیچ چیزی بجز برگ ندید. او به میوه اشتیاق دارد او میوه و محصول میخواهد.

**ناخرسندی از دختران خدا-** کارهای مهم و واجبی در این جهان برای انجام شدن وجود دارد و نباید لحظه های گرانبها برای زیورآلات و نمایش هدر برود. دختران پادشاه سماوی بار سنگین مسئولیت را برای نائل شدن به زندگی متعالی تر احساس میکنند که باید به ملکوت و کار در هماهنگی با منجی جهان پیوند و رابطه نزدیکتری پیدا کنند. کسانی که در این کار متعهد شده اند با مد و نمایش که اذهان و علاقه زنان را در این ایام آخر مجذوب ساخته خرسند نمیشوند. اگر آنان بواقع دختران خدا هستند در ماهیت الهی شریک خواهند بود. وقتی که تاثیرات تباهی در جامعه را ببینند همانند منجی الهی خویش، آنان با تاجر عمیق بلرزه در خواهند آمد. آنان در حیطة امور خویش همراه با مسیح دلسوزی خواهند کرد و با توان و فرصت های بدست آمده همانگونه که مسیح با بلند مرتبگی خویش برای نفع مردم کار کرد کار خواهند نمود تا جانهای رو بموت را نجات دهند.

## فصل شصت و هشتم

### شیوع و رواج چیزهای جزیی تباه کننده

**عصر وفور شرارت و بی انصافی-** ما در میان مخاطرات روزهای آخر زندگی میکنیم. بخاطر اینکه بی انصافی زیاد است علاقه بسیاری برای رشد و تعالی بسرودی گراییده است. واژه بسیاری اشاره به پیروان متعهد مسیح دارد. آنان با شیوع بی انصافی تحت تاثیر قرار گرفته اند



و از خدا برگشته اند. واقعیت این است که علاقه آنان به خدا رو بسردی گراییده است زیرا وفور شرارت در برخی جهات نشان میدهد که آنان در این شرارت سهیم هستند. و الا خدادوستی و غیرت و اشتیاق آنان تحت تاثیر قرار نمیگرفت.

**تاثیر کتابها و تصاویر پست و موهن** - بسیاری از جوانان مشتاق کتاب هستند. آنان هر چیزی را که بدست بیاورند میخوانند. داستانهای عشقی مهیج و عکسهای ناپاک تاثیرات فاسد کننده ای بهمراه دارند. بسیاری داستانهای رمان را دنبال میکنند و بالتبلیغه پندار آنان آلوده میگردد. تصاویر عریان بوفور در حال فروش است. این تصاویر نفرت انگیز در استودیوهای عکاسی نیز یافت میشوند و بر دیوارهای کسانی که با نقاشی سر و کار دارند آویزان است. این دوره و زمانی است که فساد در هر جایی زاده میشود. شهوت چشم چرانی و اغراض فاسد با مشاهده کردن و خواندن بر انگیخته میشوند. دلها بواسطه تصورات به تباهی کشیده میشوند. ذهن با صحنه ها لذت میبرد که بدین سبب اغراض پست و نفسانی را بیدار میکند. این تصویرهای شرم آور با خیالات آلوده دیده میشوند و اخلاقیات را فاسد و بشر را فریفته و شیفته میگرداند تا افسار خود را به اغراض نفسانی بسپارد. آنگاه بدنبال گناه و فساد رفته و آن فرد که شبیه تصویر خدا خلق شده به سطح حیوان تنزل میکند و در مرگ روحانی مستغرق میسازد.

**هرزگی، گناهی خاص است** - تصویر دهشتناک وضعیت جهان را میبینیم. فساد اخلاقی به هر جا کشیده شده است. هرزگی در عصر ما گناه خاصی است. گناه هرگز هیبت زشت خود را اینگونه تا کنون نشان نداده بود. مردم بنظر کرخت و خرفت شده اند و دوستداران تقوی و زیندگی واقعی تقریباً با گستاخی و قدرت و نفوذ آن نومید گشته اند. رومیان ۱: ۱۸-۳۲ شرح واقعی جهان پیش از رجعت ثانی مسیح است.

این گناه است و نه رنج و زحمت که خدا را از امت خویش جدا ساخته و جان را از خشنود نمودن و جلال دادن او عاجز و ناتوان ساخته است. این گناه است که جان را نابود ساخته است. گناه و فساد در خانواده های رعایت کنندگان سبت وجود دارد.

**شیطان به جوانان حمله میکند** - در این ایام آخر این کار مخصوص شیطان است که افکار جوانان را تسخیر کند تا اذهان آنان را تباه ساخته و اغراض نفسانی را شعله ور سازد چرا که میدانند که با چنین کاری میتوانند افراد را به اعمال ناپاک هدایت کند و بموجب آن همه



استعدادهای شریف ذهن به پستی گرائیده و میتواند آنان را تحت کنترل خود در آورد تا مناسب برای اغراض و نیات او باشند.

**راهنمایی برای آینده جامعه -** جوانان امروز مطمئناً راهنماهای جامعه آینده خواهند بود و همچنانکه آنان را نظاره میکنیم چه امیدی به آینده داریم؟ اکثریت هوادار عیاشی هستند و از کار کردن بیزارند... آنان کنترل نفس کمی دارند و بهیچان آمده و در موارد بی اهمیت خشمگین میشوند. بسیاری در هر دوره و موقعیت زندگی فاقد اصول و یا وجدان هستند و با بیهودگی و عادات اسرافکارانه به جامعه فاسق و رو بگناه شتابانند تا اینکه دنیای ما سدوم دوم بشود. چنانچه علاقه ها و اغراض تحت کنترل عقل و دین در آیند جامعه سیمایی کاملاً متفاوت را ارائه مینمود. خداوند هرگز مقرر نمود که وضعیت اسفناک کنونی وجود داشته باشد. این وضعیت از طریق تخطی از قوانین طبیعت بوجود آمده است.

**مشکلات خودآزاری -** برخی که ادعای زیاد دارند گناه خود آزاری و نتایج مسلم آن را درک نمیکنند. عاداتهای شکل گرفته دراز مدت آنانرا از درک موضوع عاجز ساخته است. آنان گناه زیاد این خطای منحط کننده را درک نمیکنند.

جوانان و نوجوانان از هر جنسی که درگیر تباهی اخلاقی هستند و به اعمال نفرت انگیز مبادرت میورزند و جسم و روح خود را تباه میکنند. بسیاری از مسیحیان با این اعمال قدرت فکری خود را از دست داده اند و نمیتوانند درک کنند که این کار گناه است و چنانچه ادامه یابد نتیجه قطعی آن ویرانی قطعی جسم و روح خواهد بود. انسان شریف ترین موجود روی زمین که شبیه خدا آفریده شده خود را به حیوان متبدل ساخته است. او خود را زشت و فاسد ساخته است. هر فرد مسیحی مجبور است بیاموزد تا اغراض خود را محدود و کنترل نماید و با اصول تحت کنترل قرار گیرد. چنانچه چنین کند آنگاه شایسته است تا نام مسیحی را بر خود بگذارد.

آلودگی اخلاقی بیش از هر شرارتی کار خود را برای به پستی کشاندن نژاد بشر انجام داده است. این اعمال زنگ خطر را بصدا در آورده و هر نوع بیماری را بارمغان آورده است. حتی فرزندان کوچک و اطفال با آزردهی در اعضای جنسی بدنیا آمده اند و با لمس کردن احساس آسایش خاطر نموده که تنها آزردهی و سوزش را افزایش داده و تکرار این عمل تا جایی است که به عادت تبدیل میشود و در هنگام رشد آنان افزایش خواهد یافت.



**تمایلات شهوانی ارثی است-** والدین معمولا در باره این عیب از فرزندانشان آگاه نمیشوند. در بسیاری از موارد والدین گناهکاران واقعی هستند. آنان از امتیاز ازدواج خود سوء استفاده کرده و با افراط اغراض حیوانی خود را تقویت نموده اند. و همانطور که اینها تقویت میشوند استعدادهای اخلاقی و فکری تضعیف میشوند. کودکان با تمایلات حیوانی دنیا می آیند زیرا که نقش شخصیت والدینشان را بر خود دارند... فرزندی که توسط این والدین بدنی می آیند تقریبا بطور ثابت بطور طبیعی به این عادات نفرت انگیز فاسقانه ادامه میدهند... گناهان والدین در فرزندانشان یافت میشود زیرا که والدین تمایلات باطنی خود را به فرزندان خود به ارث داده اند.

**برده افسون شده-** اغراض حیوانی زنان و مردان را در زیر یوغ خود قرار داده است. آنان قادر به انجام کارهای نیک خواهند بود چنانچه بنده اغراض و تمایلات فرومایه نباشند. اعتماد به بشریت بطور دهشتناکی از بین رفته است.

نشان داده شده است که افرادی که بظاهر سلوک و منش خوبی داشته و خود را در گرو آزادی با جنس مخالف نمیدیده اند تقریبا هر روزه مخفیانه مبادرت به گناه ورزیده اند. آنان از این گناه هولناک خودداری نورزیده اند حتی در حالیکه جلسات بسیار رسمی در شرف انجام بوده است. آنان به سخنرانیهای جدی و گیرا در باره داوری گوش فرا داده اند- که آنان در محضر عدل الهی حاضر خواهند شد و باعث ترس و رعشه آنان شده است با این وجود یک ساعت هم نگذشته است که آنان درگیر گناه محبوب و محسور کننده خود میشوند و بدنهای خود را آلوده میسازند. آنان مانند برده هایی برای این جرم ترسناک بوده که بنظر از کنترل اغراض خود ناتوان بوده اند. برای برخی متحمل زحمت شده ایم- از آنان استدعا کرده ایم- برای آنان گریسته و دعا کردیم- با این وجود میدانستیم که در این میانه تلاش و محنت زیاد- زور و قدرت عادت گناه آلود سلطه یافته است و این گناهان مرتکب گردیده اند.

**دانش این گناه با قربانیهای آن منتشر شده است-** آنانیکه کاملا در این گناه نابود کننده جسم و روح فرو رفته اند بندرت میتوانند آرامش بیابند تا اینکه بار سنگین شرارت نهانی به کسانی که با آنان در رابطه هستند بیان شود. حس کنجکاوی بر انگیخته میشود و دانش گناه از یک جوان به جوان دیگر منتقل میشود و از کودکی به کودکی دیگر تا اینکه ندرتا کسی از این گناه منحط بی اطلاع باشد. یک ذهن منحط میتواند بذرهایی شرارت را در مدت کوتاهی بکار که



جمعیت بسیاری در تمام طول زندگی از ریشه در آوردن آن عاجز میمانند. ضرب المثل شیرین پارسی نیز میگوید: یک دیوانه سنگی را در چاه می اندازد که چهل فرد عاقل از بیرون در آوردن آن عاجزند.

## فصل شصت و نهم

### تأثیرات اعمال مضر

**تحلیل نیروی زندگی** - عادات پنهانی مسلما قوای حیاتی سیستم را تحلیل میدهد. همه فعالیت‌های غیرضروری به افسردگی می انجامد. در میان جوانان به نیروی حیاتی مغز در دوران شباب بشدت فشار آورده میشود که ناکارائی و خستگی مفرط را به همراه داشته و سیستم را در معرض بیماریهای گوناگون قرار خواهد داد.

**شالوده ای برای بیماریهای گوناگون در زندگی آینده ریخته میشود** - اگر این اعمال از سنین پانزده سالگی به بالا انجام شود طبیعت بر ضد سوء استفاده معترض میشود و رنج میکشد و آنان مجبور خواهند شد تا توان سرپیچی از آن را بپردازند خصوصا از سنین سی تا چهل و پنج سالگی با دردهای زیاد در سیستم با بیماریهای گوناگون از قبیل ابتلاء کبد و ریه ها - دردهای عصبی - روماتیسم - دردهای ستون فقرات - بیماریهای کلیه - و بافت های سرطانی. برخی از دستگاههای ظریف بدن مجبور به انجام وظایف سنگینتری میشوند که اختلال بوجود می آورند و اغلب از کار افتادگی ناگهانی در ساختمان طبیعی بوجود آمده و مرگ را در پی می آورد.

**فرمان ششم از روی بیفکری نقض میشود** - جان کسی را آنی گرفتن از نظر ملکوت بزرگتر از ویرانی قطعی و تدریجی نیست. اشخاصی که با خطاکاری برای خویشتن تباهی می آورند از توان آن رنج خواهند برد و بدون توبه واقعی زودتر از کسی که بطور آنی زندگی خود را از بین میبرد اجازه ورود به ملکوت را ندارند. اراده خدا رابطه بین علت و معلول را ایجاد میکند.



**کسانی که افکار سالم دارند نیز در معرض بیماری هستند-** ما همه جوانانی را که برای عادات اشتباه مقصرند را به حساب نمی آوریم. کسانی هستند که دارای افکار سالم و باوجدان و وظیفه شناس هستند و بخاطر عواملی که خود آنرا نمیتوانند کنترل کنند رنج میبرند.

**قدرتهای ذهنی ضعیف میشوند-** والدین افراطی و شیفته با فرزندان خود دلسوزی میکنند زیرا باور غلط دارند که مصلحت نیست تا ذهن جوانان را با مطالعات سخت و سنگین پر نمود و سلامت آنان را بخطر می اندازد. ولی ای والدین آیا به این موضوع عمیق تر نگاه نکرده اید که صرفا ایده پیشنهادی فرزند خود را میپذیرید؟ آیا به دلیل داده شده توسط آنان بخاطر بی میلی و تنبلی آنان خیلی ساده انگار و ساده لوح نبوده اید؟ این وظیفه سرپرستان و والدین است که به سطوح زیرین برای یافتن علت نگاه کنند.

اذهان برخی از این فرزندان چنان ضعیف شده است که از نیمی یا یکسوم هوش و ذکاوت خود استفاده میکنند. آنان ذکاوت خود را برای خودآزاری به بیرون ریخته اند.

**تصمیم عالی و زندگی روحانی ناپود گردیده است-** گناه پنهانی ویران کننده تصمیمات عالی - تلاشهای بی شائبه - و قدرت اراده برای ایجاد یک شخصیت مذهبی خوب هستند. همه کسانی که دارای حس واقعی هستند از آنچه که شامل مسیحی بودن میشود- میدانند که پیروان مسیح و حواریون او تحت التزام هستند تا همه احساسات و توان جسمی و استعدادهای ذهنی را تحت تبعیت کامل برای اراده او در بیاورند. کسانی که با احساسات و اغراض خود کنترل میشوند نمیتوانند پیروان مسیح باشند. آنان بیش از حد خود را وقف خدمت به ارباب نفس خود نموده اند که بانی هر گونه شرارت است و باید از عادات فاسد خود دست کشیده و خدمت به خدا را انتخاب کنند.

**مذهب ممکن است تشریفاتی باشد ولی چیزی را کم دارد -** کسانی که خود را پیروان مسیح مینامند میدانند که برضد خدا گناه میورزند و سلامت خود را تباه کرده اند با این وجود برده اغراض فاسد خود هستند. وجدان آنان تقصیر را حس میکند و تمایل کمتر و کمتری در دعاهای پنهانی نسبت به نائل شدن بخدا دارند. آنان ممکن است که شکلی از دینداری داشته باشند ولی در قلوب خویش از فیض خدا تهی هستند. آنان برای خدمت به او اخلاص و





فداکاری ندارند و به او اعتماد ندارند و در جلال او زندگی نمیکنند و از اوامر او خشنود نیستند و از او محظوظ نیستند.

**قدرت استقلال بنظر از دست رفته است-** برخی به افراطگراییهای شیرانه گناه آلود اعتراف میکنند با این وجود با گفتن اینکه نمیتوانند بر اغراض خود غلبه یابند عذر و بهانه می آورند. این پذیرفتن هولناکی است برای فردی که نام خود را مسیحی میگذارد. "هر کسی که نام مسیح را بر خود نهاده باید از بی انصافی دوری گزیند" چرا این ضعف نامیده میشود؟ بخاطر این است که تمایلات حیوانی با تمرین تقویت شده اند تا اینکه به قدرتهای بیشتری نائل گردیده اند. مردان و زنان فاقد اصول هستند. آنان مرگ روحانی دارند زیرا برای مدتها خواسته های طبیعی خود را برآورده کرده اند و از اینرو قدرت استقلال و حکمیت خود را از دست داده اند. اغراض پست آنان حکمرانی میکند و آن قدرت حاکمه در خدمت اغراض فاسد است. جان در اسارت و پستی افتاده است. شهوانیت میل برای قدوسیت را از بین برده و توفیق روحانی را به پژمردگی کشانیده است.

**ارتباط با ملکوت قطع گردیده است-** پیامهای جدی از آسمان نمیتواند به اجبار به قلبی که بر علیه فسق و فجور و گناه مستحکم نشده است اثر بگذارد. تارهای عصبی حساس مغز آهنگ سالم خود را با هیجانان ناسالم از دست داده اند تا خواهشهای غیر طبیعی را برای هوسرانی ارضا نمایند. تارهای عصبی که با کل سیستم ارتباط برقرار میکنند تنها رسانه ای هستند که بواسطه آن ملکوت میتواند با بشر ارتباط برقرار کند و زندگی او را تحت تاثیر قرار دهد. هر چه که گردش جریان الکتریکی در سیستم عصبی را مختل میکند قوای حیاتی را تحلیل داده و نتیجه بی حسی حساسیتهای ذهن است. در ازای این واقعیتها چقدر مهم است که خادمان و مردمی که مدعی خداشناسی هستند قائم بایستند و از لکه گناه پست کننده جان خود را پاک کنند.

**برخی نادم و اندوهناک هستند ولی عزت نفس از دست رفته است-** اثرات چنین عادات منحطی در همه ذهنها مشابه نیست. بعضی کودکان هستند که قدرتهای اخلاقی آنان بطور وسیعی رشد نموده ولی وقتی با کودکانی که خودآزاری میکنند ارتباط برقرار میکنند قدم در این گناه بر میدارند. تاثیر بر چنین افرادی میتواند مالیخولیا - زود رنجی و تحریک پذیری و حسادت باشد با اینحال این قبیل احترام خود را از عبادت مذهبی از دست نداده و در رابطه با



امور روحانی بد عهدی از خود نشان نمیدهند. آنان گهگاهی از احساس ندامت رنج میبرند و در نظر خود به انحطاط و پستی گرائیده اند و مناعت طبع را از دست میدهند.

**ذهن میتواند در برابر وسوسه ها محسور شود-** قدرت اخلاقی وقتی که با عادت‌های شکل گرفته در ستیز می افتد بحد زیادی ضعیف میشود. افکار ناپاک تصورات را تحت کنترل خود دارد و در مقابل وسوسه ها نمیتوان تقریباً مقاومت نمود. اگر ذهن به اندیشه هایی متعالی خو گرفته باشد تصورات طوری پرورش می یابد که پاک و مقدس باقی بماند و در برابر وسوسه ها محسور و مستحکم خواهد ماند. و تا دم آخر ملکوتی و پاک و مقدس باقی خواهد ماند و مجذوب چیزهای پست و فاسد و شرم آور نخواهد شد.

**در این امور هشیار باشید-** زیاد روی در اغراض پست باعث میشود که بسیاری چشمان خود را بروی نور هدایت ببندند چرا که هراس دارند که گناه را ببینند زیرا که از ترک گناه بی میل هستند. فقط چیزهایی را میبینند که بخواهند. اگر تاریکی را بر نور انتخاب کنند چیزی جز تباهی نصیب خود نمیکند. چرا مردان و زنان نمیخوانند تا در باره این امور هوشیار شوند که بطور قطعی بر قوای اخلاقی و فکری و جسمی آنان تاثیر بگذارد؟ خداوند به شما قلمروی داده تا از آن مراقبت و آن را در بهترین وضعیت برای خدمت و جلال او حفظ کنید. بدنهای شما متعلق به شما نیستند. " آیا هنوز نمیدانید که بدن شما مسکن روح القدس میباشد که او را خدا بشما عطا کرده است؟ آیا نمیدانید که روح القدس در وجود شما زندگی میکند؟ پس بدن شما از آن خودتان نیست. خدا شما را به بهایی گران خریده است پس تمام اعضای بدن خود را متقابلاً برای نشان دادن جلال و عظمت خداوند بکار برید چون او صاحب بدن شماست<sup>51</sup>".

## فصل هفتاد

### احتیاطات و مشاوره ها

**بسیاری از موارد آشکار گردیده است-** بسیاری از موارد نزد من<sup>52</sup> آورده شده است و نظر به اینکه چشم اندازی از زندگی باطنی آنان داشته ام جانم بیمار گشته است و از بشریت رو بفساد



کشیده شده ای که مدعی دینداری است منجر گردیده ام. من بوفور از خود پرسیده ام به چه کسی میتوان اعتماد داشت؟ چه کسی از بی انصافی و شرارت آزاد است؟

از وضعیت خانواده های مدعی حقیقت شناس به وحشت افتادم. هرزگی جوانان و حتی کودکان باور نکردنی است. والدین نمیدانند که گناهان پنهانی، تصویر خداوند را در فرزندانشان نابود بد شکل میکند. گناهایی که از سدومیان توصیف شده بود در میان آنان موجود است. والدین مسئول هستند چرا که فرزندانشان را تربیت ننموده اند تا خدا را دوست داشته و از او اطاعت کنند. والدین فرزندان خویش را مقهور و مطیع نساخته اند و با سختکوشی راه خدا را به آنان تعلیم نداده اند. والدین به فرزندان خویش اجازه داده اند تا هر وقت که دلشان خواست بروند و بیایند و با دنیاپرستان دمخور شوند. این تاثیرات دنیوی که با تعلیم و اقتدار والدین تناقض دارد باصطلاح رابطه اجتماعی خوب نامیده میشود. آنان با لباس و قیافه و ظاهرنمایی ها خود را با فضایی که در صِدیت با مسیح است محاط نموده اند.

تنها مامن و ملجای ما این است که مانند قوم خاص خداوند پابرجا بایستیم. ما نباید حتی مقدار کمی نسبت به رسوم و مدهای این دوران وانفسا و منحط عقب نشینی کنیم بلکه در استقلال اخلاقی راست قامت بوده و با اعمال فاسد و کفر سازش نکنیم.

**افراد نادان باید به روشنگری برسند** - مسئله ای نیست که چقدر فرد مدعی ایمان باشد -

کسانیکه تمایل به ارضای هوی و هوس هستند نمیتوانند مسیحی نامیده شوند. بعنوان خادمان مسیح کار و فکر و سرگرمی آنان باید مرکب از چیزهای عالیتری باشد. بسیاری از این عادات گناه آلود و برخی نتایج آن ناآگاهند. و باید نسبت به آن آگاه شوند.

**کسی که برای شفا درخواست دعا دارد** - یکبار در جلسه ای شرکت جستیم که برای برادری که

از بیماری سل رنج میرد همدردی کنیم. او رنگ پریده و نحیف بود. او از قوم خدا التماس دعا داشت. او گفت که خانواده اش بیمار بوده اند و بدین خاطر فرزندی را از دست داده است. او از احساسات داغدارانه اش سخن میگفت. او گفت که برای مدتی در انتظار دیدن برادر و خواهر وایت بوده است. او ایمان داشت که اگر آنان برایش دعا کنند او شفا خواهد یافت. پس از اینکه جلسه خاتمه یافت برادران توجه ما را نسبت به این مورد جلب کردند. آنان گفتند که هنگامی که همسرش بیمار بوده کلیسا به آنان کمک کرده است و فرزندش درگذشته است. برادران در



خانه او گرد آمده و بطور متحد برای آن خانواده مصیبت زده دعا کردند. در خلال جلسه از بار سنگینی که بر دشمنان گذاشته شده بود هلاک و درمانده شده بودیم و خواهان این بودیم که عذرمان را بپذیرند. من تصمیم گرفته بودم تا خود را درگیر دعا برای کسی نسازم مگر اینکه روح خدواند چنین امر کند...

آنشب برای دعا سر خم کرده و مورد او را نزد خدا بردیم. و از خدا خواستیم تا اراده او را در مورد فرد بیمار جویا شویم. همه خواسته ما این بود که خداوند جلال یابد. آیا خداوند میخواهد تا برای این مرد رنجور دعا کنیم؟ بار مسئولیت را به خدا واگذار کردیم و بکناری نشستیم. در رویا مورد آن مرد بوضوح هویدا گردید. جریان زندگی او از کودکی تا حال نشان داده شد و اگر دعا میکردیم خداوند دعای ما را نمیشنید چرا که شرارت را در قلب او دیده بود. صبح روز بعد آن مرد آمده تا برایش دعا کنیم. او را بکناری برده و به او گفتیم که از دعا کردن برای او معذوریم. من رویای خود را به او بازگو کردم و او درستی آنرا تایید کرد. او از پسرپچی تا بحال مرتکب خودآزاری نفسانی شده بود و آنرا در دوران زندگی زناشویی خود ادامه داده بود ولی گفت که تلاش خواهد کرد تا از این عمل شنیع دست بردارد. این مرد عادت طولیل المدتی داشت که باید بر آن غلبه می یافت. او در سن میانسالگی بود. اصول اخلاقی او چنان ضعیف بود که غلبه بر آن عادت طولانی مدت سخت بود...

در اینجا مردی را شاهد بودیم که خود را روزانه پست کرده بود و با این وجود جسارت داشت تا به حضور خدا برود و تمنای بازیافتن قوت داشت که آنرا در پستی به تحلیل برده بود و چنانچه درخواست او پذیرفته میشد او این قوت را برای هوای نفسانی خود بکار میبرد. خداوند چه صبر و تحملی دارد! چنانچه خداوند مطابق با راههای فاسد انسان سریعاً مقابله میکرد چه کسی زنده میماند؟ چطور میشد اگر ما کم احتیاط بودیم و مورد او را نزد خدا میبردیم در حینیکه او به شرارت خویش ادامه میداد آیا خداوند دعا را میشنوید؟ آیا خداوند جواب میداد؟ "تو خدایی نیستی گناه را دوست بداری و شرارت را تحمل کنی. تو تحمل دیدن متکبران را نداری و از همه بد کاران نفرت داری"<sup>53</sup>.

این یک مورد خاص نیست. حتی رابطه زناشویی کفایت نمیکرد تا این مرد را از عادات زشت جوانی بر حذر دارد. یککاش متقاعد میشدم که این قبیل موارد که یک نمونه از آنرا ارائه نمودم کمیاب بودند ولی میدانم که بسیارند.



**قاتل خویشتن -** یک مردی مدعی پیروی از مسیح بود. او رو بموت و نحیف بود. فرا خوانده شدیم تا برایش همدردی کنیم... مورد او در رویا بمن نشان داده شد. او خود را فریب میداده است و توجه و عنایتی نسبت به خدا ندارد. او خودآزاری نفسانی را تا حدی پیش برده تا اینکه بشریت او تباه گردیده بود. این گناه بعنوان عملی شنیع در دیدگاه خدا بمن نشان داده شد.

او به این عادات را بمدتی طولانی پرداخته بود تا اینکه کنترل خویش را از دست داده بود. او بطور طبیعی مردی با ذکاوت و هوشمند بود و بیش از معمول توانایی داشت. ولی چگونه قدرت و توانایی جسمی و ذهنی او تحت تسلط شیطان قرار گرفته بود و او را قربانی کرده بود!

این مرد تا بدانجا پیش رفته بود که بنظر خدا رهایش کرده بود. او به صحرا رفته و روز و شب خود را در روزه و دعا سپری کرده بود تا بر این گناه کبیره فایق آید و آنگاه دوباره به عادات کهنه خود باز میگشت. او بار نزد خدا پیمان بسته بود و پیمان خود را شکسته و خود را در اغراض نفسانی خویش رها میکرد تا اینکه خداوند او را رها کرده تا ویران شود. او از آن موقع مرده بود. او قاتل خویش بود. پاکی ملکوت با حضور تبهکارانه او هرگز تباه نخواهد گردید.

**درخواست از یک دختر فاسق.** (توجه: اینها خلاصه ای از نامه ای است به یک دختر خود را می که به گناه پنهانی میپرداخت) - ذهن تو ناپاک است. تو در کل مدتهاست که به پستی گرائیده ای. کارهای خانه یکی از پربرکت ترین کارهایی بوده است که میتوانستی انجام بدهی. خستگی نمیتوانست یکدهم افکار و اعمال شهوت انگیز به تو آسیب برساند. تو برداشت ناصحیحی را از رابطه دخترها و پسرها داشته ای و از مشارکت با پسرها لذت میبری. تو در ذهن و دل پاک نیستی. تصورات و خیالهای تو به فساد و تباهی گرائیده است تا اینکه بنظر میرسد که قدرتی برای کنترل افکارت نداری. شیطان آنگونه که دوست دارد تو را هدایت میکند...

رفتار تو عفیف و محجوب و مناسب نبوده است. تو از خدا ترسی نداشته ای. بارها براههای منحرفانه رفته ای تا برنامه هایت را کامل کنی و به ذهنیت و وجدان خود تجاوز کرده ای. دختر عزیز اگر از این رفتار دست نکشی مسلما تباه خواهی شد. از خیال و وهم دست بردار و قصرهای خیالی نساز. از افکار و اوهامات ابلهانه و منحرفانه ای که ترا به مسیر ویرانی میکشاند دست بردار.



تو نمیتوانی در کنار پسران در امان باشی. موج و سوسه ها در سینه ات بحرکت در می آید و تمایل به ریشه کن کردن اصول و پاکدامنی و عفت زنانه و حجب و حیای واقعی دارد. اگر به راه خودسرانه و سرسختانه خود بروی چه سرنوشتی در پیش رو خواهی داشت؟ تو در معرض خطر هستی و در نقطه ای قرار داری که در مذبح هوی و هوس حیات اخروی خود را قربانی کنی. احساسات و غرایض میتواند تمامی زندگی را تحت کنترل خود در آورد - ولی به چه قیمت و کیفیتی؟ که از اساس طبیعت بشری را به نابودی بکشاند. با تسلیم شدن به آن زندگی والدین خود را تلخ خواهی کرد و غم و شرمساری را برای خواهران خود آورده و شخصیت خود را قربانی میکنی و ملکوت و زندگی پر جلال ابدی را از دست خواهی داد.

تو گستاخ شده ای. تو عاشق پسرها هستی و دوست داری که همیشه پسرها را موضوع صحبت خود کنی. "سخنان انسان نشان دهنده باطن اوست"<sup>54</sup>. عادتها قدرتمند شده و کنترل تو را بدست خواهند گرفت و یاد گرفته ای تا فریب بدهی تا اینکه به مقاصد و خواهشهای خود دست پیدا کنی. مورد تو مورد نومید کننده ای نیست و اگر چنین بود قلم به زحمت نمی افتاد. با قوت خدا میتوانی گذشته را بازیابی کنی...

**از پسرها دور باش.** در جمع آنان و سوسه های تو پرشورتر و قدرتمند تر خواهد شد. ازدواج را از ذهن دخترانه خودت دور کن. زیرا که الان آماده نیستی. تو به سالها تجربه نیاز داری تا وظایف و بارهای مسئولیتی را که باید بر دوش بکشی درک کنی. مثبت اندیش باش و بطور قطعی از افکار و احساسات و علایق خود محافظت کن. از این ها تنزل نکن تا بخدمت شهوات در آیی. آنها را در پاکی متعالی بساز و به خدا وقف کن.

تو میتوانی یک دختر احتیاط کار و متین و پاکدامن بشوی ولی بدون پشتکار و تلاش بدان نائل نخواهی شد. باید مراقب باشی، باید دعا کنی، باید تعمق کنی، باید انگیزه ها و اعمال خود را مورد تفتیش و بررسی قرار بدهی. از نزدیک و با دقت احساسات و کردار خود را بررسی کن. آیا در حضور پدر خود به چنین کردارهای ناپاکی میپردازی؟ در واقع نه. ولی تو در حضور پدر آسمانی مرتکب چنین اعمالی میشوی کسیکه بیش از این متعالی و مقدس و پاک است. آری تو جسم خود را در حضور فرشتگان معصوم و پاک و در حضور مسیح تباه می کنی و به این کار ادامه میدهی صرف نظر از وجدان و بدون در نظر گرفتن نور هدایت و همداری که بتو



داده شده است رفتار میکنی. بیاد داشته باش که تمام کردار تو ضبط خواهد شد. تو باید با نهانی ترین چیزهای زندگی مقابله کنی...

مجدداً به تو هشدار میدهم. بدون تاخیر خود را به مسیح تسلیم و ارزانی کن او بتنهایی با قدرت فیض خویش میتواند ترا از تباهی رهایی بخشد. او بتنهایی میتواند قدرتهای ذهنی و اخلاقی ات را در وضعیت سالم درآورد. با محبت خداوند دلگرم خواهی شد و فهم تو شفاف و بالغ خواهد شد و ضمیر و باطن تو روشن و سریع و پاک خواهد گردید و اراده تو درست و مقدس خواهد بود و تحت کنترل روح خدا قرار خواهد گرفت. تو میتوانی خود را آنطور که انتخاب میکنی بسازی. اگر میخواهی چهره ای درست داشته باشی به شرارت پایان بده و یاد بگیر که چگونه درستکار باشی آنگاه بواقع شادمان خواهی بود. در کشمکشهای زندگی موفق خواهی شد و در زندگی بهتری جلال و حرمت خواهی یافت. "انتخاب کن که خادم چه کسی باشی"<sup>55</sup>

**وقتی که والدین در خوابند شیطان کار میکند-** این دوره زودگذری است. پسرها و دخترهای کوچک از زمانی که در مهدکودک هستند به یکدیگر توجه میکنند. تاثیر این اختلاط چه خواهد بود؟ آیا عفت و نجابت وقتی که با هم مخلوط هستند افزایش می یابد؟ در واقع نه! اولین غرایض شهوانی افزایش می یابد. پس از چنین جلساتی جوانان توسط شریر دیوانه میشوند و خود را برای اعمال شرم آور رها میکنند.

والدین در خوابند و نمیدانند که شیطان بیرق جهنمی خود را در خانه هایشان نصب کرده است. تکرار میکنم والدین در خوابند. کودکان با احساسات شیدایی سحر شده اند و حقیقت قدرت ندارد تا خطا را اصلاح کند. چه میتوان کرد تا از یوغ شیطان رها شد؟ والدین اگر بخواهند میتوانند خیلی کارها کنند.

اگر دخترچه ای وارد مرحله بلوغ و نوجوانی بشود و توسط پسر همسن یا بزرگتر از خود آشنا شود به او باید یاد داده شود تا مراقب باشد تا به مراحل دیگری کشیده نشود. وقتی مشارکت دختران بطور فراوان توسط پسران و یا مردان جوان زیر نظر گرفته شود اشکالی باید وجود داشته باشد. آن دختر جوان به مادری نیاز دارد تا جایگاه او را بوی نشان دهد و او را محدود و مقید سازد و باو نشان دهد که چه چیزهایی مناسب دختری در سن و سال اوست.



اصول تباه کننده چنین متداول نموده است که از نقطه نظر بهداشتی جنسهای مختلف باید با هم در آمیزند - ولی این کار بد و شیعی است. وقتی والدین و سرپرستان یکدهم موذی گری شیطان را فاش سازند آنگاه انجمن جنسهای مختلف تقریباً بی خطر خواهد بود. آنطور که هست شیطان در تلاشهای خویش کامیاب است تا اذهان جوانان را فریفته و اختلاط پسران و دختران تنها شرارت را بیشتر افزایش میدهد.

**صورت کلی از یک تصویر -** خود را فریب ندهید که پس از این همه گفتگو این موضوع بطور اغراق آمیزی گفته شده است. شما صورت کلی از یک تصویر را میبینید. واقعیت ها در این باره اظهار گردیده است. بیدار شوید! بیدار شوید! به شما استدعا میکنم قبل از اینکه بیش از حد برای اصلاح اشتباهات دیر شده باشد و نکند که شما و فرزندان در ویرانی هلاک گردید. کار را جدی بگیرید و برای کمک گیری از هر پرتوی از نورهدایت که مسیر پیش رویتان را روشن میکند و قدر دادن آن نبوده اید استفاده کنید و از نوری که هم اکنون بر شما تابیده است زندگی و شخصیت خود را تفحص کنید گوئی که در دیوان عدالت خداوند ایستاده اید. هیچ امیدی برای فرزندان نخواهد بود مگر اینکه والدین از خواب خرگوشی بیدار شوند.

## فصل هفتاد و یکم

### مراقبتهای والدین و کمک

**والدین خویشتنداری و کنترل نفس را از طفولیت تعلیم دهند -** چقدر اهمیت دارد که فرزندان خود را به خویشتنداری از اوان طفولیت تعلیم دهیم و به آنان بیاموزیم که مطیع ما باشند. اگر بد اقبال بوده تا عادات بد را بیاموزند و نتایج شرارت را ندانند آنان میتوانند با عقل و استدلال خود را اصلاح کنند و خود را متقاعد سازند که این عادات ساختار آنان را تباه و بر ذهنشان تاثیر میگذارد. ما باید به آنان نشان دهیم که هر قدر از ترغیبهای شخصی فاسد استفاده کنند ترس های برانگیخته شده را خاموش ساخته و آنان را به افراط به عادات مهلک هدایت میکند و هر قدر هم تظاهر کنند آنان دشمن خودشان بوده و نمایندگان اهریمن خواهند بود.





**آنان را پاک نگاهدارید و اذهانشان را تقویت کنید-** مادران تقصیر کار خواهند بود اگر بخود اجازه دهند تا در چهل و نا آگاهی در خصوص عادات فرزندانشان باقی بمانند. اگر پاکدامن هستند آنان را همانطور حفظ کنید. ذهنهای جوان آنان را تقویت کنید و آنان را آماده سازید تا از این نقص گناه آلود ویران کننده سلامتی و جان بیزار باشند.

شیطان اذهان جوانان را کنترل میکند و باید ثابت قدم و با ایمان کار کنیم تا آنان را نجات دهیم. نوجوانان و کودکان به چنین گناهی میپردازند و با آنان در طی سالها رشد کرده و قوی میشود تا اینکه خصایل شریف جسم و جان به انحطاط و پستی گراید. بسیاری میتوانند نجات یابند چنانچه بدقت در باره اثرات این عمل بر ذهن آنان راهنمایی گردند. آنان از این حقیقت ناآگاه بودند که چه رنج و مصیبتی برای خود بیار می آورند...  
مادران شما میتوانید کودکان خود را از این کردار پست بشدت مراقبت کنید. پیشگیری ساده تر از علاج است.

**با عزم راسخ نظارت کنید و از نزدیک امور را بازبینی کنید-** اگر فرزندان شما به این گناه مبادرت ورزند در خطر توسل به دروغ گفتن و فریب دادن شما خواهند بود. ولی مادران نباید آسان بگیرد و خاموش باشید و سرکشی های خود را متوقف سازید. نباید براحتی از موضوع بگذرید تا اینکه خیالتان کاملا آسوده شود. سلامت و جان کسانی که دوست دارید در خطر است که این موضوع را مهمترین موضوع میسازد.  
نظارت مصمم و بازبینی از نزدیک بدون توجه به کوشش برای طفره رفتن و پنهان ساختن بطور کلی وضعیت واقعی مورد را آشکار میسازد. آنگاه مادر باید با ایمان این موضوع را با آنان بطور روشن در جریان بگذارد و بانان گرایش انحطاط کننده را نشان دهند. سعی کنید تا آنان را متقاعد سازید که افراط در این گناه عزت نفس و شرافت شخصیت را نابود ساخته و سلامت و اخلاقیات را به تباهی میکشاند و لکه ننگ آن محبت واقعی برای خدا و زیبایی مقدسانه را به تباهی میکشاند. مادر باید این موضوع را پیگیری کند تا اینکه به اندازه کافی متقاعد شود که آن عمل خاتمه یافته است.

در شروع از سرزنش و شتاب پرهیز کنید- شما میتوانید جویا شوید که چطور میتوان شرارتهای موجود را بر طرف ساخت؟ چگونه کار را باید شروع کرد؟ اگر به حکمت نیاز دارید نزد خدا



بروید و او وعده داده تا وسعت نظر عطا نماید. با شور و حرارت زیاد برای استمداد الهی دعا کنید. یک قانون نمیتواند برای همه موارد اعمال شود. ممارست برای داوری مقدسانه ضروری است. شتابزده و سراسیمه فرزند خود را نکوهش نکنید. این طریق تنها آنانرا به طغیان و سرکشی وامیدارد. باید عمیقا بیندیشید که مسبب چه چیزی شده اید که فرزندان به خطا رفته و درب را برای وسوسه های شیطان گشوده است. اگر در رابطه با تخطی از قوانین بهداشتی آنانرا راهنمایی نکرده اید آنگاه شما تقصیر دارید و باید سرزنش شوید. شما از وظیفه مهم کوتاهی کرده اید چرا که نتیجه آن در کردار اشتباه فرزندانتان دیده میشود.

**راهنمایی با متانت و همدردی-** قبل از اینکه در کار تعلیم فرزندان خود در آید به آنان درس پرهیزگاری و کنترل نفس بدهید و خود نیز باید آن را فرا گیرید. اگر براحتی آشفته و بی تاب میشوید در حینیکه آنان را راهنمایی میکنید تا احساسات خود را کنترل کنند چگونه میتوانید نسبت به فرزندان رفتار معقول داشته باشید؟ با متانت و آرامش و احساس همدردی و ترحم باید به فرزندان خطاکار خود نزدیک شوید و صادقانه به آنان بگویید که چنانچه به آن مسیری که شروع کرده اند ادامه دهند مسلما بنیه خود را تباہ خواهند کرد - همانطور که جسم و ذهن خود را تضعیف میکنند همینطور اخلاقیات فاسد میشوند و آنان نه تنها بر علیه خودشان گناه میورزند بلکه بر ضد خدا عصیان میکنند.

شما باید کاری کنید تا احساس کنند که آنان بر علیه خدای پاک و قدوس گناه میورزند که آن تفتیش کننده بزرگ قلوب از این خط سیر آنان ناخشنود است و هیچ چیزی از او پوشیده نیست. اگر بتوانید آنچنان فرزندانان را تحت تاثیر قرار بدهید تا توبه را که مقبول نظر خداست عملی سازند. حزن مقدس توبه آنان را به رستگاری رهنمون میسازد- کاری که تمام و کمال است و اصلاح در آن قطعی میباشد.

آنان تنها بخاطر گناہانی که هویداست محزون نخواهند شد بلکه کردار گنه آلود خود را در خصایل زشت خود خواهند دید و بسوی خدا هدایت شده تا به آن بدون استتیا اعتراف نمایند و آنها را ترک خواهند نمود. آنان احساس خواهند کرد که برای مسیر اشتباه خود تاسف بخورند زیرا خدا را ناخشنود ساخته اند و بر علیه او گناه ورزیده اند و بدنهای خویش را در مقابل کسی که آنان را آفریده بی حرمت ساخته اند. خداوند آنان را ملزم ساخته تا بدنهای خویش را قربانی زنده ساخته و مقدس باشند تا نزد او مقبول گردند چرا که این وظیفه عاقلانه آنان است.



**روابط فرزندان خود را کنترل نمایید-** اگر افکار فرزندانمان با اصول روحانی محکم و متعادل نباشد اخلاق آنان با سرمشقهای تبهکارانه در روابط با دیگران فاسد خواهد گردید.

مانند مادران مومن و صادق از فرزندان خود در برابر روابط با همشینیان بد محافظت کنید. آنان را مانند جواهرات گرانبها از تاثیرات فاسد زمانه بدور نگاه دارید. اگر در وضعیتی قرار دارید که مرادات آنان با همقطاران جوان همیشه نمیتواند تحت تسلط قرار گیرد- آنگونه که دوست دارید- آنگاه اجازه دهید تا آنان در حضور شما بیدار فرزندانتان بیابند و به این رفقا اجازه ندهید که در یک تخت یا حتی اتاق با هم بیتوته کنند. جلوگیری از شرارت و خسران بسیار ساده تر از درمان واپسین خواهد بود...

والدین به فرزندان خود اجازه دهید تا به ملاقات دوستان و آشنایان خود بروند و حتی از دور مراقب آنان باشید. شیطان از همه فرصتها استفاده کرده تا کنترل اذهان فرزندان را که مادرانشان از روی بیخبری خود را در معرض دام حيله گرانه او قرار میدهند در دست بگیرد.

**رژیم غذایی مهم است-** شما نمیتوانید حس تشخیص فرزندانتان بر بر انگیزانید در حالیکه مراقب انتخاب غذای آنان نیستید. سفره هایی را که والدین معمولاً برای فرزندانشان آماده میکنند برایشان دامی بیش نیست.

والدین آسانگیر به فرزندان خود پرهیزگاری و کنترل نفس را نمی آموزند. همان غذایی را که در مقابل آنان قرار میدهند بگونه ای است که معده را آزار میدهد. شور و هیجان بوجود آمده با مغز گفتگو میکند و بالنتیجه غرایض نفسانی بروز مینماید. باز هم تکرار میشود که هر چه به شکم میرود نه تنها بر جسم اثر میگذارد بلکه نهایتاً ذهن را نیز متاثر میسازد. غذاهای محرک و ناخالص خون را بقلیان می آورد و سیستم عصبی را تحریک میکند و اکثر اوقات ادراک اخلاقی را رکود میبخشد بدین سبب عقل و ضمیر با انگیزه های نفسانی مغلوب میشود. برای کسیکه در رژیم غذایی بی اعتدال است مشکل یا تقریباً ناممکن است تا شکیباً بوده و پرهیزگاری را ممارست ورزد. از این سبب اهمیت خاص دارد تا به فرزندان که خصلتهایشان هنوز شکل نگرفته است تنها خوردن غذاهای سالم و غیر محرک مجاز شمرده شود. این محبت خدا بود که نور هدایت و سلامت را فرستاد تا ما را اصلاح کند و از شرارتیهایی که نتیجه آن تن آسایی و افراط لجام گسیخته در خوراک است مهار سازد.



اگر زمانی برای ساده ترین نوع رژیم غذایی باشد آن زمان همین حالاست. گوشت نباید در مقابل فرزندان ما قرار بگیرد. اثرات آن تحریک کردن و تقویت اغراض نفسانی است و گرایش به بی حس کردن قوای اخلاقی و معنوی را دارد.

**اهمیت نظافت و پاکیزگی** - حمام مداوم بسیار سودمند است مخصوصا در شب تنها قبل از استراحت یا پس از برخاستن از خواب. تنها چند دقیقه بیشتر نیازی نیست تا کودکان خود را حمام کنید تا اینکه پوستشان گل بیندازد. این عمل خون را به سطح میرساند و مغز را آسایش میبخشد و تمایل کمتری برای اعمال ناپاک خواهد بود. به فرزندان کوچک خود بیاموزید که خدا از بدنهای کثیف و ژولیده و لباسهای مندرس آنان خشنود نمیشود. به آنان بگوئید که خداوند از آنان میخواهد که در باطن و ظاهر پاک باشند تا اینکه در وجودشان ساکن گردد.

**لباسهای آزاد و تمیز** - داشتن لباسهای مرتب و تمیز یکی از راههای نگهداری افکار پاک و خوش طبع است. هر قسمت از لباس باید ساده و بی آرایش باشد بدون زیور آلات غیر ضروری که بموجب آن لباس راحت شسته و بسادگی اطو شود. مخصوصا بخشهایی که در تماس با پوست قرار میگیرند باید تمیز و عاری از هر رایحه آزار دهنده باشد. هیچ چیزی نباید خصوصیتهای آزار دهنده اندام کودکان باشد و نباید لباس تنگ و ناراحت کننده باشد. اگر توجه بیشتری به این موضوع معطوف شود ناپاکی بسیار کمتری اعمال خواهد گردید.

**از ورزش دست بر ندارید** - جوانان را از ورزش معاف میدانند به بهانه اینکه نکند زیاد خسته شوند. والدین بارهای مسئولیتی را بر دوش میکشند که فرزندانشان باید چنین کنند. کار بیش از حد بد است ولی نتیجه راحت طلبی و حشمتناکتر است. تنبلی انسان را به عادات تن آسایی و فاسد سوق میدهد. کار و کوشش کسل کننده نیست و یک پنجم عادت مضر ارضای جنسی تحلیل برنده است. اگر کار منظم فرزندان را خسته کند والدین مطمئن باشند که چیزی جدای کار آنان وجود دارد که ناتوان کننده سیستم است و حس دائمی خستگی را ایجاد میکند. به فرزندان خود کار جسمی بدهید که عضلات و عصبها را به ورزش وادار میکند. خستگی چنین کاری تمایلاتشان را نسبت به عادات شریرانه و فاسد کم میکند.

**تن آسایی دربی باز برای وسوسه است** - مادران به فرزندان خود به اندازه کافی کار بدهید... تن آسایی برای جسم و ذهن و سلامت مناسب نیست. این کار درب را باز میکند تا شیطان بدون



وارد شود و فرصت را مغتنم شمارد و جوانان را به دام بیندازد. با راحت طلبی نه تنها قوه اخلاقیات ضعیف میشود و اغراض نفسانی افزایش می یابد بلکه فرشتگان شیطانی قلعه ذهن را تصرف کرده و ضمیر را وادار به تسلیم در برابر اغراض نفسانی میکنند. ما باید به فرزندان خود عادات کوشایی بردبارانه را تعلیم دهیم.

**خداوند اجازه نخواهد داد تا توبه کننده هلاک شود**— شما باید مایه دلگرمی و تشویق فرزندانانتان باشید که خدای رحمان قلب توبه کار واقعی را پذیرفته و تلاشهایشان را برای تطهیر نفس از همه ناپاکی های جسم و روح برکت خواهد داد. وقتی شیطان ببیند که کنترل خود را بر اذهان فرزندانانتان از دست میدهد او با قدرت آنان را وسوسه کرده و در پی ملزم ساختن آنان برای کردار گناه آلود بر خواهد آمد. آنان نباید به محیطهای مخاطره آمیز قدم بگذارند تا شیطان آنان را در کنترل خویش قرار دهد. چنانچه آنان در تواضع از خداوند برای پاکی و صفای فکر و خصایل مطهر و خالص استدعا کنند او صدای آنان را خواهد شنید و درخواست آنان را خواهد پذیرفت. خداوند آنان را رها نخواهد ساخت تا در گناهانشان هلاک شوند بلکه اگر با ایمان نزد او بروند به ضعیف و درمانده کمک خواهد کرد.

## فصل هفتاد و دوم

### نزاع برای اصلاحات

**توبه بی ریا و تلاش مصمم ضروری است**— آنانیکه جسم خود را تباه میسازند نمیتوانند از رحمت خدا لذت ببرند مگر اینکه مخلصانه توبه کنند و تماما اصلاح شوند و قدوسیت کامل در خداترسی داشته باشند.

تنها امید برای کسانیکه به عادات شرم آور میپردازند این است که اگر آنان هر گونه ارزشی را بر سلامتی حال و رستگاری آینده دارند باید آن عاداتها را ترک کنند. ترک عادت عزمی راسخ میطلبد تا در برابر وسوسه ها مقاومت شود و از اعمال بد پرهیز گردد.



افکار بایستی کنترل گردد. (توجه: این نوشتجات خلاصه ای از نامه ای است به جوانی خود سر که به اعمال بد پنهانی میپرداخت). شما باید افکار خود را کنترل کنید. این کار ساده ای نیست شما نمیتوانید با تلاش سخت حتی آنرا انجام دهید... چنانچه در خیالات باطل لذت ببرید و به ذهن خود اجازه بدهید تا در موضوعات ناپاک بماند - باندازه افکارتان که به عمل می انجامد در برابر خداوند مقصرید. همه آنچه که از عمل ممانعت میکند دادن فرصت کم است. خیالات و رویاهای روزانه و شبانه و قصرهای باشکوه در ذهن ساختن، عادت‌های بد و بشدت خطرناکی هستند. وقتی که یکبار شکل گرفتند تقریباً ناممکن است تا این عادات شکسته شود و افکار بسمت پاکی - قدوسیت و موضوعات متعالی هدایت شوند. شما باید نگرهبان چشمها و گوشها و همه حواس خود باشید چنانچه بخواهید ذهن خود را کنترل کنید و از افکار فاسد و باطن ممانعت ورزید که جان شما را لکه دار میکند. قدرت فیض بتنهایی میتواند این کار بسیار پسندیده را کامل کند.

**هوی و هوس-** نه تنها خداوند از شما میخواهد تا افکار خود را کنترل کنید بلکه هوی و نفس خود را نیز کنترل کنید. رستگاری شما بستگی دارد به اداره خود و امور اطراف خود. هوی و هوس عوامل قدرتمندی هستند. چنانچه بطور ناصحیحی استفاده شوند- چنانچه بواسطه انگیزه های اشتباه استعمال گردند- چنانچه در جای ناصحیحی قرار گیرند، آنقدر قدرتمند هستند تا شما را تباه نموده و شما را بدون خدا و بدون امید متلاشی کنند.

تصورات و خیالات باید بطور مثبت و مداوم کنترل شوند. اگر افکار و مطالعات و کلام خود را کنترل و مهار نکنید تخیلات شما بیمار میشود. کتاب مقدس خود را با دقت و با دعا مطالعه کنید و با تعلیمات آن هدایت شوید. این ایمنی شماست.

**محصور کردن احساسات بر ضد اهریمن-** کسانی که از خداوند حکمت بخواهند باید از دانش گناه آلود این زمان تهی شوند. آنان باید چشمان خود را ببندند تا از شیطان چیزی نبینند و یاد نگیرند. آنان باید گوشهای خود را ببندند مبدا از شریر بشنوند و از او دانشی را یاد بگیرند که خلوص افکار و کردار آنان را لکه دار میکند و زبان خود را محافظت کنند مبدا که حرفهای فاسدی را بیان کنند و تلبیس و تزویر در زبانشان یافت شود. از خواندن و دیدن چیزهایی که افکار ناپاک را تلقین میکند بپرهیزید. تواناییهای اخلاقی و فکری خود را پرورش دهید.



**از بی تحرکی که با مطالعه بیش از حد قرین شده است بپرهیزید-** مطالعه بیش از حد با افزایش جاری شدن خون در مغز قابلیت تحرک را تضعیف نموده و به تقلیل کنترل نفس می انجامد و اغلب به انگیزه های نفسانی کمک میکند. بنابراین دربها برای ناپاکی باز میشوند. سوء استفاده یا عدم استفاده از تواناییهای جسمی به فساد میسر که در دنیا منتشر میگردد کمک میکند. غرور و فراوانی نعمت و آسایش دشمنان مرگباری برای ترقی بشر در این نسل هستند همانگونه مایه نابودی سدوم شدند.

معلمین باید این چیزها را درک کنند و باید شاگردان خویش را به این مسیر هدایت کنند. به دانش آموزان تعلیم دهید که درست زندگی کردن بستگی به درست فکر کردن دارد و فعالیت جسمی برای خلوص افکار ضروری است.

**زمانی برای دو دلی نیست-** خلوص زندگی و شخصیت فرم داده شده با الگوی الهی بدون تلاش بی شائبه و اصول ثابت بدست نمی آیند. فرد دو دل و دمدمی مزاج به کمال مسیحیت نخواهد رسید. شیطان مانند شیری غران بدنبال شکار است. او تلاش میکند تا دام خود را بر هر جوان بی گناهی بیندازد... شیطان به جوانان میگوید که هنوز فرصت کافی دارند تا یکبار به فسق و فجور پردازند ولی آن گناه تمام زندگی آنان را مسموم میکند. در جایی که قدغن شده است خود را به مخاطره نیندازید. در این روزهای خطرناک پرشرارت وقتی اغوا برای تباهی و گناه در همه سلیه افکنده است بگذارید تا فریاد پرشور و بی ریای جوانان به آسمان برسد: "با چه چیزی مرد جوان میتواند راه خویش را تطهیر نماید؟" و گوشه‌های او میتواند باز باشد و قلب او مایل به اطاعت از این دستور میشود "مرد جوان چگونه میتواند زندگی خود را پاک نگاه دارد؟ بوسیله خواندن کلام خدا و اطاعت از دستورات آن" مزامیر ۹:۱۱۹

همه افراد در این جهان جوابگوی کردار خود هستند. همگی قدرت کنترل بر اعمال خود دارند چنانچه بخواهند. اگر در پاکدامنی و خلوص افکار و کردار ضعیف باشند میتوانند از دوستان کمک بگیرند. عیسی با تمامی ضعفهای ذات بشر آشناست و چنانچه استدعا کنید قوت غلبه بر وسوسه های نیرومند خواهید یافت. همه میتوانند با تواضع به این قدرت دست یابند.



تنها ملجا و مامن برای جوانان در این دوره برای فرار از آلودگی توسل و تمسک بخداست. بدون ممد الهی قادر به کنترل هوی و هوس و شکم خود نخواهید بود. در مسیح کمک بطلبید ولی چه تعدادی از مردم برای کمک نزد او میروند؟ وقتی عیسی در زمین بود گفت: اگر نزد من آید حیات خواهید یافت. در مسیح همه ظفر خواهند یافت. من مثل یک ورزشکار با تمرینهای سخت بدنم را آماده میکنم و آنقدر بر آن سخت میگیرم تا آن کاری را انجام دهد که باید بکند نه آنچه را که میخواهد.

**خوشی واقعی در او یافت میشود-** تنها مامن مطمئن برای فرزندانمان بر علیه هر گونه اعمال شریرانه جستجو برای پیوستن به گله مسیح است و تحت مراقبت قرار گرفتن شبان واقعی و وفادار. او آنان را از هر شرارتی حفظ خواهد نمود و از هر خطری حفظ خواهد نمود چنانچه به ندای او اعتنا کنند. او میفرماید "گوسفند من صدای مرا بشنو و مرا متابعت کن". در مسیح آنان چراگاهی مطمئن خواهند یافت و امید و قوت خواهند یافت و با خواهشهای بیقرار برای چیزی که ذهن و قلب را منحرف میسازد دچار مشکل نمیشوند.

این قبیل خوشی به سلامتی زیان نمیرساند و ذهن را درمانده نمیسازد بلکه طبیعی است. مشارکت محبت آمیز برای خدا و اعمال مقدسانه و نابودی گناه همگی لذت بخش هستند. خواندن کلام خدا مانند داستانهای جعلی باعث شیدایی و برافروختن هیجانان نمیشود بلکه قلب را نرم کرده آنرا تسلی میدهد و آنرا متعالی ساخته و تطهیر میکند. وقتی که در مشکل هستید، وقتی که با وسوسه ها مورد هجوم واقع گردیده اید باید دعا کنید. در این کار جان به قرب الهی نزدیک میشود و در دانش و قدوسیت واقعی باز سازی شده و بر ضد یورشهای خصم مستحکم میشود.





## بخش ۱۶

# بیدار کردن قدرتهای روحانی

## فصل هفتاد و سوم

### مسئولیت برای عاقبت بخیری

**مسئولیتی جدی بخاطر فرزندانمان بعهدہ ماست-** ما در دوره ای وانفسا زندگی میکنیم. سیل فنا در پیش است و بیش از تجربیات و قوت کودکی نیاز است تا بر ضد این جریان مقابله نمود و نباید بگذاریم تا آن سیل ما را ببرد. جوانان بظاهر اسیران شیطان هستند و او و فرشتگان اهریمنی، آنان را به نابودی حتمی گسیل میدارند. شیطان و سپاهش با ملکوت خدا در ستیز هستند و شیطان تلاش میکند همه کسانی را که خواهان تسلیم کردن دلهای خود به خواسته های خدا هستند را با وسوسه های خویش مغشوش نموده و بر آنان تسلط یابد تا شاید دلسرد شده و از جهاد بر علیه گناه دست بردارند.

ما امروز بیش از هر وقت دیگر به رابطه نزدیک با خدا نیاز داریم. یکی از خطرناکترین چیزهایی که امت خدا را بمحاصره خود در آورده است پیروی از رسوم و قواعد دنیوی است. علی الخصوص جوانان در خطر دائمی هستند. پدران و مادران باید بر علیه مکر شیطان در حال آماده باش بسر ببرند. در حالیکه شیطان در پی تباهی فرزندان است والدین نباید خود را فریب دهند که هیچ خطری گریبانگیر آنان نیست. آنان نباید توجه و افکار خود را به امور دنیوی متمرکز کنند در حالیکه از عاقبت بخیری فرزندانمان مسامحه میورزند.

**والدین در کل بی تفاوت هستند-** غم انگیز است که والدین در زندگی روحانی خود رو بسردی گرائیده اند و بخاطر تنزل در پرهیزگاری و نیاز به عبادت خدا مسئولیت عظیمی که به آنان



سپرده شده است را درک نمیکنند تا با شکیبایی و در حد کمال فرزندان خود را تربیت نموده تا راه خدا را در پیش گیرند.

والدین در کل تمام هم و غم خود را بکار میبرند تا فرزندان خود را در برابر شقاوتهای زندگی ناشایست و ناکار آمد بسازند. و وقتی که مشکلات و وسوسه ها در آینده آنان را احاطه میکند درست را از غلط تشخیص نمیدهند. آنگاه آنان خود را ضعیف خواهند یافت در حالیکه باید قوی میبودند. آنان در وظایف و اصول دو دل خواهند بود و بشریت بخاطر ضعف آنان در عذاب خواهد افتاد.

**از کار واجب قصور گردیده است-** یک دلیل بزرگ که چرا اینقدر در این دنیای امروزی شرارت برقرار است اینست که والدین اذهان خود را با چیزهای دیگر مشغول نموده که کار واجب و لازم الاجرای تربیت مهربانانه و صبورانه فرزندان خود را در راه خدا بفراموشی سپرده اند.

مادران ممکن است که دانش بسیاری از چیزهای دیگر را کسب کرده باشند ولی دانش ضروری در باره مسیح بعنوان منجی شخصی خود را کسب ننموده اند. اگر مسیح در خانه است- اگر مادران مسیح را بعنوان مشاور خود قلمداد میکنند- آنگاه فرزندان خود را از طفولیت در اصول مذهب واقعی تعلیم خواهند داد.

**به شیطان اجازه داده شده است تا کنترل نماید-** بخاطر اینکه مردان و زنان خدا را پیروی نمیکنند بلکه راه خود را انتخاب نموده و از تخیلات منحرف خود پیروی میکنند شیطان مجاز شده است تا بیرق جهنمی خود را در خانواده های آنان بر افرازد و اقتدار خود را از طریق اطفال و کودکان و نوجوانان آنان نشان دهد. صدای او در خواسته ها و تمایلات مقهور نشده آنان ابراز گردیده و شخصیت فرزندان را در لفافه خود پیچیده و از طریق آنان قدرت کنترل کننده خود را اعمال و نقشه های پلید خود را ادامه میدهد. خداوند با نمایش خلق و خوی منحرف آنان بیحرمت میشود که او را تکریم نمیکنند و به پیشنهادات شیطان سر تسلیم فرود می آورند. گاهی که والدین بموجب مجاز شمردن شیطان مرتکب میشوند فرا تر از تصور است. بسیاری از والدین با تربیت خود و با ناز و نوازشهای ابلهانه و شکمبارگی مسئول راههای ناشایست و ناثواب فرزندان خود هستند. شیطان میتواند بشر را کنترل کند که بموجب آن احکام خداوند اطاعت نشود. والدینی که مانند ابراهیم از اهل خانه خود نخواهند تا آنان را



متابعت کنند نتیجه بدی را حاصل میکنند. کودکان و نوجوانان تحت بیرق تمرد خواهند ایستاد. به آنان تحکم نمیشود ولی آنان عزم دارند تا اراده خود را تبعیت کنند. تنها امید برای فرزندان این است تا آنان را تعلیم داده تا از نفس خود تبری جسته و افراطگری نکنند.

### جنگ سخت در مقابل فرزندان تربیت نشده- فرزندان که بی تربیت و بی انضباط بزرگ شده

اند وقتی که اقرار به پیروی از مسیح میکنند خیلی چیزها برای آموختن نیاز دارند. تمام تجربیات مذهبی آنان با طریقی که از کودکی بزرگ شده اند تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. همان خود رایي اغلب هویدا میشود - همان فقدان انکار خویشتن و نفس پدیدار است - همان بی طاقتی در حین نکوهش - همان عشق بخود پرستی و بی میلی برای اندرزه‌های دیگران یا تحت تاثیر قرار گرفتن با قضاوت‌های دیگران - همان سستی و تبلی - و شانه خالی کردن از بار مسؤلیت‌ها.

همه اینها در ارتباط با کلیسا دیده شده است. برای برخی محتمل است تا غلبه یابند ولی این کشمکش چقدر سخت خواهد بود. این ستیز چقدر طاقت فرسا خواهد بود. عبور از دوره تربیت و انضباط که برای آنان ضروری است چقدر سخت خواهد بود تا به تعالی شخصیت مسیحی برسند. با اینحال چنانچه سرانجام غلبه یابند آنان مجاز خواهند بود تا ببینند قبل از اینکه تغییر یابند چقدر به پرتگاه نابودی ابدی نزدیک خواهند بود - و این بخاطر فقدان تربیت درست در جوانی و عدم موفقیت در فراگیری تسلیم و فرمانبرداری در کودکی است.

**بر علیه تاثیرات مفسدانه سنگربندی کنید-** والدین شما عهده دار مسؤلیت آوردن فرزندان به این جهان هستی بدون اینکه آنان خواسته باشند و شما مسؤل زندگی و جانهای فرزندان خود هستید. آنان مجذوب و شیفته جذابیتهای جهان میشوند. شما چگونه ای میتوانید آنانرا تعلیم دهید که در برابر فساد های این دنیا سنگر بندی کنند. شما میتوانید آنان را تربیت کنید تا بار مسؤلیت را بدوش بکشند و وظایف خود نسبت به خدا و حقیقت و وظایف درک کنند و در نظر داشته باشند که کردار آنان در حیات جاودانی موثر خواهد بود.

جوانان زمان ما از خدعه های شیطان نا آگاهند. بنابر این والدین باید در این ایام وانفسا بیدار بوده و با پشتکار و مجاهدت کار کنند تا اولین مکر دشمن را از ریشه در بیآورند. آنان باید فرزندان خود را وقتی در خانه نشسته اند یا در کنار خیابان قدم میزنند- وقتی بلند میشوند و یا دراز میکشند هدایت کنند.



هشیاری ابدی باید ممارست شود که بموجب آن کودکان در مسیرهای عدالت و انصاف هدایت شوند. شیطان کار خود را از اوان طفولیت آنان آغاز میکند و تمایلاتی را در آنان ایجاد میکند که خداوند قدغن نموده است. امنیت فرزندان باندازه زیادی بستگی به هشیاری و نظارت و توجه والدین دارد و بستگی به همه کسانی که خواهان تسلیم کردن دل‌های خود به خواسته های خدا هستند دارد. والدین در همه احوال و زمانها باید به فرزندان خود یاد بدهند که اطاعت و اعتماد کامل به خدا چه معنایی دارد.

**والدین از خواب سنگین مرگبار بیدار شوید-** از بی تفاوتی والدین بسیاری از فرزندان رها شده اند تا احساس کنند که والدین نسبت به جانهای آنان توجهی ندارند. این نباید چنین باشد ولی آنانیکه دارای فرزند هستند باید امور خانه و کار را طوری اداره کنند که هیچ چیزی در میان والدین و فرزندان قرار نگیرد که تاثیر و نفوذ والدین را در هدایت آنان به مسیح کم کند. شما باید به فرزندان خود درس محبت عیسی را یاد بدهید که در قلوب خود خالص و در رفتار و گفتار خود پاک و بی ریا باشند.

خداوند در قلوب فرزندان کار خواهد نمود چنانچه والدین با عوامل الهی همکاری کنند. ولی او مسئولیتی را که بعهده شما سپرده شده است را بعهده نمیگیرد. والدین باید از خواب سنگین مرگبار بیدار شوند.

**امید بزرگ ما دینداری در خانه است-** والدین در خوابند. فرزندان آنان در مقابل چشمانشان به نابودی کشیده میشوند و خداوند پیام آوران خود را در مقابل مردم قرار میدهد و الگوها و احکام که برای دینداری در خانه ضروری است را به آنان نشان میدهد. این موضوع را در مقابل حضار کلیسا ترغیب کنید. در تاکید این وظایف اهمال شده بکوشید. این شیوه روح فریسی و مخالفت در برابر حقیقت را در هم میکشند. مذهب در خانه امید عظیم ماست و نوری تابان را برای تبدیل همه خانواده به حقیقت خداوند میدرخشاند.

**قدرت شیطان میتواند شکسته شود-** والدین تعهد بیشتری از آنچه که تصور میکنند دارند. از گناه به فرزندان ارث میرسد. گناه آنان را از خدا جدا ساخته است. عیسی زندگی خود را ارزانی داشت تا پیوند شکسته شده با خدا را ترمیم کند. همانطور که در ابتدا به آدم مربوط میشد بشر هیچ چیزی جز تقصیر و محکومیت به مرگ دریافت نمیکند. ولی مسیح در زمینی که آدم



سقوط کرده بود قدم گذارد و فدیة گناه را پرداخت نمود... الگوی کامل مسیح و فیض خدا باو داده شده تا او را قادر سازد تا پسران و دختران خویش را طوری بیاموزد که پسران و دختران خدا بشوند. با آموزش آنان سطر به سطر و حکم به حکم قلب و اراده خود را به مسیح داده آنگاه قدرت شیطان شکسته میشود.

پدران و مادران در اطمینان کامل و با ایمان به دختران و پسران خود التماس و درخواست کنید تا براه خدا بروند. نگذارید تا از لبان شما کلام بد اخلاقی بشنوند. اگر لازم باشد با تمام وجود به فرزندان خود اعتراف کنید بخاطر اینکه به آنان اجازه داده اید تا مسیر بطالت در پیش گرفته و خداوند را ناخشنود ساخته اند- خدایی که فرزند خود را از این جهان گمشده دریغ نداشت تا همه بتوانند آموزش و عفو از گناه را بواسطه و شفاعت او دریافت دارند.

پدران و مادرانی که در جهات مختلف فرزندان خود را برای بطالت و فراغت بیش از حد آزاد گذاشته اید تا بخودشان صدمه بزنند ، خداوند از شما میخواهد تا زمان از دست رفته را بازیابید. امروز و همین الان که این مطالب را میخوانید فرا خوانده شده اید- پس با انجام آن توجه کنید.

**والدین ماموریتی شریف به عهده دارند-** کار مادام العمر شما شکل دادن شخصیت فرزندانان بر اساس الگوی الهی است. چنانچه فرزندان دارای زیور نجابت و فروتنی و روح آرام و زیبایی باطنی باشند به این خاطر است که شما با پشتکار آنان را تربیت نموده اید تا تعلیم کلام خداوند را دوست داشته باشند و فراتر از دنیا در پی ستایش عیسی باشند.

بعنوان کارگران خدا کار ما باید با کسانی که در نزدیکی ما هستند شروع شود. این کار باید از خانه شروع شود. هیچ ماموریتی شریف تر از این کار در خانه نیست.

ما به شوق کار تبلیغی در خانه نیاز داریم که کلام حیات بخش را در حضور اعضای خانواده خود بیابیم و آنان را هدایت کنیم تا در پی منزلگاهی در ملکوت خدا باشند. مدیریت و هدایت فرزندان کار تبلیغی شرافتمندانه ای است که هر زن یا مردی میتواند بعهده بگیرد.

**والدین بعنوان هنرمندان شکل دهنده خاک زنده-** چقدر کار هنرمند برای تصویر کشیدن نقشی باید مشتاقانه و پشتکارانه باشد تا شبیه الگو باشد و چقدر سنگتراشی باید با ظرافت باشد



تا سنگ شبیه الگوی خود بشود. پس والدین باید کار کنند تا شکل داده - صیقل دهند و فرزندان خود را با الگویی که از عیسی مسیح دارند پالایش دهند. بعنوان هنرمند صبور و عامل شکل دهنده نقشه، والدین باید وقت خود را صرف آموزش کنند تا برای زندگی سودمند بوده و آنان را برای ملکوت جاودان شایسته سازند.

کار هنرمند در مقایسه با کار والدین کوچک و کم اهمیت است. هنرمند با مواد بی جان سر و کار دارد که بدان وسیله زیبایی را شکل میدهد ولی والدین با بشری سر و کار دارند که زندگی او میتواند برای خیریت یا خسران شکل گیرد تا برای بشریت برکت یا لعنت باشند - به تاریکی فرو روند یا برای همیشه زنده بمانند.

### هدفتان رسیدن به کمال باشد- مسیح ابتدا یک نوباوه بود. بخاطر او کودکان را حرمت دهید.

به آنان بعنوان شخصی مقدس نگاه کنید ولی آنان را ستایش و پرستش نکنید بلکه به آنان تعلیم دهید تا خالص و پاک زندگی کنند و زندگی شرافتمندانه ای داشته باشند. آنان متعلق به خدا هستند. او آنان را دوست دارد و او شما را فرا میخواند تا با وی در تعلیم آنان برای شکل دادن شخصیت کامل همکاری کنید. خداوند از خانواده های باز خرید شده کمال را میطلبد. او از ما انتظار دارد کمالی را که مسیح در بشریت خود آشکار نمود متابعت کنیم. پدران و مادران بطور اخص نیاز به درک بهتر روشهایی برای تربیت کودکان دارد تا آنان با خدا همکاری کنند.

### به والدین دگرگون شده نیاز است- روز و شب به این فکر میکنیم که به والدین متبدل شده

نیازمندیم. چه بسیار کسانی هستند که باید قلب خود را در برابر خدا متواضع نموده و رابطه درستی با ملکوت برقرار کنند- چنانچه بخواهند تاثیرات رستگار کننده را بر خانواده های خود بگذارند. آنان باید بدانند که چه باید بکنند تا به حیات ابدی دست یابند و باید فرزندان خود را تربیت کنند تا میراث رهایی را دریافت نمایند. آنان هر روزه باید نور ملکوت را به جانهای خود دریافت نمایند و هر روزه اثر روح القدس را بر قلبها و ذهن خود بیابند.

آنان هر روزه باید کلام حقیقت را دریافت کنند و بگذارند تا زندگی آنان را کنترل نماید. مسئولیتهای عظیمی بر دوش والدین است و باید مشتاقانه کوشش کنند تا ماموریت خدادادی انجام شود. وقتی نیاز تمرکز تمام انرژی به کار تربیت فرزندان برای خدا دیده شود بیهودگی ها و ادعاهای غیر ضروری باید بکنار گذارده شود. آنان به فداکاری و یا رنج کشیدن توجهی ندارند که آنانرا قادر سازد تا با خوشی برای ملاقات خدا آماده شوند. این ارزشمندترین بخش از خدمت آنان بعنوان پیروان خداست و کسی که نمیتوان از او غفلت نمود.



**دائما به عیسی نگاه کنید-** والدین از هر انرژی روحانی خود استفاده کنید تا گله کوچک را نجات دهید. نیروهای جهنمی برای نابودی متحد میشوند ولی خداوند شما را بر علیه خصم بر میخیزاند، بیش از آنکه بتوانید دعا کنید. با محبت و از روی دلسوزی فرزندان خود را تعلیم دهید تا بسوی خدا بعنوان پدر آسمانی خود بازگردند. با الگوی خویش به آنان خویشتنداری و کنترل نفس و کارآمد بودن را تعلیم دهید. به آنان بگوئید که مسیح زندگی نکرد تا خود را خشنود سازد.

نورهای الهی را گرد هم آورید که بر مسیر شما بتابند. در نور قدم بگذارید همانگونه که مسیح در نور است. همانطور که مسئولیت کار کمک به فرزندان خود برای خدمت به خدا را بر عهده می گیرید آزمونها و وسوسه های تحریک کننده خواهند آمد ولی ملجای خود را از دست ندهید و به عیسی متوسل شوید. او میفرماید " او باید به من متمسک شود تا با من صلح کند و او با من صلح خواهد نمود" (اشعیا ۵۰:۲۷). مشکلات بر خواهد خاست با مشکلات و موانعی روبرو خواهید شد ولی دائما به عیسی بنگرید. وقتی امری غیر منتظره پیش می آید از خداوند بپرسید که چه باید کنم؟ آنگاه خداوند راه را بشما نشان خواهد داد. او بشما کمک خواهد نمود تا استعداد و توانایی خود را مسیح گونه بکار ببرید که صلح و محبت در خانه حکمفرمایی کند. با پیروی مصمم از راهکار میتوانید مبشری در خانه بشوید و مبلغ فیض خدا برای فرزندانتان بشوید.

**این کار اجر خود را خواهد یافت-** گاهی اوقات بزرگ کردن فرزندان در راه خدا هزینه در بر دارد. هزینه آن برای مادران اشک هایی است که میریزند و برای پدران دعا های آنان است. بنابراین والدین میتوانند در اطراف فرزندان خود سنگر بچینند که آنان را از طوفان و سیل شرارتی که جهان ما را فرا گرفته محافظت نماید.



## فصل هفتاد و چهارم

### هر خانه ای کلیساست

**والدین نمایندگان و معرفی خدا باید باشند** - هر خانواده ای در خانه باید یک کلیسا باشد - یک نماد و سمبل زیبا از کلیسای خدا در آسمان. اگر والدین مسئولیت خویش را در قبال فرزندان خویش درک کرده باشند تحت هیچ شرایطی آنان را نکوهش و تهدید نمیکنند. این نوع تربیت برای کودکان مناسب نیست. بسیاری از کودکان فرا گرفته اند که خرده گیر و ناراحت و نکوهشگر و احساساتی باشند زیرا به آنان اجازه داده شده است تا در خانه احساساتی باشند. والدین باید در نظر بگیرند که آنان برای فرزندان خود در جایگاه خدا قرار دارند تا اصول درست را ترغیب نموده و افکار غلط را منکوب کنند.

اگر خصایل اخلاقی فرزندان بوسیله والدین و معلمین مورد غفلت واقع شود آنان مطمئناً از راه بدر میروند.

**مذهب کتاب مقدس تنها ملجاست** - بطور عمومی جوانان بنیه اخلاقی ضعیفی دارند. که این در نتیجه غفلت در آموزش در زمان کودکی است. فهم شخصیت خدا و تعهدات ما به او نباید بعنوان یک موضوع کوچک در نظر گرفته شود. مذهب کتاب مقدس تنها ملجا برای جوانان است.

خوشا بحال والدینی که زندگیشان بازتاب واقعی الهی است که بموجب آن وعده ها و فرامین خدا باعث تکریم و ستایش کودک میشود - والدینی که شفقت و انصاف و بردباری آنان برای کودک محبت و انصاف و بردباری خدا تعبیر میشود - و کسیکه با تعلیم خود باعث اعتماد و فرمانبرداری او میشود او را چنان تعلیم میدهند تا به خداوند در ملکوت محبت ورزیده او را فرمانبرداری کنند و به او اعتماد داشته باشند. والدینی که به فرزندان خود چنین هدیه ای ارزانی دارند او را با گنجینه ای بیش از ثروتهای همه اعصار صاحب مال و مکتب کرده اند - ثروتی که به اندازه ابدیت پابرجاست.





**در خانه اقرار به دینداری بدون عمل کردن به دین بی ارزش است** - اعمال روزانه زندگی سنجیده میشود و حالات و شخصیت ما را قالب میزند. در جائیکه دین در خانه وجود نداشته باشد اقرار به ایمان بی ارزش است. پس نگذارید تا کلام نا مهربان از لبان شما به کسانی که خانواده را تشکیل میدهند جاری شود. فضا را با رایحه ای از توجه و مهر نسبت به دیگران پر کنید. تنها کسانی وارد ملکوت میشوند که در دوره آزمون شخصیتی را شکل داده اند که عطر و بوی ملکوتی داشته باشد. مقدسین ملکوتی ابتدا باید مقدسین زمینی باشند.

آنچیزی که شخصیت را در خانه دوست داشتنی میسازد آنچیزی است که قصرهای آسمانی را دوست داشتنی خواهند نمود. پیمانۀ مسیحی بودن شما با شخصیت شما در خانه سنجیده میشود. فیض مسیح مالکین آنرا قادر میسازد تا خانه را مکانی شاد بسازند که سرشار از صلح و صفا و آرامش است. اگر روح مسیح را نداشته باشید به او تعلق ندارید و هرگز مقدسین آزاد شده را در ملکوت او نخواهید دید - کسانی که با او در ملکوت خواهند بود و سعادت را خواهند یافت. خداوند از شما میخواهد تا خود را کاملا وقف او کنید و معرف شخصیت او در خانه باشید.

کار تطهیر در خانه آغاز میشود. کسانی که در خانه مسیحی هستند در کلیسا نیز مسیحی بوده و در دنیا نیز مسیحی خواهند بود. بسیاری هستند که در فیض رشد نمیکنند زیرا در پرورش دینداری در خانه قصور ورزیده اند.

**والدین بعنوان آموزگاران در کلیسای خانگی** - خطاب به پدران و مادران است: شما میتوانید آموزگاران در کلیسای خانگی باشید شما میتوانید نمایندگان روحانی بشارت دهنده باشید. بگذارید تا پدران و مادران نیاز به بشارت در خانه را حس کنند - لازم است تا فضای خانه عاری از کلام تند و نامهربان نگاهداشته شود و به کلیسای خانگی، جایی که فرشتگان خدا بتوانند وارد آن شده و برکت داده و به تلاشهایی که کرده میشود توفیق ارزانی دارند.

نهاد خانواده را مدرسه کارآموزی در نظر بگیرید جایی که مقدمه ای برای اجرای وظایف دینی است. فرزندان شما در ظرفیت کلیسایی موظف به کار هستند و هر بنیه ذهنی و هر ظرفیت جسمی باید قوی نگاه داشته شده و برای خدمت به مسیح فعال باشند. آنان باید فرا بگیرند تا حقیقت را دوست داشته باشند - آنان باید از طریق حقیقت تطهیر شوند و باید بدانند که بزودی



در جایگاهی قرار میگیرند که باید قابلیت ورود به مدرسه عالیتری را داشته و عضو خانواده پادشاهی یعنی فرزند پادشاه سماوی بشوند.

**آنان باید هدایتگر طریقه‌های زندگی‌های ثابت و پا برجا باشند-** هرچیزی بر ذهن جوان تاثیر خواهد گذارد. آنان سیما و صدا و رفتار و سلوک را از نزدیک تقلید میکنند. پدران و مادران بد خلق و عبوس به فرزندان خود درسهایی میدهند که در زمانی فرا میرسد که حاضرند همه چیز را در دنیا بدهند که فرزندان آن دروس را فراموش کنند و تغییر کنند. فرزندان باید در زندگی والدین خود ببینند که ثبات بر اساس ایمان است. با ثبات در زندگی و عمل کردن به کنترل نفس و خویشتنداری والدین میتوانند شخصیت فرزندان خود را قالب‌ریزی کنند.

**فرزندان خود را بعنوان کارگران مسیح تربیت کنید-** کسانی که با خانواده بطور طبیعی اتحاد و اتفاق نظر دارند تاثرات شدیدتری بر روی همدیگر دارند. اعضای خانواده باید مهربانی و محبت را آشکار کنند. کلام گفته شده و کردار باید مطابق با اصول مسیحی باشد. بدین طریق خانه به مدرسه مبدل گردیده جائیکه کارگران برای مسیح آموزش میبینند.

خانه بعنوان مکانی مقدس باید در نظر گرفته شود... در هر روز از زندگی باید خود را تسلیم خدا کنیم. بدین جهت میتوانیم امداد خاصی حاصل نموده و هر روزه ظفر یابیم. صلیب هر روزه باید حمل شود. باید مواظب هر کلامی بود چرا که ما نسبت به خدا مسئولیم تا با زندگی خود تا جائیکه ممکن است شخصیت مسیح را معرفی کنیم.

**اشتباه مهلکی که بسیاری مرتکب میشوند-** آیا میتوانیم پسران و دختران خود را برای یک زندگی آبرومند مطابق با آیین و رسوم تربیت کنیم- یک زندگی مسیحانه توام با فداکاری - یک زندگی که با حقیقت مسیح باید توام باشد. "من شما را نمیشناسم"<sup>56</sup>. هزاران نفر چنین میکنند. آنان در فکر تامین منافع انجیل برای فرزندانشان هستند در حالیکه روح آنها انکار میکنند. کسانی که امتیاز مشارکت در خدمت به مسیح را رد میکنند آموزشی را رد میکنند که آنان را برای مشارکت با او در جلال وی قابل میسازد.

آنان آموزشی را رد میکنند که در این زندگی به شخصیت شرافت و قوت میبخشد. بسیاری از پدران و مادران صلیب مسیح را برای فرزندانشان نمیپذیرند و خواهند آموخت که بسیار دیر



شده است زیرا که فرزندان خود را تسلیم دشمن خدا و بشر کرده اند. آنان بر ویرانی خود مهر تایید زده اند نه تنها برای آخرت بلکه برای زندگی کنونی. وسوسه ها آنانرا مغلوب ساخته است. آنان برای جهان لعنت میباشند - و اندوه و شرمساری برای کسانی که به آنان هستی بخشیده اند. ما نمیدانیم که در چه مسیری فرزندانمان برای خدمت فرا خوانده خواهند شد. آنان ممکن است زندگی خود را در محیط خانه سپری کنند - آنان ممکن است زندگی معمولی داشته و به حرفه ای مشغول شوند. ولی همگی بطور یکسان فرا خوانده شده اند تا بشارت دهندگان خدا باشند-مبشران رحمت برای جهان. آنان باید به آموزشی نائل گردند که به آنان کمک کند تا در خدمت فروتنانه در کنار مسیح بایستند.

### به آنان تعلیم دهید که به مدد الهی تکیه داشته باشند- اگر میخواهید تا فرزندانان ظرفیت

زیادی برای کارهای خیر داشته باشند به آنان تعلیم دهید تا به آخرت و عاقبت بخیری بیندیشند. اگر به آنان آموخته شده که در مصایب و مشکلاتشان به مدد الهی تکیه کنند آنان بی بنیه نخواهند بود تا احساسات و غرایض خود را تحت کنترل در آورند و با وسوسه های درونی برای خطاکاری مقابله کنند. ارتباط با مرجع حکمت قدرت تشخیص بین درست و غلط را خواهد داد. کسانیکه صاحب دارایی و مکنت هستند در اخلاق و خرد قدرتمند شده و دیدگاه شفافتر و قضاوت بهتری حتی در امور دنیوی خواهند داشت.

### رستگاری از طریق ایمان و اعتماد بیمه شده است- ما در خانواده هایمان میتوانیم رستگاری

خدا را داشته باشیم ولی باید به آن اعتقاد داشته برای آن زندگی کنیم و ایمان و اعتماد دایمی و پایدار به خدا داشته باشیم... محدودیتهایی که کلام خداوند ما را ملزم نموده است برای نفع و خیریت خود ماست. این شادمانی خانواده و تمام کسانی که در اطراف ما هستند را افزایش خواهد داد. این سلیقه ما را پالایش - قضاوتهایمان را تقدیس و به ذهن آرامش داده و در آخر حیات جاودان را برایمان بارمغان می آورد. فرشتگان خادم تا دم آخر با ما خواهند بود و با خوشی خبر پیشرفت در زندگی الهی را به آسمان میبرند و فرشتگان ثبت کننده در دفتر اعمال سابقه را با شادی و خوشی ثبت میکنند.

روح مسیح نفوذ پایداری در زندگی ما در خانه خواهد داشت. چنانچه مردان و زنان قلوب خود را به تاثیرات ملکوتی از حقیقت و محبت باز بدارند این اصول مانند جریان آبی در بیابان



جاری و همه چیز را تر و تازه نموده و سبب میشود تا شکوفایی که در حال حاضر در خشکی و شوره زار است در هر جا آشکار شود.

فرزندان شما از خانه اثرات آموزش خانگی را با خود حمل خواهند نمود. سپس در حلقه خانواده در اوین سالهای زندگی کودکان کار خواهد کرد و آنان تاثیرات شما را به کلاسهای مدرسه برده که نفوذ و اثر آن توسط بسیاری حس خواهد شد. و بموجب آن خداوند جلال خواهد یافت.

## فصل هفتاد و پنجم

### هدایت بچه های کوچک بسوی مسیح

**کودکان کی باید مسیحی بشوند؟** در کودکی ذهن بسادگی تحت تاثیر قرار گرفته و قالب‌ریزی میشود و به این ترتیب است که پسران و دختران باید یاد بگیرند تا خدا را دوست داشته و او را حرمت نهند.

خداوند از هر کودک در سنین خردسالی میخواهد تا فرزند او باشند و بعنوان خانواده او پذیرفته شوند. گرچه ممکن است کوچک باشند ولی میتوانند اعضای اهل بیت ایمان باشند و تجربیات ارزشمندی کسب کنند. آنان ممکن است قلبی داشته باشند که ظریف بوده و آماده برای دریافت مفاهیمی باشند که دایمی باشد. قلب مجذوب اعتماد و محبت عیسی شده و برای منجی زندگی خواهند کرد. مسیح آنان را مبشران کوچک خواهد ساخت. تمامی جریانهای فکری آنان عوض خواهد شد و از گناه لذت برده نخواهد شد بلکه از آن پرهیز شده و منفور خواهد بود.

**عصر بی اهمیت-** یک مقام برجسته روحانی یکبار پرسید یک کودک باید چند ساله باشد تا از نظر عقلانی مسیحیت را درک کند. پاسخ این بود که سن و سال هیچ ارتباطی با آن ندارد. محبت به عیسی اعتماد - آرامش - اطمینان همه کیفیاتی هستند که با طبیعت کودک وفق



دارند. بمحض اینکه یک کودک بتواند به مادر خود دلبستگی و اعتماد پیدا کند آنگاه میتواند به عیسی بعنوان یاور با محبت مادر اعتماد داشته باشد. عیسی دوست او خواهد بود و محبت شده و تکریم خواهد گردید.

نظر به اظهارات درست پیشین، آیا والدین میتوانند در بیان احکام و الگو در مقابل آن چشمان کوچک نافذ و احساسات ظریف بسیار مراقب باشند؟ مذهب ما باید عملی باشد. هم در خانه و هم در محل عبادت مورد نیاز است. در رفتار ما سردی و سختگیری و چیز زنده نباید باشد ولی ما نشان میدهیم که چگونه با محبت و دلسوزی قلبها را با محبت تسخیر میکنیم. مسیح باید یک میهمان افتخاری در خانه ها باشد. ما باید با او گفتگو کنیم و همه بارهای خود را به او بسپاریم و در باره محبت او گفتگو کنیم- از فیض او بگوئیم و از کاملیت شخصیت او سخن بگوئیم. چه درسهایی روزانه بواسطه والدین خدانشناس به فرزندان داده میشود که مشکلات خود را به عیسی بسپارد او که بارها و رنجهای ما را بدوش میکشد و بما توجه دارد- زیرا ما در سرگشتگیهای خود نمیتوانیم بخودمان کمک کنیم. افکار جگر گوشه ها باید آموخته شود تا به عیسی معطوف گردد همانگونه که گلهای گلبرگهای خود را بطرف خورشید بر میگردانند.

**محبت خدا در هر درسی باید آموخته شود-** اولین درسی که باید به فرزندان آموخته شود این است که خدا پدر آنهاست. این درس باید در عنفوان جوانی به آنان داده شود. والدین باید درک کنند که در برابر خدا مسئول هستند تا فرزندان خود را با پدر آسمانی خود آشنا کنند... این که خدا محبت است باید در هر درس آموخته شود.

پدران و مادران باید اطفال و کودکان و نوجوانان را با محبت عیسی آشنا کنند. بگذارید هر طفل تازه بزبان آمده ای با عیسی آشنا شود. مسیح باید با تمام دروس داده شده به کودکان مرتبط شود.

از همان سالهای طفولیت کودک باید با امور خدا آشنا شود. مادر باید با کلامی ساده در باره زندگی مسیح در زمین سخن بگوید. و بیش از این مادر باید تعلیمات خود را در باره منجی در زندگی روزانه بیاورد. مادر باید اسوه و الگویی برای کودک خود بشود زیرا که این زندگی آماده



سازی برای حیات ابدی است که فرا میرسد دوره ای که به بشر اعطا گردیده است که بدانسوسله شخصیت‌هایی را شکل داده و ورود به شهر خدا را برایشان تحصیل خواهد نمود.

**آنان به بیش از تذکر اتفاقی نیازمندند-** بطور کلی توجه بسیار کمی به کودکان و نوجوانان شده است و از پرورشی که باید در زندگی مسیحی داشته باشند قصور ورزیده اند زیرا اعضای کلیسا به آنان با دلسوزی و شفقت نگاه نکرده اند تا آنان در زندگی روحانی پیشرفت کنند.

خداوند تکریم نخواهد شد هنگامیکه از فرزندان غفلت شود و از کنار آن گذر شود... آنان به بیش از تذکر اتفاقی نیاز دارند و به بیش از کلام تشویقی نیازمندند. آنان به کار پرتلاش و دعا و دقت نیاز دارند. قلبی که مملو از محبت و شفقت است به قلوب جوانانی که بظاهر بی تفاوت و نومید هستند باید دست یابد.

**عیسی میگوید این فرزندان را برای من تربیت کنید-** والدین باید در پی فهمیدن این واقعیت باشند که آنان باید فرزندان خود را برای رضای خدا تربیت کنند. وقتی فرزندان به آنان به امانت سپرده شده اند مانند زمانی است که عیسی آنان را در بازوان خود گرفت و گفت: این کودکان را برای من تعلیم دهید تا در بارگاه خداوند بدرخشند. یکی از اولین صداهایی که میتواند توجه آنها را بخود جلب نماید نام عیسی است و در سالهای ابتدایی آنان باید بیاموزند تا دعا کنند. افکار آنان باید از داستانهای زندگی مسیح پر شود و تصورات آنان باید با تصویرهایی از جهانی که در شرف وقوع است پرورده شود.

**آنان میتوانند در کودکی مسیح را تجربه کنند-** به کودکان خود کمک کنید تا خود را برای قصرهایی که مسیح برای دوستداران خود تهیه میکند آماده سازند. به آنان کمک کنید تا اهداف خدا را به انجام برسانند. تعلیمات شما باید بگونه ای باشد که آن کسی را که مرد تا برای آنان حیات جاودان را تامین کند تکریم و تجلیل شود. به آنان تعلیم دهید تا به دعوت پاسخ دهند. "یوغ مرا بر دوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم چون من مهربان و فروتن هستم و به جانهای شما راحتی خواهم بخشید. زیرا باری را که منت بر دوش شما میگذارم سبک است"<sup>57</sup>.

برادر و خواهرم شما کاری الهی برای انجام بعهدہ دارید که تربیت فرزندانتان است. در حالیکه جوان هستند قلبها و اذهانشان مستعد فراگیری برای تاثیرات درست است... به آنان تعلیم



بدهید که مسئولیتی انفرادی برای انجام بعهده دارند و تجربه مسیحی را کسب خواهند کرد- حتی در زمان کودکی.

اولین کار والدین راهنمایی فرزندان است تا در همان سالهای اولیه قدم در مسیر عدالت بگذارند در غیر اینصورت مسیر غلط بجای مسیر درست انتخاب میشود.

**اطاعت آزمونی برای کسی است که متبدل گردیده است-** آیا نباید به فرزندانمان بیاموزیم که اطاعت از اراده خدا موید این است که آیا آنانیکه ادعای مسیحیت میکنند آیا واقعا مسیحی هستند یا نه؟ منظور خداوند همه کلماتی است که میگوید.

**احکام خدا بنیاد و اساس اصلاحات است-** قانون و احکام خدا وسایل آموزش در خانواده است. والدین تحت التزام جدی هستند تا همه احکام خدا را مراعات نمایند و برای فرزندان خود نمونه ای از کمال باشند. احکام خدا بنیاد همه اصلاحات دائمی است. ما باید به جهان نیاز اطاعت از فرامین خدا را بطور نص و صریح بازگو کنیم. فرمانبرداری از احکام خدا مشوق عظیمی برای کار و اقتصاد و صداقت و عدالت بین انسانهاست.

**فرزندان خود را بیاموزید-** آیا بفرزندان خود از طفولیت آموخته اید تا احکام خدا را نگاه دارند؟ شما باید به آنان تعلیم دهید تا شخصیتها و خصوصیتهایی را با شباهت الهی شکل دهند که مسیح خود را به آنان آشکار کند. او راغب است تا خود را به کودکان آشکار کند. ما این موضوع را از تاریخچه زندگی یوسف و سموئیل و دانیال و همراهانش میدانیم. آیا نمیتوانیم از سابقه زندگی آنان ببینیم که خداوند چه چیزی را از جوانان و نوجوانان انتظار دارد؟

والدین تحت التزام نسبت به خدا هستند تا فرزندان خود را برای او در همان دوران اولیه شایسته سازند تا دانش هوشمندانه ای را از آنچه که در پیروی عیسی مسیح بودن درک شده است کسب کنند.

**شهادت یک کودک متبدل شده -** دین به کودکان کمک میکند تا بهتر مطالعه کنند و کار را بیشتر با ایمان انجام دهند. یک دختر دوازده ساله با سادگی شهادت میداد که او مسیحی است. " من دوست نداشتم مطالعه کنم بلکه دوست داشتم بازی کنم. من در مدرسه تنبل بودم و اغلب کلاسها را از دست میدادم. ولی حالا همه درسها را خوب یاد میگیرم تا خدا را خوشنود



سازم. من در مدرسه شیطنت میکردم وقتی که معلمین به من نگاه نمیکردند و با بچه ها شوخی میکردم. الان میخواهم با رفتار خوب و رعایت مقررات مدرسه که خدا را خشنود سازم. من در مدرسه خودخواه بودم دوست نداشتم تا فرمانبری کنم و وقتی که مادرم مرا که در حال بازی بودم صدا میزد تا در کار خانه باو کمک کنم ناراحت میشدم. حال برای من واقعا خوشی است تا بمادرم در هر چیزی کمک کنم و نشان دهم که او را دوست دارم."

**از تعویق و طفره رفتن آگاه باشید** - والدین - باید تربیت ذهن فرزندان خود را در حینی آغاز کنید که هنوز جوان هستند و تا آخر تا اینکه مسیحی بشوند ادامه دهید... هشیار باشید مبدا که با لالایی و با افکار غلط در سیاهچال نکبت و تباهی نخبابند زیرا که آنان باندازه کافی بزرگ نیستند تا جوابگو بوده تا از گناهان خود توبه نموده و به مسیح اعتراف کنند.

کودکان هشت و ده و یا دوازده ساله باندازه کافی بزرگ هستند تا در خصوص مذهب شخصی مورد خطاب قرار گیرند. فرزندان خود را به آینده ارجاع ندهید که وقتی باندازه کافی بزرگ شدند توبه کرده و به حقیقت ایمان بیاورند. چنانچه بطور شایسته هدایت شوند کودکان نوباوه میتوانند دیدگاههای صحیحی از وضعیت خود بعنوان گناهکار داشته و راه نجات را از طریق مسیح در یابند.

برای آنانیکه در پی منجی هستند به بسیاری از آیات ارزشمند در خصوص وعده هایی بر میخوریم. جامعه سلیمان ۱:۱۲ "آفریننده خود را در روزهای جوانیت به یاد آور قبل از اینکه روزهای سخت زندگی فرا رسد روزهایی که دیگر نتوانی از آنها لذت ببری". امثال سلیمان ۸:۱۷ "من کسانی را که مرا دوست دارند دوست دارم. آنانیکه در جستجوی من باشند مرا خواهند یافت". شبان اعظم اسرائیل همچنان میگوید: "بگذارید بچه های کوچک نزد من آیند و مانع ایشان نشوید. زیرا فقط کسانی که مانند این کوچکان باشند از برکات ملکوت خداوند برخوردار خواهند شد<sup>58</sup>. به فرزندان خود بیاموزید که جوانی بهترین زمان برای جستجوی خداست.

**از طفولیت تا جوانی هدایتگر باشید** - اجازه دادن به کودک برای تبعیت از انگیزه های طبیعی مجاز شمردن او برای انحطاط و حاذق شدن در شرارت است. نتایج آموزشهای غلط در کودکی آشکار میگردد. در اوان جوانی خلق و خوی خودخواهانه رشد میکند و هنگامی که جوان رشد





کرده و به مردانگی میرسد او در گناه رشد می یابد. شهادت بر علیه مسامحه والدین با کودکانی که مجاز شمرده شدند تا براه و انتخاب خود بروند ادامه دارد. از این سیر انحطاط تنها زمانی میتوانست جلوگیری شود که آنان را با تاثیراتی که شرارت را بتواند خنثی کند محاط کرد. از طفولیت تا جوانی و از جوانی تا مردانگی یک کودک میتواند برای نیکوئی تحت تاثیر قرار گیرد.

**فرزندان را برای آزمونهای آینده نیرومند سازید-** والدین- از خود سوالی جدی را بپرسید " آیا فرزندانمان را طوری آموزش داده ایم تا تسلیم اولیاء امور باشند و آیا آنان را تعلیم داده ایم تا مطیع خدا باشند و او را دوست بدارند و احکام او را بعنوان راهنمای افضل در امور و زندگی نگاه دارند؟ آیا آنان را آموخته اید تا مبشرین مسیح باشند؟ و به نیکوکاری روی آورند؟" والدین معتقد فرزندان شما در روز واقعه برای خدا خواهند جنگید و در حالیکه برای سرور صلح و آرامش پیروزی بارمغان می آورند برای خودشان پیروزیهایی را بدست خواهند آورد. ولی اگر با خداترسی بزرگ نشده باشند - اگر از مسیح هیچ ندانند و رابطه ای با ملکوت نداشته باشند آنان قدرت اخلاقی و معنوی نخواهند داشت و آنان تسلیم فرمانروایان زمینی خواهند شد- آنهایی که فرض میکنند فراتر از خدای آسمان در تشکیل سبت جعلی هستند تا جایگاه سبت یهوه را اشغال کنند.

## فصل هفتاد و ششم

### آمادگی برای عضویت در کلیسا

**آموزش موزون-** راهنمایی ها آنگونه که خداوند تدبیر نموده است باید ارائه گردد. کودکان باید با شکیبایی - با دقت - با کاردانی و حذاقت - با مهربانی - تربیت شوند. بعهد همه والدین است که از نظر جسمانی و ذهنی و روحانی فرزندان خود را راهنمایی کنند. حتی واجب است که خواسته های خدا را در برابر کودکان قرار داد.

از آموزش روحانی تحت هیچ موردی نباید اهمال گردد. بگذارید به فرزندانمان درسهای زیبای کلام خدا را بدهیم که بواسطه آن به فهم و دانش او نائل گردند. بگذارید بفهمند که نباید کار



نادرست را انجام دهند. به آنان یاد بدهید که با انصاف و عدالت رفتار کنند. به آنان بگویید که نمیتوانید به آنان اجازه دهید تا به مسیر غلط بروند. در نام خداوند عیسی مسیح آنان را در تخت فیض به خداوند پیشکش کنید. بگذارید بدانند که عیسی زندگی میکند تا آنان را شفاعت نماید. آنان را تشویق کنید تا شخصیت خود را مطابق با شباهت الهی قالب‌ریزی کنند.

**دانش خدا و مسیح اساسی و بنیادین است** - آموزش روحانی در هیچ موردی نباید اهمال شود" زیرا که ترس از خدا شروع حکمت است!" مزامیر ۱۰:۱۰. توسط برخی افراد آموزش در کنار مذهب قرار گرفته است اما آموزش واقعی مذهب و دیانت است.

**تجربه مذهب عملی را تعریف کنید** - راهنمایی عملی در تجربه روحانی چیزی است که والدین مسیحی باید برای ارائه به فرزندانشان تدارک ببینند. خداوند این را از شما میخواهد و اگر در انجام این کار قصور کنید از وظیفه خود کوتاهی کرده اید. فرزندان خود را راجع به شیوه های تربیتی منتخب خدا آموزش دهید و شرایط توفیق در زندگی مسیحی را شرح دهید. به آنان تعلیم دهید که آنان نمیتوانند خدا را خدمت کنند و اذهان خود را در سور و سات این زندگی مستغرق سازند - به آنان اجازه ندهید تا فکری را ارزش دهند که به کار و زحمت نیازی ندارند و اوقات فراغت خود را در تنبلی بگذرانند. کلام خدا در این نکته آشکار و شفاف است.

**دانش خدا را تعلیم دهید** - فهم خدا حیات ابدی است. آیا به فرزندان خود تعلیم میدهید تا معیارها و استانداردهای دنیا مقابله کنند؟ آیا برای خانه ای که خداوند برای شما تدارک میبیند خود را آماده کرده اید؟ به فرزندان خود از زندگی، مرگ و قیام منجی سخن بگوئید. به آنان آموزش بدهید تا کتاب مقدس را مطالعه کنند. به آنان تعلیم دهید که شخصیتی را شکل بدهند که تا مادام العمر پابرجا بماند. ما باید خیلیدعا کنیم تا خداوند فرزندان ما را حفظ کند و برکت دهد.

**به آنان توبه روزانه و بخشش را یاد بدهید** - ضروری نیست تا همه بیاد بیاورند که دقیقاً در چه زمانی گناهشان با دعا و توسط خدا آمرزیده شده و نباید نگران به زمان دقت داشته باشید که در چه روزی یا چه زمانی خدا شما را بخشیده است. درسی که باید به فرزندان آموخته شود این است که اشتباهات و خطایای آنان باید در همان اوان کودکی نزد خدا آورده شود. به آنان یاد بدهید تا از خداوند هر روزه برای هر گونه خطایی که مرتکب شده اند طلب مغفرت کنند و



بگوئید که عیسی دعاهای ساده را از قلبهای صبور میشوند و می آموزد و آنان را میپذیرد- همانگونه که او کودکان را در زمانی که در زمین بود بحضور پذیرفت.

**اصول تعلیمی درست را تعلیم دهید-** کسانی که حقیقت را دیده اند و اهمیت آنرا احساس نموده اند و در امور خدا تجربه ای داشته اند باید به فرزندان خود اصول تعلیمی درست را تعلیم دهند. والدین باید آنان را با ارکان عظیم ایمان آشنا کنند و دلیل اینکه چرا ما ادوتیستهای روز هفتم هستیم را بگویند همانطور که ما فرزندان اسرائیل هستیم و قوم برگزیده و امت مقدس خدا هستیم و خود را از تمام مردمان دیگر در زمین جدا و متمایز ساخته ایم. این چیزها باید با زبان ساده به کودکان شرح داده شود که بسادگی قابل درک باشد و همچنانکه طی سالها رشد میکنند دروس ارائه شده متناسب با ظرفیت افزایش یافته آنان شود تا اینکه شالوده های حقیقت بطور وسیع و عمیق چیده شود.

**بطور خلاصه و بکرات آموزش بدهید-** کسانی که به کودکان و نوجوانان آموزش میدهند باید از اظهارات کسل کننده بپرهیزند. کلام کوتاه و شفاف و هدفدار تاثیر خوشی خواهد داشت. اگر بیش از این باید گفته شود- به کرات ولی کوتاه و مختصر بگوئید. بیانیهای جالب هر از گاهی بیشتر سودمند خواهد بود تا اینکه همه آموزش یکباره گفته شود. کلام طولانی ذهنهای جوان را خسته و مشوش میسازد. بیش از حد حرف زدن حتی باعث انزجار از آموزه های روحانی میشود- درست مثل پرخوری که شکم را آزار میدهد و اشتهای را کم میکند و باعث انزجار از غذا میشود.

**شامگاهان فرصتهای گرانبهائی هستند-** خانه باید مدرسه ای برای آموزش بشود بیش از یک مکان یکنواخت و کار پرزحمت. شامگاهان باید بعنوان فرصتهای گرانبهائی گرامی داشته شود و وقف آموزش فرزندان در راه عدالت بشود.

**وعده های خدا را بازگو کنید-** ما باید روح القدس را بعنوان روشن کننده افکار در درک مفاهیم تشخیص بدهیم. روح القدس دوست دارد تا کودکان را خطاب کند و برای آنان گنجینه ها و زیبایی کلام را مکشوف سازد. وعده های گفته شده با معلم اعظم حواس را شیفته خود ساخته و جان کودک را با قدرت روحانی سرزنده میکند زیرا که الهی است. ذهن شیفته از آشنایی با امور الهی رشد خواهد نمود که مانند مانعی در برابر وسوسه های دشمن خواهد بود.



**آموزه های روحانی را مطبوع و دلپسند بسازید-** آموزه های روحانی از اون کودکی باید به فرزندان داده شود. این آموزه ها نباید با روح تقبیح و محکومیت بلکه با خوش روئی و روحیه شاد ارائه گردد. مادران لازم است تا همیشه مراقب باشند مبادا که وسوسه بطریقی که برای آنان قابل تشخیص نیست بسراغ فرزندان برود. والدین باید با حکمت و آموزه های دلپسند از فرزندان خود محافظت کنند. بعنوان بهترین دوستان این افراد ناکارآزموده و بی تجربه والدین باید بفرزندان خود در کار مقابله کمک کنند چرا که برای آنان پیروزی خیلی با معنا و پر ارزش است. آنان باید در نظر بگیرند که فرزندانشان که در پی درستکاری هستند اعضای جواناتر خانواده خدا هستند و باید مشتاقانه مایل باشند تا به آنان کمک کنند که مسیر خود را برای اطاعت از خدا راست بسازند. والدین با علاقه و محبت باید هر روزه تعلیم بدهند که فرزند خدا بودن چه معنایی دارد و تسلیم نمودن خواسته های خود به اراده او چه معنی میدهد. به آنان تعلیم بدهید که اطاعت از خدا در بر دارنده اطاعت از والدین است. این امر کار روزانه و هر ساعت میباشد. والدین! مراقب باشید و دعا کنید و فرزندان خود را معاشرین و هم نشینان خود سازید.

**دروس روحانی را از وظایف خانگی تعلیم دهید-** خداوند به والدین و معلمین کار آموزش کودکان و نوجوانان را در این مسیر تفویض نموده است. در حالیکه آنان را در عادات پاکیزگی جسمی آموزش میدهند باید به آنان تعلیم داد که خدا از آنان میخواهد تا هم در قلب و هم در جسم پاک باشند. در حالیکه اتاق را جارو میزنید آنان میتوانند یاد بگیرند که چطور خدا قلبها را طاهر میسازد. آنان در بها و پنجره ها را نمیبندند و در اتاق مواد پاک کننده رها نمیکنند بلکه درها را باز کرده و پنجره ها را کاملا باز میکنند و با پشتکار همه جا را گرد گیری میکنند. پس پنجره های انگیزه ها و احساسات باید بسوی آسمان باز شود و غبارهای خودخواهی و دنیوی باید بدور ریخته شود. فیض خدا باید راهروهای ذهن را برود و هر عنصری از طبیعت باید با روح خدا پاک و سر زنده شود. بی نظمی و نامرتبی در وظایف روزانه باعث فراموشی از خدا میشود و شکل خداگونه را در اقرار به ایمان بد قواره و واقعیت از دست میرود. ما باید مراقب بوده و دعا کنیم - یا اینکه در بطالت بسر برده و جوهر کلام را از دست بدهیم. ایمان زنده مانند ریسمانهای طلا باید هر روزه از داخل تجربیات ما در انجام وظایف کوچک عبور کند.

**آموزش ضمنی در مقابل فراگیری از روی کتاب-** این حق جوانان است تا احساس کنند که باید به بالاترین درجه پیشرفت قدرتهای ذهنی برسند. خداوند برای تحصیلات محدودیتی قائل نشده است. ولی تحصیلات ما سودمند نخواهد بود چنانچه برای تکریم خداوند و خیریت بشریت بکار برده نشود. اگر دانش پلی برای اتمام اهداف عالی نباشد بی ارزش خواهد بود. آموزش ضمنی مهمتر از آموزشی است که از کتابها بدست آمده است. این خوب است و حتی واجب است که دانش جهانی را که در آن زندگی میکنیم کسب کنیم ولی اگر ابدیت را بحساب نیاوریم شکست خواهیم خورد و هرگز نمیتوانیم آنرا باز یابیم. منظور از آموزش ضمنی آموزشی است که از طریق والدین و یا تجربیات زندگی دنیوی و روحانی که کسب می کنیم بدست می آید.

**فواید متقابل-** فرزندان ما متعلق به خدا هستند و با قیمتی خریداری شده اند. این فکر باید انگیزه اصلی کارهای ما برای آنان باشد. موفقترین شیوه های مطمئن برای رستگاری آنان و دور نگاه داشتن آنان از وسوسه ها هدایت مداوم از طریق کلام خداست. و وقتی والدین بهمراه فرزندان خود تعلیم مبینند رشد خود را در دانش حقیقت سریعتر خواهند یافت. بی ایمانی ناپدید خواهد شد - ایمان و فعالیت افزایش خواهد یافت - اعتماد و اطمینان عمقی تر خواهد شد در چنینکه شناخت خدا را دنبال میکنند.

**چگونه والدین تبدیل به مانع میشوند-** چه مثال و الگویی را به فرزندان خود میدهید؟ چه رسم و آئینی را در خانه دارید؟ فرزندان شما باید یاد بگیرند که مهربان و با ملاحظه و نجیب باشند و فراتر از هر چیز به امور دینی احترام بگذارند و خواسته های خدا را احساس و درک کنند. پسران و دختران ممکن است خیلی زود پارسایی و خداترسی عمیق خود را آشکار کنند چنانچه تسهیلات و امکاناتی را که خدا برای راهنمایی آنان مقدر نموده توسط هر خانواده خداترسی اعمال و تعاقب گردد. آنان ارزش آموزش و پرورش صحیح را بنمایش خواهند گذارد. ولی اثراتی که از حقیقت بر ذهن کودکان بواسطه معلمین گذارده میشود اغلب توسط والدین با سخنان و رفتار خنثی میشود. گرچه قلبهای مستعد فرزندان خودسر اغلب با حقیقت تحت تاثیر قرار میگیرند ولی اغلب وسوسه ها از طریق پدر و مادر نزد آنان می آید و آنان در دام حيله های شیطان می افتند. اگر والدین همکاری نکنند تقریباً غیر ممکن است که پاهای فرزندان را در مسیرهای امن قرار داد. احساسات زبانبار و شیرانه که از لبهای والدین بی خرد بیرون می آید مانع اصلی بر سر راه تبدیل روحانی در میان فرزندان است.



**با دعاهای خود در اتحاد و هماهنگی زندگی کنید-** اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید هر چه بخواهید بشما داده خواهد شد.<sup>59</sup> وقتی دعا میکنید این آیه را بیاد داشته باشید. این امتیاز ماست تا با دلیری مقدسانه نزد او برویم. همانگونه که با خلوص نزد او دعا میکنیم تا نور او بر ما بتابد او سخن ما را شنیده و بما پاسخ خواهد داد. ولی ما باید در هماهنگی با دعاایمان زندگی کنیم. دعاهای ما هیچ سودی نخواهد داشت چنانچه بر خلاف آن قدم برداریم. من پدری را دیده ام که پس از خواندن بخشی از کلام و اقامه دعا بمحض اینکه از روی زانوهای خود برخاست شروع به نگوشتن فرزندان خویش میکند. خداوند چگونه میتواند دعای فردی که اینگونه عمل میکند پاسخ دهد؟ و اگر پس از بدحرفی و سرزنش فرزندان پدری دعا کند آیا این دعا نفعی برای کودکان خواهد داشت؟ خیر مگر اینکه این دعا اعتراف به خطا نزد خدا باشد.

**وقتی فرزندان برای تعمید آماده میشوند-** هرگز به فرزندان خود اجازه ندهید که فرض کنند که آنان فرزندان خدا نیستند تا اینکه به اندازه کافی بزرگ شده تا تعمید یابند. تعمید فرزندان را مسیحی نمیسازد و نه آنان را متبدل میسازد بلکه این یک نماد و سمبل ظاهری است و نشان میدهد که آنان حس کرده اند که باید فرزندان خدا باشند تا تایید اینکه آنان به عیسی مسیح بعنوان منجی خود ایمان داشته و از این به بعد برای مسیح زندگی خواهند کرد.

والدینی که آرزو دارند تا فرزندانشان تعمید یابند کاری برای انجام شدن دارند- هم در خویشتن بینی و هم ارائه راهنمایی مومنانه به فرزندانشان. تعمید یکی از مقدس ترین و مهمترین آیین هاست و باید معنی آن کاملاً فهمیده شود. تعمید یعنی توبه از گناه و ورود به زندگی جدید در عیسی مسیح. نباید در کار بیجا شتاب شود تا این آیین اجرا شود. بگذارید تا هم والدین و هم فرزندان بدانند که چه میکنند. والدین با رضایت به تعمید فرزندانشان خود را مقدسانه ملزم میکنند تا ناظران با وفایی بر این فرزندان باشند و آنان را در بنای شخصیت راهنمایی کنند. آنان خود را ملزم میدارند تا با علاقه خاصی از این بره های گله محافظت نمایند تا ایمانی را که مدعی آن هستند را بی حرمت نسازند...

وقتی که شادترین دوره زندگی آنان فرا رسد و آنان با تمام وجود خود مسیح را دوست بدارند و مایل به تعمید گرفتن باشند آنگاه با ایمان و صادقانه با آنان گفتگو کنید. قبل از اینکه آیین انجام شود از آنان بخواهید که این اولین هدف زندگی آنان برای کار و خدمت برای خدا باشد.



به آنان بگوئید که چگونه شروع کنند. این اولین دروسی است که معنا و مفهوم زیادی دارد. آنگاه به سادگی به آنان بگوئید که چگونه اولین خدمت به خدا را آغاز کنند. کار را تا آنجا که ممکن است ساده و قابل فهم کنید. از خود گذشتگی برای خدا را به آنان شرح دهید تا کلام او را همانطور که راهنمایی شده تحت مشاوره والدین مسیحی انجام دهند.

**وظیفه والدین پس از تعمید-** پس از کار مومنانه اگر قانع شدید که فرزندان شما معنی متبدل شدن و تعمید را فهمیده اند اجازه بدهید تا تعمید بگیرند. ولی تکرار میشود که اول از همه خود را آماده کنید تا بعنوان شبانان با وفا پاهای بی تجربه را در راه باریک اطاعت هدایت کنید. خداوند باید در والدین کار کند که با محبت نمونه ای درست و با نزاکت و با تواضع مسیحی به فرزندانیشان بدهند و خود را کاملا تسلیم مسیح کنند. اگر با تعمید فرزندان خود موافقید و آنانرا رها کنید تا هر چه دوست دارند بکنند و وظیفه خاصی برای نگاه داشتن پاهای آنان در مسیر راست احساس نکنید آنگاه شما خودتان مسئول هستید چون ممکن است که ایمان و دلیری و علاقه به حقیقت خود را از دست بدهند.

خداوند شما را فرا خوانده تا آماده شوید تا اعضای خانواده پادشاهی باشید- فرزندان پادشاه آسمانی. همکاری با خدا با پشتکار برای رستگاری آنان. اگر آنان خطا کنند آنان را نکوهش نکنید. هرگز به آنان طعنه نزنید که شما تعمید دیده اید و با این وجود هنوز اشتباه و خطا میکنید. بیاد داشته باشید که آنان خیلی چیزها برای فرا گرفتن در خصوص وظایف یک فرزند خدا لازم دارند.

**آمادگی برای گردهمایی مخصوص-** در اینجا کاری برای خانواده ها وجود دارد که باید قبل از آمدن به گردهمایی مقدس انجام دهند. تهیه و تدارک برای خوردن غذا و لباس باید موضوعی ثانوی باشد ولی بگذارید تا کلوش عمیق قلبها در خانه آغاز شود. سه بار در روز دعا کنید و مانند یعقوب اصرار بورزید. خانه مکانی است که عیسی را باید در آنجا یافت آنگاه او را با خود به جلسه ببرید و چقدر زمانهایی که سپری میشود ارزشمند خواهد بود. ولی چگونه میتوانید توقع داشته باشید که حضور خدا را احساس کنید و قدرت او را ببینید وقتی که کار فردی برای تدارک برای آن زمان اهمال شود؟

برای خاطر جان خودتان و بخاطر دیگران در خانه کار کنید. دعا کنید. بگذارید تا قلبتان در حضور خدا شکسته شود. خانه خود را مرتب کنید. فرزندان خود را برای آن موقعیت آماده کنید.



به آنان تعلیم بدهید که با دستان پاک و قلبهای خالص نزد خدا دعا کنند و نتیجه آنرا خواهند دید. هر سدی که مانع راه آنان میشود را بر دارید- که آن سدها همه اختلافاتی خواهد بود که بین شما و آنان وجود داشته است. با چنین کاری دعوت میکنید تا خداوند در خانه شما حضور یابد و فرشتگان مقدس به شما خواهند پیوست هنگامی که برای جلسه میروید و نور و حضور آنان تاریکی فرشتگان اهریمنی را بعقب خواهد راند.

**بذرهای حقیقت در ایمان را بکارید-** کار برزگر کار ایمان است. او راز جوانه زدن و رشد بذر را نمیتواند بفهمد ولی او به عواملی که بواسطه خدا سبب رویش و رشد میشوند اطمینان دارد. او بذرها را پاشیده است و انتظار دارد تا چندین مرتبه بیشتر محصول را جمع آوری کند.

پس ما باید برکت خدا را برای بذر کاشته شده بطلبیم و تأیید روح القدس حتی کوچکترها را در بر میگیرد. اگر ایمان به خدا را عمل کنیم قادر خواهیم بود تا آنان را به بره خدا هدایت نمائیم- او که گناه جهان را زدوده است. این کار دستاورد عظیمی برای اعضای جوانتر خانواده خداست.

## بخش ۱۷

### ابقا و ادامه تجربه های روحانی

#### فصل هفتاد و هفتم

#### کتاب مقدس در خانه

کتاب مقدس کتابی متنوع و چند منظوره است- در دامنه وسیع سبک ها و موضوعها کتاب مقدس دارای چیزی است که نظر هر ذهنی را بخود جلب مینماید و هر قلبی را مجذوب خود میسازد. در میان اوراق آن کهن ترین سرگذشتهای زندگی اصیل را میتوان یافت - اصول





حکومتی برای کنترل اوضاع - تنظیم خانواده - اصولی که حکمت بشری هرگز نتوانسته با آن برابری کند. این کتاب شامل فلسفه عمیق - اشعار دلنشین و متعالی - بسیار هیجان انگیز و بسیار حزن آور است - و در تالیف بیش از حد عالی است. کتاب مقدس دارای افق دیدی بیکران است و بینهایت ارزشمند میباشد. با این دیدگاه هر موضوعی دارای مفاد و مفهوم و اهمیت تازه ای است. کلام مقدس در سادگی حقایق با اصولی سر و کار دارد که به بلندای آسمان است و در مدار ابدیت قرار دارد.

کلام خدا بوفور دارای گوهر ارزشمند حقیقت است و والدین باید آنرا از جعبه جواهرات خود بیرون آورده و به فرزندان خود با جلوه های حقیقی هدیه دهند... در کلام خدا شما گنجینه ای دارید که از آن میتوانید موجودی بردارید و بعنوان یک مسیحی میتوانید با کار خوب و نیکوکاری خود را مزین کنید.

**خداوند مهمانی باشکوهی را تدارک میبندد** - خداوندی که به ما امتیاز خواندن کلام خویش را داده است در مقابل ما مهمانی با شکوهی ترتیب داده است. بسیاری از ضیافت کلام او بهره میبرند که او صاحب ضیافت است و از گوشت و خون و روح و حیات اوست. با سهیم شدن در این کلام قوت روحانی ما افزایش می یابد و ما در فیض و در دانش حقیقت رشد می یابیم. عادات کنترل نفس شکل گرفته و قوی میشوند. ناتوانی و ضعف کودکی - کج خلقی - خود رایی - خودپسندی - زودجویی - کردار احساسی ناپدید شده و بجای آنها فیوض مردانگی و زنانگی مسیحی رشد میکند. دروس زیبای داستانهای کتاب مقدس و تمثیلات - آموزه های ساده و خالص کلام مقدس خدا، غذای روحانی برای شما و فرزندان شماست.

وه که چه کاری در مقابل شماست! آیا با محبت و خداترسی عهده دار آن خواهید شد؟ آیا از طریق کلام خدا با وی ارتباط برقرار خواهید نمود؟

**استاندارد درستکاری** - کلام خدا باید خردمندانه بر ذهنهای جوانان اعمال گردد - خطاهای آنان را اصلاح نموده - اذهان آنان را هدایت و روشن نماید و خلق و خوی هیجانی را ممکن است به خشم منتهی گردد را کنترل و مهار سازد. این آموزش فرزندان برای مطابقت با استاندارد کتاب مقدس به زمان و پشتکار و دعا نیاز دارد. اگر در خانه از این کار غفلت شده است باید به آن توجه شود.



حقایق کتاب مقدس ذهن را از پستی و مادی گرایی به تعالی خواهد رسانید. اگر کلام خدا مورد تقدیر واقع شود که باید چنین باشد، هم جوانان و هم بزرگسالان راستی و درستکاری باطنی را در بر خواهند داشت که تقویت اصول بوده و آنانرا قادر خواهد ساخت تا در برابر وسوسه ها ایستادگی کنند.

قدوس اسرائیل احکام و مقرراتی که کل بینش بشری را اداره میکند به ما شناسانده است. این احکام که "مقدس و عادلانه و خوب" اعلان شده اند باید معیار و استاندارد کردار را در خانه شکل دهند. نمیتوان از آن براحتی عبور کرد زیرا که بنیان مذهب مسیحی چنین است.

**هوش و ذکاوت را تقویت میکند** - اگر کتاب مقدس آنطور که باید و شاید مطالعه شود انسان در هوش و ذکاوت قوی خواهد شد. موضوعهای مورد بحث در کلام خدا - سادگی بلندمرتبه آن و موضوعهای شریفی که به ذهن ارائه میگردد، استعدادها و تواناییها را در انسان رشد داده که خودبخود نمیتواند رشد و ترقی یابد. در کتاب مقدس میدان وسیعی برای تصورات باز میگردد. تعمق دانش آموز در باره موضوعهای بزرگ - در رابطه با تصورات بزرگ خالص تر و متعالی تر از افکار و احساسات کم بها و بی ارزشی خواهد بود که با مطالعه کار محض بشری فرا گرفته شده است. اذهان جوان از پیشرفت های اصیل فرو میماند وقتی که از مرجع و منشأ عالی غفلت ورزد - که همان کلام خداست. دلیلی که چرا تعداد کمی از انسانهای خوش فکر با ثبات و ارزشمند داریم این است که خداترسی وجود ندارد - عشق ورزی به خدا وجود ندارد - اصول دین در زندگی آنطور که باید و شاید آورده نشده است.

خداوند از ما میخواهد تا به رشد و تقویت قدرتهای فکری نائل گردیم ... اگر کتاب مقدس بیشتر خوانده شود اگر حقایق آن بهتر درک شود ما باید بیش از این مردم هوشمند و روشنفکری میشدیم. با جستجو و مطالعه در اوراق کتاب مقدس جان از انرژی مستفیض میگردد.

**بنیانی برای توفیق در خانه ، اجتماع و در سطح ملی** - تعلیم کتاب مقدس برای توفیق انسانها در رابطه با همه امور زندگی واجب است. این امر اصولی را آشکار میسازد که سنگ مبنای کامیابی ملی است - اصولی که با آن خیریت جامعه تامین میگردد و مامن و ملجایی برای خانواده است - اصولی که بدون آن هیچ انسانی نمیتواند به سودمندی - شادی و حرمت در



این زندگی نائل گردد و یا امید به آینده و حیات ابدی داشته باشد. تعلیم کتاب مقدس امری واجب برای آماده سازی برای کسب موقعیتها در زندگی و فازه‌های تجربیات بشری است.

**دانش کلام مامن و ملجاست - تیموتائوس** از کودکی کتاب مقدس را میشناخت و این دانش برای او حفاظی بود در مقابل نفوذها و تاثیرات شیطانی که او را احاطه کرده بود و وسوسه‌هایی موجب لذت و ارضای خودخواهانه بشود. همه فرزندان ما به چنین حفاظی نیازمندند و این باید بخشی از کار والدین و نمایندگان مسیح باشد تا ببینند که فرزندان بطور شایسته با کلام خدا تعلیم داده شده باشند.

**عشق برای کتاب مقدس طبیعی نیست - جوانان ناآگاه** و بی تجربه اند و دوست داشتن کتاب مقدس و حقایق الهی آن بطور طبیعی رخ نخواهد داد. والدین باید تلاش مجدانه ای کنند تا حصارهای محافظ را در اطراف فرزندانشان ایجاد کنند تا سپری در مقابل مکرهای شیطان ایجاد شود زیرا آنان در معرض وسوسه‌های او و در بند اسارت خواسته‌های او هستند. در سالهای اولیه باید به کودکان خواسته‌های احکام خدا و ایمان به عیسی بعنوان نجات دهنده آموخته شود تا از لکه‌های گناه پاک و تطهیر گردند. این ایمان باید روز بروز با پندهای اخلاقی و تمثیلات آموخته شود.

**جوانان مخصوصاً از مطالعه کتاب مقدس غفلت می‌ورزند - هم بزرگسالان و هم جوانان** از کتاب مقدس غفلت می‌ورزند. آنان مطالعه کتاب مقدس را قانون زندگی خود نمیسازند. بویژه جوانان بخاطر این غفلت تقصیر کارند. اکثر آنان برای خواندن کتابهای دیگر زمان میگذارند ولی کتابی را که به راه حیات ابدی اشاره میکند روزانه مورد مطالعه قرار نمیگیرد - داستانهای سست بنیاد با توجه خاصی خوانده میشود در حالیکه از کتاب مقدس کوتاهی میگردد. این کتاب راهنمایی برای یک زندگی عالی تر و مقدس تر است. جوانانی که آنرا جالبترین کتاب عنوان کرده اند با خواندن داستانهای جعلی ذهن خود را منحرف خواهند ساخت.

افکار جوانی از نائل شدن به پیشرفت‌های عالی باز میماند هنگامیکه از عالیترین مرجع حکمت و خرد غفلت میشود - که کلام خداست. ما در جهان خدا هستیم - در محضر خالق که شبیه او ساخته شده ایم که مراقب ماست و بما توجه داشته و ما را دوست دارد - اینها موضوعهای



شگفت انگیزی برای فکر و ذهن هستند و اندیشه را متعالی میسازند. فردی که ذهن و قلب خود را به تعمق در باره چنین موضوعهایی هدایت میکند هرگز با موضوعهای جزئی و احساسی قانع نخواهد گردید.

**بی‌اعتنایی والدین به فرزندان منعکس می‌گردد** - حتی وقتی که بچه‌ها خیلی کوچک هستند دقیق هستند و اگر والدین نشان بدهند که کلام خدا راهنما و مشاور آنان نیست و اگر به پیامهایی که نزد آنان آورده میشود بی‌اعتنایی کنند مشابه روحیه بی‌اعتنای "بمن مربوطی نیست و من کار و شیوه خود را دارم" آنگاه فرزندان از آن تقلید کرده و همانرا متجلی خواهند ساخت.

**کلام را در جایگاه خود حرمت دهید** - بعنوان امتی که نور هدایت عظیمی داشته است باید عادات خود را متعالی سازیم - در کلامان و در رابطه با زندگی خانوادگیمان. به کلام در خانه بعنوان راهنمای زندگی جایگاه محترمانه‌ای اختصاص دهید. بگذارید تا در مصایب و مشکلات بعنوان مشاور در نظر گرفته شود و در هر اموری بعنوان معیار و ضابطه در نظر گرفته شود. آیا برادران و خواهران متقاعد نخواهند شد که هرگز کامیابی واقعی نصیب جانی در گردونه خانواده نخواهد شد مگر اینکه حقیقت و حکمت و عدالت خدا اداره کننده امور باشد؟ هر تلاشی توسط پدران و مادران باید کرده شود تا بر عادات سستی در خدمت به خدا فائق آیند. قدرت حقیقت باید عاملی مقدسانه در خانه باشد.

والدین به فرزندان خود سطر به سطر و حکم به حکم و با پندها و تمثیلات آموزش دهید - راهنمایی‌هایی که شامل کلام مقدس خداست. این کاری است که پس از تعمیم آنان ملزم به انجام آن هستید. همه اینها را با تمام قوت انجام دهید تا جانهای فرزندان خود را نجات دهید خواه از گوشت و استخوان شما باشند و یا خواه به فرزنددی پذیرفته شده باشند.

**کتاب مقدس را کتاب درسی خانه خود بسازید** - والدین اگر میخواهید فرزندان خود را بیاموزید تا خدا را خدمت و به جهان نیکی کنند کتاب مقدس را کتاب درسی خود بسازید. کتاب مقدس حیل‌های شیطان را آشکار میسازد. کتاب مقدس متعال کننده قوم‌هاست - ملامت کننده و تصحیح کننده شرارتهاست - و ردیابی است که ما را قادر میسازد تا فرق بین درست و غلط را تشخیص بدهیم. هر چیز دیگری که در خانه یا در مدرسه آموزش داده شده است به کنار بلکه



کتاب مقدس بعنوان آموزنده بزرگ باید در مقام اول بایستد. اگر چنین موقعیتی به آن داده شود خداوند حرمت داده میشود و او برای شما کار خواهد نمود و با فرزندانان سخن خواهد گفت. معنی غنی از حقیقت و زیبایی در این کتاب مقدس وجود دارد و والدین باید خودشان را سرزنش کنند اگر آنها برای فرزندان خود جالب و جذاب نسازند.

"مکتوب است" تنها سلاحی بود که مسیح در هنگامی که وسوسه کننده آمده تا نیرنگ بزند بکار برد. تعلیم حقیقت کتاب مقدس کار عظیم و با شکوهی است که هر پدر و مادری باید به عهده بپذیرد. در چارچوب دلپذیر و شاد ذهن حقیقت را قرار بدهید همانگونه که توسط خداوند در مقابل فرزندان سخن گفته شده است. بعنوان پدران و مادران شما باید نمونه های عملی برای فرزندان در کارهای روزمره زندگی باشید و با شکیبایی و مهربانی و محبت و با آنان را بخود دلبسته کنید. به آنان اجازه بدهید هر کاری که دوست دارند انجام دهند ولی به آنان نشان دهید که کار شما عمل به کلام خدا و رشد و پرورش در خداست.

**با سخت کوشی و اسلوب معین مطالعه کنید-** نظمی را در مطالعه کلام در خانواده رعایت کنید. از هر چیزی که ذات دنیوی و مادی دارد فرو گذار باشید... ولی مطمئن باشید که جان با نان حیات اطعام شده است. برآورد نتایج خوب یک ساعت یا حتی نیم ساعت غیرممکن است ولی باید زمان با خوشی و مسرت و با آداب اجتماعی به کلام خدا وقف گردد. بگذارید تا کتاب مقدس توضیح دهنده و تفسیر کننده خود باشد و در زمانهای مختلف در محیط های متنوع در باره موضوع مورد نظر گفتگو و مطالعه کنید. کلاس خانگی خود را برای ملاقات کنندگان و یا تلفن کنندگان بر هم نزنید. اگر در هنگام این ممارست آمدند آنان را دعوت کنید تا در آن جلسه شرکت کنند. توجه به اهمیت کسب دانش از کلام خدا باید همیشه مهم تر از بدست آوردن لذتهای دنیوی باشد. اگر کتاب مقدس را با پشتکار و دعا هر روزه مطالعه کنیم هر روزه میتوانیم حقیقت تازه و زیبا و شفاف و الوانی بیابیم.

**بگذارید تا همگی دروس مدرسه سبت را مطالعه کنند-** مدرسه سبت بهمراه والدین و فرزندان فرصتی برای مطالعه کلام خدا داده است. ولی بمنظور استحصال این بهره ای که در مدرسه سبت بدست خواهند آورد هر دوی والدین و فرزندان باید زمانی را به مطالعه دروس اختصاص دهند و در پی بدست آوردن دانشی از حقایق ارائه شده باشند و همچنین از حقایق روحانی که



برای تعلیم تدبیر شده بهره ببرید. ما باید مخصوصاً بر ذهنهای جوانان اهمیت جستجوی معنی غایی کلام را تحت نظر داشته باشیم.

والدین زمان اندکی را هر روزه برای مطالعه دروس مدرسه سبت با فرزندان اختصاص بدهید. از معاشرتهای اجتماعی در صورت لزوم صرف نظر کنید تا اینکه بخواهید زمانهای وقف شده برای دروس تاریخ مقدس قربانی کنید. والدین از جمله کودکان از این مطالعات منتفع خواهند گردید. بگذارید قطعه های مهم کلام در رابطه با درس برای حفظ کردن اختصاص یابد نه بعنوان کار و وظیفه بلکه بعنوان یک امتیاز. گرچه در ابتدا ممکن است حافظه ناکارآمد باشد ولی با تمرین تقویت خواهد شد پس بعد از زمانی محظوظ خواهید شد از اینکه کلام حقیقت را بعنوان گنجینه ای حفظ کرده اید. و عادت ارزشمندترین کمک به رشد روحانی را تأیید خواهد نمود.

والدین باید این وظیفه الهی را درک نموده تا فرزندان خود را در احکام و خواسته های خدا منجمله نبوتها راهنمایی کنند. آنان باید فرزندان خود را در خانه تعلیم داده و خود نیز باید به دروس مدرسه سبت علاقمند باشند. مطالعه با فرزندان به آنان نشان میدهد که حقیقتی که در دروس آورده شده اهمیت دارد و به آنان کمک میکند تا نسبت به کسب دانش کتاب مقدس ذوق داشته باشند.

**به دانش سطحی قانع نشوید** - اهمیت جستجوی دانش کامل از کلام بسختی میتواند برآورده شود. کلامی که با وحی خدا ارزانی شده ما را قادر میسازد تا حکمت یافته به رستگاری برسیم و مرد خدا را دگرگون ساخته تا کامل بوده و برای همه کارهای خوب مجهز باشد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۷) کتاب مقدس از ما مطالبه میکند که توجهات عالی و محترمانه ای به کلام داشته باشیم. ما نباید از دانش سطحی قانع باشیم ولی در پی آموختن معنی کامل کلام حقیقت باشیم و از روح مقدس وحی سیراب شویم.

**دروس را برای تجربه کودک بکار برید** - در تعلیم کتاب مقدس به کودکان ما میتوانیم بیشتر منتفع شویم تا نظر آنان را نسبت به چیزهایی که بدان علاقه دارند جلب کنیم. بعنوان دانش آموزان ببینید که دروس کتاب مقدس در زندگی آنان بکار برده شود و به آنان تعلیم دهید که به آن مانند یک مشاوره نگاه کنند...



کتاب مقدس دارای پری و قوت و عمق معناست که پاپان ناپذیر است. کودکان و نوجوانان را تشویق کنید تا در پی گوهرهای آن باشند- هم در جلوه و هم در مطلب فکری.

**هر یک باید برای خود مطالعه کند-** مادران و پدران مسئولیت سنگینی را در رابطه با فرزندانشان بدوش میکشند. والدینی که به مطالعه کلام اعتقاد دارند درک میکنند که باید از احکام خدا پیروی کنند و نباید در جهت مخالف احکام مقدس گام بردارند. آنانیکه به هر کسی حتی مبلغ مذهبی اجازه میدهند تا آنان را به بی اعتنایی از کلام خدا هدایت کنند باید در روز داوری نتیجه راه و روش خود را ببینند. والدین نباید به جانهای خود و فرزندان خود اعتماد کنند بلکه باید به خدا اعتماد داشته باشند که با خلقت و با رهایی باو تعلق دارند. والدین باید کلام را برای خود مورد تحقیق و بررسی قرار دهند چرا که جانمایی را برای نجات دادن و یا از دست دادن در دست دارند. آنان نمیتوانند برای رستگاری وابسته به مبلغ باشند. آنان باید حقیقت را برای خود مطالعه کنند.

**مطالعه کتاب مقدس را برای فرزندان خود جالب و دلپذیر سازید-** بگذارید تا جوانان یاد بگیرند تا مطالعه کتاب مقدس را دوست داشته باشند. بگذارید تا اولین جایگاه در افکار و علاقه هایمان به کتاب اعظم داده شود چرا که دارای دانشی است که بیش از هر چیز دیگر به آن نیاز داریم.

بمنظور انجام چنین کاری والدین باید خود با کلام خدا آشنا شوند ... و برغم حرفهای بیهوده و گفتن داستانهای بیهوده برای فرزندان خود، با آنان از موضوعات کتاب مقدس سخن بگویند. کتاب تنها برای پژوهشگران طراحی نشده است. کتاب با سبکی ساده و شفاف نگاشته شده تا برای مردم عامی قابل درک باشد و با تشریح مناسب قسمت بزرگی از آن میتواند بطور شگرفی برای بچه های کوچک جالب و سودمند باشد.

فکر نکنید که کتاب مقدس کتابی خسته کننده برای کودکان خواهد بود. تحت آموزش حکیمانه کلام بیشتر و بیشتر خوشایند خواهد شد. و برای آنان مانند نان حیات خواهد بود و هرگز کهنه نخواهد شد. در آن تازگی و طراوتی وجود دارد که کودکان و نوجوانان را جذب شیفته خود میسازد. این مانند خورشیدی است که بر زمین میتابد و نور و گرما به آن میبخشد با این وجود هرگز تمام نمیشود. با دروسی از تاریخ کتاب مقدس و اصول کودکان و نوجوانان



میتوانند بیاموزند که همه کتابهای دیگر پائین رتبه و پست هستند. آنان در اینجا چشمه رحمت و محبت را خواهند یافت.

والدین باید آموزه هایی ساده را که فرزندان خود بدهند و مطمئن باشند که بطور واضح درک خواهد شد. دروسی را که شما از کلام می آموزید باید به ذهن جوانان منتقل کنید بطوریکه چنان ساده باشد که از درک آن باز نمانند. با دروس ساده که از کلام خدا و تجربیات خویش اقتباس نموده اید به آنان تعلیم دهید که چگونه زندگی خود را با استانداردهای عالی مطابقت دهند. حتی در کودکی و نوجوانی آنان می آموزند تا با فکر و ملاحظه زندگی کنند که زندگی آنان ثمره پرباری را ارزانی دارد.

**تازه ترین افکار را بدهید و از بهترین روشها استفاده کنید** - پدر آسمانی ما با ارزانی داشتن کلام خود از کودکان چشم پوشی نکرد. در تمام چیزهایی که انسان نوشته چه مقدار مانند کتاب مقدس در باره بچه های کوچک نوشته شده است؟

در این داستانهای ساده اصول بزرگ احکام خدا بسادگی نوشته شده است. این مثالها بهترین و مناسبترین تصاویر برای درک و فهم کودک هستند و والدین و معلمین ممکن است کار خود را خیلی زود در رابطه با احکام او شروع کنند: " و این سخنانیکه من امروز ترا امر میفرمایم بر دل تو باشد و آنها را به پسرانت بدقت تعلیم نما و حین نشستنت در خانه و رفتنت براه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما" (تثنیه ۶: ۷).

استفاده از مثالهای عملی - نقشه ها - و تصاویر در تشریح این دروس و حفظ کردن آنان کمکی خواهند بود. والدین و معلمین باید دائما در پی روشهای اصلاح شده باشند. تعلیم کتاب مقدس باید تازه ترین افکار و بهترین متد ها را داشته باشد.

**کتاب مقدس را بعنوان کتاب راهنما در نظر بگیرید** - شما باید کتاب مقدس را بعنوان کتاب راهنمای خود در نظر بگیرید چنانچه بخواهید تا فرزندان خود را با پرورش و راهنمایی های خدا بزرگ کنید. بگذارید تا زندگی و شخصیت مسیح بعنوان الگویی برای تقلید از آن ارائه شود. چنانچه آنان خطا کنند از کتاب مقدس در رابطه با آن گناه مشابهه طلبی بخوانید. نیازی برای توجه و مراقبت دائمی و سختکوشانه به این کار وجود دارد. یک خصیصه اشتباه تحمل





شده توسط والدین و تصحیح نشده توسط معلم ممکن است سبب شود تا تمامی خصایل نامتعادل و بد قواره شود. به فرزندان خود تعلیم دهید که باید قلبی نو داشته باشند و سلیقه های جدید باید ایجاد شود و انگیزه های تازه الهام گردد. آنان باید از مسیح کمک بگیرند و باید با خصایل و فضایل خداوند آنگونه که در کلام وی آشکار گردیده آشنا بشوند.

## فصل هفتاد و هشتم

### قدرت دعا

**نیاز برای دعای خانوادگی-** هر خانواده ای باید محرابی برای دعا برپا کرده و درک کند که ترس از خدا آغاز حکمت است. چنانچه هر فردی در دنیا به قوت و تشویقی نیاز داشته باشد که مذهب آنرا ایجاد میکند مسئولیت آن بر عهده کسانی است که فرزندان را تعلیم و تربیت میکنند. در حالیکه آنان خدا را در زندگی خود دخیل نمیکنند نمیتوانند الگوهای خوبی برای فرزندان باشند. چنانچه فرزندان را بگونه ای تربیت کنند که فقط برای این دنیا زندگی کنند آنان هیچ آمادگی برای حیات ابدی نخواهند داشت. آنان همانگونه که بدون خدا زندگی کرده اند خواهند مرد و والدین فراخوانده خواهند شد تا برای از دست رفتن این جانها حساب پس بدهند. پدران و مادران شما باید روز و شب در محراب خانواده خدا را جستجو کنید تا یاد بگیرید که چگونه فرزندان خود را خردمندانه با محبت و ظرافت تربیت کنید.

**از دعای خانوادگی غفلت گردیده است-** الان زمانی است که هر خانه ای باید خانه دعا باشد. کفر و شک گرابی شایع گردیده است. بی انصافی و شرارت از حد گذشته است. فساد در جریانهای زنده هر جانی جاری گردیده است و طغیان بر علیه خدا در زندگی شیوع یافته است. در اسارت گناه قدرتهای اخلاقی تحت جور و بیداد شیطان قرار گرفته است. جان جولانگاه وسوسه ها گردیده است و جز اینکه دستهای توانا او را نجات دهد انسان بجایی میرود که رهبر طغیانگران سکاندار مسیر است.

و با این وجود در این زمان هولناک برخی از افرادی که ابراز ایمانداری به مسیح را میکنند دعای خانوادگی ندارند. آنان خدا را در خانه حرمت نمینهند و به فرزندان خود خداترسی و



خدادوستی را تعلیم نمیدهند. بسیاری از افراد خود را از او جدا ساخته اند که با نزدیکی به او احساس جرم و تقصیر میکنند. آنان نمیتوانند با جرات به تخت فیض نزدیک شوند و دستهای مقدس را بدون غیظ و جدال برافرازند. (عبرانیان ۴: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۸). آنان رابطه زنده ای با خدا ندارند. رابطه آنان شکلی از دینداری بدون قدرت و اقتدار است.

ایده ای که دعا ضروری نیست یکی از شیوه ها و خدعه های موفق شیطان برای تباهی جانهاست. دعا مشارکت با خداست - چشمه حکمت است - منشاء قدرت است - و آرامش و شادی است.

**مصیبت خانه بدون دعا** - خانه ای که در آن عبادت نیست باعث حزن میشود. در چنین خانه ای حتی برای یک شب نباید احساس امنیت کرد و اگر به امید کمک به چنین والدینی برای درک لزوم دعا و کوتاهی اسفبار آنان نبود باقی نمیماندم. فرزندان نتیجه این کوتاهی را نشان داده اند چرا که خداترسی به آنان یاد داده نشده است.

**دعای تشریفاتی قابل پذیرش نیست** - در بسیاری موارد دعای صبح و شام کمی بیشتر از یک آئین کسل کننده یکنواخت عبارتهای تکراری است. خداوند چنین تشریفاتی را نمیپذیرد. ولی او درخواست قلب حلیم و روح نادم را خوار نخواهد شمرد. گشایش قلبهای ما به پدر آسمانی - تایید وابستگی کامل ما - ابراز خواسته های ما - بیعت حق شناسانه در محبت - اینها دعاها واقعی است.

**اهل بیت در عبادت** - همانند پدران ایمان در عهد کهن آنانیکه اقرار به خدا دوستی دارند باید محرابی برای خداوند برپا کنند هرجایی که چادر خود را نصب میکردند... پدران و مادران باید اغلب قلوب خود را به خداوند در تضرع خاضعانه برای خود و فرزندان بگشایند. بگذارید تا پدران بعنوان کاهن اهل بیت قربانی صبح و شام را در مذبح بگذارند در حالیکه همسر و فرزندان در دعا و حمد متحد میشوند. عیسی دوست خواهد داشت تا در چنین خانه ای بماند.

بگذارید تا اعضای هر خانواده ای در ذهن داشته باشد که آنان بطور نزدیکی با ملکوت اتحاد دارند. خداوند علاقه خاصی به خانواده هایی که فرزندان وی هستند دارد. فرشتگان بخور معطر برای دعاها و قدسین می افشانند. آنگاه هر خانواده ای برای ملکوت دعای خویش را به



آسمان ببرد هم در صبحگاه و هم در زمانهای آرام غروب و شایستگیهای منجی را به آسمان ببرد.

**فرشتگان از فرزندان وقف شده به خدا نگهداری میکنند-** قبل از ترک خانه برای کار همه خانواده باید گرد هم خوانده شوند و پدر و یا مادر در غیاب پدر باید با شور و حرارت از خدا درخواست کند تا آنان را در طول روز در پناه خود نگاه دارد. با خضوع و قلبی سرشار از شفقت و حسی از خطر وسوسه برای خود و فرزندان با ایمان در محراب بهم آید و مراقبت و محافظت خدا را طلب کنید.

**دعا پرچین و حصاری برای فرزندان ایجاد میکند-** در صبحگاهان اولین اندیشه های مسیحیان باید به خدا معطوف گردد. کار دنیوی و علایق شخصی باید فکر ثانوی باشد. مسیحیان باید بیاموزند تا زمان های دعا را حرمت دهند... این وظیفه والدین مسیحی است تا صبح و شب با دعاها مشتاقانه و اعتقاد راسخ حصاری را برای فرزندان خود بسازند. آنان باید با شکیبایی فرزندان خود را هدایت و ارشاد کنند - با مهربانی و بطور خستگی ناپذیر به آنان تعلیم دهید که چطور زندگی کنند تا اینکه خدا را خشنود سازند.

**زمانهای ثابتی را برای دعا در نظر بگیرید-** در هر صبحگاهان و شامگاهان زمان ثابتی را برای عبادت در نظر بگیرید. چقدر مناسب است که والدین فرزندان خود را در طلوع صبح دعا هم آورده و پدر آسمانی را برای محافظت در طول شب حمد و سپاس گفته و از او برای راهنمایی و مراقبت در طول روز مدد جویند. چقدر بجاست که در طول شب نیز والدین و فرزندان یکبار دیگر گرد هم آمده و او را برای برکات روزی که سپری شده حمد و سپاس گویند.

**با شرایط محیطی تحت تاثیر قرار نگیرید-** دعای خانوادگی نباید با شرایط محیطی تحت تاثیر قرار بگیرد. شما نباید گاه و بیگاه دعا کنید و وقتی که کار شما در روز بدرضا میکشد نباید از دعا کردن غفلت کنید. با این کار شما فرزندان خود را هدایت میکنید تا به دعا بعنوان یک موضوع کم اهمیت نگاه کنند. دعا برای فرزندان خدا دارای معنی و مفهوم خاصی است و در صبح و شام باید از خداوند سپاسگزاری کنید. نویسنده مزمور میگوید "بباید خداوند را بسرائیم و



صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم. بحضور او با حمد نزدیک شویم و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم<sup>60</sup>!

پدران و مادران هر قدر کارتان انبوه باشد از آوردن خانواده خود در محراب خدا کوتاهی نکنید. برای نگهداری و قیمومیت از فرشتگان مقدس در خانه هایتان درخواست کنید. بیاد داشته باشید که عزیزان شما در معرض وسوسه ها قرار دارند.

در تلاشهایمان برای آسایش و شادی مهمانان از انجام تعهدات خود نسبت به خدا چشم پوشی نکنیم. زمان دعا نباید برای هر عذر و بهانه ای مورد غفلت واقع گردد. در هنگام دعا آنقدر حرف نزنید تا اینکه همه از لذت آن خسته و کسل شوند. چنین دعایی مانند این است که گوسفند ناقصی را برای خدا قربانی کنیم. در زمانهای اولیه شامگاهان وقتی که میتوانیم بدون عجله و فکورهانه دعا کنیم باید استدعای خود را تسلیم داریم و صدای خود را با شادی بلند کرده و حق شناسانه او را سپاس گوئیم.

بگذارید همه آنانیکه مسیحیان را ملاقات میکنند ببینند که زمان دعا ارزشمندترین، مقدس ترین و شادترین زمان روز است. این زمانهای دعا تاثیر خالص کننده و متعال کننده خود را بر همه آنانیکه در آن شرکت میکنند خواهد داشت. آنان صلح و آرامش را برای روح بارمغان می آورند.

**فرزندان باید به زمانهای عبادت احترام بگذارند-** فرزندان شما باید تعلیم یابند تا نسبت به دیگران مهربان و با ملاحظه و متین و گوش بفرمان باشند و فراتر از هر چیز دیگری به امور روحانی احترام گذارده و اهمیت خواسته های خدا را احساس کنند.

**زمانهای عبادت را جالب و جذاب بسازید-** پدر که کاهن اهل بیت است باید دعای صبح و شام را اداره کند. دلیلی وجود ندارد که چرا این ممارست نباید جالب و لذت بخش نباشد و خداوند از دعاها خشک و کسالت آور بی حرمت میشود. بگذارید تا دوره های دعای خانواده کوتاه و پر از روح باشد. نگذارید تا فرزندان و یا هر عضوی از خانواده برای دعا بیعلاقه و کسل بشوند. وقتی که یک فصل طولانی خوانده و تشریح شده و دعایی طولانی تقدیم گردد این خدمت ارزشمند خسته کننده میشود و وقتی که تمام شود دیگران احساس راحتی میکنند.



این باید برای رئیس خانواده هدف خاصی بشود تا زمان عبادت را جالب و جذاب نماید. با کمی فکر و تدارک دقیق برای دعا وقتی که در محضر خداوند می ایستیم دعای خانوادگی دلپذیر گردیده و سرشار از دستاوردی خواهد شد که بتنهایی جاودانگی را آشکار خواهد نمود. بگذارید تا پدر بخشی از کلام را انتخاب کند که جالب و بسادگی قابل فهم است - تعدادی آیه کافی است تا درس روز را برای مطالعه و تمرین تشکیل دهد. سوالاتی ممکن است پرسیده شود و تعداد کمی ممکن است بطور اتفاقی با شور و حرارت اظهار نظر کنند که باید کوتاه و مختصر و مفید بدان پاسخ داد. حد اقل تعدادی سرودهای روحانی خوانده شود و دعاها مختصر و مفید باشد. کسی که دعا را هدایت میکند نباید در باره هر چیزی دعا کند بلکه باید نیازهای خود را با کلامی ساده ابراز نموده و با شکرگزاری خدا را حمد و سپاس گوید.

تقویت و انگیزش علاقه به مطالعه کتاب مقدس بیشتر بستگی به استفاده از زمان عبادت دارد. ساعتهای عبادت صبح و شامگاه باید دلپذیرترین و مفیدترین زمانهای روز باشد. باید درک شود که در این زمان نباید افکار آزار دهنده و بی مهر سر زده وارد شوند زیرا که والدین و فرزندان با عیسی جمع شده اند و حضور فرشتگان مقدس را بخانه دعوت کنند. بگذارید تا این دعاها مختصر و پر از شور و حیات و متناسب با موقعیت باشد و گاهگاهی متنوع باشد. بگذارید تا همه برای مطالعه و یادگیری کتاب مقدس بپیوندند و اغلب احکام خدا را تکرار کنید. اگر بعضی اوقات به فرزندان اجازه داده شود تا آیه هایی را برای خوانده انتخاب کنند علاقه آنان زیاد میشود تا بیشتر در مجلس دعا شرکت کنند. در باره آن از آنان بپرسید و بگذارید تا آنها هم سوال کنند. هر چیزی که به معنی و مفهوم رنگ و جلا میدهد را اشاره کنید. وقتی که جلسه دعا طولانی نباشد بگذارید تا کوچکترها در دعا مشارکت جویند و بگذارید تا در سرودخوانی مشارکت جویند حتی اگر یک آیه باشد.

**واضح و مشخص دعا کنید-** با الگوئی که از خود نشان میدهید بگذارید تا فرزندان با صدایی واضح و مشخص دعا کنند. به آنان تعلیم دهید تا سر خود را بالا بگیرند و هرگز صورت خود را با دستانشان نپوشانند. بدینسان آنان میتوانند دعاهای خود را با سادگی تقدیم و دعای ربانی را با هماهنگی تکرار کنند.

**قدرت موسیقی-** تاریخ موسیقی و آواز در کتاب مقدس سرشار از الهامات است. موسیقی اغلب برای خدمت به اهداف شریب منحرف گردیده است و بدینسان یکی از عوامل فریب دهنده



وسوسه است. ولی اگر بدرستی بکار برده شود ارزشمندترین هدیه خداست که برای تعالی افکار به موضوعهای عالی و شریف تخصیص یافته تا جان را الهام بخشیده و رفیع گرداند.

این یکی از وسایل موثر در اثر گذاری بر قلوب با حقیقت روحانی است. سرودهای روحانی که در کودکی خوانده و حفظ میگردد به یاد آوری آیات در دوران پیری کمک میکند و در زمان وسوسه ها چنانچه خوانده شود قدرت وسوسه زایل خواهد گردید و زندگی معنی جدید و هدف تازه ای خواهد یافت و دلبری و مسرت خاطر به جانها ارزانی میگردد.

ارزش سرود بعنوان ابزاری برای آموزش نباید منظر خود را از دست بدهد. بگذارید تا در خانه موسیقی و سرود باشد- از سرودهایی که دلپذیر و خالص است - بدین جهت گفتار کمتری از سرزنش و ناراحتی خواهد بود و بیشتر خوشی و مسرت و امید خواهد بود. بگذارید تا در مدرسه سرود خوانده شود و شاگردان بیشتر به خدا و معلمین و به یکدیگر نزدیک شوند.

بعنوان بخشی از عبادت، سرود بهمان اندازه پرستش کار خود را ایفا میکند. در واقع بسیاری از سرودها پرستشی هستند. اگر کودک بیاموزد تا این موضوع را درک کند او بیشتر به معنی کلامی که میخواند فکر میکند و بیشتر مستعد میشود.

**آلات موسیقی و صوت-** در شامگاه و صبح به همراه خانواده برای دعا جمع شوید- کلام او را بخوانید و با سرود او را پرستش کنید. به آنان یاد بدهید تا به احکام خدا احترام بگذارند. در رابطه با احکام، بنی اسرائیل ارشاد گردیدند: "و آنها را به پسرانت بدقت تعلیم نما و حین نشستنت در خانه و رفتنت براه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما"<sup>61</sup>. مطابق با آن موسی بنی اسرائیل را ارشاد نمود تا واژه های احکام را در موسیقی بیاورند. در حالیکه فرزندان بزرگتر آلات موسیقی را مینواختند کوچکترها رژه میرفتند و بطور هماهنگ سرود احکام خدا را میخواندند. در سالهای آخر کلام احکام را در ذهنهای خود حفظ کرده بودند که در خلال دوره کودکی یاد گرفته بودند.

چنانچه برای موسی ضروری بود تا احکام را در سرودهای روحانی درج کند که بموجب آن در بیابان گام بر دارند- کودکان احکام را آیه به آیه میتوانستند یاد بگیرند- پس در زمان حاضر چقدر ضروری خواهد بود تا بکودکان خود کلام خدا را یاد بدهیم! بگذارید تا برای کمک به خدا بپا خیزیم و فرزندان خود را ارشاد کنیم تا احکام را لغت به لغت رعایت کنند.



**دوره مخصوص عبادت برای سبت-** در دعای خانوادگی در روز سبت بگذارید تا کودکان عهده دار بخشی بشوند. بگذارید تا همگی کتابهای مقدس خود را آورده و هر کدام یک یا دو آیه بخوانند. بگذارید تا سرودهای آشناتری خوانده شود و با دعا دنبال شود. بدین خاطر مسیح برای ما الگویی را داده است. دعای ربانی چنین مقدر نشده بود تا تکرار شود بلکه تصویری از دعایی بود که ما باید از آن الگو بگیریم - ساده - پر شور - و جامع. با درخواستی ساده به خداوند نیاز خود را بگویید و سپاسگزاری خود را بخاطر رحمت وی ابراز نمایید. بدینسان عیسی را بعنوان یک مهمان عزیز به خانه و قلب خود میبپذیرید. در خانه دعاها را طویل در ارتباط با موضوعات بید و پرت جایگاهی نباید داشته باشد. چرا که زمان دعا را خسته کننده و ملال آور خواهد ساخت در حالیکه باید بعنوان برکت و امتیازی تلقی شود. عبادت باید دلپذیر و جالب و جذاب باشد.

**دعای بیشتر یعنی تنبیه کمتر-** ما باید بیش از آنکه میتوانیم نزد خدا دعا کنیم. برکت و قوت عظیمی در دعاست وقتی که با خانواده و با فرزندان خود دعا میکنیم. وقتی فرزندان من کار اشتباهی کرده اند و با آنان با مهربانی گفتگو ام و سپس دعا کرده ام هرگز پس از آن لزومی ندیدم تا آنانرا تنبیه کنم. قلبهای آنان در حضور روح القدس نرم و ذوب خواهد شد که پاسخ دعاست.

**فوائد دعای تنهایی-** این زمان دعاها را خصوصی بود که عیسی در زندگی خود بر روی زمین حکمت و قدرت یافت. به جوانان اجازه دهید تا الگوی او را پیروی کنند تا در زمان غروب و تاریکی زمان ساکتی برای مشارکت با پدر آسمانی خود داشته باشند. و در سرتاسر روز به آنان اجازه دهید تا قلوب خود را برای خداوند متعالی سازند. در هر قدم از راه او میفرماید من که یهوه خدای تو هستم دست راست ترا گرفته و بتو می گویم مترس زیرا من ترا نصرت خواهم داد (اشعیا ۴۱: ۱۳). آیا فرزندان ما میتوانند در صبحگاهان سالهای خویش این دروس را بیاموزند- چه تازگی و قدرتی- چه شادی و ملاحظتی میتوانند بزندگی آنان آورده شود.

**دروازه های آسمان برای هر مادری گشوده شده است-** وقتی که مسیح در کرانه رود اردن پس از تعمید سر تعظیم فرود آورد و بخاطر بشر دعا نمود آسمان گشوده شد و ندایی از آسمان گفت " این پسر محبوب من است که از او خشنودم"<sup>62</sup>.



این موضوع چه معنی خاصی برای شما دارد؟ این میگوید که آسمان در هنگام دعا بروی شما گشوده شده است. میگوید که محبوب و پذیرفته شده اید. دروازه ها بروی هر مادری که بارها و رنجهای خود را بپای منجی بریزد گشوده میشود. این میگوید که مسیح قوم خود را با داستان بشری احاطه نموده است و با دستهای الهی خویش سریر سرمدی را بر گرفته و انسان را با خدا و زمین را با آسمان متحد ساخته است.

دعاهای مادران مسیحی با پدر آسمانی نادیده گرفته نشده است - خدایی که فرزند خود را به زمین فرستاد تا خونهای مردم را خود بپردازد. او درخواست شما را رد نخواهد کرد و شما را زیر ضربتهای شیطان در روز عظیم نبرد نهایی رها نخواهد نمود. این وظیفه شماست تا با بی آلاچی و ایمان کار کنید و خداوند کار دستهای شما را اجر خواهد داد.

## فصل هفتاد و نهم

### سبت - روز شادی

**بی اعتنایی متداول برای سبت** - بسیاری از مدعیان مسیحی فرزندان خود را برای خدا تعلیم نمیدهند. آنان خود را کنترل نکرده اند و از هر کسی که بخواهد آنان را کنترل کند آزرده و خشمگین میشوند. آنان در زندگی روزانه خود با ایمان فرزندان را در محراب خدا جمع نمیکند. به بسیاری از این جوانان اجازه داده شده است تا از چهارمین فرمان سرپیچی کنند تا در روز مقدس خدا در پی تفریح و سرگرمی خود باشند. آنان در روز سبت از رفتن به خیابان برای تفریح کردن احساس ندامت نمیکند. بسیاری به هر جایی که دوست دارند میروند و هر کاری که دوست دارند انجام میدهند و والدین آنان از این میترسند که نکند رنجیده خاطر شوند و مدیریت خانوادگی عیلی را تقلید میکنند و هیچ فرمانی به آنان نمیدهند.

این جوانان نهایتاً احترامی برای روز سبت قائل نمیشوند و هیچ رغبتی به جلسات مذهبی و یا مقدس و امور ابدی ندارند.





**به اولین واژه فرمان چهارم اعتنا و توجه کنید-** عبارت (بیاد داشته باش) در اولین قسمت فرمان چهارم جای گرفته است. والدین باید بیاد داشته باشید که خودتان روز سبت را مقدس نگاه دارید. و چنانچه چنین کنید به فرزندان خود راهنمایی مناسبی ارائه کرده اید و آنان به روز مقدس خدا حرمت خواهند نهاد... آموزش مسیحی در خانه هایتان الزامی است. در سراسر هفته سبت مقدس خدا را در نظر داشته باشید چرا که آنروز به خدمت خداوند اختصاص یافته است. این روزی است که دستان از کار دنیوی مستریح هستند و به نیازهای جان توجه خاصی میشود.

وقتی که بدینسان روز سبت بخاطر سپرده شود امور دنیوی بر روحانی دست اندازی نخواهد نمود. هیچ کاری مربوط به شش روز کاری نباید برای روز سبت گذارده شود. در خلال هفته که انرژی خود را در کار از دست داده اید در روز سبت خدا از کار فارغ شوید تا طراوت و تازگی خود را بعد از روز استراحت بدست آورید چرا که خداوند شش روز کار کرد و زمین و هر چه در آنست را آفرید و در روز هفتم سبت استراحت نمود. این روز را برای خدمت به او اختصاص دهید.

**روز جمعه را روز تدارک در نظر بگیرید-** در روز جمعه بگذارید تا تدارک برای روز سبت کامل گردد. لباسهای خود را آماده کنید و غذا را بپزید. کفشهایتان را واکس بزنید و حمام بروید. این کار ممکن است. چنین کاری را میتوانید مقرر کرده و بطور منظم انجام دهید. روز سبت برای ترمیم لباس و پختن غذا و در پی تفریح و یا هر امور دنیوی نیست. پیش از غروب آفتاب همه کارهای دنیوی را کنار بگذارید و همه اوراق دنیوی دور از نظر نگاه داشته شود. والدین کار خود و هدف آنرا برای فرزندان خود تشریح کنید. و بگذارید تا برای آماده شدن برای سبت مطابق با فرمان شما را یاری کنند.

در بسیاری خانواده ها در روز سبت کفشها در روز سبت واکس زده میشوند و لباسها کوک زده میشود زیرا همه این خرده کارها در روز جمعه انجام نشده اند. آنان بخاطر نسرپرده اند که روز سبت را مقدس نگاه دارند. در روز جمعه لباس فرزندان باید آماده شود. در خلال هفته همه آنها باید با دستهای خودشان با راهنمایی مادر کنار گذاشته شود تا بتوانند با آرامش و بدون هر گونه سراسیمگی یا عجله و حرفهای تند لباس خود را بپوشند.



کار دیگری وجود دارد که در روز تدارک باید مورد توجه واقع شود. در این روز همه اختلافات بین برادران خواه در خانواده و یا در کلیسا باید کنار گذاشته شود.

**روز سبت توسط خانواده با دعا شروع میشود-** قبل از غروب آفتاب بگذارید تا اعضای خانواده جمع شده و کلام خدا را بخوانند سرود خوانده و دعا کنند. برای اصلاحات نیازی وجود دارد چرا که بسیاری بی مبالا هستند. ما باید به خدا و یا به یکدیگر اعتراف کنیم. ما باید تازگی را آغاز کنیم تا نظم خاصی ایجاد نموده که هر عضو خانواده آماده شده تا روزی را که خدا برکت داده و تقدیس نموده است را حرمت دهیم.

**زمانهای سبت به ما تعلق ندارند بلکه متعلق به خدا هستند-** خداوند بما همه شش روز را داده است که کار کنیم و تنها یکروز را برای خود نگاه داشته است. این باید روز برکتی برای ما باشد - روزی که بتوانیم همه امور دنیوی را کنار گذارده و افکار خود را به خداوند و ملکوت متمرکز کنیم.

وقتی که سبت آغاز میشود ما باید مراقب اعمال و گفتار خود باشیم مبدا که زمانی را که اکیدا به خدا اختصاص یافته است را برای استفاده خود بکار ببریم. ما نباید خود کاری انجام دهیم و نه زحمت آنرا بر فرزندان خود تحمیل کنیم. جمعه روز تدارک است. آنگاه زمان میتواند به تدارک چیزهای ضروری برای سبت و فکر کردن و سخن گفتن در باره آن اختصاص یابد. هیچ چیزی که از نظر ملکوت تخطی از سبت مقدس در نظر گرفته میشود نباید گفته یا کرده شود. خداوند نه تنها خودداری از کار جسمی را در سبت ملزم نموده بلکه ذهن باید منضبط گردد تا بر موضوعات الهی ساکن گردد. فرمان چهارم با سخن گفتن در امور دنیوی یا سخنان بیهوده بواقع مورد تخطی قرار میگیرد. صحبت درباره هر چیزی که به ذهن بیاید سخن گفتن از حرفهای خودمان است. هر گونه انحراف از نور هدایت ما را به اسارت در آورده و محکوم و مذموم است.

**زمان سبت بسیار ارزشمند است تا در آن بخوابیم-** هیچ کسی نباید در طی هفته چنان خود را در امور دنیوی مستغرق بسازد و با تلاشهای خویش در منافع دنیوی خود را از پای در آورد که در روز سبت انرژی یا قوتی نداشته تا خدا را خدمت کند. ما به خدا دستبرد میزنیم وقتی که خود را برای عبادت در روز مقدس او ناشایست سازیم.



نگذارید تا ساعت‌های ارزشمند سبت بر روی تخت‌خواب به هدر رود. در صبح روز سبت خانواده باید زود از خواب بیدار شود. اگر دیر بلند شوید سراسیمگی و شتاب در تدارک صبحانه و مدرسه سبت خواهد بود. عجله و شتاب و ناشکیبایی وجود خواهد داشت. بدین سبب احساس نامقدسانه به خانه وارد میشود. روز سبت بدینسان بی حرمت میشود و در عوض روزی دوست داشتنی به روزی ملال آور و هولناک تبدیل میشود.

**با فرزندان به عبادت همگانی بپیوندید-** پدران و مادران باید مقرر دارند که فرزندان در روز سبت در عبادت همگانی مشارکت جویند. و باید با نمونه ای که از خود بنمایش میگذارند آنها را قانونمند کنند. این وظیفه ماست تا به فرزندان و اهل بیت خود امر کنیم تا پیرو ما باشند همانگونه که ابراهیم چنین نمود. با الگو و حکم باید اهمیت تعلیم مذهبی را به آنان گوشزد کنیم. همه کسانی که پیمان تعمیم را قرائت کرده اند خود را وقف خدمت به خدا نموده اند. و تحت میثاق هستند تا خود و فرزندان خود را در جایگاهی قرار دهند که در زندگی مسیحانه تشویق و ترغیب شوند. ولی در حالیکه خدا را عبادت میکنیم نباید آنها زحمت و محنت در نظر بگیریم. سبت خدا باید برای ما و فرزندانمان برکت باشد. آنان باید به سبت بعنوان روز خوشی نگاه کنند روزی که خداوند آنها تقدیس نموده است و چنانچه بطور مقتضی ارشاد شود آنها خواهند پذیرفت.

**لباسهای خوب خود را در خانه عبادت بپوشید-** بسیاری از افراد به راهنمایی و ارشاد نیازمندان که چگونه در جمع عبادی روز سبت پدیدار شوند. آنان نباید در محضر خداوند با لباسهای معمولی که در طول هفته میپوشند ظاهر شوند. همگی باید لباس مخصوص سبت را داشته باشند تا وقتی که در خانه خدا برای عبادت می آیند آنها بتن کنند. در حالیکه نباید خود را با مدهای دنیوی مطابقت دهیم نباید در خصوص ظاهر خود بی تفاوت باشیم. ما باید بدون زینت آلات مرتب و آراسته باشیم. فرزندان خدا باید ظاهر و باطنی خالص داشته باشند.

**موعظه سبت را به فرزندان خود شرح دهید-** خادمین باید در یک کار الهی و جدی مشغول باشند. آنان باید با جدیت گوش فرا دهند تا هدایتی را دنبال کنند که همگی باید به حیات ابدی نائل گردند. هر شنونده ای باید با جد و جهد خطابه های حقیقت کتاب مقدس را درک کند که بعنوان پیامی از طرف خداست تا با ایمان آنها دریافت کند و آنها در زندگی روزمره عملی سازد. والدین باید به فرزندان خود کلامی را که از منبر موعظه میشود تشریح کنند که



آنان نیز بفهمند و دانشی را داشته باشند که اگر بدان عمل شود فیض و آرامش فراوانی را بارمغان خواهد آورد.

**خوراک لذیذی را برای زمان غذا تهیه کنید-** ما نباید برای سبت بیش از روزهای معمولی غذا تهیه کنیم. در عوض، این غذا باید ساده تر بوده و کمتر خورده شود بخاطر اینکه ذهن شفاف و پرتوان باشد تا امور روحانی را درک کند. پرخوری ذهن را مغشوش میکند. ارزشمندترین گفتار شاید شنیده شود ولی قدر آن دانسته نشود زیرا ذهن با رژیم غذایی نامناسب مغشوش میگردد. با پرخوری در روز سبت بسیاری بیش از آنکه فکرش را بکنند خدا را بی حرمت ساخته اند.

در حالیکه از پختن غذا در روز سبت باید خودداری نمود ضرورتی ندارد تا غذای سرد خورد. در هوای سرد روز قبل غذا را آماده کنید تا بعدا گرم شود. و بگذارید غذا گرچه ساده است خوش طعم و جذاب باشد. چیزی را تدارک ببینید که بعنوان غذای لذیذ در نظر گرفته شود چیزی که خانواده هر روز آنرا نمیخورد.

**آرامش روز ارزشمند است-** مدرسه سبت و اجتماع برای عبادت تنها بخشی از سبت را اشغال میکنند. بخش دیگری که برای خانواده باقی میماند مقدس ترین و ارزشمندترین دوران از تمام ساعت‌های سبت است. والدین بیشتر این زمان را باید صرف فرزندانشان کنند.

**زمان مناسبی را برای خواندن و گفتگو برنامه ریزی کنید-** روز سبت شیرین ترین و مبارک ترین روزی است که والدین میتوانند به فرزندان خود توجه کنند برای آنان جذابترین بخشهای تاریخ کتاب مقدس را بخوانند و آنان را آموزش دهند تا روز سبت را حرمت بگذارند و آنرا مطابق با فرمان نگاه دارند. این نمیتواند انجام شود چنانچه والدین علاقه ای برای فرزندان خود احساس نکنند. ولی میتوانند سبت را لذتبخش بسازند چنانچه مسیر مناسبی را دنبال کنند. نظر فرزندان با خواندن کلام یا گفتگو در باره رستگاری جانهای خود میتواند جلب شود. ولی آنان باید آموزش دیده و تربیت شوند. طبیعت انسانی دوست ندارد تا به خدا یا به امور آسمانی یا ملکوت فکر کند. بایستی بطور دائمی جریانهای دنیوی و علاقه به شرارت را عقب راند و بگذاریم تا نور ملکوت بدرخشد.

**نسبت به فعالیتهای فرزندان بی تفاوت نباشید-** بسیاری در روز سبت بی تفاوت هستند و نمیدانند که فرزندانشان کجا هستند و چه میکنند.



والدین فراتر از هر چیز در روز سبت مراقب فرزندان خود باشید. بازی در خانه یا بیرون از خانه تخطی از روز مقدس خداست. شما با مجاز شمردن بازی، خود نیز سبت را زایل کرده اید و وقتی چنین کنید خداوند بشما بعنوان ضایع کننده سبت خواهد نگریست.

**بیرون از در با فرزندان** - والدین میتوانند فرزندان خود را به بیرون برده تا خدا را از طریق طبیعت ستایش کنند. به آنان گلهای شکفته شده و غنچه ها را نشان دهید تا درختان مرتفع و ساقه زیبای گیاهان را ببینند و به آنان یاد بدهید که خداوند همه اینها را در شش روز آفرید و در روز هفتم استراحت نمود و آنرا تقدیس کرد. بدینسان والدین این درس ارشادی را به فرزندان خویش می آموزند که وقتی این فرزندان به این چیزها در طبیعت نگریستند در ذهن خود آفریننده بزرگ را بخاطر بیاورند. افکار آنان با نگریستن به طبیعت خدا به آفرینش جهان معطوف میگردد. وقتی که بنیاد سبت گذاشته شد و همه فرزندان خدا از خوشی فریاد زدند. این قبیل دروسی هستند که باید در ذهن فرزندان نقش ببندد. ما نباید به فرزندان خود بیاموزیم که آنها نباید در روز سبت خوشحال نباشند و در بیرون از خانه در طبیعت راه نروند. مسیح حواریون خود را در کنار دریاچه در روز سبت تعلیم میداد. خطابه های وی در روز سبت همیشه در چهار دیواری موعظه نگردید.

**درس دیگری از طبیعت - درس عملی و پند آموز** - به فرزندان خود تعلیم دهید تا مسیح را در طبیعت ببینند. آنان را به هوای آزاد ببرید - در زیر درختان برافراشته - به باغها و بوستانها و به همه کارهای شگفت انگیز خلقت - و به آنان تعلیم دهید تا ابراز محبت او را ببینند. به آنان تعلیم بدهید که او احکام را ایجاد نمود تا بر خلائق حاکم گردد و اینکه او احکام را برای ما ایجاد نمود و اینکه این فرامین برای شادی و خوشی ماست. آنان را با دعاهای طولانی و ملالت آور خسته و بیزار نکنید بلکه از طریق درس پندآموز و عملی طبیعت به آنان فرمانبرداری از احکام خدا را تعلیم دهید.

**مفهوم درستی را از شخصیت خدا ارائه نمایید** - چگونه فرزندان میتوانند دانش صحیح تری از خدا دریافت کنند و اذهان آنان بهتر تحت تاثیر قرار گیرد با سپری کردن بخشی از زمان خود در طبیعت و نه در بازی بلکه در مشارکت و همراهی با والدین خود؟ بگذارید تا اذهان جوان آنان در چشم اندازهای زیبای طبیعت با خدا پیوند داده شود. بگذارید تا توجه آنان به محبت



خدا نسبت به بشر بعنوان آفریده او جلب گردد و مجذوب و علاقمند گردند. آنان در ارتباط با خصایل خدا در معرض خطر نخواهند بود ولی وقتی چیزهای زیبا را که خداوند برای شادی بشر آفریده ببینند او را بعنوان یک پدر مهربان و رقیق القلب خواهند دید. آنان خواهند دید که ممنوعیت ها و نهی ها تنها برای نشان دادن اقتدار او نیست بلکه او برای فرزندان خویش شادی را در نظر گرفته است. بعنوان آفریدگار خداوند وجهه های محبت و خیرخواهی و زیبایی و جذابیت را آفریده تا بشر به دوست داشتن او جلب گردد. شما میتوانید اذهان آنان را به پرندگان دوست داشتنی که فضا را با نغمه های شاد خود طنین انداز میکنند جلب کنید به ساقه های گیاهان و گلپایه های باشکوه رنگارنگ که در کمال خود هوا را معطر میکنند. همه اینها مهارت و محبت هنرمند آسمانی را اعلان نموده و جلال خدا را نشان میدهد.

والدین! چرا از دروس ارزشمندی که خدا در کتاب طبیعت داده استفاده نمیکنید تا به فرزندان خود ایده صحیحی از خالق ارائه دهید؟ کسانی که سادگی و بی آلاچی را قربانی مد کرده و درهای زیبایی طبیعت را بروی خود میبندند نمیتوانند ذهن روحانی داشته باشند. آنان نمیتوانند حذاقت و قدرت خدا را درک کنند چگونه که در کارهای خلقتش آشکار گردیده است بنابراین قلبهای آنان روح زندگی و محبت و علاقه را نمی یابد و از هیبت و تکریمی که در طبیعت خداوند میبینند پر نمیشود.

**یک روز زندگی مانند زندگی در باغ عدن** - ارزش سبت بعنوان وسیله ای برای آموزش فراتر از دیدگاه ماست. هر چه که متعلق به ماست را خداوند ادعا و طلب میکند او آنرا با جلال خویش باز میگرداند غنی میسازد و متجلی میگرداند....

سبت و خانواده بطور یکسان در باغ عدن ایجاد گردید و از نظر خدا با هم پیوند جاودان و ناگسستگی دارند. در این روز بیش از هر روز دیگر برای ما غیر ممکن است که مانند باغ عدن زندگی کنیم. این برای اعضای خانواده، برنامه ای از خدا بود تا در کار و مطالعه مرتبط باشند- در عبادت و فراغت پدر بعنوان کاهن خانه خود و هم پدر و مادر بعنوان معلمین و همراهان فرزندان خود. ولی نتیجه گناه تا حد زیادی وضعیت و شرایط زندگی را تغییر داد. پدر اغلب بسختی صورت فرزندان خود را در طول هفته میبیند. او تقریباً رویهمرفته از داشتن فرصتی برای مشارکت یا راهنمایی فرزندان محروم مانده است. ولی محبت خدا محدودیتی را برای کار



و زحمت قائل شده است. در طول سبت او داستان رحیم او گوشوده است. در روز مخصوص ، او فرصتی را برای خانواده برای مشارکت با او در نظر گرفته است- با طبیعت و با یکدیگر.

### **سبت را لذتبخش بسازید-** همه کسانی که خدا را دوست دارند هر چه میتوانند بکنند تا سبت را

لذتبخش و مقدس و ارجمند بسازند. آنان نمیتوانند با سرگرمی های گناه آلود و تفریحات ممنوعه چنین کنند. با این وجود آنان میتوانند سبت را با خانواده خود تجلیل سازند و آنرا جالبترین روز هفته بسازند. ما باید زمانی را تخصیص داده تا برای فرزندانمان جالب و جذاب باشد. یک تغییر میتواند تاثیر شادی بر آنان داشته باشد. ما میتوانیم با آنان در فضای آزاد قدم بزنیم ما میتوانیم با آنان در میان درختان و درخشش آفتاب بنشینیم و با ذهنهای بیقرار آنان در باره کارهای خدا گفتگو کنیم و میتوانیم با محبت و احترام توجه آنان را به اشیاء زیبا در طبیعت جلب کنیم. سبت باید چنان برای خانواده های ما جالب باشد که گذشت و چرخش هفته ها با خوشی یاد شود. با ارشاد و راهنمایی خانواده ها به امور روحانی ، جلوه صحیحی از ذات خدا به آنان بدهید تا در خصوصیات و صفات مسیحی کامل بوده و به حیات جاودان دست یابند. والدین! سبت را روزی لذتبخش بسازید که فرزندانمان هر هفته چشم انتظار سبت بوده و با قلوب خود آنرا خوش آمد گویند.

### **اوج هیجان در دعا و سرود-** وقتی خورشید غروب میکند بگذارید تا صدای دعا و آواز پرستش

نشانی از ساعتی وقف شده برای خدا باشد و از خدا بخواهید تا هفته ای خوب در طول هفته داشته و از شما مراقبت و محافظت نماید.

بدینسان والدین میتوانند سبت را آنطور که باید و شاید بسازند- شادترین و لذتبخش ترین روز

هفته. آنان میتوانند فرزندان خود را هدایت کنند تا آنرا بعنوان روز خوش و محترم و مقدس بر ای خدا بسازند.



## فصل هشتماد

### احترام برای چیزی که مقدس است

**فیض ارزشمند تکریم و احترام** - فیض با ارزش دیگری که باید با دقت گرمی داشته شود تکریم و احترام است.

آموزش و پرورش جوانان باید دارای خصوصیتی باشد که امور الهی را متعالی سازد و مشوق عبادت خالص برای خدا در خانه عبادت او باشد. بسیاری که مدعی فرزند بودن پادشاه آسمانی هستند نسبت به تقدس امور ابدی ارزش واقعی قائل نیستند.

**باید برای خداوند حرمت قائل شد** - حرمت واقعی برای خدا با حسی از عظمت سرمدی و درکی از حضور او الهام گردیده است. با این حس نادیده قلب هر کودکی باید عمیقا تحت تاثیر قرار گیرد. "خداوند در جماعت مقدسان بینهایت مهیب است. و ترسناک است بر آنانیکه گرداگرد او هستند" (مزامیر ۸۹:۷).

**نام او بایستی حرمت داده شود** - احترام و تکریم همچنین باید برای نام خدا نشان داده شود. نام او نباید با بی تفاوتی و از روی بیفکری قرائت گردد. حتی در دعا تکرار زیاد یا غیر ضروری از آن باید اجتناب گردد. "نام او قدّوس و مهیب است" (مزامیر ۱۱۱:۹). فرشتگان هنگامی که سخن میگویند صورت خود را میپوشانند. حال ما باید با چه نوع حرمتی چنین کنیم که گناهکار و مقصریم!

**کلام او مقدس است** - ما باید برای کلام او حرمت قائل شویم. برای کتاب مقدس باید احترام قائل شویم و برای کاربردهای پست آنرا بکار نبریم یا با بی تفاوتی آنرا حمل کنیم. و کلام و آیات نباید هرگز با استهزاء یا گویش عامیانه و با کنایه نقل قول شود. "هر کلام از خدا پاک و خالص است" و "کلام خداوند کلام طاهر است، نقره مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است". (امثال ۳۰:۵; مزامیر ۱۲:۶).





کودکان باید یاد بگیرند تا به هر کلامی که توسط خداوند بیان شده احترام بگذارند. والدین همواره باید احکام خدا را برای فرزندان خود با اطاعت از احکام و زندگی تحت کنترل خدا بزرگ جلوه بدهند. چنانچه حس قدوسیت احکام والدین را در ید تسلط خود بگیرد بطور حتم شخصیت را با متبدل ساختن جان تغییر خواهد داد.

**مکان عبادت جایی است که خدا حضور دارد-** در هر خانه مسیحی خداوند باید در صبحگاه و شامگاه تجلیل و تکریم گردد زیرا خداوند در آنجا حضور دارد. و از آنجا که احترام و تکریم در رفتار و سلوک آشکار میگردد احساسی که آنرا الهام میکند عمیق میگردد.

**خانه خدا - معبد مقدس اوست-** برای کودکان و نوجوانان خوب است تا مطالعه و تعمق کنند و اغلب آن کلام مقدس را تکرار کنند که نشان میدهد که چگونه مکانی که با حضور خاص خدا مشخص گردیده مورد احترام قرار گیرد. خداوند به موسی از میان بوته مشتعل فرمان داد "کشفهای خود را بیرون بیاور زیرا که زمینی که در آن ایستاده ای مقدس است" (خروج ۳:۵).

یعقوب پس از مشاهده رویای فرشتگان فریاد زد "خداوند در این مکان است و من نمیدانستم... این هیچ نیست جز خانه خدا و اینجا دروازه آسمان است" (پیدایش ۲۸:۱۶, ۱۷). خداوند در معبد مقدس خویش میباید: همه ساکنان زمین در محضرش سکوت اختیار کنند" (حقوق ۲:۲۰). بسیاری ارزش واقعی قدوسیت امور سرمدی را درک نمیکند. تقریباً همه نیاز است تا یاد بگیرند که چگونه در خانه خدا رفتار کنند. والدین نه تنها باید تعلیم دهند بلکه فرمان دهند تا فرزندانیشان به مکان مقدس عبادت با متانت و احترام وارد شوند.

**نگارید تا بی تفاوتی و بی مبالاتی رشد کند-** از قدوسیتی که به معبد زمینی منضم گردید مسیحیان باید یاد بگیرند که چگونه به مکانی که خداوند با امت خویش ملاقات میکند احترام بگذارند. تغییر بزرگی رخ داده است- نه در جهت مثبت بلکه در جهت منفی، در عاداتها و رسومی که مردم راجع به عبادت مذهبی خود دارند. امور مقدس و گراندردی که ما را با خدا پیوند میدهد تقید خود را در اذهان و قلوب ما بسرعت از دست داده و به پستی گرائیده است. احترامی را که مردم در دوران کهن برای عبادتگاه داشتند- و خدا را در امور مقدس ملاقات

میکردند- بطور وسیعی از دست رفته است. با این وجود خداوند خود دستورالعملی را برای امور خویش مقدر ساخت که فراتر از هر چیزی از ذات فانی دنیوی است.

خانه خدا اغلب بی حرمت شده است و سبت توسط فرزندان معتقدین به سبت مورد هتک احترام قرار گرفته است. در برخی موارد حتی به کودکان اجازه داده شده است تا بدرون محل عبادت وارد شده و بازی و گفتگو کنند و خلق و خوی شیطنت آمیز خود را در هر جلسه ای آشکار کنند جایی که مقدسین باید خدا را در حسن تقدس عبادت کنند. و مکانی که باید مقدس باشد و مکانی که آرامش باید در آن حکمفرما باشد و جاییکه نظم کامل - آراستگی و تواضع باید در آن برقرار باشد به یک بابل کامل تبدیل شده است که همان اغتشاش باشد. این کافی است تا خدا رنجیده خاطر شود و از حضور خود در جمع ما حذر کند.

**ما بیش از عبرانیان دلیلی برای حرمت قائل شدن داریم-** این بسیار درست است که تکریم برای خانه خدا تقریباً از بین رفته است. امور روحانی و مکانها درست تشخیص داده نمیشوند و به چیزهای مقدس و متعالی بها داده نمیشود. آیا انگیزه ای برای پارسایی در خانواده های ما وجود ندارد؟ آیا بدین خاطر نیست که استاندارد عالی روحانی پشت سر گذاشته شده و خاک خورده شده است؟ خداوند مقررات نظم و انضباط را عطا نموده است که برای امت کهن کامل و دقیق بوده است. آیا خصوصیات خدا تغییر کرده است؟ آیا او خدای عظیم و قدیر نیست آنکسیکه بر زمین و آسمان حاکم است؟ آیا برای ما خوب نیست تا اغلب راهنمایی های داده شده توسط خدا که به عبرانیان داده شده است را بخوانیم - و ما که نور هدایت حقیقت عظیم را داریم از آن برای تکریم خانه خدا پیروی کنیم؟ ما دلایل فراوانی داریم ... حتی بیش از یهودیان در عبادت خود باید با فکر و ملاحظه و حرمت گذار باشیم. ولی خصم مشغول بکار است تا ایمان ما را در قدوسیت عبادت مسیحی نابود سازد.

**کلیسا - مکان مقدس و حرم مطهر جماعت -** خانه حرم مطهر خانواده است و صندوق خانه یا خلوتگاهی برای عبادت فردی ولی کلیسا حرم مطهری برای اجتماع است. مقرراتی باید در خصوص زمان ، مکان و طرز عبادت وجود داشته باشد.

**به فرزندان تعلیم دهید تا با احترام و متانت وارد کلیسا شوند-** والدین، معیار و استاندارد مسیحیت را در اذهان فرزندان خویش بالا ببرید و به آنان کمک کنید تا عیسی را در تجربیات



خویش بگنجانند- به آنان یاد دهید تا بالاترین احترام را برای خانه خدا داشته و بفهمند که وقتی وارد خانه خدا میشوند باید با قلبی توأم باشد که آرام و مطیع است با چنین فکری که: خداوند در اینجا حضور دارد و اینجا خانه اوست. من باید افکار پاکی داشته باشم و مقدس ترین نیت ها و انگیزه ها را داشته باشم. من نباید غرور و حسادت و رشک و گمانهای اهریمنی و نفرت یا نیرنگ را در قلب خود داشته باشم چرا که من به محضر مقدس خدا وارد میشوم. این مکانی است که خداوند جلوس خواهد نمود و امت خویش را متبارک خواهد فرمود. آن یگانه مقدس و متعال که با حضور سرمدی خود بر من نظر خواهد نمود و قلب مرا جستجو نموده و پنهانی ترین افکار و کردار زندگی مرا خواهد خواند.

**کودکان در کنار خانواده بمانند-** سلیقه اخلاقی و معنوی عبادت کنندگان در حرم مقدس خدا باید رفیع گردیده- خالص شده و تقدیس شود. این موضوع متأسفانه مورد غفلت واقع گردیده است. از اهمیت آن چشم پوشی گردیده است و در نتیجه بی نظمی و بی حرمتی شایع و متداول گردیده است و خداوند مورد بی حرمتی واقع شده است. وقتی رهبران کلیسا، خادمان و مردم، پدران و مادران نظر و عقیده خود را در این موضوع متعالی نساخته باشند چه توقعی میتوان از کودکان بی تجربه داشت؟ آنان اغلب در گروههایی یافت میشوند دور از چشم والدین که باید مراقب آنان باشند. علیرغم اینکه آنان در محضر خدا هستند و چشمان وی بر آنان دوخته شده است آنان همه چیز را سرسری و بی اهمیت مبینند- نجوا کرده و میخندند و بی تفاوت، بی ادب و بی اعتنا هستند.

**متین و ساکت باید بود-** برای خانه و عبادت خدا احترام قایل شوید و در خلال موعظه با یکدیگر گفتگو نکنید. اگر کسانی که چنین تقصیری میکنند بتوانند ببینند که فرشتگان خدا به آنان نگاه میکنند و کارهای آنان را مینویسند آنان شرمند شده و از خود احساس انزجار خواهند نمود. خداوند مستمعین سراپاگوش و دقیق را میپسندد. این زمانی خواهد بود که مردان خوابیده و دشمن ماشکها<sup>63</sup> را میکارد.

**مانند مکانهای عمومی و معمولی عمل نکنید-** باید نقطه ای مقدس مانند حرم مطهر عهد عتیق وجود داشته باشد که خداوند با امت خویش جلوس کند. آن مکان نباید بعنوان اتاق غذاخوری یا دفتر تجاری در نظر گرفته شود بلکه بطور ساده برای عبادت خدا باشد. وقتی کودکان به مدرسه میروند در همان مکانی که برای عبادت روز سبت جمع میشوند آنان تقدس



مکان را حس نخواهند کرد و اینکه آنان باید با احساس احترام وارد شوند. مکان مقدس و مکان عمومی چنان بهم آمیخته اند که تشخیص آن برایشان مشکل مینماید.

به همین دلیل است که خانه و یا مکان مقدسی برای خدا وقف گردیده و نباید به یک مکان عمومی تبدیل شود و تقدس آن نباید با هم اشتباه شود و یا با احساسات روزانه عام یا کار در هم آمیزد. عابدان در بدو ورود به مکان مقدس باید رفتاری موقرانه و توأم با احترام داشته و باید همه افکار دنیوی و پست را پشت سر بگذارند چرا که این مکانی است که خداوند حضور خود را آشکار خواهد نمود. این سرای عظیم و ابدی خداست بنابراین غرور و اغراض نفسانی، نفاق و خودخواهی و طمعکاری که خداوند آنها بت پرستی خوانده است برای چنین مکانی نامناسب است.

**روح سبکسری نباید آشکار گردد-** والدین این وظیفه شماسست تا فرزندان خود را تحت کنترل کامل قرار دهید و همه انگیزه ها و رفتار شرورانه آنها را مقهور سازید. و وقتی که فرزندان به جلسه ای برده شدند باید به آنان فهمانده شود که در کجا هستند - و اینکه در خانه نیستند بلکه جائیکه خدا با امت خویش ملاقات میکند. و باید ساکت نگاه داشته شوند و از بازی کردن منع شوند و آنگاه خداوند بشما نظر خواهد نمود تا با شما جلوس نموده و شما را برکت دهد.

چنانچه نظم و انضباط در جماعت مقدسین رعایت شود حقیقت تاثیر بهتری بر همه مستمعین خواهد داشت. وقاری که بسیار لازم است تا ترغیب گردد و قدرتی خواهد بود در حقیقت تا اعماق جانرا متلاطم سازد و خرفتی مرگبار بر کسانی که میشوند سایه نخواهد افکند. ایمانداران و بی ایمانان تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. بدیهی خواهد بود که در برخی مکانها تابوت عهد خداوند از کلیسا بیرون برده شده است چرا که احکام مقدس مورد تخطی واقع شده اند و قوت اسرائیل تضعیف گردیده است.

**کودک بر هم زنده آرامش را بیرون ببرید-** فرزند شما باید بیاموزد تا فرمانبرداری کند همانگونه که فرزندان خدا او را اطاعت میکنند. چنانچه این استاندارد ابقا گردد حرف شما همان اعتبار را خواهد داشتند زمانیکه فرزند شما در خانه خدا بیقراری میکند. ولی وقتی که نتوانید کودک آرام کنید و مهار آنان سخت باشد فوراً کودک را از کلیسا بیرون ببرید و این کار نباید با



حرف زدن و دودیدن توام باشد و ذهن شنوندگان را منحرف کند. خداوند با بی تفاوتی شما در اداره فرزندانان در حالیکه در کلیسا هستید بی حرمت میشود.

**با نشان دادن لباس و ظاهر نمایی بی حرمتی تشویق میگردد-** همه باید یاد بگیرند تا در پوشش مرتب و پاکیزه و با انضباط باشند ولی در تزئین آن نباید افراط کنند که کاملاً برای مکان مقدس خدا نامناسب است... همه چیز لباس باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد و بدقت با قواعد کتاب مقدس پیروی شود. مدت کسانی است که به ظاهر دنیا نگاه میکنند و غالباً خود را به کلیسا تحمیل میکنند. کلام خدا باید معیار کلیسا باشد و والدین باید با بصیرت به این موضوع فکر کنند.

**به خادمین - نمایندگان خدا کلیسا احترام بگذارید-** برای نمایندگان خدا در کلیسا احترام قائل شوید - برای خادمین و معلمین و والدین که برای سخنرانی فرا خوانده شده اند و در عوض او کار میکنند. با احترامی که نشان میدهید خداوند را حرمت مینهید.

کودکان بندرت راهنمایی میشوند که خادم سفیر خداست که پیامی که او می آورد یکی از عوامل منتصب خدا در رستگاری جهاناست و اینکه به همه کسانی که فرصت یافته اند تا به آنان دسترسی داشته باشند عطر حیات، حیات می آورد و بوی مرگ، مرگ آور است. با هیچ چیزی که مقدس و مربوط به عبادت خداست نباید بی تفاوتی و لاقیدی رفتار شود. وقتی که کلام حیات گفته شود باید بخاطر داشته باشید که بواسطه خادمین که نماینده او هستند به صدای خدا گوش فرا میدهید. با بی اعتنائی این حرفها را از دست ندهید و چنانچه به آن اعتنا شود گامهای شما را از انحراف به مسیر غلط باز خواهد داشت.

**پاسخگویی والدین نکوهشگر-** والدین مراقب باشید که چه الگویی و چه ایده ای به فرزندان خود میدهید. ذهن آنان تغییر پذیر است و بسادگی تحت تاثیر قرار میگیرد. در خصوص خدمت در خانه خدا چنانچه سخنران نقص دارد مراقب باشید که مبادا به آن اشاره کنید. تنها از کار خوبی که او انجام میدهد گفتگو کنید و از ایده های خوبی که ارائه شده است سخن بگوئید. میتوان بسهولة دید که چرا فرزندان کمتر تحت تاثیر کلام قرار گرفته اند و چرا به خانه خدا کم احترام قائل میشوند. آموزش آنان در این خصوص معیوب بوده است.



ذهنهای ظریف و مستعد جوانان کارهای خادمین خود را با روشی که والدین با آن برخورد کرده اند برآورد میکنند. بسیاری از سرپرستان خانواده عبادت را موضوعی برای انتقاد و نکوهش در نظر میگیرند کمی را تایید و مابقی را محکوم میکنند. بدینسان پیام خدا به انسان مورد انتقاد و پرسش قرار گرفته و موضوع را سبک میکنند. چه تاثیری با این اظهارات نا محترمانه و لاقید بر ذهن جوان گذاشته اید - کتاب آسمانی بتنهایی آنرا آشکار خواهد نمود. فرزندان بسیار سریعتر از والدین این چیزها را میتوانند ببینند و درک کنند. درک اخلاقی آنان به غلط یکجانبه خواهد شد که زمان هرگز آنرا تغییر نخواهد داد. والدین بر سخت دلی اولاد خویش ماتم میگیرند و مشکل خواهد بود تا به خواسته های خدا در حساسیتهای اخلاقی پاسخ گفت. ولی کتابهای آسمانی بی تردید علت واقعی آنرا نشان میدهند. والدین خود از نظر روحانی دگرگون و متبدل نشده اند. آنان با ملکوت یا امور ملکوتی در هماهنگی نیستند. آنان برداشت درستی از احکام و مکان مقدس خدا نداشته اند و چیزهایی را بطور سطحی بفرزندان خویش تعلیم داده اند.

این سوالی است که آیا کسی که برای سالها تحت نفوذ زنگارهای آموزش در خانه بوده آیا هرگز حرمتی برای کار خدا و امور خدا داشته است. این چیزها با احترام باید گفته شود- با مراعات در گویش و با حساسیت زیاد- که بتوانید به همه کسانی که به آنان وابسته هستید آشکار کنید که شما پیام خادمین خدا را بعنوان پیامی که خدا برای شما فرستاده در نظر بگیرید.

**حرمت و نزاکت را تمرین و تکرار کنید تا بعنوان عادت در آید-** جوانان این عصر به آموختن و حرمت گذاردن نیازمندند. مشاهده رفتار بی نزاکت و بی نظم فرزندان بی اعتنای خانواده های مذهبی وحشت آور است که باید در خانه خدا رعایت گردد. در حالیکه خادمین خدا کلام زندگی بخش را به مردم ارائه میکنند برخی در حال خواندن و دیگران نجوا کرده و میخندند. چشمان آنان با توجه به مردم و انحراف به این طرف و آنطرف گناه میوزد. این عادت اگر بدون اینکه مورد بررسی قرار گیرد بحال خود رها شود رشد کرده و بر دیگران تاثیر میگذارد.

کودکان و نوجوانان هرگز نباید از لاقیدی و بی تفاوتی در جلساتی که خدا عبادت میشود احساس مباهات کنند. خداوند با کردار ما همه بی حرمتیها را میبیند و در دفتر اعمال آسمانی ثبت میگردد. او میفرماید "من کردار آنان را میدانم". هیچ چیزی از دیده او مخفی نیست. اگر در هر اندازه ای عادت بی توجهی و بی تفاوتی را در خانه خدا شکل داده اید با تمام توان



تلاش کنید تا آنرا اصلاح کنید. و نشان دهید که عزت نفس و مناعت طبع دارید. حرمت و نزاکت را ممارست کنید تا اینکه بخشی از وجود شما بشود.

## فصل هشتماد و یکم

### هماهنگی و تشریک مساعی خانه و کلیسا

**کار فیض را در خانه شروع کنید-** والدین! کار فیض در کلیسا را از خانه خود شروع کنید. با چنین کاری فرزندانان خواهند دید که شما با فرشتگان آسمان همکاری میکنید. مطمئن شوید که هر روزه متبدیل میشوید. خود و فرزندانان را برای حیات ابدی در ملکوت خدا آموزش دهید. فرشتگان امداد رسانیان توانمند شما خواهند بود. شیطان شما را وسوسه خواهد نمود ولی تسلیم نشوید. حتی کلمه ای نگوئید تا خصم از آن سوء استفاده کند.

حقیقت خالص است و غیر قابل فساد. بگذارید تا در قلبتان ساکن گردد. بگذارید تا عزم هر عضو از خانواده این باشد که من یک مسیحی خواهم بود و در این مدرسه باید شخصیتی را شکل دهم که به من در درجات عالی ملکوت اجازه ورود دهد. من باید برای دیگران کاری کنم که دوست دارم دیگران برایم انجام دهند چرا که تنها کسانی که مسیح را در این جهان آشکار میکنند میتوانند به سرای ملکوت الهی وارد گردند.

زندگی خود را در خانه تا حد ممکن مانند ملکوت کنید. اعضای خانواده فراموش نکنند که در محراب خانوادگی گرد آیند تا برای مردانی که مسئولیت کار خدا را دارند دعا کنند.

آنانی که خانواده های خود را در راه درست حکمرانی میکنند انضباط و احترام را با خود به کلیسا می آورند. آنان صفات رحمت و عدالت را بنمایش میگذارند در حالیکه دست در دست ایستاده اند. آنان به فرزندان خود صفات مسیح را آشکار میکنند. قانون مهر و محبت بر لبهایشان دستورات و اقتدار ایشان را تضعیف نمیکند و فرامین آنان با نافرمانی روبرو نمیشود.



**مدل خانه مدل کلیسا را خواهد ساخت-** هر خانواده ای کلیساست که والدین اداره کردن آن را در دست دارند. اولین توجه والدین باید برای کار برای رستگاری فرزندانشان باشد. وقتی که پدر و مادر بعنوان کاهن و معلم خانواده در کنار مسیح مسئولیت خود را میپذیرند یک تشویق خوب در خانه بکار برده خواهد شد. و این نفوذ مقدس در کلیسا احساس خواهد شد و توسط هر ایمانداري تشخیص داده خواهد شد. بخاطر فقدان پارسایی و تقدس در خانه در کار خدا به اندازه زیادی تأخیر روی میدهد. هیچ انسانی نمیتواند تأثیری را به کلیسا بیاورد که خود در خانه و در رابطه با کار خود اعمال نکرده است.

**رفتار مناسب در کلیسا در خانه آموخته میشود-** خانه مدرسه ای است که همه میتوانند بیاموزند که چطور باید در کلیسا رفتار کنند. وقتی همه اعضای خانواده سلطنتی هستند ادب و نزاکتی واقعی در خانه برقرار خواهد بود. هر عضوی از خانواده در پی خرسند نمودن اعضای دیگر خانواده خواهد بود. فرشتگان خدا که وارثان رستگاری را خدمت میکنند بشما کمک خواهند نمود تا برای خانواده شما الگویی بسازند. بگذارید تا در خانه آرامش وجود داشته باشد و آنگاه در کلیسا آرامش برقرار خواهد بود. تجربیات ارزشمند به کلیسا آورده شده وسایلی خواهند شد تا مهرورزی نسبت بیکدیگر ایجاد گردد. پرخاش و ستیز متوقف خواهد شد. ادب واقعی مسیحانه در میان اعضای کلیسا دیده خواهد شد. جهان از دانش آنان بهره خواهد جست گویی که با عیسی بوده و از وی آموخته اند. چه تأثیری را کلیسا بر جهان خواهد گذارد چنانچه همه اعضا مانند یک مسیحی زندگی کنند.

**چرا در کلیسا ضعف وجود دارد-** بسیاری بنظر فکر میکنند که عدم نزاکت در کلیسا و علاقه به خوشگذرانی بعلت کار شبانی است. درست است کلیسا باید ارشادات و کار شبانی صادقانه ای را تدارک ببیند. خادمان باید با اشتیاق برای جوانانی که خود را به مسیح نسپردند اند کار کنند و همچنین برای دیگران، گرچه نامهای آنان در دفتر کلیسا ثبت است ولی با اینحال بی دین و غیر مسیحانه اند. ولی خادمین کار خود را خوب و صادقانه انجام میدهند با این وجود مقدار آن بسیار کم خواهد بود چنانچه والدین از کار خود قصور ورزند. این همچنین بدلیل فقدان مسیحیت در خانه است که ناشی از فقدان قدرت در کلیساست. وقتی والدین کار خود را بعهده گیرند مشکل خواهد بود تا جوانان را برانگیزیم تا وظیفه خود را حس کنند. چنانچه دین در خانه حکمفرمایی کند آنگاه تأثیر آن به کلیسا خواهد رسید. والدینی که کار خود را برای خدا انجام میدهند نیرویی برای نیکوکاری و امور خیر خواهد بود. هنگامی که آنان فرزندان خود را





مهار نموده و تشویق کنند و آنانرا برای خدا آموزش دهند آنگاه همسایگان خود را با روش زندگی خود برکت میدهند. و کلیسا با کار صادقانه آنان تقویت میشود.

**والدین اهمال کار نمیتوانند کلیسا را به تعالی برسانند-** چنانچه در خانه نافرمانی مجاز شود قلوب فرزندان با ضدیت برای حکومت خدا پر میشود. قدرت روح القدس بی اثر بوده تا قلبهای ایشان را نرم و مقهور سازد. در سالهای بعد تحت شرایط خاص آنان تسلیم انجیل مسیح میگردند- آنان مجبورند تا بطور هولناکی با خواسته های غلط در ستیز باشند تا اراده خدا را اطاعت کنند. اغلب کلیسا از طریق اعضای خویش رنج میبرد زیرا آموزش غلط در کودکی به آنان داده شده است. وقتی که در کودکی بوده اند به آنان اجازه داده شده است تا فریبکاری را ممارست کنند بخاطر اینکه به هدف خود نائل گردند و روحی که مجاز شده بود تا در خانه طغیانگر باشد دوامی نخواهد داشت تا فرمانبرداری به الزامات کلام خداوند را عملی سازد.

**روحانیت با انتقاد و سرزنش زایل میگردد-** وقتی که وسوسه میشود تا با کج خلقی حرف بزنید برای فیض دعا کنید تا در مقابل وسوسه پایداری کنید. بیاد داشته باشید که فرزندان شما وقتی که حرفهای شما را میشنوند حرف های شما را تکرار خواهند کرد. با الگوی خود شما آنان را می آموزید. بیاد داشته باشید که اگر با اعضای کلیسای خود با کج خلقی حرف بزنید در ملکوت نیز با همان زبان سخن خواهید البته گفت اگر اجازه ورود به ملکوت را داشته باشید...

پس از خانواده نوبت کلیساست. تاثیر خانواده بگونه ای خواهد بود که کمک و برکتی برای کلیسا خواهد بود. هرگز با کلام شکایت آمیز و خرده گیری سخن نگوئید. کلیساهایی وجود دارند که در آن روحانیت تقریباً مرده است زیرا روح بدگوئی در آنجا رواج یافته است. چرا با کلام سرزنش و عیب جویی حرف میزنیم؟ سکوت قویترین سرزنش است که میتوانید به کسی بدهید که به تندى و بی ادبانه سخن میگوید. کاملاً سکوت کنید. اغلب اوقات سکوت فصاحت و شیوایی است.

**توجه به جوانان ناموفق-** مردان و زنان جوان که تحت نفوذ خانه نیستند به کسی نیاز دارند تا از آنان مراقبت کند و علاقه به آنان نشان دهد و کسانی که چنین میکنند حقیقتاً کاری برای خدا و رستگاری جانها میکنند مانند کاری که خادم در منبر موعظه میکند. این کار خیرخواهانه بیدریغ برای خیریت جوان چیزی است که خداوند از هر یک از ما میخواهد. چقدر کار



مسیحیان با تجربه باید مشتاقانه باشد تا از شکل گیری عاداتی که به شخصیت آسیب می‌رسانند جلوگیری کند. بگذارید تا پیروان مسیح کلام خدا را برای جوانان جذاب بسازند.

**خادم فرصت خاصی دارد-** در هر فرصت مناسبی، بگذارید تا داستان محبت عیسی برای کودکان تکرار شود. آنگاه هیچ فرصتی را از دست ندهید تا به آنان کمک کنید تا در دانش کلام هوشیار تر شوند. این امر بیش از آنکه درک کنیم کارساز است تا بر ضد خدعه‌های شیطان سدی ایجاد کنیم. چنانچه فرزندان با حقایق کلام خدا زود آشنا شوند مانعی در مقابل بی‌خدایی برپا می‌گردد و آنان قادر خواهند بود تا با کلام بر علیه خصم سخن بگویند که " اینگونه مکتوب است".

**به همان اندازه که در خانه مومن و صادق هستید در عبادت نیز چنین باشید - والدین! بعنوان** معلمین جگر گوشه‌هایتان بدانید که حقیقت باید قدرت کنترل‌کننده‌ای بر ضمیر و فهم شما داشته باشد و بر کلام و اعمال شما تفوق داشته باشد. به همان اندازه که در خانه مومن و صادق هستید در عبادت نیز چنین باشید. به همه کسانی که در خانه هستند صفات و شخصیت خوبی ارائه کنید. فرشتگان خدا حاضرند. توجه داشته باشید که چگونه با اعضای جوانتر خانواده خدا رفتار میشود. دیانتی که در خانه دارید مطمئناً به کلیسا آورده خواهد شد.



## بخش ۱۸

# روز حساب پس دادن

## فصل هشتماد و دوم

### زمان به سر رسیده است

شیطان سپاه خود را فرمانروایی میکند- شیطان سپاه خود را فرمانروایی میکند و آیا ما بطور فردی برای نبرد هولناکی که الساعه پیش روی ماست آماده ایم؟ آیا ما خود و اهل خانواده خود را آماده ساخته ایم تا موقعیت دشمن و سبکهای جنگی او را درک کنیم؟ آیا فرزندان ما میتوانند تصمیم بگیرند که استوار باشند و در هر موضوعی از اصول و وظایف گردنکشی نکنند؟ دعا میکنم که همه ما نشانه های زمان را درک کنیم و خود و فرزندان خود را آماده کنیم که در زمان نبرد، خداوند پناهگاه و مدافع ما باشد.

**برای غافلگیر شدن آماده باشید-** گناه و سرپیچی از حد خود خارج شده است. آشفتگی جهان را پر ساخته است و وحشت عظیم بزودی بر بشریت خواهد آمد. پایان بسیار نزدیک است. امت خدا باید برای آنچه که بزودی او را غافلگیر میکند آماده باشد. زمان ما غنیمت است. ما روزهای بسیار کمی برای آزمون داریم تا خود را برای آینده که حیات جاودان است آماده سازیم.

**بسیاری از خانواده ها آماده نیستند-** الن وایت میگوید: در سبت و یکشنبه در رویاهای شبانه بنظر میرسد که باید شهادتهای خود را نزد مردم بیاورم. در هر دوی این موارد بنظر من آید که در خیمه عظیمی هستم که پر از مردم بود. خداوند برای مردم به من پیامی قاطع داد. مسئولیت من برای خانواده هایمان است که برای ملاقات با خدا آماده نیستند. ماموریت خاص من برای اشاره به مردم برای نیاز جستجوی خدا با هدف مشتاقانه است. والدینی که بواقع



متبدل شده اند، در زندگی خود آنرا آشکار خواهند نمود که آنان زندگی خود را تحت انضباط کلام خدا بیاورند... خطاب به پدران و مادران است که آموزش فرزندان مهمترین کار در زندگی آنان است.

**سوالات جدی برای والدین** - پدران و مادران دفتر اعمال شما چگونه است؟ آیا به امانتی که بشما سپرده شده وفادار بوده اید؟ همانطور که دیده اید فرزندان شما تمایل به پیروی از راههایی دارند که میدانید که در نتیجه آلودگی فکر و گفتار و کردار است آیا ابتدا از خدا مدد جسته اید و خطر را به آنان نشان داده اید؟ آیا به آنان خطر راهی را که خودشان انتخاب کرده اند را اشاره نموده اید؟ مادران آیا از کاری که بشما محول شده قصور ورزیده اید - عظیمترین کاری که تا کنون بشما سپرده شده است؟ آیا از بدوش کشیدن مسئولیتهای خدادادی طفره رفته اید؟ زمان سختی که پیش روی ماست وقتی که غضب خدا بر ناپاک و نامقدس فرود آید آیا فرزندان شما را لعن خواهند نمود بخاطر زیاده روی در نازپروری؟

**والدین باید با این پیام جدید ارشاد گردند** - کسانی که آخرین پیام رحمت را به جهان می آورند باید وظیفه خود را احساس کنند که والدین را در باره دینداری در خانه ارشاد کنند. نهضت عظیم تادیبی آنان باید با ارائه اصول احکام خدا در مقابل پدران و مادران و فرزندان ارائه گردد. همانطور که مطالبات احکام ارائه گردید و مردان و زنان متقاعد شدند تا وظیفه خود در اطاعت را اجرا کنند به آنان مسئولیت تصمیمات ایشان را نشان دهید نه تنها برای خودشان بلکه برای فرزندان شما. نشان دهید که اطاعت از کلام خدا تنها حفاظ در مقابل شرارتهایی است که جهان را به نابودی میکشاند.

**جوانان ما به کمک و تشویق نیاز دارند** - اکنون زمان و فرصتی است که برای جوانان کاری کنیم. به آنان بگوئید که ما اکنون در بحران خطرناکی هستیم و میخواهیم بدانیم که چطور دینداری و خداشناسی واقعی را تشخیص دهیم. جوانان ما به کمک نیاز دارند تا برخیزانده شده و تشویق گردند ولی با روشی درست نه آنگونه که خودشان دوست دارند بلکه در راهی که آنان را کمک کند تا ذهنهایی مقدس داشته باشند. آنان بیش از هر چیز به مذهبی خوب و مقدس نیاز دارند.



**تاخیر نکنید-** حوادث در شرف وقوع، سایه های خود را بر گذرگاه ما افکنده اند. پدران و مادران از شما تقاضا میشود تا با شدت و علاقه برای فرزندانان تلاش کنید. هر روزه آنان را راهنمایی کنید. به آنان تعلیم دهید تا خدا را دوست بدارند و با اصول درست رفتار کنند. با ایمان عالی و اشتیاق و تاثیر الهی روح القدس کار کنید- همین الان کار کنید. این کار را فقط برای یک روز و یک ساعت نکنید.

**کار را کامل انجام بدهید-** والدین قلبهای خود را برای خدا متواضع سازید. این کار را به همراه فرزندان خود تمام و کمال انجام دهید. به خدا التماس کنید تا بی اعتنائی به کلام او را در قصور نسبت به تعلیم فرزندانان در راهی که باید میرفته اند ببخشد. نور هدایت و راهنمایی بطلبید برای ضمیری لطیف و برای بصیرتی زلال که بتوانید اشتباهات و خطایای خود را ببینید. خداوند چنین دعاهایی را از قلبهای متواضع و توبه کار خواهد شنید.

**اعتراف به گناه ممکن است ضروری باشد-** اگر در انجام وظایف خود نسبت به خانواده قصور ورزیده اید گناهان خود را به خدا اعتراف کنید. فرزندان را گرد هم آورید و کوتاهی خود را به آنان بگوئید. به آنان بگوئید که شما میخواهید تا اصلاحاتی را در خانه انجام دهید و از آنان بخواهید تا شما را کمک کنند. برای آنان ارشاداتی را که در کلام خدا یافت میشود بخوانید. با آنان دعا کنید و از خدا بخواهید تا به آنان طول عمر عطا کند و به آنان کمک کند تا خانه ای برایشان در ملکوت تدارک ببیند. در این طریق شما کار اصلاحات را آغاز نموده اید و سپس راه خدا را ادامه دهید.

**به فرزندان خود اطاعت محض را نشان دهید-** کار خاص والدین این است تا احکام خدا را برای فرزندان خود توضیح و اطاعت از آنان را اصرار کنید که بتوانند اهمیت اطاعت از خدا را در تمام روزهای زندگی مشاهده کنند. این کار موسی بود. او به والدین سفارش نمود تا به فرزندان خود نمونه ای از اطاعت محض از فرامین خدا را نشان دهند. و این کاری است که فراتر از همه کارها باید کرده شود. این امر باید با پیام فرشته سوم همراه شود. عذرو بهانه ای برای جهالت نیست که چرا والدین باید از تعلیم فرزندان غفلت کنند که معنی تمرد از احکام چیست. نور هدایت فراوان است و نیازی نیست تا هیچکس در تاریکی راه برود و نیازی نیست تا هیچکس نادان باشد. خداوند برآستی آموزگار ماست همانگونه که در عهد کهن آموزگار فرزندان اسرائیل بود و همه با مقدس ترین التزام باید احکام او را اطاعت کنند.



**برای رستگاری آنان دعا و کار کنید** - فرزندان خود را تعلیم دهید که قلب باید به کنترل نفس و ترک نفس آموخته شود. انگیزه های زندگی باید در هماهنگی و توازن با احکام خدا باشد. هرگز خشنود نباشید که فرزندانتان جدای از مسیح رشد کنند. هرگز احساس آسایش نکنید که حالیکه آنان دلسرد و بی تفاوت هستند. روز و شب نزد خدا فریاد بر آورید. برای رستگاری جانهای فرزندانتان دعا کنید. ترس از خدا آغاز حکمت است. این دلیل اصلی است و شاهین ترازوی شخصیت است. بدون ترس از خدا آنان از ایفای هدف عظیم خلقت باز خواهند ماند.

**بعنوان بنا کننده شخصیت نقش ایفا کنید** - والدین ادونتیستهای روز هفتم باید بیشتر مسئولیتهای خویش را بعنوان بنا کنندگان شخصیت درک کنند. خداوند امتیاز قوت بخشیدن را از طریق تخصیص و کار برای فرزندانشان در پیش روی آنان نهاده است. او میخواهد ببیند که گروهی از جوانان از خانه های ما جمع شده - بخاطر تاثیرات خدایی در خانه هایشان - قلبهای خویش را به تسلیم نموده و به پیش روند تا با زندگی خود خدمات عالیتری برای او انجام دهند. آنان در خانه با ارشادات الهی و تاثیر دعای صبحگاه و شامگاه و الگوئی خداترسی و خدادوستی که از والدین خود گرفته اند آموخته اند تا خود را مانند معلمین تسلیم خدا سازند و آماده شده اند تا بعنوان پسران و دختران وفادار خدمات پسندیده ای را ارزانی او کنند. این قبیل جوانان آماده اند تا به جهان قدرت فیض مسیح را بنمایش بگذارند.

## فصل هشتماد و سوم

### پاداش

**صحنه ترسیمی از روز داوری** - یکبار رویایی داشتم که گروهی کثیر گرد هم آمده بودند و ناگهان آسمان تاریک شد رعد و برق آمد و صدایی عظیم تر غرش رعد کسی میگفت "تمام شد". بخشی از جماعت رنگ پریده شده با شیون و درد فریاد میزدند "آه من آماده نیستم". سوالی پرسیده شد "چرا آماده نیستید؟ چرا از فرصتهایی که بشما داده شد بود استفاده



نکردید؟" با گریه از خواب بیدار شدم. "من آماده نیستم من رستگار نشده ام - از دست رفته ام - از دست رفته ام - ابدیت را از دست داده ام!

از این نظر که مسئولیتی جدی به ما سپرده شده است بگذارید در باره آینده ببیندیشیم که باید بفهمیم که چه کنیم تا با آن روبرو شویم. در آن روز آیا باید با فرو گذاری و تحقیر خداوند روبرو شویم زیرا که رحمت او را با حقیقت و محبت وی نپذیرفته ایم؟ در همایش روز آخر عالم خواهد شنید که محکومیت گناهکاران قرائت میشود. برای اولین بار والدین خواهند آموخت که راز زندگی فرزندانشان چیست. فرزندان خواهند دید چه اشتباهاتی بر علیه والدین مرتکب گردیده اند. رازهای نهفته ای که در سینه ها پنهان بوده است فاش خواهد گردید. آنانی که امور جدی را ببازی گرفتند - از مستی هشیار شده و با واقعیت دهشتناک آن روبرو میشوند.

کسانیکه کلام خدا را خوار شمردند با مولف سروش الهی روبرو خواهند شد. ما نمیتوانیم بدون توجه به روزی داوری زندگی کنیم گر چه در آن تأخیر گردیده ولی حال در شرف وقوع است و به آن شتاب داده شده است. شیپور فرشته بزرگ بزودی زندگان را تکان خواهد داد و مردگان را از خواب بیدار خواهد نمود. در آن روز عادلان از نابکاران جدا خواهند شد همانطور که چوپان گوسفند را از بز جدا میسازد.

**خدا میرسد "فرزندان کجا هستند؟"** - والدینی که از مسئولیت خدادادی خود غفلت ورزیده اند باید برای قصور خود در روز داوری پاسخگو باشند. خداوند آنگاه خواهد پرسید فرزندی که به شما به امانت سپردم تا برای من تعلیم بدهید کجا هستند؟ چرا آنان در دست راست من نیستاده اند؟ آنگاه بسیاری از والدین خواهند دید که محبت نابخردانه چشمانشان را نسبت به خطاهای فرزندان کور کرده بود و آن فرزندان را بحال خود رها کرده تا شخصیت‌های بیقواره ای که مناسب برای ملکوت نیستند بسازند. دیگران خواهند دید که به فرزندانشان توجه و زمانی نداده اند - به آنان محبت و دلسوزی نکرده اند و غفلت ورزی نسبت به وظایفشان آنان را به چنین روزی کشانده است.

والدین چنانچه فرصت خود را از دست بدهید خداوند به حال شما متأثر خواهد شد چرا که خداوند در روز داوری خواهد گفت با گله زیبایی من چه کرده اید؟ فرض کنید که به بهشت



میروید ولی هیچیک از فرزندان آنجا نیستند. چگونه به خداوند خواهید گفت: من اینجا هستم و به همراه فرزندانم که به من سپردی؟ ملکوت قصور والدین را نشان خواهد داد که در دفاتر آسمانی ثبت شده اند.

**خانواده ها از مقابل خداوند عبور خواهند کرد-** وقتی والدین و فرزندان در آخرین زمان حسابدهی روبرو میشوند چه صحنه ای روی میدهد! هزاران فرزندانم که بردگان گناه و شکمبارگی بوده اند که زندگی آنان متلاشی شده بوده رو در روی والدین خود خواهند ایستاد. هیچکس جز والدین مسئول نیست. آیا خداوند این جوانان را به تباهی کشانده است؟ خیر! او آنان را مانند خود ساخت کمی پائین تر از فرشتگان. پس چه کسی خصایل آنان را در زندگی به چنین پستی کشانده است؟ چه کسی شخصیت آنان را تغییر داد تا تحت تاثیر خداوند قرار نگیرند و برای همیشه از حضور او جدا بمانند و آنقدر ناپاک باشند تا جایی در میان فرشتگان پاک و مقدس آسمانی نداشته باشند؟ آیا گناه والدین به فرزندان منتقل شده است- در اغراض و شکمبارگیهای منحرف؟ و آیا کار با مادران خوشگذران با غفلت در تعلیم مناسب ایشان مطابق با الگوئی بوده که به آنان داده شده است؟ همه این مادران از مقابل خداوند عبور خواهند کرد درست همانگونه که هستند.

**در ملکوت تصویری زنده ثبت گردیده است-** والدین و فرزندان بخاطر داشته باشند که روز به روز آنان خصلتی را شکل خواهند داد و سیمای این خصیصه در دفاتر آسمانی ثبت میگردد. خداوند از امت خویش عکس میگیرد درست همانطور که یک عکاس هنرمند از زنان و مردان عکس میگیرد و اشکال چهره را به صفحه ای صیقلی منتقل میسازد. چه نوع عکسی را دوست دارید تهیه کنید؟ والدین به سوال پاسخ دهید؟ چه نوع تصویری را هنرمند هنرمندان در دفاتر آسمانی از شما گرفته است؟ ما باید الان تصمیم بگیریم. از این پس وقتی زمان مرگ فرا رسد زمانی برای راست نمودن خصوصیتهای ناراست وجود نخواهد داشت.

برای ما بطور فردی این امر باید مهمترین موضوع باشد. تصویر شخصیت ما هر روزه برای حال و آخرت گرفته میشود. هر فردی بگوید من تصویر شخصیت (ظاهری - باطنی - روحانی) خود را برای امروز میگیرم و ضبط میکنم. هر روز و هر ساعت از خود بپرسید حرفهای من برای فرشتگان آسمانی چگونه خواهد بود؟ آیا متین و شیرین خواهند بود یا اینکه مانند تگرگ مجروح کننده و کبود کننده هستند؟





نه تنها کلام و اعمال ما بلکه افکار ما تصویر ما را میسازند. پس بگذارید تا هر جانی خوب باشد و خوبی کند. بگذارید تصویری که از شما ساخته شده آنگونه باشد که از آن شرمگین نشوید. هر احساسی را که گرمی بداریم بر سیمای ما تاثیر خواهد گذارد. خداوند بما کمک میکند تا سابقه اعمال ما آنگونه که دوست داریم در دفاتر آسمانی ثبت گردند.

**آیا بی تفاوت و لاقید بوده اید؟-** والدینی هستند که با دقت و با دعا در پی عاقبت بخیری فرزندان خویش هستند. بگذارید تا از خود سوال کنند. آیا ما لاقید بوده ایم؟ آیا از این کار اساسی غفلت ورزیده ایم؟ آیا به فرزندان خود اجازه داده ایم تا بازپچه و سوسه های شیطانی بشوند؟ آیا نباید حساب پس بدهیم بخاطر اینکه به فرزندان خود اجازه داده ایم تا از استعدادهای خود و زمان و نفوذ خود بر علیه حقیقت و مسیح استفاده کنند؟ آیا ما بعنوان والدین از وظیفه خود کوتاهی کرده ایم و به پادشاهی شیطان افزوده ایم؟

اگر مادران نسبت به آموزش مناسب فرزندان خویش غفلت ورزند کوتاهی آنان دوباره به خودشان باز میگردد و رنج و سرگشتگیهای سخت تر از زمانی خواهد بود که بایستی وقف مراقبت صبورانه در آموزش و تربیت فرزندان برای اطاعت و فرمانبردار مینمودند. در آخر مادران اجر خواهند یافت چرا که به شکل گیری خصوصیات فرزندان خود کمک کرده اند و خارها نمیتوانند ریشه دوانیده و محصول فراوانی در پیش رو خواهد بود.

**فرزندان والدین بی وفا را محکوم خواهند نمود-** لعنت خدا مطمئنا بر والدین بی ایمان و بد عهد خواهد بود. نه تنها آنان خارها را میکارند که آنان را در اینجا زخمی خواهد کرد بلکه آنان باید با بدعهدی خود روبرو شوند وقتی که روز داوری فرا رسد. بسیاری از فرزندان در روز داوری برخاسته و والدین خود را محکوم خواهند کرد برای اینکه آنان را محدود و مقهور ساخته اند و باعث تباهی آنان شده اند. دلسوزی غلط و محبت کورکورانه والدین مسبب چشم پوشی از خطاهای فرزندان شده و از آنان بدون اصلاح کردن گذشته اند و فرزندانشان متعاقبا از دست رفته و خون آنان بر گردن والدین بی ایمان آنان است.

**فرزندان، والدین با وفا و ایماندار را ارج خواهند نهاد-** در زمان داوری دفاتر اعمال باز میشوند و داور عظیم خواهد گفت: آفرین و تاج جلال ابدی بر سر ظفرمند خواهد نشست- بسیاری از



افراد تاج خود را برداشته و به مادر خود اشاره خواهند نمود و میگویند او مرا بواسطه فیض خدا این چنین ساخت. راهنمایی او و دعاهای او برای رستگاری ابدی من برکت داده شد.

**نتایج تربیت مومنانه آشکار خواهد گردید-** همه کسانی که با روح متواضعانه شکل گرفتند ثمرات زحمات خود را مشاهده خواهند نمود. کار بیش از هر اصول درست و اعمال شریف دیده خواهد شد. قدری از آن را در اینجا خواهیم دید. ولی نتیجه کمی از کار شرافتمندانه این دنیا در زندگی به کننده آن آشکار خواهد شد. والدین و معلمین برای آخرین خواب خود دراز خواهند کشید- کار زندگی آنان بنظر بیهوده بوده است - آنان نمیدانند که خوش عهدی آنان چشمه های برکت را که هرگز از جاری شدن باز نخواهند ماند باز گردیده تنها با ایمان فرزندان را که تعلیم داده اند میبینند که برکت و انگیزه محرک برای همونوع خود شده اند و تاثیر آن هزاران بار تکرار میشود... مردان بذرهایی را در بالای قبرهای خویش کاشته اند و دیگران برکت درو میکنند. آنان درختانی را کاشته اند که دیگران میوه های آن را میخورند. آنان در اینجا خشنودند که بدانند که کارهای آنان نتیجه خوب و خیر داشته است. در روز پسین عمل و عکس العمل همه اینها دیده خواهد شد.

**والدین فرزندان خود را به سرزمین موعود می آورند-** خداوند اجازه داده است تا از سریر او نور هدایت به مسیرهای زندگی بتابد. ستونهای ابر در روز و ستون آتش در شب در مقابل ما حرکت میکند همانگونه که در مقابل اسرائیل کهن بود. این امتیاز والدین مسیحی برای امروز خواهد بود همانگونه که امتیاز امت خدا در ایام کهن بود تا فرزندان خود را بهمراه خود به سرزمین موعود بیاورند.

شما مستخدمین و اهل خانواده خود را برای خدا میخواهید. شما میخواهید تا آنان را به دروازه های شهر برده و بگوئید پروردگارا من در اینجا هستم و اینهم فرزندانم که بمن سپرده بودی. آنان بزرگ شده و دارای صفات مردانه و زنانه شده اند ولی همه آنان فرزندان تو هستند- و آموزش و مراقبتهای شما توسط خدا برکت داده شده اند تا اینکه بعنوان فاتحان سراپا ایستاده اند. حال میتوانید بگوئید خداوند من و فرزندانم اینجا هستیم.

**زنجیره شکسته خانواده دوباره پیوند خواهد خورد-** عیسی در بین ابرها و با جلال عظیم می آید. جماعتی از فرشتگان نورانی در جوار او خواهند بود. او خواهد آمد تا کسانی را که او را



دوست داشته اند و احکام او را رعایت نموده اند را محترم و تکریم بدارد و آنان را با خود ببرد. او آنان و وعده های خویش را از یاد نبرده است. اعضای خانواده دوباره بهم خواهند پیوست.

**تسلی و آرامش برای مادر داغیده-** شما میخواهید بدانید که جگرگوشه هایان رستگار شده اند. کلام مسیح پاسخ شماست: بگذارید بچه های کوچک بیایند و از آمدن نزد من ایشانرا منع نکنید زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است<sup>64</sup>. نبوت را بیاد بیاورید: خداوند چنین میگوید آوازی در رامه شنیده شد ماتم و گریه بسیار تلخ که راحیل برای فرزندان خود گریه میکند و برای فرزندان خود تسلی نمیپذیرد زیرا که نیستند. خداوند چنین میگوید خداوند می گوید: «صدایی از رامه به گوش رسید، صدای گریه و ماتم عظیم. راحیل برای فرزندان خویش می گرید، آنها از بین رفته اند و او تسلی نمی پذیرفت. دیگر گریه نکن و اشکهایت را پاک کن. آنچه برای فرزند خود کردی، بی پاداش نخواهد ماند. آنها از سرزمین دشمن برمی گردند. به آینده امیدوار باش، فرزندان به وطن برمی گردند. من، خداوند چنین گفته ام<sup>65</sup>.

این وعده متعلق بشماست. شما میتوانید تسلی یابید پس بخدا توکل کنید. خداوند اغلب مرا راهنمایی نمود که بسیاری از این بچه های کوچک در زمانی که مصیبت فرا رسد در خواهند گذشت. ما میتوانیم فرزندان خود را دوباره ببینیم. ما میتوانیم دوباره در تالارهای آسمانی آنانرا ملاقات نموده و آنانرا خواهیم شناخت. به خدا اعتماد کنید و نگران نباشید.

**فرزندان به دستان مادران آورده خواهند شد-** چه رستگاری شگفت انگیزی! چه بسیار از آن سخن گفته شد چه بسیار به آن امید بسته شد و با انتظار مشتاقانه به آن تفکر گردید ولی هرگز کاملاً فهمیده نشد. عادلان زنده تغییر یافتند " در یک آن و بر یک چشم بهم زدند ". با ندای خداوند آنان جلال یافتند و حال زندگی ابدی یافته و با مقدسین برخاسته از مرگ به آسمان برای ملاقات با خدا برده میشوند. فرشتگان برگزیدگان را از بادهای اربعه از کران تا بکران فلک فراهم خواهند آورد<sup>66</sup>. فرشتگان مقدس بچه های کوچک را برای مادران خواهند آورد. دوستانی که برای مدتها طولانی بواسطه مرگ از هم دور افتاده بودند بهم میپیوندند و بیش از این از هم جدا نخواهند شد و با آوازی شادمانی بهمراه یکدیگر به شهر خدا صعود خواهند نمود.



**روز طولانی که امیدوار بودیم-** از روزیکه اولین زوج از باغ عدن با اندوه به بیرون قدم گذاشتند فرزندان ایمان منتظر آمدن آن فرد موعود بوده تا قدرت ویران کننده را نابود سازد و آنانرا دوباره به فردوس از دست رفته ببرد.

اگر رنج را تحمل کنیم بدست آوردن ملکوت ساده خواهد بود ... وقتی که دیدم که چگونه باید باشیم تا وارثان جلال باشیم و آنگاه دیدم عیسی چقدر رنج کشید تا ارثیه گرانها را نصیب ما سازد دعا کردم که باید در رنج مسیح تعمید یابیم و نباید در آزمونها عقب بنشینیم بلکه آنها را با صبوری و خوشی تحمل کنیم بدانیم که برای چه عیسی رنج برد که از طریق فقر و رنجهای او غنی و ثروتمند گردیم.

**بهشت ارزش همه چیز را دارد-** بهشت ارزش همه چیز را برای ما دارد. ما نباید برای این موضوع مخاطره کنیم. باید بدانیم که گامهایمان توسط خدا تنظیم شده است. انشالله که خداوند در این کار برای غلبه یافتن بما کمک کند. او برای ظفرمندان تاج هایی را تهیه نموده است. او ردهای سفیدی را برای عادلان تدارک دیده است. او جهان ابدی با شکوهی را برای آنانیکه در پی شکوه و جلال و افتخار و ابدیت هستند آماده ساخته است. هرکسیکه وارد شهر خدا شود بعنوان یک فاتح وارد آن شده است. او مانند یک محکوم جنایتکار وارد نمیشود بلکه بعنوان فرزند خدا شرف حضور می یابد. و به هر کس که وارد شود خوش آمد گفته خواهد شد: " ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید! بیایید و وارث سلطنتی شوید که از ابتدای آفرینش عالم برای شما آماده شده است." متی ۲۵:۳۴.

**سهم برندگان خوشی مسیح-** همراهان فرشتگان را در هر جهت دروازه میبینیم و وقتی وارد میشویم عیسی میگوید ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید! بیایید و وارث سلطنتی شوید که از ابتدای آفرینش عالم برای شما آماده شده است. او بشما میگوید تا در خوشی او سهیم شوید و آن چه چیزی است؟ این خوشی دیدن مشقت جانهای شما و پدران است. این مشاهده خوشی تلاشهای مادران است که اجر یافته اند. این هم فرزندان شما که تاج حیات بر سر آنان است و فرشتگان خدا نامهای مادرانی را که با تلاش خود فرزندانشان را بسوی مسیح رهنمون شده اند را جاودان خواهد ساخت.



**روز باشکوه پیروزی -** حالا کلیسا در کشمکش است. حال با جهان در تاریکی روبرو شده ایم که تقریباً همه چیز خود را به بت پرستی سپرده است... ولی روزی خواهد آمد که نبردی در آن خواهد بود و در آن ظفر خواهد بود. اراده خدا بر زمین همانگونه که در آسمان است کرده خواهد شد... همه خوشحال خواهند شد - خانواده های بهم پیوسته که با جامه های حمد و سپاس پوشیده شده اند - ردای عدالت مسیح. همه طبیعت با چیزهای دوست داشتنی بیش از پیش خدا را حمد و ستایش خواهند گفت. جهان با نور آسمان شسته خواهد شد. نور ماه مانده نور خورشید خواهد شد و نور خورشید هفت برابر بزرگتر از حال. سالها با خوشی سپری خواهد شد. در صحنه نمایش ستاره های صبح با هم سرود خواهند خواند و پسران خدا از خوشی فریاد خواهند زد در حالیکه خداوند و مسیح متحداً اعلان خواهند نمود: نه دیگر گناهی وجود خواهد داشت و نه دیگر مرگی.

این روایات باشکوه آینده صحنه هایی هستند که توسط دستهای خداوند بنایش گذاشته شده اند و برای فرزندان وی گرانقدر خواهند بود. ما باید برای همیشه این صحنه های امور نادیده را در پیش رو داشته باشیم. و بدینسان قادر خواهیم بود تا ارزش درستی را در امور ابدی و امور زمان بیابیم. و به ما قدرت داده خواهد شد تا برای زندگی متعالی تر دیگران نفوذ داشته باشیم.

**آیا خداوند آفرین خواهد گفت؟** وقتی که در مقابل بارگاه عظیم می ایستید آنگاه کار شما همانگونه که هست پدیدار خواهد شد. دفاتر باز خواهند شد سوابق همه زندگی عیان خواهد گردید. بسیاری در این انبوه عظیم برای مکاشفات می آیند که میشود آماده نیستند. و در گوشه های برخی کلامی تکان دهنده و واضح خواهد نشست: در ترازو وزن شدی و ناقص در آمدی<sup>67</sup>. در آن روز داور به والدین خواهد گفت که کلام مرا داشته ای که وظایف را برایت تشریح کرده بود. چرا از تعلیم آن اطاعت نکردی؟ آیا نمیدانستی که آن ندای خدا بود؟ آیا به تو امر نکردم که کلام را جستجو کن و سرگردان نخواهی شد؟ تو نه تنها جان خود را تباه کردی بلکه با وانمود کردن به خداپرستی و دینداری بسیاری را منحرف ساختی. از من سهمی نخواهی یافت. دور شو! دور شو!

گروه دیگری رنگ پریده و لرزان ایستاد به مسیح توکل دارند و با این حال با حالتی از ناشایستگی خود پریشانند. آنان با اشک و شادی و سپاسگزاری توصیه سرور خود را میشوند. روزهای محنت متوالی از تحمل رنج و ترس و اندوه فراموش میشوند هنگامی که ندا دلپذیر تر



از نغمه چنگ فرشتگان میگوید: آفرین ای خادمان با وفا و خوب وارد خوشی خداوند بشوید. در آنجا سپاهی از رهایی یافتگان ایستاده و شاخه های نخل پیروزی در دست دارند و تاجی بر سر نهاده اند. اینها کسانی هستند که با کار صادقانه و پشتکار شایسته نائل شدن به ملکوت گردیدند. کارهایی که در زندگی انجام دادند در تالارهای ملکوت آفرین گفته خواهد شد.

با خوشی زایدالوصفی والدین تاج و ردا و چنگهایی که به فرزندانشان داده شده است را میبینند. روزهای امید و ترس خاتمه یافته است. بذرهای کاشته شده با دعا و اشک ممکن است بیهوده بنظر بیاید ولی سر انجام محصول آن با خوشی جمع آوری خواهد شد. فرزندان آنان با خرید شده و رها گردیده اند. پدران و مادران! آیا صداهای فرزندانتان با سرودهای شادمانی در آن روز طنین خواهد افکند؟



## توضیحات:

۱. ص. ۸. (با توجه به اینکه چنین سیستمی در ایران یا افغانستان و یا تاجیکستان متداول نیست کلاس اول که در بالا اشاره شد را دوره پیش مقدماتی یا پیش دبستانی در نظر بگیرید که بهتر است در خانه انجام شود).
۲. ص. ۹. ناصره شهری بود که عیسی در آنجا بزرگ شد. بهمین جهت گاهی اوقات او را عیسی ناصری نیز خطاب میکردند.
۳. ص. ۲۱. در اینجا منظور کتابها و انتشارات مسیحی است که شامل داستان های کتاب مقدس - داستانهای زندگی مسیحی و بهداشت و تغذیه میگردد.
۴. ص. ۲۳. بره ها بعنوان کودکان و گوسفندان بعنوان بزرگتر ها تعبیر میشوند. در کتاب مقدس موارد زیادی از عبارات تمثیلی بکار برده شده است. گله گوسفندان همان جماعت خدا هستند و شبان نیز عیسی مسیح است که گله را رهبری میکند. مزبور بیست و یکم را بخوانید.
۵. ص. ۳۸. منظور در اینجا شهادت دادن و تصدیق کردن و شاهد مدعا بودن است.
۶. ص. ۴۱. وقتی مسیح توسط شیطان مورد آزمون قرار گرفت گفت "خدا فرموده است". معیار ما باید معیار الهی باشد و نه انسانی.
۷. ص. ۴۱. ماموریت الهی خانه همان کاری است که توسط خدا به والدین واگذار گردیده است.
۸. ص. ۴۱. رسالت همان ماموریت الهی است.
۹. ص. ۴۲. منظور خواسته خداست.
۱۰. ص. ۴۵. منظور اردوی کلیسایی است که خانواده ها و فرزندان شان در جمع کلیسایی در مناطقی اردو زده و به مشارکت میپردازند.
۱۱. ص. ۴۶. اشاره به خطای آدم و حوا بود که از دستور خدا سرپیچی کرده و میوه ممنوعه را خوردند.
۱۲. ص. ۵۲. خدمتگزاران خدا هر یک ماموریتی دارند. فردی مبلغ و مبشر میشود و فردی دیگر معلم ... و فردی نیز در خانه خود ماموریت دارد که کار خدا را انجام دهد که همانا تربیت فرزندان است.



۱۳. ص. ۷۴. در اینجا اشاره به حکایت مسیح در باره ناظر و مباشر بی وفا و بی انصاف است. (لوقا ۱۶: ۱-۱۳)
۱۴. ص. ۷۵. مباشر بی انصاف (لوقا ۱۶: ۱-۱۳)
۱۵. ص. ۷۵. تکنولوژی ارتباطات امروزی برای بشر هم نعمت آورده و هم لعنت. کامپیوتر نوعی اعتیاد برای مردم بوجود آورده تا حدی که مردم بدون توجه به زمان ساعتها از وقت خود را پشت کامپیوتر تلف میکنند بدون اینکه کار مفیدی انجام داده باشند. اگر هم اینک یکی از قربانیان اعتیاد به کامپیوتر هستید برگه ای را روی کامپیوتر خود بچسبانید که روی آن نوشته شده باشد: (اول کار بعد خانواده بعد نظافت بعد مطالعه بعد استراحت بعد... و اگر فرصتی باقیمانده بود زمانی برای خواندن ای میل و اخبار آنهم نه بیشتر از نیم ساعت. اگر اسیر کامپیوتر شده اید و راهی برای رهایی نمی یابید قبل از اینکه دچار کمر درد و سوء هاضمه و ضعف چشم یا سکت قلبی و مغزی بشوید لطفاً به روانشناس مراجعه کنید)
۱۶. ص. ۷۶. نظر به اینکه گاهی اوقات افراد دچار عدم تعادل میشوند چاره کار این است که صبح زود حد اقل نیم ساعت را به ورزش و نرمش اختصاص دهید تا هم خون در شریانها به جنبش در بیاید و هم اینکه عضلات و مفاصل در تحرک کار انقباض و انبساط را خوب انجام داده و در نتیجه در انجام کارها هم سرعت خواهید یافت و هم تعادل از دست رفته خود را باز خواهید یافت.
۱۷. ص. ۱۰۱. اشاره به (اول قرنتیان ۳: ۱۶-۱۷) آیا نمیدانید که جسم شما معبد خداست و روح القدس در آن ساکن است؟
۱۸. ص. ۱۰۹. مباشر ناصالح ، اشاره به کتاب لوقا ۱۶: ۱-۹
۱۹. ص. ۱۱۲. بت مولک (لاویان ۲۱: ۱۸؛ لاویان ۲: ۲۰-۵؛ اول پادشاهان ۱۱-۷؛ دوم پادشاهان ۱۰: ۲۳).
- مولک بت کهن مردمی از نژاد سام بن نوح بود. بطور دقیقتر مولک بت فنیقیان و عمونی ها بود و نام فرزند خاصی بود که برای بت مولک قربانی میشد. در زبان انگلیسی مدرن کاربرد کلمه مولک اشاره به هر شخص یا چیزی است که فداکاری هنگفتی میطلبد.
۲۰. ص. ۱۱۳. ستونهای ابر. (خروج ۲۲-۲۱: ۱۳).
۲۱. ص. ۱۱۵. اشاره به اعمال رسولان ۱۱: ۱۷ و اشعیا ۱۰: ۲۸.
۲۲. ص. ۱۱۵. غلاطیان ۶: ۷. همچنین حافظ شیرازی میسراید: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو- یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو. همچنین در ابیات دیگری میسراید: عیب رندان





- مکن ای زاهد پاکیزه سرشست - که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت - من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش - هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.
- ۲۳.ص. ۱۱۵. مزمور ۶: ۱۲۶.
- ۲۴.ص. ۱۱۶. لوقا ۴۰: ۲؛ ۸۰: ۱؛ ۵۲: ۲.
- ۲۵.ص. ۱۱۹. اول پادشاهان ۴۸: ۲۲. طلای خالص شهر اوفیر مشهور بود. اوفیر منطقه ای در طبریه امروزی بود که در کرانه غربی دریای جلیل - جلیل سفلی و در اسرائیل واقع است.
- ۲۶.ص. ۱۲۱. دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) تاریخ شناس و فیلسوف اسکاتلندی.
- ۲۷.ص. ۱۲۱. والتیر (۱۷۷۸-۱۶۹۴) نام مستعار نویسنده و Francois-Marie Arouet فیلسوف فرانسوی بنام
- ۲۸.ص. ۱۲۲. پیدایش ۳۹: ۹۲.
- ۲۹.ص. ۱۲۳. بجاست سروده ای از لقمان حکیم در این باب آورده شود:
- آهنی را که موربانه بخورد... نتوان برد از آن به صیقل زنگ - با سیه دل چه سود گفتن وعظ... نرود میخ آهنین در سنگ.
- ۳۰.ص. ۱۲۳. پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت نا اهل را چون گرکان بر گنبد است. سعدی شیرازی<sup>31</sup>



- ۳۱.ص. ۳۷۶. سطر قبل. سعدی را باید مبرز ترین مربیان و معلمان اخلاق ایران خواند. چنانکه او می گوید مسایل اخلاقی تربیتی را نه به عنوان موعظه کننده بلکه تلاش کرده است تا مفاهیم و محتوای زیبای اخلاقی را با تکیه بر قدرت معنوی انسانها مورد ارزیابی قرار دهد و هدفش در این راه تربیت انسانهای نمونه و جامعه ای که اگر فاصله نباشد، لا اقل سالم و دور از نقص عمده باشد. موارد تعلیمی سعدی که در آثارش بوفور آشکار است، همه قسمتهایی را شامل می شود که مقصود آنها «آموختن» باشد. از قبیل علم، فلسفه، اخلاق و علوم اجتماعی.
- سعدی در دو کتاب «گلستان» و «بوستان» یک دوره حکمت عملی را گنجانیده که اسلوب او نه تنها در زبان فارسی بلکه در دیگر زبانها تازگی دارد. از نکات اخلاقی که در قالب پند و اندرز و در کسوتی از الفاظ دلنشین و اشعاری نغز بیان می کند.
- ۳۲.ص. ۱۳۲. یوحنا ۱: ۹.





۳۳.ص.۱۳۷. امثال سلیمان ۱:۱۰

۳۴.ص.۱۴۰. مکاشفه ۲۲:۱۴

۳۵.ص.۱۴۶. این عبارت بصورت تمثیلی بکار رفته و بدین معنی است که از راههای سختگیرانه بجای اندرزه‌های کلام خدا استفاده کنند. ولی بیش و بصیرتی را که همه والدین باید داشته باشند نشان میدهد که راههای خدا بهترین هستند و تنها راه ایمن و شادی افزا در اطاعت از اراده او یافت میشود.

۳۶.ص.۱۴۷. اشاره به کتاب یوشع ۷:۱۹-۲۵: آنگاه یوشع به عخان گفت: «فرزندم، خداوند خدای اسرائیل را تجلیل و تمجید کن و راست بگو که چه کرده ای. چیزی از من پنهان نکن.» عخان جواب داد: «به راستی من در برابر خداوند خدای اسرائیل گناه کرده ام و کار بدی که از من سر زده است، این است: از بین اموال غنیمت، یک ردای زیبای بابلی، صد تکه نقره و یک شمش طلا، به وزن پنجاه تکه نقره دیدم و از روی طمع آنها را برداشتم و در چادر خود، در زیر خاک پنهان کرده ام. و نقره زیر همه قرار دارد.» یوشع چند نفر را فرستاد و آنها به طرف چادر دویدند و دیدند که به راستی همه چیزها را در چادر درحالی که نقره در زیر همه قرار داشت، پنهان کرده بود. آنها را از چادر نزد یوشع و مردم اسرائیل آوردند و به حضور خداوند قرار دادند. پس یوشع همراه همه مردم اسرائیل، عخان پسر زارح را با نقره، ردا، میله طلا، پسران، دختران، گاوها، الاغان، گوسفندان، چادر و همه دارایی اش گرفته در دشت عخور آوردند. یوشع به عخان گفت: «چرا این همه مصیبت را بر سر ما آوردی؟ حالا خداوند، تو را به مصیبت گرفتار می کند!» آنگاه همگی عخان را همراه با فامیلش سنگسار کردند و بعد همه را در آتش سوزانیدند.

۳۷.ص.۱۵۳. غلاطیان ۶:۹

۳۸.ص.۱۶۵. افسسیان ۶:۴

۳۹.ص.۱۶۷. مزامیر ۸۵:۱۰

۴۰.ص.۱۶۸. اعمال رسولان ۱۰:۲

۴۱.ص.۱۷۱. متی ۱۱:۲۹

۴۲.ص.۱۷۸. کولسیان ۳:۲۱

۴۳.ص.۱۹۰. سلیمان ۲۲:۶

۴۴.ص.۱۹۵. تثنیه ۶:۶-۹

۴۵.ص.۲۲۱. لوقا ۲:۴۰



- ۴۶.ص.۲۳۲. مزامیر ۱۳۹:۱۴
- ۴۷.ص.۲۶۵. داوران ۱۳:۱-۴
- ۴۸.ص.۲۶۹. متی ۶:۲۸
- ۴۹.ص.۲۷۴. برای کسانی که آگاه نیستند یادآور می‌شوم که در قدیم در اکثر کشورها حتی ایران یقه های سفیدی از تور یا پارچه و یا کاموا درست میشد و مردم و خصوصا بچه مدرسه ای ها آنرا میبستند.
- ۵۰.ص.۲۷۵. اوفیر در کتاب مقدس منطقه ای بود که ثروت آن شهره آفاق بود.
- ۵۱.ص.۲۹۰. اول قرنتیان ۶:۱۹-۲۰
- ۵۲.ص.۲۹۰. در اینجا اشاره به مرحومه الن وایت است.
- ۵۳.ص.۲۹۲. مزامیر ۵:۴, ۵
- ۵۴.ص.۲۹۴. متی ۱۲:۳۴
- ۵۵.ص.۲۹۵. یوشع ۲۴:۱۵
- ۵۶.ص.۳۱۴. لوقا ۲۷:۱۳ همچنین متی ۲۵:۱۲
- ۵۷.ص.۳۱۸. متی ۱۱:۲۹
- ۵۸.ص.۳۲۰. متی ۱۹:۱۴
- ۵۹.ص.۳۲۶. یوحنا ۱۵:۷
- ۶۰.ص.۳۴۰. مزامیر ۹۵:۱, ۲
- ۶۱.ص.۳۴۲. تثنیه ۶:۷
- ۶۲.ص.۳۴۳. متی ۳:۱۷
- ۶۳.ص.۳۵۵. ماشک گیاهی است مانند گندم که در مزارع روئیده و جزو علفهای هرز محسوب میشود.
- ۶۴.ص.۳۷۱. متی ۱۹:۱۴
- ۶۵.ص.۳۷۱. ارمیا ۳۱:۱۵, ۱۶
- ۶۶.ص.۳۷۱. متی ۲۴:۳۱
- ۶۷.ص.۳۷۳. دانیال ۵:۲۷